زبان عمومی
آزمون
دکتری

و آزمون‌های زبان عمومی
دانشگاه‌های مختلف کشور

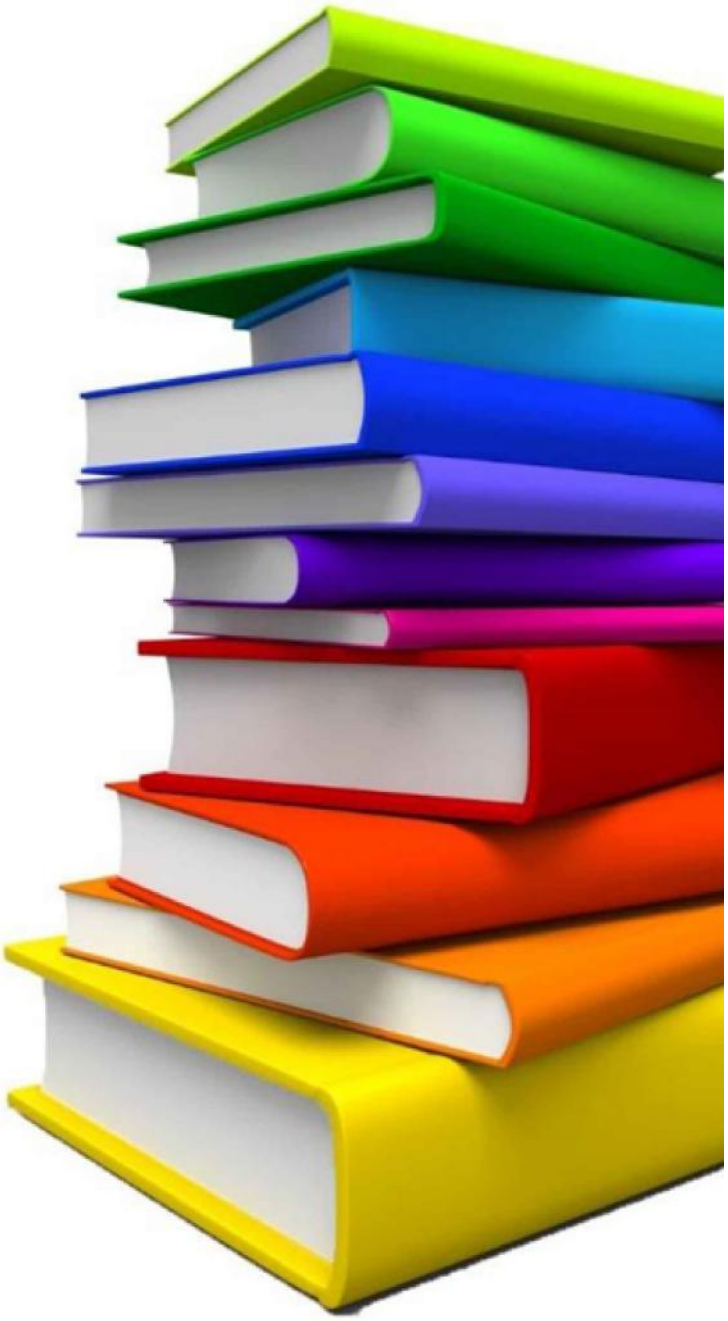

۱. نکات مهم گرامری در آزمون‌های زبان عمومی
۲. نحوه پاسخگویی به سؤالات درک مطلب

به همراه پاسخ‌های تشریحی
آزمون دکتری سال‌های
۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷

پی‌اچ‌دی تست؛ نخستین وب‌سایت تخصصی آزمون دکتری

مقدمه

کتاب «زبان عمومی آزمون دکتری» با هدف ایجاد آمادگی در داوطلبان کنکور دکتری نیمه‌متمرکز سراسری تدوین و نگارش یافته است که هر ساله از سوی همکاران وب‌سایت پی‌اچ‌دی تست مورد بازبینی و تصحیح قرار می‌گیرد و ضمن ارائه سؤالات و پاسخ‌های تشریحی آزمون دکتری در هر سال، تلاش می‌شود تا با توجه به نظرات خوانندگان عزیز، مباحث مورد نیاز به کتاب افزوده شده و نحوه نگارش مطالب نیز مورد بازبینی قرار گیرد.

نسخه حاضر به عنوان آخرین نسخه از کتاب زبان عمومی آزمون دکتری شامل سه بخش مجزا است:

در بخش نخست که به مباحث گرامری اختصاص یافته، تلاش شده است تا تمام مباحث مهم گرامری مورد نیاز داوطلبان آزمون دکتری پوشش داده شود و با ارائه مثال‌های کاربردی و مفید، موضوعات مختلف تشریح گردد.

بخش دوم کتاب به آموزش شیوه‌های پاسخگویی به سؤالات درک مطلب پرداخته است. از جمله ویژگی‌های ممتاز نسخه جدید کتاب، ارائه ۲۰ نمونه متن درک مطلب با پاسخ‌های تشریحی است که می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در کسب آمادگی داوطلبان آزمون دکتری داشته باشد. تلاش زیادی شده است تا با دقت فراوان و مشاوره با اهل فن، متونی انتخاب گردد که هم‌سطح سؤالات آزمون دکتری باشند.

در بخش‌های بعدی کتاب نیز سؤالات و پاسخ‌های تشریحی سؤالات زبان عمومی آزمون‌های دکتری نیمه‌متمرکز سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ ارائه شده است. پاسخ‌های مطرح شده به گونه‌ای است که داوطلبان با مطالعه آن‌ها ضمن آشنایی با سبک طرح سؤالات در سال‌های گذشته، نکات مهم مباحث گرامر و درک مطلب را نیز فرا گیرند.

امیدواریم توانسته باشیم منبعی جامع و کامل برای آزمون زبان دکتری و دیگر آزمون‌های زبان کشور تقدیم شما عزیزان نماییم. همچون گذشته معتقدیم این کتاب با بهره‌گیری از نظرات گران‌قدر شما خوانندگان عزیز به ثمر رسیده است و با استمرار این نظرات بالنده‌تر خواهد شد. به خوانندگان عزیز توصیه می‌کنیم با عضویت در «خبرنامه دکتری» از انتشار نسخه‌های بعدی این کتاب و نیز کتاب‌های دیگر وب‌سایت پی‌اچ‌دی تست مطلع گردند.

در پایان ضمن تشکر از کلیه دوستان عزیزی که یار و همراه ما در نگارش و تدوین کتاب بودند، سپاس ویژه خود را تقدیم می‌کنیم به آقایان و خانم‌ها راهگان، بشیری، محمدی، کردلو، شاکری و زمانی و برایشان آرزوی توفیق و سربلندی داریم.

از کلیه خوانندگان عزیز خواهشمندیم در صورت رضایت از مطالب کتاب با ارسال آن به دوستان خود و یا قرار دادن لینک صفحه دانلود در وبلاگ‌ها، امکان استفاده افراد دیگر را نیز فراهم نموده و ما را در اطلاع‌رسانی بهتر یاری رسانند. پیشاپیش از همکاری شما سپاسگزاریم.

آخرین اخبار و اطلاعات آزمون دکتری

دانلود دفترچه های ثبت نام و انتخاب رشته

سوالات آزمون دکتری

معرفی منابع آزمون دکتری

دانلود منابع آزمون دکتری

لینک وب سایت
پی اچ دی تست

پی اچ دی تست!

نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

فهرست

عنوان | صفحه

بخش نخست: نکات مهم گرامری در آزمون‌های زبان عمومی.....۱

۱- زمان حال.....۲

حال ساده.....۲

حال استمراری.....۳

حال کامل.....۴

➢ حال کامل ساده (ماضی نقلی).....۴

➢ حال کامل استمراری.....۶

➢ مقایسه حال کامل ساده و استمراری.....۷

۲- زمان گذشته.....۸

گذشته ساده.....۸

گذشته استمراری.....۸

گذشته کامل (بعید).....۹

➢ گذشته کامل ساده.....۹

➢ گذشته کامل استمراری.....۱۰

۳- زمان آینده.....۱۱

استفاده از زمان حال با معنای آینده.....۱۱

آینده ساده.....۱۱

آینده نزدیک.....۱۲

آینده استمراری.....۱۳

آینده کامل ساده.....۱۴

آینده کامل استمراری.....۱۴

آینده در گذشته.....۱۴

جمع‌بندی زمان افعال.....۱۵

۴- افعال حالت (STATE VERBS).....۱۷

۵- جملات مجهول.....۱۹

جمع‌بندی افعال مجهول.....۲۱

۶- عادت داشتن.....۲۲

used to.....۲۲

be used to.....۲۲

get used to.....۲۲

۷- احتمال و اطمینان.....۲۳

۸- توانایی.....۲۵

can.....۲۵

could.....۲۵

could have done.....۲۶

۹- اجبار ۲۷
must و have to ۲۷
should ۲۸
need ۲۹
۱۰- جملات آرزویی ۳۰
۱۱- جملات سؤالی ۳۱
۱۲- نقل قول مستقیم و غیرمستقیم ۳۳
۱۳- جملات شرطی ۳۵
شرطی نوع اول ۳۵
شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی) ۳۵
شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی) ۳۶
شرطی آمیخته ۳۷
۱۴- جملات سببی ۳۸
جملات سببی مجهول ۳۸
جملات سببی معلوم ۳۸
۱۵- ضمایر ۳۹
ضمایر ملکی ۳۹
ضمایر انعکاسی ۳۹
ضمایر موصولی ۴۰
ضمایر موصولی در یک نگاه ۴۱
۱۶- تطابق فعل و فاعل ۴۲
۱۷- تطابق اسم و ضمیر ۴۳
۱۸- اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش ۴۴
۱۹- شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید ۴۵
some و any ۴۵
a lot of, lots of, plenty, many, much ۴۶
a little, a few ۴۶
enough ۴۷
too ۴۷
all ۴۸
whole ۴۹
most ۴۹
half ۴۹
no ۴۹
none ۵۰
both ۵۰
either, neither ۵۰
each ۵۱
every ۵۲

other, another, each other, one ۵۳
so ۵۴
such ۵۴
جمع‌بندی شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید ۵۵
➢ EXERCISES ۵۸
۲۰- افعالی که TO یا ING می‌گیرند ۶۰
➢ EXERCISES ۶۱
۲۱- صفت ۶۲
صفت‌های فاعلی و مفعولی ۶۲
صفت‌های عالی و تفضیلی ۶۲
صفت‌های تفضیلی مضاعف ۶۳
۲۲- قید ۶۴
۲۳- ساختارهای موازی ۶۵
➢ EXERCISES ۶۷
۲۴- قیود همسان‌کننده ۶۸
۲۵- اسم‌های غیرقابل شمارش با عبارات توصیفی ۶۹
➢ EXERCISES ۷۱
۲۶- جمله‌واره‌ها ۷۳
خلاصه کردن جمله‌واره‌ها ۷۶
۲۷- ساختارهای بدون فاعل ۷۸
۲۸- جابه‌جایی فعل و فاعل ۷۹
۲۹- حروف تعریف ۸۱
۳۰- حروف اضافه ۸۲
۳۱- تفاوت‌ها ۸۳
تفاوت بین make و do ۸۳
تفاوت بین like، alike، unlike و dislike ۸۴
تفاوت بین other، another و others ۸۴
تفاوت بین would rather و had better ۸۴
➢ EXERCISES ۸۶
۳۲- حشو (REDUNDANCY) ۸۸
➢ EXERCISES ۸۹
بخش دوم: نحوه پاسخگویی به سؤالات درک مطلب ۹۰
سؤالات درک مطلب ۹۱
➢ سؤالات چهارگزینه‌ای ۹۲
➢ سؤالات چند گزینه‌ای ۹۴
➢ سؤالات کوتاه پاسخ ۹۴
➢ سؤالات کامل کردنی ۹۴
➢ سؤالات جورکردنی ۹۴
➢ سؤالات درست/غلط/داده نشده ۹۵

انواع پاراگراف ۹۵
چگونه معنای یک کلمه را حدس بزنیم؟ ۹۶
نمونه درک مطلب ۹۸
پاسخ تشریحی درک مطلب ۱۴۲
بخش سوم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۰ ..... ۲۱۴
بخش چهارم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۱ ..... ۲۳۹
بخش پنجم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۲ ..... ۲۷۳
بخش ششم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۳ ..... ۲۹۷
۱- سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی ۲۹۸
۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه ۳۱۰
بخش هفتم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۴ ..... ۳۲۲
۱- سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی ۳۲۳
۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه ۳۳۶
بخش هشتم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۵ ..... ۳۵۰
۱- سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی ۳۵۱
۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه ۳۶۳
بخش نهم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۶ ..... ۳۷۳
۱- سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی ۳۷۴
۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه ۳۸۵
بخش دهم: سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون دکتری ۱۳۹۷ ..... ۳۹۶
۱- سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی ۳۹۷
۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه ۴۰۷
منابع ۴۱۸

PHDTEST NEWS

بخش نخست:

نکات مهم گرامری در آزمون های زبان عمومی

لینک صفحه خبرنامه
وب‌سایت پی‌اچ‌دی تست

با عضویت در خبرنامه پی‌اچ‌دی تست در جریان آخرین و اخبار و اطلاعات دکتری باشید.

آیا از وجود دروس استعداد و زبان عمومی در **آزمون دکتری** ۹٤ اطلاع دارید؟

آیا می دانید وزن آزمون و مصاحبه در دکتری ۹٤ به چه صورت خواهد بود؟

آیا از بود و نبود **نمره منفی** در آزمون زبان دکتری باخبرید؟

آیا می دانید اطلاع از پاسخ هر یک از این سوالات چقدر در برنامه ریزی مطالعات شما مؤثر است؟

آیا می دانید **کدام دانشگاه ها** در مقطع دکتری پذیرش بدون آزمون دارند؟

۱- زمان حال

حال ساده

فعل زمان حال ساده با استفاده از مصدر بدون to ساخته می‌شود و در حالت سوم شخص مفرد معمولاً به s ختم می‌شود. در صورتی که فعل به یکی از حروف z، x، o، s، sh یا ch ختم شده باشد، از es استفاده می‌شود.

+	verb + s/es	He plays tennis.
-	do/does not + verb	She doesn't play tennis
?	Do/Does + … + verb	Do you play tennis?

- قیدهایی که بیشتر در زمان حال ساده مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از:

always, generally, normally, usually, often, sometimes, rarely, never, traditionally, every day, every week, two times a month, …

از زمان حال ساده در موارد ذیل استفاده می‌شود:

- صحبت از کارهایی که محدود به زمان خاصی نیستند و همیشه و مستمر انجام می‌شوند.

My parents live in Canada.
I don't like your house.

- برای بیان حقایق و واقعیت‌های علمی.

If you heat water to 100 °C, it boils.

- صحبت از فعالیت‌های روزانه، عادات و کارهایی که تکرار می‌شوند.

I get up really early and practice for an hour most days.
Paula doesn't usually have breakfast.
We play tennis twice a week.

- صحبت درباره زمان‌بندی حرکت وسایل نقلیه.

What time does the next bus leave?
The next bus leaves at 8.

- برای آدرس دادن و بیان دستورالعمل چیزی.

You go down to the traffic lights, then you turn left.
To start the programme, first you click on the icon on the desktop.

- برای داستان گفتن و صحبت در مورد فیلم و کتاب.

In the film, she is fond of the Prime Minister.

- بعد از I hope معمولاً زمان حال به کار می‌بریم:

I hope carol calls tonight.

حال استمراری

+	am/is/are + verb (ing)	He’s watching TV.
-	am/is/are not + verb (ing)	I’m not watching TV.
?	Am/Is/Are + … + verb (ing)	Are they watching TV?

- قیدهایی که بیشتر در زمان حال استمراری استفاده می‌شود، عبارتند از:

at the moment, currently, now, this week/month/year, …

از زمان حال استمراری در مواردی که در ادامه مطرح می‌گردد، استفاده می‌شود:

- بیان عملی که در همین لحظه در حال انجام آن هستیم و هنوز تمام نشده است. (now)

I’m waiting for my friend now. (now)
I’m baking a cake. (now)

- بیان عملی که موقتاً در حال انجام آن هستیم و همیشگی نیستند، مثل اعمالی که امروز، در این هفته یا در این فصل انجام می‌دهیم ولی لزوماً در لحظه صحبت مشغول به آن کار نیستیم. (around now)

I’m studying really hard for my exams. (around now)
He is living in Tehran at the moment. (around now)
(به طور کلی در تهران زندگی نمی‌کند و فقط در حال حاضر آن‌جا زندگی می‌کند.)

- بیان تغییر و تحولاتی که در جریان هستند.

The population in the world is rising very fast.
The Internet is making it easier for people to stay in touch with each other.
My English is getting better day by day.

- صحبت از قرارهای قطعی در آینده نزدیک.

What are you doing on Sunday?
I’m going to the movies with Sara.

- برای بیان اتفاقاتی که بیش از حد انتظار رخ می‌دهد. باید توجه دا شت که این شکل ا ستفاده از حال ا ستمراری اغلب برای نـشان دادن حـسادت یا شکایت و انتقاد کردن به کار می‌رود و معمولاً با کلمات always, constantly, continually, forever همراه می‌شود.

My mum’s always saying I don’t help enough! شکایت

He’s always visiting exciting places! حسادت

حال کامل

حال کامل ساده (ماضی نقلی)

+	have/has + past participle	She’s written a book.
-	have/has not + past participle	I haven’t written a book.
?	Have/Has + … + past participle?	Have you written a book?

از زمان حال کامل ساده (ماضی نقلی) در موارد زیر استفاده می‌شود:

- صحبت درمورد عمل یا حالتی که از گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است که معمولاً با since و for می‌آید.

I’ve worked really hard for the last two weeks. دو هفته گذشته تا الان سخت کار کرده‌ام.

نکته ۱: برای سؤال پرسیدن در زمان حال کامل از how long استفاده می‌شود.

How long have you lived here?

نکته ۲: for طول زمان و since مبداء زمان را نشان می‌دهد، مانند:

for two hours, for three days, for five months, …
since 2006, since Sunday, since ten o’clock, since I was four, …

I have been in this hotel for the last week.
I have been in this hotel since last week.

نکته ۳: اگر بعد از since یک عبارت قرار بگیرد، فعل آن گذشته ساده است.

I have maded a lot of progress since I joined your class.

نکته ۴: for را در جملات می‌توان حذف کرد (البته نه در جملات منفی).

They’ve been married (for) ten years. (with or without for)
They haven’t had a vacation for ten years. (ضروری for)

نکته ۵: for با all به کار نمی‌رود:

I’ve lived here all my life. (not I’ve lived here for all my life)

نکته ۶: جملات منفی همراه با for را می‌توان به جملات مثبت همراه با since تبدیل نمود. در این صورت فعل بعد از since به صورت گذشته ساده است.

She hasn’t called me for a week = It’s a week since she called me.

نکته ۷: since و ago با هم به کار نمی‌روند.

- صحبت در مورد اتفاقاتی که در زمان گذشته رخ داده اما در مورد زمان دقیق وقوع آن صحبت نمی‌کنیم، بلکه آن‌چه که مدنظر ماست و برای ما اهمیت دارد، اثر و نتیجه آن‌ها در زمان حال است.

I’ve read all the books on the reading list.

(تمام کتاب‌های موجود در لیست را خوانده‌ام و الان چکیده‌ای از خوانده‌هایم دارم.)

Someone has broken the window.

(یک نفر پنجره را شکسته است.)

- صحبت درباره عملی که در گذشته اتفاق افتاده و تمام شده است و اثر آن به صورت تجربه باقی است، اما بیان نمی‌کنیم که دقیقاً چه وقتی رخ داده است. در این موارد اغلب از ever و never و before و up to now و... استفاده می‌شود.

A: Have you ever been to Italy?
B: Yes, I’ve visited Italy once.

نکته ۱: اگر بیان کنیم که اتفاق/عملی چه موقع رخ داده است، باید فعل را به صورت گذشته ساده به کار ببریم.

I wasted a lot of time last week. (not I have wasted a lot of time last week.)

نکته ۲: در مورد اعمال یا وقایعی که با زمان حال هیچ ارتباطی ندارند (مثلاً رویدادهایی که در گذشته‌های دور اتفاق افتاده‌اند) از حال کامل استفاده نمی‌کنیم:

The Chinese invented printing. (not have invented)

- اگر بخواهیم راجع به کسی یا چیزی خبری بدهیم.

Sara has had a baby.

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که چند لحظه قبل انجام شده ا ست، از حال کامل ساده به همراه just به معنی «چند لحظه قبل – تازه» استفاده می‌کنیم.

I’ve just got up.

- از just (چند لحظه پیش، تازه)، already (قبلاً، پیش از این) و yet (هنوز، تا حالا) در جملات حال کامل یا گذ شته ساده استفاده می‌کنیم. از yet در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم و معمولاً در انتهای جمله می‌آید. در حالی که already عمدتاً در وسط جمله و در جملات مثبت استفاده می‌شود.

A: Are Diane and Paul here?
B: Yes, they’ve just arrived./Yes, they just arrived.

It’s only nine o’clock, and Ann has already gone to bed./Anne already went to bed.

Joy bought a new dress, but she hasn’t worn it yet./but she didn’t wear it yet.

Have Diane and Paul arrived yet?/Did Diane and Paul arrive yet?

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که زودتر از زمان مورد انتظار انجام شده است، از حال کامل ساده به همراه already به معنی «از قبل، قبلاً، همین حالا هم» استفاده می‌کنیم.

A: Don’t forget to send that email.
B: I’ve already sent it.

- اگر بخواهیم راجع به عملی صحبت کنیم که هرگز انجام نداده‌ایم و یا مدتی است که انجام نداده‌ایم، از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم.

I have never smoked.
I haven’t gone swimming for 10 years.

- اگر بخواهیم بگوییم، این اولین باری است (یا چندمین بار) که کاری را انجام می‌دهیم، از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم.

This is the first (second) time I’ve lost my keys.

- بعد از صفات عالی از حال کامل ساده استفاده می‌شود.

This is the most boring movie I’ve ever seen.

- صحبت در مورد یک دوره زمانی که تمام نشده است: مثل امروز، این هفته و ... .

I’ve written a rough plan this morning.

- معمولاً بعد از عباراتی که در ذیل مطرح شده است، حال کامل ساده استفاده می‌شود:

It/this/that is the first/second/the best/the only/the worst/…
This is the only road I've ever known.

نکته: در جملات سؤالی معمولاً از ever/never استفاده می‌شود.

A: Have you ever played golf?
B: Yes, I play golf a lot.

➢ حال کامل استمراری

+	have/has + been + verb (ing)	I’ve been studying really hard.
-	have/has not + been + verb (ing)	He hasn’t been studying really hard.
?	Have/Has + … + been + verb (ing)	Have you been studying really hard?

از زمان حال کامل استمراری در موارد زیر استفاده می‌شود:

- برای بیان عملی که در گذشته شروع شده، تا حال ادامه داشته و اخیراً یا لحظاتی پیش به پایان رسیده است.

Where have you been? I’ve been looking for you for half an hour.

- برای اعمالی که در گذشته شروع شده‌اند و اکنون (در لحظه صحبت) نیز ادامه دارند.

It has been raining for 2 hours. (و هنوز هم باران می‌بارد.)

How long have you been learning English? (و هنوز هم در حال آموختن آن هستید.)

➢مقایسه حال کامل ساده و استمراری

- برای صحبت درباره اعمال و حالاتی که به مدت طولانی ادامه داشته‌اند، معمولاً از شکل ساده استفاده می‌شود. به خصوص با کلمه always از حال کامل ساده استفاده می‌کنیم و شکل استمراری آن را برای اعمالی به کار می‌بریم که کمتر طول کشیده و موقتی هستند.

I have always worked hard.
John has always lived in Denver.
I have been working for this company for 3 months.
I've been studying English for six months.

- اگر تأکید گوینده بر عملی باشد که انجام شده، یعنی آن عمل چه بوده و یا چه مدت طول کشیده است، شکل استمراری به کار می‌رود. اما اگر تأکید بر نتیجه عمل باشد که چه تعداد یا چه مقدار کار انجام شده است، از شکل ساده استفاده می‌شود.

I have been writing letters since morning. (تأکید بر عمل نامه نوشتن)

I have written three letters since morning. (تأکید بر تعداد نامه‌ها)

How long have you been reading that book? (تأکید بر عمل خواندن)

How many pages of that book have you read? (تأکید بر تعداد صفحه‌ها)

۲- زمان گذشته

گذشته ساده

+	verb + ed (به جز افعال بی‌قاعده)	He called me yesterday.
-	did not + verb	I didn't call her yesterday.
?	Did + … + verb	Did she call you yesterday?

از زمان گذشته ساده در این موارد استفاده می‌شود:

- برای صحبت درباره عملی است که در گذشته انجام شده و تمام شده است.

I went to Italy last summer.

- در موقع سؤال کردن با When...? یا What time...? از گذشته ساده استفاده می‌شود:

What time (When) did you finish your work yesterday?

- when در جملات گذشته ساده و how long در جملات حال کامل استمراری می‌آیند:

When did it start raining?
How long has it been raining?
How long has it been since you last saw Joe?

- کاربرد ago در جملات گذشته:

Sara started her new Job three weeks ago.
I had dinner an hour ago.

گذشته استمراری

+	was/were + verb (ing)	He was watching TV.
-	was/were not + verb (ing)	I wasn't watching TV.
?	Was/Were + … + (ing)	Were they watching TV?

از زمان گذشته استمراری در این موارد استفاده می‌شود:

- برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و مدتی طول کشیده است.

All yesterday, I was working on my car.

- برای نشان دادن این‌که عملی در گذشته در حال انجام بوده است و مشخص نیست که تمام شده است یا نه.

Sara was cooking dinner. (تمام شدن عمل مشخص نیست.)

Sara cooked dinner. (عمل پختن تمام شده است.)

- هر گاه بخواهیم بگوییم کاری در حین وقوع کار دیگر صورت گرفته است، از گذشته استمراری و گذشته ساده استفاده می‌کنیم (کلماتی که معمولاً در این مورد استفاده می‌شود، عبارتند از: when, while, as, ...).

Matt **burned** his hand while he **was cooking** dinner.
I **saw** you in the park yesterday. You **were sitting** on the grass.
When Beth **arrived**, we **were having** dinner.

نکته ۱: وقتی بخواهیم بگوییم عملی بعد از عمل دیگر انجام گرفته از گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

When Beth **arrived**, we **had** dinner.

نکته ۲: افعال حالت گذشته استمراری ندارند.

نکته ۳: برای اینکه بگوییم در زمان گذشته قصد انجام کاری را داشته‌ایم از ساختار was/were + going to استفاده می‌کنیم:

We were going to travel by train, but then we decided to drive instead.

نکته ۴: از was/were + going to همچنین برای بیان واقعه‌ای که می‌خواسته رخ دهد، اما اتفاق نیفتاده است، استفاده می‌کنیم:

I thought it was going to rain, but then the sun came out.

گذشته کامل (بعید)

➢ گذشته کامل ساده

+	had + past participle	They had listened to his music.
-	had not + past participle	They hadn't listened to his music.
?	Had + … + past participle	Had they listened to his music?

از زمان گذشته کامل ساده (ماضی بعید) در مواردی که در ادامه می‌آید، استفاده می‌شود:

- زمانی که راجع به اتفاقی در گذشته صحبت می‌کنیم و بخواهیم به گذشته دورتری اشاره کنیم. در این صورت عملی را که در گذشته دورتر انجام شده به شکل گذشته بعید و عملی را که بعداً انجام شده است، به شکل گذشته ساده می‌آوریم. این دو عبارت اغلب با کلمات ربطی مانند when, after, before, as soon as می‌آیند.

The robber had escaped before the police got to the bank.
When Sarah got to the party, Eric had already gone home.
(وقتی سارا به مهمانی رسید، اریک رفته بود. یعنی اول اریک به خانه رفته و بعد سارا به مهمانی رسیده است.)

After I had washed my car, I went to fill up.
The boy sneaked out of the classroom as soon as the teachers had left.

نکته: اگر دو عمل همزمان یا به فاصله کم انجام شده باشند، از گذشته بعید استفاده نمی‌کنیم. بلکه از گذشته ساده یا استمراری استفاده می‌شود.

When Sara got to the party, Eric went home. وقتی سارا به مهمانی رسید، اریک به خانه رفت.

When I got to my office, my boss was waiting for me.

➢گذشته کامل استمراری

+	had + been + verb (ing)	She'd been studying for ages.
-	had not + verb (ing)	He hadn't been studying for long.
?	Had + … + been + verb (ing)	Had you been studying for long?

از زمان گذشته کامل استمراری در مواردی که در ادامه می‌آید، استفاده می‌شود:

- از گذ شته کامل ا ستمراری برای بیان عملی ا ستفاده می‌کنیم که در گذ شته و قبل از وقوع فعلی دیگر، برای مدت زمانی در حال رخ دادن بوده است:

We'd been playing tennis for about half an hour when it started to rain heavily.

نکته: مانند آن‌چه در زمان حال کامل گفته شد، گذشته کامل استمراری نیز بر طول زمان تأکید دارد و گذشته کامل ساده بر عمل و نتیجه و تعداد آن.

When I got to my office yesterday, my secretary had been sending e-mails for 2 hours.
When I got to my office yesterday, my secretary had sent 10 e-mails.

۳- زمان آینده

برای صحبت درباره آینده از فعل‌های مختلفی استفاده می‌شود که هر یک کاربرد خاصی دارند.

استفاده از زمان حال با معنای آینده

- حال ساده برای صحبت در مورد جدول ساعات کاری، جدول زمان‌بندی وسایل نقلیه عمومی، برنامه سینماها و ... .

The conference only lasts three days.
The plane leaves Chicago at 11:30 and arrives in Atlanta at 2:45
The train leaves in 20 minutes.
What time does the movie begin?

- برای بیان زمان شروع یا خاتمه کار نیز از حال ساده استفاده می‌کنیم:

I start my Job on Monday.
What time do you finish your work tomorrow?

- بعد از رابط‌هایی مثل when, as soon as, after, before, until, as long as از حال ساده استفاده می‌کنیم:

I'll be feeling nervous when I get to Rome. (not when I will get to Rome)
Can you do it before we have the departmental meeting? (not before we will have the meeting)

- در مورد برنامه‌ریزی‌های افراد برای زمان آینده از زمان حال استمراری استفاده می‌شود:

We're staying in a small hotel.
What time are you meeting Ann tomorrow? (not do you meet)

آینده ساده

+	will + verb	We'll enjoy it.
-	will not (won't) + verb	He won't enjoy it.
?	Will + … + verb	Will they enjoy it?

از will در این موارد استفاده می‌شود:

- صحبت راجع به واقعیات در زمان آینده که بیانگر قصد و اراده یا کارهای برنامه‌ریزی شده نباشد.

I'll be 28 next month.

- هرگاه در همان لحظه‌ای که صحبت می‌کنیم، تصمیم به انجام کاری بگیریم و نه با قصد و تصمیم قبلی.

A: The telephone is ringing and I'm washing the dishes.
B: I'll answer it. (not I'm going to answer it.)

- برای قول دادن.

I'll pay your money back next week.

I won't tell anyone what happened. I promise.

- برای پیشنهاد کمک.

That day looks very heavy. I'll help you with it.

- برای تقاضا کردن به صورت سؤالی.

Will you shut the door, please?

- به همراه کلمات یا عباراتی مانند:

probably, maybe, I'm sure, I expect, I think, I don't think, wonder, doubt, suppose, guess

It will probably rain tomorrow.
Maybe it will rain tomorrow.
I think Diana will pass her driver's test.

نکته ۱: طرز استفاده از shall نظیر will بوده و برای ضمایر I و We به کار می‌رود:

We shall go to the movies this evening.

نکته ۲: از shall در جملات سؤالی برای پیشنهاد کمک و یا نظر خواستن از دیگری استفاده می‌شود.

Shall I carry your shopping for you? (= do you want me to carry …?) پیشنهاد کمک

Shall we go to Italy for our vacation? نظر خواستن

نکته ۳: در جملات فوق می‌توان به جای shall از should استفاده کرد:

Should I open the window?

آینده نزدیک

+	am/is/are + going to + verb	We're going to hire a car.
-	am/is/are not + going to + verb	He's not going to hire a car.
?	Am/Is/Are + … + going to + verb	Are they going to hire a car?

از فعل be going to در این موارد استفاده می‌شود:

- برای بیان کارهایی که قصد داریم در آینده انجام دهیم و بیان برنامه‌هایی که برای آینده داریم (بر اساس اراده).

I'm going to buy a new car. قصد دارم که یک ماشین جدید بخرم.

نکته: اگر راجع به قرار قطعی و از قبل برنامه‌ریزی شده برای آینده صحبت کنیم (مثل قرار ملاقات، سفر، ...)، از شکل حال استمراری استفاده می‌کنیم که معمولاً یک قید زمان (فردا، امشب،...) نیز به کار می‌رود.

A: When are you meeting the boss?
B: **I'm meeting** him tomorrow.

اما وقتی‌که از going to اســتفاده می‌کنیم، به این معنی اســت که تصــمیم به انجام دادن کاری گرفته‌ایم، ولی هنوز ترتیبی نداده‌ایم که آن را به مرحله عمل درآوریم:

I'm going to wash my car late.

توجه: گاهی تفاوت این دو خیلی ناچیز است و فرقی نمی‌کند کدام یک از آن‌ها را به کار بریم.

- اگر قصد داشتیم عملی را در گذشته انجام دهیم، ولی آن را انجام نداده ایم، از was/were going to استفاده می‌کنیم.

I was going to buy a new car but I changed my mind.

- برای پیش‌بینی آینده بر اساس شواهدی که موجود است.

Look at that black cloud. It's going to rain.

- برای صــحبت درباره عمل یا حالتی که در آینده اتفاق خواهد افتاد و بیانگر قصــد و اراده انســان و یا پیش‌بینی نیســت. این کاربرد مشابه یکی از کاربردهای will است.

I'm going to be 28 next month. (= I will be 28 next month)

آینده استمراری

+	will be + verb (ing)	I'll be studying all next week.
-	will not (won't) be + verb (ing)	She won't be studying all next week.
?	Will + … + be + verb (ing)	Will you be studying all next week?

از زمان آینده استمراری در موارد زیر استفاده می‌شود:

- بیان عملی که در آینده انجام خواهد شد و مدتی طول خواهد کشید.

My final exams begin next month, so I'll be studying all next month.

- بیان عملی که در آینده در لحظه معینی در حال انجام آن خواهیم بود.

Please don't call me tomorrow afternoon. I'll be studying for my exam then.

- بیان کارهایی که از قبل برای آن برنامه‌ریزی کرده و تصمیم گرفته‌ایم که در آینده انجام دهیم.

I'll be seeing Sara at lunch.

- پرســیدن درباره برنامه‌هایی که اشــخاص دارند، به خصــوص زمانی که چیزی را می‌خواهیم و یا می‌خواهیم کســی کاری را برایمان انجام دهد.

A: Will you be using your computer today?
B: No, you can have it.

- سؤال‌های مؤدبانه.

Excuse me, how long will you be using my computer?

- بیان کارهایی که در آینده به عنوان بخشی از کارهای روتین انجام خواهد شد.

Will you be flying to Italy tomorrow as usual?

آینده کامل ساده

+	will have + past participle	I'll have done it by then.
-	will not (won't) have + past participle	We won't have done it by then.
?	Will + … + have + past participle	Will you have done it by then?

- زمان آینده کامل، کامل شدن عمل یا حالتی را در آینده بیان می‌کند. یعنی نشان می‌دهد که در زمان معینی در آینده عمل یا حالتی کامل خواهد شـد، و معمولاً از قیدهای زمان مثل by Sunday, by the end of July, next year, until midnight, before then, by the time you get home, in a week's time … استفاده می‌شود.

By the end of September, I will have worked in this company for 6 years.

(تا پایان سپتامبر شش سال خواهد بود که در این شرکت کار می‌کنم. یعنی مدت زمان شش سال در آینده کامل می‌شود.)

آینده کامل استمراری

+	will have been + verb (ing)	I'll have been working here for 3 months.
-	will not (won't) have been + verb (ing)	We won't have been working here for long.
?	Will … + have been + verb (ing)	How long will you have been working here?

- همانند زمان حال کامل، برای آینده کامل نیز هرگاه بخواهیم تمام شدن عمل را بیان کنیم، از شکل ساده و هرگاه بخواهیم ادامه عمل را نشان دهیم از شکل استمراری استفاده می‌کنیم.

By 4 o'clock, I will have painted the bedroom.

تا ساعت ۴ اتاق را رنگ خواهم کرد. (یعنی عمل تمام خواهد شد.)

By 4 o'clock, I'll have been painting the bedroom for 3 hours.

تا ساعت ۴، سه ساعت خواهد شد که دارم اتاق را رنگ می‌کنم. (یعنی عمل هنوز ادامه خواهد داشت.)

آینده در گذشته

آینده در گذشته برای بیان حالتی استفاده می‌شود که شما در گذشته فکر می‌کرده‌اید که در آینده چیزی اتفاق خواهد افتاد.

از would برای بیان داوطلب شدن یا قول دادن استفاده می‌شود. شکل به کارگیری would به صورت ذیل است:

would + to فعل به شکل مصدر بدون

I knew you **would not help** him

جمع‌بندی زمان افعال

ردیف	زمان	ساختار	کاربرد	علامت
۱	حال ساده	فرم ساده فعل (در سوم شخص مفرد s یا es می‌گیرد و have به has تبدیل می شود.)	۱- عادت و تکرار ۲- موارد همیشه درست (مثل رویدادهای علمی)	every day, always, never, every week, every evening, two times a week, three times a month
۲	حال استمراری	am/is/are + verb (ing) I am writing	۱- بیان عملی که اطراف زمان یا عملی دیگر در حال انجام می‌باشد. ۲- خود عمل مهم است نه شروع و پایان آن. ۳- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند. ۴- می‌تواند معنای آینده هم داشته باشد.	now, at the moment, …
۳	حال کامل	have/ has + PP I have written	۱- عملی که در گذشته آغاز شده و پایان یافته، ولی اثر یا نتیجه‌اش تاکنون باقی است. ۲- بیان تعداد دفعات انجام یک کار ۳- بیان تجربه یا مدت زمان انجام یک کار	for + قید زمان since + مدت زمان before two times, three times, …
۴	حال کامل استمراری	have/has + been + verb (ing) I have been writing	۱- بیان عملی که از گذشته آغاز شده و تاکنون ادا مه دارد و ادا مه نیز خوا هد یافت. ۲- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	for + قید زمان since + مدت زمان before two times, three times, …
۵	گذشته ساده	قسمت دوم فعل (افعال با قاعده ed می‌گیرند و افعال بی‌قاعده را نیز باید با کمک جدول مربوطه پیدا کرد.) He visited I wrote	۱- بیان اتفاقی که در گذشته رخ داده است. ۲- بیان عادتی در گذشته.	yesterday, last week, last year, last Friday, …
۶	گذشته استمراری	was/were + verb (ing) I was writing	۱- بیان عملی که اطراف زمان یا عملی دیگر در گذشته انجام می‌گرفته است. ۲- خود عمل مهم است نه شروع و پایان آن. ۳- افعال حسی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	at + قید زمان گذشته when + قید زمان گذشته while, …

۷	گذشته کامل	had + PP I had written	۱- عملی که در گذشـــته قبل از عمل یا زمانی دیگر انجام گرفته و پایان یافته است. ۲- بیان تعداد دفعات انجام یک کار قبل از زمان یا عملی در گذشته. ۳- بیان تجربه یا مدت زمان انجام یک کار قبل از زمان یا عملی در گذشته.	قید زمان گذشته + when before, …
۸	گذشته کامل استمراری	had + been + verb (ing) I had been writing	۱- بیان عملی که قبل از عمل یا زمانی در گذشته مدتی ادامه و استمرار داشته است. ۲- افعال حســـی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	قید زمان گذشته + when before, …
۹	آینده ساده	فرم ساده فعل + will I will write	۱- بیان اتفاقاتی که قرار ا ست در آینده رخ دهد. ۲- بیان برنامه‌های رسمی در آینده.	tomorrow, next week, next year, next friday
۱۰	آینده نزدیک	فرم ساده فعل+ am/is/are + going to I am going to write	۱- برای بیان کارهایی که قصد داریم در آینده انجام دهیم و بیان برنامه‌هایی که برای آینده داریم. ۲- برای پیش‌بینی آینده بر اســـاس شواهدی که موجود است.	
۱۱	آینده استمراری	will + be + verb (ing) I will be witten	۱- بیان عملی که اطراف زمان به عملی دیگر در آینده مشغول انجام خواهد بود. ۲- افعال حســـی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	قید زمان آینده + at then, ….
۱۲	آینده کامل	will + have + PP I will have written	بیان عملی که قرار ا ست قبل از زمان یا عمل دیگر در آینده به پایان برسد.	قید زمان آینده + by مدت زمان + in تاریخ در آینده + on جمله + by the time
۱۳	آینده کامل استمراری	will + have + been + verb (ing) I will have been writing	۱- بیان عملی که تا زمانی در آینده به طور مداوم و مستمر ادامه خواهد داشت و پس از آن نیز ممکن است ادامه یابد. ۲- افعال حســـی و حالتی نمی‌توانند در ساختار استمراری نوشته شوند.	طول زمان + for قید زمان+ by
۱۴	آینده در گذشته	فرم ساده فعل + would I would write	۱- برای بیان داوطلب شـــدن یا قول دادن. ۲- برای بیان پیش‌بینی در مورد آینده.	

۴- افعال حالت (state verbs)

گاهی افعال در زبان انگلیسی به دو گروه action و state تقسیم‌بندی می‌شوند. افعال action بیانگر عملی هستند که انجام می‌دهیم یا اتفاقی که واقع می‌شود. اما افعال حالت بیانگر یک حالت (state) هستند، یعنی به هنگام وقوع این افعال حرکتی مشاهده نمی‌شود.

مهم‌ترین تفاوت موجود بین این افعال در این است که افعال action را می‌توان به‌صورت استمراری به کار برد، ولی افعال state را نمی‌توان در حالت استمراری استفاده کرد.

need, mean, resemble, sound, weight, appear, contain, consist, depend on, be, prefer, …

انواع افعال حالت به شرح ذیل است:

- **افکار:**

agree, assume, believe, disagree, forget, hope, know, regret, remember, suppose, think, recognize, understand, …

نکته ۱: فعل think به معنای «اعتقاد داشتن» همیشه به صورت ساده به کار می‌رود، ولی با مفهوم «فکر کردن» می‌تواند به شکل استمراری نیز باشد.

What are you thinking about? در همین لحظه

I think you should tell her what happened بیان عقیده‌ای که موقت نیست.

- **احساسات:**

adore, despise, dislike, enjoy, hate, like, love, …

- **حواس:**

feel, hear, see, smell, taste, …

نکته ۲: این افعال در حالت غیر ارادی به شکل ساده به کار می‌روند و در حالت ارادی به هر دو شکل.

نکته ۳: برای این افعال وقتی که در همین لحظه در حال رخ دادن هستند، از can استفاده می‌کنیم:

I can hear someone is singing

نکته ۴: فعل see به معنای «دیدن» همیشه به صورت ساده به کار می‌رود، ولی به معنای «ملاقات کردن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

I see you're making good progress.
I'm seeing the manager tomorrow.

نکته ۵: فعل feel به معنای «احساس کردن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

نکته ۶: فعل taste به معنای «مزه دادن» به صورت ساده و به معنای «چشیدن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

نکته ۷: فعل smell به معنای «بو دادن» همیشه به صورت ساده و در معنای «بو کردن» به هر دو شکل به کار می‌رود.

نکته ۸: فعل look به معنای «به نظر رسیدن» همیشه به شکل ساده به کار می‌رود، ولی در معنای «نگاه کردن» می‌تواند به هر دو شکل باشد.

- **مالکیت:**

have, own, belong

نکته ۹: have یا have got به معنای «مالک بودن و داشتن» هستند و به صورت استمراری به کار نمی‌روند.

We are enjoying, we have a nice room in the hotel مالکیت

نکته ۱۰: have (و نه have got) در معنای «خوردن» و یا بیان تجربه‌ای مثل مهمانی، تصادف و... می‌تواند به صورت استمراری به کار رود.

Have
- breakfast, …
- a party/a safe trip/a good flight
- an accident/an exprience
- a look (at something)
- a baby (give birth to a baby)
- difficulty/trouble/fun /a nice time.

We are having a nice time. (= we are experiencing a nice time) بیان تجربه اوقاتی خوش

نکته ۱۱: افعال حالت شکل حال کامل استمراری نیز ندارند.

I have had this car for 2 years.

۵- جملات مجهول

وقتی از جمله مجهول استفاده می‌کنیم، فقط عملی که انجام شده اهمیت دارد و این‌که چه کسی یا چه چیزی باعث انجام کار شده است، مهم نیست. بنابراین ممکن است کننده عمل ذکر نشود و یا در آخر جمله با حرف اضافه by ذکر شود.

حال ساده	am/is/are + pp
حال استمراری	am/is/are + being + pp
حال کامل	have/has + been + pp
گذشته ساده	was/were + pp
گذشته استمراری	was/were + being + pp
گذشته بعید	had + been + pp
افعال کمکی	will/can/could/must/should/may/...+ be + pp
have to/has to/be going to/want to + be + pp	
seem to have/would have/might have/should have + been + pp	

The car is usually washed. (by my brother)
She isn't often invited to parties.
The room is being cleaned right now.
The room looks nice. It has been cleaned.
This house was built 100 years ago.
The room was being cleaned when I arrived.
The room looked nice. It had been cleaned.
Something must be done before it's too late.
A new supermarket is going to be built next year.
This room has to be cleaned right now.
The room should have been cleaned.
The letter might have been sent to the wrong address. (احتمالاً نامه به آدرس اشتباه فرستاده شده.)

نکته: بعضی افعال دو مفعول دارند، بنابراین برای آن‌ها می‌توان دو جمله مجهول نوشت:

We gave the **police** the **information**.
1. The information was given to the police.
2. The police were given the information.

❖افعال دو مفعولی:

give, ask, offer, pay, show, teach, tell, sell, feed, allow, lend, send,…

- هنگامی که دو فعل پشت سر هم به کار می‌روند، اگر فعل دوم مصدر باشد (to + verb) در حالت مجهول به to be + pp تبدیل می‌شود و اگر فعل دوم به فرم ing باشد (verb + ing) در حالت مجهول به being + pp تبدیل می‌شود.

I **don't like** people **telling** me what to do.
I don't like **being told** what to do.

- مصدر معلوم: to + verb و مصدر مجهول: to be + pp، اما برخی از مصدرهای معلوم وجود دارند که از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول‌اند.

I have some homework to do. (= some homework to be done)

- افعالی که با ing بعد از need می‌آیند نیز، از نظر ظاهر معلوم و از نظر معنا مجهول‌اند.

This car needs washing. (= this car need to be washed)

- در جمله‌هایی که با there شروع می‌شوند، می‌توان هم مصدر معلوم و هم مصدر مجهول به کار برد.

There are some letters to write/to be written.

- در جملات مجهول بعضی اوقات به جای be از get استفاده می‌شود:

I don’t often get invited to parties.

نکته: get فقط در مواقعی استفاده می‌شود که کاری به طور تصادفی و غیرمنتظره اتفاق بیفتد (بدون آن که اراده‌ای در کار باشد):

Our dog got run over by a car.

اما در بقیه موارد نمی‌توان از get استفاده کرد:

Jill is liked by everybody.

جمع‌بندی افعال مجهول

	ساده (simple)	استمراری (continuous)	کامل (perfect)	کامل استمراری * (perfect continuous)
حال (present)	am/is/are + PP The letter is written. نامه نوشته می‌شود.	am/is/are + being + PP The letter is being written. نامه دارد نوشته می‌شود.	have/has + been + PP The letter has been written. نامه نوشته شده است.	have/has + been + being + PP The letter has been being writers. نامه مشغول نوشته شدن بوده است.
گذشته (past)	was/were + PP The letter was written. نامه نوشته شد.	was/were + being + PP The letter was being written. نامه داشت نوشته می‌شد.	had + been + PP The letter had been written. نامه نوشته شده بود.	had + been + being + PP The letter had been being written. نامه مشغول نوشته شدن بود.
آینده (future)	will + be + PP The letter will be written. نامه نوشته خواهد شد.	will + be + being + PP The letter will be being written. نامه در حال نوشته شدن خواهد بود.	will + have + been + PP The letter will have been written. نامه نوشته شده است. (قبل از زمانی در آینده)	will + have + been + being + PP The letter will have been being written. نامه مشغول نوشته شدن خواهد بود.
آینده در گذشته (future in the past)	would + be + PP The letter would be written. شاید نامه نوشته شود.	would + be + being + PP The letter would be being written. شاید نامه در حال نوشته شدن باشد.	would + have + been + PP The letter would have been written. نامه می‌خواست نوشته شود (ولی نشد).	would + have + been + being + PP The letter would have been being written. نامه می‌خواست در حال نوشته شدن باشد.

۶- عادت داشتن

used to

مثبت: مصدر بدون + used to
منفی: مصدر بدون + to + use to + didn't
سؤالی: مصدر بدون + to + use to + … + Did

از used to فقط در زمان گذشته و در موارد زیر استفاده می‌شود:

- برای بیان اعمالی استفاده می‌کنیم که در گذشته (به طور منظم) انجام می‌داده‌ایم، ولی در حال حاضر دیگر آن‌ها را انجام نمی‌دهیم.

I used to read a lot of books, but I don't read much.
I didn't use to lock the door.

- برای بیان موضوعی که در گذشته حقیقت داشته است، ولی امروز دیگر درست نیست.

This building is now a furniture store. It used to be a movie theater.

نکته: به جای used to می‌توان از would استفاده کرد، اما با افعال حالت از would استفاده نمی‌شود.

She would leave the door unlocked whenever she was at home. (she'd leave the door unlocked whenever she was at home.)

be used to

- این فعل به معنای «عادت داشتن» است و در همه زمان‌ها استفاده می‌شود. این فعل عادت داشتن به عمل یا حالتی را نشان می‌دهد که برایمان بیگانه و عجیب نیست. بعد از be used to یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم ing به کار می‌رود.

I used to live alone. در گذشته تنها زندگی می‌کردم (اما دیگر تنها زندگی نمی‌کنم).

I am used to living alone. من عادت دارم که تنها زندگی کنم (و این موضوع عجیب و جدیدی نیست).

I wasn't used to hot weather.
Are you used to life in a big city? No, I'm not used to it.

get used to

- این فعل به معنای «عادت پیدا کردن» است و هنگامی از آن استفاده می‌کنیم که بخواهیم بگوییم کسی در حال عادت کردن به چیزی است، ولی هنوز کاملاً به آن عادت نکرده. بعد از get used to یک اسم یا ضمیر یا فعل با فرم ing به کار می‌رود.

I'm trying to get used to life in a big city.

۷- احتمال و اطمینان

- برای بیان **احتمال در حال و آینده** از **may** یا **might** و یا از **could** ا ستفاده می‌کنیم. البته could احتمال ضعیفی را نشان می‌دهد.

فاعل + might/may + to مصدر بدون
سؤالی: مصدر بدون to + فاعل + may/might
منفی: مصدر بدون to + not + may/might + فاعل

I may/might go to the movies tonight = perhaps I will go to the movies tonight.
May I ask a question?
Sonia may not come to the party.
The phone's ringing. It could be Matt.

- استفاده از may یا might تفاوتی با هم ندارد، اما برای موقعیت‌هایی که واقعی نیستند فقط از might استفاده می‌کنیم:

If I knew them better, I might invite them to the party.
اگر آن‌ها را بهتر می‌شناختم، احتمالاً آن‌ها را به مهمانی دعوت می‌کردم.

- از may/might/could در شکل استمراری نیز می‌توان استفاده کرد:

فرم could/may/might + be + ing

Don't phone me at 8:30. I might be watching TV. (= perhaps I will be watching TV.)

- همچنین از این شکل استمراری برای بیان برنامه‌های احتمالی خود استفاده می‌کنیم:

I may/might be going to Mexico in July.

نکته: عبارت we may/might as well do یعنی: «بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم یا چاره‌ای نداریم».

Rents are so high these days, you may as well buy a house.

- در حالت اطمینان منفی از can't استفاده می‌کنیم یعنی غیر ممکن است.

He can't be in Italy. I saw him an hour ago.

- برای بیان احتمال در زمان گذشته یعنی وقتی بخواهیم بگوییم امکان دارد عملی در گذشته انجام شده باشد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

could/may/might + have + PP
حالت منفی could/may/might + not + have + PP

She may have known about it. (perhaps she knew...) شاید چیزی راجع به آن می‌دانسته است.

She could have done her homework.

He may not have seen you. احتمالاً (ممکن است) تو را ندیده است.

- برای بیان اطمینان از will certainly یا surely یا definitely و یا از must استفاده می‌شود.

She'll certainly get the job.
She certainly won't get the job.
You've been working all day. You must be tired.

- برای بیان اطمینان در زمان گذشته از must + have + PP استفاده می‌شود.

All the streets are wet. It must have rained last night. حتماً دیشب باران باریده است. (با اطمینان)

There's nobody at home. They must have gone out.
Those two girls look very much alike. They must be sisters.

- وقتی از درست نبودن چیزی اطمینان داریم از must not استفاده می‌کنیم:

Carol takes the bus everywhere. He must not have a car.

- در حالت منفی یعنی وقتی بخواهیم بگوییم غیر ممکن است عملی در گذشته انجام شده باشد از can't + have + PP یا couldn't + have + PP استفاده می‌شود.

He was too far away, so he can't/couldn't have seen you. غیرممکن است تو را دیده باشد.

نکته ۱: معنی couldn't با may/might not فرق می‌کند، چرا که در حالت may/might not have + PP احتمالاً عمل در گذشته انجام نشده، اما در حالت could not have + PP غیر ممکن است که عمل در گذشته انجام شده باشد.

نکته ۲: تفاوت can't و must not نیز در این است که cannot به معنای امکان‌ناپذیر بودن چیزی است و must not به معنای این است که «قاعدتاً این چنین نیست که...».

۸- توانایی

برای بیان توانایی از can, could, be able to استفاده می‌شود.

can

- در مواقعی که می‌خواهیم بگوییم شخصی توانایی انجام کاری را دارد و یا انجام عمل امکان‌پذیر است، از can استفاده می‌کنیم:

مثبت:	فاعل + can + مصدر بدون to
منفی:	فاعل + cannot (can't) + صدر بدون to
سؤالی:	can + فاعل + مصدر بدون to

Can you change a ten-dollar bill? I'm sorry, I can't.

- به جای can می‌توان از be able to استفاده کرد. اما باید توجه داشت که can معمول‌تر است:

Are you able to speak any foreign languages?

- اما در برخی موارد استفاده از can امکان‌پذیر نیست و ضروری است که از be able to استفاده کنیم:

۱. بعد از مصدر

It's interesting to be able to speak 4 languages.

۲. بعد از افعال کمکی

Tom might be able to come tomorrow. شاید تام بتواند فردا بیاید.

۳. در زمان حال کامل

I haven't been able to sleep recently. اخیراً قادر نبوده‌ام بخوابم.

- برای آینده می‌توان هم از can و هم از be able to استفاده کرد.

I can't/won't be able to come to your party tomorrow.

could

- برای بیان توانایی کلی و نیز اجازه انجام کاری در زمان گذشته از could استفاده می‌کنیم: وقتی می‌خواهیم بگوییم کسی توانایی خاصی دارد یا اجازه انجام کاری را دارد از could استفاده می‌کنیم.

When I was young I could run very fast.
My grandfather could speak five languages.
We could do whatever we wanted. ما اجازه داشتیم هر کاری می‌خواهیم انجام دهیم.

- was/were able to نیز برای بیان توانایی در گذشته به کار می‌رود، اما استفاده از could رایج‌تر است.

I was able to speak English when I was 10.

- زمانی که بخواهیم بگوییم که شخصی در یک موقعیت خاص توانسته است (موفق شده است) کار خاصی را انجام دهد (نه یک توانایی کلی)، نمی‌توان از could استفاده کرد و فقط باید از were/was able to یا managed to استفاده کنیم.

The fire spread through the building quickly, but everybody was able to escape. (or but everybody was managed to escape.)

آتش به سرعت همه جای ساختمان پخش شد ولی همه توانستند خود را نجات دهند.

- در حالت منفی تفاوتی بین couldn't و wasn't/weren't able to وجود ندارد.

- به همراه افعال حسی و ذهنی از could استفاده می‌شود نه از was/were able to.

see, hear, smell, taste, feel, remember, understand

When I went closer, I could hear someone calling for help.

- از could برای پیشنهاد کردن در زمان حال یا آینده نیز استفاده می‌شود.

It's a nice day. We could go for a walk.

در این موارد به جای could از can نیز می‌توان استفاده کرد:

- در مواقعی که واقعاً قصد نداریم چیزی را که می‌گوییم انجام دهیم از could استفاده می‌کنیم:

I'm so angry with him. I could kill him. (I can kill ... . نمی‌گوییم)

- وقتی می‌خواهیم از امکان وقوع چیزی در زمان حال یا آینده خبر دهیم نیز از could استفاده می‌کنیم. (در این گونه جملات از can نمی‌توان استفاده کرد.)

I don't know when they'll be here. They could get here at any time.

could have done

- در مواقعی که می‌خواهیم بگوییم فرصت یا امکان انجام کاری را داشته‌ایم ولی آن را انجام نداده‌ایم از could have done استفاده می‌کنیم:

He could have had a wife and children.

- همچنین از could have done برای بیان احتمال در گذشته نیز استفاده می‌شود.

The situation was bad, but it could have been worse.

- بعضی اوقات could به معنی would be able to است:

We could take a trip if we had enough money.

- گاهی اوقات could have done به معنی would have been able to do است:

We could have taken a trip if we had enough money.

۹- اجبار

برای بیان اجبار از افعال زیر استفاده می‌شود:

should, ought to, be supposed to, must, have/has to, need

must و have to

مثبت: فاعل + must + to مصدر بدون

منفی: فاعل + must + not + to مصدر بدون

سؤالی: Must + فاعل + to مصدر بدون

- هرگاه بخواهیم ضرورت انجام کاری را بیان کنیم از have to استفاده می‌کنیم:

شکل مثبت زمان حال: قسمت اول فعل + have to / has to + فاعل

شکل سؤالی زمان حال: Do/Does + فاعل + have to...?

شکل منفی زمان حال: فاعل + don't/doesn't have to...

شکل سؤالی زمان گذشته: Did + فاعل + have to...?

شکل منفی زمان گذشته: فاعل + didn't have to...

Kim starts work at 7 o'clock, so she has to get up at 6:00.
Have you ever had to go to the hospital?
I might have to leave the meeting early.
What time do you have to go to the dentist tomorrow?

- در جملاتی که به زمان حال هستند به جای have to از have got to می‌توان استفاده کرد.

- در زبان انگلیسی از have to بیش از must استفاده می‌کنیم، ولی در دستورالعمل و قوانین نوشتاری از must استفاده می‌شود.

- must و have to برای بیان اجبار قوی به کار می‌روند و بیانگر عملی هستند که لازم است انجام شود و در بسیاری از موارد به طور یکسان به کار می‌روند. اما در بعضی موقعیت‌ها این دو فعل با هم تفاوت دارند و تفاوت آن‌ها بستگی به نوع اجبار دارد.

- اگر اجبار از طرف خود گوینده باشد، یعنی گوینده خودش احساس کند که لازم است کاری را انجام دهد از must استفاده می‌شود ولی اگر اجبار از بیرون بر گوینده تحمیل شود و یک واقعیت بیرونی باشد (مثل مقررات و قانون و پزشک و معلم و ...) آنگاه از have to استفاده می‌شود.

I must lose some weight. I'm getting fat. گوینده خودش اجبار را حس می‌کند.

I have to work late tomorrow. گوینده فقط یک واقعیت بیرونی را بیان می‌کند.

- must فقط برای حال و آینده به کار می‌رود و گذشته ندارد. برای زمان‌های گذشته، حال کامل، آینده و یا به هنگام استفاده از افعال کمکی مثل may, might, ... فقط می‌توان از have to استفاده کرد.

I must give a lecture tomorrow. آینده

When I was at university, I had to work and study at the same time. گذشته

Have you ever had to go to the hospital? حال کامل

We might have to cancel tomorrow's meeting. (فعل کمکی) شاید مجبور شویم جلسه فردا را کنسل کنیم.

- این دو فعل در شکل منفی معنای کاملاً متفاوت دارند. mustn't به معنای آن است که عملی نباید انجام شود (اجبار منفی) ولی don't have to به معنای آن است که نیازی نیست عملی انجام شود، یعنی اختیار داریم که آن عمل را انجام دهیم یا انجام ندهیم.

Bicyclist must not ride on the sidewalk. اجبار

You don't have to work on the weekend. اختیار

should

- فعل کمکی should (باید) را هنگامی به کار می‌بریم که بخواهیم بگوییم انجام عملی صحیح و عاقلانه است.

مثبت:	فاعل + should + to مصدر بدون
منفی:	فاعل + should + not + to مصدر بدون
سؤالی:	Should + فاعل + to مصدر بدون

You should stop smoking.

- اغلب اوقات should را با Do you think...?/ I didn't think / I think به کار می‌بریم و بدین‌ترتیب نظر خود را راجع به چیزی می‌گوییم یا نظر دیگران را می‌پرسیم:

Do you think I should buy this coat?

- وقتی می‌خواهیم بگوییم چیزی درست نیست یا برخلاف انتظار ماست از should استفاده می‌کنیم:

I wonder where Liza is? She should be here by now.

- وقتی که می‌خواهیم بگوییم انتظار داریم چیزی در آینده اتفاق بیفتد نیز از should استفاده می‌کنیم:

She's been studying hard for exam, so she should pass.

- برای زمان گذشته و کاری که باید انجام می‌شده اما نشده، و یا کاری نباید انجام می‌شده اما انجام شده است، از should have done استفاده می‌کنیم:

I feel sick. I shouldn't have eaten too much.

نکته ۱: should از نظر قدرت و شدت، ضعیف‌تر از must است.

نکته ۲: معنای should با have to فرق می‌کند:

I should study tonight, but I think I'll go to the movies.
I have to study tonight. I can't go to the movies.

- به جای should از ought to نیز می‌توان استفاده کرد. اما ought to رسمی‌تر است.

You shouldn't smoke so much = You ought not to smoke so much.

- همچنین زمانی که بخواهیم بگوییم که بهتر است کاری را انجام دهیم، به جای should می‌توان از فعل had better نیز استفاده کرد.

You have a temperature. You'd better go to a doctor.
You'd better not smoke so much.

- اگر بخواهیم بگوییم روش صحیح و منطقی انجام کاری کدام است به جای should می‌توان از be supposed to به معنای «قرار است که/ باید» استفاده کنیم.

I'd better hurry. I'm supposed to be at work at 8.

نکته: شکل مجهول کاربرد be supposed to به صورت قسمت سوم فعل + be + to be supposed است:

Fred is supposed to be told about the meeting.

need

- فعل need علاوه بر معنای لازم داشتن به معنی اجبار نیز هست.

We're late. We need to hurry. دیر رسیدیم. باید عجله کنیم.

- شکل منفی need یعنی don't/doesn't need to به این معنی است که لازم نیست کاری انجام شود. (معادل don't/doesn't have to)

You don't need to work on the weekend. لازم نیست/مجبور نیستی آخر هفته کار کنی.

- need در زمان گذشته به دو شکل didn't need to و needn't have done منفی می‌شود که اولی عملی را بیان می‌کند که لازم نبوده انجام شود و انجام نشده است و دومی عملی را بیان می‌کند که لازم نبوده انجام شود ولی انجام شده است.

I didn't need to water the flowers because it was raining.
(گوینده با دیدن باران متوجه شد که نیازی به آب دادن گل‌ها نیست و این کار را انجام نداده.)

I needn't have watered the flowers. It began to rain after ten minutes.
(گوینده بعد از باریدن باران متوجه شده که نیازی به آب دادن گل‌ها نبوده اما این کار را قبل از باریدن باران انجام داده است.)

۱۰- جملات آرزویی

جملات آرزویی با واژه wish به معنای «ای کاش» شروع می‌شوند و قاعده اصلی شکل دادن به آن‌ها این است که زمان جمله پایه را پیدا کنیم و آن را در جمله wish یک زمان به عقب ببریم.

I don’t have a house, I wish I had one.

ترتیب قرار دادن زمان در جملات آرزوی مطابق با جدول ذیل است:

گذشته ساده	→	حال ساده
گذشته استمراری	→	حال استمراری
گذشته کامل	→	گذشته ساده
گذشته کامل استمراری	→	گذشته استمراری
گذشته کامل	→	حال کامل
گذشته کامل استمراری	→	حال کامل استمراری
گذشته کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
آینده در گذشته ساده	→	آینده ساده
آینده در گذشته استمراری	→	آینده استمراری
آینده در گذشته کامل	→	آینده کامل
آینده در گذشته کامل استمراری	→	آینده کامل استمراری

نکته ۱: در جملات آرزویی مانند جملات شرطی، به جای was از were استفاده می‌کنیم.

She **is** not here. I wish she **were**.

نکته ۲: در حالت‌هایی که بیانگر گلایه گوینده از شرایط موجود هستند، زمان حال ساده به جای تبدیل شدن به گذشته ساده، به آینده در گذشته تبدیل می‌شوند.

It **is raining** now, I wish it **would stop**. (ای کاش باران نمی‌بارید)

نکته ۳: I wish you would … اغلب برای بیان خواهش به کار می‌رود.

We are going to be late. I wish you **would hurry**.

۱۱- جملات سؤالی

جملات سؤالی که با who، what و which و ... شروع می‌شوند به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اگر کلمه سؤالی راجع به مفعول جمله سؤال کند از افعال کمکی do/does/did استفاده می‌کنیم:

A: **Who** did you see yesterday? چه کسی را دیدی؟

B: I saw **Sara**. کلمه سؤالی who راجع به سارا که مفعول جمله است سؤال کرده است.

۲. اگر کلمه سؤالی راجع به فاعل جمله سؤال کند، نباید از افعال کمکی do/does/did استفاده کنیم:

A: Who **lives** in this house?
B: Jane lives here.
A: What **happened** to your car?
B: I had a bad accident.
A: Which bus goes down town?

نکته ۱: افعالی که به همراه یک حرف اضافه به کار می‌روند در جملات سؤالی نیز حرف اضافه خود را حفظ می‌کنند. در انگلیسی محاوره‌ای حرف اضافه بلافاصله بعد از فعل می‌آید.

What's she laughing **at**?
Who do you want to speak **to**?
Which job has Jane applied **for**?
Where do you come **from**?

نکته ۲: در انگلیسی رسمی حرف اضافه در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

From whom did you obtain the information?

- What … like? برای سؤال در مورد ظاهر و شخصیت و صفات انسان‌ها و اشیاء به کار می‌رود.

A: What is your new teacher like?
B: She is really experienced and she's friendly, too.

- What … for? برای پرسیدن دلیل و منظور به کار رفته و به معنای «چرا» است.

What did you call him for? (= Why did you call him?)

- what + اسم، which + اسم

What color is your car?
Which train did you catch? the 9:50 or the 10:30?

نکته ۳: وقتی که در مورد تعداد کمی از اشیاء صحبت می‌کنیم از which استفاده می‌کنیم اما استفاده از what رایج‌تر است:

There are four umbrellas here. Which is yours?

نکته ۴: who فقط برای اشخاص (نه اشیاء) به کار می‌رود:

Who is taller? Bill or Sam?

- how را می‌توان با صفت یا قید به کار برد:

How tall are you?
How big is the house?
How often do you use your car?

- وقتی می‌خواهیم بپرسیم انجام گرفتن کاری چه مدت طول می‌کشد، از how long استفاده می‌کنیم:

How long does/did/will it take to do something?
How long does/did/will it take you to ...? برای شما چه مدت طول می‌کشد/کشید/ خواهد کشید؟

A: How long did it take Anne to ...?
B: It took Anne a long time to ... .

It took me three days to read the book. خواندن کتاب برای من سه روز طول می‌کشد.

- گاهی اوقات لازم است سؤالی را به صورت غیرمستقیم و با عباراتی نظیر Do you know …?, I don't know …?, Could you tell me …?, Do you have any idea …? از کسی بپرسیم، در این گونه مواقع بخش اول جمله به صورت سؤالی و بخش دوم **خبری** است.

– Where is Paula?
Do you know where **Paula is**?
I don't know where **Paula is**.

– When are you leaving town?
Can you tell me when **you are leaving town**?

– Where does he live?
Do you know where **he lives**?

- اگر در جملات سؤالی هیچ نوع کلمه پرسشی (what، why و ...) وجود نداشته باشد باید از if یا whether استفاده کنیم:

– Is Jack at home?
Do you know if (whether) Jack is at home?

– Did anybody see you?
I don't remember whether (if) anybody saw you?

- در نقل قول غیرمستقیم جملات سؤالی نیز همین تغییرات صورت می‌گیرد:

– The police officer said to us "where are you going?"
The police officer asked us where we were going.
– Do you have a driver's license?
She asked me whether (if) I had a driver's license?

۱۲- نقل قول مستقیم و غیرمستقیم

در نقل قول مستقیم از گیومه استفاده کرده و عین عبارت را می‌آوریم، اما در نقل قول غیرمستقیم زمان فعل به صورت زیر تغییر می‌کند:

نقل قول غیرمستقیم		جمله اصلی
گذشته ساده	→	حال ساده
گذشته استمراری	→	حال استمراری
گذشته کامل	→	گذشته ساده
گذشته کامل استمراری	→	گذشته استمراری
گذشته کامل	→	حال کامل
گذشته کامل استمراری	→	حال کامل استمراری
گذشته کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
آینده در گذشته ساده	→	آینده ساده
آینده در گذشته استمراری	→	آینده استمراری
آینده در گذشته کامل	→	آینده کامل
آینده در گذشته کامل استمراری	→	آینده کامل استمراری

– I’m enjoying my new Job.
He said that he was enjoying his new Job.
– My sister has gone to Australia.
He said that his sister had gone to Australia.

- در هنگام استفاده از نقل قول غیرمستقیم، معمولاً از said یا told استفاده می‌کنیم. بقیه جمله نیز معمولاً به زمان گذشته است:

Tom said that he was feeling seek.

نکته ۱: بعد از said ضمیر مفعولی نمی‌آید. بنابراین "Tom said me" یا "I said Anne" غلط هستند. اما وقتی از told استفاده می‌کنیم ضمیر مفعولی می‌آوریم.

He said he was tired.
He told me that he was tired.

نکته ۲: that را می‌توان در هر دو حالت حذف کرد.

نکته ۳: در نقل قول غیرمستقیم فعلی را که به زمان گذشته ساده باشد می‌توانید به همان صورت نگه دارید یا این که به گذشته کامل تبدیل کنید:

– Tom said, "I woke up feeling sick, so I stayed in bed"
Tom said he woke up feeling sick, so he stayed in bed.

Tom said he had woken up feeling sick, so he stayed in bed.

نکته ۴: همیشه لازم نیست که زمان فعل را تغییر دهیم. اگر مطلبی نقل می‌کنید که هنوز اعتبار دارد، ضرورتی ندارد فعل جمله را عوض کنید (یعنی هم می‌توان عوض کرد و هم نه!).

– New York is more exciting than London.
Tom said that New York is more exciting than London.

نکته ۵: اما در مواقعی که مطلب گفته شده با واقعیت تفاوت دارد باید از زمان گذشته استفاده کنید:

I didn’t expect to see you, Jim. Kelly said you were sick.

- در نقل قول غیرمستقیم جملات امری از شکل مصدری افعال استفاده می‌کنیم:

– Stay in bed for a few days.
The doctor told me to stay in bed for a few days.

– Ann asked me not to tell anybody, what happened.

۱۳- جملات شرطی

در جملات شرطی معمولاً درباره وقایع و موقعیت‌های نامشخص، کارها و یا چیزهایی که ممکن است اتفاق بیفتد و یا چیزهایی که ممکن است واقعی باشند و یا نباشند صحبت می‌کنیم.

جملات شرطی معولا به سه دسته نوع اول، دوم و سوم به ترتیب زیر طبقه‌بندی می‌شوند.

شرطی نوع اول

از جملات شرطی نوع اول برای بیان یک شرط (یا موقعیت) ممکن و یک نتیجه محتمل در آینده استفاده می‌شود.

If	حال ساده	will/won't	مصدر بدون to
If	we play tennis,	I will	win.

If I **find** your watch, I **will** tell you. اگر ساعت شما را پیدا کنم به شما خواهم گفت.

- علاوه بر will می‌توان از may, might, must, can, should و غیره نیز استفاده کرد که در این صورت معنی آن کمی فرق خواهد کرد:

If you pull the cat's tail, it **may** scratch you. اگر دم گربه را بکشی ممکن است تو را چنگ بزند.

You **should** eat less rice if you want to lose weight. اگر می‌خواهی وزن کم کنی باید کمتر برنج بخوری.

- نوع دیگری از جملات شرطی نوع اول از ساختار ذیل پیروی می‌کند:

If	حال ساده	جمله امری
If	anyone calls,	please tell them to come at once.

شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی)

از جملات شرطی نوع دوم برای بیان یک شرط یا موقعیت غیر واقعی یا غیر ممکن و نتیجه محتمل آن در زمان حال یا آینده به کار می‌رود. در واقع در این نوع جملات حال یا آینده‌ای متفاوت را تصور می‌کنیم.

If	گذشته ساده	would ('d)/ would not (wouldn't)	مصدر بدون to
If	I had more money,	I would ('d)	buy a new car.

If I **were***a rich man, I**'d buy** an expensive car. اگر ثروتمند بودم یک ماشین گران‌قیمت می‌خریدم.

نکته ۱: در این نوع جملات می‌توان به جای would از could یا might هم استفاده کرد:

نکته ۲: در این نوع جملات شرطی، به جای was از were استفاده می‌شود.

If I were you, I **wouldn't buy** that house.

شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی)

از این نوع جملات شرطی برای تصور گذشته‌ای غیر ممکن استفاده می شود. در واقع در این نوع جملات، گوینده آرزوی یک گذشته متفاوت را دارد. (اما گذشته‌ها گذشته)

If	گذشته کامل	would have/ would not have	قسمت سوم فعل (p.p.)
If	I had seen you,	I would have	said hello.
(اگر تو را دیده بودم، سلام می‌کردم.)			

نکته: در این نوع جملات می‌توان به جای would از could یا might هم استفاده کرد:

If the weather hadn't been so bad, we **could/might** have gone out.

هر چند این طبقه‌بندی برای تمرین جملات شرطی و پاسخگویی به سؤالات مربوط به جملات شروطی ممکن است مناسب و کافی باشد، اما باید بدانیم که ساختارهای بسیاری در حوزه جملات شرطی هستند که با این سه گروه نمی‌توان آن‌ها را طبقه‌بندی نمود. بنابراین باید بدانید که بهتر است جملات شرطی به دو نوع یعنی ساختارهایی که با زمان‌های معمولی به کار می‌روند که جملات شرطی اصطلاحاً نوع اول را هم دربرمی‌گیرند و ساختارهایی که با زمان‌های ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرند (شامل نوع دوم و سوم) تقسیم‌بندی شوند.

- وقتی که ما نمی‌خواهیم درباره موقعیت‌های غیرواقعی و یا خیالی صحبت کنیم از زمان‌های معمولی با if استفاده می‌نماییم. یعنی زمان حال برای اشاره به زمان حال، زمان گذشته برای اشاره به زمان گذشته و غیره.

If you want to learn a musical instrument, you have to practice.
If that was Mary, why didn't she stop and say hello?
If the weather is good, I go to the beach.
If you heat the ice, it melts.

نکته: در دو مثال آخر در هر دو بخش جمله شرطی یعنی هم در If-clause و هم در Main-clause از زمان حال ساده استفاده شده که می‌توان در هر دو جمله به جای if از when استفاده کرد.

- هنگامی از زمان‌های غیرواقعی استفاده می شود که بخواهیم درباره موقعیت‌های غیرواقعی صحبت کنیم. یعنی موقعیت‌هایی که اتفاق نخواهند افتاد و یا احتمال رخ دادن آن‌ها بسیار کم است، موقعیت‌هایی که یا واقعی و یا خیالی هستند و یا وقایعی که رخ نداده‌اند. ما در این گونه جملات شرطی از would و زمان‌های گذشته استفاه می‌نماییم تا بدین ترتیب نشان دهیم که موقعیت واقعی نیست. با زمان حال غیرواقعی از گذشته ساده و با زمان گذشته غیر واقعی از زمان گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می‌شود.

If I knew her name, I would tell you. اگر اسم او را می‌دانستم به تو می‌گفتم (اما نمی‌دانم).

If we had had more money, we would have been able to buy a new suit.

اگر ما پول بیشتری داشتیم می‌توانستیم یک دست کت و شلوار جدید بخریم.

شرطی آمیخته

در برخی موارد، شاهد ترکیب شرطی نوع سوم با نوع دوم هستیم که به آن شرطی آمیخته (mixed condition) گفته می‌شود.

If I had studied harder, I would be a doctor now. اگر سخت‌تر درس خوانده بودم، حالا دکتر بودم.

گذشته کامل (شرطی نوع سوم) آینده در گذشته (شرطی نوع دوم)

۱۴- جملات سببی

هر گاه عملی در جمله به وسیله شخص دیگری غیر از فاعل انجام شود، از این ساختار استفاده می‌شود. این گونه جملات به دو دسته معلوم و مجهول طبقه‌بندی شده و با دو فعل get و have ساخته می‌شوند.

جملات سببی مجهول

در این ساختار کسی که فعل را انجام می‌دهد مشخص نیست. از فرمول زیر برای این ساختار استفاده می‌شود:

قسمت سوم فعل + مفعول + (مطابق با زمان جمله) get/have + مسبب کار

I get/had my car washed yesterday. دیروز دادم ماشینم را بشویند.

جملات سببی معلوم

در این ساختار کسی که فعل را انجام می‌دهد مشخص است. فرمول‌های زیر برای این ساختار استفاده می‌شود:

۱. مفعول + مصدر بدون to + انجام دهنده کار + (مطابق با زمان جمله) have + مسبب کار

I had Tom fix my cell phone. من دادم تام موبایلم را تعمیر کند.

۲. مفعول + مصدر با to + انجام دهنده کار + (مطابق با زمان جمله) get + مسبب کار

He gets his sister to do the typing.

نوع جمله سببی	ساختار	کاربرد
سببی معلوم	I had Dr. James check my eyes last month.	مسبب و شخصی که از او خواسته کاری را انجام دهد (انجام دهنده)، هر دو در جمله وجود دارند و معلوم هستند. (ترتیب کلمات مهم است.)
	I got Dr. James to check my eyes last month.	
سببی مجهول	I had my eyes checked last month.	فقط مسبب معلوم است و انجام دهنده مشخص نمی‌باشد و مفعول هم قبل از pp قرار می‌گیرد. (ترتیب کلمات مهم است.)

۱۵- ضمایر

ضمایر ملکی

برای آشنایی با ضمایر ملکی بهتر است ابتدا صفات ملکی یادآوری گردد:

صفت‌های ملکی: my, our, your, his, her, their, its

ضمایر ملکی: mine, ours, yours, his, hers, theirs

A: Is this book mine or yours?
B: I went to the movies with a friend of mine.

نکته: whose (مال چه کسی) را هم می‌توان با یک اسم و و هم به تنهایی به کار برد.

A: Whose money is this?/ Whose is this?
B: It's mine.

ضمایر انعکاسی

myself, yourself, himself, herself, itself, yourselves, ourselves, themselves

از ضمایر انعکاسی در مواقعی استفاده می‌کنیم که فاعل و مفعول جمله یکی باشد:

I looked at myself in the mirror.
Please help yourselves. لطفاً از خودتان پذیرایی کنید.

نکته ۱: بعد از bring something with ... یا take something with ... از ضمایر انعکاسی استفاده نمی‌کنیم:

It might rain. I'll take an umbrella with me (not with myself).

نکته ۲: بعد از افعال concentrate/feel/relax/meet نیز ضمیر انعکاسی نمی‌آوریم:

You have to try and concentrate.
What time should we meet? چه موقع همدیگر را ملاقات کنیم؟

نکته ۳: وقتی حرف اضافه by به ضمایر انعکاسی اضافه می‌شود معنی «تنها» به خود می‌گیرند:

I went on vacation by myself. خودم تنها به تعطیلات رفتم.

-Was she with her friend?
-No, she was by herself.

نکته ۴: از ضمایر انعکاسی برای تأکید هم استفاده می‌شود، به‌همین دلیل به آن‌ها «ضمایر تأکیدی» نیز می‌گویند:

I repaired my bicycle myself. خودم دوچرخه‌ام را تعمیر کردم.

I'm not going to do it for you. You can do it yourself.
A friend of mine is getting married.
Michael had an argument with a neighbor of his.

That woman over there is a friend of my sister's. آن زن یکی از دوستان خواهرم است.

Vicky and George would like to have their own house.
(وقتی می‌گوییم my own house یعنی «خانه‌ای که فقط مال من است» نه آن را از کسی اجاره کرده‌ام و نه با کسی شریکم.)

It's my own fault that I don't have any money.

نکته ۵: وقتی که می‌خواهیم بگوییم کاری را خودمان انجام می‌دهیم نیز از own استفاده می‌کنیم:

Bill usually cuts his own hair.

نکته ۶: عبارت on my own یا on your own و ... یعنی «به طور مستقل».

Are your children living on their own? آیا فرزندان شما مستقل زندگی می‌کنند؟

ضمایر تأکیدی و انعکاسی (selfها)	کاربرد
myself, yourself, himself, … , themselves	اگرفعل اصلی جمله حرکتی باشد اجازه به کار رفتن با حرف اضافه with را ندارند.
	همرا با حرف اضافه by به معنای «به تنهایی» می‌باشند. (by myself, by yourself, …)

ضمایر موصولی*

کلماتی هستند که به جای اسم می‌نشینند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند. این نوع ضمایر وظیفه بزرگ دیگری نیز بر عهده دارند و آن متصل کردن دو جمله به هم می‌باشد، از این رو آن‌ها را به نام «موصولی» می‌شناسیم.

who, whom, which, what, that, where, when, why

1. Ali found the missing kid.
2. Ali wore a blue shirt.

Ali who wore a blue shirt found the missing kid.

*در شماره ۲۶ بخش گرامر از همین کتاب، به تفصیل به بحث جمله‌واره‌ها و کاربرد ضمایر موصولی پرداخته شده است.

ضمایر موصولی در یک نگاه

ضمایر موصولی در یک نگاه		کاربرد				
		می‌تواند قرار گیرند به جایِ	به عنوان فاعل	به عنوان مفعول	در عبارت معرف*	در عبارت غیرمعرف (ویرگول‌دار)
Pronouns (ضمایر موصولی)	who	انسان‌ها، حیوانات	بله	بله	بله	بله
	whom	انسان‌ها	خیر	بله	بله	بله
	which	اشیا، حیوانات	بله	بله	بله	بله
	that	انسان‌ها، حیوانات، اشیا	بله	بله	بله	خیر
	whose	مالکیت‌ها، ارتباط‌ها	بله	بله	بله	بله
Nominal pronoun (ضمیر اسمی)	what	اشیا، عقاید (به معنای آن‌چه که)	بله	بله	بله	خیر
Adverbs (قیدهای موصولی)	where	مکان	بله	بله	بله	بله
	when	زمان	بله	بله	بله	بله
	why	دلیل یا علت	بله	بله	بله	بله
نکات تکمیلی موصولی‌ها	that می‌تواند به جای قیود موصولی هم قرار گیرد ولی به جای whose و what استفاده نمی‌شود.					
	با این که whom نقش مفعول انسانی دارد اما به کار بردن who به whom ارجحیت دارد.					
	ضمایر موصولی who و that اجازه استفاده پس از یک حرف اضافه را ندارند.					

* عبارت معرف، بدل یا عطف بیان، اسم یا عبارتی اسمی است که در کنار اسم دیگری به توصیف و یا بیان مجدد آن می‌پردازد. بدل معمولاً با ویرگول، خط تیره و یا کروشه همراه است.

موارد مشخص شده در جملات ذیل، بدل هستند.

Don't leave your shoes there, or my dog, Ollie, will munch them.
Dr Pat, the creator of the turnip brew, sold 8 barrels on the first day.

۱۶- تطابق فعل و فاعل

- توجه داشته باشید که همه جمله‌ها باید فعل و فاعل داشته باشند. بنابراین همواره این دو نکته را چک کنید: ۱. وجود فعل و فاعل ۲. هماهنگی میان فعل و فاعل

Cars were backed up for miles on the freeway.

His money helps him in his life.

نکته ۱: گاهی اوقات همراه فاعل یک بدل می‌آید که توضیحی اضافی راجع به فاعل است و بین دو ویرگول قرار گرفته است. در این موارد با حذف عبارت داخل ویرگول‌ها، مشکلی در جمله ایجاد نمی‌شود. تشخیص فاعل حقیقی در این جملات بسیار مهم است.

Dr Jackson, accompanied by his friend, **is working** on this project.

نکته ۲: در جملاتی که فاعل آن‌ها it یا there است، شکل فاعل وابسته به فاعل حقیقی است که در ادامه جمله ذکر می‌شود.

There **was** once a **king**.
There **are** many **people** in this room.

نکته ۳: وقتی که فاعل عبارتی است که دال بر مقدار باشد (all, most, some, half + of the + object)، ممکن است فعل مفرد یا جمع بوده و باید به تطابق فعل با آن توجه شود.

All (of the book) was interesting. فاعل مفرد و فعل مفرد

All (of the books) were interesting. فاعل جمع و فعل جمع

All (of the information) was interesting. فاعل غیرقابل شمارش و با فعل مفرد

نکته ۴: اگر چه ضمایر مبهم در ترجمه جمع هستند، همراه با این ضمایر از فعل مناسب سوم شخص مفرد استفاده می‌شود.

Anyone, everyone,someone, everybody, something, somebody, no one, what, nothing, whatever, neither, either, …

Either of these houses **is** empty.
Anyone who **wants** to pass the exam should study hard.

نکته ۵: هنگامی که دو فاعل با ترکیب either … or یا neither … nor به هم مرتبط شـــوند، فاعلی که به فعل جمله نزدیک‌تر است، فاعل حقیقی محسوب شده و فعل با آن مطابقت می‌کند.

Neither Ali nor **his borthers are** here.
Neither his borthers nor **Ali is** here.

نکته ۶: برخی اسم‌ها اگر چه ظاهراً جمع هستند و به s ختم می‌شوند، اما در واقع مفرد محسوب شده و فعل بعد از آن‌ها نیز به صورت مفرد به کار می‌رود. مانند:

Politics, Economics, Ethics, Physics, News, Diabetes, the United Nations, the Philippines, …

Economics is not my favorite subject of interest.

۱۷- تطابق اسم و ضمیر

همواره ضمیر به لحاظ جنیست و تعداد با اسمی که به آن برمی‌گردد باید مطابقت داشته باشد.

At the start of the program **each student** needs to see **his** behavior about **his** schedule.
Their house was small but **Jones family** lived there happily.

نکته ۱: عبارت‌های مربوط به پول، زمان و فاصله، معمولاً با فعل مفرد به کار می‌روند.

Eight hours of sleep **is** enough.
Ten dollars is too much to pay.
Five thousands miles is too far to travel.

نکته ۲: اسم‌هایی مانند people، police و cattle اگر چه در ظاهر مفرد هستند، اما در واقع جمع هستند.

The **people are** form Canada.
The **police have** arrived.
The **cattle are** grazing.

۱۸- اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم‌های قابل شمارش آنهایی هستند که:

۱. می‌توان آن‌ها را شمرد.

apple, pen, radio, book, picture, egg, bottle

۲. هم به صورت مفرد به کار گرفته شوند و هم به صورت جمع.

a car, many cars
a book, three books, some books

۳. در حالت مفرد حرف تعریف a یا an می‌گیرند.

a pen, an egg, an umbrella

اسم‌های غیرقابل شمارش آنهایی هستند که:

۱. نمی‌توانیم آن‌ها را بشمریم.

rice, coffee, candy. milk, water, salt, money, music, tennis, fruit, perfume

۲. همیشه به شکل مفرد به کار می‌روند.

۳. در شکل مفرد نمی‌توان آن‌ها را با a یا an به کار برد، حتی اگر قبل از اسم یک صفت یا اسم باشد.

We had such nice weather during the picnic. (not such a nice weather)

۴. می‌توانیم آن‌ها را با کلماتی مانند some, any, no, a lot of, … و همچنین a piece of, a pack of, a glass of, … به کار بریم.

a glass of water, a bottle of perfume, a piece of advice, a pack of sugar (not two sugar or some sugars), …

نکته ۱: بسیاری از اسم‌ها را می‌توان هم به شکل قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش مورد استفاده قرار داد و به مفهوم کلمه در جمله بستگی دارد. مثلاً مواد غذایی اگر به صورت کامل باشند، قابل شمارش‌اند، ولی اگر پخته شوند یا مقداری از آن‌ها مورد نظر باشد، غیر قابل شمارش‌اند.

Look! The bakery has some nice cakes. (قابل شمارش)

Would you like a piece of cake? (غیرقابل شمارش)

نکته ۲: بعضی از اسم‌ها که در زبان انگلیسی معمولاً غیرقابل شمارش هستند، در زبان‌های دیگر قابل شمارش محسوب می‌شوند:

advice, bread, furniture, luggage, progress, weather, baggage, chaos, news, luck, scenery, work, behavior, damage, permission, traffic, information, trouble, homework, money, …

نکته ۳: work غیرقابل شمارش است اما job قابل شمارش است. همچنین work در معنای آثار هنری قابل شمارش است.

I'm looking for work or I'm looking for a job.
Works of Picasso

۱۹- شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید

شناسه‌ها قبل از اسم قرار می‌گیرند و تعداد یا مقدار یا دیگر حالات اسم را مشخص می‌کنند.

some و any

از some در موارد ذیل استفاده می‌شود:

- به معنای «تعدادی، مقداری» هم با اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود:

I need some money.

- وقتی می‌خواهیم چیزی به کسی تعارف کنیم و یا از کسی تقاضایی داشته باشیم از some استفاده می‌کنیم.

Would you like some coffee?
Can I have some soup, please?

- از some در جملات مثبت و جملات سؤالی که مطمئن هستیم، پاسخ آن مثبت است استفاده می‌کنیم.

I have got some work to do.
Why do you have a stomachache? Did you eat some bad food?

از any در موارد ذیل استفاده می‌شود:

- از any در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم.

There aren't any books in the bookstore.
Is there any cheese in the refrigerator?

- در جملات مثبتی که معنای منفی دارند نیز از any استفاده می‌کنیم.

She went out without any money.
He refused to eat anything.
Hardly anybody passed the examination.

- زمانی که می‌خواهیم بگوییم برایمان فرقی نمی‌کند، از any/anything/anybody استفاده می‌کنیم:

I'm so hungry, I could eat anything.
The exam was very easy. Anybody could have passed.

- اسم قابل شمارش بعد از any به صورت جمع به کار می‌رود، مگر در مواردی که any به معنای «هر» باشد، که در این صورت اسم قابل شمارش بعد از آن مفرد است.

There aren't any students in the class.
You can answer any question about math.

- اغلب اوقات بعد از if از any استفاده می‌کنیم. (یعنی در قسمت شرط از یک جمله شرطی)

Let me know if you need anything.

- در برخی جملات any مفهوم if دارد:

I'm sorry for any trouble I've caused. (= if I cause mistake.)

- some و any می‌توانند بدون اسم به کار روند:

I didn't take any pictures, but any took some.
You can have some coffee, but I didn't want any.

a lot of, lots of, plenty, many, much

- شناسه a lot of و lots of به معنای «تعداد یا مقدار زیادی» با هم فرقی ندارند، تنها تفاوت آن‌ها این است که a lot of رسمی‌تر است. این شناسه‌ها هم با اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) به کار می‌روند.

We need a lot of/lots of eggs for this cake.

- شناسه plenty نیز به معنای «تعداد و مقدار زیادی» کاربردی مانند lots of و a lot of دارد، با این تفاوت که هر گاه بخواهیم بر زیاد بودن و بیش از حد بودن مقدار یا تعداد چیزی تأکید کنیم، از این شناسه استفاده می‌کنیم.

There's no need to hurry. We've got plenty of time. (نیازی به عجله نیست، زیاد وقت داریم.)

- معمولاً در جملات مثبت از a lot of/lots of و در جملات منفی و سؤالی از many و much استفاده می‌شود. (البته گاهی در جملات مثبت در زبان رسمی ممکن است به کار می‌روند.)

There was too much sugar in my tea.

- many (تعداد زیادی) با اسامی قابل شمارش (جمع) و much (مقدار زیادی) با اسامی غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.

I khow a lot of people here.
I don't know many people here.
I don't have much energy these days.

- much و a lot را بدون اسم نیز به کار می‌بریم:

A: Do you watch TV much?
B: Yes, a lot.

a little, a few

- a little (مقداری، کمی) فقط با اسم‌های غیرقابل شمارش می‌آید. a little مقداری را نشان می‌دهد که خیلی کم است، اما برای رفع نیاز کافی است و little (کم، تقریباً هیچ) مقداری را نشان می‌دهد که خیلی کم است و برای رفع نیاز کافی نیست. در واقع a little حالت مثبت و little حالت منفی دارد.

A: Can we eat dinner before the train leaves?
B: Yes, we can. We have a little time. (کمی وقت داریم، برای این که ناهار بخوریم، کافی است.)
A: Can we eat dinner before the train leaves?

B: No, we can’t. We have little time. (وقت نداریم یا وقت کم داریم برای این که ناهار بخوریم.)

- a few (تعدادی، چند تا) فقط با اسامی قابل شمارش می‌آید. a few حالت مثبت و few (تقریباً هیچ) حالت منفی دارد.

enough

- شناسه enough (تعداد یا مقدار کافی) قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود و دارای معنای مثبت است.

They have enough workers but they haven’t enough time.

- enough همچنین بدون اسم و به تنهایی نیز به کار برده می‌شود:

I’ve got some money, but not enough to buy a car.

- enough بعد از صفت و قید هم می‌آید:

Can you hear the radio? Is it loud enough for you?

- زمانی که enough با اسم یا صفت به کار می‌رود، می‌توان جمله را با یک مصدر ادامه داد:

There aren’t enough chairs for everybody to sit down.

too

- شناسه too به معنای (بیش از حد، خیلی زیاد) قبل از صفت یا قید به کار می‌رود و بار معنایی منفی دارد.

I think you work too hard.

- برای کم و زیاد کردن اثر too می‌توان کلماتی را قبل از too به کار برد:

much too, a lot too, a little too, a bit too, rather too, …

- too much و too many به معنی «خیلی زیاد» هستند، ولی too much برای اسم‌های غیرقابل شمارش می‌آید و too many برای اسم‌های قابل شمارش، همچنین too much نمی‌تواند قبل از صفت به کار رود.

Emily studies all the time. I think she studies too much.
There is too much rain. باران خیلی زیادی می‌بارد.
There are too many people here.
It’s too expensive. (not it’s too much expensive)

- معمولاً too به همراه یک صفت یا قید و یک مصدر به کار می‌رود.

The food was too hot to eat. غذا آن‌قدر داغ بود که نمی‌شد آن را خورد.

- همچنین می‌توان بعد از too و صفت، از حرف اضافه for و یک ضمیر مفعولی یا اسم استفاده کرد.

These shoes are too big for me. این کفش‌ها برای من خیلی بزرگ هستند.

She speaks too fast for me to understand. او آنقدر تند حرف می‌زند که من نمی‌توانم حرف‌هایش را بفهمم.

- کاربرد too و very متفاوت است، چون very به معنای «خیلی» و too به معنای «بیش از حد» است.

It was very cold but we went out.
It was too cold, so we didn't go out.

all

- all به معنی «همه» قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.

All flowers need water.
Life is all hope.

- بعد از all می‌توان شناسه دیگری مانند that, these, his, my, the, … و یا عدد نیز به کار برد.

All my shirts are black.
All four men are experienced workers.

در این حالات می‌توان حرف اضافه of را بعد از all اضافه کرد.

All of my shirts are black.

- اگر قبل از اسم یک عدد به کار رفته باشد به هنگام استفاده از of باید یک شناسه دیگر (the, these, …) قبل از عدد به کار رود.

All of **the** four men are experienced workers.

- all را می‌توان بعد از ضمایر فاعلی به کار برد.

we all = all of us

- all معمولاً بعد از فعل be و همچنین بعد از اولین فعل کمکی می‌آید.

We **are** all going to Italy next month. همه ما ماه آینده به ایتالیا خواهیم رفت.

You **should** all do your homework by yourselves. همه شما باید تکالیفتان را به تنهایی انجام دهید.

- گاهی برای تأکید، all قبل از فعل کمکی به کار می‌رود.

You all should do your homework by yourselves.

- برای ساختن جملات منفی با all از ساختار not all (of) استفاده می‌کنیم.

Not all my friends were at the party. همه دوستانم در مهمانی نبودند (بعضی از آن‌ها بودند).

نکته: all را به تنهایی به کار نمی‌بریم.

- همچنین از all به معنای «تنها چیز» هم استفاده می‌کنیم:

All I've eaten today is a sandwich.

whole

- whole به معنای «کامل، همه، تمام» است و اغلب با اسم‌های مفرد به کار می‌رود:

all day = the whole day (تمام روز)

Did you read the whole book?

نکته: whole را با اسم‌های غیرقابل شمارش به کار نمی‌بریم:

I've spent all the money you gave me. (whole money نمی‌گوییم)

most

- most به معنای «اغلب» قبل از اسامی قابل شمارش جمع و نیز غیر قابل شمارش مفرد به کار می‌رود. در این حالت در مورد چیز نامشخص و به صورت کلی صحبت می‌کنیم.

Most people prefer health to wealth.
Most teachers are kind and patient.

- اما اگر بخواهیم در مورد چیز مشخصی صحبت کنیم، از most of به اضافه یک شناسه استفاده می‌کنیم.

Most of the people in this town are educated.

- most به تنهایی نیز به کار می‌رود.

There are about fifty books in the bookcase. Most are biograghies.

half

- half به معنای (نیمی از، نصف) معمولاً با the یا a/an آمده و بعد از آن اسم مفرد یا جمع به کار می‌رود.

Half the money = half of the money
Half an hour

نکته: استفاده از of بعد از half اختیاری است.

no

- no به معنای «هیچ» قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) به کار می‌رود.
- این کلمه و مشتقاتش (nothing, nowhere) در جملات مثبت می‌آیند و معنای جمله را منفی می‌کنند.

There are no students in the class.

- بعد از no می‌توان بعضی شناسه‌های دیگر را نیز استفاده کرد.

We have no more eggs. دیگر تخم مرغی نداریم.

none

- none به معنای (هیچ) معمولاً با of می‌آید. اگر بعد از none of اســم غیر قابل شــمارش (مفرد) بیاید، فعل جمله مفرد و اگر بعد از none of ا سم قابل شمارش (جمع) بیاید فعل می‌تواند جمع یا مفرد با شد. اما ا ستفاده از فعل مفرد ر سمی‌تر است.

- در پاسخ به سؤال معمولاً از none به تنهایی استفاده می‌شود. اما no هیچ گاه تنها به کار نمی‌رود.

How much money do you have? None = (no money)

both

- both به معنای «هر دو» فقط با اســامی قابل شــمارش جمع می‌آید و برای صــحبت در مورد دو شــیء یا دو شــخص به کار می‌رود. بنابراین فعل آن همیشه جمع است.

Rosemary has two children. Both are married.
Both girls=both the girls=both of the girls

- استفاده از both of رایج است، اما ضروری نیست.

Both my parents are from Iran.

نکته: آوردن of برای both قبل از "them/you/us" ضروری است:

Tiffany has two sisters. Both of them are married.

- both در ترکیب … and … both نیز به کار می‌رود.

Both Sara and Jane were late.

- both می‌تواند به تنهایی به کار رود.

I don’t know which car to choose. I like both.

either, neither

- either به معنای «هر یک از دو، یکی از دو تا» و neither به معنای «هیچ یک از دو» فقط برای صحبت از دو شیء یا دو شخص به کار می‌روند.

- فقط با اسم قابل شمارش مفرد می‌آیند و فعل جمله نیز مفرد است. (مگر در صورت استفاده از of که فعل می‌تواند جمع هم باشد.)

Either answer is correct. هر دو جواب درست است.

Neither answer is correct. هیچ کدام از دو جواب درست نیست.

Would you like tea or coffee? You can have either.

چای میل دارید یا قهوه؟ شما می‌توانید این یا آن را بخورید.

A: Do you want to go to the movies or the theater?
B: Neither. I want to stay home.

A: Do you want to go to the movies or the theater?
B: Either, it doesn't matter. این یا آن، برایم فرق نمی‌کند.

A: Would you like tea or coffee?
B: I don't want either. (neither نگوییم) نه این را می‌خواهیم نه آن را.

A: Would you like tea or coffee?
B: Neither. (= not tea or coffee) هیچ کدام

- بعد از either و neither از of نیز استفاده می‌شود. در این حالت بعد از of باید یک شناسه مانند the, these, my … به کار برد و سپس اسم جمع می‌آید.

both of/neither of/either of + the/these/my/Tom's/you/them …

Either of these answers. (هر یک از این دو جواب)

Can either of you speak Spanish?

نکته: در این حالت هم از فعل جمع و هم از فعل مفرد می‌توان استفاده کرد. با این حال بخاطر داشته باشید که استفاده از فعل مفرد در این موارد معمولاً جنبه رسمی دارد.

Neither of these answers are/is correct.
Neither of the restaurants we went was/ were expensive.
Neither restaurant is expensive.

- either و neither در ساختارهای either … or … و neither … nor … نیز به کار می‌روند.

I'm not sure. He's either Spanish or Italian. مطمئن نیستم، یا اسپانیایی است و یا ایرانی.

Neither Liz nor Robin came to the party. نه لیز به مهمانی آمد و نه رابین.

each

- each به معنای «هریک، هرکدام» قبل از اسم قابل شمارش مفرد به کار می‌رود و فعل بعد از آن نیز مفرد است.

Each room has a private bath. هر اتاق یک حمام خصوصی دارد.

- each با of نیز به کار می‌رود.

Each of the rooms has a private bath. هر کدام از اتاق‌ها حمام خصوصی دارد.

- each می‌تواند بعد از یک اسم یا ضمیر جمع نیز به کار رود. در این حالت از فعل جمع استفاده می‌شود.

We each have our own room. ما هر کدام اتاق خود را داریم.

- each می‌تواند به تنهایی نیز به کار رود.

- وقتی به تعداد کمی اسم مورد اشاره روبرو هستیم، از each استفاده می‌کنیم و وقتی تعداد زیاد باشد، every به کار می‌رود.

Each chair in the room, Every country in the world, …

every

- every به معنای «هر-همه»، کلمه‌ای مفرد است و همیشه با اسم قابل شمارش مفرد می‌آید و فعل بعد از آن نیز مفرد است.

- every نمی‌تواند تنها به کار رود و همیشه باید همراه اسم باشد.

Alice has been to every country in Europe.
Every house on the street = all the houses on the street
Every house in the street **is** the same.

- everyone، everybody و everything نیز کلمات مفرد هستند و با فعل مفرد می‌آیند، اما اغلب بعد از everybody/everyone از their/them/they استفاده می‌کنیم:

Everybody said they enjoyed themselves. (he or she enjoyed himself or herself)
همه (هرکس) گفت که (از مهمانی) خوشش آمد.

نکته ۱: وقتی می‌خواهیم بگوییم همه، که منظورمان «هرکس» و «تک تک افراد» است، از all استفاده نمی‌کنیم. بلکه everybody یا everyone را به کار می‌بریم:

Everybody enjoyed the party.

نکته ۲: وقتی می‌خواهیم بگوییم «همه ما» از ...everybody of استفاده نمی‌کنیم بلکه ...all of us/you/them را به کار می‌بریم:

All of us enjoyed the party.

نکته ۳: everyday به معنای «هر روز» اما all day به معنی «همه روز» است. این وضعیت برای every night، every summer و ... و all right، all summer و ... نیز هست.

It raind everyday last week.
Yesterday, it raind all day.

نکته ۴: بعضی اوقات می‌توانیم هم از all استفاده کنیم و هم از everything:

I'll do all I can to help.
I'll do everything I can to help.

نکته ۵: همچنین استفاده از of برای all اختیاری است:

I don't want any of this money.
Some of these books are very old.
All the students in our class passed the exam.

❖ به طور کلی:

- برای اسامی که جنبه خاصی دارند و برای مخاطب آشنا هستند از ترکیب زیر استفاده می‌کنیم:

most some any none	+ of +	the this/that/these/those my/your/...

- برای اسامی که جنبه کلی دارد از قاعده زیر پیروی می‌کنیم:

all most some any no	+	cities children books

- همچنین all of/some of/none of/... + it/us/you/them

A: Do you like this music?
B: Some of it, not all of it.

other, another, each other, one

- other به معنای «دیگری» و جمع آن others است. اگر قبل از آن حرف تعریف the اضافه شود ضمیر معین است.

Asbestos protects other materials from fire. پنبه نسوز از مواد دیگر در برابر آتش محافظت می‌کند.

One type of asbestos is dangerous, the other type isn't dangerous.
یک نوع پنبه نسوز خطرناک هست، نوع دیگر آن خطرناک نیست.

- another به معنای «دیگری، آن یکی» و با اسامی قابل شمارش مفرد به کار می‌رود و قبل از آن حرف تعریف اضافه نمی‌شود.

We need to find another way.. ما باید راه دیگری (علاوه بر راه موجود) پیدا کنیم

- one به معنای «یک، یکی» با اسم قابل شمارش مفرد می‌آید. جمع آن یعنی ones به جای اسامی جمع استفاده می‌شود.

The ones you love hurt you the most.

- each other به معنای «یکدیگر» است. این دو اصطلاح وقتی به کار می‌رود که کاری به صورت متقابل از دو طرف صورت گرفته باشد.

We've known each other for some years now.
My wife and I have lived with each other for 1 year.

نکته: از one another هم به جای each other استفاده می‌شود:

How long have you and Bill known one another?

so

- so قبل از صفت یا قید به کار رفته و معنای صفت (قید) را قوی‌تر می‌کند.

- so گاهی به معنای «خیلی، واقعاً» است.

The story was so stupid. (= really stupid)

و گاهی در معنای «آنقدر، اینقدر» می‌باشد.

I didn't expect the exam to be so easy. انتظار نداشتم امتحان آنقدر آسان باشد.

- اگر so در ساختار so + adj/adv + that clause باشد، یعنی بعد از that عبارتی به کار رفته باشد، so در معنای «آنقدر، به قدری» خواهد بود. ضمن این‌که کلمه that را نیز می‌توانیم حذف کنیم.

I was so tired (that) I fell asleep in the armchair.

such

- such قبل از صفت یا اسم به کار می‌رود و مانند so معنی صفت را تقویت می‌کند و همان معنای so را دارد.

It was such a stupid story.

- اگر اسم بعد از such مفرد و قابل شمارش باشد، بعد از such از a/an استفاده می‌شود و اگر اسم بعد از such جمع یا غیر قابل شمارش باشد از a/an استفاده نمی‌شود.

I didn't realize it was such an old house.

- اگر such در ساختار such + (a/an) + adj + noun + that clause باشد، یعنی بعد از that عبارتی به کار رفته باشد، such در معنای «چنین، چنان» خواهد بود. ضمن اینکه کلمه that را نیز می‌توانیم حذف کنیم.

It was such nice weather (that) we spent the whole day at the beach.

چنان هوای خوبی بود که کل روز را در ساحل گذراندیم.

- so و such در عبارات خاصی برای توصیف زمان، مسافت و مقدار یا تعداد به کار می‌روند.

so long = such a long time مدت‌ها

so far = such a long way آنقدر دور

so many = such a lot of آنقدر زیاد

so much = such a lot of آنقدر زیاد

Why did you buy such a lot of (so much) food?

جمع‌بندی شناسه‌های قبل از اسم، صفت یا قید

شناسه	کاربرد
any	۱. جملات منفی یا سؤالی ۲. جملات مثبت با معنای منفی ۳. قسمت شرط از یک جمله شرطی ۴. جمله مثبت به شرط داشتن معنای «فرقی نمی‌کند کدام» ۵. اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) ۶. در مواردی که any به معنای «هر» باشد، اسم قابل شمارش بعد از آن مفرد ۷. می‌تواند بدون اسم به کار رود.
some	۱. جملات مثبت و خبری ۲. در جملات سؤالی به شرطی که مطمئن باشیم پاسخ مثبت (بله) است و یا در حالت تعارف. ۳. پیشنهاد یا تقاضا و اجازه استفاده ۴. با اسامی قابل شمارش (جمع) و با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) ۵. می‌تواند بدون اسم به کار رود.
a lot of	۱. در جملات مثبت ۲. اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) ۳. a lot می‌تواند بدون اسم به کار رود.
lots of	۱. در جملات مثبت ۲. با اسامی قابل شمارش (جمع) و با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد)
plenty	۱. تأکید بر بیش از حد بودن مقدار یا تعداد چیزی ۲. با اسامی قابل شمارش (جمع) و با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد)
much	۱. در جملات منفی و سؤالی ۲. اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) ۳. می‌تواند بدون اسم به کار رود.
many	۱. در جملات منفی و سؤالی ۲. اسامی قابل شمارش (جمع)
a few	۱. حالت مثبت ۲. اسامی قابل شمارش
a little	۱. حالت مثبت ۲. اسامی غیرقابل شمارش
enough	۱. بعد از صفت و قید ۲. اسامی قابل شمارش (جمع) و غیر قابل شمارش (مفرد) ۳. می‌تواند بدون اسم به کار رود. ۴. بعد از صفت و قید
too	۱. قبل از صفت یا قید ۲. به همراه یک صفت یا قید و یک مصدر ۳. به همراه یک صفت و یک مصدر و for و ضمیر مفعولی یا اسم

every	۱. به معنای «هر» ۲. مفرد است، با اسم قابل شمارش مفرد و فعل بعد از آن نیز مفرد. ۳. به گروه یا مجموعه اشاره دارد. ۴. وقتی تعداد اسم مورد اشاره زیاد باشد به each ارجحیت دارد. ۵. نمی‌تواند به تنهایی به کار رود، حتماً باید همراه یک اسم باشد.
each	۱. به معنای «هر» ۲. اسم قابل شمارش مفرد و فعل مفرد ۳. وقتی تعداد اسم مورد اشاره کم باشد به every ارجحیت دارد. ۴. می‌تواند به تنهایی و بدون همراهی با اسم به کار برده شود. ۵. بعد از اسم یا ضمیر جمع و فعل جمع
none	۱. به جای اسم قرار می‌گیرد. ۲. معنای منفی دارد (هیچ، هیچ‌کس، هیچ‌کدام). ۳. به تنهایی نیز به کار می‌رود.
both	۱. به معنای «هردو» فقط با اسامی قابل شمارش جمع ۲. جمع است و فعل جمع می‌خواهد. ۳. به تنهایی نیز به کار می‌رود. ۴. both of + the/these/my/Tom's/you/them …
no	۱. به معنای «هیچ» قبل از اسامی قابل شمارش (جمع) و نیز غیر قابل شمارش (مفرد) ۲. این کلمه و مشتقاتش در جملات مثبت می‌آیند و معنای جمله را منفی می‌کنند. ۳. به تنهایی به کار نمی‌رود.
all	۱. به معنی «همه» اسامی قابل شمارش (جمع) و هم با اسم‌های غیرقابل شمارش (مفرد) ۲. all of به همراه that, these, his, my, the, … و یا عدد ۳. بعد از ضمایر فاعلی ۴. بعد از فعل be و همچنین بعد از اولین فعل ۵. برای تأکید، all قبل از فعل کمکی ۶. حالت منفی: not all (of) ۷. به تنهایی به کار نمی‌رود. ۸. به معنای «تنها چیز»
whole	۱. به معنای «کامل، همه، تمام» است و اغلب با اسم‌های مفرد ۲. اسم‌های غیرقابل شمارش به کار نمی‌بریم.
most	۱. به معنای «اغلب» قبل از اسامی قابل شمارش جمع و نیز غیر قابل شمارش مفرد ۲. در مورد چیز مشخصی most of ۳. به تنهایی نیز به کار می‌رود.
half	۱. به معنای (نیمی از، نصف) معمولاً با the یا a/an آمده و بعد از آن اسم مفرد یا جمع ۲. استفاده از of بعد از half اختیاری است.
either	۱. برای انتخاب یکی از دو تا گزینه ۲. با اسم قابل شمارش مفرد و فعل پس از آن نیز مفرد ۳. به معنای «یکی از دوتا، هر یک» ۴. either of + the/these/my/Tom's/you/them …

neither	۱. برای انتخاب نکردن هیچ یک از دو تا گزینه ۲. با اسم قابل شمارش مفرد و فعل پس از آن نیز مفرد ۳. به معنای «هیچ یک از دو تا» ۴. neither of + the/these/my/Tom’s/you/them …
other	۱. به معنای «دیگری» ۲. جمع آن others ۲. اگر قبل از آن‌ها حرف تعریف the اضافه شود ضمیر معین می‌باشد.
another	۱. به معنای «دیگری، آن یکی» ۲. به جای اسامی قابل شمارش مفرد به کار می‌رود ۳. همراه حرف تعریف نمی‌آید.
one	۱. به معنای «یک، یکی، آن یکی» ۲. به جای اسم قابل شمارش مفرد به کار می‌رود. ۳. جمع آن ones می‌باشد که به جای اسامی جمع استفاده می‌شود.
so	۱. قبل از صفت یا قید ۲. به معنای «خیلی، واقعاً» یا «آنقدر، اینقدر» ۳. so + adj/adv + that clause
such	۱. قبل از صفت یا اسم ۲. such + (a/an) + adj + noun + that clause

➢ Exercises

Questions

1. A desert receives less than twenty-five ……. of rainfall everyday.
A. centimeter
B. a centimeter
C. centimeters
D. of centimeters

2. …… of 212 degrees F. and freezes at 32 degrees F.
a. Waters boils
B. The waters boils
C. Water boils
D. Waters boil

3. It is generally believed that an M.B.A degree is good preparation for a career in …. .
A. a business
B. business
C. businesses
D. one business

4. Fire-resistant materials are used to regard …….. of modern aircraft in case of accidents.
A. a damage to the passengers cabin
B. that damage to the passenger cabin
C. damage to the passenger cabin
D. passenger's cabin damage

5. Hybrids have one more …….. per plant than other varieties.
A. corns
B. ear of corn
C. corn ears
D. corn's ears

6. …….. trees is a custom that many people engage in to celebrate Arbor Day.
A. The plant
B. Plant
C. Planting
D. To planting

7. ……. migrate long distances is well documented.

A. That is bird

B. That birds

C. Birds that

D. It is that birds

8. In 1950 it was naively predicted that eight or ten computer would be sufficient to handle all of the scientific and business needs in the United States.

A B C D

9. The religion attempts to clarify mankind's relationship with a superhuman power.

A B C D

10. A space is the last frontier for man to conquer.

A B C D

11. A progress has been made toward finding a cure for AIDS.

A B C D

12. A few tiles on Skylab were the only equipments that failed to perform well in outer space.

A B C D

13. Spell correctly is easy with the aid of a number of word processing programs for personal computers.

A B C D

14. That it is the moon influences only one kind of tide is not generally known.

A B C D

Answers

1. C
2. C
3. B
4. C
5. B
6. C
7. B
8. C (eight or ten computers)
9. A (religion)
10. A (space)
11. A (progress)
12. C (pieces of equipment)
13. A (Spelling *or* To spell)
14. A (it is should be omitted)

۲۰- افعالی که to یا ing می‌گیرند.

- فعل بعد از افعال زیر به صورت to + فعل ساده (infinitive) می‌آید:

Agree	Forget	Prefer
Appear	Hesitate	Propose
Arrange	Hope	Pretend
Ask	Intend	Promise
Advise	Insist	Refuse
Claim	Learn	Seem
Consent	Manage	Suggest
Decide	Mean	Tend
Demand	Need	Threaten
Deserve	Offer	Urge
Expect	Plan	Wait
Fail	Prepare	Want

- I intend to inform you that we cannot approve your application.

- فعل بعد از افعال زیر به صورت اسم مصدر (فعل ساده + ing) می‌آید:

Admit	Forbid	
Appreciate	Forgive	Recommend
Avoid	Keep	Regard
Complete	Mention	Regret
Consider	Mind	Resist
Delay	Miss	Risk
Deny	Postpone	Stop
Discuss	Practice	Suggest
Enjoy	Prevent	Tolerate
Escape	Quit	Understand
Finish	Recall	

- I miss watching the news when I am traveling.

- بعد از افعالی مانند افعال زیر که حرف اضافه دارند، فعل ing دار خواهیم داشت:

Approve of	Forget about	Object to
Be better of	Get through	Think about
Can’t/Couldn’t/Wouldn’t help	Insist on	Think of
Count on	Keep on	Depend on
Do not mind	Look forward to	

- We can't help wondering why she left.

➢ Exercises

Questions

1. One of the least effective ways of storing information is learning …… it.

A. how repeat
B. repeating
C. to repeat
D. repeat

2. Strauss finished ……. two of his published compositions before his tenth birthday.

A. written
B. write
C. to write
D. writing

3. Many modern architects insist on …….. materials native to the region that will blend into the surrounding landscape.

A. use
B. to use
C. the use
D. using

4. Representative democracy seemed <u>evolve</u> (A) <u>simultaneously</u> (B) <u>during</u> (C) the eighteenth and nineteenth centuries in Britain, Europe and <u>the United States</u> (D).

5. <u>Many</u> (A) people have stopped <u>to smoke</u> (B) <u>because</u> (C) they are afraid that it <u>may be</u> (D) harmful to their health.

6. During Jackson's administration, those <u>who</u> (A) did not approve of <u>permit</u> (B) common people in the White House <u>were shocked</u> (C) by the president's insistence that they be <u>invited</u> (D) into the mansion.

Answers

1. C
2. D
3. D
4. A
5. B
6. B

۲۱- صفت

- صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند. در زبان انگلیسی صفت پیش از موصوف آن آورده می‌شود. یک اسم می‌تواند یک یا چند صفت داشته باشد. ترتیب صفت‌ها در زبان انگلیسی به صورت ذیل است:

۱. حروف تعریف: a/an/the

۲. صفت‌های بیانگر کیفیت: good/nice/bad/ugly/...

۳. صفت‌های بیانگر اندازه: ling/tall/short/...

۴. صفت‌های بیانگر سن: old/young/...

۵. صفت‌های بیانگر شکل: round/circular/...

۶. صفت‌های بیانگر رنگ: blue/green/...

۷. صفت‌های بیانگر وزن: heavy/light/...

۸. صفت‌های بیانگر ملیت: Iranian/French/...

۹. صفت‌های بیانگر جنس: wooden/silk/...

نکته: بعد از افعال حسی باید از صفت استفاده کنیم.

This food tastes delicious.
The children feel happy.
The weather became cold.

صفت‌های فاعلی و مفعولی

- از ریشه فعل به دو صورت می‌توان صفت ساخت:

۱. صفت فاعلی با اضافه کردن ing

۲. صفت مفعولی به صورت قسمت سوم فعل

Ali is <u>shocked</u> because the film is <u>shocking</u>. علی شوکه شده است، چون فیلم شوکه‌کننده است.

صفت‌های عالی و تفضیلی

- صفت تفضیلی برای مقایسه دو چیز همسان و صفت عالی برای برجسته کردن یکی از تعداد زیاد به کار می‌رود.

In my opinion, <u>the most beautiful</u> *place in Oregon* is Mount Hood.
The afternoon seminar was much <u>more interesting</u> than *the morning lecture*

- صفت تفضیلی از اضافه شدن er به صفت کوتاه و more به صفت طولانی (دارای بیش از یک سیلاب) بدست می‌آید. صفت عالی از اضافه شدن est به صفت کوتاه و most به صفت طولانی بدست می‌آید.

نکته ۱: صفات دو سیلابی که به er, y, ly, ow, le ختم می‌شوند, با اضافه کردن er به صفت تفضیلی و با اضافه کردن est به صفت عالی تبدیل می‌شوند.

narrow ⟶ narrower
clever ⟶ the cleverest

نکته ۲: در صفت‌هایی که به حروف بی صدا ختم می شوند و حرف قبل از حرف بی صدا، حرف صدادار با شد، حرف بی صدا تکرار می‌شود.

fat ⟶ fatter
big ⟶ the biggest

نکته ۳: صفت‌هایی که به e ختم می‌شوند، فقط r یا st به انتهای آن‌ها اضافه می‌شود.

late ⟶ later
nice ⟶ the nicest

صفت تفضیلی + than
the + صفت عالی + in/ of/ that

She always tries to do <u>the best</u> and <u>most efficient</u> job *that* she can do.
The quarterback on this year's football team is <u>more versatile</u> *than* the quarterback on last year's team.
Fashions this year are <u>shorter</u> and <u>more colorful</u> *than* they were last year.

- صفت‌های تفضیلی و عالیِ برخی از پرکاربردترین صفت‌های بی‌قاعده در زیر آمده است:

adjective	**comparetive**	**superlative**
bad	worse	the worst
far	farther	the farthest
good	further	the furthest
little	better	the best
many	less	the least
much	more	the most

صفت‌های تفضیلی مضاعف

- وقتی دو صفت تفضیلی همراه هم به کار می‌روند، صفت اول بیانگر علت و صفت دوم بیانگر نتیجه است:

The + er / more + (same structure), the + er / more + (same structure)

- The more you study during the semester, the less you have to study the week before exams.
- The louder he shouted, the less he convinced anyone.
- The more you practice speaking, the better you will do it.

۲۲- قید

قید نحوه انجام یک عمل، کمیت، کیفیت و چگونگی آن را توصیف می‌کند. قیدها در زبان انگلیسی عموماً با اضافه کردن ly– به صفت ساخته می‌شوند.

- کاربردهای قید در جملات شامل موارد ذیل است:

۱. توصیف فعل

He runs quickly. او به سرعت می‌دود.
فعل قید

۲. توصیف صفت

I'm extremely happy. من بسیار خوشحال هستم.
قید صفت

۳. توصیف اسم به همراه یک صفت

A well designed table
قید صفت اسم

نکته: برخی قیدها در وسط جمله به کار می‌روند و عمدتاً جای ثابتی دارند، برخی از این قیدها عبارتند از:

usually, often, always, seldom, sometimes, already, finally, just, probably, never, ever, …

۱. قبل از حال و گذشته ساده

Ali always comes late.

۲. بعد از فعل be

Ali is always on time.

۳. بین فعل کمکی و فعل اصلی

Does Ali always come on time?
We can always go to everywhere we want.

۲۳- ساختارهای موازی

ساختارهای موازی با همسان کردن شکل کلمات تا حد امکان حاصل می‌شوند.

- حروف ربط and, but, or جهت مرتبط کردن عبارات همسان به کار می‌روند. بنابراین لازم است کلماتی که توسط این حروف به هم مرتبط می‌شوند دارای ساختار گرامری یکسانی باشند.

- She enjoys teaching *and* to write. (incorrect)
- She enjoys teaching and writing. (correct)

- Jane is young, enthusiastic, *and* she has talent. (incorrect)
- Jane is young, enthusiastic and talented. (correct)

- There are papers to file, reports to type, *and* letters should be answered. (incorrect)
- There are papers to file, reports to type, and letters to answer. (correct)

- I am here because I have to be *and* because I want. (incorrect)
- I am here because I have to be and because I want to be. (correct)

- حروف ربطی که به صورت دوتایی به کار می‌روند نیز نیازمند ساختارهای موازی هستند.

both …….. and ……..
either ……..……. or ……..
neither …….. nor ……..
not only …….. but also ……..

- He is not *only* intelligent *but also* he is creative. (incorrect)
- He is not only intelligent but also creative. (correct)

- He wants *either* to go by train *or* going by plane. (incorrect)
- He wants either to go by train or to go by plane. (correct)

- You can graduate *either* at the end of the fall semester *or* you can graduate at the end of the spring semester. (incorrect)
- You can graduate either at the end of the fall semester or at the end of the spring semester. (correct)

- هنگامی که مقایسه صورت می‌گیرد، تفاوت‌ها و شباهت‌ها بیان می‌شود که این موارد باید ساختار موازی با هم داشته باشند.

same structure	more …… than -er …… than less ……..… than as …… as the same ……..…… as similar ……..…… to	same structure

- Music in your country is quite *similar to* my country. (incorrect)
- Music in your country is quite similar to music in my country. (correct)

- How to buy a used car can be as difficult as buying a new car. (incorrect)
- Buying a used car can be *as* difficult *as* buying a new car. (correct)

- How to buy a used car can be *as* difficult *as* how to buy a new car. (correct)

- You have *less* homework *than* them. (incorrect)
- You have less homework than they do. (correct)

- His research for the thesis was *more* useful *than* hers. (correct)

نکته: same و the same as معنای مشابهی دارند، با این تفاوت که the same as بین دو اسم که قرار است با هم مقایسه شوند به کار می‌رود، در حالی که the same بعد از دو اسمی که قرار است با هم مقایسه شوند، به کار می‌رود.

That car is almost the same as mine.
That car and mind are almost the same.

➢ Exercises

Questions

1. In a hot, sunny climate, man acclimatizes by eating less, drinking more liquids, wearing lighter clothing and ……. .

A. skin changes that darken

B. his skin is darken

C. experiencing a darkening of the skin

D. darkens his skin

2. Both historically and ……., Ontario is the heartland of Canada.

A. in its geography

B. geographically

C. also its geography

D. geography

3. The aims of the European Economic Community <u>are</u> (A) to eliminate tariffs between member countries; <u>developing</u> (B) common policies for agriculture, labor, welfare, trade, and <u>transportation</u> (C); and <u>to abolish</u> (D) trusts and cartels.

4. The cacao bean <u>was cultivated</u> (A) <u>by</u> (B) the Aztecs not only to drink <u>but also</u> (C) <u>using as</u> (D) currency.

Answers

1. C
2. B
3. B (to develop)
4. D (to use as currency)

۲۴- قیود همسان‌کننده

- قیود همسان‌کننده به معنای «من هم همین‌طور» هستند و عبارتند از: so, too, either و neither.

- so و too در جمله‌های مثبت و neither و either در جملات منفی به کار می‌روند. به صورت خلاصه، فرمول به کار بردن این چهار قید به صورت زیر است:

در جملات مثبت:
- so do I
- I do too

در جملات منفی:
- I don’t either
- Neither do I

He can drive, so can I.
She did her homework, I did too.
He can’t drive, I can’t either.
She didn’t her homework, neither did I.

۲۵- اسم‌های غیرقابل شمارش با عبارات توصیفی

- the با اسم‌های قابل شمارش یا اسم‌های غیر قابل شمارشی که با یک عبارت توصیفی آمده باشند، استفاده می‌شود.

- The poverty of people in the rural areas is not as visible as that of people in the city.
- The work of many people made the project a success.

- no به معنای not any است، که می‌تواند با اسامی قابل شمارش مفرد یا جمع یا با اسامی غیر قابل شمارش به کار رود.

- No cheating will be tolerated.
- Bill told me that he has no friends.

- almost all و most of the هر دو به معنی «همه به غیر از مقدار کمی» هستند. با این تفاوت که almost all مقدار بیشتری را شامل می‌شود.

- Almost all of the teachers at State University care about their students' progress.
- Almost all teachers at State University care about their students' progress.
- Most of the teachers at State University care about their students' progress.
- Most teachers at State University care about their students' progress.

- وقتی دو اسم پشت سر هم می‌آیند، اسم اول در نقش صفت عمل کرده و اسم دوم را توصیف می‌کند.

- I forgot their telephone's number. (incorrect)
- I forgot their telephone number. (correct)

- May I borrow some notebook's paper? (incorrect)
- May I borrow some notebook paper? (correct)

نکته ۱: در مواردی که دو اسم پشت سر هم می‌آیند و اسم اول نقش صفت را دارد، نمی‌توان به اسم اول، s– جمع اضافه کرد. در حقیقت s– جمع فقط به اسم دوم که موصوف است، اضافه کرد.

two bus stops

نکته ۲: توجه داشته باشید که در مورد اسم‌های مرتبط با علوم و رشته‌های علمی نباید s مربوط به نام رشته را حذف کرد.

two mathematics students

نکته ۳: به اسم اول، s’ مالکیت نیز نباید اضافه شود.

a paper~~’s~~ tiger ⟶ a paper tiger

- در صفت‌های مرکب (hyphen) معمولاً بین بخش‌های مختلف از خط تیره استفاده می‌شود. دقت کنید که هیچ یک از اجزای صفت مرکب s جمع نمی‌گیرد.

- They have a four-months-old baby. (incorrect)
- They have a four-month-old baby. (correct)

- A two-doors car is cheaper than a four-doors model. (incorrect)
- A two-door car is cheaper than a four-door model. (correct)

- so قبل از عبارت (adjective or adverb + that) به کار می‌رود. جمله‌واره (so (clause بیانگر علت و جمله‌واره that بیانگر نتیجه است.

- He is so slow that he never gets to class on time.
- Preparing frozen foods is so easy that anyone can do it.
- He drives so fast that no one likes to ride with him.

➢ Exercises

Questions

1. ……. of Country-Western singers may be related to old English ballads.
A. The music
B. Music
C. Their music
D. Musics

2. At Woolworth's first five-and-ten-cent store, ……. more than a dime.
A. neither items cost
B. items not cost
C. items none costing
D. no item costs

3. ……. fuel that is used today is a chemical form of solar energy.
A. Most of
B. The most
C. Most
D. Almost the

4. ……. is cheaper for students who maintain a B average because they are a better risk than average or below-average students.
A. Automobile's insurance
B. Insurance of automobiles
C. Automobile insurance
D. Insurance automobile

5. The evolution of vertebrates suggests development from a very simple heart in fish to a ……. in man.
A. four-chamber heart
B. four-chambers heart
C. four-chamber hearts
D. four-chamber's heart

6. Oil paints are ……. they have become the most popular painter's colors.
A. so versatile and durable that
B. so versatile and durable than
C. such versatile and durable as
D. such versatile and durable

7. Philosophy of the ancient Greeks has been preserved in the scholarly writing of Civilization.
A B C D

8. Some religions have none deity but are philosophies that function instead of religions.
A B C D

9. Almost the plants known to us are made up of a great many cells, specialized to perform different tasks.
A B C D

10. Sex's education is instituted to help the student understand the process of maturation; to eliminate anxieties related to development, to learn values, and to prevent disease.
A B C D

11. The MX is a four-stages rocket with an 8000-mile range, larger than that of the Minuteman.
A B C D

12. By the mid-nineteenth century, land was such expensive in large cities that architects began to conserve space by designing skyscrapers.
A B C D

Answers

1. A
2. D
3. C
4. C
5. A
6. A
7. A (The philosophy)
8. B (no)
9. A (Most of *or* Almost all of)
10. A (Sex education)
11. B (four-stage)
12. B (so expensive)

۲۶- جمله‌واره‌ها

خیلی از جملات در انگلیسی دارای یک یا چند جمله‌واره یا شبه‌جمله (clause) هستند. جمله‌واره‌ها گروهی از کلمات هستند که دارای فاعل و فعل هستند. هر گاه با جمله‌واره‌ها مواجه شدید: ۱. از وجود فعل و فاعل اطمینان حاصل کنید. ۲. از درستی نحوه اتصال جمله‌واره‌ها مطمئن شوید.

✓ همان‌طور که می‌دانید جمله‌واره‌ها به سه گروه ساده، مرکب (compound) و ترکیبی یا همان (complex) تقسیم می‌شوند که در نوع دوم از کلمات **and, so, for, nor, or, but, yet** به عنوان حرف پیوند یا ربط‌دهنده استفاده می‌شود (برای سهولت در یادگیری می‌توانید fan boys که مخفف حروف اول ربط‌دهنده‌هاست را به خاطر بسپارید.).

Clause + for + Clause and nor but or yet so

Tom is singing, and Paul is dancing.
Tom is tall, but Paul is short.
Tom must write the letter, or Paul will do it.
Tom told a joke, so Paul laughed.
Tom is tired, yet he is not going to sleep.

The missing wallet was found, but the cash and credit cards had been removed.

wallet فاعل اولین جمله‌واره، was found فعل اولین جمله‌واره

cash and credit cards فاعل دومین جمله‌واره، had been removed فعل دومین جمله‌واره

but اتصال‌دهنده دو جمله‌واره

✓ قیود ربط زمان و علت به دو شکل زیر جمله‌واره‌ها را به هم متصل می‌کنند.

زمان				جمله‌واره	
after as as long as	as soon as before by the time	once since until	when whenever while	as because inasmuch as (از آن‌جایی که)	now that (حالا که، اکنون که) since
subject + verb Teresa went inside		قید ربط because		subject + verb it was raining	
قید ربط Because		subject + verb it was raining,		subject + verb Teresa went inside.	

The mother is going to be quite upset with her son as long as he misbehaves so much.

mother فاعل اولین جمله‌واره، is going to be فعل اولین جمله‌واره

as long as قید ربط

he فاعل دومین جمله‌واره، misbehaves فعل دومین جمله‌واره

✓ جمله‌واره‌های قیدی علاوه بر زمان و علت، بر موارد دیگری نیز دلالت دارند که در جدول زیر معرفی شده است:

شرط	تضاد	حالت	مکان
if in case provided (در صورتی که) providing unless whether	although even though though while whereas (در حالی که)	as in that	where wherever
subject + verb Bob went to school	قید ربط even though	subject + verb he felt sick.	
قید ربط Even though	subject + verb Bob felt sick,	subject + verb he went to school.	

As the nurse already explained, all visitors must leave the hospital room now.

As قید ربط

nurse فاعل اولین جمله‌واره، explained فعل اولین جمله‌واره

visitors فاعل دومین جمله‌واره، must leave فعل دومین جمله‌واره

It is impossible to enter the program if you lack experience as a teacher.

It فاعل اولین جمله‌واره، is فعل اولین جمله‌واره

if قید ربط، you فاعل دومین جمله‌واره، lack فعل دومین جمله‌واره

✓ یک عبارت اسمی مجموعه‌ای از کلمات است که به جای یک اسم در جمله به کار می‌رود. یک عبارت اسمی با کلماتی نظیر who, whom, what, where, when, whose, why و ... آغاز می‌شود که به آن‌ها کلمات ربط (قیود ربط) گفته می‌شود. عبارت اسمی می‌تواند به جای فاعل جمله، مفعول برای فعل و یا مفعول برای حرف اضافه به کار رود.

why where what when how	whatever whenever	whether if	that
عبارت اسمی به جای مفعول			
subject + verb I know	noun connector what	subject + verb you did.	
عبارت اسمی به جای فاعل			
noun connector What	subject + verb you did	verb was wrong.	

The schedule indicated if the team would be playing in the final game.

if the team would be playing in the final game عبارت اسمی به جای مفعول برای فعلِ would be playing

schedule فاعل عبارت اسمی، indicated فعل عبارت اسمی

if قید ربط

team فاعلِ فعلِ would be playing

Whether or not the new office would be built was to be determined at the meeting.

Whether or not the new office would be built عبارت اسمی به جای فاعلِ فعلِ was

Whether or not قید ربط

office فاعل عبارت اسمی، would be built فعل عبارت اسمی

He always talked with whomever he pleased and wherever he wanted.

He فاعل، talked فعل

whomever he pleased+ wherever he wanted عبارت اسمی به جای مفعولِ with

whomever قید ربط

he فاعلِ فعلِ pleased

wherever قید ربط

he فاعلِ فعلِ wanted

✓ در برخی موارد کلمه ربط خود می‌تواند علاوه بر نقش ارتباط‌دهندگی‌اش، فاعل عبارت اسمی هم باشد.

who whoever	what whatever	which whichever
	عبارت اسمی به عنوان مفعول	
subject + verb I know	noun connector/subject What	verb happened.
	عبارت اسمی به عنوان فاعل	
noun connector/subject What	verb happened	verb was wrong.

What was written in the letter angered him beyond belief.

What was written عبارت اسمی که فاعل جمله است.

What فاعل عبارت اسمی، was written فعل عبارت اسمی

angered فعل جمله

✓ عبارت توصیفی جهت توصیف یک اسم در جمله به کار می‌رود و چون نقش صفت دارد، بلافاصله پس از اسم آورده می‌شود.

whom (for people)	which (for things)	that (for people or things)	
عبارت توصیفی برای مفعول			
subject + verb + object I like the book	adj connector which	subject + verb you recommended.	
عبارت توصیفی برای فاعل			
subject The book	adj connector which	subject + verb you recommended	verb was interesting.

The plane that he was scheduled to take to Hawaii was delayed.

plane فاعل جمله، was delayed فعل جمله

that he was scheduled to take to Hawaii عبارت توصیفی برای فاعل

that ضمیر موصولی

he فاعل عبارت توصیفی، was scheduled فعل عبارت توصیفی

I made an appointment with the doctor whom you recommended.

I فاعل جمله، made فعل جمله، appointment مفعول برای فعل، doctor مفعول برای حرف اضافه

whom you recommended. عبارت توصیفی برای مفعول (doctor)

whom ضمیر موصولی

you فاعل عبارت توصیفی، recommended. فعل عبارت توصیفی

خلاصه کردن جمله‌واره‌ها

- عبارت توصیفی می‌تواند به صورت خلاصه ظاهر شود. در این صورت ضمیر موصولی و فعل be که بلافاصله پس از آن می‌آید حذف می‌شود.

The letter ~~which was~~ written last week arrived today.
The letter written last week arrived today.

نکته ۱: اگر جمله فعل be نداشته باشد، برای خلاصه کردن عبارت توصیفی کافی است که ضمیر موصولی را حذف کرده و فعل را به فرم ing تغییر دهید.

I don't understand the article ~~which~~ <u>appears</u> in today's paper.
I don't understand the article appearing in today's paper.

نکته ۲: لازم به یادآوری است که همه عبارات توصیفی نمی‌توانند خلاصه شوند و تنها مواردی امکان خلاصه شدن دارند که بعد از ضمیر موصولی بلافاصله فعل آمده باشد.

The woman <u>that</u> I just <u>met</u> is the tour guide.

نکته ۳: در صورتی که عبارتی توصیفی با کاما همراه باشد، شکل کوتاه شده آن می‌تواند علاوه بر آن گونه که گفته شد، در ابتدای جمله نیز ظاهر شود.

The White House, ~~which is~~ located in Washington, is the home of the president.
The White House, located in Washington, is the home of the president.
Located in Washington, the White House is the home of the president.

– عبارات قیدی نیز می‌توانند به صورت خلاصه ظاهر شوند، بدین صورت که قید ربط باقی مانده و فعل be و فاعل حذف می‌شود.

Although ~~he is~~ rather unwell, the speaker will take part in the seminar.
Although rather unwell, the speaker will take part in the seminar.

نکته ۱: اگر فعل be در جمله وجود نداشت، جهت خلاصه کردن فاعل حذف شده و فعل به شکل ing تغییر پیدا می‌کند.

When ~~you~~ give your speech, you should speak loudly and distinctly.
When giving your speech, you should speak loudly and distinctly.

نکته ۲: همه عبارت‌های قیدی امکان استفاده به شکل کوتاه شده را ندارند و برخی از آن‌ها فقط در حالت جمله مجهول کوتاه می‌شوند:

	time	condition	contrast	place	manner
کاهش در جمله معلوم	after before since while when	if unless whether	although though		
کاهش در جمله مجهول	once until when whenever	if unless whether	although though	where wherever	as

If not completely satisfied, you can return the product to the manufacturer.
Once purchased, the swimsuits cannot be returned.

۲۷- ساختارهای بدون فاعل

در برخی جملات یک جمله‌واره ابتدایی وجود دارد که باید فاعل جمله اصلی با فاعل آن جمله‌واره ابتدایی یکسان باشد. به عبارت دیگر جمله‌واره ابتدایی فاعل جمله اصلی را مورد تعریف قرار می‌دهد.

Looking at his watch, Mr.Jones got up and left.

در جمله فوق Looking at his watch، به عنوان جمله‌واره ابتدایی شناخته می‌شود و Mr.Jones فاعل جمله اصلی است، که فاعل هر دو جمله یکسان است.

و یا در جمله زیر John فاعل هر دو جمله ابتدایی و جمله اصلی است:

Compared to his father, John is a tall man.

به طور کلی ساختارهای بدون فاعل به دو شکل به کار می‌روند:

۱. فعل + ing: بیان دو عمل که در یک لحظه و همزمان رخ داده باشند و فاعل هر دو یکسان باشد.

Brushing his teeth, he answered the phone.

۲. قسمت سوم فعل + having: برای بیان دو عمل به کار می‌رود که فاعل هر دو یکسان بوده و در امتداد هم رخ داده باشند. یعنی بر خلاف حالت اول که شاهد همزمانی دو عمل بودیم، در حالت دوم شاهد توالی و به دنبال هم رخ دادن کارها هستیم.

Having bought the ticket, we entered into the stadium.

۲۸- جابه‌جایی فعل و فاعل

۱. بعد از عباراتی که مکان را بیان می‌کنند فعل و فاعل گاهی اوقات جابجا می‌شـــوند. این مورد ممکن اســـت پس از یک واژه نظیر here, there, nowhere به کار رود.

There are the keys that I thought I lost.
Here is the book that you lent me.
Nowhere have I seen such beautiful weather.

- همچنین پس از عباراتی که با حرف اضافه، مکان را بیان می‌کنند، فعل و فاعل می‌توانند جابجا شوند.

In the closet are the clothes that you want.
Around the corner is Sam's house.
Beyond the mountains lies the town where you will live.

نکته: تنها در صـــورتی امکان جابجایی فعل و فاعل پس از عبارات بیان‌کننده مکان وجود دارد که وجود آن عبارت در جمله برای تکمیل شدن جمله ضروری باشد.

In the forest are many exotic birds.
In the forest I walked for many hours.

۲. فعل و فاعل پس از برخی عبارات منفی نظیر no, not, never جابجا می‌شوند.

Not once did I miss a question.
Never has Mr. Jones taken a vacation.
At *no* time can the woman talk on the telephone.

- همچنین برخی کلمات نظیر hardly, barely, scarcely, only, rarely, seldom در جملات به صورت منفی‌کننده عمل می‌کنند. در صورتی که یکی از این کلمات در ابتدای جمله بیاید، فاعل و فعل جابجا می‌شوند.

Hardly ever does he take time off.
Only once did the manager issue overtime paychecks.

- وقتی یک عبارت منفی‌کننده پیش از فاعل و فعل در وسط جمله بیاید، فعل و فاعل جابجا می شود. این عبارت معمولاً کلمه neither و یا nor است.

I don't want to go, and *neither* does Tom.
The secretary is not attending the meeting, *nor* is her boss.

۳. همچنین جابجایی فعل و فاعل در هنگام مقایسه نیز اتفاق می‌افتاد. اما باید توجه داشت در این موارد جابجایی فعل و فاعل یک الزام نیست و اختیاری است.

My sister spends *more* hours in the office *than* John.
My sister spends *more* hours in the office *than* John does.
My sister spends *more* hours in the office *than* does John.

۴. در ساختارهای مشخصی که فعل کمکی had, should, were با شد و ربط‌دهنده شرطی if با شد، می‌توان if را حذف کرده و در این صورت فعل و فاعل را جابجا کرد.

~~If~~ he had taken more time, the results would have been better.
Had he taken more time, the results would have been better.

I would help you ~~if~~ I were in a position to help.
I would help you were I in a position to help.

~~If~~ you should arrive before 6:00, just give me a call.
Should you arrive before 6:00, just give me a call.

۲۹- حروف تعریف

- حروف تعریف زبان انگلیسی عبارتند از the (حرف تعریف معین که برای اسم‌های شناخته شده اعم از مفرد و جمع به کار می‌رود.) و a/an (حروف تعریف نامعین که قبل از اسم‌های نامعین مفرد مورد استفاده قرار می‌گیرد.).

The teachers who are teaching in this university are mostly Asian.
I need a new iron.

نکته ۱: قبل از اسم‌های عام که به یک طبقه از افراد یا اشیاء اشاره می‌کنند، هرگز از حروف تعریف استفاده نمی‌شود.

Cats cannot fly.
Fruit is good for you.

نکته ۲: قبل از اسم‌هایی که در جهان شناخته شده و یکتا هستند، همواره از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم. مانند the sun, the moon, …

نکته ۳: در هنگام به کار بردنِ عامِ یک اسم، هرگز از the استفاده نکنید.

Gold is a metal.

نکته ۴: قبل از اسم راه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها از the استفاده می‌شود.

the Caspian Sea, the Athlantic Ocean, …

نکته ۵: صفت‌هایی مانند tall، poor و ... را می‌توان به عنوان اسم به کار برد. در این حالت قبل از این صفات، از حرف تعریف the استفاده می‌شود.

The tall is my brother.
The poors need help.

نکته ۶: قبل از صفت‌های عالی و اعداد ترتیبی از the استفاده می‌شود.

the fist, the best, the most, …

نکته ۷: قبل از روزهای هفته، ماه‌های سال و شماره سال‌ها، اسم اشخاص و نام کشورها، هرگز از the استفاده نکنید.

نکته ۸: در نام برخی کشورهایی که دارای عبارت تعریف هستند، از the استفاده می‌شود.

~~the~~ Iran
<u>the</u> Islamic Republic of Iran

نکته ۹: قبل از جهت‌های چهارگانه جغرافیایی از the استفاده می‌شود.

The North, the East, the West, the South

نکته ۱۰: قبل از اسم افراد، از the استفاده نمی‌شود، مگر این که منظور اعضای یک خانواده باشد.

The Jacksons, …

۳۰- حروف اضافه

در جدول زیر، رایج‌ترین حروف اضافه‌ای که همراه با اسم و صفت مورد استفاده قرار می‌گیرند، آورده شده است:

be absent from
be accused of
be accustomed to
be acquainted with
be addicted to
be afraid of
agree with
be angry at/with
be annoyed with/by
apologize for
apply to/for
approve of
argue with/about
arrive in/at
be associated with
be aware of

believe in
blame for
be blessed with
be bored with/by

be capable of
care about/for
be cluttered with
be commited to
compare to/with
complain about/of
be composed of
be concerned about
be connected to
consist of
be content with
contribute to
be convinced of
be coordinated with
count (up) on
be covered with
be crowded with

decide (up) on
be dedicated to
depend on/upon
be devoted to
be disappointed in/with
be discriminated against
distinguish from

be divorced from
be done with
dream of/about
be addressed in

be engaged in/to
be envious of
be equipped with
escape from
excel in/at
be excited about
be exhausted from
excuse for
be exposed to

be faithful to
be familiar with
feel like
fight for
be filled with
be finished with
be fond of
forget about
forgive for
be friendly to/with
be frightened of/by
be furnished with

be gone form
be grateful to/for
be guilty of

hide form
hope for

be innocent of
insist on
be interested in
introduce to
be involved in

be jealous of

keep from
be known for

be limited to
be located in
look forward to

be made of/from

be married to

object to
be opposed to

participate in
be patient with
be pleased with
be polite to
pray for
be prepared for
prevent from
prohibit from
be protected from
be proud of
provide with

be qualified for

recover from
be related to
be relevant to
rely (up) on
be remembered for
rescue from
respond to
be responsible for

be satisfied with
be scared of/by
stare at
stop from
subscribe to
substitute for
succeed in

take advantage of
take care of
talk about/of
be terrified of/by
thank for
think about/of
be tired of/from

be upset with
be used to

vote for

be worried about

۳۱- تفاوت‌ها

تفاوت بین make و do

- make عمدتاً به معنی «ســاختن»، «بنا کردن» یا «ایجاد کردن» به کار می‌رود. در حالی که do بیشــتر به معنای «کامل کردن» یا «به انجام رساندن» استفاده می‌شود.

- She likes to make her own clothes.
- Would you like to make a cake for dessert?
- If you make a mistake, you should correct it.
- This morning she did all the dishes.
- The students are doing the assignments.
- The janitors did the work they were assigned.

- در ادامه تعدادی از عبارات پر کاربرد با do و make را ملاحظه می‌کنید:

make an attempt سعی کردن

make an offer پیشنهاد دادن

make a decision تصمیم گرفتن

make a discovering کشف کردن

make a profit نفع بردن

make a promise قول دادن

make an announcement اعلان کردن

make a mistake اشتباه کردن

do a favor لطف کردن

do homework تکلیف انجام دادن

do a paper مقاله نوشتن

do research تحقیق کردن

do the dishes ظرف‌ها را شستن

do the laundry خشکشویی کردن

do the work کار انجام دادن

تفاوت بین like، alike، unlike و dislike

- like و alike هر دو صفاتی هستند که به معنای «شبیه به» می‌باشند. alike تنها می‌تواند بعد از افعالی مانند are به کار رود.، اما like صفتی است که باید حتماً قبل از یک اسم استفاده شود.

He dosen't look his brother.
He and his brother don't look alike.

Like (شبیه به) و unlike (متفات از) هر دو قبل از مفعول می‌آیند و در همه جای جمله حتی در آغاز آن هم می‌توانند استفاده شوند.

Like (دوست داشتن) و dislike (متنفر بودن) هر دو فعل هستند و قواعد مربوط به فعل در مورد آن‌ها اعمال می‌شود.

تفاوت بین other، another و others

- برای اینکه تصمیم بگیرید که از کدام یک باید استفاده کنید نیاز است که ابتدا چند چیز را مد نظر قرار دهید: ۱. کلمه مورد نظر جمع است یا مفرد ۲. مشخص است یا نامشخص ۳. صفت است یا ضمیر. به مثال‌های زیر دقت کنید:

- I have another book.
- I have another.
- I have the other book.
- I have the other.

- I have other books.
- I have others.
- I have the other books.
- I have the others.

تفاوت بین would rather و had better

would rather و had better از نظر معنی تفاوت اساسی با هم دارند.

- would rather به معنای «ترجیح دادن» و فاعل آن اصولاً I می‌باشد. فعل بعد از آن به صورت مصدر بدون to می‌آید و ترجیح دادن با آن را می‌توان با than کامل کرد.

I would rather go to a movie tonight.
I would rather go to a movie tonight than study grammar.

- شکل منفی این ساختار به صورت ذیل است:

I would rather <u>not tell</u> you.

نکته: در جمله ذیل می‌تواند study را به قرینه لفظی حذف نمود:

I'd rather study history than study biology.
I'd rather study history than biology.

- گذشته would rather به صورت قسمت سوم فعل + would rather + have است.

The movie was ok, but I would rather have gone to the concert last night.

- شکل استمراری would rather به صورت would rather + be + فعل + ing است.

- had better به معنای «بهتر است که ...» و برای نصیحت کردن به فرد دیگر (عمدتاً ضمیر you) به کار می‌رود. فعل بعد از had better هم به صورت مصدر بدون to است.

You'd better take care of it.

- شکل منفی این ساختار به صورت ذیل است:

You'd better not go to the party tonight.

نکته: had better برای زمان‌های حال و آینده به کار می‌رود و گذشته ندارد.

➢ Exercises

Questions

1. The buffalo and bison are like except for the size and shape of the head and shoulders.
A B C D

2. Other interesting aspects of tachistopic training in recent years has been the new found use by professional teams.
A B C D

3. Only about 3 percent of oil wells actually do a profit.
A B C D

4. Dislike sumac with red berries, sumac with white berries is poisonous.
A B C D

5. Pittsburg has reduced its smog by requiring more comlete oxidation of fuel in cars, and others cities can do the same thing.
A B C D

6. Alike all other mammals, dolphins have lings.
A B C D

7. Up to World War II almost all important research in physics had made in universities, with only university funds for support.
A B C D

8. Because the plan that was made yesterday is no longer feasible, the manager had to choose another alternatives.
A B C D

9. Particles with unlike charges attract each other, while particles with alike charges repel each other.
A B C D

10. One another surprising method of forest conservation controlled cutting of trees.
A B C D

Answers

1. B (alike)
2. A (another)
3. D (make)
4. A (unlike)

5. C (other)
6. A (like)
7. B (done)
8. D (alternative)
9. C (like)
10. A (another)

۳۲- حشو (Redundancy)

- همواره صریح‌ترین و ساده‌ترین شکل یک جمله بر شکل پیچیده و نامفهوم آن ارجحیت دارد و کلمات و عبارات اضافی باید تا حد امکان حذف گردند (حشو):

- The disease was very serious in the nature of it. (incorrect)
- The disease was very serious. (correct)

- Mary had always behaved in a responsible manner. (incorrect)
- Mary had always behaved responsibly. (correct)

- از تکرار کلمات با معنی مشابه در یک جمله بپرهیزید.

- The money that I have is sufficient enough for my needs. (incorrect)
- The money that I have is sufficient for my needs. (correct)

- The class advanced forward rapidly. (incorrect)
- The class advanced rapidly. (correct)

- از آوردن همزمان یک اسم همراه با ضمیری که همان اسم را توصیف می‌کند در جایی که نیاز نیست، بپرهیزید:

- My sister she found a store that imported food from our country. (incorrect)
- My sister found a store that imported food from our country. (correct)

➢ Exercises

Questions

1. Waitresses and waiters who serve ……. deserve at least a 20 percent tip.
A. in a courteous manner
B. courteously
C. with courtesy in their manner
D. courteous

2. Famous for his punctuation, typography, and language, Edward Estlin Cummings published his …….. collected poems in 1954.
A. new innovations for
B. innovations in
C. newly approached
D. innovations newly approached in

3. A perennial is …… for more than two years, such as trees and shrubs.
A. any plant that it continues to grow
B. any plant it continuing to grow
C. any plant that continues to grow
D. any plant continuing growth

4. Hummingbirds move <u>their</u> wings so <u>rapid</u> away that they appear <u>to be hanging</u> <u>in the air</u>.
A B C D

5. The idea of a submarine is <u>an old ancient one</u>, dating from <u>as early as</u> <u>the fifteenth</u>
A B C
<u>century</u> when Drebbel and Da Vinci <u>made</u> preliminary drawings.
D

6. Advertising <u>it</u> <u>provides</u> <u>most of the income</u> for magazines, newspapers, radio, and
A B C
television <u>in the United States</u> today.
D

Answers

1. B
2. B
3. C
4. B (rapidly)
5. A (an old one *or* an ancient one)
6. A (it should be ommited)

بخش دوم:

نحوه پاسخگویی به سؤالات درک مطلب

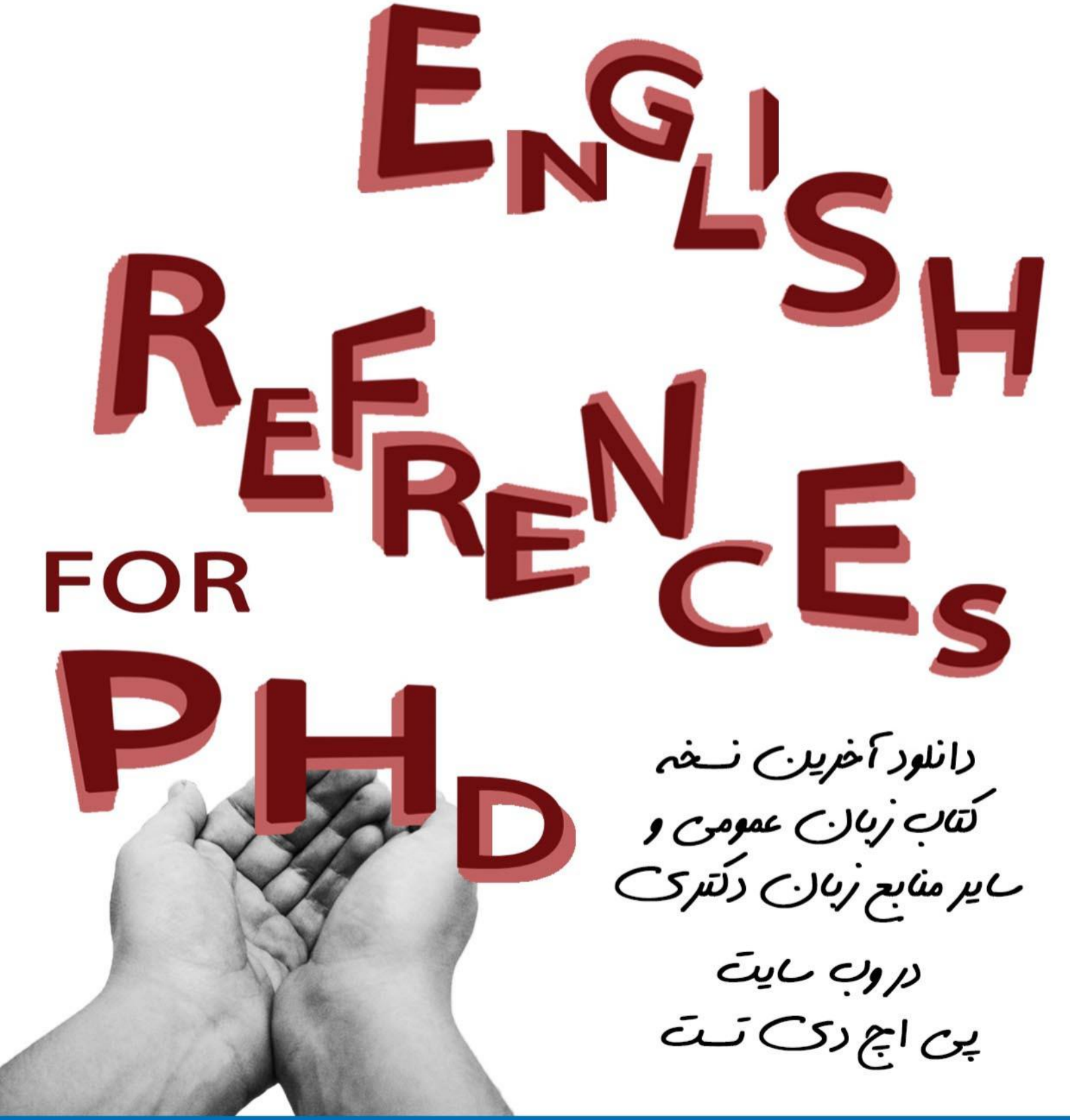

درک مطلب از مهم‌ترین بخش‌های زبان عمومی آزمون دکتری به شمار می‌آید. درک مطلب فرآیندی است که به استمرار و تمرین فراوان نیاز دارد و نمی‌توان با خواندن چند مهارت و تعداد کمی نمونه سؤال در آن متبحر شد.

- خود را مقید کنید که هر روز حداقل یک درک مطلب را حل کنید. استمرار در خواندن درک مطلب‌های مختلف به شما این توانایی را می‌دهد که بتوانید انواع مختلف تست‌ها راحل کنید. ما درک مطلب‌های متعددی را بر روی سایت قرار خواهیم داد تا بتواند نمونه خوبی برای شما باشد.
- مشکلی که بسیاری در پاسخ دادن به سؤالات درک مطلب با آن مواجه می‌شوند، خستگی و عدم تمرکز کافی است. با متنوع خواندن و حل کردن درک مطلب‌های طولانی دامنه تمرکز خود را بالا ببرید.
- گرچه دایره لغات نقش زیادی در پاسخگویی درست به سؤالات درک مطلب دارد، اما تنها عامل موفقیت نیست. با تمرین زیاد باید بتوانید معنای واژگان ناآشنا را حدس بزنید. حتی اگر حدس شما کاملاً درست نباشد به شما امکان می‌دهد خواندن متن را ادامه داده و به سؤالات پاسخ دهید.
- در ابتدای پاسخگویی به سؤالات بخش، درک مطلب آن‌ها را بر حسب دشواری و سادگی و میزان آشنایی شما با موضوع مطرح شده رده‌بندی کنید. خیلی سریع چند سطر اول درک مطلب‌های مختلف را مرور کنید و به ترتیب از ساده‌ترین متن شروع کنید تا با مشکل کمبود وقت روبرو نشوید.
- عجله نکنید. شروع آهسته کاملاً طبیعی است. با خواندن چند جمله اول با متن آشنا می‌شوید و آنگاه سرعت خواندن شما بیشتر خواهد شد.
- سعی نکنید چیزی را حفظ کنید. حفظ کردن وقت‌گیر است و فایده چندانی هم ندارد.

سؤالات درک مطلب

این گونه سؤالات درک مطلب به صورت یک متن نیم تا یک صفحه‌ای ارائه شده و در پایان سؤالاتی در مورد آن مطرح می‌گردد، این نوع سؤالات که بیشتر در آزمون تافل مشاهده می‌شود، در آزمون دکتری سال‌های مختلف مطرح گردیده است. برای پاسخگویی به این سؤالات راهنمایی‌های زیر را به کار ببندید:

۱- درک مطلب‌ها را بودجه‌بندی کنید. برای هر یک از درک مطلب‌های ارائه شده زمانی در نظر بگیرید. از درک مطلب ساده‌تر شروع کنید و به ترتیب ادامه دهید.

۲- در زمان مطالعه چند خط اول هر درک مطلب سعی کنید ایده اصلی متن را کنار آن بنویسید. اگر نتوانستید با چند خط اول متن ارتباط برقرار کنید ناامید نشوید. ممکن است در ادامه متن از سختی آن کاسته شود. بعد از خواندن چند سطر اول متن در حد یک تا دو دقیقه بقیه آن را مرور سریع کنید و به سراغ سؤال‌ها بروید. اگر تعداد سؤال‌ها زیاد بود، نیمی از آن‌ها و اگر کم بود همه آن‌ها را بخوانید و به سرعت موضوع کلی سؤال‌ها را در کنار آن بنویسید و یا دست کم زیر کلمات کلیدی سؤال خط بکشید.

۳- به قیدها و کلمات ربط موجود در صورت سؤال توجه کنید. توجه به این کلمات و خط کشیدن زیر آن باعث می‌شود، معنای سؤال را اشتباه نفهمیم.

۴- بعد از خواندن سؤالات به سراغ یافتن پاسخ آن‌ها در متن بروید. توجه داشید باشید که در بیشتر موارد عین کلام داده شده در متن نیست و باید به دنبال معادل آن‌ها باشید.

۵- کلماتی که با حروف بزرگ نوشته شده‌اند اسامی خاص هستند و طبیعی است که شما معنای آن‌ها را ندانید. پس بیهوده نگران نشوید!

۶- در بسیاری موارد سؤالات به ترتیب پرسیده می‌شود. به این معنا که پاسخ سؤال ۲ در متن قبل از پاسخ سؤال ۳ است.

۷- توجه داشته باشید که واژه following به معنای بعدی و preceding به معنای قبلی است.

➢سؤالات چهارگزینه‌ای

سؤالات چهار گزینه‌ای معمولاً به این شکل طرح می‌شوند:

- یک گزینه کاملاً غلط، گزینه دوم نزدیک به درست ولی با کمی دقت به اشتباه بودن آن پی می‌بریم، گزینه بعدی بسیار نزدیک به درست که بیشتر دانشجویان تشویق می‌شوند که آن گزینه را انتخاب کنند و یک گزینه هم کاملاً درست است.
- از طرفی جواب درست یا state است، یعنی دقیقاً در متن آورده شده که کافی است با رجوع به متن جواب درست را پیدا کرد و یا imply می‌باشد، یعنی دقیقاً جواب درست هر سؤال در متن به‌راحتی دیده نمی‌شود و باید آن را استنباط کرد.
- برای درک کلی متن باید واژه‌های متن را حدس زد و نباید ترجمه لغت به لغت کرد بلکه باید مفهوم کلی پاراگراف را یک جا درک کرد. نویسنده در طرح سؤالات چهار گزینه‌ای از فاکتورهای زیادی استفاده می‌کند، مثلاً بازی با مترادف‌ها و متضادها، شکل‌های مختلف گرامری دو عبارت که دارای یک مفهوم هستند، بازی با ضمائر و غیره. این قبیل الگوها به طراح کمک می‌کند تا گزینه مناسبی را انتخاب کند.
- از طرفی وقتی می‌خواهیم متنی را بخوانیم و به سؤالات چهار گزینه‌ای پاسخ دهیم به شکل‌های متفاوتی عمل می‌کنیم، یکی از منطقی‌ترین راه‌ها برای کسانی که بهتر متن می‌خوانند این است که یک بار متن را بخوانند و به هنگام خواندن به مهم‌ترین جمله متن که نظر نویسنده نیز می‌باشد توجه کرده، آن را علامت بزنند و یا اطلاعاتی که در متن آمده مثل اشاره به تاریخ، محل، شخص، مکان و یا هر موضوع شاخص دیگری توجه داشته باشند و اگر در انتخاب گزینه‌ای شک کردند می‌توانند با skim یا scan جواب آن را در متن ببینند. skim یعنی سریع و سرسری نگاه کردن به موضوعی بدون دریافت اطلاعات و فقط یافتن یک رمز مثلاً دیدن اسم داوطلب در روزنامه بعد از اعلام نتایج امتحان، اما scan دقیق‌تر نگاه کردن به یک مطلب مثلاً تاریخ تولد فردی بین چندین تاریخی که در متن درج شده باشد.
- اما برای کسانی که متن انگلیسی زیاد نخوانده‌اند و یا به طور کلی در خواندن یک متن انگلیسی و درک مفهوم آن مشکل دارند، باید با در نظر گرفتن توانایی خود هر بار نوع خاصی را در خواندن هر قسمت امتحان کنند تا بهترین روش برای رویارویی با متون مختلف را بیابند؛ مثلاً می‌توان به سؤالات نگاهی سریع انداخت تا حدود و نوع سؤال شناخته شود و بعد با skim یا scan به دنبال جواب رفت، در حالی که به فاکتورهای گمراه کننده نویسنده نیز توجه کرد و یا یک پاراگراف خوانده شود و به سؤالات مربوط به آن پاراگراف جواب داد.
- به‌طور کلی بعضی از گزینه‌ها در سؤالات درک مطلب، بسیار غلط به نظر می‌رسند. مثلاً یا خیلی عمومیت داده شده‌اند یا بسیار خاص صحبت شده است. متن راجع به ماهی سفید صحبت می‌کند. در سؤال، گزینه all fish را داریم که واژه all عمومیت می‌دهد به همه ماهی‌ها و غلط است، و یا متن در خصوص گل‌ها صحبت می‌کند و گزینه با only tulip شروع

شده که فقط به گل لاله اشاره می‌کند. بنابراین هر واژه‌ای مثل all و only معمولاً طرح یک گزینه غلط را نشان می‌دهد و نیز اگر بتوانیم تشخیص دهیم که متن چه نوع پاراگرافی را مطرح می‌کند شاید به انتخاب گزینه درست به ما کمک کند.

- تشخیص عنوان و موضوع متن (Main Idea Questions)

این سؤالات در مورد زمینه (theme) اصلی متن و موضوع اصلی که در متن مورد بحث قرار گرفته است، می‌باشند. این نوع سؤالات از نظر بیشتر آزمون‌دهندگان سؤالات سختی هستند. چند نمونه از سؤالاتی که ایده و موضوع اصلی متن را مورد پرسش قرار می‌دهند، عبارتند از:

✓ What does this passage mainly discuss?
✓ What is the main idea of this passage/article?
✓ What is the topic/subject of this passage?
✓ What would be a good title for this passage?
✓ The second paragraph is mainly concerned with … .

برای پاسخ دادن به چنین سئوالاتی، نکات زیر قابل ذکر است:

* جملات آغازین هر پاراگراف و آخرین جمله متن محل قرار گرفتن «ایده یا موضوعات اصلی» متن می‌باشند.
* معمولاً گزینه‌هایی که به ارائه حقایق آشکار و آمار می‌پردازند را می‌توان با آسودگی خاطر حذف کرد.
* گزینه‌هایی که خیلی کلی یا جزئی بیان شده‌اند نیز غالباً گزینه موردنظر نیستند.
* گزینه‌ای که کلمات و مفاهیم کلیدی ایده اصلی ارائه شده در متن را شامل می‌شود، می‌تواند گزینه صحیح باشد.

- سؤالات استنتاجی (Inference Questions)

سؤالات استنتاجی در ارتباط با حقایق آشکار و جلوی چشم در متن نیستند، بلکه این نوع سؤالات قدرت استنتاج و نتیجه‌گیری شما را درباره موضوعی براساس دیگر اطلاعات موجود در متن مورد آزمون قرار می‌دهند. گاهی در این سؤالات از شما خواسته می‌شود درباره نظرات نویسنده که در متن آمده‌اند، قضاوت کنید و یا اینکه حدس بزنید نویسنده چه نتایج دیگری ممکن است بگیرد. این سؤالات در زمره سخت‌ترین سؤالات درک مطلب قرار دارند. نمونه‌هایی از سؤالات استنتاجی عبارتند از:

✓ It can be inferred from the passage that … .
✓ What does the author mean by …?
✓ Which of the following reveals the author's attitude towards …?

برای پاسخ دادن به چنین سؤالاتی، نکات زیر قابل ذکر است:

* در این گونه سؤالات باید به دنبال نشانه‌ها و شواهدی باشید که در یافتن پاسخ صحیح به شما کمک کنند.
* در برخی مواقع به دست آوردن یک دید کلی از متن برای رسیدن به گزینه صحیح کافی است.

- سؤالات درباره حقایق موجود در متن (Factual Questions)

شاید این سؤالات ساده‌ترین نوع سؤالات درک مطلب باشند، اما پاسخ دادن به آن‌ها کمی وقت‌گیر است. تنها کاری که لازم است انجام دهید این است که سؤال را بخوانید و با مراجعه به متن پاسخ سؤال را از میان گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

* در زمان خواندن سؤال، کلمات محتوایی مهم (اسم‌ها، افعال، صفات) و آمار و ارقام (تاریخ‌ها و ...) را مشخص کنید.

* یکی از انواع رایج سؤال درک مطلب مربوط به یافتن مرجع ضمیرها است. ضمایر ممکن است فاعلی، مفعولی، انعکاسی، اشاره و مبهم باشند. برای پیدا کردن مرجع ضمیرها ابتدا باید به معنای متن توجه کرد. در بیشتر موارد اولین اسمی که قبل از ضمیر به کار رفته و از نظر تعداد (جمع و مفرد) و جنس (مذکر و مؤنث) با آن مطابقت داشته باشد، مرجع آن ضمیر است.

* متن را به سرعت مرور کنید و به دنبال همان کلمات مهم (یا مترادف آنها) بگردید.

در آزمون‌هایی نظیر آیلتس سؤالات درک مطلب متنوعی مطرح می شود که این گونه سؤالات در آزمون دکتری ۱۳۹۰ بسیار مورد استفاده قرار گرفت، در این بخش در مورد هر یک از این گونه سؤالات توضیح داده شده است، با مطالعه سؤالات سال ۹۰ می‌توانید مثال‌های مربوطه را مشاهده فرمایید.

➢ سؤالات چند گزینه‌ای

- سؤالات چند گزینه‌ای تک جوابی (انتخاب از بین سه تا چهار گزینه)
- سؤالات چند گزینه‌ای چند جوابی (انتخاب بیش از یک گزینه از یک لیست گزینه‌ها)

سؤالات چند گزینه‌ای ممکن است موضوع اصلی و یا نقطه نظر نویسنده متن را مورد سؤال قرار دهند.

در حالت تک جوابی شما باید یکی از سه یا چهار گزینه داده شده که مورد نظر است را انتخاب کنید. در چند جوابی‌ها از بین حدود شش تا نه گزینه بین سه تا چهار گزینه درست بر اساس اطلاعات داده شده در متن انتخاب می شوند. در این موارد ترتیب پاسخ‌ها مهم نیست.

➢ سؤالات کوتاه پاسخ

ترتیب عناصر درون متن است. اما پاسخ‌ها الزاماً از ترتیب خاصی برخوردار نیستند. برای حل کردن این گونه سؤالات باید به کلمات کلیدی صورت سؤال توجه کنید و در متن آن را جست‌وجو و پیدا کنید. اکثر کتاب‌های مرجع توصیه می‌کنندکه ابتدا سؤال‌ها را بخوانید و بعد در متن دنبال جواب بگردید.

➢ سؤالات کامل کردنی

سؤالات کامل کردن جمله یا خلاصه متن اطلاعات کلیدی بخش یا تمام متن را مورد توجه قرار می‌دهد. دو نوع سؤال کامل کردنی رایج است. کامل کردن جمله یا خلاصه متن با کلماتی که مستقیماً توسط دانشجو از درون متن انتخاب می‌شود و نوع دیگر که با استفاده از کلماتی که در یک فهرست داده شده است به انتخاب می‌زند.

➢ سؤالات جورکردنی

سؤالات جورکردنی تنوع زیادی دارند. ممکن است در این گونه از سؤالات بخواهند که اطلاعات تصویری یا متنی را با اطلاعات داده شده در ستون دیگر مرتبط کنید. در سؤالات جور کردنی یک گزینه می‌تواند چند بار مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از انواع مهم سؤالات جورکردنی سؤالات list of heading است. در این گونه سؤالات ابتدا فهرستی از عنوان‌ها داده می‌شود، سپس از شما خواسته می‌شود با استفاده از عنوان‌های داده شده در فهرست، برای هر پاراگراف عنوان مناسبی بیابید. در این گونه از سؤالات که بسیار پرکاربرد است، ابتدا ترجمه فارسی عناوین را جلوی آن‌ها بنویسید. آن گاه با خواندن جملات

اول هر پاراگراف می‌توانید عنوان مناسب را پیدا کنید. اگر بین دو پاراگراف شک داشتید پاراگراف‌ها را به طور کامل بخوانید تا عنوان مناسب هر کدام مشخص شود.

➢سؤالات درست/غلط/داده نشده

در این گونه سؤالات متنی داده می‌شود و سپس گزاره‌ای مطرح می‌شود و سؤال این است که آیا این گزاره درست است/غلط است/ یا در متن چیزی در این مورد گفته نشده است.

در پاسخ دهی به این سؤالات توجه داشته باشید که تنها از اطلاعات داده شده در متن استفاده کنید و هرگز از اطلاعات و دانسته‌های خود استفاده نکنید.

انواع پاراگراف

یک نوشته براساس افکار نویسنده می‌تواند از یک پاراگراف و یا چند پاراگراف تشکیل شود که هر پاراگراف فکر جدیدی را بیان می‌کند و معمولاً خط اول یا خط آخر هر پاراگراف می‌تواند نظر اصلی نویسنده باشد، چون نویسنده می‌تواند به دو صورت فکر خود را به خواننده انتقال دهد. «کل به جزء» یا همان deductive که در خط اول موضوع اصلی پاراگراف توضیح داده می‌شود که این قسمت معمولاً «بهترین عنوان پاراگراف» هم نامیده می‌شود و یا «جزء به کل» یا به عبارتی inductive که نویسنده افکار و عقاید خود را در خط آخر هر پاراگراف جمع‌بندی می‌کند که می‌توان این قسمت را معمولاً (ایده اصلی نویسنده) هم نامید. به‌طور کلی می‌توان از پنج نوع پاراگراف صحبت کرد.

۱. پاراگراف‌هایی که در آن نوعی تجزیه و تحلیل فکر نویسنده می‌باشد که در این نوع نوشته‌ها اصول کل به جز یا جز به کل رعایت می‌شود. وقتی می‌گوییم:

Oil is called black gold.

نویسنده بلافاصله در همان خط اول با خواننده خود ارتباط برقرار می‌کند و بعد با جملات دیگری بیشتر به تجزیه و تحلیل جمله اول می‌پردازد، ولی خواننده می‌داند راجع به چه چیزی صحبت می‌شود و یا نویسنده می‌تواند متن خود را این‌طور شروع کند:

It is very valuable in industry.

اما خواننده ابتدا متوجه موضوع اصلی پاراگراف نمی‌شود تا به آخر پاراگراف برسد.

۲. پاراگراف‌هایی که چیزی توصیف می‌شود که معمولاً در همان ابتدای پاراگراف این تعریف دیده می‌شود.

An octopus appears to be just a huge head with eight long arms.

۳. پاراگراف‌هایی که نوعی تضاد یا مقایسه را نشان می‌دهند که معمولاً در ابتدای پاراگراف این تضاد دیده می‌شود.

Discovery and invention are sometimes confused.

۴. پاراگراف‌هایی که نوعی تعریف، توضیح و توصیف موضوعی باشد.

A pupil is one who is under the close supervision of a teacher.

«تعریف واژه pupil است.»

۵. پاراگراف‌هایی که نوعی قیاس را انجام می‌دهد که بیشتر شفاف‌سازی یک موضوع می‌باشد.

The distinction between Newton's and Einstein's ideas about gravitation has sometimes been … .

چگونه معنای یک کلمه را حدس بزنیم؟

۱- از طریق بیان مجدد و با استفاده از بعضی علائم. مثال:

Ali is loquacious.

معنی جمله فوق مشکل به نظر می‌رسد، اما اگر بگوییم:

Ali is loquacious, that is he talks too much.

با واژه هایی مانند that is و mean / be defined as / that is to say و تو ضیح بیشتر جمله اول متوجه می شوید که واژه loquacious به معنی وراج و پرحرف می‌باشد.

۲- با استفاده از علائم و نشانه‌ها. مثال:

His skull broke (the bony part of the head that protects the brain).

۳- با استفاده از ضمائر و مراجع آن‌ها. مثال:

Seismologist is experimenting with a new device.

شاید معنی seismologist از جمله فوق به درستی مشخص نشود، اما در ادامه می‌گوییم:

He is person who can know where or even when an earthquake may happen

واژه he به seismologist اشاره می‌کند یعنی زلزله‌شناس.

۴- آشـــنایی با واژه‌های تضـــاد به ما کمک می‌کند که معنی واژه‌ها را بهتر حدس بزنیم؛ مثلاً می‌دانیم but به معنی اما، نوعی تضاد را به وجود می‌آورد. وقتی می‌گوییم:

Ali is rude.

شاید در نگاه اول معنی rude مشخص نشود. ولی در ادامه:

Ali is rude, but Reza is polite.

واژه but کمک می‌کند که تضاد بین polite و rude را بیشتر بشناسیم و بهتر به معنی rude پی ببریم.

۵- گاهی اوقات از mother tongue یا زبان مادری می‌توانیم بدون ترجمه واژه به معنی آن پی ببریم، در انگلیسی و فارسی واژه‌های زیر تقریباً به یک معنی هستند: calories, strategy, method.

۶- گاهی اوقات می‌توان از حدس یا اطلاعات عمومی معنی واژه‌ای را در متن فهمید، مثال:

After a vaccination, you are immune to the disease for a number of years.

چون صحبت از واکسیناسیون شده، پس واژه مصونیت در زیر تداعی می شود و احتمال می‌دهیم واژه immune به معنی مصونیت داشتن است، که حدسمان هم درست است.

۷- گاهی اوقات یافتن فاعل جمله کمک می‌کند که جمله راحت‌تر ترجمه شود.

Not only physics but also chemistry are Mr. adams' son' interest.

فاعل جمله فوق پسر آقای آدامز می‌باشد.

۸- گاهی اوقات توجه به افعال چند قسمتی و یا حرف اضافه و همچنین افعال جداشدنی در جمله به درک مفهوم اصلی جمله کمک می‌کند. افعالی مانند keep in touch with و یا put up with باید با دقت در متن دیده شوند. حرف ا ضافه را در جمله زیر توجه کنید:

They try to weigh all the proper costs against.

واژه against حرف اضافه برای weigh می‌باشد (weigh against)، یعنی سبک و سنگین کردن.

۹- بعضی از نقطه‌گذاری‌ها به ترجمه متن کمک می‌کنند. وقتی می‌گوییم:

Mr.Brown: I can do it.

ترجمه I در این جمله یعنی آقای براون می‌باشد.

یا اگر عبارت را بین دو خط تیره بگذاریم، یعنی تعریف واژه قبل از خود می‌باشد.

۱۰- آشنایی با کلمات ربط نیز در شناختن کل جمله کمک خواهد کرد؛

مثلاً واژه‌های thus, therefore, hence, consequently, accordingly برای نتیجه‌گیری یک موضـوع به کار می‌رود، که در درک مطلب می‌توان حدس زد که بعد از این واژه‌ها نویسنده نظر شخصی خود را بیان می‌کند.

و یا واژه هایی از قبیل however, unlike, yet, nevertheless, still, although, while, whereas, despite نشان‌دهنده نوعی تضاد در جمله می‌باشد که ضد و نقیض بودن دو چیز را نشان می‌دهد، و یا نویسنده برای توضیح بیشتر می‌تواند واژه‌هایی از قبیل and, and too, as well as, besides, moreover, forthermore, in addition to استفاده کند و یا حتی برای نشـان دادن دوره‌هایی از زمان می‌توان از واژه‌هایی مانند as, when while, since, then, afterward, finally, at last استفاده کرد.

نمونه درک مطلب

Passage 1

In brief, the modem scientific method is an organized approach to explaining observed facts, with a model of nature, subject to the constraint that any proposed model must be testable and the provision that the model must be modified or discarded if it fails these tests.

In its most idealized form, the scientific method begins with a set of observed facts. A fact is supposed to be a statement that is objectively true. For example, we consider it a fact that the Sun rises each morning, that the planet Mars appeared in a particular place in our sky last night, and that the Earth rotates. Facts are not always **obvious**, as illustrated by the case of the Earth's rotation. For most of human history, the Earth was assumed to be stationary at the center of the universe. In addition, our interpretations of facts often are based on beliefs about the world that others might not share. For example, when we say that the Sun rises each morning, we assume that it is the same Sun day after day-an idea that might not have been accepted by ancient Egyptians, whose mythology held that the Sun died with every sunset and was reborn with every sunrise. Nevertheless, facts are the raw material that scientific models seek to explain, so it is important that scientists agree on the facts. In the context of science, a fact must therefore be something that anyone can verify for himself or herself, at least in principle.

Once the facts have been collected, a model can be proposed to explain them. A useful model must also make predictions that can be tested through further observations or experiments. Ptolemy's model of the universe was useful because it predicted future locations of the Sun, Moon, and planets in the sky. However, although the Ptolemaic model remained in use for nearly 1,500 years, eventually it became clear that its predictions didn't quite match actual obsemations -a key reason why the Earth- centered model of the universe finally was discarded.

In summary, the idealized scientific method proceeds as follows:

• Observation: The scientific method begins with the collection of a set of observed facts.

• Hypothesis: A model is proposed to explain the observed facts and to make new predictions. A proposed model is often called a hypothesis, which **essentially** means an educated guess.

• Further observations/ experiments: The model's predictions are tested through further observations or experiments. When a prediction is verified, we gain confidence that the model truly represents nature. When a prediction fails, we recognize that the model is **flawed**, and we therefore must refine or discard the model.

• Theory: A model must be continually challenged with new observations or experiments by many different scientists. A model achieves the status of a scientific theory only after a broad range of its predictions has been repeatedly verified. Note that, while we can have great confidence that a scientific theory truly represents nature, we can never prove a theory to be true beyond all doubt. Therefore, even well-established theories must be subject to continuing challenges through further observations and experiments.

In reality, scientific discoveries rarely are made by a process as mechanical as the idealized scientific method described here. For example, Johannes Kepler, who discovered the laws of planetary motion in the early 1600s' tested his model against observations that had been made previously, rather than verifying new predictions based on his model. Moreover, like most scientific work, Kepler's work involved intuition, collaboration with others, moments of insight, and luck. Nevertheless, with hindsight we can look back at Kepler's theory and see that other scientists eventually made **plenty** of observations to verify the planetary positions predicted by his model. In that sense, the scientific method represents an ideal prescription for judging objectively whether a proposed model of nature is close to the truth.

1. The word <u>obvious</u> in paragraph 2 is closest in meaning to ……. .

A) interesting

B) clear

C) simple

D) correct

2. Why did the author give the example of the ancient Egyptians in paragraph 2?

A) To explain the rotation of the earth and the sun

b) To prove that facts may be interpreted differently across cultures

C) To present the fact that can be verified by the reader

D) To discard a model that was widely accepted

3. The word <u>essentially</u> in paragraph 4 is closest in meaning to ……. .

A) obviously

B) occasionally

C) basically

D) oddly

4. The word <u>flawed</u> in the passage is closest in meaning to ……. .

A) not perfect

B) not modern

C) not routine

D) not accepted

5. According to paragraph 3, why was the Ptolemaic model replaced?

A) The model was not useful in forecasting the movement of the Sun.

B) The predictions did not conform to observations of the universe.

C) The Ptolemaic model had been in use for about 1,500 years.

D) Most scientists believed that the Earth was the center of the universe.

6. According to paragraph 4, theories that are generally accepted ……. .
A) must still be verified
B) have several models
C) can be unscientific
D) are very simple

7. According to paragraph 5, what did Kepler do to verify his theory of planetary motion?
A) He made predictions based on the model.
B) He asked other scientists to make predictions.
C) He used prior observations to test the model.
D) He relied on insight to verify the theory.

8. The word <u>plenty</u> in the passage is closest in meaning to …….. .
A) broad
B) reliable
C) detailed
D) numerous

9. All of the following statements are part of a definition of the term <u>fact</u> EXCEPT …… .
A) A fact is objectively true.
B) A fact can be verified.
C) A fact may be interpreted.
D) A fact must be comprehensible.

10. It may be concluded from information in this passage that a model ……. .
A) does not always reflect observations
B) is not subject to change like theories are
C) is considered true without doubt
D) does not require further experimentation

Passage 2

Each advance in microscopic technique has provided scientists with new perspective, on the function of living organisms and the nature of matter itself. The invention of the visible-light microscope late in the sixteenth century introduced a previously unknown realm of single-celled plants and animals. In the twentieth century, electron microscopes have provided direct views of viruses and **minuscule** surface structures. Now another type of microscope, one that utilizes X rays rather than light or electrons, offers a different way of examining tiny details; **it** should extend human perception still farther into the natural world.

The dream of building an X-ray microscope dates to 1895; its development, however, was virtually halted in the 1940's because the development of the electron microscope was progressing rapidly. During the 1940's electron microscopes routinely achieved resolution

better than that possible with a visible-light microscope, while the performance of X-ray microscopes resisted improvement. In recent years, however, interest in X-ray microscopes has revived, largely because of advances such as the development of new sources of X-ray illumination. As a result, the brightness available today is millions of times that of X-ray tubes, which, for most of the century, were the only available sources of soft X-rays.

The new X-ray microscopes considerably improve on the resolution provided by optical microscopes. They can also be used to map the distribution of certain chemical elements. Some can form pictures in extremely short times; others hold the promise of special capabilities such as three-dimensional imaging. Unlike conventional electron microscopy, X-ray microscopy **enables** specimens to be kept in air and in water, which means that biological samples can be studied under conditions similar to their natural state. The illumination used, so-called soft X rays in the wavelength range of twenty to forty angstroms (an angstrom is one ten-billionth of a meter), is also sufficiently penetrating to image intact biological cells in many cases. Because of the wavelength of the X rays used, soft X-ray microscopes will never match the highest resolution possible with electron microscopes. **Rather**, their special properties will make possible investigations that will complement **those** performed with light- and electron-based instruments.

1. What does the passage mainly discuss?

A) The detail seen through a microscope

B) Sources of illumination for microscope

C) A new kind of microscope

D) Outdated microscopic techniques

2. According to the passage, the invention of the visible-light microscope allowed scientists to ……..… .

A) see viruses directly

B) develop the electron microscope later on

C) understand more about the distribution of the chemical elements

D) discover single-celled plants and animals they had never seen before

3. The word <u>minuscule</u> in paragraph 1 is closest in meaning to …… .

A) circular

B) dangerous

C) complex

D) tiny

4. The word <u>it</u> in paragraph 1 refers to …… .

A) a type of microscope

B) human perception

C) the natural world

D) light

5. Why does the author mention the visible-light microscope in the first paragraph?
A) To begin a discussion of sixteenth-century discoveries
B) To put the X-ray microscope in a historical perspective
C) To show how limited its uses are
D) To explain how it functioned

6. Why did it take so long to develop the X-ray microscope?
A) Funds for research were insufficient.
B) The source of illumination was not bright enough until recently.
C) Materials used to manufacture X-ray tubes were difficult to obtain.
D) X-ray microscopes were too complicated to operate.

7. The word <u>enables</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) constitutes
B) specifies
C) expands
D) allows

8. The word <u>Rather</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) significantly
B) preferably
C) somewhat
D) instead

9. The word <u>those</u> in paragraph 3 refers to …… .
A) properties
B) investigations
C) microscopes
D) X rays

10. Based on the information in the passage, what can be inferred about X-ray microscopes in the future?
A) They will probably replace electron microscopes altogether.
B) They will eventually be much cheaper to produce than they are now.
C) They will provide information not available from other kinds of microscopes.
D) They will eventually chance the illumination range that they now use.

Passage 3

In the United States in the early 1800's, individual state governments had more **effect** on the economy than did the federal government. States chartered manufacturing, banking, mining, and transportation firms and participated in the construction of various internal improvements such as canals, turnpikes, and railroads. The states encouraged internal improvements in two **distinct** ways: first, by actually establishing state companies to build such improvements; second, by providing part of the capital for mixed public-private companies setting out to make a profit.

In the early nineteenth century, state governments also engaged in a surprisingly large amount of direct regulatory activity, including extensive licensing and inspection programs. Licensing targets reflected both similarities in and differences between the economy of the nineteenth century and that of today: in the nineteenth century, state regulation through licensing fell especially on peddlers, innkeepers, and retail merchants of various kinds. The perishable commodities of trade generally came under state inspection, and such important frontier staples as lumber and gunpowder were also subject to state control. Finally, state governments experimented with direct labor and business regulation designed to help the individual laborer or consumer, including **setting** maximum limits on hours of work and restrictions on price-fixing by businesses.

Although the states dominated economic activity during this period, the federal government was not inactive. Its goals were the facilitation of western settlement and the development of native industries. Toward these **ends** the federal government pursued several courses of action. It established a national bank to stabilize banking activities in the country and, in part, to provide a supply of relatively easy money to the frontier, where it was greatly needed for settlement. It permitted access to public western lands on increasingly easy terms, culminating in the Homestead Act of 1862, by which title to land could be claimed on the basis of residence alone. Finally, it set up a system of tariffs that was basically protectionist in effect, although maneuvering for position by various regional interests produced frequent changes in tariff rates throughout the nineteenth century.

1. What does the passage mainly discuss?

A) States' rights versus federal rights

B) The participation of state governments in railroad, canal, and turnpike construction

C) The roles of state and federal governments in the economy of the nineteenth century

D) Regulatory activity by state Governments

2. The word <u>effect</u> in paragraph 1 is closest in meaning to …… .

A) value

B) argument

C) influence

D) restraint

3. All of the following are mentioned in the passage as areas that involved state governments in the nineteenth century EXCEPT …… .

A) mining

B) banking

C) manufacturing

D) higher education

4. The word <u>distinct</u> in paragraph 1 is closest in meaning to …… .

A) separate

B) innovative

C) alarming

D) provocative

5. It can be inferred from the first paragraph that in the nineteenth century canals and railroads were …….. .

A) built with money that came from the federal government

B) much more expensive to build than they had been previously

C) built predominantly in the western part of the country

D) sometimes built in part by state companies

6. The regulatory activities of state governments included all of the following EXCEPT ……..… .

A) licensing of retail merchants

B) inspecting materials used in turnpike maintenance

C) imposing limits on price fixing

D) control of lumber

7. The word <u>setting</u> in paragraph 2 is closest in meaning to …… .

A) discussing

B) analyzing

C) establishing

D) avoiding

8. The word <u>ends</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .

A) benefits

B) decisions

C) services

D) goals

9. According to the passage, which of the following is true of the Homestead Act of 1862?
A) It made it increasingly possible for settlers to obtain land in the West.
B) It was a law first passed by state governments in the West.
C) It increased the money supply in the West.
D) It established tariffs in a number of regions.

10. Which of the following activities was the responsibility of the federal government in the nineteenth century?
A) Control of the manufacture of gunpowder
B) Determining the conditions under which individuals worked
C) Regulation of the supply of money
D) Inspection of new homes built on western lands

Passage 4

Life originated in the early seas less than a billion years after the Earth was formed. Yet another three billion years were to pass before the first plants and animals appeared on the continents. Life's transition from the sea to the land was perhaps as much of an evolutionary challenge as was the genesis of life.

What forms of life were able to make such a **drastic** change in lifestyle? The traditional view of the first terrestrial organisms is based on megafossils — relatively large specimens of essentially whole plants and animals. Vascular plants, related to modern seed plants and ferns, left the first comprehensive megafossil record. Because of this, it has been commonly assumed that the sequence of terrestrialization reflected the evolution of modern terrestrial ecosystems. In this view, primitive vascular plants first colonized the margins of continental waters, followed by animals that fed on the plants, and lastly by animals that preyed on the plant-eaters. Moreover, the megafossils suggest that terrestrial life appeared and diversified explosively near the boundary between the Silurian and the Devonian periods, a little more than 400 million years ago.

Recently, however, paleontologists have been taking a closer look at the sediments below this Silurian-Devonian geological boundary. It turns out that some fossils can be **extracted** from these sediments by putting the rocks in an acid bath. The technique has uncovered new evidence from sediments that were deposited near the shores of the ancient oceans — plant microfossils and microscopic pieces of small animals. In many **instances** the specimens are less than one-tenth of a millimeter in diameter. Although **they** were **entombed** in the rocks for hundreds of millions of years, many of the fossils consist of the organic remains of the organism.

These newly discovered fossils have not only revealed the existence of previously unknown organisms, but have also pushed back these dates for the invasion of land by multicellular organisms. Our views about the nature of the early plant and animal communities are now being revised. And with those revisions come new speculations about the first terrestrial life-forms.

1. The word <u>drastic</u> in paragraph 2 is closest in meaning to …… .
A) widespread
B) radical
C) progressive
D) risky

2. According to the theory that the author calls "the traditional view," what was the first form of life to appear on land?
A) Bacteria
B) Meat-eating animals
C) Plant-eating animals
D) Vascular plants

3. According to the passage, what happened about 400 million years ago?
A) Many terrestrial life-forms died out.
B) New life-forms on land developed at a rapid rate.
C) The megafossils were destroyed by floods.
D) Life began to develop in the ancient seas.

4. The word <u>extracted</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) located
B) preserved
C) removed
D) studied

5. What can be inferred from the passage about the fossils mentioned in paragraph 3?
A) They have not been helpful in understanding the evolution of terrestrial life.
B) They were found in approximately the same numbers as vascular plant fossils.
C) They are older than the megafossils.
D) They consist of modem life-forms.

6. The word <u>instances</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) methods
B) processes
C) cases
D) reasons

7. The word <u>they</u> in paragraph 3 refers to …… .
A) rocks
B) shores
C) oceans
D) specimens

8. The word <u>entombed</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) crushed
B) trapped
C) produced
D) excavated

9. Which of the following resulted from the discovery of microscopic fossils?
A) The time estimate for the first appearance of terrestrial life-forms was revised.
B) Old techniques for analyzing fossils were found to have new uses.
C) The origins of primitive sea life were explained.
D) Assumptions about the locations of ancient seas were changed.

10. With which of the following conclusions would the author probably agree?
A) The evolution of terrestrial life was as complicated as the origin of life itself.
B) The discovery of microfossils supports the traditional view of how terrestrial life evolved.
C) New species have appeared at the same rate over the course of the last 400 million years.
D) The technology used by paleontologists is too primitive to make accurate determinations about ages of fossils.

Passage 5

What we today call American folk art was, indeed, art of, by, and for ordinary, everyday "folks" who, with increasing prosperity and leisure, created a market for an of all kinds, and especially for portraits. Citizens of prosperous, essentially middle-class republics — whether ancient Romans, seventeenth-century Dutch burghers, or nineteenth-century Americans — have always shown a **marked** taste for portraiture. Starting in the late eighteenth century, the United States contained increasing numbers of such people, and of the artists who could meet their demands.

The earliest American folk art portraits come, not surprisingly, from New. England — especially Connecticut and Massachusetts — for **this** was a wealthy and populous region and the center of a strong craft tradition. Within a few decades after the signing of the Declaration of Independence in 1776, the population was pushing westward, and portrait painters could be found at work in western New York, Ohio, Kentucky, Illinois, and Missouri. Midway through its first century as a nation, the United States' population had increased roughly five times, and eleven new states had been added to the original thirteen. During these years the demand for portraits grew and grew, eventually to be satisfied by the camera. In 1839 the **daguerreotype** was introduced to America, **ushering in** the age of photography, and within a generation the new invention put an end to the popularity of painted portraits. Once again an original portrait became a luxury, commissioned by the wealthy and **executed** by the professional.

But in the heyday of portrait painting — from the late eighteenth century until the 1850's — anyone with a modicum of artistic ability could become a limner, as such a portraitist was called. Local craftspeople — sign, coach, and house painters — began to paint portraits as a

profitable sideline; sometimes a talented man or woman who began by **sketching** family members gained a local reputation and was besieged with requests for portraits; artists found it **worth their while** to pack their paints, canvases, and brushes and to travel the countryside, often combining house decorating with portrait painting.

1. In paragraph 1, the author mentions seventeenth-century Dutch burghers as an example of a group that …… .
A) consisted mainly of self-taught artists
B) appreciated portraits
C) influenced American folk art
D) had little time for the arts

2. The word marked in paragraph 1 is closest in meaning to …… .
A) pronounced
B) fortunate
C) understandable
D) mysterious

3. According to the passage, where were many of the first American folk art portraits painted?
A) In western New York
B) In Illinois and Missouri
C) In Connecticut and Massachusetts
D) In Ohio

4. The word this in paragraph 2 refers to …… .
A) a strong craft tradition
B) American folk art
C) New England
D) western New York

5. How much did the population of the United States increase in the first fifty years following independence?
A) It became three times larger.
B) It became five times larger.
C) It became eleven times larger.
D) It became thirteen times larger.

6. The phrase ushering in in paragraph 2 is closest in meaning to …… .
A) beginning
B) demanding
C) publishing
D) increasing

7. The relationship between the daguerreotype (paragraph 2) and the painted portrait is similar to the relationship between the automobile and the …… .

A) highway

B) driver

C) horse-drawn carriage

D) engine

8. According to the passage, which of the following contributed to a decline in the demand for painted portraits?

A) The lack of a strong craft tradition

B) The westward migration of many painters

C) The growing preference for landscape paintings

D) The invention of the camera

9. The word <u>executed</u> in paragraph 2 is closest in meaning to …… .

A) sold

B) requested

C) admired

D) created

10. The author implies that most limners …… .

A) received instruction from traveling teachers

B) were women

C) were from wealthy families

D) had no formal art training

11. The word <u>sketching</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .

A) drawing

B) hiring

C) helping

D) discussing

12. The phrase <u>worth their while</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .

A) essential

B) educational

C) profitable

D) pleasurable

Passage 6

Smallpox was the first widespread disease ever to be eliminated by human intervention. A highly contagious viral disease, it was endemic in Europe, causing the deaths of millions of people until the development of the vaccination by Edward Jenner around 1800. In many non-European nations, it remained a dreaded, often fatal illness until very recently. Its victims suffered high fever, vomiting, and painful, itchy pustules, pus-filled skin eruptions that left pits or pockmark scars. In villages and cities all over the world, scarred people showed that they had survived smallpox.

In May 1966, the World Health Organization (WHO), an agency of the United Nations, was authorized to initiate a global campaign to eradicate smallpox. The goal was to eliminate the disease in one decade. At the time, the disease posed a serious **threat** to people in thirty nations. More than 700 physicians, nurses, scientists, and other personnel from WHO joined about 200,000 health workers in the infected nations to battle the disease Because similar projects for malaria and yellow fever had failed, few believed that a disease as widespread as smallpox could actually be eradicated, but eleven years after the initial organization of the anti-smallpox campaign, no cases were reported in the field.

The strategy that developed was to combat the disease at several levels. There was an education campaign, of course, so that the people in the threatened countries could be taught more about how the disease spread and become active participants in the fight against smallpox. Other strategies included not only providing mass vaccinations but also isolating patients with active smallpox in order to contain the spread of the disease, thus breaking the chain of human transmission. Monetary rewards for reporting smallpox assisted in motivating the public to aid health workers. One by one, each smallpox victim was sought out, removed from contact with others, and treated. At the same time, the entire village where the victim had lived was vaccinated.

By April of 1978, WHO officials announced that **they** had **isolated** the last known case of the disease, but health workers continued to search for new cases for two additional years to be completely sure. In May 1980, a formal statement was made to the global community. Today smallpox is no longer a threat to humanity. Routine vaccinations have been stopped worldwide.

1. Which of the following is the best title for the passage?

A) The World Health Organization

B) The Eradication of Smallpox

C) Smallpox Vaccinations

D) Infectious Diseases

2. The word <u>threat</u> in paragraph 2 could best be replaced by …… .

A) debate

B) humiliation

C) risk

D) bother

3. According to the passage, what was the strategy used to eliminate the spread of smallpox?

A) Vaccinations of entire villages

B) Treatment of individual victims

C) Isolation of victims and mass vaccinations

D) Extensive reporting of outbreaks

4. The word <u>They</u> in paragraph 4 refers to …… .

A) years

B) officials

C) victims

D) cases

5. The word <u>isolated</u> in paragraph 4 is closest in meaning to …… .

A) restored

B) separated

C) attended

D) located

6. How was the public motivated to help the health workers?

A) By educating them

B) By rewarding them for reporting cases

C) By isolating them from others

D) By giving them vaccinations

7. Which one of the statements does NOT refer to smallpox?

A) Previous projects had failed.

B) People are no longer vaccinated for it.

C) The World Health Organization mounted a worldwide campaign to eradicate the disease.

D) It was a serious threat.

8. It can be inferred from the passage that …… .

A) no new cases of smallpox have been reported this year

B) malaria and yellow fever have been reported this year

C) smallpox victims no longer die when they contract the disease

D) smallpox is not transmitted from one person to another

Passage 7

Precipitation, commonly referred to as rainfall, is a measure of the quantity of atmospheric water in the form of rain, hail, or snow that reaches the ground. The average annual precipitation over the whole of the United States is thirty-six inches per year. It should be understood, however, that all precipitation is not measured equally. For example, a foot of snow does not equal a foot of precipitation. According to the general formula for computing the precipitation of snowfall, ten inches of snow equals one inch of precipitation. In upper New York State, for example, where there is typically a large amount of snowfall every winter, a hundred inches of snow in one year would be recorded as only ten inches of precipitation. On the other hand, rain is rain. Forty inches of rain would be recorded as forty inches of precipitation. The total annual precipitation for an area with forty inches of rain and one hundred inches of snow would be recorded as fifty inches of precipitation.

The amount of precipitation that an area receives is a combined result of several factors, including location, altitude, **proximity to** the sea, and the direction of prevailing winds. Most of the precipitation in the United States is brought originally by prevailing winds from the Pacific Ocean, the Gulf, of Mexico, the Atlantic Ocean, and the Great Lakes. Because these prevailing winds generally come from the west, the Pacific Coast receives more annual precipitation than the Atlantic Coast. Along the Pacific Coast itself, however, altitude causes some diversity in rainfall. 'The mountain ranges of the United States, especially the Rocky Mountain Range and the Appalachian Mountain Range, influence the amount of precipitation in the areas to the windward and leeward sides of these ranges. East of the Rocky Mountains, the annual precipitation is **substantially** less than that west of the Rocky Mountains. The precipitation north of the Appalachian Mountains averages 40 percent less than **that** south of the Appalachian Mountains. As air currents from the oceans move over land, the air must rise to pass over the mountains. The air cools, and the water that is held in the clouds falls as rain or snow on the ascending side of the mountains. The air, therefore, is much drier on the other side of the mountains.

1. What does this passage mainly discuss?

A) Precipitation
B) Snowfall
C) New York State
D) A general formula

2. Which of the following is another word that is often used in place of precipitation?

A) Humidity
B) Wetness
C) Rainfall
D) Rain-snow

3. The term *precipitation* includes …… .
A) only rainfall
B) rain, hail, and snow
C) rain, snow, and humidity
D) rain, hail, and humidity

4. What is the average annual rainfall in inches in the United States?
A) Thirty-six inches
B) Thirty-eight inches
C) Forty inches
D) Forty-two inches

5. If a state has 40 inches of snow in a year, by how much does this increase the annual precipitation?
A) By two feet
B) By four inches
C) By four feet
D) By 40 inches

6. The phrase <u>proximity</u> to in paragraph 2 is closest in meaning to …… .
A) communication with
B) dependence on
C) nearness to
D) similarity to

7. Where is the annual precipitation highest?
A) The Atlantic Coast
B) The Great Lakes
C) The Gulf of Mexico
D) The Pacific Coast

8. Which of the following was NOT mentioned as a factor in determining the amount of precipitation that an area will receive?
A) Mountains
B) Latitude
C) The sea
D) Wind

9. The word <u>substantially</u> in paragraph 2 could best be replaced by …… .
A) fundamentally
B) slightly
C) completely
D) apparently

10. The word <u>that</u> in paragraph 2 refers to …… .

A) decreases

B) precipitation

C) areas

D) mountain ranges

Passage 8

The Acacia, a genus of trees and shrubs of the mimosa family that originated in Australia, has long been used there in building simple mud and stick structures. The acacia is called a wattle in Australia, and the structures are said to be made of daub and wattle. The acacia is actually related to the family of plants known as legumes that includes peas, beans, lentils, peanuts, and pods with beanlike seeds. Some acacias actually produce edible crops. Other Acacia varieties are valued for the sticky resin, called gum Arabic or gum acacia, used widely in medicines, foods, and perfumes, for the dark dense wood prized for making pianos, or for the bark, rich in tannin, a dark, acidic substance used to cure the hides of animals, transforming them into leather.

Nearly five hundred species of Acacia have been analyzed, identified, categorized, and proven capable of survival in hot and generally arid parts of the world; however, only a dozen of the three hundred Australian varieties **thrive** in the southern United States. Most *acacia* imports are low spreading trees, but of **these**, only three flower, including the *Bailey Acacia* with fernlike silver leaves and small, fragrant flowers arranged in rounded clusters, the *Silver Waffle*, similar to the *Bailey Acacia*, which grows twice as high, and the squat *Sydney Golden Wattle*, bushy with broad, flat leaves, **showy** bright yellow blossoms, and sharp spined twigs. Another variety, the *Black Acacia*, also called the *Blackwood*, has dark green foliage and unobtrusive blossoms. Besides being a popular ornamental tree, the *Black Acacia* is considered valuable for its dark wood, which is used in making furniture, as well as highly prized musical instruments.

The *Acacia*'s unusual custom of blossoming in February has been commonly attributed to its Australian origins, as if the date and not the quality of light made the difference for a tree in its flowering cycle. In the Southern Hemisphere, the seasons are reversed, and February, which is wintertime in the United States, is summertime in Australia. Actually, however, the pale, yellow blossoms appear in August in Australia. Whether growing in the Northern or Southern Hemisphere, the lovely *acacia* blossoms in winter.

1. With which of the following topics is the passage primarily concerned?

A) The *Black Acacia*

B) Characteristics and varieties of the *Acacia*

C) Australian varieties of the *Acacia*

D) The use of *Acacia* wood in ornamental furniture

2. How many species of *Acacia* grow well in the southern United States?
A) Five hundred
B) Three hundred
C) Twelve
D) Three

3. The word <u>thrive</u> in paragraph 2 is closest in meaning to which of the following?
A) grow well
B) are found
C) were planted
D) can live

4. The word <u>these</u> in paragraph 2 refers to …… .
A) United States
B) varieties
C) species
D) trees

5. According to this passage, the *Silver Wattle* …… .
A) is squat and bushy
B) has unobtrusive blossoms
C) is taller than the Bailey Acacia
D) is used for making furniture

6. The word <u>showy</u> in paragraph 2 could best be replaced by …… .
A) strange
B) elaborate
C) huge
D) fragile

7. Which of the following *Acacias* has the least colorful blossoms?
A) *Bailey Acacia*
B) *Sydney Golden Wattle*
C) *Silver Wattle*
D) *Black Acacia*

8. Which of the following would most probably be made from a *Black Acacia* tree?
A) **A** flower arrangement
B) A table
C) A pie
D) Paper

9. When do *Acacia* trees bloom in Australia?
A) February
B) Summer
C) August
D) Spring

Passage 9

In 1626, Peter Minuit, governor of the Dutch settlements in North America known as New Amsterdam, negotiated with Canarsee chiefs for the purchase of Manhattan Island for merchandise valued at sixty guilders or about $24.12. He purchased the island for the Dutch West India Company.

The next year, Fort Amsterdam was built by the company at the extreme southern tip of the island. Because attempts to encourage Dutch immigration were not immediately successful, offers, generous by the standards of the era, were extended throughout Europe. Consequently, the settlement became the most **heterogeneous** of the North American colonies. By 1637, the fort had expanded into the village of New Amsterdam, other small communities had grown up around it, including New Haarlem and Stuyvesant's Bouwery, and New Amsterdam began to prosper, developing characteristics of religious and linguistic tolerance unusual for the times. By 1643, it was reported that eighteen different languages could be heard in New Amsterdam alone.

Among the multilingual settlers was a large group of English colonists from Connecticut and Massachusetts who supported the English King's claim to all of New Netherlands set out in a charter that gave the territory to his brother James, Duke of York. In 1644, when the English sent a **formidable** fleet of warships into the New Amsterdam harbor, Dutch governor Peter Stuyvesant surrendered without resistance.

When the English acquired the island, the village of New Amsterdam was renamed New York in honor of the Duke. By the onset of the Revolution, New York City was already a bustling commercial center. After the war, **it** was selected as the first capital of the United States. Although the government was eventually moved, first to Philadelphia and then to Washington, D.C., New York maintained its status. It became a haven for pirates who conspired with leading merchants to exchange supplies for their ships in return for a share in the plunder. As a colony. New York exchanged many agricultural products for English manufactured goods. In addition, trade with the West Indies prospered. Three centuries after his initial trade with the Native Americans, Minuit's tiny investment was worth more than seven billion dollars.

1. Which of the following would be the best title for this passage?
A) A History of New York City
B) An Account of the Dutch Colonies
C) A Biography of Peter Minuit
D) The First Capital of the United States

2. What did the Native Americans receive in exchange for their island?
A) Sixty Dutch guilders
B) $24.12 U.S.
C) Goods and supplies
D) Land in New Amsterdam

3. Where was New Amsterdam located?
A) In Holland
B) In North America
C) On the island of Manhattan
D) In India

4. What does the author mean by the statement "Because attempts to encourage Dutch immigration were not immediately successful, offers, generous, by the standards of the era, were extended throughout Europe"?
A) Other Europeans were given opportunities to immigrate to the new world after a slow response by the Dutch.
B) Since the Dutch immigration was so successful, opportunities were provided for the Europeans to immigrate to the new world also.
C) The Dutch took advantage of opportunities to immigrate to Europe instead of to the new world.
D) Immigration to the new world required that the Dutch and other Europeans wait until opportunities were available.

5. The word <u>heterogeneous</u> in paragraph 2 could best be replaced by …… .
A) liberal
B) renowned
C) diverse
D) prosperous

6. Why were so many languages spoken in New Amsterdam?
A) The Dutch West India Company was owned by England.
B) The Dutch West India Company allowed freedom of speech.
C) The Dutch West India Company recruited settlers from many different Countries in Europe.
D) The Indians who lived there before the Dutch West India Company purchase spoke many languages.

7. The word <u>formidable</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) powerful
B) modem
C) expensive
D) unexpected

8. The word it in paragraph 4 refers to …… .

A) Revolution

B) New York City

C) the island

D) the first capital

9. Which city was the first capital of the new United States?

A) New Amsterdam

B) New York

C) Philadelphia

D) Washington

10. On what date was Manhattan valued at $7 billion?

A) 1626

B) 1726

C) 1656

D) 1926

Passage 10

Perhaps it was his own lack of adequate schooling that inspired Horace Mann to work so hard to accomplish the important reforms in education that he advocated. While he was still a boy, his father and older brother died, and he became responsible for supporting his family. Like most of the children in his town, he attended school only two or three months a year. Later, with the help of several teachers, he was able to study law and become a member of the Massachusetts bar, but he never forgot those early **struggles**.

While sewing in the Massachusetts legislature, he signed an historic education bill that set up a state board of education. Without regret, he gave up his successful legal practice and political career to become the first secretary of the board. **There** he exercised an enormous influence during the critical period of reconstruction that brought into existence the American graded elementary school as a substitute for the older district school system. Under his leadership, the curriculum was restructured, the school year was increased to a minimum of six months, and mandatory schooling was extended to age sixteen. Other important reforms that came into existence under Mann's guidance included the establishment of state normal schools for teacher training, institutes for in service teacher education, and lyceums for adult education. He was also instrumental in improving salaries for teachers and creating school libraries.

Mann's ideas about school reform were developed and distributed in the twelve annual reports to the state of Massachusetts that he wrote during his tenure as secretary of education. Considered quite radical at the time, the Massachusetts reforms later served as a model for the nation's educational system. Mann was formally recognized as the father of public education.

During his lifetime, Horace Mann worked tirelessly to extend educational opportunities to agrarian families and the children of poor laborers. In one of his last speeches he summed up his philosophy of education and life: "Be ashamed to die until you have won some victory for humanity." Surely, his own life was an example of that philosophy.

1. Which of the following titles would best express the main topic of the passage?
A) The Father of American Public Education
B) Philosophy of Education
C) The Massachusetts State Board of Education
D) Politics of Educational Institutions

2. Why does the author mention Horace Mann's early life?
A) As an example of the importance of an early education for success
B) To make the biography more complete
C) Because it served as the inspiration for his later work in education
D) In tribute to the teachers who helped him succeed

3. The word struggles in paragraph 1 could best be replaced by …… .
A) valuable experiences
B) happy situations
C) influential people
D) difficult times

4. The word there refers to …… .
A) the Massachusetts legislature
B) the state board of education
C) Mann's legal practice
D) his political career

5. With which of the following statements would the author most probably agree?
A) Horace Mann's influence on American education was very great.
B) A small but important influence on American education was exerted by Horace Mann.
C) Few educators fully understood Horace Mann's influence on American education.
D) The influence on American education by Horace Mann was not accepted or appreciated.

6. Horace Mann advocated all of the following EXCEPT …… .
A) a state board of education
B) a district school system
C) classes for adults
D) graded elementary schools

7. The reforms that Horace Mann achieved …… .

A) were not very radical for the time

B) were used only by the state of Massachusetts

C) were later adopted by the nation as a model

D) were enforced by the Massachusetts bar

8. With which of the following statements would Horace Mann most probably agree?

A) Think in new ways.

B) Help others.

C) Study as much as possible.

D) Work hard.

Passage 11

Organic architecture-that is, natural architecture-may vary in concept and form, but it is always faithful to natural principles. The architect dedicated to the promulgation of organic architecture rejects outright all rules imposed by individual reference or mere aesthetics in order to remain true to the nature of the site, the materials, the purpose of the structure, and the people who will **ultimately** use it. If these natural principles are **upheld**, then a bank cannot be built to look like a Greek temple. Form does not follow function; rather, form and function are inseparably two aspects of the same phenomenon. In other words, a building should be inspired by nature's forms and constructed with materials that retain and respect the natural characteristics of the setting to create harmony between the structure and its natural environment. It should maximize people's contact with and utilization of the outdoors. Furthermore, the rule of functionalism is upheld; that is, the principle of excluding everything that serves no practical purpose.

Natural principles, then, are principles of design, not style, expressed by means and modes of construction that reflect unity, balance, proportion, rhythm, and scale. Like a sculptor, the organic architect views the site and materials as an innate form that develops organically from within. Truth in architecture results in a natural, spontaneous structure in total harmony with the setting. For the most part, these structures find their geometric shapes in the contours of the land and their colors in the surrounding palette of nature.

From the outside, an organic structure is so much a part of nature that it is often **obscured** by it. In other words, it may not be easy, or maybe not even possible, for the human eye to separate the artificial structure from the natural terrain. Natural light, air, and view permeate the whole structure, providing a sense of communication with the outdoors. From the inside, living spaces open into one another. The number of walls for separate rooms is reduced to a minimum, allowing the functional spaces to flow together. Moreover, the interiors are sparse. Organic architecture incorporates built-in architectural features such as benches and storage areas to take the place of furniture.

1. According to the passage, what is another name for organic architecture?
A) Natural architecture
B) Aesthetic architecture
C) Principle architecture
D) Varied architecture

2. The word <u>ultimately</u> in paragraph 1 could best be replaced by …… .
A) fortunately
B) eventually
C) supposedly
D) obviously

3. The word <u>upheld</u> in paragraph 1 is closest in meaning to …… .
A) invalidated
B) disputed
C) promoted
D) perceived

4. The following examples are all representative of natural architecture EXCEPT …… .
A) a bank that is built to look like a Greek temple
B) a bank built so that the location is important to the structure
C) a bank that is built to conform to the colors of the natural surroundings
D) a bank that is built to be functional rather than beautiful

5. Why does the author compare an organic architect to a sculptor?
A) To emphasize aesthetics
B) To give an example of natural principles
C) To make a point about the development of geometry
D) To demonstrate the importance of style

6. The word <u>obscured</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …… .
A) difficult to see
B) in high demand
C) not very attractive
D) mutually beneficial

7. With which of the following statements would the author most probably agree?
A) Form follows function.
B) Function follows form.
C) Function is not important to form.
D) Form and function are one.

8. Which of the following statements best describes the architect's view of nature?

A) Nature should be conquered.

B) Nature should not be considered.

C) Nature should be respected.

D) Nature should be improved.

Passage 12

Although its purpose and techniques were often magical, alchemy was, in many ways, the predecessor of the modern science of chemistry. The fundamental premise of alchemy derived from the best philosophical dogma and scientific practice of the time, and the majority of educated persons between 1400 and 1600 believed that alchemy had great merit.

The earliest **authentic** works on European alchemy are those of the English monk Roger Bacon and the German philosopher St. Albertus Magnus. In their treatises they maintained that gold was the perfect metal and that inferior metals such as lead and mercury were removed by various degrees of imperfection from gold. They further asserted that these base metals could be transmuted to gold by blending them with a substance more perfect than gold. This elusive substance was referred to as the "philosopher's stone." The process was called transmutation.

Most of the early alchemists were artisans who were accustomed to keeping trade secrets and often resorted to **cryptic** terminology to record the progress of their work. The term sun was used for gold, moon for silver, and the five known planets for base metals. This convention of substituting symbolic language attracted some mystical philosophers who compared the search for the perfect metal with the struggle of humankind for the perfection of the soul. The philosophers began to use the artisan's terms in the mystical literature that they produced. Thus, by the fourteenth century, alchemy had developed two distinct groups of practitioners-the laboratory alchemist and the literary alchemist. Both groups of alchemists continued to work throughout the history of alchemy, but, of course, it was the literary alchemist who was more likely to produce a written record; therefore, much of what is known about the science of alchemy is derived from philosophers rather than from the alchemists who labored in laboratories.

Despite centuries of experimentation, laboratory alchemists failed to produce gold from other materials. However, they gained wide knowledge of chemical substances, discovered chemical properties, and invented many of the tools and techniques that are used by chemists today. Many laboratory alchemists earnestly devoted themselves to the scientific discovery of new compounds and reactions and, therefore, must be considered the legitimate forefathers of modem chemistry. They continued to call themselves alchemists, but they were becoming true chemists.

1. Which of the following is the main point of the passage?
A) There were both laboratory and literary alchemists.
B) Base metals can be transmuted to gold by blending them with a substance more perfect than gold.
C) Roger Bacon and St. Albertus Magnus wrote about alchemy.
D) Alchemy was the predecessor of modem chemistry.

2. The word <u>authentic</u> in paragraph 2 could best be replaced by …… .
A) valuable
B) genuine
C) complete
D) comprehensible

3. According to the alchemists, what is the difference between base metals and gold?
A) Perfection
B) Chemical content
C) Temperature
D) Weight

4. According to the passage, what is the "philosopher's stone"?
A) Lead that was mixed with gold
B) An element that was never found
C) Another name for alchemy
D) A base metal

5. The word <u>cryptic</u> in paragraph 3 could be replaced by which of the following?
A) scholarly
B) secret
C) foreign
D) precise

6. In paragraph 3, the author suggests that we know about the history of alchemy because ……..…… .
A) the laboratory alchemists kept secret notes
B) the literary alchemists recorded it in writing
C) the mystical philosophers were not able to hide the secrets of alchemy
D) the historians were able to interpret the secret writings of the alchemists

7. Why did the early alchemists use the terms sun and moon?
A) To keep the work secret
B) To make the work more literary
C) To attract philosophers
D) To produce a written record

8. Who were the first alchemists?

A) Chemists

B) Writers

C) Artisans

D) Linguists

9. With which of the following statements would the author most probably agree?

A) Alchemy must be considered a complete failure.

B) Some very important scientific discoveries were made by alchemists.

C) Most educated people dismissed alchemy during the time that it was practiced.

D) The literary alchemists were more important than the laboratory alchemists

Passage 13

A geyser is the result of underground water under the combined conditions of high temperatures and increased pressure beneath the surface of the Earth. Since temperature rises about 1°F for every sixty feet under the Earth's surface, and pressure increases with depth, water that seeps down in cracks and fissures until **it** reaches very hot rocks in the Earth's interior becomes heated to a temperature of approximately 290°F.

Water under pressure can remain liquid at temperatures above its normal boiling point, but in a geyser, the weight of the water nearer the surface exerts so much pressure on the deeper water that the water at the bottom of the geyser reaches much higher temperatures than does the water at the top of the geyser. As the deep water becomes hotter, and consequently lighter, it suddenly rises to the surface and shoots out of the surface in the form of steam and hot water. In turn, the explosion agitates all the water in the geyser reservoir, creating further explosions. Immediately afterward, the water again flows into the underground reservoir, heating begins, and the process repeats itself.

In order to function, then, a geyser must have a source of heat, a reservoir where water can be stored until the temperature rises to an unstable point, an opening through which the hot water and steam can escape, and underground channels for resupplying water after an eruption.

Favorable conditions for geysers exist in regions of geologically recent volcanic activity, especially in areas of more than average precipitation. For the most part, geysers are located in three regions of the world: New Zealand, Iceland, and the Yellowstone National Park area of the United States. The most famous geyser in the world is Old Faithful in Yellowstone Park. Old Faithful erupts every hour, rising to a height of 125 to 170 feet and **expelling** more than ten thousand gallons during each eruption. Old Faithful earned its name because, unlike most geysers, it has never failed to erupt on schedule even once in eighty years of observation.

1. Which of the following is the main topic of the passage?
A) The Old Faithful geyser in Yellowstone National Park
B) The nature of geysers
C) The ratio of temperature to pressure in underground water
D) Regions of geologically recent volcanic Activity

2. In order for a geyser to erupt …… .
A) hot rocks must rise to the surface of the Earth
B) water must flow underground
C) it must be a warm day
D) the earth must not be rugged or broken

3. The word <u>it</u> in paragraph 1 refers to …… .
A) water
B) depth
C) pressure
D) surface

4. As depth increases …… .
A) pressure increases but temperature does not
B) temperature increases but pressure does not
C) both pressure and temperature increase
D) neither pressure nor temperature increases

5. Why does the author mention New Zealand and Iceland in paragraph 4?
A) To compare areas of high volcanic activity
B) To describe the Yellowstone National Park
C) To provide examples of areas where geysers are located
D) To name the two regions where all geysers are found

6. How often does Old Faithful erupt?
A) Every 10 minutes
B) Every 60 minutes
C) Every 125 minutes
D) Every 170 minutes

7. The word <u>expelling</u> in paragraph 4 is closest in meaning to …… .
A) firing
B) discharging
C) supplying
D) wasting

8. What does the author mean by the statement Old faithful earned its name because unlike most geysers, it has never failed to erupt on schedule even once in eighty years of observation?

A) Old Faithful always erupts on schedule.

B) Old Faithful is usually predictable.

C) Old Faithful erupts predictably like other geysers.

D) Old Faithful received its name because it has been observed for many years.

9. According to the passage, what is required for a geyser to function?

A) A source of heat, a place for water to collect, an opening, and underground channels

B) An active volcano nearby and a water reservoir

C) Channels in the Earth and heavy rainfall

D) Volcanic activity, underground channels, and steam

Passage 14

This question has often been posed: Why were the Wright brothers able to succeed in an effort at which so many others had failed? Many explanations have been mentioned, but three reasons are most often **cited**. First, they were a team. Both men worked congenially and cooperatively, read the same books, located and shared information, talked **incessantly** about the possibility of manned flight, and sewed as a consistent source of inspiration and encouragement to each other. Quite simply, two geniuses are better than one.

Both were glider pilots. Unlike some other engineers who experimented with the theories of flight, Owille and Wilbur Wright experienced the practical aspects of aerodynamics by building and flying in kites and gliders. Each craft they built was slightly superior to the last, as they incorporated knowledge that they had gained from previous failures. They had realized from their experiments that the most serious challenge in manned flight would be stabilizing and maneuvering the aircraft once it was airborne. While others concentrated their efforts on the problem of achieving lift for take-off, the Wright brothers were focusing on developing a three-axis control for guiding their aircraft. By the time that the brothers started to build an airplane, they were already among the world's best glider pilots; they knew the problems of riding the air first hand.

In addition, the Wright brothers had designed more effective wings for the airplane than had been previously engineered. Using a wind tunnel, **they** tested more than two hundred different wing designs, recording the effects of slight variations in shape on the pressure of air on the wings. The data from these experiments allowed the Wright brothers to construct a superior wing for their aircraft.

In spite of these advantages, however, the Wright brothers might not have succeeded had they not been born at precisely the opportune moment in history. Attempts to achieve manned flight in the early nineteenth century were **doomed** because the steam engines that powered the aircrafts were too heavy in proportion to the power that they produced. But by the end of the nineteenth century, when the brothers were experimenting with engineering options, a

relatively light internal combustion engine had already been invented, and they were able to bring the ratio of weight to power within acceptable limits for flight.

1. Which of the following is the main topic of the passage?
A) The reasons why the Wright brothers succeeded in manned flight
B) The advantage of the internal combustion engine in the Wright brothers' experiments
C) The Wright brothers' experience as pilots
D) The importance of gliders to the development of airplanes

2. The word cited in paragraph 1 is closest in meaning to which of the following?
A) disregarded
B) mentioned
C) considered
D) proven

3. The word incessantly paragraph 1 could best be replaced by which of the following?
A) confidently
B) intelligently
C) constantly
D) optimistically

4. What kind of experience did the Wright brothers have that distinguished them from their competitors?
A) They were geniuses.
B) They were glider pilots.
C) They were engineers.
D) They were inventors.

5. Why does the author suggest that the experiments with the wind tunnel were important?
A) Because they allowed the Wright brothers to decrease the weight of their airplane to acceptable limits
B) Because they resulted in a three-axis control for their airplane
C) Because they were important in the refinement of the wings for their airplane
D) Because they used the data to improve the engine for their airplane

6. The word they in paragraph 3 refers to ……. .
A) the Wright brothers
B) aircraft
C) engines
D) attempts

7. The word <u>doomed</u> in paragraph 4 is closest in meaning to ……. .

A) destined to fail

B) difficult to achieve

C) taking a risk

D) not well planned

8. In paragraph 4, the author suggests that the steam engines used in earlier aircraft had failed because …….…… .

A) They were too small to power a large plane.

B) They were too light to generate enough power.

C) They did not have internal combustion power.

D) They did not have enough power to lift their own weight.

Passage 15

The Federal Reserve System, as an independent agency of the United States government, is charged with **overseeing** the national banking system. Since 1913 the Federal Reserve System, commonly called the Fed, has served as the central bank for the United States. The system consists of twelve District Reserve Banks and their branch offices, along with several committees and councils. All national commercial banks are required by law to be members of the Fed, and all deposit-taking institutions like credit unions are subject to regulation by the Fed regarding the amount of deposited funds that must be held in reserve and that by definition, therefore, are not available for loans. The most powerful body is the seven-member Board of Governors in Washington, appointed by the President and **confirmed** by the Senate.

The System's primary function is to control monetary policy by influencing the cost and availability of money and credit through the purchase and sale of government **securities**. If the Federal Reserve provides too little money, interest rates tend to be high, borrowing is expensive, business activity slows down, unemployment goes up, and danger of recession is augmented. If there is too much money, interest rates decline, and borrowing can lead to excess demand, pushing up prices and fueling inflation.

The Fed has several responsibilities in addition to controlling the money supply. In collaboration with the U.S. Department of the Treasury, the Fed puts new coins and paper currency into circulation by issuing them to banks. It also supervises the activities of member banks abroad, and regulates certain aspects of international finance.

It has been said that the Federal Reserve is actually a fourth branch of the United States government because it is composed of national policy makers. However, in practice, the Federal Reserve does not stray from the financial policies established by the executive branch of the government. Although it is true that the Fed does not depend on Congress for budget allocations, and therefore is free from the partisan politics that influence most of the other governmental bodies, it is still responsible for frequent reports to the Congress on the conduct of monetary policies.

1. Which of the following is the most appropriate title for the passage?
A) Banking
B) The Federal Reserve System
C) The Board of Governors
D) Monetary Policies

2. The word <u>overseeing</u> in paragraph 1 is closest in meaning to …….. .
A) supervising
B) maintaining
C) financing
D) stimulating

3. The word <u>confirmed</u> in paragraph 1 could best be replaced by …….. .
A) modified
B) considered
C) examined
D) approved

4. According to the passage, the principal responsibility of the Federal Reserve System is …….. .
A) to borrow money
B) to regulate monetary policies
C) to print government securities
D) to appoint the Board of Governors

5. The word <u>securities</u> in paragraph 2 is intended to mean …….. .
A) debts
B) bonds
C) protection
D) confidence

6. What happens when the Federal Reserve provides too little money?
A) Demand for loans increases.
B) Unemployment slows down.
C) Interest rates go up.
D) Businesses expand.

7. In paragraph 2, the author suggests that inflation is caused by ……..….. .
A) high unemployment rates
B) too much money in the economy
C) very high fuel prices
D) a limited supply of goods

8. What does the author mean by the statement "However in practice, the Federal Reserve does not stray from the financial policies established by the executive branch of the government"?

A) The Fed is more powerful than the executive branch of the government.

B) The policies of the Fed and those of the executive branch of the government are not the same.

C) The Fed tends to follow the policies of the executive branch of the government.

D) The Fed reports to the executive branch of the government.

9. All of the following statements could be included in a summary of the passage EXCEPT:

A) The Federal Reserve is an independent agency of the United States government.

B) The Federal Reserve controls the flow of money and credit by buying and selling government securities.

C) The Federal Reserve issues new coins and currency to banks.

D) The Federal Reserve receives its yearly budget from Congress.

Passage 16

Harvard University, today recognized as part of the top echelon of the world's universities, came from very inauspicious and humble beginnings.

This oldest of American universities was founded in 1636, just sixteen years after the Pilgrims landed at Plymouth. Included in the Puritan emigrants to the Massachusetts colony during this period were more than 100 graduates of England's prestigious Oxford and Cambridge universities, and these university graduates in the New World were determined that their sons would have the same educational opportunities that **they** themselves had had. Because of this support in the colony for an institution of higher learning, the General court of Massachusetts appropriated 400 **pounds** for a college in October of 1636 and early the following year decided on a parcel of land for the school; this land was in area called Newtown, which was later renamed Cambridge after its **English cousin** and is the site of the present-day university.

When a young minister named John Harvard, who came from the neighboring town of Charlestown, died from tuberculosis in 1638, he willed half of his estate of 1,700 pounds to the **fledgling** college. In spite of the fact that only half of the bequest was actually paid, the General court named the college after the minister in appreciation for what he had done. The amount of the bequest may not have been large, particularly by today's standards, but it was more than the General court had found it necessary in order to open the college.

Henry Dunster was appointed the first president of Harvard in 1640, and it should be noted that in addition to serving as president, he was also the entire faculty, with an entering freshman class of four students. Although the staff did expand **somewhat**, for the first century of its existence the entire teaching staff consisted of the president and three or four tutors.

1. The main idea of this passage is that …….…….. .
A) Harvard is one of the world's most prestigious universities
B) what is today a great university started out small
C) John Harvard was key to the development of a great university
D) Harvard University developed under the auspices of the General Court of Massachusetts

2. The passage indicates that Harvard is …….….. .
A) one of the oldest universities in the world
B) the oldest university in the world
C) one of the oldest universities in America
D) the oldest university in America

3. It can be inferred from the passage that the Puritans who traveled to the Massachusetts colony were …….. .
A) rather well educated
B) rather rich
C) rather supportive of the English government
D) rather undemocratic

4. The pronoun <u>they</u> in paragraph 2 refers to …….. .
A) Oxford and Cambridge universities
B) university graduates
C) sons
D) educational opportunities

5. The <u>pounds</u> in paragraph 2 are probably …….. .
A) types of books
B) college students
C) units of money
D) school campuses

6. The <u>English cousin</u> in paragraph 2 refers to a …….. .
A) city
B) relative
C) person
D) court

7. Which of the following is NOT mentioned about John Harvard?
A) What he died of
B) Where he came from
C) Where he was buried
D) How much he bequeathed to Harvard

8. The word <u>fledgling</u> in paragraph 3 could best be replaced by which of the following?
A) Newborn
B) Flying
C) Winged
D) Established

9. The passage implies that …….. .
A) Henry Dunster was an ineffective president
B) someone else really served as president of Harvard before Henry dunster
C) Henry Dunster spent much of his time as president managing the Harvard faculty
D) the position of president of Harvard was not merely an administrative position in the early years

10. The word <u>somewhat</u> in paragraph 4 could best be replaced by …….. .
A) back and forth
B) to and fro
C) side by side
D) more or less

Passage 17

The word laser was **coined** as an acronym for Light Amplification by the Stimulated Emission of Radiation. Ordinary light, from the Sun or a light bulb, is emitted spontaneously, when atoms or molecules get rid of excess energy by themselves, without any outside **intervention**. Stimulated emission is different because it occurs when an atom or molecule holding onto excess energy has been stimulated to emit it as light.

Albert Einstein was the first to suggest the existence of stimulated emission in a paper published in 1917. However, for many years physicists thought that atoms and molecules always were much more likely to emit light spontaneously and that stimulated emission thus always would be much weaker. It was not until after the Second World War that physicists began trying to make stimulated emission dominate. They sought ways by which one atom or molecule could stimulate many others to emit light, amplifying it to much higher powers.

The first to succeed was Charles H. Townes, then at Columbia University in New York. Instead of working with light, however, he worked with microwaves, which have a much longer wavelength, and built a device he called a “maser,” for Microwave Amplification by the Stimulated Emission of Radiation. Although he thought of the key idea in 1951, the first maser was not completed until a couple of years later. Before long, many other physicists were building masers and trying to discover how to produce stimulated emission at even shorter wavelengths.

The key concepts **emerged** about 1957. Townes and Arthur Schawlow, then at Bell Telephone Laboratories, wrote a long paper **outlining** the conditions needed to amplify stimulated emission of visible light waves. At about the same time, similar ideas crystallized

in the mind of Gordon Gould, then a 37-year-old graduate student at Columbia, who wrote them down in a series of notebooks. Townes and Schawlow published their ideas in a scientific journal, physical Review Letters, but Gould filed a patent application. Three decades later, people still argue about who deserves the credit for the concept of the laser.

1. The word coined in paragraph 1 could best be replaced by …….. .
A) created
B) mentioned
C) understood
D) discovered

2. The word intervention in paragraph 1 can best be replaced by …….. .
A) need
B) device
C) influence
D) source

3. Which of the following statements best describes a laser?
A) A device for stimulating atoms and molecules to emit light
B) An atom in a high-energy state
C) A technique for destroying atoms or molecules
D) An instrument for measuring light waves

4. Why was Towne's early work with stimulated emission done with microwaves?
A) He was not concerned with light amplification.
B) It was easier to work with longer wavelengths.
C) His partner Schawlow had already begun work on the laser.
D) The laser had already been developed.

5. In his research at Columbia University, Charles Townes worked with all of the following EXCEPT …….. .
A) stimulated emission
B) microwaves
C) light amplification
D) a maser

6. In approximately what year was the first maser built?
A) 1917
B) 1951
C) 1953
D) 1957

7. The word <u>emerged</u> in paragraph 4 is closest in meaning to …….. .
A) increased
B) concluded
C) succeeded
D) appeared

8. The word <u>outlining</u> in paragraph 4 is closest in meaning to …….. .
A) assigning
B) studying
C) checking
D) summarizing

9. Why do people still argue about who deserves the credit for the concept of the laser?
A) The researchers' notebooks were lost.
B) Several people were developing the idea at the same time.
C) No one claimed credit for the development until recently.
D) The work is still incomplete.

Passage 18

Crows are probably the most frequently met and easily identifiable members of the native fauna of the United States. The great number of tales, legends, and myths about these birds indicates that people have been exceptionally interested in them for a long time. On the other hand, when it comes to substantive — particularly behavioral — information, crows are less well known than many **comparably** common species and, for that matter, not a few quite uncommon ones: the endangered California condor, to cite one obvious example. There are practical reasons for this.

Crows are notoriously poor and aggravating subjects for field research. Keen observers and quick learners, they are astute about the intentions of other creatures, including researchers, and adept at avoiding **them**. Because they are so numerous, active, and monochromatic, it is difficult to distinguish one crow from another. Bands, radio transmitters, or other identifying devices can be attached to them, but this of course requires catching live crows, who are among the wariest and most untrappable of birds.

Technical difficulties aside, crow research is daunting because the ways of these birds are so complex and various. As preeminent generalists, members of this species ingeniously exploit a great range of habitats and resources, and they can quickly adjust to changes in their circumstances. Being so educable, individual birds have markedly different interests and **inclinations**, strategies and scams. For example, one pet crow learned how to let a dog out of its kennel by pulling the pin on the door. When the dog escaped, the bird went into the kennel and ate its food.

1. What is the main topic of the passage?

A) The ways in which crows differ from other common birds

B) The myths and legends about crows

C) The characteristics that make crows difficult to study

D) The existing methods for investigating crow behavior

2. According to the first paragraph, what evidence is there that crows have interested people for a long time?

A) The large number of stories about crows

B) The frequency with which crows are sighted

C) The amount of research that has been conducted on crows

D) The ease with which crows are identified

3. The word <u>comparably</u> in paragraph 1 is closest in meaning to …….. .

A) interestingly

B) similarly

C) otherwise

D) sometimes

4. In paragraph 1, the author mentions the endangered California condor as an example of a species that is …….. .

A) smaller than the crow

B) easily identifiable

C) featured in legends

D) very rare

5. The word <u>them</u> in paragraph 2 refers to …….. .

A) crows

B) subjects

C) intentions

D) researchers

6. According to the second paragraph crows are poor subjects for field research for all of the following reasons EXCEPT:

A) They can successfully avoid observers.

B) They are hard to distinguish from one another.

C) They can be quite aggressive.

D) They are difficult to catch.

7. In the second paragraph, the author implies that using radio transmitters would allow a researcher who studies crows to …….. .
A) identify individual crows
B) follow flocks of crows over long distances
C) record the times when crows are most active
D) help crows that become sick or injured

8. According to the third paragraph, which of the following is true about crows?
A) They seldom live in anyone place for very long.
B) They thrive in a wide variety of environments.
C) They have marked preferences for certain kinds of foods.
D) They use up the resources in one area before moving to another.

9. In paragraph 3, the word <u>inclinations</u> is closest in meaning to …….. .
A) tricks
B) opportunities
C) preferences
D) experiences

10. In the two last lines, the author mentions a pet crow to illustrate which of the following?
A) The clever ways that crows solve problems
B) The differences between pet crows and wild crows
C) The ease with which crows can be tamed
D) The affection that crows show to other creatures

11. Which of the following statements is supported by the passage?
A) Crows have relatively long lives.
B) Crows have keen vision.
C) Crows are usually solitary.
D) Crows are very intelligent.

Passage 19

In the early days of the United States, postal charges were paid by the recipient, and charges **varied** with the distance carried. In 1825, the United States Congress permitted local postmasters to give letters to mail carriers for home deli very, but these carriers received no government salary and their entire compensation depended on what they were paid by the recipients of individual letters.

In 1847 the United States Post Office Department adopted the idea of a postage stamp, which of course simplified the payment for postal service but caused grumbling by those who did not like to prepay. Besides, the stamp covered only delivery to the post office and did not include carrying it to a private address. In Philadelphia, for example, with a population of

150,000, people still had to go to the post office to get their mail. The confusion and congestion of individual citizens looking for their letters was itself enough to discourage use of the mail. It is no wonder that, during the years of these **cumbersome** arrangements, private letter-carrying and express businesses developed. Although their activities were only semi legal, they thrived, and actually advertised that between Boston and Philadelphia **they** were a half-day speedier than the government mail. The government postal service lost volume to private competition and was not able to handle efficiently even the business it had.

Finally, in 1863, Congress provided that the mail carriers who delivered the mail from the post offices to private addresses should receive a government salary, and that there should be no extra charge for that delivery. But this delivery service was at first **confined** to cities, and free home deli very became a mark of urbanism. As late as 1887, a town had to have 10,000 people to be eligible for free home delivery. In 1890, of the 75 million people in the United States, fewer than 20 million had mail delivered free to their doors. The rest, nearly three-quarters of the population, still received no mail unless they went to their post office.

1. What does the passage mainly discuss?

A) The increased use of private mail Services

B) The development of a government postal system

C) A comparison of urban and rural postal services

D) The history of postage stamps

2. The word <u>varied</u> in paragraph 1 could best be replaced by …….. .

A) increased

B) differed

C) returned

D) started

3. Which of the following was seen as a disadvantage of the postage stamp?

A) It had to be purchased by the sender in advance.

B) It increased the cost of mail delivery.

C) It was difficult to affix to letters.

D) It was easy to counterfeit.

4. Why does the author mention the city of Philadelphia in paragraph 2?

A) It was the site of the first post office in the United States.

B) Its postal service was inadequate for its population.

C) It was the largest city in the United States in 1847.

D) It was commemorated by the first United States postage stamp.

5. The word <u>cumbersome</u> in paragraph 2 is closest in meaning to …….. .

A) burdensome

B) handsome

C) loathsome

D) quarrelsome

6. The word <u>they</u> in paragraph 2 refers to …….. .

A) Boston and Philadelphia

B) businesses

C) arrangements

D) letters

7. The private postal services of the nineteenth century claimed that they could do which of the following better than the government?

A) Deliver a higher volume of mail.

B) Deliver mail more cheaply.

C) Deliver mail faster.

D) Deliver mail to rural areas.

8. In 1863 the United States government began providing which of the following to mail carriers?

A) A salary

B) Housing

C) Transportation

D) Free postage stamps

9. The word <u>confined</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …….. .

A) granted

B) scheduled

C) limited

D) recommended

Passage 20

Archaeology has long been an accepted tool for studying prehistoric cultures. Relatively recently the same techniques have been systematically applied to studies of the more immediate past. This has been called “historical archaeology,” a term that is used in the United States to refer to any archaeological investigation into North American sites that postdate the arrival of Europeans.

Back in the 1930's and 1940's, when building restoration was popular, historical archaeology was primarily a tool of architectural reconstruction. The role of archaeologist was to find the foundations of historic buildings and then take a back seat to architects.

The mania for reconstruction had largely subsided by the 1950' sand 1960's. Most people entering historical archaeology during this period came out of university anthropology departments, where they had studied prehistoric cultures. They were, by training, social scientists, not historians, and their work tended to reflect this bias. The questions they **framed** and the techniques they used were designed to help them understand, as scientists, how people behaved. But because they were treading on historical ground for which there was often extensive written documentation, and because their own knowledge of these periods was usually limited, **their contributions** to American history remained circumscribed. Their reports, highly technical and sometimes poorly written, went unread.

More recently, professional archaeologists have taken over. These researchers have sought to demonstrate that their work can be a valuable tool not only of science but also of history, providing fresh insights into the daily lives of ordinary people whose existences might not otherwise be so well documented. This newer emphasis on archaeology as social history has shown great promise, and indeed work done in this area has led to a reinterpretation of the United States past.

In Kingston, New York, for example, evidence has been uncovered that indicates that English goods were being smuggled into that city at a time when the Dutch **supposedly** controlled trading in the area. And in Sacramento an excavation at the site of a fashionable nineteenth-century hotel revealed that garbage had been stashed in the building's basement despite sanitation laws to the contrary.

1. What does the passage mainly discuss?

A) Why historical archaeology was first developed

B) How the methods and purpose of historical archaeology have changed

C) The contributions architects make to historical archaeology

D) The attitude of professional archaeologists toward historical archaeology

2. According to the first paragraph, what is a relatively new focus in archaeology?

A) Investigating the recent past

B) Studying prehistoric cultures

C) Excavating ancient sites in what is now the United States

D) Comparing findings made in North America and in Europe

3. According to the passage, when had historical archaeologists been trained as anthropologists?
A) Prior to the 1930's
B) During the 1930's and 1940's
C) During the 1950' sand 1960's
D) After the 1960's

4. The word <u>framed</u> in paragraph 3 is closest in meaning to …….. .
A) understood
B) read
C) avoided
D) posed

5. In the third paragraph, the author implies that the techniques of history and the techniques of social science are ……..….. .
A) quite different from each other
B) equally useful in studying prehistoric cultures
C) usually taught to students of archaeology
D) both based on similar principles

6. The phrase their contributions in paragraph 3 refers to the contributions of …….. .
A) social scientists
B) prehistoric cultures
C) historians
D) documentation and knowledge

7. The author mentions an excavation at the site of a hotel in Sacramento in order to give an example of …….. .
A) a building reconstruction project
B) the work of the earliest historical archaeologists
C) a finding that conflicts with written records
D) the kind of information that historians routinely examine

8. The word <u>supposedly</u> in paragraph 4 is closest in meaning to …….. .
A) ruthlessly
B) tightly
C) barely
D) seemingly

Answer Key				
Passage 1	**Passage 2**	**Passage 3**	**Passage 4**	**Passage 5**
1- B 2- B 3- C 4- A 5- B 6- A 7- C 8- D 9- D 10- A	1- C 2- D 3- D 4- A 5- B 6- B 7- D 8- D 9- B 10- C	1- C 2- C 3- D 4- A 5- D 6- B 7- C 8- D 9- A 10- C	1- B 2- D 3- B 4- C 5- C 6- C 7- D 8- B 9- A 10- A	1- B 2- A 3- C 4- C 5- B 6- A 7- C 8- D 9- D 10- D 11- A 12- C
Passage 6	**Passage 7**	**Passage 8**	**Passage 9**	**Passage 10**
1- B 2- C 3- C 4- B 5- B 6- B 7- A 8- A	1- A 2- C 3- B 4- A 5- B 6- C 7- D 8- A 9- A 10- B	1- B 2- C 3- A 4- D 5- C 6- B 7- D 8- B 9- C	1- A 2- C 3- B 4- A 5- C 6- C 7- A 8- B 9- B 10- D	1- A 2- C 3- D 4- B 5- A 6- B 7- C 8- B
Passage 11	**Passage 12**	**Passage 13**	**Passage 14**	**Passage 15**
1- A 2- B 3- C 4- A 5- B 6- A 7- D 8- C	1- D 2- B 3- A 4- B 5- B 6- B 7- A 8- C 9- B	1- B 2- A 3- A 4- C 5- C 6- B 7- B 8- A 9- A	1- A 2- B 3- C 4- B 5- C 6- A 7- A 8- D	1- B 2- A 3- D 4- B 5- B 6- C 7- B 8- C 9- D
Passage 16	**Passage 17**	**Passage 18**	**Passage 19**	**Passage 20**
1- B 2- D 3- A 4- B 5- C 6- A 7- C 8- A 9- D 10- D	1- A 2- C 3- A 4- B 5- C 6- C 7- D 8- D 9- B	1- C 2- A 3- B 4- D 5- D 6- C 7- A 8- B 9- C 10- A 11- D	1- B 2- B 3- A 4- B 5- A 6- B 7- C 8- A 9- C	1- B 2- A 3- C 4- D 5- A 6- A 7- C 8- D

پاسخ تشریحی درک مطلب

متن ۱

به طور خلاصه، روش علمی مدرن رویکردی سازمان‌یافته به همراه توضیح حقایق مشاهده‌شده همراه با مدلی از طبیعت است؛ وابسته به این محدودیت که هر مدل مطرح‌شده باید آزمون‌پذیر باشد و با این شرط که اگر مدلی در این تست‌ها رد شود باید اصلاح شود و یا کنار گذاشته شود.

در مطلوب‌ترین حالت ممکن، روش علمی با مجموعه‌ای از حقایق مشاهده شده آغاز می شود. یک حقیقت به صورت مفروض بیانیه‌ای است که به صورت عینی صحیح است. به عنوان مثال، این که خورشید هر روز صبح طلوع می‌کند، سیاره مریخ دیشب در جایی از آسمان ما ظاهر شد، و این که زمین می‌چرخد را به عنوان یک حقیقت در نظر می‌گیریم. حقایق، آن‌طور که در مثال چرخش زمین نشان داده شد، همواره **بدیهی** نیستند. در تاریخ بشر، برای مدتی طولانی زمین، ساکن و در مرکز جهان در نظر گرفته می‌شد. به علاوه، تفسیر ما از حقایق بر اساس عقایدی در مورد دنیاست که ممکن است با دیگران مشترک نباشد. برای مثال، هنگامی که می‌گوییم خور شید هر روز صبح طلوع می‌کند، فرض می‌کنیم که خور شید روز به روز تغییر نمی‌کند- فکری که ممکن است برای مصریان باستان قابل قبول نبوده نباشد چرا که بنا بر اسطوره‌شناسی آن‌ها، خورشید هر روز می‌مرد و با هر طلوع دوباره متولد می‌شد. با این وجود، حقایق مواد خامی هستند که مدل‌های علمی در پی توضیحشان هستند، بنابراین توافق دانشمندان بر این حقایق مهم است. پس در زمینه علم، یک حقیقت باید چیزی باشد که هر شخص بتواند صحتش را حداقل در تئوری برای خود معلوم کند.

زمانی که حقایق جمع‌آوری شد، مدلی می‌تواند برای توضیح آن‌ها ارائه شود. یک مدل مفید باید پیش‌بینی‌هایی را مطرح کند که بتوانند از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر سنجیده شوند. مدل جهان بطلمیوس مفید بود چرا که موقعیت آینده خورشید، ماه، و سیارات را در آسمان پیش‌بینی کرد. اگر چه مدل بطلمیوسی حدوداً به مدت ۱۵۰۰ سال مورد استفاده بود، اما در نهایت مشخص شد که پیش‌بینی‌های آن با مشاهدات حقیقی مطابقت نداشت- علتی کلیدی برای کنار گذاشته شدن مدل جهان زمین‌محور.

به طور خلاصه، فرآیند روش علمی ایده‌آل به صورت زیر است:

- مشاهده: روش علمی با جمع‌آوری مجموعه‌ای از حقایق مشاهده‌شده آغاز می‌شود.
- فرضیه: مدلی برای توضیح حقایق مشاهده‌شده و طرح پیش‌بینی‌های جدید ارائه می‌شود. مدل ارائه‌شده اغلب فرضیه نامیده می‌شود که **اساساً** به معنای یک حدس بررسی‌شده است.
- مشاهدات/آزمایشات بیشتر: پیش‌بینی‌های مدل از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر سنجیده می‌شوند. هنگامی که صحت یک پیش‌بینی معلوم شد، از این که مدل حقیقتاً نشان‌دهنده طبیعت است مطمئن می شویم. هنگامی که یک پیش‌بینی رد می‌شود، تشخیص می‌دهیم که مدل **ناقص** است و بنابراین باید مدل را اصلاح کنیم و یا کنار بگذاریم.
- نظریه: یک مدل باید همواره با مشاهدات و آزمایشات جدید و توسط دانشمندان مختلف به چالش کشیده شود. یک مدل تنها زمانی به مرتبه نظریه علمی می‌رسد که صحت گستره وسیعی از پیش‌بینی‌هایش مکرراً وارسی شده باشد. توجه داشته باشید با وجود این که می‌توانیم کاملاً اطمینان داشته باشیم که یک نظریه علمی حقیقتاً نشان‌دهنده طبیعت است، هیچ‌گاه

نمی‌توانیم ثابت کنیم یک نظریه بی هیچ‌تردیدی درست است. بنابراین، حتی نظریه‌هایی که به خوبی تثبیت شده‌اند نیز باید به طور مداوم از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر به چالش کشیده شوند.

در واقع، اکتشافات علمی به‌ندرت توسط یک فرآیند مکانیکی مانند روش علمی ایده‌آلی که در اینجا توضیح داده شد صورت می‌گیرند. به عنوان مثال، یوهانس کپلر که قوانین حرکت سیارات را در اوایل قرن ۱۷ کشف کرد مدل خود را در مقابل مشاهدات پیشین آزمود، به جای این که صحت پیش‌بینی‌های جدید بر اساس مدلش را معلوم کند. به‌علاوه، مانند بیشتر اکتشافات علمی، کشف کپلر شامل شهود، همکاری با دیگران، لحظات بینش، و شانس بود. با این وجود، می‌توانیم نظریه کپلر را بازنگری کنیم و ببینیم که سرانجام سایر دانشمندان با **بسیاری** از مشاهداتشان صحت موقعیت‌های سیاره‌ای پیش‌بینی شده توسط مدل او را تأیید می‌کنند. با این دیدگاه، روش علمی نشان‌دهنده نسخه‌ای ایده‌آل برای قضاوت عینی یک مدل مطرح‌شده و قرابتش با حقیقت است.

۱. معنای کلمه بدیهی در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) جالب

ب) واضح

ج) ساده

د) درست

گزینه ب صحیح است.

«حقایق، آن‌طور که در مثال چرخش زمین نشان داده شد، همواره **بدیهی** نیستند. در تاریخ بشر، برای مدتی طولانی زمین، ساکن و در مرکز جهان در نظر گرفته می‌شد.»

جمله دوم در توضیح کلمه obvious و نیز مثال ذکر شده در جمله اول آمده است. جمله دوم به طور ضمنی بیان می‌کند که حقیقتی امروز از نظر ما واضح است، اما پیش از این، تصور دیگری از آن می‌شد. بنابراین همواره بدیهی و واضح نبوده است.

۲. چرا نویسنده در پاراگراف دوم مصریان باستان را به عنوان مثال آورده است؟

الف) برای توضیح چرخش زمین و خورشید

ب) برای اثبات حقایقی که ممکن است در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت تفسیر شود.

ج) برای ارائه حقیقتی که خواننده صحت آن را معلوم کند.

د) برای کنار گذاشتن مدلی که به صورت گسترده پذیرفته شده بود.

گزینه ب صحیح است.

در متن، پیش از ارائه مثالِ مصریان باستان، گفته شده است که «تفسیر ما از حقایق بر اساس عقایدی در مورد دنیاست که ممکن است با دیگران مشترک نباشد.».

۳. معنای کلمه اساساً در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) به طور بدیهی

ب) گهگاه

ج) به طور اساسی

د) عجیب

گزینه ج صحیح است.

«مدل ارائه‌شده اغلب فرضیه نامیده می‌شود که **اساساً** به معنای یک حدس بررسی‌شده است.»

... which essentially means نشان می‌دهد که جمله دوم، جمله‌واره توصیفی برای کلمه فرضیه است و برای توضیح بیشتر آن آمده است. بنابراین برای معنای کلمه essentially می‌توان استنباط «درحقیقت، قاعدتاً و اساساً» را داشت.

۴. معنای کلمه ناقص در متن نزدیک‌تر است به ..... .

الف) کامل نیست

ب) مدرن نیست

ج) روتین نیست

د) پذیرفته نیست

گزینه الف صحیح است.

«تشخیص می‌دهیم که مدل **ناقص** است و بنابراین باید مدل را اصلاح کنیم و یا کنار بگذاریم.»

جملات دوم و سوم که در ادامه ناقص بودنِ مدل ذکر شده‌اند، نشان‌دهنده عدم پذیرش مدل هستند.

۵. طبق پاراگراف سوم، چرا مدل بطلمیوسی جایگزین شد؟

الف) مدل برای پیش‌بینی حرکت خورشید مفید نبود.

ب) پیش‌بینی‌ها با مشاهدات موجود از جهان تطابق نداشتند.

ج) مدل بطلمیوسی به مدت ۱۵۰۰ سال مورد استفاده قرار گرفته بود.

د) اکثر دانشمندان بر این باور بودند که زمین مرکز جهان است.

گزینه ب صحیح است.

در انتهای پاراگراف سوم، بیان شده است که «اما در نهایت مشخص شد که پیش‌بینی‌های آن با مشاهدات حقیقی مطابقت نداشت- علتی کلیدی برای کنار گذاشته شدن مدل جهان زمین‌محور.».

۶. طبق پاراگراف چهارم، نظریه‌هایی که عموماً پذیرفته می‌شوند ..... .

الف) صحتشان باید همچنان وارسی شود

ب) چندین مدل دارند

ج) می‌توانند غیرعلمی باشند

د) بسیار ساده هستند

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف چهارم گفته شـــده که «یک مدل تنها زمانی به مرتبه نظریه علمی می‌رســـد که صـــحت گســـتره وســـیعی از پیش‌بینی‌هایش مکرراً وارسی شده باشد.».

۷. طبق پاراگراف پنجم، کپلر برای مشخص کردن صحت نظریه حرکت سیارات خود چه کرد؟

الف) بر اساس مدل پیش‌بینی‌هایی کرد.

ب) از سایر دانشمندان خواست پیش‌بینی کنند.

ج) از مشاهدات اولیه برای آزمودن مدل استفاده کرد.

د) برای معلوم کردن صحت نظریه‌اش به بینش اتکا کرد.

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف پنجم ذکر شده است که «یوهانس کپلر که قوانین حرکت سیارات را در اوایل قرن ۱۷ کشف کرد، مدل خود را در مقابل مشاهدات پیشین آزمود.».

۸. معنای کلمه بسیاری در متن نزدیک‌تر است به ..... .

الف) گسترده

ب) قابل اعتماد

ج) با جزئیات

د) متعدد

گزینه د صحیح است.

در پاراگراف قبل در توضیح نظریه گفته شده است که «نظریه: یک مدل باید همواره با مشاهدات و آزمایشات جدید و توسط دانشمندان مختلف به چالش کشیده شود. یک مدل تنها زمانی به مرتبه نظریه علمی می‌رسد که صحت گستره و سیعی از پیش‌بینی‌هایش مکرراً وارسی شده باشد.».

سپس در این پاراگراف بیان شده که «در واقع، اکتشافات علمی به‌ندرت توسط یک فرآیند مکانیکی مانند روش علمی ایده‌آلی که در اینجا توضـیح داده شـد صـورت می‌گیرند. ... با این وجود، می‌توانیم نظریه کپلر را بازنگری کنیم و ببینیم که سـرانجام سایر دانشمندان با **بسیاری** از مشاهداتشان صحت موقعیت‌های سیاره‌ای پیش‌بینی شده توسط مدل او را تأیید می‌کنند.». بنابراین گر چه روند اکتشـافات دقیقاً به همان صـورت نیسـت، اما بازنگری آن به همان روش، یعنی بررسـی مکرر توسـط دانشمندان، است.

۹. تمام جملات زیر بخشی از تعریف اصطلاح حقیقت هستند به غیر از ..... .

الف) حقیقت به صورت عینی درست است

ب) صحت حقیقت را می‌توان معلوم کرد

ج) حقیقت ممکن است تفسیر شود

د) حقیقت باید قابل فهم باشد

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: در پاراگراف دوم گفته شده است که «یک حقیقت به صورت مفروض بیانیه‌ای است که به صورت عینی صحیح است.». پس این گزینه صحیح است.

رد گزینه ب: همچنین در پاراگراف دوم بیان شده است که «یک حقیقت باید چیزی باشد که هر شخص بتواند صحتش را حداقل در تئوری برای خود معلوم کند.». این گزینه نیز صحیح است.

رد گزینه ج: در همان پاراگراف آمده است که «به علاوه، تفسیر ما از حقایق بر اساس عقایدی در مورد دنیاست که ممکن است با دیگران مشترک نباشد.». بنابراین حقیقت ممکن است تفسیر شود. پس این گزینه نیز صحیح است.

۱۰. از اطلاعات موجود در متن می‌توان نتیجه گرفت که یک مدل ..... .

الف) همیشه مشاهدات را منعکس نمی‌کند

ب) مانند نظریه‌ها در معرض تغییر نیست

ج) بدون تردید درست در نظر گرفته می‌شود

د) به آزمایشات بیشتر نیازی ندارد

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف چهارم آمده است که «پیش‌بینی‌های مدل از طریق مشاهدات و آزمایشات بیشتر سنجیده می‌شوند. هنگامی که صحت یک پیش‌بینی معلوم شد، از این که مدل حقیقتاً نشان‌دهنده طبیعت است مطمئن می‌شویم. هنگامی که یک پیش‌بینی رد می‌شود، تشخیص می‌دهیم که مدل **ناقص** است و بنابراین باید مدل را اصلاح کنیم و یا کنار بگذاریم.»

بنابراین گزینه‌های ب، ج و د صحیح نیستند.

متن ۲

هر گونه پیشرفتی در زمینه تکنیک میکروسکوپی دیدگاهی جدید در مورد عملکرد موجودات زنده و طبیعت خود ماده در اختیار دانشمندان گذاشته است. اختراع میکروسکوپ نور مرئی در اواخر قرن شانزدهم حوزه ناشناخته گیاهان و جانوران تک سلولی را معرفی کرد. در قرن بیستم، میکرو سکوپ‌های الکترونی امکان مشاهده مستقیم ویروس‌ها و ساختارهای سطح **خرد** را فراهم کردند. اکنون نوع دیگری از میکروسکوپ، که از اشعه ایکس به جای نور یا الکترون استفاده می‌کند، روشی متفاوت برای بررسی جزئیات ریز ارائه می‌دهد؛ **این** باید همچنان درک انسان را از جهان طبیعت گسترده‌تر کند.

رویای ساخت میکرو سکوپ اشعه ایکس به سال ۱۸۹۵ برمی‌گردد، هر چند در دهه ۱۹۴۰، این رویا به دلیل پیشرفت سریع میکروسکوپ الکترونی تقریباً متوقف شده بود. طی دهه ۱۹۴۰ میکروسکوپ‌های الکترونی به طور معمول به وضوح بهتری نسبت به میکروسکوپ نور مرئی می‌رسیدند، در حالی که عملکرد میکروسکوپ‌های اشعه ایکس مانع پیشرفت بود. هر چند در سال‌های اخیر، علاقه به میکروسکوپ‌های اشعه ایکس، عمدتاً به دلیل پیشرفت‌هایی مانند توسعه منابع جدید نور اشعه ایکس، احیا شده است. در نتیجه، امروزه روشنایی موجود میلیون‌ها بار از لوله‌های اشعه ایکس، که برای مدتی طولانی از قرن تنها منابع موجود اشعه ایکس نرم بودند، بیشتر است.

میکروسکوپ‌های جدید اشعه ایکس به طور قابل توجهی از جهت وضوح در مقایسه با میکروسکوپ‌های نوری بهبود یافته‌اند. از آن‌ها می‌توان برای ترسیم توزیع عناصر شیمیایی مشخص نیز استفاده کرد. بعضی از آن‌ها می‌توانند تصاویر را در فواصل زمانی بسیار کوتاه تشکیل دهند؛ برخی وعده قابلیت‌های خاصی مانند تصویربرداری سه بعدی را داده‌اند. بر خلاف میکروسکوپ الکترونی معمولی، میکروسکوپ اشعه ایکس **امکان** نگهداری نمونه‌های آزمایش در آب و در هوا را **فراهم می‌کند**، یعنی نمونه‌های زیستی می‌توانند تحت شرایطی مشابه به وضعیت طبیعی شان بررسی شوند. نور استفاده شده، همان به اصطلاح اشعه ایکس نرم در محدوده طول موج بیست تا چهل آنگستروم (آنگستروم یک ده میلیاردم متر است) است که در بسیاری از موارد برای تصویربرداری از سلول‌های زیستی دست‌نخورده به اندازه کافی نافذ است. به دلیل طول موج اشعه‌های ایکس مورد استفاده، میکروسکوپ‌های اشعه ایکس نرم هیچ‌گاه با بالاترین وضوح ممکن در میکروسکوپ‌های الکترونی مطابقت ندارند. **بلکه** ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سازد که مکمل **آن‌هایی** است که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.

۱. متن عمدتاً در مورد کدام یک از موارد زیر بحث می‌کند؟

الف) جزئیاتی که از طریق میکروسکوپ مشاهده می‌شود.

ب) منابع نوری برای میکروسکوپ

ج) نوع جدیدی از میکروسکوپ

د) تکنیک‌های منسوخ میکروسکوپی

گزینه ج صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- هر گونه پیشرفتی در زمینه تکنیک میکروسکوپی دیدگاهی جدید در مورد عملکرد موجودات زنده و طبیعت خود ماده را در اختیار دانشمندان گذاشته است.
- رویای ساخت میکروسکوپ اشعه ایکس به سال ۱۸۹۵ برمی‌گردد، هر چند در دهه ۱۹۴۰، این رویا به دلیل پیشرفت سریع میکروسکوپ الکترونی تقریباً متوقف شده بود.
- میکروسکوپ‌های جدید اشعه ایکس به طور قابل توجهی از جهت وضوح در مقایسه با میکروسکوپ‌های نوری بهبود یافته‌اند.
- به دلیل طول موج اشعه‌های ایکس مورد استفاده، میکروسکوپ‌های اشعه ایکس نرم (سافت) هیچ‌گاه با بالاترین وضوح ممکن در میکروسکوپ‌های الکترونی مطابقت ندارند. بلکه ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سازد که مکمل آن‌هایی است که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.

بنابراین متن عمدتاً به توضیحاتی راجع به میکروسکوپ‌های جدید اشعه ایکس پرداخته است.

۲. بر اساس متن، اختراع میکروسکوپ نور مرئی به دانشمندان اجازه داد که ..... .

الف) ویروس‌ها را مستقیماً مشاهده کنند

ب) بعدها میکروسکوپ الکترونی را توسعه دهند

ج) در مورد توزیع عناصر شیمیایی بیشتر بدانند

د) گیاهان و جانوران تک‌سلولی که تا آن زمان ندیده بودند را کشف کنند

گزینه د صحیح است.

در پاراگراف اول عنوان شده است که «اختراع میکروسکوپ نور مرئی در اواخر قرن شانزدهم حوزه ناشناخته گیاهان و جانوران تک‌سلولی را معرفی کرد.».

۳. معنای کلمه خرد در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) مدور

ب) خطرناک

ج) پیچیده

د) ریز

گزینه د صحیح است.

«در قرن بیستم، میکروسکوپ‌های الکترونی امکان مشاهده مستقیم ویروس‌ها و ساختارهای سطح **خرد** را فراهم کردند.»

همراه شدن واژه «ساختارهای سطح خرد» با «ویروس‌ها» به معنای نوعی تشابه با آنهاست و از آن‌جا که موضوع راجع به مشاهده توسط میکروسکوپ و امکانی است که میکروسکوپ‌های الکترونی جهت مشاهده فراهم کرده‌اند، این تشابه می‌تواند به لحاظ ابعاد باشد.

۴. کلمه این در پاراگراف اول اشاره دارد به ..... .

الف) یک نوع میکروسکوپ

ب) درک انسان

ج) جهان طبیعت

د) نور

گزینه الف صحیح است.

«اکنون نوع دیگری از میکروسکوپ، که از اشعه ایکس به جای نور یا الکترون استفاده می‌کند، روشی متفاوت برای بررسی جزئیات ریز ارائه می‌دهد؛ **این** باید همچنان درک انسان را از جهان طبیعت گسترده‌تر کند.» بنابراین این به نوع دیگری از میکروسکوپ در جمله قبلی بازمی‌گردد.

۵. چرا نویسنده در پاراگراف اول به میکروسکوپ نور مرئی اشاره می‌کند؟

الف) برای آغاز بحث درمورد اکتشافات قرن شانزدهم

ب) برای قرار دادن میکروسکوپ اشعه ایکس در چشم‌اندازی تاریخی

ج) برای نشان دادن کاربردهای محدود آن

د) برای توضیح عملکرد آن

گزینه ب صحیح است.

در ابتدا از میکرو سکوپ نور مرئی و امکانات آن، سپس از میکرو سکوپ‌های الکترونی و امکانات آن صحبت شده و سپس به میکروسکوپ اشعه ایکس و امکانات آن اشاره شده است. بنابراین به روندی تاریخی اشاره شده تا به میکروسکوپ اشعه ایکس رسیده است.

۶. چرا زمان زیادی طول کشید تا میکروسکوپ اشعه ایکس توسعه یابد؟

الف) بودجه پژوهش کافی نبود.

ب) تا همین اواخر، منبع نور به اندازه کافی روشن نبود.

ج) به دست آوردن مواد مورد استفاده برای تولید لوله‌های اشعه ایکس دشوار بود.

د) کاربری میکروسکوپ‌های اشعه ایکس بیش از حد پیچیده بود.

گزینه ب صحیح است.

«در حالی که عملکرد میکرو سکوپ‌های اشعه ایکس مانع پیشرفت بود. هر چند در سال‌های اخیر، علاقه به میکرو سکوپ‌های اشعه ایکس، عمدتاً به دلیل پیشرفت‌هایی مانند توسعه منابع جدید نور اشعه ایکس، احیا شده است.»

اگر چه در جمله اول اشاره به عدم پیشرفت ناشی از عملکرد شده است، اما در جمله بعد توضیح داده شده که بعدها پیشرفت به علت بهبود منابع نور حاصل شده است. بنابراین منظور از دشواری عملکرد، مشکل منابع نور بوده است.

۷. معنای عبارت امکان ... فراهم می‌کند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) تشکیل می‌دهد

ب) مشخص می‌کند

ج) گسترش می‌دهد

د) اجازه می‌دهد

گزینه د صحیح است.

«میکروسکوپ اشعه ایکس **امکان** نگهداری نمونه‌های آزمایش در آب و در هوا را **فراهم می‌کند**، یعنی نمونه‌های زیستی می‌توانند تحت شرایطی مشابه به وضعیت طبیعی‌شان بررسی شوند»

جمله دوم با عبارت which means آغاز شده که به معنای توضیحات بیشتر در رابطه با مفهوم جمله اول است و مفهوم جمله نشان از یک نوع امکان توسط میکروسکوپ اشعه ایکس دارد.

۸. معنای کلمه بلکه در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) به طور قابل توجهی

ب) ترجیحاً

ج) تا حدی

د) به جای

گزینه د صحیح است.

«به دلیل طول موج اشـعه‌های ایکس مورد اسـتفاده، میکروسـکوپ‌های اشـعه ایکس نرم هیچ‌گاه با بالاترین وضـوح ممکن در میکرو سکوپ‌های الکترونی مطابقت ندارند. **بلکه** ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می سازد که مکمل آن‌هایی ا ست که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.»

در جمله اول ا شکالی در مورد میکرو سکوپ‌های ا شعه ایکس در مقایسه با میکرو سکوپ‌های الکترونی مطرح شده و در جمله دوم از مزیت آن سخن گفته شده است. بنابراین می‌توان از واژه rather استنباطِ «در عوض، به جای» داشت.

۹. کلمه آن‌هایی در پاراگراف سوم اشاره دارد به ..... .

الف) ویژگی‌ها

ب) تحقیقات

ج) میکروسکوپ‌ها

د) اشعه ایکس

گزینه ب صحیح است.

«بلکه ویژگی‌های خاص آن‌ها تحقیقاتی را ممکن می‌سـازد که مکمل **آن‌هایی** اسـت که با ابزار نوری و یا الکترونی انجام می‌شوند.»

اولین اسم پیش از those، investigations است که با توجه به مفهوم متن و تعداد با هم همخوانی دارند.

۱۰. بر اسـاس اطلاعات موجود در متن، چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد میکروسـکوپ‌های اشـعه ایکس در آینده گرفت؟

الف) احتمالاً به طور کامل جای میکروسکوپ‌های الکترونی را خواهند گرفت.

ب) سرانجام ارزان‌تر از حالا تولید خواهند شد.

ج) اطلاعاتی که توسط سایر میکروسکوپ‌ها در دسترس نیست را فراهم خواهند کرد.

د) سرانجام محدوده نوری که هم‌اکنون استفاده می‌کنند را تغییر خواهند داد.

گزینه ج صحیح است.

جمله آخر متن اشاره دارد که مکمل سایر میکروسکوپ‌هاست و بنابراین اطلاعاتی را فراهم می‌کند که توسط آن‌ها در دسترس نیست.

متن ۳

اوایل قرن ۱۹ در ایالات متحده آمریکا، هر یک از دولت‌های ایالتی در مقایسه با دولت فدرال **تأثیر** بیشتری بر اقتصاد داشتند. ایالات پروانه تولید، بانکداری، استخراج معدن، و شرکت‌های حمل‌ونقل را صادر می‌کردند و در ساخت‌وساز توسعه‌های داخلی گوناگون مانند کانال‌ها، شاهراه‌ها، و راه‌آهن شرکت می‌کردند. ایالات توسعه داخلی را به دو شیوه **مجزا** تشویق می‌کردند: اول، در واقع با ایجاد شـرکت‌های دولتی برای سـاخت چنین توسـعه‌هایی؛ دوم، با فراهم کردن سـرمایه برای شـرکت‌های دولتی-خصوصی ترکیبی که شروع به سودآوری کنند.

در اوایل قرن نوزدهم، دولت‌های ایالتی نیز به طرز شگفت‌آوری به بسیاری از فعالیت‌های نظارتی مستقیم از جمله صدور گسترده مجوز و برنامه‌های بازرسی مشغول شدند. اهداف صدور مجوز شباهت‌ها و تفاوت‌های بین اقتصاد قرن نوزدهم و امروزه را منعکس می‌کند: در قرن نوزدهم، مقررات دولت از طریق صدور مجوز به طور خاص متوجه دست‌فروشان، صاحبان کاروانسرا، و انواع مختلف تجار خرده‌فروش بود. کالاهای فاسدشدنی تجاری به طور کلی تحت بازرسی دولت بود، و کالاهای اساسی مرزی مهم مانند الوار و باروت نیز تحت کنترل دولت بود. در نهایت، دولت‌های ایالتی مقررات کسب‌وکار مستقیم که برای کمک به کارگر و مصرف‌کننده، شامل **تنظیم** حداکثر محدودیت در ساعات کار و محدودیت در تثبیت قیمت‌های تجاری، طراحی شده بود را می‌آزمودند.

اگر چه ایالات بر فعالیت اقتصادی این دوره حکم‌فرما بودند، دولت فدرال هم غیرفعال نبود. اهداف آن تسهیل ثبات غرب و توسعه صنایع داخلی بود. برای رسیدن به این **اهداف** دولت فدرال فعالیت‌های مختلفی را دنبال کرد. دولت فدرال به منظور ایجاد ثبات در فعالیت‌های بانکی و تا ق سمتی، برای فراهم آوردن عر ضه پول ن سبتاً آ سان در مرز، جایی که پول برای ثبات به شدت مورد نیاز بود، یک بانک ملی تأسیس کرد. با شرایطی که روزبه‌روز تسهیل می‌شد، اجازه دسترسی به زمین‌های عمومی غربی را صادر کرد که با قانون مزرعه رعیتی سال ۱۸۶۲، که تو سط آن حق مالکیت زمین تنها بر ا ساس سکونت قابل مطالبه بود، به اوج خود رسید. در نهایت، یک سیستم تعرفه‌ای که اساساً تأثیری حمایتی داشت را راه‌اندازی کرد، اگرچه مانور به منظور کسب موقعیت توسط منافع مختلف منطقه‌ای تغییرات مکرری در نرخ تعرفه‌ها در سراسر قرن نوزدهم ایجاد کرد.

۱. متن عمدتاً در مورد کدام یک از موارد زیر بحث می‌کند؟

الف) حقوق ایالات در برابر حقوق فدرال

ب) شرکت دولت‌های ایالتی در ساخت راه‌آهن، کانال، و شاهراه

ج) نقش دولت‌های ایالتی و فدرال در اقتصاد قرن نوزدهم

د) فعالیت نظارتی دولت‌های ایالتی

گزینه ج صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- اوایل قرن ۱۹ در ایالات متحده آمریکا، هر یک از دولت‌های ایالتی در مقایسه با دولت فدرال تأثیر بیشتری بر اقتصاد داشتند.
- در اوایل قرن نوزدهم، دولت‌های ایالتی نیز به طرز شگفت‌آوری به بسیاری از فعالیت‌های نظارتی مستقیم از جمله صدور گسترده مجوز و برنامه‌های بازرسی مشغول شدند.
- اگر چه ایالات بر فعالیت اقتصادی این دوره حکمفرما بودند، دولت فدرال هم غیرفعال نبود.
- در نهایت، یک سیستم تعرفه‌ای که ا سا ساً تأثیری حمایتی دا شت را راه‌اندازی کرد، اگرچه مانور به منظور ک سب موقعیت توسط منافع مختلف منطقه‌ای تغییرات مکرری در نرخ تعرفه‌ها در سراسر قرن نوزدهم ایجاد کرد.

موارد مشخص شده، حاکی از «نقش دولت‌های ایالتی و فدرال در اقتصاد قرن نوزدهم» است.

۲. معنای کلمه تأثیر در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) ارزش

ب) بحث

ج) نفوذ

د) جلوگیری

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف اول به توضیح کارهایی که توسط ایالات انجام می‌شده اشاره شده و توضیحاتی ارائه شده است. بنابراین به میزان اثرگذاری و نفوذ آن‌ها اشاره دارد.

۳. تمام موارد زیر به عنوان حوزه‌هایی که به دولت‌های ایالتی در قرن نوزدهم مرتبط بودند در متن ذکر شده‌اند به غیر از ..... .

الف) استخراج معدن

ب) بانکداری

ج) تولید

د) آموزش عالی

گزینه د صحیح است.

گزینه الف، ب و ج در پاراگراف اول ذکر شده‌اند.

۴. معنای کلمه مجزا در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) جداگانه

ب) نوآورانه

ج) هشداردهنده

د) تحریک‌آمیز

گزینه الف صحیح است.

در ادامه این جمله، دو شیوه جهت تشویق معرفی شده است، بنابراین distinct می‌تواند حاکی از «متفاوت بودن، مجزا بودن، جدا بودن» باشد.

۵. از پاراگراف اول می‌توان نتیجه گرفت که در قرن نوزدهم کانال‌ها و راه‌آهن‌ها ..... .

الف) با پولی که از جانب دولت فدرال تأمین می‌شد ساخته می‌شدند.

ب) با هزینه بیشتری نسبت به قبل ساخته می‌شدند.

ج) عمدتاً در بخش غربی کشور ساخته می‌شدند.

د) گاهی اوقات تا حدودی توسط شرکت‌های ایالتی ساخته می‌شدند.

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: در بخش آخر پاراگراف اول گفته شده که «فراهم کردن سرمایه برای شرکت‌های دولتی-خصوصی ترکیبی که شروع به سودآوری کنند.». بنابراین ایالات خود سرمایه را فراهم می‌کرده‌اند.

رد گزینه ب: در این باره چیزی در متن گفته نشده است.

رد گزینه ج: در این باره چیزی در متن گفته نشده است.

تأیید گزینه د: در پاراگراف اول گفته شده «ایالات پروانه تولید، بانکداری، استخراج معدن، و شرکت‌های حمل‌ونقل را صادر می‌کردند و در ساخت‌وساز توسعه‌های داخلی گوناگون مانند کانال‌ها، شاهراه‌ها، و راه‌آهن شرکت می‌کردند.».

۶. فعالیت‌های نظارتی دولت‌های ایالتی شامل تمام موارد زیر بود به غیر از ..... .

الف) صدور مجوز برای تجار خرده‌فروش

ب) نظارت بر مواد استفاده‌شده در نگهداری شاهراه‌ها

ج) اعمال محدودیت بر تثبیت قیمت

د) کنترل الوار

گزینه ب صحیح است.

همه موارد بجز گزینه ب در پاراگراف دوم ذکر شده است.

۷. معنای کلمه تنظیم در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) بحث

ب) بررسی

ج) برقراری

د) اجتناب

گزینه ج صحیح است.

«در نهایت، دولت‌های ایالتی مقررات کسب‌وکار مستقیم که برای کمک به کارگر و مصرف‌کننده، شامل **تنظیم** حداکثر محدودیت در ساعات کار و محدودیت در تثبیت قیمت‌های تجاری، طراحی شده بود را می‌آزمودند.»

حداکثر ساعات کاری توسط مقررات کسب‌وکار تنظیم می‌شود که گزینه ج به لحاظ معنا تناسب بیشتری دارد.

۸. معنای کلمه اهداف در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) مزایا

ب) تصمیمات

ج) خدمات

د) مقاصد

گزینه د صحیح است.

«اهداف آن تسهیل ثبات غرب و توسعه صنایع داخلی بود. برای رسیدن به این **اهداف** دولت فدرال فعالیت‌های مختلفی را دنبال کرد.» ends به goals در جمله قبل مربوط است و معادل آن است.

۹. بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر در مورد قانون مزرعه رعیتی سال ۱۸۶۲ درست است؟

الف) به طور فزاینده‌ای امکان تملک زمین در غرب را برای مهاجرین تازه ایجاد کرد.

ب) قانونی بود که ابتدا توسط دولت‌های ایالتی تصویب شد.

ج) عرضه پول را در غرب افزایش داد.

د) تعرفه‌هایی را در شماری از مناطق راه‌اندازی کرد.

گزینه الف صحیح است.

«... قانون مزرعه رعیتی سال ۱۸۶۲، که توسط آن حق مالکیت زمین تنها بر اساس سکونت قابل مطالبه بود، به اوج خود رسید.»

با توجه به جمله مذکور مهاجرین تازه‌وارد با سکونت، امکان تملک زمین را خواهند داشت.

۱۰. کدام یک از فعالیت‌های زیر مسئولیت دولت فدرال در قرن نوزدهم بود؟

الف) کنترل تولید باروت

ب) تعیین شرایط کاری افراد

ج) مقررات عرضه پول

د) بازرسی خانه‌های جدید ساخته‌شده در زمین‌های غربی

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف آخر به این موضوع اشاره شده است: «دولت فدرال به منظور ایجاد ثبات در فعالیت‌های بانکی و تا قسمتی، برای فراهم آوردن عرضه پول نسبتاً آسان در مرز، جایی که پول برای ثبات به شدت مورد نیاز بود، یک بانک ملی تأسیس کرد.»

متن ۴

آغاز حیات از دریاهای اولیه کمتر از یک میلیارد سال پس از تشکیل شدن زمین بود. با این حال گذشت سه میلیارد سال دیگر تا پدیدار شدن اولین گیاهان و جانوران در قاره‌ها لازم بود. انتقال حیات از دریا به خشکی شاید به اندازه پیدایش حیات چالشی تکاملی بود.

کدام اشکال حیات قادر به ایجاد چنین تغییر **شدیدی** در سبک زندگی بودند؟ دیدگاه سنتی نسبت به اولین موجودات زمینی بر اساس مگافسیل‌ها ست- نمونه‌های نسبتاً بزرگی که اساساً از تمام گیاهان و حیوانات هستند. گیاهان آوندی که مرتبط با دانه‌های گیاهی جدید و سرخس هستند اولین رکورد جامع مگافسیل را به جا گذاشتند. به این دلیل، به طور معمول فرض شده است که دنباله‌ای از فرآیند زمینی شدن تکامل اکوسیستم‌های زمینی جدید را منعکس می‌کرد. در این دیدگاه، گیاهان آوندی اولیه ابتدا در حاشیه آب‌های قاره‌ای ساکن شدند و توسط جانوران گیاهخوار دنبال شدند و در نهایت، توسط جانورانی که گیاه‌خواران را شکار می‌کردند. به علاوه، مگافسیل‌ها نشان می‌دهند حیات زمینی نزدیک مرز بین دوره‌های سیلورین و دونین، کمی بیشتر از ۴۰۰ میلیون سال پیش، پدیدار گشت و متحول شد.

اگر چه اخیراً دیرینه‌شناسان به بررسی دقیق‌تر رسوبات زیر این مرز زمین‌شناسی متعلق به دوره‌های سیلورین-دونین پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد برخی از فسیل‌ها را می‌توان با قرار دادن صخره‌ها در حمام اسید از این رسوبات **استخراج کرد.**

این تکنیک شواهد جدیدی از رسوبات ته‌نشین شده در نزدیکی سواحل اقیانوس‌های قدیمی را آشکار کرده است- فسیل‌های میکروسکوپی و نمونه‌های میکروسکوپی از جانوران کوچک. در بسیاری **موارد** قطر نمونه‌های آزمایش به کمتر از یک دهم میلی‌متر می‌رسد. اگر چه آن‌ها در صخره‌ها به مدت صدها میلیون سال **دفن شدند**، تعداد زیادی از فسیل‌ها شامل بقایای آلی موجودات زنده هستند.

این فسیل‌ها که به به تازگی کشف شده‌اند نه تنها پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند، بلکه تاریخ‌های مربوط به تصرف زمین توسط موجودات زنده چند سلولی را به عقب رانده‌اند. ما هم‌اکنون در حال تجدیدنظر در دیدگاه‌هایمان در مورد طبیعت جوامع گیاهی و جانوری اولیه هستیم. و با وجود این تجدیدنظرها گمانه‌زنی‌های جدیدی در مورد اشکال اولیه حیات زمینی ایجاد خواهد شد.

۱. معنای کلمه شدید در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) گسترده

ب) اساسی

ج) تصاعدی

د) پرمخاطره

گزینه ب صحیح است.

drastic change در ابتدای پاراگراف اول به «انتقال حیات از دریا به خشکی شاید به اندازه پیدایش حیات چالشی تکاملی بود.» مربوط است، بنابراین حاکی از یک تغییر عظیم است.

۲. بر اساس نظریه‌ای که نویسنده آن را «دیدگاه سنتی» می‌نامد، اولین شکل حیات که روی خشکی پدیدار شد کدام بود؟

الف) باکتری

ب) جانوران گوشتخوار

ج) جانوران گیاهخوار

د) گیاهان آوندی

گزینه د صحیح است.

بر اساس متن «دیدگاه سنتی نسبت به اولین موجودات زمینی بر اساس مگافسیل‌هاست -نمونه‌های نسبتاً بزرگی که اساساً از تمام گیاهان و حیوانات هستند. گیاهان آوندی که مرتبط با دانه‌های گیاهی جدید و سرخس هستند اولین رکورد جامع مگافسیل را به جا گذاشتند.»، گزینه د صحیح است.

۳. بر اساس متن، چه اتفاقی حدود ۴۰۰ میلیون سال پیش رخ داد؟

الف) بسیاری از اشکال حیات زمینی از بین رفتند.

ب) اشکال حیات جدیدی روی خشکی به سرعت پیشرفت کردند.

ج) مگافسیل‌ها توسط سیل‌ها نابود شدند.

د) حیات در دریاهای قدیمی شروع به رشد کرد.

گزینه ب صحیح است.

در متن آورده شده است که «به علاوه، مگافسیل‌ها نشان می‌دهند حیات زمینی نزدیک مرز بین دوره‌های سیلورین و دونین، کمی بیشتر از ۴۰۰ میلیون سال پیش، پدیدار گشت و متحول شد.».

۴. معنای عبارت استخراج کرد در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) قرار داد

ب) باقی نگه داشت

ج) بیرون آورد

د) بررسی کرد

گزینه ج صحیح است.

«به نظر می‌رسد برخی از فسیل‌ها را می‌توان با قرار دادن صخره‌ها در حمام اسید از این رسوبات **استخراج کرد.**»

extract طبق مفهوم جمله، بیرون کشیدن فسیل از میان صخره‌هاست.

۵. چه نتیجه‌ای می‌توان از متن در مورد فسیل‌های اشاره شده در پاراگراف سوم گرفت؟

الف) در فهم تکامل حیات زمینی مفید نبودند.

ب) تقریباً به تعداد فسیل‌های گیاهان آوندی یافت شدند.

ج) از مگافسیل‌ها قدیمی‌تر بودند.

د) شامل اشکال جدیدی از حیات بودند.

گزینه ج صحیح است.

رد گزینه الف و د: در متن گفته شده «... پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند.» بنابراین در فهم تکامل زمین مؤثر بوده‌اند.

رد گزینه ب: به این مورد در متن اشاره نشده است.

تأیید گزینه ج: مگافسیل‌ها طبق پاراگراف دوم، سابقه کمی بیشتر از ۴۰۰ میلیون سال پیش را نشان می‌دهند و طبق پاراگراف سوم، فسیل‌های مذکور در صخره‌ها به مدت صدها میلیون سال دفن شده‌اند.

۶. معنای کلمه موارد در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) روش‌ها

ب) فرآیندها

ج) موارد

د) دلایل

گزینه ج صحیح است.

«این تکنیک شواهد جدیدی از رسوبات ته‌نشین شده در نزدیکی سواحل اقیانوس‌های قدیمی را آشکار کرده است -فسیل‌های میکروسکوپی و نمونه‌های میکروسکوپی از جانوران کوچک. در بسیاری **موارد** قطر نمونه‌های آزمایش به کمتر از یک دهم میلی‌متر می‌رسد.»

در جمله قبل در مورد مواردی از فسیل‌ها و نمونه‌های میروسکوپی بحث شده است.

۷. کلمه آن‌ها در پاراگراف سوم اشاره دارد به ..... .

الف) صخره‌ها

ب) سواحل

ج) اقیانوس‌ها

د) نمونه‌های آزمایش

گزینه د صحیح است.

قبل از they، نزدیک‌ترین اسم speciments است که به لحاظ تعداد و جنسیت و مفهوم با آن همخوانی دارد.

۸. معنای عبارت دفن شدند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) له شدند

ب) به دام افتادند

ج) تولید شدند

د) حفر شدند

گزینه ب صحیح است.

«اگر چه آن‌ها در صخره‌ها به مدت صدها میلیون سال **دفن شدند**، تعداد زیادی از فسیل‌ها شامل بقایای آلی موجودات زنده هستند.»

وجود although نشان‌دهنده نوعی تناقض در دو جمله است. در جمله دوم گفته شده که هنوز بقایای آلی موجودات زنده باقی است، بنابراین جمله اول باید حاکی از امری باشد که به نوعی متناقض با آن است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که جمله به معنای «گیر افتادن و دفن شدن» در صخره‌ها به مدتی صدها سال است.

۹. کدام یک از موارد زیر نتیجه کشف فسیل‌های میکروسکوپی بود؟

الف) در برآورد زمان پیدایش نخستین اشکال حیات زمینی تجدیدنظر شد.

ب) کاربردهای جدیدی برای تکنیک‌های قدیمی بررسی فسیل‌ها یافت شد.

ج) منشاء حیات نخستین در دریا توضیح داده شد.

د) فرضیات در مورد موقعیت‌های دریاهای قدیمی تغییر یافت.

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده «... پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند.».

۱۰. نویسنده احتمالاً با کدام یک از موارد زیر موافقت می‌کند؟

الف) تکامل حیات زمینی به اندازه منشاء حیات پیچیده بوده است.

ب) کشف فسیل‌های میکروسکوپی دیدگاه سنتی در مورد چگونگی تکامل حیات زمینی را پشتیبانی می‌کند.

ج) گونه‌های زیستی جدید در طی ۴۰۰ میلیون سال پیش به یک میزان پدیدار می‌شدند.

د) فناوری استفاده‌شده توسط دیرینه‌شناسان برای تعیین دقیق سن فسیل‌ها بسیار ابتدایی است.

گزینه الف صحیح است.

رد گزینه ب: در متن گفته شده «... پرده از وجود موجوداتی که سابقاً ناشناخته بودند برداشتند.»

رد گزینه ج: «حیات زمینی نزدیک مرز بین دوره‌های سیلورین و دونین، کمی بیشتر از ۴۰۰ میلیون سال پیش، پدیدار گشت و متحول شد.»

رد گزینه د: در پاراگراف دوم گفته شده که «اگر چه اخیراً دیرینه‌شناسان به بررسی دقیق‌تر رسوبات زیر این مرز زمین‌شناسی متعلق به دوره‌های سیلورین-دونین پرداخته‌اند.».

متن ۵

آن‌چه امروزه هنر مردمی آمریکایی می‌نامیم در واقع هنری برای مردمانی روزمره و عادی تو سط خود شان و از جانب خود شان بود که با افزایش رفاه و فراغت، بازاری برای انواع آن و به خصوص برای پرتره ایجاد کردند. شهروندان مرفه که اساساً جمهوری طبقه متوسط بودند -رومیان باستان، شهرنشینان هلندی قرن هفدهم و یا آمریکایی‌های قرن نوزدهم- همواره علاقه **قابل‌توجهی** به نقا شی چهره نشان داده‌اند. با آغاز آن در اواخر قرن هجدهم، ایالات متحده آمریکا شامل تعداد رو به فزونی از چنین افراد و هنرمندانی بود که تقاضای این افراد را برطرف می‌کردند.

جای تعجب نیست که اولین پرتره‌های هنر مردمی آمریکایی از ایالات نیوانگلند -به خصوص کنتیکت و ماساچوست- برخاست، چرا که **این** منطقه‌ای ثروتمند و پرجمعیت در مرکز قدرتمند سنت هنر و صنعت بود. در عرض چند دهه پس از امضای اعلامیه استقلال در سال ۱۷۷۶، جمعیت به سمت غرب کشیده شد و نقاشان پرتره در بخش غربی نیویورک، اوهایو، کنتاکی، ایلینوی، و میزوری مشغول بودند. در اواسط اولین قرن خود به عنوان یک کشور، جمعیت آمریکا تقریباً پنج برابر افزایش یافته بود و یازده ایالت جدید به سیزده ایالت اصلی اضافه شده بود. در طول این سال‌ها تقاضا برای پرتره بیشتر و بیشتر شد و در نهایت

توسط دوربین اقناع شد. در سال ۱۸۳۹ **داگرئوتایپ** به آمریکا معرفی شد و عصر عکاسی را **نوید داد** و در عرض یک نسل اختراع جدید به محبوبیت پرتره‌های نقاشی شده پایان داد. بار دیگر پرتره اصل لوکس محسوب می شد و توسط ثروتمندان سفارش داده می‌شد و توسط حرفه‌ای‌ها **اجرا می‌شد**.

اما در دوران شکوفایی نقاشی پرتره -از اواخر قرن هجدهم تا دهه ۱۸۵۰- هر فرد با اندک توانایی هنری قادر بود طراح شود، عنوانی که به یک نقاش پرتره داده می شد. صنعتگران محلی -نقاشان تابلو، کالسکه، و خانه- نقاشی پرتره را به عنوان شغلی حاشیه‌ای و سودآور آغاز کردند؛ گاهی اوقات مرد یا زن با استعدادی که با **طراحی** اعضای خانواده کار خود را آغاز می‌کرد به شهرتی محلی دست می‌یافت و با درخواست‌های پرتره محاصره می‌شد؛ هنرمندان دریافتند که **ارزشش را دارد** که بار رنگ‌ها، بوم‌ها، و قلم‌هایشان را ببندند و به حومه شهر ببرند و اغلب اوقات تزئینات منزل را با نقاشی پرتره ادغام کنند.

۱. در پاراگراف اول، نویسنده به شهرنشینان هلندی قرن هفدهم به عنوان مثالی از گروهی اشاره می‌کند که ..... .

الف) عمدتاً شامل هنرمندانی خودآموخته بودند

ب) پرتره‌ها را ارج می‌نهادند

ج) بر هنر مردمی آمریکا تأثیر گذاشتند

د) زمان کمی برای صرف کردن در راه هنر داشتند

گزینه ب صحیح است.

در متن آورده شده که « شهروندان مرفه که اساساً جمهوری طبقه متوسط بودند -رومیان باستان، شهرنشینان هلندی قرن هفدهم و یا آمریکایی‌های قرن نوزدهم- همواره علاقه قابل‌توجهی به نقاشی چهره نشان داده‌اند.».

۲. معنای کلمه قابل توجه در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) چشمگیر

ب) خجسته

ج) قابل فهم

د) مرموز

گزینه الف صحیح است.

در جمله بعد اشاره شده که «.با آغاز آن در اواخر قرن هجدهم، ایالات متحده آمریکا شامل تعداد رو به فزونی از چنین افراد و هنرمندانی بود که تقاضای این افراد را برطرف می‌کردند.». بنابراین تعداد رو به افزایش هنرمندان، برای برآوردن نیازی است که باید چشمگیر باشد. در نتیجه marked باید چنین مفهومی با خود داشته باشد.

۳. بر اساس متن، اولین پرتره‌های مردمی آمریکایی کجا نقاشی شدند؟

الف) در نیویورک غربی

ب) در ایلینوی و میزوری

ج) در کنتیکت و ماساچوست

د) در اوهایو

گزینه ج صحیح است.

در متن ذکر شده که «جای تعجب نیست که اولین پرتره‌های هنر مردمی آمریکایی از ایالات نیوانگلند –به‌خصوص کنتیکت و ماساچوست- برخاست،...».

۴. کلمه این در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) یک مرکز قدرتمند سنت هنر و صنعت

ب) هنر مردمی آمریکایی

ج) نیوانگلند

د) نیویورک غربی

گزینه ج صحیح است.

اولین اسم پیش از this، New England است که با توجه به مفهوم، تعداد و جنسیت می‌توان تشخیص داد که this به New England اشاره دارد.

۵. جمعیت ایالات متحده در پنجاه سال اولیه پس از استقلال چقدر افزایش یافت؟

الف) سه برابر بیشتر شد.

ب) پنج برابر بیشتر شد.

ج) یازده برابر بیشتر شد.

د) سیزده برابر بیشتر شد.

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف دوم متن به این امر اشاره شده است.

۶. معنای عبارت نوید داد در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) آغاز کرد

ب) تقاضا کرد

ج) منتشر کرد

د) افزایش داد

گزینه الف صحیح است.

«در سال ۱۸۳۹ داگرئوتایپ به آمریکا معرفی شد و عصر عکاسی را **نوید داد** و در عرض یک نسل اختراع جدید به محبوبیت پرتره‌های نقاشی‌شده پایان داد.»

معرفی داگرئوتایپ (نخستین روش موفق در ثبت عکس‌های دائمی) به منزله آغازی عصری جدید می‌تواند باشد. بنابراین ushering in می‌تواند هم‌معنی با آغاز کردن باشد.

۷. رابطه بین داگرئوتایپ (پاراگراف دوم) و پرتره نقاشی‌شده شبیه به رابطه اتومبیل و ..... است.

الف) اتوبان

ب) راننده

ج) کالسکه اسبی

د) موتور

گزینه ج صحیح است.

داگرئوتایپ روشی برای ثبت عکس است، در حقیقت پرتره‌هایی که با دست کشیده می‌شده، حالا با فناوری آسان‌تر و سریع‌تر بدست می‌آید. رابطه کالسکه اسبی که به اتومبیل تبدیل شده نیز مصداق همین امر است.

۸. بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر به کاهش تقاضای پرتره‌های نقاشی‌شده کمک کردند؟

الف) فقدان سنت قدرتمند هنر و صنعت

ب) مهاجرت نقاشان به سمت غرب

ج) علاقه رو به رشد برای نقاشی‌های منظره

د) اختراع دوربین

گزینه د صحیح است.

در متن عنوان شده است که «در سال ۱۸۳۹ داگرئوتایپ به آمریکا معرفی شد و عصر عکاسی را نوید داد و در عرض یک نسل اختراع جدید به محبوبیت پرتره‌های نقاشی‌شده پایان داد.».

۹. معنای کلمه اجرا می‌شد در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) فروخته می‌شد

ب) تقاضا می‌شد

ج) تحسین می‌شد

د) ایجاد می‌شد

گزینه د صحیح است.

«بار دیگر پرتره اصل لوکس محسوب می‌شد و توسط ثروتمندان سفارش داده می‌شد و توسط حرفه‌ای‌ها **اجرا می‌شد**.»

فعل execute به اجرای پرتره‌های توسط حرفه‌ای بازمی‌گردد. بنابراین معنای آن با گزینه د همخوانی دارد.

۱۰. نویسنده به طور ضمنی بیان می‌کند که طراحان ..... .

الف) از معلمان مسافر درس می‌گرفتند

ب) زن بودند

ج) از خانواده‌های ثروتمند بودند

د) هیچ آموزش رسمی هنری نداشتند

گزینه د صحیح است.

نام بردن از «صـنعتگران محلی» و «مرد یا زن با اسـتعدادی که با طراحی اعضـای خانواده کار خود را آغاز می‌کرد»، به عنوان کسانی که طراحی می‌کردند، بدان معناست که اساساً هنرمندان در این باره آموزش نمی‌دیدند و خود آغازکننده طراحی بودند.

۱۱. معنای کلمه طراحی در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) ترسیم

ب) استخدام

ج) کمک

د) بحث

گزینه الف صحیح است.

«... مرد یا زن با استعدادی که با **طراحی** اعضای خانواده کار خود را آغاز می‌کرد ...»

sketch از اعضای خانواده با توجه به مفهوم کلی و هدف متن، به معنای طراحی کردن، نقش زدن و ترسیم کردن می‌تواند.

۱۲. معنای عبارت ارزشش را دارد در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) ضروری

ب) آموزشی

ج) سودآور

د) لذت بخش

گزینه ج صحیح است.

«... به شهرتی محلی دست می‌یافت و با درخواست‌های پرتره محاصره می‌شد؛ هنرمندان دریافتند که **ارزشش را دارد** که بار رنگ‌ها، بوم‌ها، و قلم‌هایشان را ببندند و به حومه شهر ببرند و اغلب اوقات تزئینات منزل را با نقاشی پرتره ادغام کنند.»

نقطه ویرگول برای جداکردن جمله‌هایی که از جهت سـاختمان و مفهوم مسـتقل به نظر می‌رسـند ولی در یک عبارت طولانی بستگی معنایی دارند. در این پاراگراف نیز، دو جمله دارای بستگی معنایی در عینِ مفهوم مستقلشان هستند. بنابراین علت این که هنرمندان حاضر بودند برای نقاشی یه حومه شهر بروند، نوعی سودآوری است.

متن ۶

آبله اولین بیماری شایع بود که با دخالت انسان به طور کامل از بین رفت. یک بیماری به شدت واگیردار که بومی اروپا بود و تا تو سعه واک سینا سیون تو سط ادوارد جنر حدود سال ۱۸۰۰ منجر به مرگ میلیون‌ها ان سان شد. در ب سیاری از ک شورهای غیراروپایی تا همین اواخر یک بیماری وحشـتناک و کشـنده به حسـاب می‌آمد. قربانیان این بیماری از تب بالا، اسـتفراغ، و جوش‌های دردناک خارش‌آور رنج می‌برند که جوش‌هایی چرکی بودند و چال و چوله به جای می‌گذاشـتند. در روسـتاها و شهرهای سراسر جهان، افرادی که اثر زخم داشتند نشان می‌دادند که از آبله جان سالم به در برده‌اند.

در ماه مه سـال ۱۹۶۶، سـازمان بهداشـت جهانی (WHO)، یکی از آژانس‌های سـازمان ملل متحد، برای شـروع یک کمپین جهانی برای ریشـه‌کن کردن آبله مأمور شـد. هدف از بین بردن بیماری در عرض یک دهه بود. در آن زمان، این بیماری

تهدیدی جدی برای مردم سی کشور به حساب می‌آمد. بیش از ۷۰۰ پزشک، پرستار، دانشمند، و سایر پرسنل از سازمان جهانی بهداشت با ۲۰۰۰۰۰ کارمند بهداشت در کشورهای آلوده برای مبارزه با این بیماری گرد هم آمدند. از آن‌جا که پروژه‌های مشابه برای مالاریا و تب زرد شکست خورده بود، عده کمی معتقد بودند که یک بیماری به شیوع آبله بتواند واقعاً ریشه‌کن شود، اما تا یازده سال پس از سازماندهی اولیه کمپین ضد آبله، هیچ موردی در این زمینه گزارش نشد.

استراتژی مبارزه با بیماری در سطوح مختلف توسعه یافته بود. البته یک کمپین آموزشی برای ساکنین کشورهای در معرض خطر وجود داشت تا این افراد بیاموزند بیماری چگونه گسترش می‌یابد و تبدیل به شرکت‌کنندگانی فعال در مبارزه با آبله شوند. سایر استراتژی‌ها علاوه بر واکسیناسیون همگانی، شامل قرنطینه بیماران مبتلا به آبله فعال به منظور جلوگیری از گسترش بیماری بود به این ترتیب که موجب شکستن زنجیره انتقال انسانی می‌شد. پاداش‌های مالی برای گزارش آبله به ایجاد انگیزه در عموم برای کمک به کارکنان بهداشت مؤثر بود. قربانیان آبله یکی پس از دیگری دنبال می‌شدند و تماسشان با سایرین قطع می‌شد و درمان می‌شدند. هم زمان، کل روستایی که قربانی در آن ساکن بود واکسینه می‌شد.

تا آوریل سال ۱۹۷۸، مقامات سازمان جهانی بهداشت اعلام کردند که آن‌ها آخرین مورد شناخته‌شده مبتلا به بیماری را **قرنطینه کرده‌اند**، اما کارکنان بهداشت به جست‌وجوی خود برای موارد جدید تا دو سال دیگر ادامه دادند تا کاملاً مطمئن شوند. در ماه مه سال ۱۹۸۰، بیانیه‌ای رسمی در جامعه جهانی صادر شد. امروزه آبله دیگر خطری برای بشریت محسوب نمی‌شود. واکسیناسیون جاری در سراسر جهان متوقف شده است.

۱. کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

الف) سازمان جهانی بهداشت

ب) ریشه‌کن کردن آبله

ج) واکسیناسیون آبله

د) بیماری‌های عفونی

گزینه ب صحیح است.

جملات ابتدایی پاراگراف‌ها و جمله آخر متن عبارتند از:

- آبله اولین بیماری شایع بود که با دخالت انسان به طور کامل از بین رفت.
- در ماه مه سال ۱۹۶۶، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد، برای شروع یک کمپین جهانی برای ریشه‌کن کردن آبله مأمور شد.
- استراتژی مبارزه با بیماری در سطوح مختلف توسعه یافته بود.
- تا آوریل سال ۱۹۷۸، مقامات سازمان جهانی بهداشت اعلام کردند که آن‌ها آخرین مورد شناخته شده مبتلا به بیماری را قرنطینه کرده‌اند، اما کارکنان بهداشت به جستجوی خود برای موارد جدید تا دو سال دیگر ادامه دادند تا کاملاً مطمئن شوند.
- امروزه آبله دیگر خطری برای بشریت محسوب نمی‌شود. واکسیناسیون جاری در سراسر جهان متوقف شده است.

موارد فوق نشان می‌دهد که گزینه ب، بهترین عنوان برای متن خواهد بود.

۲. کلمه تهدید در پاراگراف دوم بهتر است با کدام مورد جایگزین شود؟

الف) مباحثه

ب) تحقیر

ج) خطر

د) آزار

گزینه ج صحیح است.

موضوعات مطرح شده در پاراگراف که در مورد اقداماتی مهم جهت از بین بردن بیماری است، نشان‌دهنده این است که بیماری خطری جدی است و بنابراین threat به معنای خطر و تهدید است.

۳. بر اساس متن، استراتژی استفاده‌شده برای از بین بردن گسترش آبله چه بود؟

الف) واکسیناسیون تمامی روستاها

ب) درمان هر قربانی

ج) قرنطینه قربانیان و واکسیناسیون همگانی

د) گزارش گسترده شیوع

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم بیان شده است که «سایر استراتژی‌ها علاوه بر واکسیناسیون همگانی، شامل قرنطینه بیماران مبتلا به آبله فعال به منظور جلوگیری از گسترش بیماری بود».

۴. کلمه آن‌ها در پاراگراف چهارم اشاره دارد به ..... .

الف) سال‌ها

ب) مقامات

ج) قربانیان

د) موارد

گزینه ب صحیح است.

نزدیک‌ترین اسم به they، WHO officials است که به لحاظ معنا، تعداد و جنسیت با هم همخوانی دارند.

۵. معنای عبارت قرنطینه کردند در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) ترمیم کردند

ب) جدا کردند

ج) مواظبت کردند

د) قرار دادند

گزینه ب صحیح است.

این جمله در ادامه مو ضوع پاراگراف قبلی مبنی بر جدا کردن بیماران ا ست. بنابراین isolated در این جمله به عنوان آخرین مورد از این اقدام به معنای «قرنطینه کردن» و «جدا ساختن» است.

۶. عموم چگونه تشویق شدند به کارکنان بهداشت کمک کنند؟

الف) با آموزش دیدن

ب) با پاداش گرفتن برای گزارش موارد

ج) با قرنطینه شدن آن‌ها از سایرین

د) با واکسینه کردن آن‌ها

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف سوم گفته شده است که «پاداش‌های مالی برای گزارش آبله به ایجاد انگیزه در عموم برای کمک به کارکنان بهداشت مؤثر بود.».

۷. کدام یک از جملات زیر به آبله اشاره ندارد؟

الف) پروژه‌های قبلی شکست خورده بود.

ب) افراد دیگر برای آن واکسینه نمی‌شوند.

ج) سازمان جهانی بهداشت کمپینی جهانی برای ریشه‌کن کردن بیماری راه‌اندازی کرد.

د) تهدیدی جدی بود.

گزینه الف صحیح است.

رد گزینه ب: در انتهای متن بیان شده که «واکسیناسیون جاری در سراسر جهان متوقف شده است.».

رد گزینه ج: در ابتدای پاراگراف دوم ا شاره شده ا ست که «در ماه مه سال ۱۹۶۶، سازمان بهدا شت جهانی (WHO)، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد، برای شروع یک کمپین جهانی برای ریشه‌کن کردن آبله مأمور شد.».

رد گزینه د: در پاراگراف دوم گفته شده ا ست که «در آن زمان، این بیماری تهدیدی جدی برای مردم سی ک شور به ح ساب می‌آمد.».

۸. بر اساس متن می‌توان نتیجه گرفت که ..... .

الف) امسال هیچ مورد جدیدی از آبله گزارش نشده است.

ب) امسال مالاریا و تب زرد گزارش شده‌اند.

ج) قربانیان آبله دیگر در تماس با بیماری جان خود را از دست نمی‌دهند.

د) آبله از یک فرد به دیگری منتقل نمی‌شود.

گزینه الف صحیح است.

تأیید گزینه الف: طبق این جمله در آخر متن «امروزه آبله دیگر خطری برای ب شریت مح سوب نمی شود.»، این امر را می‌توان قابل قبول دانست.

رد گزینه ب: اگر چه در متن گفته شده که «پروژه‌های م شابه برای مالاریا و تب زرد شک ست خورده بود»، اما این امر دلیلی برای گزارش آن در امسال نیست.

رد گزینه ج: چنین چیزی در متن بیان نشده است.

رد گزینه د: در پاراگراف اول، از آبله با عنوان «یک بیماری به شدت واگیردار» یاد شده است.

متن ۷

بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می شود، اندازه‌گیری مقدار آب جوی ا ست که به صورت باران، تگرگ، و یا برف به زمین می‌رسد. بارش متوسط سالانه در سرتاسر ایالات متحده هر سال به سی و شش اینچ می‌رسد. اگر چه درک این نکته ضروری است که تمامی بارش‌ها به یک صورت اندازه‌گیری نمی‌شوند. برای مثال، یک فوت برف با یک فوت بارندگی برابر نیست. بر اساس فرمول کلی محاسبه بارش برف، ده اینچ برف با یک اینچ بارش برابر است. برای مثال، در ایالت شمالی نیویورک، جایی که معمولاً در زمستان میزان بارش برف زیاد است، صد اینچ برف در یک سال تنها به صورت ده اینچ بارندگی ثبت می شود. از سوی دیگر، باران، باران ا ست. چهل اینچ باران به صورت چهل اینچ بارندگی ثبت می شود. مجموع بارندگی سالانه برای منطقه‌ای با چهل اینچ باران و صد اینچ برف به صورت پنجاه اینچ بارندگی ثبت می‌شود.

میزان بارندگی که یک منطقه دریافت می‌کند حاصل ترکیبی از چندین عامل است، از جمله موقعیت، ارتفاع، **مجاورت با** دریا، و جهت بادهای جاری. بیشتر بارندگی ایالات متحده در اصل توسط بادهای جاری از سوی اقیانوس آرام، خلیج مکزیک، اقیانوس اطلس، و دریاچه‌های بزرگ آورده می‌شود. به دلیل این که این بادهای جاری عمدتاً از سمت غرب می‌آیند، سواحل اقیانوس آرام بارندگی سالانه بیشتری نسبت به سواحل اقیانوس اطلس دریافت می‌کند. اگر چه در امتداد خود سواحل اقیانوس آرام، ارتفاع در میزان بارش باران تفاوت ایجاد می‌کند. رشته‌کوه‌های ایالات متحده، به خصوص رشته کوه راکی و آپالاچی بر مقدار بارندگی در مناطق جانبی بادپناه و بادگیر این رشته کوه‌ها تأثیر می‌گذارد. در قسمت شرقی کوه‌های راکی، بارش سالیانه **اساساً** کمتر از قسمت غربی کوه‌های راکی است. بارندگی قسمت شمالی کوه‌های آپالاچی به طور میانگین ۴۰ درصد کمتر از **آن** در قسمت جنوبی کوه‌های آپالاچی است. همان‌طور که جریان‌های هوا از اقیانوس بر فراز خشکی حرکت می‌کنند، هوا باید صعود کند تا از کوه‌ها عبور کند. هوا خنک می‌شود و آبی که در ابرها نگه‌داشته‌شده به صورت باران یا برف روی قسمت صعودی کوه‌ها می‌بارد. بنابراین هوا در سمت دیگر کوه بسیار خشک‌تر است.

۱. متن عمدتاً در مورد کدام یک بحث می‌کند؟

الف) بارندگی

ب) بارش برف

ج) ایالت نیویورک

د) یک فرمول کلی

گزینه الف صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله انتهایی متن به شرح ذیل است:

- بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود، اندازه‌گیری مقدار آب جوی است که به صورت باران، تگرگ، و یا برف به زمین می‌رسد.
- میزان بارندگی که یک منطقه دریافت می‌کند حاصل ترکیبی از چندین عامل است، از جمله موقعیت، ارتفاع، مجاورت به دریا، و جهت بادهای جاری.
- هوا باید صعود کند تا از کوه‌ها عبور کند. هوا خنک می شود و آبی که در ابرها نگه‌دا شته شده به صورت باران یا برف روی قسمت صعودی کوه‌ها می‌بارد. بنابراین هوا در سمت دیگر کوه بسیار خشک‌تر است.

بنابراین در مجموع متن در رابطه با بارندگی به صورت کلی است.

۲. کدام یک از کلمات زیر اغلب به جای بارندگی استفاده می‌شود؟

الف) رطوبت

ب) خیسی

ج) بارش باران

د) باران-برف

گزینه ج صحیح است.

جمله اول متن بیان می‌کند که «بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود»

۳. اصطلاح *بارندگی* شامل ..... می‌شود.

الف) فقط بارش باران

ب) باران، تگرگ، و برف

ج) باران، برف، و رطوبت

د) باران، تگرگ، و رطوبت

گزینه ب صحیح است.

جمله اول متن در این رابطه است «بارندگی، که معمولاً از آن به عنوان بارش باران یاد می‌شود».

۴. متوسط بارش سالیانه باران در ایالات متحده چقدر است؟

الف) سی و شش اینچ

ب) سی و هشت اینچ

ج) چهل اینچ

د) چهل و دو اینچ

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف اول گفته شده «بارش متوسط سالانه در سرتاسر ایالات متحده هر سال به سی و شش اینچ می‌رسد.».

۵. اگر ایالتی ۴۰ اینچ برف در یک سال داشته باشد، این میزان تا چه اندازه بارندگی سالیانه را افزایش می‌دهد؟

الف) تا دو فوت

ب) تا چهار اینچ

ج) تا چهار فوت

د) تا ۴۰ اینچ

گزینه ب صحیح است.

در متن گفته شده که «بر ا ساس فرمول کلی محا سبه بارش برف، ده اینچ برف با یک اینچ بارش برابر ا ست.». بنابراین چهل اینچ برف برابر با چهار اینچ باران است.

۶. معنای عبارت مجاورت با در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) ارتباط با

ب) وابستگی به

ج) نزدیکی به

د) شباهت به

گزینه ج صحیح است.

«میزان بارندگی که یک منطقه دریافت می‌کند حاصل ترکیبی از چندین عامل است، از جمله موقعیت، ارتفاع، **مجاورت با** دریا، و جهت بادهای جاری.»

جمله اول به عوامل مؤثر در بارندگی اشاره دارد، که فاصله با دریا نیز از جمله این عوامل است. بنابراین proximity to به معنای نزدیکی به دریا می‌تواند باشد.

۷. بارندگی سالیانه کجا بیشتر است؟

الف) سواحل اقیانوس اطلس

ب) دریاچه‌های بزرگ

ج) خلیج مکزیک

د) سواحل اقیانوس آرام

گزینه د صحیح است.

در پاراگراف دوم گفته شده که «سواحل اقیانوس آرام بارندگی سالانه بیشتری نسبت به سواحل اقیانوس اطلس دریافت می‌کند.».

۸. به کدام یک از موارد زیر به‌عنوان عامل تعیین‌کننده میزان بارندگی دریافتی یک منطقه اشاره نشده بود؟

الف) کوه‌ها

ب) ارتفاع

ج) دریا

د) باد

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف دوم، به همه موارد بجز مورد اول شاره شده است.

۹. کلمه اساساً در پاراگراف دوم بهتر است با کدام مورد جایگزین شود؟

الف) اساساً

ب) به طور جزئی

ج) کاملاً

د) ظاهراً

گزینه الف صحیح است.

«رشته‌کوه‌های ایالات متحده، به خصوص رشته کوه راکی و آپالاچی بر مقدار بارندگی در مناطق جانبی بادپناه و بادگیر این رشته کوه‌ها تأثیر می‌گذارد. در قسمت شرقی کوه‌های راکی، بارش سالیانه **اساساً** کمتر از قسمت غربی کوه‌های راکی است.» جمله دوم در ادامه جمله اول و در توضیح تأثیر رشته‌کوه‌ها بر میزان بارندگی آمده است. بنابراین substantially می‌تواند به معنای «اساساً، در اصل» باشد.

۱۰. کلمه آن در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) کاهش می‌دهد

ب) بارندگی

ج) مناطق

د) رشته‌کوه‌ها

گزینه ب صحیح است.

that به precipitation برمی‌گردد، به لحاظ تعداد و محتوا همخوانی وجود دارد.

متن ۸

اقاقیا (درخت صمغ عربی)، نوعی از درخت و درختچه از خانواده درخت گل ابریشم است که منشاء آن‌ها در استرالیا است و برای مدت زیادی در ساختن بناهای گلی و چوبی مورد استفاده قرار گرفته است. اقاقیا در استرالیا ترکه نامیده می‌شود و این‌طور گفته می‌شود که بناها از ترکه و خشت ساخته شده‌اند. اقاقیا در واقع مربوط به خانواده گیاهانی است که با نام حبوبات، شامل نخود، لوبیا، عدس، بادام زمینی، و پوسته‌هایی با دانه‌های لوبیا شکل، شناخته می‌شوند. بعضی اقاقی‌ها در واقع محصولات

خوراکی تولید می‌کنند. سایر انواع اقاقی‌ها برای صمغ چسبناکشان ارزشمندند که صمغ عربی و صمغ اقاقیا نامیده می‌شوند و به طور گســترده‌ای در دارو، غذا، و عطر اســتفاده می‌شــوند، همچنین برای چوب متراکم با ارزش برای ســاخت پیانو، یا برای پوست غنی از تانن، ماده تیره اسیدی برای فرآوری پوست حیوانات برای تبدیلشان به چرم کاربرد دارند.

نزدیک به پانصد گونه اقاقیا بررسی، شناسایی، و دسته‌بندی شده‌اند و ثابت شده است که قابلیت بقا در مناطق گرم و به طور کلی خشک جهان را دارند؛ هر چند فقط دو جین از سیصد گونه استرالیایی در ایالات متحده جنوبی **عمل می‌آیند**. بیشتر واردات اقاقیا درختانی هستند که در ارتفاع کم به رشد خود ادامه می‌دهند، اما از میان **این‌ها**، تنها سه مورد گل می‌دهند، که عبارتند از: *اقاقیای بیلی* با برگ‌های سرخس مانند نقره‌ای و گل‌های کوچک معطر که به شکل خوشه‌هایی گرد هستند؛ *ترکه نقره‌ای* که شــبیه *اقاقیای بیلی* اســت و دو برابر آن قد می‌کشــد؛ و *ترکه طلایی ســیدنی* متراکم که با داشــتن برگ‌های پهن و صاف، شکوفه‌های براق زرد **پرجلوه** و شاخه‌های تیز تنیده به هم پرپشت به نظر می‌رسد. نوع دیگر آن که اقاقی سیاه است و بلک وود هم نامیده می شود، دارای شاخ و برگ سبز تیره و شکوفه‌های ساده هستند. علاوه بر این که یک درخت محبوبی زینتی است، *اقاقی سیاه* به دلیل چوب تیره‌اش که در ساخت مبلمان و آلات بسیار باارزش موسیقی استفاده می‌شود ارزشمند محسوب می‌شود.

خوی عجیب *اقاقی* به شــکوفه زدن در ماه فوریه معمولاً به ریشــه اســترالیایی آن نســبت داده می‌شــود، مثل این که تاریخ و یا کیفیت نور تفاوت چندانی در چرخه گل این درخت ایجاد نمی‌کند. در نیم‌کره جنوبی، فصــل‌ها بر عکس اســت، و فوریه، که در ایالات متحده زمستان است، در استرالیا تابستان است. هرچند عملاً در استرالیا شکوفه‌های زرد رنگ پریده در اوت ظاهر می‌شوند. فرقی نمی‌کند در نیم‌کره جنوبی بروید یا شمالی، *اقاقی* دوست‌داشتنی در زمستان شکوفه می‌زند.

۱. متن در درجه اول به کدام یک از موضوعات زیر می‌پردازد؟

الف) *اقاقی سیاه*

ب) ویژگی‌ها و انواع *اقاقی*

ج) انواع استرالیایی *اقاقی*

د) کاربرد چوب *اقاقی* در مبلمان تزئینی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- اقاقیا (درخت صمغ عربی)، نوعی از درخت و درختچه از خانواده درخت گل ابریشم است که از استرالیا نشأت می‌گیرد و برای مدت زیادی در ساختن بناهای گلی و چوبی مورد استفاده قرار گرفته است. (توضیح در مورد اقاقیا و کاربرد آن)
- نزدیک به پانصد گونه اقاقیا بررسی، شناسایی، و دسته‌بندی شده‌اند و ثابت شده است که قابلیت بقا در مناطق گرم و به طور کلی خشک جهان را دارند؛ (توضیح در مورد اقاقیا، دسته‌بندی و ویژگی‌های آن)
- خوی عجیب *اقاقی* به شکوفه زدن در ماه فوریه معمولاً به ریشه استرالیایی آن نسبت داده می شود، مثل این که تاریخ و یا کیفیت نور تفاوت چندانی در چرخه گل این درخت ایجاد نمی‌کند. (توضیح در مورد اقاقیا و ویژگی‌های آن)
- فرقی نمی‌کند در نیم‌کره جنوبی بروید یا شمالی، *اقاقی* دوست‌داشتنی در زمستان شکوفه می‌زند. (توضیح در مورد اقاقیا و ویژگی‌های آن)

۲. چند گونه از *اقاقی* در ایالات متحده جنوبی به خوبی رشد می‌کنند؟

الف) پانصد

ب) سیصد

ج) دوازده

د) سه

گزینه ج صحیح است.

در متن آمده است که «هر چند فقط دو جین از سیصد گونه استرالیایی در ایالات متحده جنوبی عمل می‌آیند.».

۳. معنای عبارت عمل می‌آیند در پاراگراف دوم به کدام یک از موارد زیر نزدیک‌تر است؟

الف) به خوبی رشد می‌کنند

ب) یافت می‌شوند

ج) کاشته شدند

د) می‌توانند زندگی کنند

گزینه الف صحیح است.

«هر چند فقط دو جین از سیصد گونه استرالیایی در ایالات متحده جنوبی **عمل می‌آیند**.».

متن در رابطه با اقاقی است و مفهوم جمله نشان می‌دهد که thrive به معنای رشد یافتن است.

۴. کلمه این‌ها در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) ایالات متحده

ب) انواع

ج) گونه‌ها

د) درختان

گزینه د صحیح است.

«بیشتر واردات اقاقیا، درختانی هستند که در ارتفاع کم به رشد خود ادامه می‌دهند، اما از میان **این‌ها**، تنها سه مورد گل می‌دهند.»

اسمی که قبل از these آمده، trees, است که هم به لحاظ مفهوم و هم به لحاظ تعداد با these مطابقت دارد.

۵. بر اساس متن، ترکه نقره‌ای ..... .

الف) متراکم و پرپشت است

ب) شکوفه‌های ساده دارد

ج) بلندتر از اقاقی بیلی است

د) برای ساخت مبلمان کاربرد دارد

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف دوم آمده است که «*ترکه نقره‌ای* که شبیه *اقاقیای بیلی* است و دو برابر آن قد می‌کشد».

۶. کلمه پرجلوه در پاراگراف دوم بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) عجیب

ب) پرجزئیات

ج) بزرگ

د) شکننده

گزینه ب صحیح است.

«و *ترکه طلایی سیدنی* متراکم که با داشتن برگ‌های پهن و صاف، شکوفه‌های براق زرد **پرجلوه** و شاخه‌های تیز تنیده به هم پرپشت به نظر می‌رسد.».

بنابراین نوعی هماهنگی بین پرپشت بودن و **showy** bright yellow blossoms باید با شد که به نظر می‌ر سد گزینه ب بهترین پاسخ است.

۷. رنگارنگی شکوفه‌های کدام یک از اقاقی‌های زیر نسبت به بقیه کمتر است؟

الف) *اقاقی بیلی*

ب) *ترکه طلایی سیدنی*

ج) *ترکه نقره‌ای*

د) *اقاقی سیاه*

گزینه د صحیح است.

طبق متن «*اقاقیای بیلی* با برگ‌های سرخس مانند نقره‌ای و گل‌های کوچک معطر که به شکل خوشه‌هایی گرد هستند؛ *ترکه نقره‌ای* که شبیه *اقاقیای بیلی* است و دو برابر آن قد می‌کشد؛ و *ترکه طلایی سیدنی* متراکم که با داشتن برگ‌های پهن و صاف، شکوفه‌های براق زرد پرجلوه و شاخه‌های تیز تنیده به هم پرپشت به نظر می‌ر سد. نوع دیگر آن که اقاقی سیاه ا ست و بلک وود هم نامیده می‌شود، دارای شاخ و برگ سبز تیره و شکوفه‌های ساده هستند.»

۸. احتمال ساخت کدام یک از موارد زیر از درخت *اقاقی سیاه* بیشتر است؟

الف) آرایش گل

ب) میز

ج) پای

د) کاغذ

گزینه ب صحیح است.

طبق پاراگراف دوم متن «*اقاقی سیاه* به دلیل چوب تیره‌اش که در ساخت مبلمان و آلات بسیار باارزش موسیقی استفاده می‌شود ارزشمند محسوب می‌شود.».

۹. درختان اقاقی چه زمانی در استرالیا شکوفه می‌دهند؟

الف) فوریه

ب) تابستان

ج) اوت

د) بهار

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف آخر آمده است که «هرچند عملاً در استرالیا شکوفه‌های زرد رنگ پریده در اوت ظاهر می‌شوند.».

متن ۹

در سال ۱۶۲۶، پیتر مینوییت، فرماندار شهرک‌های هلندی در آمریکای شمالی، که با نام نیوآمستردام شناخته می‌شد، با مقامات کانار سی برای خریداری جزیره منهتن برای تجارت به ارزش شصت گیلدر یا حدود ۲۴,۱۲ دلار مذاکره کرد. او جزیره را برای شرکت هلندی وست ایندیا خریداری نمود.

یک سال بعد، قلعه آمستردام در جنوبی‌ترین رأس جزیره توسط شرکت ساخته شد. از آن‌جا که تلاش برای تشویق مهاجرت هلندی‌ها به سرعت ثمربخش نبود، پیشنهاداتی که با توجه به استانداردهای آن دوره سخاوتمندانه نیز محسوب می شدند در سراسر اروپا گسترش یافتند. در نتیجه شهرک به یکی از **ناهمگون**ترین مستعمرات آمریکای شمالی تبدیل شد. تا سال ۱۶۳۷، قلعه تا داخل روستای نیوآمستردام گسترش یافته بود، جوامع کوچک دیگر شامل نیوهارلم و بوری‌استایوسانت اطراف آن رشد کرده بودند و نیوآمستردام رونق گرفت و شاخصه‌های سعه نظر مذهبی و زبانی که در آن زمان غیرمعمول بود در آن ترقی کرد. تا سال ۱۶۴۳، گزارش شد که هجده زبان مختلف تنها در نیوآمستردام قابل شنیدن است. در میان مهاجران چندزبانه یک گروه بزرگ انگلیسی از استعمارگران انگلیسی اهل کنتیکت و ماساچوست بودند که حامی دعوی شاه انگلیسی نسبت به هلند نو بودند که با فرمانی آغاز شده بود و قلمرو را به برادرش جیمز، دوک یورک می‌بخشید. در سال ۱۶۴۴، هنگامی که انگلیسی‌ها ناوگان **توانمندی** از کشتی‌های جنگی را به بندی نیوآمستردام فرستاد، فرماندار هلندی، پیتر استایوسانت بدون مقاومت تسلیم شد.

هنگامی که انگلیسی‌ها جزیره را به‌دست آوردند، نام روستای نیوآمستردام به افتخار دوک به نیویورک تغییر یافت. با شروع انقلاب، شهر نیویورک قبل از آن هم یک مرکز تجاری شلوغ بود. پس از جنگ، **آن** را به عنوان پایتخت اول ایالات متحده انتخاب کردند. اگر چه دولت در نهایت منتقل شد، بار اول به فیلادلفیا و سپس به واشنگتن دی سی، نیویورک جایگاه خود را حفظ کرد. نیویورک تبدیل به پناهگاهی برای دزدان دریایی شد که با تجار برجسته دست به یکی می‌کردند و در عوض سهمی از غارتشان، از آن‌ها تجهیزات کشتی طلب می‌کردند. به عنوان یک مستعمره، نیویورک بسیاری محصولات کشاورزی را با کالاهای تولیدی انگلیسی مبادله می‌کرد. علاوه بر این، تجارت با وست‌ایندیز رونق گرفت. سه قرن پس از معامله اولیه‌اش با بومیان آمریکا، سرمایه‌گذاری کوچک مینوییت ارزشی بیش از هفت میلیارد دلار پیدا کرد.

۱. کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

الف) تاریخ شهر نیویورک

ب) گزارشی از مستعمره‌های هلندی

ج) زندگینامه پیتر مینوییت

د) اولین پایتخت ایالات متحده

گزینه الف صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح ذیل است:

- در سال ۱۶۲۶، پیتر مینوییت، فرماندار شهرک‌های هلندی در آمریکای شمالی، که با نام نیوآمستردام شناخته می‌شد، با مقامات کانارسی برای خریداری جزیره منهتن برای تجارت به ارزش شصت گیلدر یا حدود ۲۴,۱۲ دلار مذاکره کرد.
- یک سال بعد، قلعه آمستردام در جنوبی‌ترین رأس جزیره توسط شرکت ساخته شد.
- هنگامی که انگلیسی‌ها جزیره را به‌دست آوردند، نام روستای نیوآمستردام به افتخار دوک به نیویورک تغییر یافت.
- سه قرن پس از معامله اولیه‌اش با بومیان آمریکا، سرمایه‌گذاری کوچک مینوییت ارزشی بیش از هفت میلیارد دلار پیدا کرد.

جملات فوق نشان دهنده یک روند تاریخی درباره شکل‌گیری نیویورک است.

۲. بومیان آمریکا چه چیزی در عوض جزیره‌شان دریافت کردند؟

الف) شصت گیلدر هلندی

ب) ۲۴,۱۲ دلار آمریکا

ج) کالا و تجهیزات

د) زمین در نیوآمستردام

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف آخر گفته شده که «نیویورک تبدیل به پناهگاهی برای دزدان دریایی شد که با تجار برجسته دست به یکی می‌کردند و در عوض سهمی از غارت‌شان، از آن‌ها تجهیزات کشتی طلب می‌کردند. به عنوان یک مستعمره، نیویورک بسیاری محصولات کشاورزی را با کالاهای تولیدی انگلیسی مبادله می‌کرد.».

۳. نیوآمستردام کجا واقع شده بود؟

الف) در هلند

ب) در آمریکای شمالی

ج) در جزیره منهتن

د) در هند

گزینه ب صحیح است.

در جمله اول متن به این مطلب اشاره شده است.

۴. منظور نویسنده از جمله «از آن‌جا که تلاش برای تشویق مهاجرت هلندی‌ها بلافاصله ثمربخش نبود، پیشنهادات که با توجه به ا ستانداردهای آن دوره سخاوتمندانه نیز مح سوب می شدند در سرا سر اروپا گ سترش یافتند» چیست؟

الف) پس از جوابدهی کند هلندی‌ها فرصت مهاجرت به دنیای جدید به سایر اروپایی‌ها داده شد.

ب) به دلیل مهاجرت موفق هلندی‌ها، فرصت برای مهاجرت اروپایی‌ها نیز فراهم شد.

ج) هلندی‌ها از فرصت‌های موجود به جای مهاجرت به دنیای جدید برای مهاجرت به اروپا استفاده کردند.

د) هلندی‌ها و سایر اروپایی‌ها باید تا زمان فراهم شدن فرصت‌ها برای مهاجرت به دنیای جدید صبر می‌کردند.

گزینه الف صحیح است.

رد گزینه ب و ج: گفته شده که تشویق برای مهاجرت هلندی‌ها ثمربخش نبوده است.

رد گزینه د: اشاره شده است که پیشنهادات سخاوتمندانه‌ای مطرح شده است. بنابراین صحبتی از صبر کردن نیست.

۵. کلمه ناهمگون در پاراگراف دوم بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) آزادی‌خواه

ب) مشهور

ج) متنوع

د) پررونق

گزینه ج صحیح است.

در جملات قبل به تلاش برای تشویق مهاجرت اشاره شده است. بنابراین heterogeneous حاکی از موضوعی مرتبط با مهاجرت از نقاط مختلف است و می‌توان معنای «ناهمگون» را استنباط نمود.

۶. چرا در نیوآمستردام به زبان‌های مختلف صحبت می‌شد؟

الف) مالک شرکت هلندی هند غربی انگلیس بود.

ب) شرکت هلندی هند غربی اجازه آزادی بیان را می‌داد.

ج) شرکت هلندی هند غربی مهاجران تازه اهل کشورهای مختلف اروپایی را استخدام می‌کرد.

د) هندی‌هایی که قبل از خرید شرکت هلندی هند غربی آن‌جا زندگی می‌کردند به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کردند.

گزینه ج صحیح است.

بر اساس متن «او جزیره را برای شرکت هلندی هند غربی خریداری نمود.» و نیز «یک سال بعد، قلعه آمستردام در جنوبی‌ترین رأس جزیره توسط شرکت ساخته شد. از آن‌جا که تلاش برای تشویق مهاجرت هلندی‌ها بلافاصله ثمربخش نبود، پیشنهادات که با توجه به استانداردهای آن دوره سخاوتمندانه نیز محسوب می‌شدند در سراسر اروپا گسترش یافتند.».

با توجه به گزینه‌های موجود، گزینه ج می‌تواند از جمله این پیشنهادات سخاوتمندانه باشد.

۷. معنای کلمه توانمند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) قدرتمند

ب) مدرن

ج) گران

د) غیرمنتظره

گزینه الف صحیح است.

در متن آمده است که «هنگامی که انگلیسی‌ها ناوگان **توانمندی** از کشتی‌های جنگی را به بندی نیوآمستردام فرستاد، فرماندار هلندی، پیتر استایوسانت بدون مقاومت تسلیم شد.».

با توجه به جمله دوم که حاکی از تسلیم شدن بدون مقاومت است، بنابراین ناوگان باید یک ویژگی داشته باشد که به این امر منجر شده باشد. بنابراین formidable می‌تواند به معنای «توانمند» و «قدرتمند» باشد.

۸. کلمه آن در پاراگراف چهارم اشاره دارد به ..... .

الف) انقلاب

ب) شهر نیویورک

ج) جزیره

د) پایتخت اول

گزینه ب صحیح است.

«شهر نیویورک قبل از آن هم یک مرکز تجاری شلوغ بود. پس از جنگ، آن را به عنوان پایتخت اول ایالات متحده انتخاب کردند.»

با توجه به مفهوم متن، مقصود از it یک شهر باید باشد که New York City پیش از آن آمده است و به لحاظ مفهوم متن و نیز تطابق تعداد با هم هماهنگ هستند.

۹. کدام شهر اولین پایتخت ایالات متحده جدید بود؟

الف) نیوآمستردام

ب) نیویورک

ج) فیلادلفیا

د) واشنگتون

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف آخر آمده است که «شهر نیویورک قبل از آن هم یک مرکز تجاری شلوغ بود. پس از جنگ، آن را به عنوان پایتخت اول ایالات متحده انتخاب کردند.». در این جمله آن به نیویورک باز می‌گردد.

۱۰. در چه تاریخی منهتن به قیمت ۷ میلیارد دلار ارزش‌گذاری شد؟

الف) ۱۶۲۶

ب) ۱۷۲۶

ج) ۱۶۵۶

د) ۱۹۲۶

گزینه د صحیح است.

طبق جمله اول متن «در سال ۱۶۲۶، پیتر مینوییت، فرماندار شهرک‌های هلندی در آمریکای شمالی، که با نام نیوآمستردام شناخته می‌شد، با مقامات کانارسی برای خریداری جزیره منهتن برای تجارت به ارزش شصت گیلدر یا حدود ۲۴,۱۲ دلار مذاکره کرد.».

طبق جمله آخر متن « سه قرن پس از معامله اولیه‌اش با بومیان آمریکا، سرمایه‌گذاری کوچک مینوییت ارز شی بیش از هفت میلیارد دلار پیدا کرد.»

سه قرن پس از ۱۶۲۶، یعنی حدود ۳۰۰ سال بعد برابر با ۱۹۲۶ است.

متن ۱۰

شاید نداشتن تحصیلات کافی خود هوراس مان بود که به او انگیزه تلاش زیاد در زمینه رسیدن به اصلاحات مورد نظرش در آموزش و پرورش را داد. زمانی که او هنوز یک پسربچه بود، پدر و برادر بزرگ‌ترش از دنیا رفتند و او مسئول نگهداری از خانواده‌اش شد. مانند بیشتر کودکان شهرش، فقط دو یا سه ماه در سال به مدرسه می‌رفت. بعدتر، با کمک چندین معلم توانست حقوق بخواند و عضو هیأت وکلای ماساچوست شد اما هیچ‌گاه **کوشش‌های** اولیه‌اش را فراموش نکرد.

وی در حالی که در قوه مقننه ماساچوست خدمت می‌کرد، لایحه تاریخی آموزش و پرورش را امضا کرد که هیأت دولتی آموزش و پرورش را راه‌اندازی می‌کرد. بدون پشیمانی، از فعالیت حقوقی و شغل سیاسی‌اش دست کشید تا اولین دبیر هیأت شود. او در آن‌جا نفوذ زیادی در طی دوره بحرانی باز سازی، که مدرسه ابتدایی پایه‌ای به عنوان جایگزینی برای نظام مدرسه ناحیه‌ای قدیمی مطرح شد، اعمال کرد. تحت رهبری او، برنامه درسی باز سازی شد، سال تحصیلی حداقل به مدت شش ماه افزایش یافت، و تحصیل اجباری تا سن شانزده سالگی تمدید شد. دیگر اصلاحات مهم که تحت هدایت مان به وجود آمدند عبارتند از: تأسیس مدارس دولتی عادی برای تربیت معلمان، مؤسساتی برای تحصیلات معلمان ضمن خدمت، و سالن‌های سخنرانی عمومی برای آموزش بزرگسالان. او همچنین در افزایش حقوق معلمان و ایجاد کتابخانه‌های مدارس مؤثر بود.

ایده‌های مان در مورد اصلاح مدارس توسعه یافت و در دوازده گزارش سالانه به ایالات ماساچوست که در دوران تصدی خود با عنوان دبیر آموزش و پرورش نوشت توزیع شد. اصلاحات ماساچوست که در آن زمان افراطی محسوب می‌شد بعدها به عنوان مدلی برای نظام آموزشی کشور مطرح شد. مان به عنوان پدر آموزش و پرورش عمومی به رسمیت شناخته شد.

هوراس مان در طول زندگی خود به طرز خستگی‌ناپذیری در جهت گسترش فرصت‌های آموزشی برای خانواده‌های کشاورزان و فرزندان کارگران فقیر تلاش کرد. در یکی از آخرین سخنرانی‌هایش فلسفه خود از آموزش و زندگی را خلاصه کرد: «از مردن خجالت بکشید تا زمانی که افتخاری برای بشریت نیافریده‌اید.» مطمئناً، زندگی خود او نمونه‌ای از همان فلسفه بود.

۱. کدام یک از عنوان‌های زیر موضوع اصلی متن را بهتر بیان می‌کند؟

الف) پدر آموزش عمومی آمریکایی

ب) فلسفه آموزش

ج) هیأت دولت آموزش و پرورش ماساچوست

د) سیاست‌های مؤسسات آموزشی

گزینه الف صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح ذیل است:

- شاید نداشتن تحصیلات کافی خود هوراس مان بود که به او انگیزه تلاش زیاد در زمینه رسیدن به اصلاحات مورد نظرش در آموزش و پرورش را داد.

- وی در حالی که در قوه مقننه ماساچوست خدمت می‌کرد، لایحه تاریخی آموزش و پرورش را امضا کرد که هیأت دولتی آموزش و پرورش را راه‌اندازی می‌کرد.

- ایده‌های مان در مورد اصلاح مدارس توسعه یافت و در دوازده گزارش سالانه به ایالات ماساچوست که در دوران تصدی خود با عنوان دبیر آموزش و پرورش نوشت توزیع شد.

- هوراس مان در طول زندگی خود به طرز خستگی‌ناپذیری در جهت گسترش فرصت‌های آموزشی برای خانواده‌های کشاورزان و فرزندان کارگران فقیر تلاش کرد.

- مطمئناً، زندگی خود او نمونه‌ای از همان فلسفه بود.

تمام جملات در مورد هوراس مان است که در پاراگراف سوم اشاره شده که به عنوان پدر آموزش و پرورش عمومی آمریکا شناخته شده است.

۲. چرا نویسنده به اوایل زندگی هوراس مان اشاره می‌کند؟

الف) به عنوان مثالی برای اهمیت آموزش زودهنگام برای موفقیت

ب) برای کامل‌تر کردن زندگینامه

ج) چون به او انگیزه کارهای بعدی‌اش در زمینه آموزش و پرورش را داد.

د) برای ادای احترام به معلمانی که به موفقیت او کمک کردند.

گزینه ج صحیح است.

در ابتدای متن به این امر اشاره شده است: «شاید نداشتن تحصیلات کافی خود هوراس مان بود که به او انگیزه تلاش زیاد در زمینه رسیدن به اصلاحات مورد نظرش در آموزش و پرورش را داد.».

۳.کلمه کوشش‌ها در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) تجربیات ارزشمند

ب) موقعیت‌های شاد

ج) افراد تأثیرگذار

د) دوران سخت

گزینه د صحیح است.

در جمله قبل ذکر شـــده که «عضـــو هیأت وکلای ماســـاچوســـت شـــد» که نشـــان از موفقیت او دارد. پیش از آن هم درمورد سختی‌های زندگی‌اش سخن گفته ا ست. به نوعی بیان کرده که با وجود شرایط خوب بعدی، سختی‌های گذ شته را فراموش نکرده است.

۴. کلمه آن‌جا اشاره دارد به ..... .

الف) قوه مقننه ماساچوست

ب) هیأت دولت آموزش و پرورش

ج) فعالیت حقوقی مان

د) شغل سیاسی او

گزینه ب صحیح است.

«هیأت» اولین اسم قبل از آن است که به لحاظ مفهوم و تعداد با هم در تطابق هستند.

۵. احتمال موافقت نویسنده با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

الف) تأثیر هوراس مان بر آموزش و پرورش آمریکا بسیار زیاد بود.

ب) تأثیر کوچک اما مهمی بر آموزش و پرورش آمریکا توسط هوراس مان اعمال شد.

ج) تعداد کمی از مدرسان متوجه تأثیر هوراس مان بر آموزش و پرورش آمریکا بودند.

د) تأثیر هوراس مان بر آموزش و پرورش آمریکا پذیرفته یا ارج نهاده نشده بود.

گزینه الف صحیح است.

توضیحات مطرح‌شده در پاراگراف دوم و سوم متن، گزینه الف را تأیید می‌کند.

۶. هوراس مان از تمام موارد زیر حمایت کرد به غیر از ..... .

الف) هیأت دولتی آموزش و پرورش

ب) نظام آموزشی ناحیه‌ای

ج) کلاس‌هایی برای بزرگسالان

د) مدارس ابتدایی پایه‌ای

گزینه ب صحیح است.

رد گرینه الف و ج و د: همه موارد در پاراگراف دوم ذکر شده است.

تأیید گزینه ب: در متن بیان شده «مدرسه ابتدایی پایه‌ای به عنوان جایگزینی برای نظام مدرسه ناحیه‌ای قدیمی مطرح شد.».

۷. اصلاحاتی که هوراس مان به آن‌ها دست یافت ..... .

الف) در آن زمان افراطی نبودند

ب) فقط توسط ایالت ماساچوست به کار گرفته می‌شدند

ج) بعدتر به عنوان مدلی برای کشور به تصویب رسیدند

د) توسط هیأت وکلای ماساچوست اجرا شدند

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم بیان شده که «اصلاحات ماساچوست که در آن زمان افراطی محسوب می‌شد بعدها به عنوان مدلی برای نظام آموزشی کشور مطرح شد.».

۸. احتمال موافقت هوراس مان با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

الف) به شیوه‌های جدید فکر کنید.

ب) به دیگران کمک کنید.

ج) تا جای ممکن درس بخوانید.

د) سخت کار کنید.

گزینه ب صحیح است.

مفهوم پاراگراف آخر، گزینه ب را تأیید می‌کند.

متن ۱۱

معماری ارگانیک که همان معماری طبیعی است، ممکن است در مفهوم و شکل متفاوت باشد، اما همیشه به اصول طبیعی وفادار است. معمار که خود را وقف ترویج معماری ارگانیک کرده است، به طور آشکار تمام قوانین تحمیل شده از سوی مراجع فردی و یا زیبایی‌شناسی صرف را رد می‌کند تا به طبیعت مکان، مصالح، هدف بنا، و افرادی که **در نهایت** از آن استفاده می‌کنند پایبند بماند. اگر این اصول طبیعی **رعایت شوند**، یک بانک شبیه به یک معبد یونانی نمی‌تواند ساخته شود. شکل، تابع عملکرد نیست، بلکه شکل و عملکرد دو جنبه لاینفک یک پدیده هستند. به بیان دیگر، یک ساختمان باید از اشکال طبیعی الهام بگیرد و با مصالحی ساخته شود که ویژگی‌های طبیعی یک مکان را حفظ کرده و به آن‌ها احترام می‌گذارد تا میان بنا و محیط طبیعی‌اش هماهنگی ایجاد کنند. باید میزان تماس و استفاده افراد از محیط بیرون را به حداکثر برساند. علاوه بر این، قانون کارکردگرایی باید رعایت شود؛ یعنی، اصل حذف کردن هر چیزی که هدف عملی ندارد.

بنابراین، اصول طبیعی، یک سری اصول طراحی، و نه سبک، هستند که توسط ابزار و شیوه‌های ساخت‌وسازی نشان داده می‌شوند که وحدت، تعادل، تناسب، ریتم، و مقیاس را منعکس می‌کنند. مثل یک مجسمه‌ساز، معمار ارگانیک به مکان و مصالح به عنوان یک شکل ذاتی که به صورت ارگانیک از درون توسعه می‌یابد، می‌نگرد. حقیقت در معماری به یک بنای طبیعی و خود به خودی می‌انجامد که در هماهنگی کامل با موقعیت است. در اکثر موارد، این بناها اشکال هندسی خود را در خطوط زمین و رنگ‌هایشان را در پالت طبیعی اطرافشان می‌یابند.

از بیرون، یک بنای ارگانیک بیش از آن که توسط طبیعت **پنهان شود**، بخشی از طبیعت به نظر می‌رسد. به بیان دیگر، برای چشم انسان جداسازی بنای مصنوعی از زمین طبیعی آسان و شاید حتی ممکن نیست. نور، هوا، و چشم‌انداز طبیعی کل بنا را در بر می‌گیرد و یک حس ارتباطی با محیط بیرون از منزل ایجاد می‌کند. از داخل، فضاهای زندگی به روی یکدیگر باز می‌شوند. تعداد دیوارهای اتاق‌های جداگانه به حداقل رسیده است و اجازه می‌دهد فضاهای کارکردی در جریان باشند. علاوه بر این، فضاهای داخلی پراکنده هستند. معماری ارگانیک سازه‌های داخل ساختمان مانند نیمکت‌ها و فضاهای انباری را با هم ترکیب می‌کند تا جای مبلمان را بگیرند.

۱. بر اساس متن، نام دیگر معماری ارگانیک چیست؟

الف) معماری طبیعی

ب) معماری زیبایی‌شناسی

ج) معماری اصولی

د) معماری گوناگون

گزینه الف صحیح است.

جمله اول متن، گزینه الف را تأیید می‌کند.

۲. کلمه در نهایت در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) خوشبختانه

ب) سرانجام

ج) ظاهراً

د) بدیهی است

گزینه ب صحیح است.

هنگامی فرد از ساختمان استفاده می‌کند که بنا به اتمام رسیده باشد. بنابراین در جمله «افرادی که **در نهایت** از آن استفاده می‌کنند»، مقصود از واژه ultimately، می‌تواند «نهایتاً، در پایان و سرانجام» باشد.

۳. معنای کلمه رعایت شوند در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) بی‌اعتبار شود

ب) مورد بحث قرار داده شود

ج) ترویج داده شود

د) درک شود

گزینه ج صحیح است.

«اگر این اصول طبیعی **رعایت شوند**، یک بانک شبیه به یک معبد یونانی نمی‌تواند ساخته شود.».

در جمله قبل مجموعه‌ای از اصول شامل پایبندی به ویژگی‌های مکان، کاربران و ... بیان شده است. در انتهای این جمله در مورد متفاوت شدن بانک از معبد یونانی صحبت شده است. بنابراین با رعایت و ترویج این اصول می‌توان به این امر دست یافت.

۴. تمام مثال‌های زیر نمونه‌ای از معماری طبیعی هستند به غیر از ..... .

الف) بانکی که ساخته می‌شود تا شبیه یک معبد یونانی باشد

ب) بانکی که ساخته شده تا موقعیت برای بنا مهم باشد

ج) بانکی که ساخته می‌شود تا با رنگ‌های طبیعت اطرافش مطابقت داشته باشد

د) بانکی که ساخته می‌شود تا کارکردی باشد تا زیبا

گزینه الف صحیح است.

پاراگراف اول متن، این گزینه را رد می‌کند.

۵. چرا نویسنده معمار ارگانیک را با مجسمه‌ساز مقایسه می‌کند؟

الف) تا بر زیبایی‌شناسی تأکید کند.

ب) تا مثالی از اصول طبیعی ارائه کند.

ج) تا به نکته‌ای در مورد توسعه هندسی اشاره کند.

د) تا اهمیت سبک را نشان دهد.

گزینه ب صحیح است.

این جمله، گزینه ب را تصدیق می‌کند: «مثل یک مجسمه‌ساز، معمار ارگانیک به مکان و مصالح به عنوان یک شکل ذاتی که به صورت ارگانیک از درون توسعه می‌یابد، می‌نگرد.»

۶. معنای کلمه پنهان شود در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) دیدنش سخت است

ب) تقاضایش بالاست

ج) زیاد جذاب نیست

د) متقابلاً سودمند است

گزینه الف صحیح است.

در این جمله بیان شده که «از بیرون، یک بنای ارگانیک بیش از آن که توسط طبیعت **پنهان شود**، بخشی از طبیعت به نظر می‌رسد.».

با توجه به مفهوم جمله بعد، می‌توان استنباط کرد که obscured به معنای پنهان شدن در طبیعت است.

۷. احتمال موافقت نویسنده با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

الف) شکل تابع عملکرد است.

ب) عملکرد تابع شکل است.

ج) عملکرد برای شکل مهم نیست.

د) شکل و عملکرد یکی هستند.

گزینه د صحیح است.

در متن اظهار شده که «شکل، تابع عملکرد نیست، بلکه شکل و عملکرد دو جنبه لاینفک یک پدیده هستند.».

۸. کدام یک از موارد زیر نگرش معمار به طبیعت را بهتر توصیف می‌کند؟

الف) طبیعت باید تسخیر شود.

ب) طبیعت نباید در نظر گرفته شود.

ج) طبیعت باید محترم شمرده شود.

د) طبیعت باید توسعه یابد.

گزینه ج صحیح است.

با توجه به این جمله در پاراگراف اول «یک ساختمان باید از اشکال طبیعی الهام بگیرد و با مصالحی ساخته شود که ویژگی‌های طبیعی یک مکان را حفظ کرده و به آن‌ها احترام می‌گذارد»، گزینه ج صحیح است.

متن ۱۲

اگر چه هدف و تکنیک‌های کیمیاگری اغلب جادویی بودند، از بسیاری جهات کیمیاگری جد علم مدرن شیمی است. اصل بنیادی کیمیاگری از بهترین اصول عقاید فلسفی و فعالیت‌های علمی آن زمان گرفته شد و اکثریت افراد تحصیل کرده که بین سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۶۰۰ می‌زیستند بر این باور بودند که کیمیاگری بسیار ارزشمند است.

اولین آثار **معتبر** در مورد کیمیاگری اروپایی متعلق به راهب انگلیسی راجر بیکن و فیلسوف آلمانی آلبرتوس ماگنوس مقدس هستند. آن‌ها در رساله‌های خود ادعا می‌کردند که طلا فلز کامل است و فلزهای پایین‌تر مانند سرب و جیوه با درجات مختلفی از نقص از طلا برداشته شده‌اند. آن‌ها در ادامه اظهار داشتند که این فلزات پایه را با مخلوط کردن با ماده‌ای کامل‌تر از طلا می‌توان به طلا تبدیل کرد. از این ماده فرار با نام «سنگ فیلسوف» یاد می‌شد. فرآیند مورد نظر استحاله نام گرفته بود.

تعداد زیادی از اولین کیمیاگران صنعتگرانی بودند که عادت به نگه داشتن اسرار تجاری داشتند و اغلب برای ثبت روند کار خود به اصطلاحات **رمزی** متوسل می‌شدند. اصطلاح خورشید برای طلا استفاده می‌شد، ماه برای نقره، و پنج سیاره شناخته‌شده برای فلزات پایه. سنت جایگزینی زبان نمادین برخی از فلاسفه عرفانی را که جست‌وجوی فلز کامل با کوشش بشر برای تکامل روح مقایسه می‌کردند، جذب کرد. فلاسفه اصطلاحات صنعتگران را در ادبیات عرفانی که خلق می‌کردند به کار بردند. بنابراین، تا قرن چهاردهم، کیمیاگری دو گروه مجزا از شاغلین ایجاد کرده بود -کیمیاگر عرفانی و کیمیاگر ادبی. در طول تاریخ کیمیاگری، هر دو گروه کیمیاگران به کار خود ادامه دادند، اما، البته، کیمیاگر ادبی بود که بیشتر فعالیت‌هایش را مکتوب می‌کرد؛ بنابراین، بیشتر اطلاعاتی که از علم کیمیاگری داریم به جای آن که از کیمیاگرانی که در آزمایشگاه‌ها سخت کار می‌کردند گرفته شده باشد از فلاسفه به‌دست آمده است.

با وجود قرن‌ها آزمایش، کیمیاگران آزمایشگاهی موفق نشدند از سایر مواد طلا تولید کنند. هر چند، دانش گسترده‌ای در زمینه مواد شیمیایی به دست آوردند، خواص شیمیایی را کشف کردند، و بسیاری از ابزار و تکنیک‌های مورد استفاده شیمی‌دان‌های امروزی را اختراع کردند. بسیاری از کیمیاگران آزمایشگاهی خود را خالصانه وقت کشف علمی ترکیبات و واکنش‌های جدید کردند و بنابراین، باید پدران بر حق شیمی مدرن محسوب شوند. آن‌ها همچنان خود را کیمیاگر می‌نامیدند در حالی که تبدیل به شیمی‌دان‌هایی واقعی شده بودند.

۱. کدام یک موضوع اصلی متن است؟

الف) کیمیاگران آزمایشگاهی و ادبی هر دو وجود داشتند.

ب) فلزات پایه می‌توانند از طریق مخلوط شدن با فلزی کامل‌تر از طلا به طلا تبدیل شوند.

ج) راجر بیکن و آلبرتوس ماگنوس مقدس در مورد کیمیاگری نوشتند.

د) کیمیاگری جد شیمی مدرن بود.

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: تنها بخشی از پاراگراف سوم در این رابطه است.

رد گزینه ب: تنها در پاراگرف دوم بدان پرداخته شده، ضمن این که فقط یک ادعا است.

رد گزینه ج: تنها در پاراگرف دوم بدان پرداخته شده و موضوع اصلی متن نیست.

تأیید گزینه د:

جملات اول پاراگراف‌ها و آخر متن به شرح ذیل است:

- اگر چه هدف و تکنیک‌های کیمیاگری اغلب جادویی بودند، از بسیاری جهات کیمیاگری جد علم مدرن شیمی است.
- اولین آثار معتبر در مورد کیمیاگری اروپایی متعلق به راهب انگلیسی راجر بیکن و فیلسوف آلمانی آلبرتوس ماگنوس مقدس هستند.
- تعداد زیادی از اولین کیمیاگران صنعتگرانی بودند که عادت به نگه دا شتن ا سرار تجاری دا شتند و اغلب برای ثبت روند کار خود به اصطلاحات رمزی متوسل می‌شدند.
- با وجود قرن‌ها آزمایش، کیمیاگران آزمایشگاهی موفق نشدند از سایر مواد طلا تولید کنند.
- آن‌ها همچنان خود را کیمیاگر می‌نامیدند در حالی که تبدیل به شیمی‌دان‌هایی واقعی شده بودند.

بنابراین متن در مجموع در رابطه با کیمیاگری و شیمی است.

۲. کلمه معتبر در پاراگراف دوم بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) ارزشمند

ب) اصل

ج) کامل

د) جامع

گزینه ب صحیح است.

چون در این جمله با دقت در مورد ا سامی ایجادکننده‌های آثار ا شاره شده ا ست، بنابراین authentic مفهوم «معتبر و موثق» را می‌تواند داشته باشد.

۳. بر اساس نظر کیمیاگران، تفاوت فلزات پایه و طلا چیست؟

الف) کمال

ب) محتوای شیمیایی

ج) دما

د) وزن

گزینه الف صحیح است.

در متن بیان شـده که «طلا فلز کامل اسـت و فلزهای پایین‌تر مانند سـرب و جیوه با درجات مختلفی از نقص از طلا برداشـته شده‌اند.».

۴. بر اساس متن، «سنگ فیلسوف» چیست؟

الف) سربی که با طلا ترکیب شده بود.

ب) عنصری که هرگز یافت نشد.

ج) نام دیگری برای کیمیاگری

د) یک فلز پایه

گزینه ب صحیح است.

رد گزینه الف و ج و د: در متن گفته شده که «این فلزات پایه را با مخلوط کردن با ماده‌ای کامل‌تر از طلا می‌توان به طلا تبدیل کرد. از این ماده فرار با نام «سنگ فیلسوف» یاد می‌شد.».

تأیید گزینه ب: در متن بیان شده که «کیمیاگران آزمایشگاهی موفق نشدند از سایر مواد طلا تولید کنند.»، بنابراین سنگ فیلسوف هم هرگز یافت نشده است.

۵. کلمه رمزی در پاراگراف سوم بهتر است با کدام یک از موارد زیر جایگزین شود؟

الف) عالمانه

ب) مخفی

ج) خارجی

د) دقیق

گزینه ب صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله قبل که در مورد «نگه داشتن اسرار تجاری» گفته شده، cryptic باید مفهومی از این نوه داشته باشد.

۶. در پاراگراف سوم، نویسنده اشاره می‌کند که ما در مورد تاریخ کیمیاگری می‌دانیم چون ..... .

الف) کیمیاگران آزمایشگاهی یادداشت‌ها را مخفی نگه می‌داشتند

ب) کیمیاگران ادبی به صورت مکتوب آن را ثبت نمودند

ج) فلاسفه عرفانی نتوانستند رموز کیمیاگری را مخفی کنند

د) مورخان توانستند نوشته‌های مخفی کیمیاگران را تفسیر کنند

گزینه ب صحیح است.

در متن آمده است که «کیمیاگر ادبی بود که بیشتر فعالیت‌هایش را مکتوب می‌کرد.». بنابراین گزینه ب صحیح است. اگر چه گزینه الف نیز به نظر صحیح می‌آید، اما مخفی بودن یادداشت‌های کیمیاگران آزمایشگاهی، دلیلی برای ناآگاهی ما در جنبه‌های آزمایشگاهی است و نه دانستن در رابطه با تاریخ کیمیاگری.

۷. چرا اولین کیمیاگران از اصطلاحات خورشید و ماه استفاده می‌کردند؟

الف) تا کار خود را مخفی نگه دارند.

ب) تا کار خود را ادبی‌تر کنند.

ج) تا فلاسفه را جذب کنند.

د) تا رکوردی مکتوب خلق کنند.

گزینه الف صحیح است.

کیمیاگران عادت به نگه داشتن اسرار تجاری داشتند و به‌عنوان رمز از اصطلاحات رمزی استفاده می‌کردند (یعنی مثلاً به جای طلا از رمزِ خورشید استفاده می‌کردند). پس دلیل استفاده صنعتگران از اصطلاحات رمزی، مخفی نگه داشتن اطلاعات تجاری خودشان بوده است.

۸. اولین کیمیاگران چه کسانی بودند؟

الف) شیمی‌دان‌ها

ب) نویسندگان

ج) صنعتگران

د) زبان‌شناسان

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم آورده شده که «تعداد زیادی از اولین کیمیاگران صنعتگرانی بودند...»

۹. احتمال موافقت نویسنده با کدام یک از موارد زیر بیشتر است؟

الف) کیمیاگری باید یک شکست کامل در نظر گرفته شود.

ب) اکتشافات بسیار مهمی توسط کیمیاگران صورت گرفت.

ج) بسیاری افراد تحصیل‌کرده کیمیاگری را در دوره‌ای که انجام می‌شد رد کردند.

د) کیمیاگران ادبی مهم‌تر از کیمیاگران آزمایشگاهی بودند.

گزینه ب صحیح است.

پاراگراف آخر متن، صحت گزینه ب را تأیید می‌کند.

متن ۱۳

چشمه آب گرم حاصل آب زیرزمینی است که تحت شرایط ترکیبی دماهای بالا و فشار افزایش‌یافته زیر سطح زمین است. از آن‌جا که دما تا ۱ درجه فارنهایت در هر شصت فوت زیر سطح زمین افزایش می‌یابد، و فشار با عمق افزایش می‌یابد، آبی که به شکاف‌ها و ترک‌ها تراوش می‌کند تا **آن** به صخره‌های خیلی داغ درون زمین برسد تا دمای حدود ۲۹۰ درجه فارنهایت داغ می‌شود.

آب تحت فشار می‌تواند در دماهای بالاتر از نقطه جوش خود به صورت مایع باقی بماند ولی در چشمه آب گرم، وزن آب نزدیک تر به سطح به اندازه‌ای به آب عمقی‌تر فشار وارد می‌کند که آب زیر چشمه آب گرم به دماهای بالاتری نسبت به آب بالای چشمه آب گرم می‌رسد. همان‌طور که آب عمقی داغ‌تر و در نتیجه سبک‌تر می‌شود، ناگهان به سطح صعود می‌کند و به شکل بخار و آب داغ از سطح پرتاب می‌شود. به دنبال آن، انفجار تمام آب موجود در مخزن چشمه آب گرم را تحریک می‌کند و انفجارهای بیشتری را ایجاد می‌کند. بلافاصله پس از آن، آب دوباره به سمت مخزن زیرزمینی سرازیر می شود، گرمایش آغاز می‌شود و فرآیند تکرار می‌شود.

بنابراین به منظور عمل کردن، چشمه آب گرم باید دارای یک منبع گرمایی، یک مخزن که آب بتواند در آن‌جا ذخیره شود تا دما تا نقطه ناپایداری افزایش یابد، یک شکاف که از طریق آن آب داغ و بخار بتوانند خارج شوند، و کانال‌هایی زیرزمینی برای تأمین مجدد آب پس از فوران باشد.

شرایط مطلوب برای چشمه‌های آب گرم در مناطقی وجود دارد که اخیراً از نظر زمین‌شناسی فعالیت آتشفشانی داشته‌اند، به خصوص در نواحی دارای بارندگی بیش از حد متوسط. در اکثر موارد، چشمه‌های آب گرم در سه منطقه از جهان واقع شده‌اند: نیوزلند، ایسلند، و منطقه پارک ملی یلواستون ایالات متحده. معروف‌ترین چشمه آب گرم جهان اُلد فیثفول (وفادار قدیمی) در پارک یلواستون است. اُلدفیثفول در هر ساعت یک بار فوران می‌کند و تا ارتفاع ۱۲۵ تا ۱۷۰ فوت صعود می‌کند و در هر فوران ده هزار گالن **خارج می‌کند**. الد فیثفول نامش را به این دلیل به دست آورده است که برخلاف اکثر چشمه‌های آب گرم، اُلد فیثفول در طول هشتاد سال مشاهده یک بار هم نشده که طبق برنامه فوران نکند.

۱. کدام یک از موارد زیر موضوع اصلی متن است؟

الف) چشمه آب گرم اُلدفیثفول در پارک ملی یلواستون است.

ب) طبیعت چشمه‌های آب گرم

ج) نسبت دما به فشار در آب زیرزمینی

د) نواحی که از نظر زمین‌شناسی فعالیت اخیر آتشفشانی داشتند.

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر، صحت گزینه ب را تأیید می‌کند:

- چشمه آب گرم حاصل آب زیرزمینی است که تحت شرایط ترکیبی دماهای بالا و فشار افزایش‌یافته زیر سطح زمین است.
- آب تحت فشار می‌تواند در دماهای بالاتر از نقطه جوش خود به صورت مایع باقی بماند ولی در چشمه آب گرم، وزن آب نزدیک‌تر به سطح به اندازه‌ای به آب عمقی‌تر فشار وارد می‌کند که آب زیر چشمه آب گرم به دماهای بالاتری نسبت به آب بالای چشمه آب گرم می‌رسد.

- بنابراین به منظور عمل کردن، چشمه آب گرم باید دارای یک منبع گرمایی، یک مخزن که آب بتواند در آن‌جا ذخیره شود.
- شرایط مطلوب برای چشمه‌های آب گرم در مناطقی وجود دارد که اخیراً از نظر زمین‌شناسی فعالیت آتشفشانی داشته‌اند.
- الد فیثفول نامش را به این دلیل به دست آورده است که برخلاف اکثر چشمه‌های آب گرم، اُلد فیثفول در طول هشتاد سال مشاهده یک بار هم نشده که طبق برنامه فوران نکند.

۲. برای این‌که چشمه آب گرم فوران کند ..... .

الف) صخره‌های داغ باید تا سطح زمین صعود کنند

ب) آب باید به سمت زیر زمین سرازیر شود

ج) باید روز گرمی باشد

د) زمین نباید ناهموار یا شکسته باشد

گزینه الف صحیح است.

در پاراگراف سوم، این موضوع توضیح داده شده است.

۳. کلمه آن در پاراگراف اول اشاره دارد به ..... .

الف) آب

ب) عمق

ج) فشار

د) سطح

گزینه الف صحیح است.

مفهوم جمله قبل در ارتباط با این جمله، نشان می‌دهد که it به water بازمی‌گردد و به لحاظ تعداد نیز با هم تطابق دارند.

۴. همان‌طور که عمق افزایش می‌یابد ..... .

الف) فشار افزایش می‌یابد اما دما افزایش نمی‌یابد

ب) دما افزایش می‌یابد اما فشار افزایش نمی‌یابد

ج) فشار و دما هر دو افزایش می‌یابند

د) فشار و دما هیچ کدام افزایش نمی‌یابند

گزینه ج صحیح است.

بر اساس این جمله از متن «از آن‌جا که دما تا ۱ درجه فارنهایت در هر شصت فوت زیر سطح زمین افزایش می‌یابد، و فشار با عمق افزایش می‌یابد، ...»، گزینه ج صحیح است.

۵. چرا نویسنده به نیوزلند و ایسلند در پاراگراف چهارم اشاره می‌کند؟

الف) تا نواحی بسیار فعال آتشفشانی را با هم مقایسه کند.

ب) تا پارک ملی یلواستون را توصیف کند.

ج) تا مثال‌هایی از نواحی موقعیتی چشمه‌های آب گرم ارائه کند.

د) تا دو ناحیه که چشمه‌های آب گرم یافت می‌شوند را ذکر کند.

گزینه ج صحیح است.

در متن گفته شده که «در اکثر موارد، چشمه‌های آب گرم در سه منطقه از جهان واقع شده‌اند: نیوزلند، ایسلند، و منطقه پارک ملی یلواستون ایالات متحده.».

۶. اُلدفیثفول هر چند وقت یک بار فوران می‌کند؟

الف) هر ۱۰ دقیقه یک بار

ب) هر ۶۰ دقیقه یک بار

ج) هر ۱۲۵ دقیقه یک بار

د) هر ۱۷۰ دقیقه یک بار

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف چهارم اشاره شده که «اُلدفیثفول در هر ساعت یک بار فوران می‌کند».

۷. معنای کلمه خارج می‌کند در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) آتش می‌زند

ب) تخلیه می‌کند

ج) تأمین می‌کند

د) هدر می‌دهد

گزینه ب صحیح است.

در این بخش از متن به فوران کردن و خروج مواد از آتشفشان اشاره شده است، بنابراین expelling مفهومی از این نوع دربردارد.

۸. منظور نویسنده از جمله «الد فیثفول نامش را به این دلیل به دست آورده است که بر خلاف اکثر چشمه‌های آب گرم، اُلد فیثفول در طول هشتاد سال مشاهده یک بار هم نشده که طبق برنامه فوران نکند» چیست؟

الف) اُلد فیثفول همیشه طبق برنامه فوران می‌کند.

ب) اُلد فیثفول معمولاً قابل پیش‌بینی است.

ج) فوران اُلد فیثفول مانند سایر چشمه‌های آب گرم قابل پیش‌بینی است.

د) اُلد فیثفول نام خود را به این دلیل دریافت کرده است که برای سال‌های زیادی مشاهده شده است.

گزینه الف صحیح است.

۹. بر اساس متن، برای عملکرد چشمه آب گرم چه عواملی لازم است؟

الف) یک منبع گرما، مکانی برای جمع شدن آب، یک شکاف، و کانال‌های زیرزمینی

ب) یک آتشفشان فعال نزدیک و یک منبع ذخیره آب

ج) کانال‌هایی درون زمین و بارش سنگین باران

د) فعالیت آتشفشانی، کانال‌های زیرزمینی، و بخار

گزینه الف صحیح است.

پاراگراف سوم متن در این باره است:

«بنابراین به منظور عمل کردن، چشمه آب گرم باید دارای یک منبع گرمایی، یک مخزن که آب بتواند در آن‌جا ذخیره شود تا دما تا نقطه ناپایداری افزایش یابد، یک شکاف که از طریق آن آب داغ و بخار بتوانند خارج شوند، و کانال‌هایی زیرزمینی برای تأمین مجدد آب پس از فوران باشد.»

متن ۱۴

این سؤال اغلب مطرح شده است: چرا تلاش برادران رایت برخلاف سایرین موفقیت‌آمیز بود؟ توضیحات زیادی در این زمینه ارائه شده است اما اغلب به سه دلیل **اشاره می شود**. اول این که آن‌ها یک تیم بودند. هر دو با همکاری و هماهنگی کار می‌کردند، کتاب‌های یکسانی می‌خواندند، اطلاعات را تعیین می‌کردند و به اشتراک می‌گذاشتند، **دائماً** در مورد امکان پرواز سرنشین‌دار صحبت می‌کردند، و برای یکدیگر به منزله منبع الهام و تشویق بودند. کاملاً به سادگی، دو نابغه بهتر از یکی است.

هر دو خلبان گلایدر بودند. بر خلاف سایر مهندسانی که نظریه‌های پرواز را می‌آزمودند، اوویل و ویلبر رایت جوانب عملی ایرودینامیک را با ساخت و پرواز دادن کایت‌ها و گلایدرها می‌آزمودند. هر سازه جدیدی که می‌ساختند نسبت به قبلی بهتر بود چرا که دانش به دست آمده از شکست‌های قبلی را به کار می‌گرفتند. آن‌ها از آزمایشات خود متوجه شده بودند که چالش جدی در پرواز سرنشین‌دار پایداری و مانور هواپیما زمانی که در پرواز است می‌باشد. در حالی که سایرین تلاش خود را روی مسأله به‌دست آوردن ارتفاع برای برخاستن هواپیما متمرکز کرده بودند، برادران رایت بر ایجاد یک کنترل سه‌محوری برای هدایت هواپیمایشان تمرکز کرده بودند. در آن زمان که برادران شروع به ساخت هواپیما کردند از بهترین خلبانان گلایدر جهان بودند؛ آن‌ها مستقیماً با مشکلات حرکت در هوا سر و کار داشتند.

به علاوه، برادران رایت بال‌های مؤثرتری نسبت به نمونه‌هایی که قبلاً مهندسی شده بود طراحی کرده بودند. با استفاده از یک تونل بادی، آن‌ها بیش از دویست طراحی مختلف بال را آزمایش کردند و تأثیرات اختلافات جزئی در شکل را بر فشار هوا بر بال‌ها ثبت کردند. اطلاعات به دست آمده از این آزمایش‌ها به برادران رایت اجازه داد که یک بال برتر برای هواپیمایشان بسازند.

اگرچه با وجود این مزایا، اگر برادران رایت دقیقاً در زمان مناسبی از تاریخ متولد نشده بودند ممکن بود موفق نشوند. تلاش‌ها برای دستیابی به پرواز سرنشین‌دار در اوایل قرن نوزدهم **شکست خوردند** چرا که موتورهای بخار که نیروی هواپیما را تأمین می‌کردند به نسبت نیرویی که تولید می‌کردند بسیار سنگین بودند. اما در پایان قرن نوزدهم، زمانی که برادران در حال آزمایش

گزینه‌های مهندسی بودند، یک موتور احتراقی داخلی نسبتاً سبک قبلاً اختراع شده بود و آن‌ها قادر بودند نسبت وزن به نیرو را در محدوده قابل قبول برای پرواز به دست بیاورند.

۱. کدام یک از موارد زیر موضوع اصلی متن است؟

الف) دلایل موفقیت برادران رایت در دستیابی به پرواز سرنشین‌دار

ب) مزیت موتور احتراقی داخلی در آزمایشات برادران رایت

ج) تجربه برادران رایت به عنوان خلبان

د) اهمیت گلایدرها در توسعه هواپیماها

گزینه الف صحیح است.

همه جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن، صحت گزینه الف را نشان می‌دهد:

- این سؤال اغلب مطرح شده است: چرا تلاش برادران رایت برخلاف سایرین موفقیت‌آمیز بود؟
- به علاوه، برادران رایت بال‌های مؤثرتری نسبت به نمونه‌هایی که قبلاً مهندسی شده بود طراحی کرده بودند.
- اگرچه با وجود این مزایا، اگر برادران رایت دقیقاً در زمان مناسبی از تاریخ متولد نشده بودند ممکن بود موفق نشوند.

۲. معنای کلمه اشاره می‌شود در پاراگراف اول به کدام یک از موارد زیر نزدیک‌تر است؟

الف) نادیده گرفته می‌شود

ب) ذکر می‌شود

ج) در نظر گرفته می‌شود

د) ثابت می‌شود

گزینه ب صحیح است.

«توضیحات زیادی در این زمینه ارائه شده است اما اغلب به سه دلیل **اشاره می‌شود**.»

با توجه به مفهوم جمله اول می‌تواند حدس زد cited به معنای «گفتن، بیان کردن و ذکر کردن» است.

۳. کلمه دائماً در پاراگراف اول بهتر است با کدام یک از موارد زیر جایگزین شود؟

الف) مطمئناً

ب) هوشمندانه

ج) به طور مدارم

د) خوشبینانه

گزینه ج صحیح است.

در این بخش به همکاری همیشگی آن‌ها اشاره شده و بنابراین می‌توان حدس زد که incessantly نیز معنای «همیشگی، دائماً و به طور مداوم» دارد.

۴. برادران رایت دارای چه تجربه‌ای بودند که آن‌ها را از رقبایشان متمایز می‌کرد؟

الف) نابغه بودند.

ب) خلبان گلایدر بودند.

ج) مهندس بودند.

د) مخترع بودند.

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف دوم به توضیح این موضوع پرداخته شده است.

۵. چرا نویسنده به اهمیت آزمایشات با تونل بادی اشاره می‌کند؟

الف) زیرا آن‌ها به برادران رایت اجازه دادند که وزن هواپیمای خود را تا محدوده قابل قبولی پایین بیاورند.

ب) زیرا آن‌ها منجر به کنترل سه محوری هواپیمایشان شدند.

ج) زیرا در اصلاح بال‌های هواپیمایشان مؤثر بودند.

د) زیرا آن‌ها از اطلاعات برای بهبود موتور هواپیمایشان استفاده می‌کردند.

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم در این باره توضیح داده شده است.

۶. کلمه آن‌ها در پاراگراف سوم اشاره دارد به ..... .

الف) برادران رایت

ب) هواپیما

ج) موتورها

د) تلاش‌ها

گزینه الف صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله، قابل درک است که they به Wright brothers برمی‌گردد که به لحاظ تعداد نیز همخوانی دارند.

۷. معنای کلمه شکست خوردند در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) محکوم به شکست بود

ب) رسیدن به آن‌ها دشوار بود

ج) خطر کردن بود

د) به خوبی برنامه‌ریزی نشده بود

گزینه الف صحیح است.

«تلاش‌ها برای دستیابی به پرواز سرنشین‌دار در اوایل قرن نوزدهم **شکست خوردند** چرا که موتورهای بخار که نیروی هواپیما را تأمین می‌کردند به نسبت نیرویی که تولید می‌کردند بسیار سنگین بودند.»

در ادامه جمله به ایرادی پرداخته شده است، بنابراین تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبوده و شکست خورده بوده است و doomed نیز همین معنا را دارد.

۸. در پاراگراف چهارم، نویسنده اشاره می‌کند که استفاده از موتورهای بخار در هواپیماهای قبلی با شکست مواجه شده بود زیرا ..... .

الف) برای آن که بتوانند نیروی یک هواپیمای بزرگ را تأمین کنند بسیار کوچک بودند.

ب) برای تولید نیروی کافی بسیار سبک بودند.

ج) نیروی احتراقی داخلی نداشتند.

د) نیروی کافی برای بلند کردن وزن خود را نداشتند.

گزینه د صحیح است.

در متن توضیح داده شده که «تلاش‌ها برای دستیابی به پرواز سرنشین‌دار در اوایل قرن نوزدهم شکست خوردند چرا که موتورهای بخار که نیروی هواپیما را تأمین می‌کردند به نسبت نیرویی که تولید می‌کردند بسیار سنگین بودند.».

متن ۱۵

سیستم فدرال رزرو یک آژانس مستقل دولت ایالات متحده است که مسئولیت **نظارت** بر نظام بانکی ملی را بر عهده دارد. از سال ۱۹۱۳، سیستم فدرال رزرو که اغلب فِد (Fed) نامیده می‌شود به عنوان بانک مرکزی ایالات متحده عمل کرده است. این سیستم متشکل از دوازده بانک رزرو منطقه‌ای و شعب آن‌ها به همراه چندین کمیته و شورا است. تمام بانک‌های ملی بنا بر قانون مستلزم به عضویت در فِد هستند و تمام نهادهای سپرده‌برداری مانند اتحادیه‌های اعتباری مشمول قوانین فِد در زمینه مقدار بودجه سپرده، که باید ذخیره نگه داشته شود و در نتیجه بنا بر تعریف، برای وام غیر قابل دسترس است، هستند. قدرتمندترین نهاد هیأت هفت‌نفره فرمانداران در واشنگتن هستند که توسط رئیس جمهور تعیین شدند و توسط مجلس سنا **تأیید شدند**.

کارکرد اصلی سیستم کنترل سیاست‌های پولی توسط تأثیر بر هزینه و در دسترس بودن پول و اعتبار از طریق خرید و فروش **اوراق بهادار** دولتی است. اگر فدرال رزرو پول خیلی کمی فراهم کند، نرخ سود افزایش می‌یابد، استقراض گران می‌شود، فعالیت تجاری کند می‌شود، بی‌کاری افزایش می‌یابد، و خطر رکود اقتصادی بیشتر می‌شود. اگر پول زیادی وجود داشته باشد، نرخ سود کاهش می‌یابد، و استقراض می‌تواند موجب تقاضای بیش از حد و افزایش قیمت‌ها شود و به تورم دامن بزند.

فِد مسئولیت‌های بسیار زیادی علاوه بر کنترل عرضه پول دارد. در همکاری با وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، فِد سکه و ارز کاغذی را توسط صدور آن‌ها به بانک‌ها به گردش می‌اندازد. همچنین بر فعالیت‌های بانک‌های خارجی عضو نظارت می‌کنند و جنبه‌های خاصی از امور مالی بین‌المللی را تنظیم می‌کند.

گفته شده است که فدرال رزرو در واقع شعبه چهارم دولت ایالات متحده است چرا که از سیاست‌گذاران ملی تشکیل شده است. با این حال، در عمل، فدرال رزرو از محدوده سیاست‌های مالی ایجاد شده توسط شاخه اجرایی دولت خارج نمی شود. اگرچه درست است که فِد برای اختصاص بودجه به کنگره وابسته نیست و در نتیجه از سیاست‌های حزبی که بسیاری از دیگر

نهادهای دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد مستقل است، با این وجود هنوز مسئول گزارش‌های مکرر به کنگره در مورد اداره سیاست‌های پولی است.

۱. کدام یک از موارد زیر عنوان مناسب‌تری برای متن است؟

الف) بانک‌داری

ب) سیستم فدرال رزرو

ج) هیأت فرمانداران

د) سیاست‌های پولی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن، گزینه ب را تأیید می‌کند:

- سیستم فدرال رزرو یک آژانس مستقل دولت ایالات متحده است که مسئولیت نظارت بر نظام بانکی ملی را بر عهده دارد.

- کارکرد اصلی سیستم کنترل سیاست‌های پولی توسط تأثیر بر هزینه و در دسترس بودن پول و اعتبار از طریق خرید و فروش اوراق بهادار دولتی است.

- فدر مسئولیت‌های بسیار زیادی علاوه بر کنترل عرضه پول دارد.

- گفته شده است که فدرال رزرو در واقع شعبه چهارم دولت ایالات متحده است چرا که از سیاست‌گذاران ملی تشکیل شده است.

۲. معنای کلمه نظارت در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) سرپرستی

ب) نگهداری

ج) تأمین مالی

د) تحریک

گزینه الف صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله، معنای «سرپرستی و نظارت» برای واژه overseeing قابل برداشت است.

۳. کلمه تأیید شدند در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) اصلاح شدند

ب) در نظر گرفته شدند

ج) بررسی شدند

د) تصویب شدند

گزینه د صحیح است.

مفهوم جمله قبل که در رابطه با تعیین شدن است، نشان می‌دهد که در جمله بعد احتمالاً صحبت از تصدیق شدن و تأیید شدن باید باشد و confirmed نیز چنین معنایی در بردارد.

۴. بر اساس متن، مسئولیت اصلی سیستم فدرال رزرو ..... .

الف) قرض گرفتن پول است

ب) تنظیم سیاست‌های پولی است

ج) چاپ اوراق بهادار دولتی است

د) تعیین هیأت فرمانداران است

گزینه ب صحیح است.

در متن گفته شده که «کارکرد اصلی سیستم کنترل سیاست‌های پولی توسط تأثیر بر هزینه و در دسترس بودن پول و اعتبار از طریق خرید و فروش اوراق بهادار دولتی است.».

۵. مراد از معنی کلمه اوراق بهادار در پاراگراف دوم کدام است؟

الف) بدهی‌ها

ب) اوراق قرضه

ج) حفاظت

د) اعتماد به نفس

گزینه ب صحیح است.

چون در متن صحبت از خرید و فروش اوراق بهادار است، (purchase and sale of government securities) بنابراین تنها گزینه ب می‌تواند مفهوم این کلمه باشد.

۶. وقتی فدرال رزرو پول کمی فراهم کند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

الف) تقاضا برای وام افزایش می‌یابد.

ب) بی‌کاری کند می‌شود.

ج) نرخ سود بالا می‌رود.

د) تجارت گسترش می‌یابد.

گزینه ج صحیح است.

در متن بیان شده است که «اگر فدرال رزرو پول خیلی کمی فراهم کند، نرخ سود افزایش می‌یابد، استقراض گران می شود، فعالیت تجاری کند می‌شود، بی‌کاری افزایش می‌یابد، و خطر رکود اقتصادی بیشتر می‌شود.».

۷. در پاراگراف دوم، نویسنده اشاره می‌کند که علت تورم ..... .

الف) نرخ بی‌کاری بالا است.

ب) وجود پول زیاد در اقتصاد است.

ج) قیمت بالای سوخت است.

د) عرضه محدود محصولات است.

گزینه ب صحیح است.

طبق این گفته «اگر پول زیادی وجود داشته باشد، نرخ سود کاهش می‌یابد، و استقراض می‌تواند موجب تقاضای بیش از حد و افزایش قیمت‌ها شود و به تورم دامن بزند.»، گزینه ب صحیح است.

۸. منظور نویسنده از جمله «با این حال، در عمل، فدرال رزرو از محدوده سیاست‌های مالی ایجاد شده توسط شاخه اجرایی دولت خارج نمی‌شود» چیست؟

الف) فِد از شاخه اجرایی دولت قدرتمندتر است.

ب) سیاست‌های فِد و شاخه اجرایی دولت یکسان نیستند.

ج) فِد تمایل دارد سیاست‌های شاخه اجرایی دولت را دنبال کند.

د) فِد به شاخه اجرایی دولت گزارش می‌دهد.

گزینه ج صحیح است.

۹. تمام جملات زیر می‌توانند بخشی از خلاصه متن باشند به غیر از :

الف) فدرال رزرو یک آژانس مستقل دولت ایالات متحده است.

ب) فدرال رزرو جریان پول و اعتبار را توسط خرید و فروش اوراق بهادار دولت کنترل می‌کند.

ج) فدرال رزرو سکه‌های جدید و ارز را به بانک‌ها صادر می‌کند.

د) فدرال رزرو بودجه سالیانه خود را از کنگره دریافت می‌کند.

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف: خلاصه پاراگراف اول

رد گزینه ب: خلاصه پاراگراف دوم

رد گزینه ج: خلاصه پاراگراف سوم

تأیید گزینه د: در پاراگراف چهارم اشاره شده که «... فِد برای اختصاص بودجه به کنگره وابسته نیست، ...».

متن ۱۶

دانشگاه هاروارد که امروزه به عنوان بخشی از رتبه‌بندی برتر دانشگاه‌های جهان به رسمیت شناخته شده است، آغازی بسیار نامساعد و محقر داشت.

قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا در سال ۱۶۳۶ تأسیس شد، درست شانزده سال پس از این که مهاجرین به پلیموت رسیدند. در میان مهاجران پیوریتن به مستعمره ماساچوست در طول این دوره بیش از ۱۰۰ فارغ‌التحصیل معتبر از دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج انگلیس بودند و این فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مصمم بودند که فرصت‌های تحصیلی که **خود شان** داشتند را برای پسران خود فراهم کنند. به دلیل این حمایت در مستعمره برای یک مؤسسه آموزش عالی، دادگاه عمومی ماساچوست ۴۰۰ **پوند** برای یک کالج در اکتبر ۱۶۳۶ اختصاص داد و اوایل سال بعد یک قسمت زمین برای مدرسه در نظر گرفت؛ این زمین در منطقه‌ای به نام نیوتاون قرار داشت که بعدها نامش، پس از **پسرعموی انگلیسی** خود به کمبریج تغییر یافت و مکان دانشگاه امروزی است.

هنگامی که یک وزیر جوان به نام جان هاروارد که از اهالی یکی از شـهرهای همسـایه به نام چارلزتاون بود، در سـال ۱۶۳۸ به علت بیماری سل درگذشت، نیمی از املاک خود به ارزش ۱۷۰۰ پوند را به کالج **نوپا** بخشید. با وجود این که تنها نیمی از ارث بخشیده شده پرداخت شد، دادگاه عمومی برای تقدیر از کاری که او انجام داده بود، نام وزیر را به کالج داد. مقدار ارث بخشیده شده به خ صوص با توجه به ا ستانداردهای امروزی ممکن ا ست بزرگ نبوده با شد اما خیلی بی شتر از مقداری بود که دادگاه عمومی برای افتتاح کالج ضروری می‌دانست.

هنری دانستر به عنوان اولین رئیس هاروارد در سال ۱۶۴۰ تعیین شد و شایان ذکر است که علاوه بر خدمت به عنوان رئیس، هیأت علمی تمام نیز بود، به همراه یک کلاس ورودی سـال اول با چهار دانشـجو. اگر چه تعداد کارکنان **تا حدودی** گسـترش یافت، اما در اولین قرن تأسیسش، کل کادر آموزشی متشکل از رئیس و سه یا چهار مربی بود.

۱. موضوع اصلی متن این است که ..... .

الف) هاروارد یکی از معتبرترین دانشگاه‌های جهان است

ب) آن چه امروزه دانشگاهی عالی است شروعی محقر داشت

ج) جان هاروارد کلید توسعه یک دانشگاه عالی بود

د) دانشگاه هاروارد تحت توجهات دادگاه عمومی ماساچوست توسعه یافت

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و آخر متن، مجموعاً گزینه ب را تأیید می‌کنند.

- دانشگاه هاروارد که امروزه به عنوان بخشی از رتبه‌بندی برتر دانشگاه‌های جهان به رسمیت شناخته شده است، آغازی بسیار نامساعد و محقر داشت.

- قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا در سال ۱۶۳۶ تأسیس شد، درست شانزده سال پس از این که مهاجرین به پلیموت رسیدند.

- هنگامی که یک وزیر جوان به نام جان هاروارد که از اهالی یکی از شهرهای هم‌سایه به نام چارلزتاون بود، در سال ۱۶۳۸ به علت بیماری سل درگذشت، نیمی از املاک خود به ارزش ۱۷۰۰ پوند را به کالج نوپا بخشید.

- هنری دانستر به عنوان اولین رئیس هاروارد در سال ۱۶۴۰ تعیین شد.

- در اولین قرن تأسیسش، کل کادر آموزشی متشکل از رئیس و سه یا چهار مربی بود.

۲. متن نشان می‌دهد که هاروارد ..... .

الف) یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های جهان است

ب) قدیمی‌ترین دانشگاه جهان است

ج) یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های آمریکا است

د) قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا است

گزینه د صحیح است.

خط اول پاراگراف دوم این موضوع را بیان کرده است.

۳. از متن می‌توان نتیجه گرفت پیوریتن‌هایی که به مستعمره ماساچوست سفر کردند ..... .

الف) نسبتاً تحصیل‌کرده بودند

ب) نسبتاً ثروتمند بودند

ج) نسبتاً طرفدار دولت انگلیس بودند

د) نسبتاً غیردموکراتیک بودند

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده که «در میان مهاجران پیوریتن به مستعمره ماساچوست در طول این دوره بیش از ۱۰۰ فارغ‌التحصیل معتبر از دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج انگلیس بودند.».

۴. ضمیر خودشان در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج

ب) فارغ‌التحصیلان دانشگاه

ج) پسران

د) فرصت‌های تحصیلی

گزینه ب صحیح است.

ا سمی قبل از they که به لحاظ مفهوم و تعداد با آن سازگار با شد، graduates of England's prestigious Oxford and Cambridge universities است.

۵. پوند در پاراگراف دوم احتمالاً ..... .

الف) نوعی کتاب است

ب) دانشجوی کالج است

ج) واحد پول است

د) پردیس دانشگاه است

گزینه ج صحیح است.

در متن اشاره شده که ۴۰۰ پوند برای کالج اختصاص داده شده، بنابراین می‌توان حدس زد که پوند واحد پول است.

۶. پسر عموی انگلیسی در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) شهر

ب) فامیل

ج) شخص

د) دادگاه

گزینه الف صحیح است.

«این زمین در منطقه‌ای به نام نیوتاون قرار داشت که بعدها نامش، پس از **پسرعموی انگلیسی** خود به کمبریج تغییر یافت و ...»

اولین اسم قبل از English Cousin، NewTown است که به لحاظ مفهوم جمله نیز می‌تواند به آن اشاره داشته باشد که نام شهری است.

۷. به کدام یک از موارد زیر در مورد جان هاروارد اشاره نشده است؟

الف) به چه علت مُرد

ب) اهل کجا بود

ج) کجا دفن شد

د) چقدر به هاروارد بخشید

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم متن، همه موارد به جز مورد ج ذکر شده است.

۸. کلمه نوپا در پاراگراف سوم بهتر است با کدام یک از موارد زیر جایگزین شود؟

الف) تازه متولد شده

ب) در حال پرواز

ج) بال‌دار

د) تأسیس‌شده

گزینه الف صحیح است.

از آن‌جا که هاروارد در سال ۱۶۳۸ فوت کرده و دانشگاه از سال ۱۶۳۶ کلید خورده بود، بنابراین احتمالاً صفتی با معنای «نوپا و در اول راه» به آن داده شده است. بنابراین fledgling هم معنا با newborn می‌تواند باشد.

۹. متن به صورت ضمنی اشاره دارد به این که ..... .

الف) هنری دانستر رئیس ناکارآمدی بود

ب) شخص دیگری قبل از هنری دانستر به عنوان رئیس هاروارد خدمت می‌کرد

ج) هنری دانستر به عنوان رئیس بیشتر وقتش را صرف مدیریت دانشکده هاروارد می‌کرد

د) پست رئیس هاروارد در سال‌های اولیه صرفاً پستی مدیریتی نبود

گزینه د صحیح است.

رد گزینه الف و ب و ج: عکس همه موارد در پاراگراف آخر بیان شده است.

تأیید گزینه د: در پاراگراف آخر مطرح شده که «... علاوه بر خدمت به عنوان رئیس، هیأت علمی تمام نیز بود، ...».

۱۰. کلمه تا حدودی در پاراگراف چهارم بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) عقب و جلو

ب) پس و پیش

ج) کنار هم

د) کمابیش

گزینه د صحیح است.

در متن بیان شده تعداد کارکنان گسترش یافت، اما در ادامه گفته شده که «در اولین قرن تأسیسش، کل کادر آموزشی متشکل از رئیس و سه یا چهار مربی بود.». بنابراین کاملاً گسترش نیافته بوده و تقریباً گسترش یافته بوده است.

متن ۱۷

کلمه لیزر به عنوان مخفف تقویت نور توسط گسیل القایی تابش **ابداع شد**. نور معمولی از خورشید یا لامپ هنگامی به صورت خودبه‌خودی ساطع می‌شود که اتم‌ها و مولکول‌ها خودبه‌خود و بدون هیچ‌گونه **دخالت** بیرونی از شر انرژی اضافی خلاص می شوند. گسیل القایی متفاوت است چون هنگامی رخ می‌دهد که به یک اتم یا مولکول انرژی بیش از حد که آن را به شکل نور ساطع می‌کند، القا می‌شود.

آلبرت انیشتین اولین کسی بود که به وجود گسیل القایی در مقاله‌ای که سال ۱۹۱۷ منتشر شد اشاره کرد. با این حال، تا چندین سال فیزیک‌دانان گمان می‌کردند که محتمل‌تر است که اتم‌ها و مولکول‌ها به صورت خودبه‌خودی نور ساطع کنند و در نتیجه گسیل القایی همواره ضعیف‌تر خواهد بود. تا بعد از جنگ جهانی دوم که فیزیک‌دانان در جهت غالب شدن گسیل القایی تلاش نمودند. آن‌ها به دنبال راه‌هایی بودند که یک اتم یا مولکول می‌توانست از طریق آن‌ها سایر اتم‌ها و مولکول‌ها را تحریک به گسیل نور کنند و آن‌ها را تا نیروهای بالاتر تقویت کنند.

چارلز اچ تاونز اولین کسی بود که موفق شد، در آن زمان در دانشگاه کلمبیای نیویورک بود. هر چند، به جای کار با نور، با مایکروویوها، که طول موج بسیار بلندتری دارند، کار کرد، و وسیله‌ای ساخت که آن را «میزر» می‌نامید، مخفف تقویت مایکروویو توسط گسیل القایی تابش. اگر چه ایده اصلی در سال ۱۹۵۱ به ذهنش رسید، اولین میزر تا چندین سال بعد کامل نشد. اندکی بعد، بسیاری از دیگر فیزیک‌دانان در حال ساخت میزر بودند و سعی بر کشف چگونگی تولید گسیل القایی حتی در طول موج‌های کوتاه‌تر داشتند.

مفاهیم کلیدی حدود سال ۱۹۵۷ **پدیدار شد**. تاونز و آرتور شالو که آن زمان در آزمایشگاه‌های تلفنی بِل بود، مقاله‌ای طولانی نوشتند که **به صورت اجمالی** در مورد شرایط مورد نیاز برای تقویت گسیل القایی موج‌های نور مرئی توضیح می‌داد. در حدود همان زمان، ایده‌هایی مشابه در ذهن گوردن گولد، که در آن زمان دانشجوی فارغ‌التحصیل ۳۷ ساله کلمبیا بود، شکل گرفت که آن‌ها را در یک سری یادداشت مکتوب کرد. تاونز و شالو ایده‌های خود را در یک مجله علمی، مراسلات نقد و بررسی فیزیکی، چاپ کردند اما گولد یک فرم ثبت اختراع پر کرد. سه دهه بعد، افراد همچنان بر سر این که چه کسی سزاوار اعتبار مفهوم لیزر است بحث می‌کنند.

۱. کلمه ابداع شد در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) ایجاد شد

ب) ذکر شد

ج) درک شد

د) کشف شد

گزینه الف صحیح است.

«کلمه لیزر به عنوان مخفف تقویت نور توسط گسیل القایی تابش **ابداع شد**.»

بنابراین چیز جدید که قبلاً نبوده ایجاد شده است و معنای coined به گزینه الف نزدیک‌تر است.

۲. کلمه دخالت در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) نیاز

ب) وسیله

ج) اثر

د) منبع

گزینه ج صحیح است.

«نور معمولی از خورشید یا لامپ هنگامی به صورت خودبه‌خودی ساطع می‌شود که اتم‌ها و مولکول‌ها توسط خود از شر انرژی اضافی خلاص می‌شوند، بدون هیچ‌گونه **دخالت** بیرونی.»

عبارات مشخص شده، نشان‌دهنده عدم تأثیر عوامل دیگر است. بنابراین intervention حاکی از اثر می‌تواند باشد.

۳. کدام یک از جملات زیر لیرز را بهتر توصیف می‌کند؟

الف) ابزاری برای تحریک اتم‌ها و مولکول‌ها برای انتشار نور

ب) اتمی در وضعیت بالای انرژی

ج) تکنیکی برای نابودی اتم‌ها و مولکول‌ها

د) وسیله‌ای برای اندازه‌گیری امواج نوری

گزینه الف صحیح است.

توضیحات پاراگراف اول به این موضوع اشاره دارد.

۴. چرا کار ابتدایی تاونز با گسیل القایی با مایکروویوها انجام شد؟

الف) تقویت نور برای او مهم نبود.

ب) کار کردن با طول موج‌های بلندتر ساده‌تر بود.

ج) شریکش شالو قبلاً کار خود را روی لیزر آغاز کرده بود.

د) لیزر قبلاً توسعه یافته بود.

گزینه ب صحیح است.

با توجه به تجربه آلبرت انیشتن و سایر فیزیک‌دانان که در پاراگراف دوم بدان اشاره شده است، وی متوجه شده بود که کار کردن با طول موج‌های کوتاه ساده نیست و تحریک به گسیل نور جهت تقویت نیروهای بالاتر (با طول موج‌های کوتاه) مشکل است.

۵. چارلز تاونز در تحقیق خود در دانشگاه کلمبیا با تمام موارد زیر کار کرد به غیر از ..... .

الف) گسیل القایی

ب) مایکروویوها

ج) تقویت نور

د) میزر

گزینه ج صحیح است.

در پاراگراف سوم به همه موارد بجز مورد ج اشاره شده است.

۶. حدوداً در چه سالی میزر ساخته شد؟

الف) ۱۹۱۷

ب) ۱۹۵۱

ج) ۱۹۵۳

د) ۱۹۵۷

گزینه ج صحیح است.

در متن اشاره شده که «اگر چه ایده اصلی در سال ۱۹۵۱ به ذهنش رسید، اولین میزر تا چندین سال بعد کامل نشد.». و در جای دیگری گفته شده «مفاهیم کلیدی حدود سال ۱۹۵۷ پدیدار شد.»

بنابراین در فاصله این دو سال، میزر ساخته شده است.

۷. معنای کلمه پدیدار شد در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) افزایش یافت

ب) نتیجه‌گیری شد

ج) موفق شد

د) ظاهر شد

گزینه د صحیح است.

چون اتفاقی در ۱۹۵۷ افتاده که قبلاً سابقه نداشته است، ضمن این که emerged به key concepts برمی‌گردد. بنابراین معنای آن به گزینه د نزدیک‌تر است.

۸. معنای عبارت به صورت اجمالی در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) اختصاص دادن

ب) مطالعه کردن

ج) بررسی کردن

د) خلاصه کردن

گزینه د صحیح است.

outlining به conditions بازمی‌گردد و با توجه به مفهوم کلی متن، احتمالا معنایی برابر با «خلاصه کردن» دارد.

۹. چرا افراد هنوز در مورد این که چه کسی سزاوار اعتبار مفهوم لیزر است بحث می‌کنند؟

الف) دفترچه یادداشت‌های محققان گم شده بود.

ب) افراد زیادی همزمان در حال توسعه ایده‌اش بودند.

ج) هیچ کس تا همین اواخر مدعی اعتبار توسعه‌اش نشده بود.

د) کار هنوز ناقص است.

گزینه ب صحیح است.

بنا بر این توضیح در پاراگراف آخر «تاونز و شالو ایده‌های خود را در یک مجله علمی، مراسلات نقد و بررسی فیزیکی، چاپ کردند اما گولد یک فرم ثبت اختراع پر کرد.»، گزینه ب صحیح است.

متن ۱۸

کلاغ‌ها احتمالاً جزو آن دسته از جانداران بومی ایالات متحده هستند که اغلب دیده می‌شوند و به راحتی قابل شناسایی هستند. شمار زیاد داستان‌ها، افسانه‌ها، و اسطوره‌ها در مورد این پرندگان نشان می‌دهد که افراد برای مدت زیادی به آن‌ها فوق‌العاده علاقمند بوده‌اند. از سوی دیگر، وقتی نوبت به اطلاعات حقیقی، به طور خاص رفتاری، می‌رسد، کلاغ‌ها در مقایسه با بسیاری از گونه‌های معمول **مشابه** و با توجه به تعداد نه چندان اندک گونه‌های غیر معمول -که مثال آشکار قابل ذکر آن کرکس کالیفرنیایی در معرض خطر می‌باشد- کمتر شناخته شده‌اند. دلایلی عملی برای این موضوع وجود دارد.

کلاغ‌ها به فقر بدنام‌اند و موجوداتی آزاردهنده برای تحقیقات میدانی هستند. آن‌ها تیزبین‌اند و شاگردان سریعی هستند و در مورد نیات موجودات دیگر از جمله محققان زیرک‌اند و در اجتناب از آن‌ها ماهر هستند. از آن‌جا که تعدادشان زیاد است، فعال و تک‌رنگ هستند، تشخیص یک کلاغ از سایر کلاغ‌ها دشوار است. زنجیر، فرستنده رادیویی، و دیگر ابزار شناسایی را می‌توان به آن‌ها متصل کرد اما این کار مستلزم گرفتن کلاغ‌ها به صورت زنده است که جزء هوشیارترین پرندگان هستند و در دام انداختنشان تقریباً غیر ممکن است.

صرف نظر از مشکلات فنی، تحقیق در مورد کلاغ‌ها دلهره‌آور است چرا که راه و روش این پرندگان بسیار پیچیده و گوناگون است. به عنوان پرندگانی برجسته و چندکاره، اعضای این گونه، استادانه از محدوده وسیعی از زیستگاه‌ها و منابع بهره‌برداری می‌کنند و به سرعت می‌توانند خود را با تغییرات شرایط وفق دهند. این پرندگان تعلیم‌پذیر به طور قابل ملاحظه‌ای علاقمندی‌ها و **تمایلات**، راهبردها و کلاهبرداری‌های متفاوت و منحصربه‌فردی دارند. برای مثال، یک کلاغ خانگی آموخت که

چگونه یک سگ را با کشیدن گیره در از لانه‌اش فراری دهد. هنگامی که سگ فرار کرد، پرنده داخل لانه رفت و غذایش را خورد.

۱. موضوع اصلی متن چیست؟

الف) تفاوت‌های کلاغ‌ها از دیگر پرندگان معمول

ب) اسطوره‌ها و افسانه‌هایی در مورد کلاغ‌ها

ج) ویژگی‌هایی که مطالعه کلاغ‌ها را دشوار می‌کند.

د) روش‌های موجود برای بررسی رفتار کلاغ‌ها

گزینه ج صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها به شرح زیر، گزینه ج را تأیید می‌کند.

- کلاغ‌ها احتمالاً جزو آن دسته از جانداران بومی ایالات متحده هستند که اغلب دیده می‌شوند.

- کلاغ‌ها به فقر بدنام‌اند و موجوداتی آزاردهنده برای تحقیقات میدانی هستند.

- صرف نظر از مشکلات فنی، تحقیق در مورد کلاغ‌ها دلهره‌آور است، چرا که راه و روش این پرندگان بسیار پیچیده و گوناگون است.

۲. بر اساس پاراگراف اول، چه مدرکی وجود دارد که نشان می‌دهد کلاغ‌ها برای مدتی طولانی مورد علاقه انسان‌ها بوده‌اند؟

الف) شمار زیادی داستان در مورد کلاغ‌ها

ب) تکرار دیده شدن کلاغ‌ها

ج) میزان تحقیقاتی که روی کلاغ‌ها انجام شده است.

د) سهولت شناسایی کلاغ‌ها

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده که « شمار زیاد داستان‌ها، افسانه‌ها، و اسطوره‌ها در مورد این پرندگان نشان می‌دهد که افراد برای مدت زیادی به آن‌ها فوق‌العاده علاقمند بوده‌اند.».

۳. معنای کلمه مشابه در پاراگراف اول نزدیک‌تر است به ..... .

الف) جالب

ب) به طور مشابه

ج) در غیر این صورت

د) گاهی اوقات

گزینه ب صحیح است.

چون مقایسه‌ای بین کلاغ‌ها و سایر گونه‌ها صورت گرفته و بنابراین گونه‌ها باید با هم همسان و مشابه باشند، بنابراین comparably باید حاکی از این معنا باشد.

۴. در پاراگراف اول، نویســـنده به کرکس کالیفرنیایی در معرض خطر به عنوان مثالی از گونه‌ای اشـــاره می‌کند که ..... .

الف) از کلاغ کوچک‌تر است

ب) به راحتی قابل شناسایی است

ج) در افسانه‌ها آمده است

د) کمیاب است

گزینه د صحیح است.

در متن گفته شـــده که «... با توجه به تعداد نه چندان اندک گونه‌های غیر معمول -که مثال آشـــکار قابل ذکر آن کرکس کالیفرنیایی در معرض خطر می‌باشد- کمتر شناخته شده‌اند.».

۵. کلمه آن‌ها در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) کلاغ‌ها

ب) موجودات

ج) نیات

د) محققان

گزینه د صحیح است.

اولین اسم پیش از them، researchers است که به لحاظ مفهوم و تعداد همخوانی دارند.

۶. بر اساس پاراگراف دوم، کلاغ‌ها به تمام دلایل زیر موجوداتی نامناسب برای تحقیق هستند، به غیر از:

الف) می‌توانند با موفقیت از ناظران اجتناب کنند.

ب) تشخیص‌شان از یکدیگر دشوار است.

ج) می‌توانند بسیار تهاجمی باشند.

د) گرفتن‌شان دشوار است.

گزینه ج صحیح است.

رد گزینه الف و ب و د: پاراگراف دوم متن این موضوع‌ها را تأیید می‌کند.

۷. در پاراگراف دوم، نویسنده به صورت ضمنی اشاره می‌کند که استفاده از فرستنده‌های رادیویی به محققی که در حال مطالعه کلاغ‌هاست اجازه می‌دهد که ..... .

الف) تک‌تک کلاغ‌ها را شناسایی کند

ب) دسته‌های کلاغ‌ها را در فواصل طولانی دنبال کند

ج) فعال‌ترین زمان کلاغ‌ها را ثبت کنند

د) به کلاغ‌های بیمار و آسیب‌دیده کمک کنند

گزینه الف صحیح است.

در متن گفته شده که «... تشخیص یک کلاغ از سایر کلاغ‌ها دشوار است. زنجیر، فرستنده رادیویی، و دیگر ابزار شناسایی را می‌توان به آن‌ها متصل کرد ...».

۸. بر اساس پاراگراف سوم، کدام یک از موارد زیر در مورد کلاغ‌ها درست است؟

الف) به ندرت پیش می‌آید در محل سکونت کسی به مدت طولانی زندگی کنند.

ب) در طیف گسترده‌ای از محیط‌ها رشد و زندگی می‌کنند.

ج) غذاهای خاصی را ترجیح می‌دهند.

د) منابع یک منطقه را قبل از نقل مکان تمام می‌کنند.

گزینه ب صحیح است.

در پاراگراف سوم به این موضوع اشاره شده است: «... استادانه از محدوده وسیعی از زیستگاه‌ها و منابع بهره‌برداری می‌کنند و به سرعت می‌توانند خود را با تغییرات شرایط وفق دهند.»

۹. در پاراگراف سوم، معنای کلمه تمایلات نزدیک‌تر است به ..... .

الف) ترفندها

ب) فرصت‌ها

ج) ترجیحات

د) تجربیات

گزینه ج صحیح است.

Inclinations و interests با هم آمده‌اند و بنابراین دارای معنای مشابهی هستند.

۱۰. در دو خط آخر، نویسنده به یک کلاغ خانگی اشاره می‌کند تا کدام یک از موارد زیر را توضیح دهد؟

الف) روش‌های هوشمندانه حل مسأله کلاغ‌ها

ب) تفاوت‌های میان کلاغ‌های خانگی و وحشی

ج) سهولت رام کردن کلاغ‌ها

د) علاقه‌ای که کلاغ‌ها به سایر موجودات نشان می‌دهند.

گزینه الف صحیح است.

جمله قبل به راهبردها و کلاهبرداری‌های متفاوت و منحصربفرد کلاغ‌ها اشاره شده است که در ادامه مثال کلاغ‌های خانگی ذکر شده است. بنابراین این مثال برای هوشمندی کلاغ‌ها ذکر شده است.

۱۱. متن کدام یک از جملات زیر را تأیید می‌کند؟

الف) کلاغ‌ها عمری نسبتاً طولانی دارند.

ب) کلاغ‌ها تیزبین هستند.

ج) کلاغ‌ها معمولاً تنها هستند.

د) کلاغ‌ها بسیار باهوش هستند.

گزینه د صحیح است.

«... که جزء هوشیارترین پرندگان هستند و در دام انداختنشان تقریباً غیر ممکن است.»

«این پرندگان تعلیم‌پذیر به طور قابل ملاحظه‌ای علاقمندی‌ها و تمایلات، راهبردها و کلاهبرداری‌های متفاوت و منحصربه‌فردی دارند.»

جملات بالا که در متن آمده‌اند، گزینه د را تأیید می‌کنند.

متن ۱۹

در روزهای ابتدایی ایالات متحده، هزینه‌های پستی توسط گیرنده پرداخت می‌شد، و هزینه‌ها با توجه به فاصله حمل **متفاوت بود**. در سال ۱۸۲۵، کنگره ایالات متحده به مدیران پستی محلی اجازه داد تا نامه‌ها را در اختیار حاملان مراسلات پستی برای تحویل درب منزل قرار بدهند. اما این حاملان هیچگونه دستمزد دولتی دریافت نمی‌کردند و تمام مزدشان وابسته به وجه پرداختی توسط دریافت‌کنندگان هر نامه بود.

در سال ۱۸۴۷، وزارت اداره پست ایالات متحده ایده تمبر پستی را تصویب کرد که البته پرداخت خدمات پستی را ساده می‌کرد، اما موجب گله‌مندی کسانی شد که تمایلی به پیش‌پرداخت نداشتند. علاوه بر این، تمبر تنها تحویل به اداره پست را پوشش می‌داد و شامل حمل آن به آدرس شخصی نمی‌شد. برای مثال در فیلادلفیا با جمعیت ۱۵۰۰۰۰ نفر، افراد برای دریافت مراسلات پستی خود همچنان باید به اداره پست مراجعه می‌کردند. سردرگمی و ازدحام تک تک شهروندانی که در جست‌وجوی نامه‌های خود بودند به خودی خود کافی بود تا استفاده از پست دلسردکننده شود. جای تعجب نیست که در طول سال‌های این تمهیدات **دست‌وپاگیر**، حمل خصوصی نامه و کسب‌وکار پیشتاز توسعه یافت. اگر چه فعالیت‌های آن‌ها تنها نیمه‌قانونی بود کارشان رونق گرفت، و در واقع تبلیغ کردند که بین بوستون و فیلادلفیا آن‌ها به اندازه یک نصف روز سریع‌تر از پست دولتی هستند. خدمات پست دولتی در رقابت با کسب‌وکار خصوصی شکست خورد و حتی قادر به اداره مؤثر کسب‌وکار خود نیز نبود.

سرانجام در سال ۱۸۶۳، کنگره مقرر کرد که حاملان پستی که مراسلات پستی را از ادارات پست به آدرس‌های شخصی تحویل می‌دادند باید دستمزد دولتی دریافت کنند و این که هیچ هزینه اضافی نباید برای این تحویل در نظر گرفته شود. اما این سرویس تحویل در ابتدا **منحصر** به شهرها بود، و تحویل رایگان درب منزل تبدیل به شاخصی برای شهرنشینی شد. تا اواخر سال ۱۸۸۷، یک شهر می‌بایست دارای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت بود تا برای تحویل رایگان درب منزل واجد شرایط باشد. در سال ۱۸۹۰، از میان ۷۵ میلیون نفر در ایالات متحده، کمتر از ۲۰ میلیون نفر مراسلات پستی را به صورت رایگان درب منزل خود

تحویل می‌گرفتند. مابقی، حدود سه چهارم جمعیت، همچنان مراسلات خود را تنها در صورت مراجعه به اداره پستشان دریافت می‌کردند.

۱. موضوع اصلی مورد بحث متن کدام است؟

الف) استفاده روزافزون خدمات خصوصی پستی

ب) توسعه سیستم پستی دولتی

ج) مقایسه بین خدمات پستی شهری و روستایی

د) تاریخ تمبرهای پستی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌ها و جمله آخر متن به شرح زیر است:

- در روزهای ابتدایی ایالات متحده، هزینه‌های پستی توسط گیرنده پرداخت می‌شد، و هزینه‌ها با توجه به فاصله حمل متفاوت بود. - در سال ۱۸۴۷، وزارت اداره پست ایالات متحده ایده تمبر پستی را تصویب کرد که البته پرداخت خدمات پستی را ساده می‌کرد، اما موجب گله‌مندی کسانی شد که تمایلی به پیش‌پرداخت نداشتند.

- سرانجام در سال ۱۸۶۳، کنگره مقرر کرد که حاملان پستی که مراسلات پستی را از ادارات پست به آدرس‌های شخصی تحویل می‌دادند باید دستمزد دولتی دریافت کنند و این که هیچ هزینه اضافی نباید برای این تحویل در نظر گرفته شود.

- مابقی، حدود سه چهارم جمعیت، همچنان مراسلات خود را تنها در صورت مراجعه به اداره پستشان دریافت می‌کردند.

جملات فوق توسعه سیستم پست در طول زمان را نشان می‌دهند.

۲. کلمه متفاوت بود در پاراگراف اول بهتر است جایگزین شود با ..... .

الف) افزایش یافت

ب) تفاوت داشت

ج) بازگشته بود

د) آغاز شده بود

گزینه ب صحیح است.

چون در جمله به نوعی وابستگی هزینه به فاصله بیان شده است، بنابراین varied به معنای «متفاوت بودن» خواهد بود.

۳. کدام یک از موارد زیر اشکال تمبر پستی است؟

الف) باید از قبل توسط فرستنده خریداری می‌شد.

ب) هزینه تحویل مراسلات پستی را افزایش می‌داد.

ج) چسباندن آن به نامه‌ها دشوار بود.

د) جعل آن آسان بود.

گزینه الف صحیح است.

در متن آمده است که «... اما موجب گله‌مندی کسانی شد که تمایلی به پیش‌پرداخت نداشتند.».

۴. چرا نویسنده در پاراگراف دوم به شهر فیلادلفیا اشاره می‌کند؟

الف) مکان اولین اداره پست ایالات متحده بود.

ب) خدمات پستی آن برای جمعیتش کافی نبود.

ج) بزرگ‌ترین شهر ایالات متحده در سال ۱۸۴۷ بود.

د) توسط اولین تمبر پستی ایالات متحده به یادگار نگه داشته شده بود.

گزینه ب صحیح است.

در متن بیان شده که «برای مثال در فیلادلفیا با جمعیت ۱۵۰۰۰۰ نفر، افراد برای دریافت مراسلات پستی خود همچنان باید به اداره پست مراجعه می‌کردند. سردرگمی و ازدحام تک تک شهروندانی که در جست‌وجوی نامه‌های خود بودند به خودی خود کافی بود تا استفاده از پست دلسردکننده شود.».

۵. معنای کلمه دست‌وپاگیر در پاراگراف دوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) مزاحم

ب) زیبا

ج) نفرت‌انگیز

د) ستیزه‌جو

گزینه الف صحیح است.

در ادامه به توسعه خدمات خصوصی در مقابل دولتی اشاره شده است، بنابراین خدمات دولتی ضعفی داشته است. پس cumbersome می‌تواند به معنای «مزاحم و دست‌وپاگیر» باشد.

۶. کلمه آن‌ها در پاراگراف دوم اشاره دارد به ..... .

الف) بوستون و فیلادلفیا

ب) کسب‌وکارها

ج) تمهیدات

د) نامه‌ها

گزینه ب صحیح است.

مفهوم جمله در مورد سریع‌تر بودن است و سریع‌تر بودن به they مربوط است که می‌تواند به معنای «کارها» باشد.

۷. خدمات خصوصی پستی قرن نوزدهم ادعا می‌کردند که کدام یک از موارد زیر را بهتر از دولت انجام می‌دهند؟

الف) تحویل حجم بالاتری از مراسلات پستی

ب) تحویل ارزان‌تر مراسلات پستی

ج) تحویل سریع‌تر مراسلات پستی

د) تحویل مراسلات پستی به مناطق روستایی

گزینه ج صحیح است.

با توجه به این جمله «... در واقع تبلیغ کردند که بین بوستون و فیلادلفیا آن‌ها به اندازه یک نصف روز سریع‌تر از پست دولتی هستند.»، گزینه ج صحیح است.

۸. در سال ۱۸۶۳ ایالات متحده برای حاملان مراسلات پستی کدام یک از موارد زیر را مقرر کرد؟

الف) دستمزد

ب) مسکن

ج) وسیله حمل‌ونقل

د) تمبر پستی رایگان

گزینه الف صحیح است.

در متن بیان شده که «سرانجام در سال ۱۸۶۳، کنگره مقرر کرد که حاملان پستی که مراسلات پستی را از ادارات پست به آدرس‌های شخصی تحویل می‌دادند باید دستمزد دولتی دریافت کنند و این که هیچ هزینه اضافی نباید برای این تحویل در نظر گرفته شود.».

۹. معنای کلمه منحصر در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) اعطا شده

ب) برنامه‌ریزی‌شده

ج) محدود

د) توصیه‌شده

گزینه ج صحیح است.

با توجه به جمله این امکان در شهرها برقرار شده، بنابراین confined به معنای «محدود و منحصر» باید باشد.

متن ۲۰

باستان‌شناسی برای مدتی طولانی ابزاری پذیرفته‌شده برای مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ بوده است. تقریباً به تازگی تکنیک‌هایی مشابه برای مطالعات گذشته نزدیک‌تر به صورت نظام‌مند به کار گرفته شده است. این روش «باستان‌شناسی تاریخی» نام گرفت، اصطلاحی که در ایالات متحده به هر گونه بررسی باستان‌شناسی در زمین‌های آمریکای شمالی که به قبل از رسیدن اروپایی‌ها برمی‌گردد اطلاق می‌شود.

در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، زمانی که مرمت ساختمان معمول بود، باستان‌شناسی تاریخی در درجه اول ابزاری برای بازسازی معماری بود. نقش باستان‌شناس پیدا کردن پایه‌های بناهای تاریخی و واگذاری کار به معماران بود.

شیدایی برای بازسازی تا حد زیادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کاهش یافت. اکثر افرادی که در این دوره وارد باستان‌شناسی تاریخی می‌شدند از دانشکده‌های مردم‌شناسی دانشگاه می‌آمدند، جایی که فرهنگ‌های ماقبل تاریخ را مطالعه کرده بودند. آن‌ها به عنوان دانشمند علوم اجتماعی آموزش دیده بودند، نه مورخ، و کارشان نیز این تعصب را منعکس می‌کرد. به عنوان یک دانشمند سؤال‌هایی که **تدوین می‌کردند** و تکنیک‌هایی که به کار می‌بردند در مورد چگونگی رفتار افراد بود. اما به این دلیل

که روی ا ساس تاریخی که اغلب شامل م ستندات گ سترده مکتوب بود پا می‌گذا شتند و چون دانش خود شان از این دوره‌ها محدود بود، **سهم آن‌ها** در تاریخ آمریکا محدود باقی ماند. گزارش‌های آن‌ها که بسیار تخصصی بود و گاهی اوقات به گونه‌ای نامناسب نوشته بود خوانده نشده باقی ماند.

اخیراً، باستان‌شناسان حرفه‌ای این مسئولیت را به عهده گرفته‌اند. این محققان قصد دارند نشان بدهند که کارشان نه تنها در زمینه علم بلکه در زمینه تاریخ نیز ابزاری ارزشمند است که بینش‌هایی تازه در مورد زندگی روزمره افراد عادی که هستی‌شان ممکن است در غیر این صورت به خوبی مکتوب نشود ارائه می‌دهد. این تأکید جدیدتر بر باستان‌شناسی به عنوان تاریخ اجتماعی بسیار نویدبخش است و کار در این زمینه حتماً به تفسیر دوباره گذشته ایالات متحده می‌انجامد.

به عنوان مثال در کینگستون نیویورک، مدرکی کشف شده است که نشان می‌دهد کالاهای انگلیسی زمانی که هلندی‌ها **ظاهراً** تجارت در آن ناحیه را کنترل می‌کردند به صورت قاچاق وارد شهر شده است. و در ساکرامنتو، حفاری در محل هتل شیکی در قرن نوزدهم نشان داد که زباله بر خلاف قوانین بهداشت در زیرزمین هتل مخفی شده بود.

۱. متن عمدتاً در مورد کدام بحث می‌کند؟

الف) چرا باستان‌شناسی تاریخی در وهله اول توسعه یافت.

ب) چگونگی تغییر شیوه‌ها و اهداف باستان‌شناسی تاریخی.

ج) کمک‌های معماران به باستان‌شناسی تاریخی

د) نحوه برخورد باستان‌شناسان حرفه‌ای مقابل باستان‌شناسی تاریخی

گزینه ب صحیح است.

جملات اول پاراگرف‌ها و جمله آخر متن در مجموع در رابطه با چگونگی تغییر باستان‌شناسی در طول تاریخ و اهداف آن است:

- باستان‌شناسی برای مدتی طولانی ابزاری پذیرفته‌شده برای مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ بوده است.
- در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، زمانی که مرمت ساختمان معمول بود، باستان‌شناسی تاریخی در درجه اول ابزاری برای بازسازی معماری بود.
- شیدایی برای بازسازی تا حد زیادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کاهش یافت.
- اخیراً، باستان‌شناسان حرفه‌ای این مسئولیت را به عهده گرفته‌اند.
- به عنوان مثال در کینگ ستون نیویورک، مدرکی ک شف شده ا ست که ن شان می‌دهد کالاهای انگلی سی زمانی که هلندی‌ها ظاهراً تجارت در آن ناحیه را کنترل می‌کردند به صورت قاچاق وارد شهر شده است و در ساکرامنتو، حفاری در محل هتل شیکی در قرن نوزدهم نشان داد که زباله بر خلاف قوانین بهداشت در زیرزمین هتل مخفی شده بود.

۲. بر اساس پاراگراف اول، تأکید جدید باستان‌شناسی بر کدام است؟

الف) بررسی گذشته اخیر

ب) مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ

ج) حفاری مکان‌های باستانی در ایالات متحده امروزی

د) مقایسه یافته‌ها در آمریکای شمالی و اروپا

گزینه الف صحیح است.

اشاره شده که «به تازگی تکنیک‌هایی مشابه برای مطالعات گذشته نزدیک‌تر به صورت نظام‌مند به کار گرفته شده است.».

۳. بر اساس متن، چه زمانی باستان‌شناسان تاریخی به عنوان مردم‌شناس آموزش دیده بودند؟

الف) قبل از دهه ۱۹۳۰

ب) طی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰

ج) طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

د) پس از دهه ۱۹۶۰

گزینه ج صحیح است.

ابتدای پاراگراف سوم متن، این امر را بیان کرده است.

۴. معنای کلمه تدوین می‌کردند در پاراگراف سوم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) می‌فهمیدند

ب) می‌خواندند

ج) اجتناب می‌کردند

د) مطرح می‌کردند

گزینه د صحیح است.

فاعلِ فعل framed، They است که به scientists برمی‌گردد و مفعولِ آن questions است. بنابراین می‌توان حدس زد که مفهوم واژه به گزینه د نزدیک‌تر است.

۵. در پاراگراف سوم، نویسنده به صورت ضمنی اشاره می‌کند که تکنیک‌های تاریخی و علوم اجتماعی ..... .

الف) کاملاً از یکدیگر متفاوت هستند

ب) به یک میزان در مطالعه فرهنگ‌های ماقبل تاریخ سودمند هستند

ج) معمولاً به دانشجویان باستان‌شناسی آموزش داده می‌شوند

د) هر دو بر اصول مشابه استوار هستند

گزینه الف صحیح است.

در این پاراگراف در مورد محدود بودن دانش دانشمندان علوم اجتماعی از دوره‌ها صحبت شده است که نشان از تفاوت تکنیک‌های تاریخی و علوم اجتماعی دارد.

۶. عبارت سهم آن‌ها در پاراگراف سوم اشاره دارد به سهم ..... .

الف) دانشمندان علوم اجتماعی

ب) فرهنگ‌های ماقبل تاریخ

ج) مورخان

د) مستندات و دانش

گزینه الف صحیح است.

این پاراگراف در مجموع در مورد سهم دانشمندان علوم اجتماعی در باستان‌شناسی صحبت کرده است.

۷. نویسنده به حفاری محل هتل در ساکرامنتو اشاره می‌کند تا مثالی عنوان کند از ..... .

الف) یک پروژه بازسازی بنا

ب) کار اولین باستان‌شناسان تاریخی

ج) یافته‌ای که در تضاد با مکتوبات ثبت شده است

د) نوعی از اطلاعات که مورخان به طور معمول بررسی می‌کنند

گزینه ج صحیح است.

مثال پاراگراف آخر در ادامه توضیحاتِ مطرح‌شده در پاراگراف ماقبل آخر است: «این محققان قصد دارند نشان بدهند که کارشان نه تنها در زمینه علم بلکه در زمینه تاریخ نیز ابزاری ارزشمند است که بینش‌هایی تازه در مورد زندگی روزمره افراد عادی که هستی‌شان ممکن است در غیر این صورت به خوبی مکتوب نشود ارائه می‌دهد.»

۸. معنای کلمه ظاهراً در پاراگراف چهارم نزدیک‌تر است به ..... .

الف) بی رحمانه

ب) محکم

ج) به سختی

د) ظاهراً

گزینه د صحیح است.

در این جمله اشاره شده که هلندی‌ها کنترل داشته‌اند، ولی باز هم قاچاق کالاهای انگلیسی صورت گرفته است. بنابراین ظاهر امر، کنترل کردن بوده است و supposedly معادل با «ظاهراً» است.

بخش سوم:

سؤالات و پاسخ تشریحی

آزمون دکتری ۱۳۹۰

Section I. Grammar

PART A:

The following sentences test your ability to recognize grammar and usage errors. Each sentence contains either a single error or no error at all. If the sentence contains an error, select the one underlined part that must be changed to make the sentence correct. If the sentence is correct, select choice D. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

«جملاتی که در ادامه آمده است، توانایی شما را در تشخیص گرامر و اشتباهات کاربرد مورد آزمایش قرار می‌دهد. هر جمله شامل یک و یا هیچ خطایی است. اگر جمله یک خطا داشته باشد، قسمتی که زیر آن خط کشیده شده و با تغییر آن جمله صحیح خواهد بود را انتخاب کنید. اگر جمله صحیح است، گزینه D را انتخاب کنید. سپس بر روی پاسخنامه خود گزینه منتخب را بنویسید.»

1. The other delegates and (A) *me* (B) *immediately* accepted the resolution (C) *drafted* by the neutral states. (D) *No Error*

۱- گزینه A صحیح است.

I ضمیر فاعلی و me ضمیر مفعولی است.

2. The dean of the college, (A) *together with* some other faculty members, (B) *is planning* conference on the purpose of (C) *lying down* certain regulations. (D) *No Error*

۲- گزینه B صحیح است.

برای «رئیس کالج و یکی از اعضای گروه» باید از فعل جمع استفاده شود.

3. The industrial plan is (A) *in* the direction of more (B) *machines* and (C) *fewer* people. (D) *No Error*

۳- گزینه D صحیح است.

4. Their standard of (A) *living* in Iran is (B) *still* higher than (C) *that* of the other countries in the world. (D) *No Error*

۴- گزینه D صحیح است.

5. (A) *Psychologists* and psychiatrists argue that it is essential (B) *that* a disturbed child (C) *receives* professional attention as soon as possible. (D) *No Error*

۵- گزینه C صحیح است.

بعد از It is essential that فعل جمله به صورت مصدر بدون to به کار می‌رود، یعنی receive باید استفاده می‌شد.

6. Ted's angry (A) *outburst* was (B) *so* annoying that it resulted in our (C) *guests*' packing up and leaving this morning. (D) *No Error*

۶- گزینه D صحیح است.

7. (A) *There remain* many reasons for the enmity (B) *exists* between the two (C) *neighboring* countries. (D) *No Error*

۷- گزینه B صحیح است.

exists between the two neighboring countries عبارت توصیفی است که یا باید به صورت:

that exists between the two (C) neighboring countries

بیاید و یا به صورت خلاصه‌شده به شکل زیر:

existing between the two (C) neighboring countrie

(توضیح: اگر جمله فعل be نداشته باشد، برای خلاصه کردن عبارت توصیفی کافی است که ضمیر موصولی را حذف کرده و فعل را به فرم ing تغییر دهید.)

8. Because of the size and weight of the stones that (A) *constitute* Stonehenge, some people (B) *are* (C) *convinced* that it was erected by extraterrestrial beings. (D) *No Error*.

۸- گزینه D صحیح است.

9. The conditions of (A) *art* are nothing (B) *rather* a particular way of interpreting (C) *reality*. (D) *No Error*.

۹- گزینه B صحیح است.

nothing … but یا other than

10. The cyclic rise and fall (A) *in population size* that has been observed in animal and pre-modern human populations (B) *reflects* sequential (C) *phases* of population growth and decline. (D) *No Error*.

۱۰- گزینه D صحیح است.

PART B:

Look at each line of the following text. Some of the lines are correct and some have a word which should not be there. If a line is correct, write 'C' for 'correct' by the number on your answer sheet. If a line has a word which should not be there, write 'I' for 'incorrect'. There are two examples at the beginning (0 and 00).

«به هر یک از خطوط متنی که در ادامه آمده است، نگاهی بیندازید. برخی خطوط صحیح بوده و در برخی کلمه‌ای هست که نباید باشد. اگر یک خط صحیح است، حرف C را به عنوان صحیح به همراه شماره روی پاسخنامه نوشته و اگر یک خط کلمه‌ای دربردارد که نباید آن‌جا باشد، حرف I را به عنوان غلط بنویسید. دو نمونه در ابتدا آمده است (0 و 00).»

0 We're predisposed to seek out people like us ... shy people ….. C…..

00 tend to congregate with other shy people, and an 'outgoing' ….. I ……

11. people congregate with outgoing people__because they ….. C …..

12. unconsciously affirm to our own behaviors. But everyone ….. C ……

13. knows that one person within their group of friends and ….. C …..

14. associates who he seems to engage others with little or no fear. ….. I ……

- who در اینجا نقش فاعل seems را دارد و he اضافه است.

15. If you're not yet ready to take the big leap of addressing new ….. C …..

16. people on your own, let these people to help you and show ….. I ……

- فعل بعد از فعل let به صورت مصدر بدون to می‌آید.

17. you the way. Take them with you, when is appropriate, to social ….. I ……

- when it is appropriate یا when appropriate

18. outings and for observe their behaviors. Pay attention to ….. I ……

- بعد از حروف اضافه فعل بعدی به صورت ing دار می‌آید. for observing صحیح است.

19. their actions. Over time, you'll adopt some of their techniques. ….. C …..

20. Slowly, you'll build up the courage to reach out by yourself. ….. C …..

PART C:

For questions 21-30 read the text below. Use the word given in capitals at the end of each line to form a word that fits in the space in the same line. There is an example at the beginning (0). Write your answer on your answer sheet.

«برای سؤالات ۲۱-۳۰ متن زیر را بخوانید. با استفاده از کلمه‌ای که با حروف بزرگ در انتهای هر خط آورده شده، کلمه‌ای بسازید که مناسب هر کدام از جاهای خالی در هر خط باشد. مثالی در ابتدا آمده است (0). پاسخ خود را روی پاسخنامه بنویسید.»

Forecasting the (0) likelihood of different types of weather coming in **LIKELY**

the (21) future can only be done with an understanding of what **NEARNESS**

۲۱- near صحیح است.

به یک صفت نیاز داریم تا اسم future را توصیف کند.

is happening currently. To acquire this, regular and accurate (22) **MEASURE**

۲۲- measurements صحیح است.

دو صفت regular and accurate قبل از یک اسم آمده اند. اسم فعل measure به صورت measurement می‌باشد که با توجه به فعلِ are باید جمع باشد.

are needed, taken in different places to (23) …….. patterns of weather **EXPOSURE**

۲۳- expose صحیح است.

بعد از to نیاز به یک فعل داریم.

change. Weather specialists have (24) ……. instruments all over the world, PLACEMENT

۲۴- placed صحیح است.

به فعل با زمان حال کامل نیاز داریم.

for the (25) …….. and transmission of precise data to weather stations. **RECEIVE**

۲۵- receiving صحیح است.

بعد از حرف تعریف the و با توجه به همسانی دو قسمت و اسم transmition به یک اسم احتیاج داریم.

Many of these sites are (26) ……. by meteorologists However, in some **STAFF**

۲۶- staffed صحیح است.

فعل مجهول از نوع زمان حال ساده.

sparsely (27) …… or completely uninhabitable areas of the world, POPULATION

۲۷- populated صحیح است.

می بایست صفت در جای خالی قرار گیرد.

readings are often sent back by automatic equipment. For the (28) …… COLLECT

۲۸- collection صحیح است.

بعد از the به یک اسم نیاز داریم.

of data, (29) …… instruments are used which can measure air-pressure, VARY

۲۹- various صحیح است.

various را به عنوان صفت قبل از اسم instruments قرار می‌دهیم.

wind-speed temperature and rainfall, and observations are made at least every day, in some cases (30) ……. . HOUR

۳۰- hourly صحیح است.

hourly در این جمله hour تنها به صورت قید می‌تواند استفاده شود.

Section II. Vocabulary

PART A:

Choose the letter of the answer choice that best completes the sentence. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

«حرف مربوط به گزینه انتخابی که به بهترین شکل جمله را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس بر روی پاسخنامه خود، حرف مربوط به پاسخ انتخاب‌شده را بنویسید.»

31. Improved consumer confidence is …….. to an economic recovery.

1) effortless 2) crucial 3) impressive 4) prominent

۳۱- گزینه ۲ صحیح است.

«ارتقای اعتماد مشتریان برای احیای اقتصاد ضروری است.»

۱) بی‌دردسر؛ ۳) ضروری و حیاتی؛ ۳) قابل توجه؛ ۴) برجسته

32. The …… from their porch encompassed a large part of the Rocky Mountains.

1) lighting 2) forefront 3) preview 4) panorama

۳۲- گزینه ۴ صحیح است.

«دورنمای کلبه آن‌ها بخش وسیعی از کوهستان راکی را به نمایش می‌گذاشت.»

۱) نور؛ ۲) پیشرو؛ ۳) پیش‌نمایش؛ ۴) دورنما

33. Women must …….. working and taking care of the household and the family.

1) cope with 2) result in 3) search for 4) devote to

۳۳- گزینه ۱ صحیح است.

«زنان باید از عهده کار کردن و مراقبت از خانه و خانواده برآیند.»

۱)) از عهده برآمدن؛ ۲) منجر شدن به؛ ۳) جست‌وجو برای؛ ۴) مختص به

34. Unfortunately, a cure for the disease has proven to be …… .

1) elusive 2) substantial 3) rigid 4) abrupt

۳۴- گزینه ۱ صحیح است.

«متأسفانه اثبات شده که درمان این بیماری بسیار دشوار است.»

35. The earthquake caused widespread ……. throughout the region.

1) affection 2) removal 3) chaos 4) recognition

۳۵- گزینه ۳ صحیح است.

«زمین‌لرزه هرج و مرج گسترده‌ای در کل منطقه ایجاد کرد.»

۱) محبت؛ ۲) حذف؛ ۳) هرج و مرج؛ ۴) شناخت

36. The academic year …… at the beginning of October.

1) commands 2) comprises 3) compiles 4) commences

۳۶- گزینه ۴ صحیح است.

«سال تحصیلی در آغاز اکتبر شروع می‌شود.»

۱) فرمان دادن؛ ۲) شامل شدن؛ ۳) گرد آوردن؛ ۴) شروع شدن

37. The youngster ……. without a trace one day and has never been found.

1) murdered 2) vanished 3) endangered 4) trembled

۳۷- گزینه ۲ صحیح است.

«یک روز جوان بدون هیچ نشانه‌ای ناپدید شد و هرگز پیدا نشد.»

۱) کشت؛ ۲) ناپدید شد؛ ۳) در معرض خطر قرار گرفت؛ ۴) لرزید

38. He had all the …….. of a great manager: charisma, energy, discipline, and resourcefulness.

1) possessions 2) incentives 3) attributes 4) perspectives

۳۸- گزینه ۳ صحیح است.

«او تمام ویژگی‌های یک مدیر بزرگ را دارد: ابهت، انرژی، نظم و درایت.»

۱) اموال؛ ۲) انگیزه‌ها؛ ۳) ویژگی‌ها؛ ۴) چشم‌اندازها

39. A/An …….. is by definition someone whose behavior is abnormal; someone who refuses to conform to the accepted norms of his society.

1) eccentric 2) ascetic 3) effigy 4) orator

۳۹- گزینه ۱ صحیح است.

«یک موجود غیرطبیعی در تعریف به کسی گفته می‌شود که رفتار غیرطبیعی دارد. کسی که از قبول رفتارهای پذیرفته جامعه خود سر باز می‌زند.»

۱) غیرعادی، غیرطبیعی؛ ۲) مرتاض، زاهد؛ ۳) صورت، پیکر؛ ۴) سخنور، ناطق

40. I'm not a bit …… and wouldn't change any of my plans just because Friday 13th is supposed to be unlucky.

1) prejudiced 2) unfavorable 3) irrelevant 4) superstitious

۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«من اصلاً خرافاتی نیستم و هیچ کدام از برنامه‌هایم را به خاطر این که جمعه سیزدهم را نحس می‌دانند تغییر نخواهم داد.»

۱) متعصب؛ ۲) نامطلوب؛ ۳) بی‌ربط؛ ۴) خرافاتی

PART B:

For questions 41-48, read the text below and decide which answer (A), (B), (C) or (D) best fits each space. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

«برای سؤالات ۴۱-۴۸، متن ذیل را بخوانید و تصمیم بگیرید کدام پاسخ A، B، C و D به بهترین شکل جای خالی را پر می‌کند. سپس بر روی پاسخنامه خود حرف پاسخ منتخب خود را بنویسید.»

FIRST BICYCLE

The history of the bicycle goes back more than 200 years. In 1791, Count de Sivrac (41) …… onlookers in a park in Paris as he showed off his two-wheeled invention, a machine called the ‘celerifere’. It was basically an (42) …… version of a children’s toy which had been in use for many years. Sivrac’s ‘celerifere’ had a wooden frame, made in the shape of a horse, which was mounted on a wheel at either end. To ride it, you sat on a small seat, just like a modern bicycle, and pushed hard against the (43) …… with your legs there were no pedals. It was impossible to steer a ‘celerifere’ and it had no brakes, but despite these problems the invention very much (44) …….. to the fashionable young men of Paris. Soon they were (45) …….. races up and down the streets. Minor injuries were common as riders attempted a final burst of (46) ……. controlling the machine was difficult as the only way to change (47) …… was to pull up the front of the ‘celerifere’ and (48) ……. it round while the front wheel was spinning in the air.

اولین دوچرخه

تاریخچه دوچرخه به بیش از ۲۰۰ سال پیش باز می‌گردد. در سال ۱۹۷۱ کنت د سیوْراک فریاد شوق تماشاچیان در پارکی در پاریس را برآورد. زمانی که اختراع دوچرخ خود را به نمایش گذاشت، ماشینی که سِلِریفِره نامیده شد. آن (ماشین) در واقع نسخه ارتقاء یافته از اسباب‌بازی بچه‌ها بود که سال‌ها استفاده شده بود. سِلِریفِره سیوراک یک چهارچوب چوبی داشت که به شکل اسب ساخته شده بود؛ که یک چرخ هم در انتهای دیگر آن نصب شده بود. برای راندن آن، شما روی صندلی کوچکی می‌نشستید، دقیقاً شبیه یک دوچرخه مدرن، و با پاهای خود خلاف زمین فشار وارد می‌کردید- پدالی در کار نبود. هدایت یک سِلِریفِره امکان‌پذیر نبود و ترمز نداشت. اما علیرغم همه این مشکلات، این اختراع توسط بسیاری از جوانان اهل مد پاریس به کار گرفته شد. به زودی آن‌ها از بالا به پایین خیابان مسابقه دادند. زخم‌های سطحی هنگامی که رانندگان به حد نهایی سرعت می‌رسیدند معمول بود. کنترل ماشین سخت بود چرا که تنها راه تغییر جهت، بالا کشیدن جلوی سِلِریفِره و گرداندن آن در مدتی که چرخ جلو در هوا می‌چرخید، بود.

41. 1) delighted 2) cheered 3) appreciated 4) overjoyed

۴۱- گزینه ۱ صحیح است.

42. 1) increased 2) enormous 3) extended 4) enlarged

۴۲- گزینه ۳ صحیح است.

43. 1) surface 2) ground 3) earth 4) floor

۴۳- گزینه ۲ صحیح است.

44. 1) attracted 2) appealed 3) took 4) called

۴۴- گزینه ۲ صحیح است.

45. 1) going 2) getting 3) holding 4) making

۴۵- گزینه ۳ صحیح است.

46. 1) velocity 2) energy 3) pace 4) speed

۴۶- گزینه ۴ صحیح است.

47. 1) direction 2) route 3) heading 4) way

۴۷- گزینه ۱ صحیح است.

48. 1) roll 2) drive 3) turn 4) revolve

۴۸- گزینه ۳ صحیح است.

PART C:

Complete the TV review by filling in each blank with one of the items below. The words are lettered A to I. Write the letter of the word you choose in your answer sheet. Use each one only once. Remember there are two words you do not need to use.

A. negative B. landscape C. household D. convenience E. bustling

F. first hand G. dominating H. atmosphere I. guaranteed

«متن TV review را با پر کردن هر کدام از جاهای خالی با هر یک از آیتم‌های ذیل تکمیل نمایید. کلمه‌ها توسط حروف A تا I مرتب شده‌اند. حروف مربوط به هر کلمه‌ای را که انتخاب نموده‌اید در پاسخنامه خود بنویسید. هر کدام را تنها یک بار استفاده کنید. به خاطر داشته باشد که دو کلمه وجود دارد که استفاده نخواهند شد.»

TV Tonight: World Wanderers

The first episode of World Wanderers takes us to Norway for a (49) …….. look at the country's beautiful west coast. It starts in the (50) ……. harbor town of Bergen, where we dine at the busy fish market before setting off on a cruise through Norway's world-famous fjords. This is a relatively well-known destination, with hundreds of thousands of visitors every year, but it's still full of surprises. The unique (51) ……. of mountains that rise straight up from the sea is truly hypnotic. It's a lot to take in. The only (52) …… point about the show is it's just thirty minutes, too short to really relish everything we're seeing. But the producers do a good job of conveying the (53) …….. of each place we visit. In the future, the show promises a mix of destinations from (54) …… names like Paris and the Pyramid of Egypt, to new discoveries, like the Indonesian island of Lombok. It's (55) …… to make you want to take a trip!

تلویزیون امشب: سرگردان‌های جهان

نخستین اپیزود از مجموعه سرگردان‌های جهان ما را به تماشای مستقیم زیبایی‌های سواحل غربی نروژ می‌برد. این مجموعه با شهر بندری شلوغ برگن شروع می‌شود، جایی که ما قبل از عزیمت به یک سفر دریایی از میان فلات با شهرت جهانی نروژ، در یک بازار شلوغ ناهار خوردیم. این یک مقصد نسبتاً شناخته‌شده است، با صدها هزار بازید کننده در هر سال، اما همچنان پر از شگفتی است. چشم‌انداز منحصر به فرد کوهستان‌ها که از دل دریا سر برآورده‌اند کاملاً مبهوت‌کننده است. آدم کم می‌آورد. تنها نقطه منفی درباره این برنامه آن است که فقط سی دقیقه زمان دارد، بسیار کوتاه برای لذت بردن واقعی از هر چیزی که می‌بینید. اما تهیه‌کنندگان در انتقال فضای هر مکانی که از آن دیدن می‌کنیم موفق عمل کرده‌اند. در آینده، این برنامه قول ترکیبی از مقاصد از نام‌های بزرگ و معروفی نظیر پاریس و اهرام مصر گرفته تا کشف‌های جدید نظیر جزیره‌های اندونزی لومبوک را داده است. تضمین می‌کنیم که شوق سفر در شما ایجاد شود.

F -۴۹

E -۵۰

B -۵۱

A -۵۲

H -۵۳

C -۵۴

I -۵۵

Section III. Reading Comprehension

PART A:

You are going to read an article about shoplifting in America. Choose the most suitable summary sentence from the list A-I for each part (56-63) of the article. There is one extra summary sentence that you do not need to use. Write your answers on your answer sheet.

«مقاله‌ای در رابطه با «دزدی در امریکا» خواهید خواند. بهترین جمله خلاصه از لیست A تا I را برای هر قسمت از مقاله (۵۶-۶۳) انتخاب کنید. یک خلاصه اضافه وجود دارد که نیازی به استفاده از آن نیست. پاسخ‌های خود را بر روی برگه پاسخنامه بنویسید.»

A Different kinds of stores lose different amounts from shoplifting.

B Goods are stolen by custorners and employees.

C Many shops in America are facing financial difficulty.

D One chain has its own radio station.

E One chain of stores checks its stock each month.

F Shops operate on a very low profit margin.

G Some chains have their own television stations.

H Some shops are willing to damage their own goods, to discourage theft.

I Some staff are paid extra if they catch someone stealing goods.

Krazy Kirk meets Dr Shortage

کرِیْزی کِرْک با دکتر Shortage ملاقات می‌کند.

56)

Shrinkage was a hot topic of conversation at the annual congress of America’s retailers in New York, which ended on January 16th. Given the fact that store groups are going bust all over the land, getting smaller seems to be the least of their worries. But shrinkage does not mean reducing a store’s size. The term is the industry’s euphemism for shoplifting, which is itself a euphemism for stealing. And thieves are threatening to send still more of America’s shopkeepers to the bankruptcy courts.

انقباض یکی از موضوعات مهم مورد بحث در همایش سالانه خرده‌فروشان آمریکا در نیویورک بوده است که در شانزدهم ژانویه به پایان رسید. با توجه به این حقیقت که فروشگاه‌های مختلف در سراسر امریکا در حال ورشکستگی هستند، به نظر می‌رسد کوچک‌تر شدن فروشگاه‌ها کمترین نگرانی آن‌ها باشد. اما انقباض به معنای کوچک شدن اندازه فروشگاه نیست. این اصطلاح، تعبیر مؤدبانه صنف برای کش رفتن جنس از مغازه است، که اصطلاح اخیر خود تعبیر مؤدبانه‌ای برای دزدی است. و دزدان هنوز مغازه‌داران بیشتری را به فرستادن به دادگاه‌های ورشکستگی، تهدید می‌کنند.

۵۶- گزینه C صحیح است.

«بسیاری از فروشگاه‌ها در آمریکا با مشکلات مالی روبرو هستند.»

وجود عبارت store groups are going bust all over the land کلید این سؤال می‌باشد.

57)

America’s shops lose 2% of their merchandise to thieves compared with 1.5% for Canada’s shops and less than 1% for shops in Japan. Even the American figure may not sound like much,

but in the low margin business of retailing, where moving large volumes of goods quickly is the key to success, a 2% loss can wipe out a store's profits.

فروشگاه‌های امریکا ۲ درصد از کالاهای خود را به خاطر سارقان از دست می‌دهند، این در حالی است که این رقم برای کانادا ۱/۵ درصد و برای ژاپن ۱ درصد است. حتی این رقم دو درصدی در امریکا نیز به نظر زیاد نمی‌رسد، ولی در حرفه خرده‌فروشی با حاشیه سود کم، جایی که انتقال سریع مقادیر زیاد کالا، کلید موفقیت است، این ضرر و زیان ۲ درصدی می‌تواند سود یک فروشگاه را نابود کند.

۵۷- گزینه F صحیح است.

«فروشگاه‌ها با حاشیه سود پایین فعالیت می‌کنند.»

واژه lowmargin در خط سوم پاراگراف ۵۷ مشاهده می‌شود.

58)

A recent survey of 160 big American retailers indicated that these chains spend a total of $365m a year, or 0.3% of sales, trying to stop thieves. And yet their average losses are still 1.9% of sales. Department stores, with a shrinkage rate of 2.2%, and drug stores, with 2.3%, do significantly worse.

بررسی اخیر که در خصوص ۱۶۰ خرده فروش بزرگ امریکایی صورت گرفته است نشان می‌دهد که این زنجیره‌ها سالانه ۳۶۵ میلیون دلار و یا سه درصد فروش را بابت متوقف ساختن سارقان، صرف می‌کنند، و هنوز میانگین ضرر آن‌ها ۱/۹ درصد می‌باشد. فروشگاه‌های زنجیره‌ای با افت سود ۲/۲ درصدی و داروخانه‌های با ۲/۳ درصد وضعیت بسیار بدتری را دارند.

۵۸- گزینه A صحیح است.

«فروشگاه‌های مختلف مقادیر مختلفی را در سرقت از مغازه‌ها از دست می‌دهند.»

در پاراگراف ۵۸ به تفاوت انواع فروشگاه‌ها به لحاظ درصد سرقت اشاره شده است.

59)

Thirteen shoppers are caught thieving for every employee who is caught. But at $1,350, the value of merchandise recovered from employees is seven times greater. So retailers are policing workers as well as shoppers. Some of the methods now being employed by stores to combat shrinkage sound weird, but shopkeepers are in a mood to try almost anything.

به ازای هر کارمندی که در حال دزدی گرفته می شود، سیزده خریدار نیز در حال دستبرد دستگیر می شوند. ولی بر حسب ۱،۳۵۰ دلار ارزش کالاهای کشف‌شده از کارکنان، این میزان نسبت به خریداران تا هفت برابر بیشتر است. از این رو خرده‌فروشان، کارکنان را نیز همانند خریداران زیر نظر قرار می‌دهند. برخی روش‌هایی که هم‌اکنون توسط فروشگاه‌ها برای مبارزه با انقباض (کش رفتن، دزدی) به کار گرفته می‌شود عجیب و غریب به نظر می‌رسد، اما در هر حال مغازه‌داران در موقعیتی قرار دارند که تقریباً باید هر راهی را امتحان کنند.

۵۹- گزینه B صحیح است.

«کالاها توسط مشتریان و فروشندگان سرقت می‌شود.»

در پاراگراف ۳۹ هر دو واژه employees و shoppers (مشتریان) به چشم می‌خورد و به موضوع سرقت کالاها توسط کارمندان اشاره شده است.

60)

Saks Fifth Avenue, a chain of high-class department stores, believes ‘gimmicks, gimmicks and more gimmicks’ are needed to keep staff conscious of security. A Saks manager who has forgotten to lock a door or close a cash register will find a helium balloon floating beside his desk the following morning. Saks gives a cash bonus to anyone detecting a shoplifter. And the chain has installed two types of cameras in its stores: highly visible ones to deter thieves, and hidden ones to record those who try to snatch something. The company displays as many as six television monitors at employees’ entrances.

یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای کلاس بالا با نام ساکس فیفث اَوِنْیو، معتقد است که باید تدابیر بسیار بیشتری اندیشیده شود تا کارمندان کاملاً هوشیار بوده و امنیت تأمین شود. یک مدیر فروشگاه ساکس که فراموش کرده بود دری را قفل کند و یا این که صندوق پول‌شمار را ببندد، فردای آن روز یک بادکنک هلیومی متحرک را در کنار میزش می‌بیند. فروشگاه ساکس جایزه‌ای نقدی را برای هر کسی که بتواند دزد فروشگاه را شناسایی کند، تعیین می‌نماید. و این فروشگاه زنجیره‌ای دو نوع دوربین را در فروشگاه تعبیه می‌کند: یکی کاملاً مشهود برای ترساندن دزدان، و یکی دیگر مخفی که برای فیلم گرفتن از کسانی که می‌خواهند چیزی را کش بروند. این شرکت همچنین شش مانیتور تلویزیونی را در ورودی کارمندان تعبیه کرده است.

۶۰- گزینه I صحیح است.

«برخی از کارمندان اضافه کار می‌گیرند، اگر بتوانند کسی را در حال سرقت کالاها دستگیر کنند.»

به خط چهارم پاراگراف ۶۰ توجه کنید:

Saks gives a cash bonus to anyone detecting a shoplifter.

61)

Lohemann’s, a New York-based chain specialising in ladies’ clothes, believes in frequent stock checks. Where other chains physically count their stock once or twice a year, Loehmann’s has always done a monthly check. If a store’s shrinkage hits an unacceptable level, senior managers arrive to find out why. In the most persistent cases, the backgrounds of recently hired staff and cleaners are investigated. The company has also found that communal dressing rooms discourage shoplifters. And its ‘no refunds’ policy makes it harder for dishonest cashiers and customers to collude.

فروشگاه زنجیره‌ای لباس زنانه لوهمان در نیویورک، بر این باور است که انبار باید اغلب وارسی شود. در حالی که دیگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای عملاً سالانه یک یا دو بار انبار خود را وارسی می‌کنند، فروشگاه لوهمان هر ماه این وارسی را انجام می‌دهد. اگر انقباض فروشگاه تا اندازه غیرقابل قبولی صورت پذیرد، مدیر ارشد فروشگاه شروع به تحقیق خواهد کرد که چرا این اتفاق روی داده

است. در موارد پایا، پیشینه کارمندان قراردادی و نظافت‌چیان نیز مورد تحقیق و بازجویی قرار می‌گیرد. این شرکت همچنین دریافته است که اتاق‌های جمعی تعویض لباس، دزدان را دلسرد خواهد کرد. و سیاست عدم استرداد کالا موقعیت را از تبانی کردن صندوق‌داران متقلب و مشتریان، خواهد گرفت.

۶۱- گزینه E صحیح است.

«یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای انبار خود را به صورت ماهانه کنترل می‌کند.»

62)

Carter Hawley Hale, a group that owns five department store chains, cut its shrinkage to 2% in 1990 from 3.5% four years ago with a variety of stunts. At The Broadway, one of its stores, a mock radio station was set up called KSOS: the call letters stood for ‘stop our shortage’. Shop assistants were encouraged to call the radio station’ s host, a store detective named Krazy Kirk, with questions about shortages and to compete for prizes in a radio quiz on loss prevention. The station also distributed comic books starring three superhero-DJs who oppose the evil plans of a sticky-fingered villain called Dr Shortage. Such methods sound silly, but they work.

کارتر هاولی هیل، مجموعه‌ای که دارای چندین فروشگاه زنجیره‌ای است، کش رفتن کالاهایش را با یک سلسله اقدامات بسیار اعجاب‌انگیز از ۳/۵ درصد چهار سال قبل به ۲ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش داد. در برادْوِی یکی از فروشگاه‌های این مجموعه، یک ایستگاه رادیویی ساختگی به نام KSOS تأسیس شد که حروف مذکور مخفف این است (کمبود ما را متوقف سازید). دستیاران فروشگاه تشویق می‌شوند تا با میزبان ایستگاه رادیویی که یک کارآگاه فروشگاهی به نام کرِیزی کِرْک با پرسش‌هایی در خصوص کسری کالا و رقابت کردن برای جوایزی در مسابقه رادیویی در خصوص پیشگیری از کسری کالا تماس بگیرند. این ایستگاه همچنین کتاب‌های طنزی با هنرنمایی سه ستاره و قهرمان موسیقی پاپ عرضه می‌کرد، که مخالف با نقشه‌های شیطانی یک موجود شرور با انگشتان چسبنده به نام «دکتر Shortage» بودند. این روش‌ها احمقانه به نظر می‌رسد، ولی در هر حال مؤثر است.

۶۲- گزینه D صحیح است.

«یک فروشگاه زنجیره‌ای ایستگاه رادیویی خاص خود را دارد.»

به خط سوم پاراگراف ۶۲ و عبارت mock radio station توجه کنید.

63)

More conventional has been a new generation of anti-theft technology. Security Tag Systems and Sensormatic, the companies which have stuck most of the clumsy plastic tags on goods across America, both now offer tags filled with ink. If an unauthorised person tries to remove the tag, it breaks and spills the dye on the about-to-be-stolen garment as well as the shoplifter. Once the clothes are stained they cannot be worn or sold, so thieves lose their motive to steal them. Preliminary experiments indicate that the tags work, though retailers are reluctant to attach them to leathers, furs and pricey designer clothes.

نسل جدید فناوری ضد سرقت مرسوم‌تر و رایج‌تر شده است. سیستم‌های برچسب‌دار امنیتی و بسیار حساس، و نیز شرکت‌هایی که برچسب‌های پلاستیکی نامنا سبی را بر روی کالاهای خود در سرا سر امریکا چسبانده‌اند، هر دو برچسب‌های جوهردار را پیشنهاد می‌کنند. اگر شخص غیر مسئولی بخواهد برچسب را بردارد، برچسب شکسته‌شده و رنگ آن بر روی پوشاک در حال دزدیده شدن و دزد ریخته می شود. و زمانی که لباس‌ها لکه‌دار شوند دیگر قابل پوشیدن و یا فروش نیستند. از این رو دزدان انگیزه‌شان را برای دزدی آن‌ها از دست می‌دهند. تجارب اولیه نشان می‌دهد که این برچسب‌ها مؤثر واقع می‌شود، اگر چه خرده‌فروشان مایل نیستند که آن را به چرم، خز، و لباس‌های طراحی‌شده گران‌قیمت بچسبانند.

۶۳- گزینه H صحیح است.

«بعضی از فروشگاه‌ها مایل هستند به کالاهای خود آسیب بزنند تا دزدها انگیزه سرقت را از دست بدهند.»

در پاراگراف ۶۳ شیوه استفاده از بعضی برچسب‌های امنیتی که در آن‌ها از جوهر مخصوصی استفاده شده است معرفی می‌شود.

Find words (single words but not phrases) in the article which mean the same as the following. Then write your answers on your answer sheet.

«کلماتی (کلمات مجزا، نه عبارات) در مقاله که با آن‌چه که در ادامه آمده است، معنای یکسانی دارند را بیابید. سپس پاسخ‌های خود را روی برگه پاسخنامه بنویسید.»

64. bankrupt (paragraph 1)

۶۴- (going) bust = ورشکسته

65. a word used to avoid using an unpleasant word (paragraph 1)

۶۵- Euphemism = کلمه‌ای که برای پرهیز از به کار بردن یک کلمه نامطلوب استفاده می‌شود.

66. appear to be; look (paragraph 2)

۶۶- Sound = به نظر رسیدن

67. tricks to catch people’s attention (paragraph 5)

۶۷- Gimmicks = روشی برای جلب توجه افراد

68. work secretly together to cheat (paragraph 6)

۶۸- Collude = همدستی کردن برای انجام جرم.

69. pretend, not real (paragraph 7)

۶۹- Mock = غیرواقعی، تقلیدی.

70. not willing (paragraph 8)

۷۰- Reluctant = بی‌انگیزه.

PART B:

You are going to read a newspaper article about ancient rock art. For questions 71 to 85, choose the answer (A), (B), (C), or (D) which you think best fits according to the text. Then on your answer sheet, write the letter of the answer you have chosen.

«شما مقاله‌ای از یک روزنامه درباره هنر عامه باستان خواهید خواند. برای سؤالات ۷۱ تا ۸۵، گزینه‌های A، B، C و D که فکر می‌کنید به بهترین شکل با متن تناسب دارد را انتخاب کنید. سپس بر روی برگه پاسخنامه، حرف مربوط به پاسخ انتخاب‌شده را بنویسید.»

Tens of thousands of ancient pictures carved into the rocks at one of France's most important tourist sites are being gradually destroyed. Scientists and researchers fear that the 36,000 drawings on rocks in Mont Bego in the French Alps are being damaged so rapidly that they will not survive for future generations.

The mountain, believed to have once been a site for prayer and worship, is scattered with 4,000-year-old drawings cut into bare rock. They include pictures of cows with horns, cultivated fields and various religious ceremonies. But as the popularity of the site increases, the pictures are being ruined by thoughtless graffiti.

Jean Clottes is the chairman of the International Committee on Rock Art. He says, 'People think that because the pictures have been there so long they will always continue to be there. But if the damage continues at this rate there will be nothing left in 50 years.'

He describes seeing tourists stamping on the drawings, wearing away the rock and definition of the artwork as they do so. Some visitors, he says, even chop off parts to take home as souvenirs.

'When people think they can't take a good enough photograph, they rub the drawings to get a clearer picture,' he said. 'The drawings are polished by the weather, and if the sun is shining and the visitors can't see them properly they simply rub and scrape them to make them look fresher.'

Other researchers describe how people arrive carrying long sticks with sharp ends to scratch their own drawings, or even their names, in the rocks.

But experts are divided over the best way to preserve the drawings. Henry de Lumley, director of the Museum of Natural History in Paris, believes that the only way to save the site is to turn the whole mountain into a 'no-go' area, preventing the public from going there except on guided tours. Otherwise, he says, not only will the site be completely destroyed but important research work will be reduced.

Clottes disagrees. 'The measure proposed by Henry de Lumley is the most severe, and while it is the most effective, it is also certain to bring about protests from people who Live there,' he said. 'The site was classified as a historic monument years ago by the Ministry of Culture, and we must do as much as possible to save what is there.'

David Lavergne, the regional architect, also wants to avoid closing the site. ‘Henry de Lurnley’s idea isn’t ideal,’ he said. ‘Our department feels that the best solution is to let people look at the site, but because the area is very big it is difficult to prevent visitors from damaging it. I would prefer that everyone was able to look at it, but the main problem is financial. We do not have the funds to employ the necessary number of guards. We may have to consider charging a fee. There seems to be no prospect of government funding.’

In Nice, Annie Echassoux, who also worked on researching the site, is alarmed that as the mountain becomes easier to reach — tourists can now avoid the three- and-a-half-hour walk by hiring vehicles -the damage will increase rapidly. She thinks that the only solution is to rope off the area and provide guides. ‘You can’t say the plan can’t go ahead because there is no money,’ she said. ‘That is not good enough. Money must be provided because the Ministry of Culture has classified this area as a historic site. If we don’t take steps, we will be responsible for losing the drawings for the next generation.

ده‌ها هزار تصویر باستانی حک‌شده بر روی سنگ که در یک منطقه مهم گردشگری فرانسه قرار دارند به تدریج در حال نابودی است. دانشمندان و محققان بیم دارند که ۳۶،۰۰۰ نقاشی روی سنگ‌ها در مون بِگ ُ در کوه‌های آلپ فرانسه آن‌چنان سریع نابود شوند که نتوان آن‌ها را برای نسل آینده حفظ کرد.

روی این کوه، که اعتقاد بر این است که محلی برای پرستش و عبادت بوده است، نقاشی‌های حک‌شده بر سنگ با ۴۰۰۰ سال قدمت پراکنده‌اند. آن‌ها شامل تصاویری از گاوها و شاخ‌ها، زمین‌های کشاورزی و آداب و رسوم مختلف مذهبی است. اما همان‌طور که محبوبیت این مکان افزایش می‌یابد، این تصاویر به وسیله دیوارنوشته‌های ناشی از بی‌توجهی در حال خراب شدن هستند.

ژان کِلُت، رئیس کمیته بین‌المللی هنر سنگ است. او می‌گوید: مردم فکر می‌کنند که چون این تصاویر مدت بسیار طولانی آن‌جا بوده‌اند همچنان آن‌جا خواهند بود. اما اگر خرابی با همین روند ادامه یابد تا ۵۰ سال دیگر چیزی آن‌جا نخواهد بود.

او از مشاهده گردشگرانی می‌گوید که بر روی نقاشی‌ها مهر می‌زنند، سنگ‌ها را می‌سایند و این عمل را کار هنری توصیف می‌کنند. او می‌گوید برخی بازدیدکنندگان حتی بخش‌هایی را می‌کَنند تا به عنوان سوغات به خانه ببرند.

او می‌گوید زمانی که مردم فکر می‌کنند که نمی‌توانند با کیفیت مناسبی عکس بگیرند نقاشی‌ها را می‌مالند تا تصویر واضح‌تری داشته باشد. نقاشی‌ها به وسیله هوا صیقل می‌خورند و اگر خورشید بدرخشد و بازدیدکنندگان نتوانند آن‌ها را به خوبی ببینند به سادگی آن‌ها را می‌مالند و می‌خراشند تا تازه‌تر به نظر برسند.

محققان دیگر توصیف می‌کنند که چگونه مردم با چوب‌های بلند نوک تیز می‌آیند تا نقاشی‌ها یا حتی نام خود را بر روی سنگ‌ها حک کنند.

اما متخصصان بر حسب بهترین راه حفاظت از نقاشی‌ها چند دسته می‌شوند. هانری دو لومْلی، مدیر موزه تاریخ طبیعی پاریس، معتقد است که تنها راه نجات منطقه تبدیل کل کوه به منطقه عبور ممنوع است، تا از آمد و شد مردم به آن‌جا مگر در قالب تورهای هدایت‌شده جلوگیری شود. او می‌گوید در غیر این صورت نه تنها منطقه به طور کامل ویران می‌شود، بلکه کارهای تحقیقاتی مهم نیز کاهش خواهد یافت.

کِلُت مخالف است. او می‌گوید «اقدامی که توسط هانری دو لومْلی پیشنهاد شده است سخت‌گیرانه‌ترین (راه حل) است، با این‌که مؤثرترین (راه حل) است، همچنین قطعاً موجب مخالفت مردمی خواهد شد که در آن‌جا زندگی می‌کنند. منطقه سال‌ها

قبل توسط وزارت فرهنگ به عنوان یک بنای تاریخی طبقه‌بندی شده است و ما باید هر کاری که می‌توانیم برای نجات آن‌جا انجام دهیم.»

داوید لاوِرْن، معمار منطقه‌ای، نیز خواهان پرهیز از بستن منطقه است. او می‌گوید «ایده هانری دو لومْلی آرمانی نیست. اداره ما احساس می‌کند که بهترین راه حل این است که به مردم اجازه داده شود تا از منطقه بازدید کنند، اما چون ناحیه خیلی بزرگ است دشوار است که از خرابی‌های بازدیدکنندگان جلوگیری کرد. من ترجیح می‌دهم که هر کس بتواند آن‌جا را ببیند اما مسأله اصلی مالی است. ما منابع مالی برای استخدام تعداد محافظ مورد نیاز را نداریم. ما احتمالاً مجبور به پرداخت هزینه هستیم. به نظر نمی‌رسد چشم اندازی از بودجه دولت وجود داشته باشد.»

آنی اِشاسو، که او نیز بر روی منطقه پژوهش کرده است هشدار می‌دهد که با دسترسی ساده‌تر به کوه خرابی‌ها به سرعت افزایش خواهد یافت- گردشگران اکنون می‌توانند با اجاره وسیله از سه ساعت و نیم پیاده‌روی پرهیز کنند. او فکر می‌کند تنها راه حل این است که منطقه طناب‌کشی (محدود) شود و راهنمایی‌ها ارائه شود. او می‌گوید «شما نمی‌توانید بگویید که برنامه نمی‌تواند جلو برود چون پول نیست، این کار به اندازه کافی خوب نیست. پول باید تأمین شود، چرا که وزارت فرهنگ این ناحیه را به عنوان منطقه‌ای تاریخی قلمداد کرده است. اگر گام‌هایی برنداریم، برای از دست دادن نقاشی‌ها برای نسل بعد مسئول خواهیم بود.»

71. What does ‘they’ refer to in paragraph 1?

1) the rocks 2) the French Alps 3) the drawings 4) the tourist sites

۷۱- گزینه ۳ صحیح است.

they در این پاراگراف به ancient pictures باز می‌گردد. the drawings معادل the pictures می‌باشد.

72. According to the text, the rate at which the drawings are being damaged is.

1) negligible 2) fast 3) unidentified 4) not rapid enough

۷۲- گزینه ۲ صحیح است.

«سرعت تخریب نقاشی‌ها سریع است.»

73. According to the text, the concerned pictures include scenes related to all of the following EXCEPT …….. .

1) animals 2) agriculture 3) religion 4) rocks

۷۳- گزینه ۴ صحیح است.

They include pictures of cows (animals), cultivated fields (agriculture) and various religion ceremonies (religion).

74. Jean Clottes says that people who visit the mountain …….. .
1) do not believe the drawings are old
2) believe they are allowed to paint there
3) think the drawings should be left alone
4) assume the drawings will not change

۷۴- گزینه ۴ صحیح است.

People think that …they will always continue to be there.

75. According to Clottes, some of the visitors to the area have …… .
1) misunderstood what the pictures mean
2) been unable to take photographs
3) helped to clean the drawings
4) taken bits of the rock home

۷۵- گزینه ۴ صحیح است.

… even chop off parts to take home as souvenirs.

76. People are described as doing all of the following EXCEPT …… .
1) polishing the drawings by means of the sticks they carry with them
2) rubbing the drawings to make them look fresher
3) ruining the drawings by reckless graffiti
4) stamping on the drawings

۷۶- گزینه ۱ صحیح است.

77. Henry de Lumley is keen to ……. .
1) set up research projects
2) safeguard public rights
3) keep out individual visitors
4) ban traffic in the area

۷۷- گزینه ۳ صحیح است.

78. Clottes disagrees with Henry de Lumley's suggestion because he thinks …… .
1) it won't work
2) visitors will protest about it
3) he has a better idea
4) it will annoy local people

۷۸- گزینه ۴ صحیح است.

It is also certain to bring out protests from people who live there.

79. What does the word “there” refer to in paragraph 8?

1) site 2) local people’s homes 3) ministry of culture 4) architecture

۷۹- گزینه ۱ صحیح است.

منظور از there عبارت اسمی the site می‌باشد.

80. David Lavergne would prefer to -…… .

1) limit the number of visitors to the site
2) arrange security to protect the site
3) reduce the overall area of the site
4) use tourist fees to finance repairs on the site

۸۰- گزینه ۲ صحیح است.

«به نظر داوید لاورن بهتر است با استخدام نیروهای محافظ از منطقه باستانی حفاظت کرد.»

81. According to David Lavergne, the problem of using guards to protect the site …… .

1) the government’s current economic crisis
2) basically financial
3) the great number of visitors
4) the disinclination to make the area look like a military zone

۸۱- گزینه ۲ صحیح است.

«مشکل استفاده از نیروی حفاظتی اساساً مالی است.»

82. According to the text, it is NOT true that …… .

1) some people walk to the site
2) tourists can use car service for traveling to the site
3) the area is now roped off and some guides are provided
4) the possibility of hiring cars by tourists would speed up the damaging of the site

۸۲- گزینه ۳ صحیح است.

طبق متن، در حال حاضر آن منطقه طناب‌کشی و حفاظت نشده است.

83. The claim that the drawings would not be available for the next generation to look at is …… .

1) definite 2) likely
3) being investigated 4) denied by the Ministry of Culture

۸۳- گزینه ۲ صحیح است.

ادعای نابود شدن نقاشی‌ها و نرسیدن آن‌ها به نسل بعد محتمل (likely) است. زیرا در متن گفته شده اگر روند تخریب ادامه داشته باشد، نقاشی‌ها نابود می‌شوند.

84. Which word best describes Annie Echassoux's attitude?

1) Determined 2) Despairing 3) Unforgiving 4) Understanding

۸۴- گزینه ۲ صحیح است.

جمله آخر متن به این ناامیدکنندگی را نشان می‌دهد: «برای از دست دادن نقاشی‌ها برای نسل بعد مسئول خواهیم بود.»

85. This article has been written about Mont Bego to ……..

1) advertise the closure of the site
2) warn visitors about the dangers of the site
3) encourage scientists to visit the site
4) describe fears about the future of the site

۸۵- گزینه ۴ صحیح است.

این متن نوشته شده تا درباره آینده این منطقه باستانی هشدار دهد.

PART C:

Read the following newspaper article. Then complete the sentences following the text based on the information included in it. Use NO MORE THAN ONE WORD or A NUMBER in each blank. Then write your answers on your answer sheet.

«مقاله روزنامه‌ای زیر را بخوانید. سپس جملاتی که در ادامه متن می‌آید را با توجه به اطلاعات موجود در آن تکمیل نمایید. بیش از یک کلمه و یا یک عدد در جای خالی استفاده نکنید. سپس پاسخ خود را بر روی پاسخنامه بنویسید.»

We British as a nation do all kinds of things in our spare time: we go shopping or jogging, we play darts or football, we collect records or stamps, we go to church or to the park. The average working p'erson has 40 hours of free time a week, sleeps for 49 hours, spends 45 hours at work or travelling to and from work. The remaining hours are spent on 'essential activities' (food shopping, housework, child care, cooking, etc.). Of course, some of our free time activities, like visiting relatives or taking driving lessons, may not be fun, but whatever we do, the way we spend our free time is probably providing other people with work. Leisure is our fastest growing industry.

According to the latest figures, during the past year, the most popular activity of all was walking: 35 million British people regularly walked two miles or more. More energetically, ten million people went to keep fit classes or took part in aerobics or yoga and half as many did some kind of weight training in a gym. Not only did nine million people go cycling but four million went jogging and the same number played football and played golf. Other popular sports were bowling (six million), badminton (five million), tennis (four million) and squash (three million). Less actively, twelve million people played snooker, seven million played darts and three million went fishing.

Watching other people playing is also a popular leisure activity: the favourite sports among TV viewers are football, horse-racing, snooker, cricket and tennis. But although millions watch the matches on TV, not so many regularly go to watch football matches. ‘New’ television sports like American football, basketball and even darts are attracting loyal armchair experts.

The fitness boom of the eighties led to a big rise in the numbers of people participating in sports. To cater for this boom and provide the up-to-date facilities people want, over 1,500 private health and fitness clubs and the same number of public leisure centres have been built during the past twenty years. These modem centres, with their swimming pools (22 million people went swimming last year), squash courts, gyms and indoor courts for tennis and other sports, are competing with clubs and cinemas as places for people to go to spend their leisure time and their money. Now practically every town has a leisure pool, often with a wave machine, water slides and tropical plants. Families can even spend their holidays at huge indoor water parks, where they can play or relax all day long in warmth and comfort without worrying about the weather outside. But this may not be helping us to get fitter: we may be becoming a nation of splashers, but not a nation of swimmers. The big question fitness experts are asking is: should sport be taken seriously or should it just be fun?

ما بریتانیایی‌ها به عنوان یک ملت انواع این کارها را در اوقات فراغتمان انجام می‌دهیم: به خرید یا پیاده‌روی می‌رویم، پرتاب دارت یا فوتبال بازی می‌کنیم، آلبوم موسیقی یا تمبر جمع می‌کنیم، به کلیسا یا به پارک می‌رویم. متوسط وقت آزاد یک انسان شاغل ۴۰ ساعت در هفته است. ۴۹ ساعت می‌خوابد، ۴۵ ساعت در محل کار و یا رفت و آمد به محل کار صرف می‌کند .ساعات باقی مانده صرف فعالیت‌های ضروری می‌شود (خرید مواد غذایی، کارهای خانه، مراقبت از کودکان، پخت‌وپز، و غیره). البته، برخی از فعالیت‌های اوقات فراغت ما، مانند بازدید از خویشاوندان یا شرکت در کلاس آموزش رانندگی، ممکن است سرگرم‌کننده نباشد، اما هر چه که ما انجام می‌دهیم، راهی که ما وقت آزاد خود را می‌گذرانیم ممکن است برای دیگران ایجاد اشتغال کند. فراغت سریع‌ترین صنعت در حال رشد ماست.

با توجه به آخرین آمار، در سال گذشته، محبوب‌ترین فعالیت قدم زدن بوده است: ۳۵ میلیون بریتانیایی به طور منظم دو مایل یا بیشتر پیاده‌روی کرده‌اند. از فعالیت‌های پرتحرک، ده میلیون نفر از مردم به کلاس‌های تناسب اندام، ایروبیک و یا یوگا رفته‌اند و نیمی از آن‌ها برخی از فعالیت‌های بدنسازی در باشگاه را انجام داده‌اند. نه تنها نه میلیون نفر دوچرخه‌سواری کرده‌اند، بلکه چهار میلیون نفر به کوه‌پیمایی رفتند و به همان تعداد فوتبال و گلف بازی کردند. سایر ورزش‌های محبوب بولینگ (شش میلیون)، بدمینتون (پنج میلیون)، تنیس (چهار میلیون) و اسکواش (سه میلیون) بودند. از فعالیت‌های کم تحرک، دوازده میلیون نفر اسنوکر، هفت میلیون دارت و سه میلیون نفر ماهی‌گیری کردند.

مشاهده بازی دیگران نیز، دیگر فعالیت محبوب در اوقات فراغت است: ورزش‌های مورد علاقه در میان بینندگان تلویزیون فوتبال، مسابقه اسب‌سواری، اسنوکر، کریکت و تنیس هستند، اما اگرچه میلیون‌ها نفر مسابقات تلویزیون را تماشا می‌کنند، افراد زیادی به طور منظم به تماشای مسابقات فوتبال نمی‌روند. اخیراً ورزش‌های تلویزیونی مانند فوتبال آمریکایی، بسکتبال و حتی دارت، جذب‌کننده ثابت کارشناسان پشت میز نشین هستند.

رونق تناسب اندام از دهه هشتاد منجر به یک افزایش بزرگ در تعداد افراد شرکت‌کننده در ورزش شد. برای این رونق و ارائه امکاناتِ به روزی که مردم می‌خواهند، بیش از ۱،۵۰۰ باشگاه تناسب اندام و سلامت خصوصی و به همان تعداد مراکز تفریحی

عمومی در طول بیست سال گذشته ساخته شده است. این مراکز مدرن، با استخرهای شنای خود (۲۲ میلیون نفر از مردم در سال گذشته به شنا رفتند)، زمین اسکواش، باشگاه‌ها و زمین‌های سرپوشیده تنیس و دیگر ورزش‌ها، در رقابت با کلوب‌ها و سینماها به عنوان مکان هایی هستند که مردم اوقات فراغت و پول خود را در آن‌جا صرف می‌کنند. در حال حاضر عملاً هر شهر یک استخر تفریحی، اغلب با یک دستگاه موج، سرسره‌های آبی و گیاهان گرمسیری دارد. خانواده‌ها حتی می‌توانند تعطیلات خود را در پارک‌های آبی سرپوشیده بزرگ صرف کنند، جایی که آن‌ها می‌توانند بازی کنند و یا در تمام طول روز در گرما استراحت کنند و راحت باشند بدون این که هیچ گونه نگرانی در مورد آب و هوای بیرون داشته باشند. اما این راهی نیست که به متناسب شدن اندام ما کمک کند: ممکن است ما در حال تبدیل شدن به یک ملتی باشیم که در آب بازی می‌کنند نه یک ملت شناگر. سؤال بزرگی که کارشناسان تناسب اندام می‌پرسند این است: ورزش باید جدی گرفته شود یا فقط سرگرمی است؟

86. The most popular sporting activity in Britain is ……. .

۸۶- walking صحیح است.

87. The second most popular sporting activity in Britain is …… .

۸۷- yoga and aerobics صحیح است.

در متن نوشته شده:

ten million people went to keep fit classes or took part in aerobics or yoga.

88. Over the past 20 years …….. , private health and fitness clubs have been built in Britain.

۸۸- ۱۵۰۰ صحیح است.

89. Over the past 20 years, ……. public leisure centers have been built in Britain.

۸۹- ۱۵۰۰ صحیح است.

چون در متن اشاره شده به تعداد مراکز خصوصی، مراکز دولتی ورزشی تأسیس شده است.

90. The average working person has 40 hours of free time per ……. .

۹۰- week صحیح است.

91. Last year 35 million British people regularly …….. two miles or so.

۹۱- walked

92. Some of the activities that we do in our free time, like taking driving lessons may not be ……. .

۹۲- fun

93. Last year the number of people who practiced weightlifling in a …… was 5 million.

gym -۹۳

94. Providing people with the opportunity to spend their leisure time is a fast-growing ……. .

industry -۹۴

95. Nowadays it is very likely for one to encounter a wave ……. in a leisure pool.

machine -۹۵

96. When you are at a huge indoor water park, you do not need to worry about the ……. outside.

weather -۹۶

97. The number of people who played badminton and those who did weightlifting was the ……. .

same -۹۷

98. …… other people playing is also a popular activity which people do in their free time.

watching -۹۸

99. The number of people who went …….. last year was six million.

bowling -۹۹

100. Fitness experts wonder whether sport should be taken …….. or should it be just for fun.

seriously -۱۰۰

بخش چهارم:

سؤالات و پاسخ تشریحی

آزمون دکتری ۱۳۹۱

اطلاع از جدیدترین آیین نامه
پذیرش بدون آزمون

آخرین خبرها از پذیرش
دکتری استعداد درخشان

به پذیرش دکتری
بدون آزمون می اندیشید؟
همین الان کلیک کنید!

مشاوره به داوطلبان پذیرش
بدون آزمون

ارتباط با داوطلبان با تجربه

PART A: Grammar 1

1- The popularity of game theory has varied …….. economics.

1) to be introduced by
2) in order to introduce into
3) since its introduction into
4) from its introduction by

۱- گزینه ۳ صحیح است.

«محبوبیت تئوری بازی، از زمان معرفی آن به علم اقتصاد تغییر یافته است.»

از آن جایی که در جمله، فعل گذشته کامل has varied به کار رفته است، تنها پاسخ ۳ که کلمه since را برای نشان دادن توالی زمانی به کار برده است، صحیح می‌باشد.

2- Although there are many definitions of epistemology, …….…… is probably …… Brian Mac Ma honet al.

1) most widely accepted one - by
2) the one most wide accepted - from
3) one mostly wide accepted - those by
4) the most widely accepted - that of

۲- گزینه ۴ صحیح است.

«اگر چه تعاریف زیادی از معرفت‌شناسی وجود دارد، مقبول‌ترین تعریف، احتمالاً مربوط به Brian Mac Ma hon et al. است.»

پاسخ‌های ۱ و ۳ مورد قبول نیستند، زیرا حرف the را برای اشاره به مقبول‌ترین معرفت‌شناسی به کار نبرده‌اند. پاسخ ۳ همچنین به این علت غلط است که برای نقطه چین دوم، ضمیر جمع به کار برده درصورتی که موضوع جمله، مقبول‌ترین معرفت‌شناسی است و مفرد است.

گزینه ۲ به دو دلیل غلط است. اول این که عبارت wide accepted اشتباه است و باید به جای آن قید widely به کار می‌رفت. دوم اینکه from در اینجا کاربردی ندارد.

گزینه ۴ درست است، زیرا the most widely accepted اشاره به definition دارد و در ادامه جمله نیز that of اشاره به definition یا تعریف هستی‌شناسی دارد.

3- This debate, …… on such values as equality and liberty, may never be finally resolvable.

1) it turns
2) turning as it does
3) which it turns
4) turning it does

۳- گزینه ۲ صحیح است.

«این بحث، بدین جهت که ارزش‌هایی مانند برابری و آزادی را مطرح می‌کند، ممکن است هرگز قابل حل نباشد.»

"turning as it does on" برابر است با "since it turns on" که "turn on" در اینجا به معنای «مطرح کردن» است.

به این مثال توجه کنید:

Shakespeare's comedy of morals is no easy play to stage **turning as it does on** a series of finely-honed debates on the use and misuse of authority, corruption and deceit.

که برابر است با:

Shakespeare's comedy of morals is no easy play to stage **since it turns on** a series of finely-honed debates... .

«کمدی‌های اخلاقی شکسپیر بدین جهت که مجموعه‌ای از مباحث بسیار ریز و دقیق از استفاده و سوء استفاده از قدرت، فساد و فریب را مطرح می‌کند، به سادگی قابل اجرا کردن نیست.»

4- Experiments involve introducing a planned intervention, ……. a "treatment" into a situation.

1) as usually referred to
2) as usually referring to
3) referring usually as
4) usually referred to as

۴-گزینه ۴ صحیح است.

«آزمایشـــاتی که شـــامل وارد نمودن یک مداخله‌گر برنامه‌ریزی‌شـــده می‌شـــوند، معمولاً به عنوان «درمان» مورد ارجاع قرار می‌گیرند.»

عبارت usually referred to as a treatment یعنی: مورد ارجاع قرارگرفته به عنوان «درمان».

گزینه‌های ۱و۲ خطا هستند، زیرا با to تمام شده‌اند و خواننده انتظار دارد بعد از to شاهد یک فعل باشد درصورتی که بلافاصله بعد از نقطه‌چین، عبارت a treatment قرار داده شده که اسم است.

گزینه ۳ خطا است زیرا بعد از فعل referring باید شاهد to باشیم که این گزینه فاقد آن است.

تنها پاسخ صحیح، گزینه ۴ است که در آن بعد از فعل مجهول referred to، حرف as یعنی «به عنوان» را به کار برده که به کل جمله انسجام می‌بخشد.

5- Research in the history of the family has progressed from the narrow view of the family as a household unit ……. as a process over the entire lives of its members.

1) to consider itself
2) of considering it such
3) to considering it
4) for considering such

۵- گزینه ۳ صحیح است.

«تحقیق درمورد تاریخ خانواده از دیدگاه محدود به خانواده به عنوان یک واحد خانوار تا یک فرآیند در ارتباط با کلیت زندگی‌های افراد آن پیشرفت کرده است.»

از آن جایی که این جمله درمورد سیر تاریخی یک دیدگاه صحبت می‌کند، به دو عبارت from…to… با یکدیگر نیازمندیم.

بنابراین گزینه‌های ۲ و ۴ حذف می‌شوند.

گزینه ۱ حذف می‌شود زیرا در آن itself به research برمی‌گردد.

درصورتی که در این جمله، موضوع مورد بحث family است و تنها گزینه ۳ این را رعایت کرده و در آن it به family اشاره دارد.

6- In every war, each side tends to regard its own goals as legitimate and …… illegitimate.

1) those of the other as
2) one of the other as
3) ones for others being
4) that for others being

۶- گزینه ۱ صحیح است.

«در هر جنگی، هر طرف اهداف خود را مشروع و اهداف طرف دیگر را نامشروع می‌داند.»

در این سؤال یک مقایسه به کار رفته است. مقایسه اهداف خود با اهداف طرف مقابل که یکی مشروع و دیگری نامشروع است.

طبق قاعده مقایسه همجنس با همجنس، باید قبل از کلمه legitimate ضمیری آورده شود که بتواند جایگزین goals شود.

گزینه‌های ۲ و ۴ غلط هستند، زیرا ضمیر جمع به کار نبرده‌اند. هرچند ایرادهای دیگری نیز بر آن‌ها وارد است.

گزینه ۳ غلط است، زیرا ones for ضمیر نیست و درضمن عبارت as یعنی «به عنوان» در آن به کار نرفته است.

تنها گزینه ۱ از هرلحاظ صحیح است. those of ضمیر است و به goals اشاره دارد و در انتها نیز از as استفاده نموده است.

7- Inflation is generally taken to be the rise of prices, or, ……., the fall of the general purchasing power of the monetary unit.

1) to put other way round
2) to put it round other way
3) putting the way other round
4) put the other way round

۷- گزینه ۴ صحیح است.

«تورم عموماً به عنوان افزایش قیمت‌ها درنظر گرفته می‌شود، یا بالعکس، افت قدرت خرید عمومی واحد پولی.»

در اینجا the other way round یک اصطلاح است و مجموعاً به معنی «بالعکس» است.

قبل از این عبارت to لازم نیست، بنابراین گزینه‌های ۱و۲ حذف می‌شوند.

putting هم در اینجا معنا ندارد، چون در واقع فعل استفاده نمی‌شود. فقط یک اصطلاح به کار برده می‌شود که می‌توان حتی با حذف آن نیز انسجام جمله را حفظ کرد.

8- …… the human brain is a language learning organ is provided by neurological studies of language disorders.

1) Supporting further the view which
2) To support further the view which
3) Further supporting the view that
4) Further support for the view that

۸- گزینه ۴ صحیح است.

«حمایت بیشتر از این دیدگاه که مغز انسان یک ارگان یادگیرنده است، توسط مطالعات عصب شناسی اختلالات زبان صورت گرفته است.»

با حذف کلمات و عبارات توصیفی و خلاصه کردن مطلب به جمله زیر می‌رسیم.

--- blah blah blah is provided by blah blah blah.

دومین is در اینجا باید به توصیف یک اسم می‌پردازد. بنابراین گزینه‌های ۱ و۲ که هرکدام یک فعل را پیشنهاد نموده‌اند مردود می‌شوند.

گزینه ۳ کلمه supporting را به کار برده که مصدر است.

تنها گزینه ۴ به درستی further support را پیشنهاد کرده که ... is برای تشریح آن به کار برده شده است.

9- Mass media …….….. a new social institution, concerned with the production of knowledge …….. sense of the word.

1) together comprising - in the widest
2) together comprise - in the widest
3) altogether comprised of - in most widely
4) is altogether comprised of - in most widely

۹- گزینه ۲ صحیح است.

«رسانه‌های جمعی که با هم یک نهاد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، کارشان تولید علم در وسیع‌ترین معنای کلمه است.»

Mass media فاعل جمله است و بنابراین پس از آن به یک فعل نیاز داریم، در غیر این صورت جمله فعل نخواهد داشت.

قبل از sense به صفت نیاز داریم، پس قید widely نمی‌تواند استفاده شود.

10- Inbreeding is mating between closely related individuals, …….. self-fertilization, which occurs in many plants and some animals.

1) the extreme condition being
2) to be extreme condition as
3) of which extreme condition is
4) it is the extreme condition

۱۰- گزینه ۱ صحیح است.

برای این که گزینه ۳ بتواند یک جمله‌واره صحیح بسازد باید به این صورت می‌بود:

of which “the” extreme condition is

فرض می‌کنیم که این گزینه، ایراد فوق را نداشت، در آن صورت جمله به شکل زیر می‌بود:

Inbreeding is mating between closely related individuals, of which the extreme condition is self-fertilization, which occurs in many plants and some animals.

ایراد این جمله این ا ست که طبق قواعد همپایگی باید بین دو جمله‌واره مو صولی آن از حرف ربط and ا ستفاده کنیم به این صورت:

Inbreeding is mating between closely related individuals, of which the extreme condition is self-fertilization, and which occurs in many plants and some animals.

در مورد گزینه ۱، عبارت مابین دو کاما یک جمله‌واره مو صولی نی ست. یعنی به ا صطلاح یک Non-restrictive relative clause نیست. بلکه به این گونه عبارات اصطلاحاً absolute phrase یا absolute clause نامیده می‌شوند که توضیحاتی اضافی در مورد جمله ارائه می‌کنند و معمولاً یا فعل ندارند یا این که با فعل non-finite می‌آیند. به عنوان مثال نمونه‌هایی از کاربرد این نوع عبارات را در این جملات می‌توانید ملاحظه نمایید:

She cycled down the hill, her long blonde hair flying in the wind.
His book now a best seller, he felt pleased with the world.
There was no bus in sight and Julian, his hands still jammed in his pockets and his head thrust forward, scowled down the empty street.
The weather being fine, we went out for a picnic.

بنابراین جمله صورت سؤال یه شکل ذیل صحیح است:

Inbreeding is mating between closely related individuals, the extreme condition being self-fertilization, which occurs in many plants and some animals.

«تولید مثل عبارت از جفت‌گیری بین افراد بسیار نزدیک است، شدیدترین حالتِ آن خودباروری است، که در بسیاری از گیاهان و برخی حیوانات رخ می‌دهد.»

PART B: Grammar 2

11- The biggest flight (1) creatures ever seen (2) on earth lived in the days of (3) the dinosaurs and were called pterosaurs. No Error (4)

۱۱- گزینه ۱ مورد اشتباه را در بر دارد.

the biggest flying creatures

12- An amazing experiment has been taking place (1) in the desert where an enormous complex of greenhouses has (2) been created to simulate the different environment (3) of the earth. No Error (4)

۱۲- گزینه ۳ مورد اشتباه را در بر دارد.

environment باید به شکل جمع مورد استفاده قرار گیرد.

13- Technology has developed so fast in the 20th century (1) that the world children are born into today (2) are almost unrecognizable (3) as the world their parents were born into. No Error (4)

۱۳- گزینه ۳ مورد اشتباه را در بر دارد .

زیرا دنیای فرزندان امروز با دنیای والدینشان مقایسه شده و world مفرد است. بنابراین کاربرد are در اینجا خطا است.

14- There is really little doubt (1) the British are (2) different from other members of the European Community which (3) some recent statistics demonstrate. No Error (4)

۱۴- گزینه ۳ مورد اشتباه را در بر دارد.

به جای which باید as به کار می‌برد. (.... همان طور که برخی آمار جدید نشان می‌دهند.)

15- Researchers have found that skin cancer is increasing by 5 percent (1) a year all over (2) the world and cases (3) have doubled in the last ten years. No Error (4)

۱۵- گزینه ۴ صحیح است.

«مطالعات نشان داده‌اند که سرطان پوست با نرخ ۵ در صد در سال در سراسر جهان درحال رشد است و موارد در ده سال گذشته دو برابر شده‌اند.»

16- <u>Happening the first</u> Airbus crash, the Air France chief instructor was grounded
1
because investigators did not <u>believe his story that</u> the computers on board did not
2
respond <u>quickly enough</u>. <u>No Error</u>
3 4

۱۶- گزینه ۱ صحیح است.

صورت صحیح جمله به شکل زیر است:

The first Airbus crash happening, the Air France chief instructor was grounded because investigators did not believe his story that the computers on board did not respond quickly enough.

عبارت اول، absolute clause است که در پاسخ سؤال ۱۰ توضیح داده شده است.

«با وقوع اولین تصادم ایرباس، راهنمای ارشد ایر فرانس اخراج شد، زیرا محققان داستان او را در این رابطه که کامپیوترهای هواپیما با سرعت کافی پاسخ ندادند، باور نکردند.»

17- The modern view <u>runs counter to</u> <u>the principal</u> assumption of the traditional view
1 2
<u>that</u> all knowledge except for some simple principles of association is learned. <u>No Error</u>
3 4

۱۷- گزینه ۴ صحیح است.

جمله صحیح است: «دیدگاه مدرن با پیش فرض اساسی دیدگاه سنتی مقابله می‌کند که همه دانش به غیر از اصول ساده معاشرت یاد گرفته می‌شود.»

18- In the period <u>immediately prior to</u> the Second World War, the theoretical <u>basis for</u>
1 2
sociology broadened and <u>drawn particularly on</u> the Insights on bureaucracy. <u>No Error</u>
3 4

۱۸- گزینه ۳ مورد اشتباه را در بر دارد.

به جای drawn باید drew…on به کار می‌رفت و علت آن استفاده از ساختارهای موازی است.

«در دوره دقیقاً ماقبل جنگ جهانی دوم، پایه نظری جامعه‌شناسی گسترش یافت و به خصوص به دیدگاه‌های بروکراسی نزدیک شد.»

19- <u>Bilingualism used</u> to be seen <u>as occurred</u> in <u>clearly-defined</u> areas of the world, but
1 2 3
now it is said that bilingualism is restricted to indigenous groups. <u>No Error</u>
4

۱۹- گزینه ۲ صحیح است.

به دلیل حشو لازم نیست این بخش در جمله بیاید.

«به نظر می‌رسید که دو زبانه بودن در مناطق کاملاً تعریف شده جهان رخ داده با شد، اما حالا گفته می شود که دوزبانگی به گروه‌های بومی محدود می‌شود.»

20- The discovery that dreams take place <u>primarily during</u> a distinctive state of sleep, (1) <u>to identify</u> (2) by objective criteria, <u>led to</u> (3) a rebirth of interest in dreams. <u>No Error</u> (4)

۲۰- گزینه ۲ مورد اشتباه را در بر دارد.

استفاده از کاما به این دلیل است که عبارت داخلِ آن توضیح اضافه‌ای را مطرح می‌کند. بنابراین باید با ضمیر موصولی مطرح شود که عبارت است از: which can be identified by objective criteria. این عبارت توصیفی می‌تواند به صورت خلاصه ظاهر شود. در این صورت ضمیر موصولی و فعل be که بلافاصله پس از آن می‌آید حذف می شود، بنابراین عبارت به این شکل تغییر پیدا می‌کند: identified by objective criteria.

در این صورت معنی جمله چنین خواهد بود: «این کشف که رویاها اساساً در مرحله مشخصی از خواب رخ می‌دهد، را که می‌توان توسط معیارهای عینی مشخص کرد، منتهی به احیاء توجه به رویاها شد.»

PART C: Vocabulary

21- The recent flood …… memories of the great flood of 1972.

1) evoked 2) designated 3) resembled 4) commemorated

۲۱- گزینه ۱ صحیح است.

«سیل اخیر خاطرات سیل بزرگ ۱۹۷۰ را برانگیخت.»

۱) برانگیخت؛ ۲) اختصاص داد؛ ۳) شبیه بود؛ ۴) جشن گرفت.

22- I'll need to think carefully before deciding what short …… to take to succeed in the entrance exam.

1) quest 2) route 3) prompt 4) venture

۲۲- گزینه ۲ صحیح است.

«من نیاز خواهم داشت که قبل از این که تصمیم بگیرم چه مسیر کوتاهی را برای موفقیت در آزمون ورودی درپیش بگیرم، به دقت فکر کنم.»

۱) جستجو؛ ۲) مسیر؛ ۳) سریع؛ ۴) سرمایه‌گذاری

23- Facing strong opposition from immigrants, the government …… the anti-immigration law.

1) deposed 2) decamped 3) repealed 4) dispatched

۲۳- گزینه ۳ صحیح است.

«به دلیل روبرو شدن با مخالفت از جانب مهاجران، دولت قانون ضد مهاجرت را لغو کرد.»

۱) عزل کرد؛ ۲) گریخت؛ ۳) لغو کرد؛ ۴) اعزام نمود.

24- A(n) …… is a short piece of writing or music that is taken from a Longer piece.

1) excerpt 2) faction 3) episode 4) constituent

۲۴- گزینه ۱ صحیح است.

«یک قطعه منتخب، قطعه‌ای کوچک از یک نوشته یا موسیقی است که از قطعه‌ای بزرگ‌تر گرفته شده است.»

۱) قطعه منتخب؛ ۲) جناح؛ ۳) قسمت؛ ۴) جزء

25- The exhibition offers a fascinating …… at life beneath the wavs.

1) enterprise 2) glimpse 3) multiplicity 4) scrutiny

۲۵ – گزینه ۲ صحیح است.

«نمایشگاه یک نگاه اجمالی جذاب از زندگی زیر امواج ارائه می‌کند.»

۱) امر خطیر؛ ۲) نگاهی اجمالی؛ ۳) تعدد؛ ۴) بررسی دقیق

26- Bad weather has continued to …… the search for survivors.

1) obliterate 2) discharge 3) mitigate 4) hinder

۲۶- گزینه ۴ صحیح است.

«آب و هوای بد مانع جستجوی بازماندگان شده است.»

۱) معدوم کردن؛ ۲) تخلیه کردن؛ ۳) تسکین دادن؛ ۴) مانع شدن.

27- Being unemployed does not affect one's …… to tax.

1) contiguity 2) fragility 3) liability 4) exposure

۲۷- گزینه ۳ صحیح است.

«بی‌کار بودن بر مشمول بودن فرد به پرداخت مالیات اثر ندارد.»

۱) مجاورت؛ ۲) شکنندگی؛ ۳) مشمول بودن؛ ۴) قرار گرفتن در معرض

28- This correlational research seems to be lacking in ……, so its findings are not reliable.

1) proposition 2) presumption 3) entitlement 4) rigor

۲۸- گزینه ۴ صحیح است.

«به نظر می‌رسد که این پژوهش همبستگی فاقد دقت باشد، بنابراین نتایج آن معتبر نیستند.»

۱) گزاره؛ ۲) فرض؛ ۳) حق؛ ۴) دقت

29- Blood tests …… an infection as the cause of the symptoms.

1) drew up 2) broke out 3) ended up 4) ruled out

۲۹- گزینه ۴ صحیح است.

«آزمایش‌های خون، وجود عفونت را به عنوان علت علائم غیرمحتمل شمرد (رد کرد).»

۱) مرتب کرد؛ ۲) شیوع یافت؛ ۳) به پایان رسید؛ ۴) غیر محتمل شمرد.

30- We have closely …… our research and development work with our business need.

1) commuted 2) interrogated 3) aligned 4) spanned

۳۰- گزینه ۳ صحیح است.

«ما به طور تنگاتنگ پژوهش و کار توسعه‌ای خود را با نیازهای کسب و کارمان هم تراز نموده‌ایم.»

۱) تبدیل کرد؛ ۲) تحقیق کرد؛ ۳) هم‌تراز کرد؛ ۴) اندازه گرفت.

31- The clouds …… as quickly as they had gathered.

1) unfolded 2) dispersed 3) withdrew 4) relinquished

۳۱- گزینه ۲ صحیح است.

«ابرها با همان سرعتی که جمع شده بودند، پراکنده شدند.»

۱) باز شد؛ ۲) پراکنده شد؛ ۳) عقب‌نشینی کرد؛ ۴) چشم‌پوشی کرد.

32- If you show trust to somebody, that trust will be …… by him/her.

1) reciprocated 2) stipulated 3) stretched 4) manifested

۳۲- گزینه ۱ صحیح است.

«اگر به کسی اعتماد و اطمینان نشان دهید، این اعتماد از سوی او متقابل خواهد بود.»

۱) عمل متقابل انجام داد، مقابله به مثل نمود؛ ۲) پیمان بست؛ ۳) کشید؛ ۴) فاش کرد.

33- In some industrialized countries, there has been a …… away from traditional ideas of family life.

1) swing 2) dilemma 3) surge 4) dismissal

۳۳- گزینه ۳ صحیح است.

«در برخی کشورهای صنعتی شده، جریان سریعی به سمت دور شدن از ایده‌های سنتی زندگی خانوادگی وجود داشته است.»

۱) تغییر جهت، تغییر موضع؛ ۲) دوراهی، تنگنا، وضعیت دشوار؛ ۳) جریان سریع، حرکت تند؛ ۴) اخراج

34- A …… is a small change in the regular motion of an object.

1) vortex 2) gravity 3) mishap 4) perturbation

۳۴- گزینه ۴ صحیح است.

«اختلال یک تغییر کوچک در حرکت منظم یک شیء است.»

۱) گرداب؛ ۲) جاذبه زمین؛ ۳) بدبختی؛ ۴) اختلال

35- Five years ago, the country carried out …… reforms to modernize its economy and now it has a prosperous economy.

1) overbearing 2) full-grown 3) far-reaching 4) long-established

۳۵- گزینه ۳ صحیح است.

«پنج سال پیش کشور اصلاحات گسترده‌ای برای مدرنیزه کردن اقتصادش انجام داد و اکنون اقتصادی موفق دارد.»

۱) از خود راضی؛ ۲) رشد یافته؛ ۳) گسترده؛ ۴) تثبیت شده

36- Our planet cannot easily …… more than 6 billion people.

1) override 2) sustain 3) overcome 4) surpass

۳۶- گزینه ۲ صحیح است.

«سیاره ما به راحتی نمی‌تواند بیش از شش میلیارد نفر را پشتیبانی کند.»

۱) باطل کردن؛ ۲) پشتیبانی کردن، تحمل کردن؛ ۳) غلبه کردن؛ ۴) پیشی گرفتن

37- Descartes' famous ……: "I think; therefore, I am."

1) dictum 2) standing 3) jargon 4) approximation

۳۷- گزینه ۱ صحیح است.

«گفته معروف دکارت: فکر می‌کنم؛ پس هستم.»

۱) گفته، ضرب المثل؛ ۲) ایستاده؛ ۳) اصطلاحات مخصوص یک صنف؛ ۴) تقریب

38- A language course should be …… by a sound theoretical basis.

1) defied 2) underpinned 3) meditated 4) refurbished

۳۸- گزینه ۲ صحیح است.

«دوره آموزش زبان باید توسط مبانی نظری دقیقی پشتیبانی شود.»

۱) نادیده گرفت، نقض کرد، مخالفت کرد؛ ۲) اساس چیزی را تشکیل داد، زیربنای چیزی را تشکیل داد؛ ۳) واسطه چیزی شد، میانجی شد؛ ۴) بهتر کرد، تقویت کرد، تکمیل کرد.

39- This paper is said to …… our standard, so it will not get published.

1) shy away from 2) have a grudge against 3) put up with 4) fall short of

۳۹- گزینه ۴ صحیح است.

«گفته شده که این مقاله پایین‌تر از حد استاندارد ما است، بنابراین منتشر نمی‌شود.»

۱) اجتناب کردن؛ ۲) کینه ورزیدن؛ ۳) صبورانه تحمل کردن؛ ۴) کم داشتن، پوشش ندادن

40- The president said the country could not be …… to observe the treaty signed by the previous regime.

1) counteracted 2) contorted 3) overthrown 4) bound

۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«رییس جمهور گفت که کشور نمی‌تواند موظف به رعایت پیمانی باشد که توسط رژیم سابق امضا شده است.»

۱) خنثی شد؛ ۲) رنج کشیده؛ ۳) سرنگون؛ ۴) محدود، موظف

41- The government's popularity has dropped alarmingly because it failed to …… unemployment.

1) pull over 2) grip with 3) turn out 4) throw up

۴۱- هیچ کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.

اگر چه با توجه معنا گزینه ۲ صحیح به نظر می‌رسد، «شهرت دولت به طرز نگران‌کننده‌ای افت کرد، زیرا دولت نتوانست بی‌کاری را متوقف کند.»، اما باید توجه داشت که ساختار grip with به صورت come/get to grips with به کار می‌رود.

۱) کنار زد؛ ۲) متوقف کرد؛ ۳) وارونه کرد؛ ۴) بلند کرد

42- These matters are significant because they …… ethics in research.

1) let up 2) fall through 3) pass on 4) bear on

۴۲- گزینه ۴ صحیح است.

«این موضوعات قابل توجه هستند، زیرا به اخلاقیات در پژوهش مربوط می‌شوند.»

۱) کند کرد؛ ۲) به نتیجه نرسید؛ ۳) درگذشت؛ ۴) مربوط بود

43- If this part of the report is wrong, …… it …… and write It again.

1) drop_off 2) dash_off 3) boil_down 4) cross_out

۴۳- گزینه ۴ صحیح است.

«اگر این قسمت از گزارش اشتباه است، آن را حذف کن و از نو بنویس.»

۱) رها کرد؛ ۲) با عجله نوشت؛ ۳) خلاصه کرد؛ ۴) حذف کرد

44- Many papers were presented at the conference, but one …… .

1) stands out 2) stands by 3) sets out 4) sets up

۴۴- گزینه ۱ صحیح است.

«مقاله‌های زیادی در کنفرانس ارائه شد، ولی یکی از آن‌ها شاخص است.»

۱) برجسته/شاخص/متمایز است؛ ۲) حاضر است؛ ۳) شروع به کار می‌کند؛ ۴) برپا می‌کند.

45- This license …… next month …… you must get it renewed.

1) checks out 2) runs out 3) breaks down 4) settles down

۴۵- گزینه ۲ صحیح است.

«اعتبار این گواهینامه ماه آینده تمام می‌شود، شما باید آن را تمدید نمایید.»

۱) چک کرد؛ ۲) به آخر رسید؛ ۳) خراب شد؛ ۴) مستقر شد

PART D: Cloze Test

The history of the world is the story of man—from the first civilization to the space age. The story (46) …….. a period of about 5,000 years, beginning about 3000 B.C. At that time, or even (47) …….., men developed a way to write down their experiences. Those early writings began the record of man's (48) …….. that we study today as world history.

Before the development of writing, human beings had existed for about 2.5 million years—over 500 times (49) …….. the total span of recorded history. The long period before writing began is called *Prehistoric Times.* Scientists have (50) …….. together the story of that period.

World history shows that civilization today is the product of many cultures. For thousands of years, various peoples have borrowed ideas and inventions from each other. This (51) …….. is called *culture diffusion.*

(52) …….. most of world history, the most important regions for new ideas and inventions were the Middle East, Egypt, india, and China. But during Modern Times—the period of the last 500 years—Western civilization has made rapid progress, while other civilizations (53) …….. . As a result, the course of culture diffusion changed. During Modern Times, the flow of ideas and inventions has (54) …….. from West to East. The development of worldwide systems of communication and transportation conquered (55) …….. of time and distance. Mankind's progress through the centuries has been (56) …….. many changes, and every generation has faced the challenge of serious problems.

Great civilizations have developed, (57) …….. for a time, and then collapsed. International disputes have brought on terrible wars. In every age, millions of persons have suffered hunger and hardship, (58) …….. enjoyed prosperity. Today, we live in the greatest civilization of all times. But war and widespread poverty (59) …….. the most important problems of mankind. Man has greater knowledge and more technological power than (60) …….. . As a result, he probably has a better chance to meet the challenge of today than any generation of the past.

تاریخ دنیا داستان انسان است از ابتدای تمدن تا عصر فضا. داستان انسان دوره‌ای در حدود ۵۰۰۰ سال را پوشش می‌دهد که از حدود سال ۳۰۰۰ قبل میلاد شروع می‌شود. در آن زمان، یا حتی زودتر، انسان راهی برای نوشتن تجربیاتش پیدا کرد. آن نوشته‌های نخستین ثبت پیشرفت انسان را آغاز نمود که ما امروزه به عنوان تاریخ جهان مطالعه می‌کنیم.

قبل از ابداع نوشتن، انسان‌ها برای حدود ۲,۵ میلیون سال وجود داشتند - بالغ بر ۵۰۰ برابر بیش از کل دوره تاریخ ثبت شده.

دوره طولانی پیش از این که نوشتن شروع شود «زمان‌های پیش از تاریخ» خوانده می‌شود. دانشمندان قطعات داستان آن دوره را سر هم کرده‌اند. برای هزاران سال، مردمان مختلف ایده‌ها و ابداعات را از یکدیگر به عاریه گرفته‌اند. این مبادله انتشار فرهنگی نامیده می‌شود. در سراسر تاریخ جهان، مهم‌ترین مناطق برای ایده‌ها و ابداعات نو خاورمیانه، مصر، هند و چین بودند. ولی در طی ادوار مدرن-دوره زمانی حداقل پانصد ساله- تمدن غربی پیشرفت سریعی داشته است، درحالی که سایر تمدن‌ها عقب مانده‌اند. در نتیجه، مسیر انتشار فرهنگی عوض شد. در طی ادوار مدرن، جریان ایده‌ها و ابداعات از غرب به شرق منتقل شده است. توسعه سیستم‌های جهانی ارتباطات و حمل و نقل بر موانع زمان و فاصله غلبه نمود.

پیشرفت نوع بشر در طی قرن‌ها با تغییرات بسیاری مشخص شده است، و هر نسل با چالش‌هایی از مشکلات جدی روبرو شده است. تمدن‌های عظیم ایجاد شده‌اند، برای مدت زمانی شکوفا شده‌اند، و سپس فروریخته‌اند. مناقشه‌های بین‌المللی جنگ‌های فجیع به بار آورده‌اند. در هر عصر، میلیون‌ها نفر از گرسنگی و سختی رنج کشیده‌اند، درحالی که دیگران از پیروزی لذت برده‌اند. امروزه، ما در بزرگ‌ترین تمدن همه ادوار زندگی می‌کنیم. ولی با این حال جنگ و فقر گسترده بزرگ‌ترین مشکلات نوع بشر هستند. انسان دانش بیشتر و قدرت تکنولوژیک بیشتری از هر زمان دارد. در نتیجه او احتمالاً در مقایسه با هر نسلی در گذشته، شانس بهتری برای مواجه شدن با چالش‌های امروز دارد.

46- 1) narrates 2) covers 3) ranges 4) spreads

۴۶- گزینه ۲ صحیح است.

۱) روایت می‌کند؛ ۲) پوشش می‌دهد؛ ۳) مرتب می‌کند؛ ۴) گسترش می‌یابد.

47- 1) a little earlier 2) early a little 3) too much sooner 4) sooner or later

۴۷- گزینه ۱ صحیح است.

۱) کمی زودتر؛ ۲) کمی زود؛ ۳) بیش از حد زودتر؛ ۴) دیر یا زود

48- 1) movement 2) progress 3) direction 4) proceeding

۴۸- گزینه ۲ صحیح است.

۱) جنبش؛ ۲) پیشرفت؛ ۳) جهت؛ ۴) روند، جریان عمل

49- 1) much larger than 2) as large as 3) so long as 4) longer than

۴۹- گزینه ۴ صحیح است.

۱) بسیار بزرگ‌تر از؛ ۲) عنوان بزرگی آن؛ ۳) تا زمانی که؛ ۴) بیش از

50- 1) announced 2) combined 3) pieced 4) cooperated

۵۰- گزینه ۳ صحیح است.

۱) اعلام کرد؛ ۲) ترکیب کرد؛ ۳) چیزی را با کنار هم قرار دادن قطعات مختلف خلق کرد؛ ۴) همکاری کرد

51- 1) transformation 2) exchange 3) culture 4) record

۵۱- گزینه ۲ صحیح است.

۱) تغییر و تحول؛ ۲) تبادل و معاوضه؛ ۳) فرهنگ؛ ۴) سابقه

52- 1) Throughout 2) Altogether 3) In spite of 4) Across

۵۲- گزینه ۱ صحیح است.

۱) سرتاسر؛ ۲) در مجموع؛ ۳) در وجود از؛ ۴) در سراسر (از نظر مکان: از این سو به آن سو)

53- 1) lagged 2) impaired 3) detained 4) proceeded

۵۳- گزینه ۱ صحیح است.

۱) عقب ماندند، عقب افتادند؛ ۲) زیان رساندند؛ ۳) توقیف کردند؛ ۴) پیشی گرفتند.

54- 1) transferred 2) swept 3) erupted 4) carried

۵۴- گزینه ۱ صحیح است.

۱) منتقل شده است؛ ۲) جاروب شده است؛ ۳) فوران کرده است؛ ۴) انجام شده است.

55- 1) domains 2) contexts 3) periods 4) barriers

۵۵- گزینه ۴ صحیح است.

۱) حوزه‌ها؛ ۲) زمینه‌ها؛ ۳) دوره‌ها؛ ۴) موانع

56- 1) marked by 2) dated back to 3) emerged by 4) referred to

۵۶- گزینه ۱ صحیح است.

۱) مشخص‌شده توسط؛ ۲) تاریخ آن برمی‌گردد به؛ ۳) پدیدآمده توسط؛ ۴) منسوب‌شده به

57- 1) shifted 2) inspired 3) flourished 4) created

۵۷- گزینه ۳ صحیح است.

۱) منتقل شده‌اند؛ ۲) الهام‌بخش بوده‌اند؛ ۳) شکوفا شده‌اند؛ ۴) ایجاد کرده‌اند.

58- 1) even if the other 2) whereas other 3) unlike the others 4) while others

۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

۱) حتی اگر دیگران؛ ۲) از آنجایی که دیگران؛ ۳) بر خلاف دیگران؛ ۴) در حالی که دیگران

59- 1) are then 2) still are 3) are so far 4) are yet

۵۹- گزینه ۲ صحیح است.

۱) آن‌گاه هستند؛ ۲) هنوز هستند؛ ۳) تاکنون هستند؛ ۴) با این‌حال هستند.

60- 1) ever before 2) ever since 3) since then 4) ever then

۶۰- گزینه ۱ صحیح است.

۱) هر زمان قبل؛ ۲) از آن زمان تا به امروز؛ ۳) از آن زمان؛ ۴) همیشه پس از آن

PART E: Reading Comprehension

The forest from which Man takes his timber is the tallest and most impressive plant community on Earth. In terms of Man's brief life it appears permanent and unchanging, save for the seasonal growth and fall of the leaves, but to the forester it represents the climax of a long succession of events.

No wooded landscape we see today has been forest for all time. Plants have minimum requirements of temperature and moisture and, in ages past, virtually every part of Earth's surface has at some time been either too dry or too cold for plants to survive. however, as soon as climatic conditions change in favour of plant life, a fascinating sequence of changes occurs, called a primary succession.

First to colonize the barren land are the lowly lichens, surviving on bare rock. Slowly, the acids produced by these organisms crack the rock surface, plant debris accumulates, and mosses establish a shallow root-hold. Ferns may follow and, with short grasses and shrubs, gradually form a covering of plant life. Roots probe even deeper into the developing soil and eventually large shrubs give way to the first trees. These grow rapidly, cutting off sun light from the smaller plants, and soon establish complete domination—closing their ranks and forming a climax community which may endure for thousands of years.

Yet even this community is not everlasting. Fire may destroy it outright and settlers may cut it down to gain land for pasture or cultivation. If the land is then abandoned, a secondary succession will take over, developing much faster on the more hospitable soil. Shrubs and trees are among the early invaders, their seeds carried by the wind, by birds and lodged in the coats of mammals. For as long as it stands and thrives, the forest is a vast machine storing energy and the many elements essential for life.

جنگلی که انسان الوار خود را از آن تهیه می‌کند، مرتفع‌ترین و شگفت‌انگیزترین جامعه گیاهی روی زمین است. برحسب زندگی مختصر انسان، صرف‌نظر از رشد فصلی و ریزش برگ‌ها، جنگل دائمی و بدون تغییر به نظر می‌رسد، ولی برای جنگلبان این پدیده نمایانگر اوج یک تسلسل بلند وقایع است.

هیچ کدام از چشم‌اندازهای پوشیده‌شده از درختی را که امروز ما می‌بینیم برای همیشه جنگل نبوده است. گیاهان نیازمند حداقلی از درجه حرارت و رطوبت هستند و در اعصار گذشته، در واقع هر بخشی از سطح زمین در برخی از زمان‌ها، برای بقاء

گیاهان، یا خیلی خشـک و یا خیلی سـرد بوده اسـت. با این حال، به محض این که شـرایط آب و هوایی به نفع زندگی گیاهی تغییر می‌کند، سلسله شگفت‌انگیزی از تغییرات رخ می‌دهد، که به نام تسلسل اولیه خوانده می‌شود.

اولین چیزهایی که در زمین بایر آشیانه می‌کنند گلسنگ‌های کوچک هستند، که روی سنگ برهنه بقاء می‌یابند. به آرامی اسیدهای تولید شده توسط این موجودات سطح سنگ را می شکند، بقایای گیاهی تجمع می‌یابند، و خزه‌ها ریشه‌گاه‌های کم عمق بنا می‌کنند. سرخس‌ها ممکن است به دنبال آن‌ها بیایند، و به همراه چمن‌های کوتاه و درختچه‌ها، به تدریج پوششی از زندگی گیاهی ایجاد کنند. ریشه‌های کاوشگر باز هم عمیق‌تر به خاک در حال توسعه نفوذ می‌کنند و در نهایت درختچه‌های بزرگ راه را برای اولین درختان باز می‌کنند. این‌ها (درختان) به سرعت رشد می‌کنند، نور خورشید را از گیاهان کوچک قطع می‌کنند، و طولی نمی‌کشد که استیلای کامل برپا می‌کنند—به همدیگر نزدیک می‌شوند و جامعه‌ای در منتهای درجه تشکیل می‌دهند که ممکن است برای هزاران سال دوام بیاورد.

با این حال حتی این جامعه نیز ابدی نیسـت. آتش ممکن اسـت آن را یک‌جا نابود کند و مهاجران ممکن اسـت آن را نابود کنند تا برای چراگاه و یا کشت، زمین به دست آورند. اگر پس از آن زمین رها شود، یک تسلسل ثانویه غلبه خواهد کرد، که در خاکِ مهمان‌نوازتر به طور سـریع‌تر توسـعه می‌یابد. درختچه‌ها و درختان در میان مهاجمان اولیه هسـتند، که دانه‌های آن‌ها توسـط باد، پرندگان و پنهان در پوشـش پسـتانداران حمل می‌شـود. تا زمانی که این فرآیند ادامه دارد و پیش می‌رود، جنگل ماشین گسترده‌ای است که انرژی را و بسیاری از عناصر ضروری حیات را ذخیره می‌کند.

61- Why does the forest strike mankind as permanent?

1) It is an essential part of our lives.
2) It is renewed each season.
3) Our lives are short in comparison.
4) The trees are so tall.

۶۱- گزینه ۳ صحیح است.

- چرا جنگل برای انسان همیشگی به نظر می‌رسد؟
- زندگی ما در مقایسه کوتاه است.

62- What has sometimes caused plants to die out in the past?

1) The introduction of new types of plants
2) Variations in climate
3) The absence of wooded land
4) Interference from foresters

۶۲- گزینه ۲ صحیح است.

- درگذشته چه چیزی گهگاه باعث مرگ گیاهان شده است؟
- تغییرات در آب و هوا

63- In a “primary succession” (line 9), what makes it possible for mosses to take root?

1) The amount of moisture
2) The type of rock
3) The amount of sunlight
4) The effect of lichens

۶۳- گزینه ۴ صحیح است.

- در یک «تسلسل اولیه» (خط ۹)، چه چیزی ریشه دواندن خزه‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد؟

- اثرگلسنگ‌ها

64- What conditions are needed for shrubs to become established?

1) The ground must be covered with grass. 2) Smaller plants must die out.
3) Ferns must take root. 4) More soil must accumulate.

۶۴- گزینه ۳ صحیح است.

- چه شرایطی برای برپا شدن درختچه‌ها مورد نیاز است؟

- سرخس‌ها باید ریشه بدوانند.

65- Why is a “secondary succession” (line 18-19) quicker?

1) There is more space for new plants. 2) The ground is more suitable.
3) Birds and animals bring new seeds. 4) It is supported by the forest.

۶۵- گزینه ۲ صحیح است.

- چرا «تسلسل ثانویه» (خط ۱۸-۱۹) سریع‌تر است؟

- زمین مناسب‌تر است.

66- The word “virtually” (line 6) can best be replaced by ……. .

1) actually 2) hastily 3) abundantly 4) ultimately

۶۶- گزینه ۱ صحیح است.

- کلمه "virtually" (خط ۶) با چه کلمه‌ای می‌تواند جایگزین شود؟

- واقعاً و حقیقتاً

67- By “community” (line 17), the author means …….. .

1) a group of people 2) shrubs 3) smaller plants 4) trees

۶۷- گزینه ۴ صحیح است.

- منظور نویسنده از "community" (خط ۱۷) چیست؟

- درختان

68- The word “thrives” (line 21) is closest in meaning to .....….. .

1) needs water 2) grows 3) gets older 4) values

۶۸- گزینه ۲ صحیح است.

- کلمه"thrives " (خط ۲۱) درمعنا به کدام کلمه نزدیک‌تر است؟

- رشد می‌یابد.

Naturally the young are more inclined to novelty than their elders and it is in their speech, as it always was, that most of the verbal changes originate. But listening critically to their talk I hear hardly any new words. It is all a matter of using old words in a new way and then copying each other, for much as they wish to speak differently from their parents, they want even more to speak like people of their own age. A new usage once took time to spread, but now a pop star can flash it across the world in hours.

Of course it is not only the young who like to use the latest in-word. While they are describing their idols as *smashing, great, lab* or *cosmic,* their parents and the more discriminating of the younger set are also groping for words of praise that are at once apt and fashionable. However, their choice **of** *splendid, brilliant, fantastic* and so on will in turn be slightly dimmed by over-use and need replacement.

Magic is a theme that has regularly supplied words of praise (and the choice must betray something in our nature). *Charming, entrancing* and *enchanting* are all based on it. So also is *marvelous,* which has been used so much that some of its magic has faded while among teenagers wizard had a great run. Another of this group, though you might not think it, **is** *glamorous,* which was all the rage in the great days of Hollywood. *Glamour* was a Scottish dialect form of "grammar" or "grammarye", which itself was an old word for *enchantment. (Grammar* means the study of words, and words have always been at the heart of magic.) The change from *"r"* to *"l"* may have come about through the association with words like *gleaming* and *glittering.*

On the whole, when a new word takes over the old ones remain, weakened but still in use, so that the total stock increases all the time. But some that start only as slang and never rise above that class can disappear completely. "Did you really say *ripping* when you were young?" my granddaughter asked me. rather like asking if I ever wore a suit of armour. Of course I did and it was no sillier than *smashing,* which some of her contemporaries are still saying.

طبیعتاً جوانان بیشتر از بزرگان خود تمایل به تازگی دارند و مثل همیشه، در گفتار آن‌ها است که بیشتر تغییرات لفظی سرچشمه می‌گیرد. اما من با گوش دادن دقیق به صحبت آن‌ها به ندرت کلمات تازه‌ای می‌شنوم. همه این مطلب به استفاده از کلمات قدیمی به روشی جدید مربوط می‌شود، و آن‌گاه تقلید کردن یکدیگر، تا آن جایی که تمایل دارند متفاوت از والدینشان صحبت کنند، آن‌ها حتی بیشتر از این می‌خواهند که مثل هم سن و سال‌های خود صحبت کنند. قبلاً انتشار یک کاربرد جدید مدت زمانی طول می‌کشید، ولی حالا یک ستاره پاپ می‌تواند آن را در چند ساعت در سراسر جهان به سرعت نور پخش کند.

البته تنها جوانان نیستند که مایل به استفاده از آخرین کلمه هستند. در حالی که آن‌ها شخصیت‌های محبوب خود را به عنوان *smashing, great, lab* or *cosmic* توصیف می‌کنند، پدر و مادران آن‌ها و جوان‌ترهای با بصیرت‌تر نیز به دنبال کلمات تمجیدآمیز می‌گردند که یکسره مناسب و مد روز باشند. با این حال، انتخاب آن‌ها از کلمات *splendid, brilliant, fantastic* و غیره نیز به نوبه خود به خاطر استفاده زیاد، قدری ملال‌آور خواهد شد و نیاز به جایگزینی خواهد داشت.

جادو موضوعی است که مرتباً کلمات تمجیدآمیز عرضه کرده است (و این انتخاب باید چیزی را در طبیعت ما فاش کند). *charming, entrancing* and *enchanting* همگی بر آن اساس هستند. کلمه *marvelous* نیز از همین قرار است، که در زمانی که هنوز wizard درمیان نوجوانان دوران با شکوهی داشت، آنقدر استفاده شد که جادوی آن محو شده است.

کلمه دیگری از این گروه، گرچه ممکن نیست به فکر آن بیفتید، glamorous است، که در روزهای بزرگ هالیوود سراسر الهام‌بخش بود. *glamour* یک شکل گویش اسکاتلندی "grammar " و یا "grammarye" بود، که خود یک کلمه قدیمی برای *enchantment* (سحر) بود. (grammar به معنای مطالعه کلمات است، و کلمات همیشه در قلب سحر و جادو بوده‌اند.) تغییر از *"r"* به *"l"* ممکن است از طریق تداعی کلماتی مانند gleaming و *glittering* اتفاق افتاده باشد.

به طور کلی، هنگامی که یک کلمه جدید غلبه می‌کند، کلمات قدیمی‌ای که باقی می‌مانند، ضعیف می‌شوند ولی هنوز ا ستفاده می شوند، بنابراین ذخیره کلی کلمات در همه حال افزایش می‌یابد. ولی بع ضی کلمات که فقط به عنوان کلام عامیانه آغاز می شوند و هرگز از آن مرتبه بالاتر نمی‌روند می‌توانند کاملاً محو شوند. نوه‌ام از من پر سید «آیا شما واقعاً وقتی که جوان بودید، می‌گفتید ripping؟» این صحبت او مثل پرسیدن این بود که آیا من تا به حال لباس نظامی پوشیده بودم. البته که من می‌گفتم ripping. این مسأله احمقانه‌تر از smashing نبود، که بعضی از هم‌سن و سالان او هنوز به زبان می‌آورند.

69- What do young people like to do in their speech?

1) Give words new meanings to mislead their parents
2) Invent words that older people cannot understand
3) Use words invented by pop stars
4) Copy the speech of their contemporaries

۶۹- گزینه ۴ صحیح است.

- افراد جوان دوست دارند در سخن خود چه کاری انجام دهند؟

- گفتار هم‌سن و سال‌های خود را کپی کنند.

به این علت که در متن آمده:

for much as they wish to speak differently from their parents, they want even more to speak like people of their own age.

their contemporaries و their own age هم معنی می‌باشند.

70- Words of praise keep changing because …….. .

1) older people try to avoid the in-words of the young
2) young people are becoming more discriminating
3) they lose their freshness
4) there are more words available in this area

۷۰- گزینه ۳ صحیح است.

- کلمات تحسین‌آمیز تغییر می‌کنند زیرا ... .

- تازگی خود را از دست می‌دهند.

71- The fact that magic is a frequent source of words of praise suggests that people …. .

1) have always been interested in magic
2) arc interested in magic when young
3) lack linguistic originality
4) are becoming more superstitious

۷۱- گزینه ۱ صحیح است.

- این واقعیت که جادو یک منبع مداوم کلمات تمجیدآمیز است به این معناست که افراد ..... .

- همیشه به جادو علاقه داشته‌اند.

72- Which of these words does NOT have an association with magic?

1) Gleaming 2) Grammar 3) Marvelous 4) Wizard

۷۲- گزینه ۱ صحیح است.

- کدام یک از این کلمات با جادو مرتبط نیستند؟

- نور ضعیف

73- To the author's granddaughter, the word *ripping* …… .

1) seems strange and old-fashioned
2) is unacceptable because it is slang
3) has a clearer meaning than it does for the author
4) means much the same as *smashing*

۷۳- گزینه ۱ صحیح است.

- برای نوه نویسنده، کلمه *ripping* ..... .

- عجیب و قدیمی به نظر می‌رسد.

74- The word "some" (line 14) refers to ……. .

1) use 2) stock 3) time 4) words

۷۴- گزینه ۴ صحیح است.

- کلمه "some" (خط ۱۹) مربوط می‌شود به ... .

- کلمه‌ها

75- The word "groping" in (line 9) is closest in meaning to …….. .

1) searching 2) inventing 3) using 4) preferring

۷۵- گزینه ۱ صحیح است.

- کلمه "groping" در (خط ۱۸) از لحاظ معنی به کدام کلمه نزدیک‌تر است؟

- جستجوکردن

Cardiologists divide us into two types, according to how our personality affects our heart. Type A individuals are highly competitive, innately hostile, fast eating and rapid talking, whilst B types drown in the milk of human kindness and are sublimely indifferent to the passage of time. It is an uncomfortable fact that A's die twice as frequently from heart disease as B's, even when the risks of cigarettes, alcohol and cream buns are taken into account.

Personality is to a large extent genetically endowed —A-type parents usually beget A-type offspring. But the environment must also have a profound effect, since if competition is important to the parents, **it** is likely to become a major factor in the lives of their children.

One place where children soak up A traits is school, which is, by its very nature, a highly competitive institution. Too many schools adopt the 'win at all costs' ethic and measure their success by sporting achievements. The current mania for making children compete against their peers or against the clock produces a two-tier system. in which competitive A types seem in some way better than their B type fellows. Addiction to winning can have dangerous consequences: remember that Pheidippides. the first marathon runner, dropped dead seconds after croaking: 'Rejoice, we conquer!'

By far the worst form of competition in schools is the disproportionate emphasis on examinations. It is a rare school that allows pupils to concentrate on those things they do well. The merits of competition by examination are dubious enough; but competition in the certain knowledge of failure is positively harmful.

Obviously, it is neither practical nor desirable that all A youngsters change into B's. The world needs both types. and schools have an important duty to try to fit a child's personality to his possible future employment. It is a fallacy, for instance, that people successful in business are full of competitive zeal; there are many B types in top management.

If the preoccupation of schools with academic work was lessened, more time might be spent teaching children surer values. Perhaps selection for the caring professions, especially medicine, could be made less by good grades in chemistry and more by such considerations as sensitivity, altruism and compassion. It is surely a mistake **to** choose our doctors exclusively from A type stock. B's are important and should be encouraged.

متخصصان قلب بر اساس این که چگونه شخصیت ما بر قلبمان اثر می‌گذارد، ما را به دو دسته تقسیم می‌کنند. افراد تیپ A افراد به شدت رقابتی، ذاتاً تهاجمی، سریع غذاخورنده و سریع صحبت‌کننده هستند، در حالی که افراد تیپ B غرق در محبت هستند و بلندنظرانه نسبت به گذشت زمان بی‌تفاوت هستند. این یک واقعیت آزاردهنده است که Aها دو برابر بیشتر از Bها بر اثر بیماری قلبی فوت می‌کنند، حتی وقتی که خطرات ناشی از سیگار، الکل و نان خامه‌ای در نظر گرفته می‌شوند.

شخصیت تا حد زیادی ژنتیکی است. والدین تیپ A معمولاً فرزند تیپ A به بار می‌آورند. اما محیط نیز باید یک اثر عمیق داشته باشد، چرا که اگر رقابت برای پدر و مادر مهم است، احتمال دارد که در زندگی کودکانشان هم به فاکتور عمده‌ای تبدیل شود.

یکی از مکان‌هایی که کودکان تیپ A را می‌پذیرند، مدرسه است، که بنا به ماهیت خود، یک مؤسسه بسیار رقابتی است. بسیاری از مدارس روش «برنده شدن به هر قیمتی» را در پیش می‌گیرند و موفقیت خود را در دستاوردهای ورزشی می‌سنجند. تمایل فعلی برای وادا شتن کودکان به رقابت در برابر هم‌سالان خود و یا رقابت در زمان اندک، یک سیستم برنده-بازنده خلق

می‌کند، که در آن رقیب‌های تیپ A از جهاتی بهتر از دوستان تیپ B خود به نظر می‌رسند. اعتیاد به برنده شدن می‌تواند عواقب خطرناکی داشته باشد: به یاد بیاورید که Pheidippides اولین دونده ماراتن، ثانیه‌هایی پس از این که فریاد زد «شاد باش، ما بردیمُ»، بر زمین افتاد و جان داد.

تاکنون بدترین شکل از رقابت در مدارس تأکید بیش از حد بر امتحانات بوده است. بعید است مدرسه‌ای به دانش‌آموزان اجازه دهد بر روی آن چیزهایی که به خوبی انجام می‌دهند تمرکز کنند. شایستگی‌های رقابت در آزمون، به اندازه کافی مورد تردید است، ولی رقابت در آگاهی خاص از شکست قطعاً مضر است.

بدیهی است تبدیل همه جوان‌های تیپ A به تیپ B نه عملی است و نه مطلوب. دنیا به هر دو تیپ شخصیت نیاز دارد؛ و مدارس این وظیفه مهم را به عهده دارند که سعی نمایند شخصیت کودک را با آینده شغلی ممکن او متناسب سازند. این یک مغالطه است که، به عنوان مثال، افراد موفق در کسب و کار پر از شوق رقابتی هستند، بسیاری از افراد با تیپ B در رده مدیریت عالی هستند.

اگر دغدغه مدرسه در مورد فعالیت آموزشی کاهش یابد، می‌تواند زمان بیشتری صرف آموزش ارزش‌های مهم‌تر به کودکان شود. شاید برای حرفه‌های مراقبتی، به ویژه پزشکی، انتخاب، کمتر با نمرات خوب شیمی و بیشتر با ملاحظاتی مانند حساسیت، نوع دوستی و محبت صورت گیرد. این قطعاً اشتباه است که پزشکانمان را صرفاً از میان موجودی تیپ A انتخاب کنیم. Bها مهم هستند و باید تشویق شوند.

76- According to cardiologists type A individuals are usually …….. .

1) greedy 2) aggressive 3) affectionate 4) carefree

۷۶- گزینه ۲ صحیح است.

- به گفته متخصصان قلب، افراد تیپ «A» معمولاً ..... هستند.

- مهاجم

77- Children develop into Type A rather than Type B individuals because of …….. .

1) hereditary defects 2) pressure from their friends

3) differences in social class 4) parental attitudes

۷۷- گزینه ۴ صحیح است.

- کودکان بیشتر در قالب تیپ «A» رشد می‌کنند تا تیپ «ب» به علت ..... .

- طرز رفتار والدین

78- What feature of schools does the author criticize?

1) Sport is rated below academic achievement.

2) Intelligent students become discouraged.

3) Some individuals are undervalued.

4) There is a limited choice of subject.

۷۸- گزینه ۳ صحیح است.

- نویسنده کدام ویژگی مدارس را نقد می‌کند؟

- به برخی افراد بهای کمتری داده می‌شود.

79- What is particularly harmful about exanimations?

1) Failure rates are high. 2) Some students are bound to fail.
3) Unsuitable subjects are set. 4) The wrong students succeed.

۷۹- گزینه ۲ صحیح است.

- کدام ویژگی آزمون‌ها زیان‌آور است؟

- برخی از دانش‌آموزان محکوم به شکست هستند.

80- Entrants to the medical profession, at present are selected on the bails of their ……. .

1) competitive spirit 2) academic achievements
3) interest in society 4) personal qualities

۸۰- گزینه ۲ صحیح است.

- واردشوندگان به حرفه پزشکی، درحال حاضر براساس ..... شان انتخاب می‌شوند.

- دستاوردهای آکادمیک

81- The word mania" in (line 11) means …….. .

1) mentality 2) decision 3) desire 4) manner

۸۱- گزینه ۳ صحیح است.

- کلمه mania به معنای ..... است .

- تمایل

The 32,000-word novella The Time Machine by H.G. Wells, published in 1895, is generally credited with popularizing the idea of time travel by means of a time machine, a vehicle which takes the occupant backward or forward in time. Dozens of' sequels and adaptations over the years have further promoted the notion. Indeed, Albert Einstein's Theory of Special Relativity lays the foundation for the possibility of timetravel. So far, no one has demonstrated the ability to travel in time. However, time machines have been constructed, and they do allow glimpses into the past.

The most efficacious time machine currently in existence is the Hubble Telescope, named after the American astronomer Edwin P. Hubble. Its capability to locate distant astronomical targets and lock in on them, permitting their faint light to aggregate on its detectors, allows it to peer far into the past. Light travels 186,000 miles per second. The Hubble Telescope has looked back in time at 10,000 galaxies whose light left them billions of years ago. Therefore,

utilizing the telescope as time machine, astronomers are able to contemplate galaxies as they were eons ago.

Although the telescope was launched into space in 1990 its inception was almost a half-century earlier as astronomer Lyman Spitzer Jr., mulled over the possibility of a large space telescope in a 1946 report, “Astronomical Advantages of an Extra-Terrestrial Observatory”. Because the earth is bathed in its constantly churning atmosphere, earth-based telescopes cannot penetrate deep space; the atmosphere distorts the view. Telescopes were constructed on mountains, but there was still no way to wholly escape the effects of the layers of gases enveloping the earth.

During the 1960s, the Space Race between the then-Soviet Union and the United States was accelerating. The National Aeronautics and Space Administration (NASA) was established. Funds for space endeavors were abundant, and plans for a Large space telescope, by then designated the LST, were underway. The designs called for a 2.4-meter primary telescope mirror which could be transported into space by one of NASA’s rockets. According to National Geographic’s Imaging Space and Time, the resolving power of the deep space telescope would be “equivalent to being able to distinguish the left and right headlights of a car in California seen from New York, or features less than 1/30,000th the size of the full moon. This was at least a tenfold increase over the atmospheric limit.”

One of the primary challenges involved in successfully transporting the telescope into space was protecting the mirror from the jarring vibrations that occur during launch. It was crucial that the mirror be able to withstand the shuttle’s vicissitudes as well as the volatile atmospheric conditions found in space. If not, the precise shape of the mirror could be compromised and its imaging capability significantly weakened.

After the telescope had been launched, astronomers subsequently realized that the primary mirror had not been ground correctly. A lens in the test instrument was about one millimeter askew, which is large by optical standards. In 1993, space-walking astronauts installed corrective lenses which improved the eyesight of the Hubbic. ln 2009, the corrective lenses themselves were replaced with a supersensitive spectrograph with built-in corrective lenses. The new spectrograph is expected to provide insight into the origins of stars and galaxies.

The successor to Hubble, the James Webb Space Telescope, is expected to be launched in 2014. It will observe only in infrared, so it will complement the Hubble Telescope, which observes in the visible and ultraviolet light ranges. Hubble currently has the capability to view galaxies that were formed 13.7 billion years ago, long before humans existed, in an area called the Hubble Ultra Deep Field.

Astronomers aspire to see beyond the Hubble Ultra Deep Field to a time that is devoid of galaxies, a time before galaxies had formed. If H.G. Wells was onto something in his novella, that time may be close at hand. As one of the characters in the popular work asked, “If Time is really only a fourth dimension of Space, why is it, and why has it always been, regarded as something different? And why cannot we move in Time as we move about in the other dimensions of Space?”

Less than a decade after Wells' novella, Einstein's Special Theory Relativity seemed to concur with Wells' character by proposing that traveling through space at the speed of light would alter time by causing it to dilate, raising the possibility of not merely glimpsing the past, but perhaps traveling to it.

رمان کوتاه ۳۲۰۰۰ کلمه‌ای ماشین زمان نوشته اچ جی ولز، منتشرشده در سال ۱۸۹۵، عموماً منسوب است به این که ایده سفر زمان به وسیله ماشین زمان را رواج داده است، وسیله نقلیه‌ای که فرد مستقر در آن را در طول زمان به عقب یا جلو می‌برد. ده‌ها نسخه بعدی و اقتباس در طول سال‌ها باعث پیشبرد بیشتر این ایده شده‌اند. در واقع، نظریه نسبیت خاص آلبرت اینشتین مبنایی برای امکان سفر در زمان است. تاکنون، هیچ کس توانایی سفر در زمان را از خود نشان نداده است. با این حال، ماشین‌های زمانی طراحی شده‌اند که نگاه‌هایی گذرا به گذشته را امکان‌پذیر می‌سازند.

در حال حاضر کارآمدترین ماشین زمان موجود تلسکوپ هابل است، که به نام ستاره‌شناس آمریکایی ادوین هابل نام‌گذاری شده است. توانایی‌اش برای مکان‌یابی اهداف نجومی از راه دور و تمرکز بر آنها، که به نور کم‌سوی آن‌ها اجازه می‌دهد که روی ردیاب‌هایش تجمع کنند، به آن اجازه می‌دهد که به گذشته چشم بدوزد. نور با سرعت ۱۸۶۰۰۰ مایل بر ثانیه حرکت می‌کند. تلسکوپ هابل به گذشته ۱۰۰۰۰ کهکشان که نورشان آن‌ها را میلیاردها سال پیش ترک کرده نظاره کرده است. بنابراین، با استفاده از تلسکوپ به عنوان ماشین زمان، ستاره‌شناسان قادر هستند درکهکشان‌ها آن گونه که میلیون‌ها سال پیش بودند تأمل کنند.

با وجودی که این تلسکوپ در سال ۱۹۹۰ به فضا رفت، آغاز به کارش تقریباً نیم قرن پیشتر بود، زمانی که لیمان اسپیتزر ستاره‌شناس، احتمال یک تلسکوپ فضایی بزرگ در یک گزارش به نام «مزایای نجومی یک رصدخانه فرازمینی» مورد بررسی قرار داد. از آن‌جا که زمین در اتمسفر دائماً متلاطمِ خود، مغروق است، تلسکوپ‌هایی که پایگاه آن‌ها روی زمین است نمی‌توانند عمیقاً در فضا نفوذ کنند؛ اتمسفر دید را منحرف می‌کند. تلسکوپ‌ها بر روی کوه‌ها ساخته می‌شدند، اما هنوز هم هیچ راهی برای فرار از اثرات لایه‌هایی از گازها که زمین را احاطه کرده‌اند وجود نداشت.

در طی دهه ۱۹۶۰، رقابت فضایی بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده شدت یافت. سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا (NASA) تأسیس شد. بودجه‌ها برای تلاش‌های فضایی فراوان بودند، و برنامه‌ریزی‌ها برای یک تلسکوپ فضایی بزرگ، که در آن زمان به عنوان LST (مخفف تلسکوپ فضایی بزرگ) برگزیده شده بود، در جریان بودند. این طرح‌ها به یک آینه تلسکوپی اولیه ۲٫۴ متری نیاز داشت که می‌توانست توسط یکی از راکت‌های NASA به فضا فرستاده شود. بر اساس گزارش تصویربرداری فضا و زمان مجله نشنال جئوگرافیک، قدرت تشخیص تلسکوپ فضایی ژرف می‌توانست «معادل باشد با توان تشخیص چراغ‌های جلویی چپ و راست خودروی مستقردر کالیفرنیا از نیویورک، و یا تشخیص خصیصه‌های ریزتر از یک سی هزارم ماه کامل. این توان حداقل ده برابر بیش از حد اتمسفری بود.»

یکی از چالش‌های اساسی دخیل در حمل و نقل موفقیت‌آمیز تلسکوپ به فضا، حفاظت آینه از ارتعاشات نامطلوبی بود که در طی راه‌اندازی رخ می‌دهد. این مسأله بسیار مهم بود که آینه قادر به مقاومت در برابر فراز و نشیب‌های شاتل و همچنین شرایط حساس جوی که در فضا یافت می‌شود، باشد. در غیر این صورت، شکل دقیق آینه می‌تواند در معرض خطر قرار گیرد و قابلیت تصویربرداری‌اش به طور قابل توجهی ضعیف شود.

پس از آن که تلسکوپ به فضا پرتاب شد، ستاره‌شناسان متعاقباً متوجه شدند که آینـــه اصلی به درستی مستقر نشده بوده

است. لنز در ابزار تست حدود یک میلیمتر منحرف شده بود، که میزان این انحراف از استانداردهای نوری بیشتر است. در سال ۱۹۹۳، فضانوردانی که در فضا راه‌پیمایی می‌کردند لنزهای اصلاحی نصب کردند که بینایی هابلی را بهبود داد. در سال ۲۰۰۹ لنزهای ا صلاحی خود با یک طیف‌نگار فوق ح ساس دارای لنزهای ا صلاحی توکار جایگزین شدند. انتظار می‌رود که طیف‌نگار جدید بینشی به سوی خواستگاه ستاره‌ها و کهشکان‌ها ارائه کند.

جانشین هابل، تلسکوپ فضایی جیمز وب، انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۴ راه‌اندازی شود. این تلسکوپ فقط مادون قرمز را مشاهده خواهد کرد، بنابراین مکمل تلسکوپ هابل خواهد بود، که در محدوده نور مرئی و اشعه ماورای بنفش مشاهده می‌کند. هابل در حال حاضر این قابلیت را دارد که کهکشان‌هایی را مشاهده کند که ۱۳,۷ میلیارد سال پیش تشکیل شده بودند، مدت‌ها قبل از این که انسان به وجود بیاید، در منطقه‌ای به نام میدان فوق عمیق هابل.

ستاره‌شناسان در آرزوی این هستند که فراتر از میدان فوق عمیق هابل را ببینند، زمانی که عاری از کهکشان‌ها است، زمانی قبل از این که کهکشان‌ها شکل گرفته بودند. اگر اچ جی ولز در رمان خود به اهمیت چیزی واقف شده باشد، این بود که ممکن است زمان در دسترس باشد. همان طور که یکی از شخصیت‌ها در آن رمان محبوب پرسید: «اگر زمان واقعاً فقط بعد چهارم فضا است، چرا با این بعد، به عنوان چیزی متفاوت رفتار می‌شود و همیشه با آن این گونه رفتار شده است؟ و چرا ما نمی‌توانیم در «زمان» حرکت کنیم همان طور که در سایر ابعاد فضا حرکت می‌کنیم؟»

کمتر از یک دهه پس از رمان ولز، به نظر می‌رسید که تئوری نسبیت انیشتن با شخصیت داستان ولز همنوا باشد با پیشنهاد این که سفر در فضا با سرعت نور می‌تواند از طریق منبسط کردن زمان، آن را دگرگون کند، و این مسأله امکان این که فقط به گذشته نظر نیانداخت، بلکه احتمالاً به آن سفر نمود، را افزایش می‌دهد.

82- According to the passage, which of the following statements is/are true of the Hubble Telescope?

I) It is unable to observe light on the infrared part of the spectrum.
II) It will be replaced by the James Webb Space Telescope in 2014.
III) It was initially constructed in 1946, but not launched until 1990.

1) I only 2) II only 3) I and II only 4) III only

۸۲- گزینه ۳ صحیح است.

- براساس متن، کدام یک از گفته‌های زیر درمورد تلسکوپ هابل صحیح است؟

الف) قادر به مشاهده نور در بخش مادون قرمز طیف نیست.

ب) در سال ۲۰۱۴ توسط تلسکوپ فضایی جیمز وب جایگزین خواهد شد.

ج) این تلسکوپ ابتدا در سال ۱۹۴۶ ساخته شد، اما تا سال ۱۹۹۰ راه اندازی نشد.

83- According to the passage, who had the idea for the Hubble Telescope?

1) H.G. Wells 2) Albert Einstein 3) Edwin P. Flubblc 4) Lyman Spitzer. Jr.

۸۳- گزینه ۴ صحیح است.

- بنا بر متن چه کسی ایده تلسکوپ هابل را داشت؟

84- In (line 33), “vicissitudes” most closely means ……. .

I) long delays which may compromise the shuttle launch
2) atmospheric conditions which may compromise the mirror
3) shaking and quivering which may cause changes in the mirror
4) toxic emissions which may cause corrosion around the mirror

۸۴- گزینه ۳ صحیح است.

- در خط ۳۳ کلمه vicissitudes به کدام معنا نزدیک‌تر است؟

۱) تأخیر طولانی که ممکن است پرتاب شاتل را به خطر اندازد.

۲) شرایط جوی که ممکن است آینه را به خطر اندازد.

۳) لرزش و ارتعاش که ممکن است باعث تغییر در آینه شود.

۴) مواد سمی که ممکن است سبب خوردگی در اطراف آینه شود.

85- In the context of the passage, which of the following best articulates the author’s opinion of the inception of the Hubble?

I) It was a pipedream with little imminent chance of success.
2) It was based on a scientific proposition which was not proven.
3) It was an emergency response to the quickening Space Race.
4) It was a waste of time and money which were needed elsewhere.

۸۵- گزینه ۲ صحیح است.

- در متن پاراگراف، کدام یک از موارد زیر به بهترین وجه نظر نویسنده را درمورد آغاز به کار هابل شرح می‌دهد؟

۱) یک خیال باطل با شانس کمی از موفقیت بود.

۲) براساس یک گزاره علمی اثبات نشده بود.

۳) یک واکنش اضطراری به مسابقه فضایی فزاینده بود.

۴) اتلاف زمان و پولی بود که در جاهای دیگر مورد نیاز بود.

86- The primary purpose of the passage is to ……..….. .

1) discuss the construction of the Hubble Space Telescope as a tool for exploring deep space
2) dispute the argument that the Hubble Telescope functions as a modern-day time machine
3) describe the circumstances which underlay the mid-century national drive toward a large space-based observatory
4) draw a comparison between H.G. Wells’ notion of time travel with Albert Einstein’s Special Theory of Relativity

۸۶- گزینه ۱ صحیح است.

- هدف اساسی این پاراگراف این است که ..... .

۱) در مورد ساخت تلسکوپ فضایی هابل به عنوان یک ابزار برای کاوش اعماق فضا بحث کند.

۲) بر سر این استدلال بحث کند که تلسکوپ هابل به عنوان یک ماشین زمان مدرن عمل می‌کند.

۳) توصیف شرایطی که در اواسط قرن، پیش‌زمینه انگیزه ملی حرکت به سمت رصدخانه فضایی بزرگ بودند.

۴) ایجاد مقایسه بین مفهوم سفر زمان اچ جی ولز و مفهوم سفر زمان مربوط به تئوری نسبیت آلبرت اینشتین.

87- It can be inferred that the author regards time travel as ……..…….. .

1) an interesting literary notion, but proven to be impossible by Einstein's Special Theory
2) a ridiculous idea whose time has come and gone, as well as an astronomical improbability
3) a persuasive topic in fiction, as well as a hypothetical possibility in light of Einstein's Special Theory
4) the incoherent literary construction of a fictional author, with little relevance to today's scientific community

۸۷- گزینه ۳ صحیح است.

- می‌توان استنباط کرد که نویسنده سفر زمان را به عنوان ..... در نظر می‌گیرد.

۱) یک مفهوم جالب ادبی است، اما نظریه نسبیت اینشتین غیر ممکن بودن آن را ثابت کرده است.

۲) ایده مضحکی است که زمان آن آمده و رفته، و همچنین به عنوان یک امر غیر محتمل نجومی.

۳) یک موضوع متقاعد کننده در داستان و همچنین به عنوان یک احتمال فرضی در پرتو نظریه خاص اینشتین.

۴) ساختار ادبی نامنسجم یک نویسنده داستانی، با ارتباط کمی با جامعه علمی امروز.

88- It can be inferred from the passage that scientists believe that time is ……..… .

1) an impenetrable mystery
2) a spatial dimension
3) a Constant
4) unidirectional

۸۸- گزینه ۲ صحیح است.

- از پاراگراف می‌توان استنباط کرد، دانشمندان بر این باورند که زمان ..... است.

۱) یک رمز و راز غیر قابل نفوذ؛ ۲) یک بعد فضایی؛ ۳) تغییرناپذیر، یکنواخت؛ ۴) یک سویه

89- The word "it" (line 55) refers to …….. .

1) light
2) speed
3) space
4) time

۸۹- گزینه ۴ صحیح است.

- کلمه it در خط ۵۵ به ..... مربوط می‌شود.

۱) نور؛ ۲) سرعت؛ ۳) فضا؛ ۴) زمان

90- The word "inception" in (line 15) can best be replaced by …….. .

1) idea
2) travel
3) beginning
4) construction

۹۰- گزینه ۳ صحیح است.

- کلمه inception در خط ۱۵ به بهترین وجه می‌تواند با ..... جایگزین شود .

۱) ایده؛ ۲) سفر؛ ۳) آغاز؛ ۴) ساخت و ساز

91- An example of using a telescope to travel in time is given in paragraph …….. .

1) one 2) three 3) eight 4) six

۹۱- گزینه ۳ صحیح است.

- مثالی از استفاده از تلسکوپ برای سفر زمان در پاراگراف ..... ارائه شده است.

The terms “intelligence augmentation” and “intelligence amplification” evoke images of human beings with computer chips embedded in their skulls or bizarre accoutrements attached to their heads. However, according to an article entitled *Get Smart* by Jamais Cascio, human beings’ ability to augment their intelligence is precisely the prowess which has empowered us to survive “a series of convulsive glacial events” evinced by the last ice age.

Neurophysiologist William Calvin asserts that the human species continues to evolve cognitively and to create its own cognitive evolution in two basic ways: external and internal.

Cascio states that humans have been externally augmenting their intelligence for millennia. By developing written language, we boosted our capacity to share information over space and time. Other advancements, such as agricultural and industrial technologies, reduced the exigencies of manual labor. Current external digital systems augment human intelligence by allowing us to perform tasks that would be unfeasible with recourse only to the rational skills of a singular human brain. Cascio cites as examples the “powerful simulations and massive data sets (which) allow physicists to visualize, understand, and debate models of an II-dimension universe, real-time data from satellites, global environmental databases, and high-resolution models (which) allow geophysicists to recognize the subtle signs of long-term changes to the planet,” and similar man-made interactions which have the functional effect of augmenting human intelligence. Conceivable potential software could incorporate individual “attention filters” or “focus assistants” which would discern and highlight your individual preferences in a computer display, permitting you to focus and direct your computer searches more efficiently than you do now. **It** could incorporate individualized planning and foresight systems which could allow people to play “what-if” with their life choices. Such systems could co-evolve with people to produce intimate technologies which would become “something akin to collaborative intuition,” through web-based information systems with personalized components, according to Cascio.

Somewhat more problematic in social terms might be pharmacological intelligence augmentation, evoking Brave New World nightmares — pharmaceutically placated people tranquilized to zombie-like subservience to the collective and a central bureaucracy dedicated to its own continued survival. However, as with external cognitive augmentation, the future has arrived — in the form of, for example, ADD drugs, pharmaceutical agents which mitigate sleep disorders, and antidepressants, all of which enhance human problem — solving ability

and cognitive efficiency. According to Cascio, “people who don’t know about (such drugs) or don’t want to use them will face stiffer competition from people who do. From the perspective of a culture immersed in athletic doping wars, the use of such drugs may seem like cheating. From the perspective of those who find they’re much more productive using this form of enhancement it’s no more cheating than getting a faster computer or a better education.”

Cognitive amplification, whether by external or internal means, may constitute evolution, if Calvin’s assertion is correct. Some societies may readily embrace it, while others may shy away. As science fiction Titer William Gibson observes, “The future is already here; It’s just unevenly distributed.”

عبارات «افزایش هوش» و «تقویت هوش» تصاویری از انسان‌ها با تراشه‌های رایانه‌ای جاسازی‌شده در جمجمه‌شان و یا تجهیزات عجیب و غریب متصل به سرشان را به ذهن متبادر می‌کند. با این حال، براساس مقاله‌ای با عنوان *هوشمند شوید* نوشته جیمز کاسیو، توانایی انسان‌ها برای تقویت هوش خود دقیقاً همان ویژگی جسورانه‌ای است که به ما قدرت بقاء در مقابل «مجموعه‌ای از وقایع یخبندان شدید» را که توسط آخرین عصر یخبندان برانگیخته شدند، داده است.

ویلیام کالوین متخصص اعصاب، ادعا می‌کند که نوع بشر همچنان به تکامل شناختی خود ادامه می‌دهد و ارزشیابی شناختی خود را در بر دو پایه اساسی خلق می‌کند: داخلی و خارجی.

کاسیو عنوان می‌کند که انسان‌ها هزار سال است که هوش خود را به صورت خارجی تقویت می‌کنند. با توسعه زبان نوشتاری، ما ظرفیت و توانایی خود را برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات در سراسر فضا و زمان افزایش دادیم. پیشرفت‌های دیگر مانند فناوری‌های کشاورزی و صنعتی، ضرورت کار دستی را کاهش می‌دهد. سیستم‌های دیجیتال خارجی کنونی هوش انسان را تقویت می‌کنند، از این طریق که به ما اجازه می‌دهند تا وظایفی را انجام دهیم که تنها با توسل بر مهارت‌های عقلانی مغز انسانی منفرد امکان‌پذیر نبود. کاسیو نمونه‌هایی ذکر می‌کند از «شبیه‌سازی‌های قدرتمند و مجموعه داده‌های عظیم (که) به فیزیکدانان اجازه تجسم، درک، و مباحثه مدل‌های یک جهان دو بعدی را می‌دهد، اطلاعات لحظه‌ای از ماهواره‌ها، پایگاه داده‌های زیست‌محیطی جهانی، و مدل‌های با وضوح بالا (که) به ژئوفیزیکدانان اجازه تشخیص علائم ظریف تغییرات بلند مدت در سیاره را می‌دهد» و نیز به تعاملات مشابه ساخت بشر که، که اثر عملی تقویت هوش بشری را دارند استناد می‌کند.

یک نرم‌افزار بالقوه قابل تصور می‌تواند «فیلترهای توجه» و یا «تمرکز-یار»های منفرد را ترکیب کند به طوری که ترجیحات فردی شما را در یک نمایشگر کامپیوتری تمیز دهد و برجسته سازد، این امر به شما اجازه می‌دهد که جست‌وجوهای کامپیوتری خود را کاراتر از آن‌چه اکنون انجام می‌دهید متمرکز سازید و هدایت کنید. این برنامه می‌تواند سیستم‌های برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شخصی‌سازی‌شده را ترکیب کند که می‌تواند به مردم اجازه دهد تا با انتخاب‌های زندگی‌شان بازی «اگر-آن‌گاه» را اجرا کنند. به قول کاسیو، چنین سیستم‌هایی می‌توانند به همراه افراد تکامل یابند تا تکنولوژی‌های صمیمی و مأنوس ایجاد کنند که این تکنولوژی‌ها می‌توانند از طریق سیستم‌های اطلاعاتی وب-بنیان با اجزای شخصی‌سازی‌شده به «چیزی شبیه به بصیرت مشترک» تبدیل شوند.

آن‌چه قدری در شرایط اجتماعی بغرنج‌تر است، می‌تواند تقویت دارویی هوش باشد، که کابوس‌های رمان Brave New World را به ذهن متبادر می‌سازد — رمان مردمانی که از طریق دارویی آرام شده‌اند، به طوری که به چاپلوسان مرده-سان بروکراسی مرکزی و مشترک تبدیل شده‌اند که این بروکراسی وقف بقاء مستمر خودش است. به هر حال، همانند تقویت شناختی خارجی، آینده فرا رسیده است — برای نمونه، به صورت داروهای بیش فعالی، عوامل دارویی که اختلالات خواب را تسکین

می‌دهند، و ضدافسردگی‌ها، که همه آن‌ها توانایی حل مسأله و کارایی شناختی انسان را افزایش می‌دهند. بنا بر گفته کاسیو، «افرادی که با این داروها آشنا نیستند و یا نمی‌خواهند که از آن‌ها استفاده کنند با رقابت سختی از جانب افرادی که از این داروها استفاده می‌کنند روبرو خواهند شد. از دیدگاه فرهنگی که غرق در جنگ‌های دوپینگ ورزشی است، استفاده از چنین داروهایی ممکن است مانند تقلب به نظر رسد. از دیدگاه کسانی که درمی‌یابند که با استفاده از این شکل تقویت بهره‌ورتر هستند، این کار، تقلبی بیشتر از اخذ یک کامپیوتر سریع‌تر یا آموزش بهتر نیست.»

اگر ادعای کلوین درست باشد، تقویت شناختی، چه با ابزارهای خارجی و چه داخلی، می‌تواند موجب تکامل شود. برخی اجتماعات ممکن است به سادگی این مسأله را بپذیرند، در حالی که دیگران ممکن است خجولانه خود را کنار بکشند. آن چنان که افسانه تایتر ویلیام گیبسون بیان می‌کند «آینده اینجاست: فقط به صورت ناهمگون توزیع شده است.»

92- The author is mainly concerned about …… .

1) the differences between external and internal intelligence augmentation
2) some scientists who are working on intelligence augmentation
3) various dangers of intelligence augmentation
4) the basic methods of intelligence augmentation

۹۲- گزینه ۴ صحیح است.

- نویسنده عمدتاً نگران ..... .

۱) تفاوت بین تقویت خارجی و داخلی هوش

۲) برخی از دانشمندان که در حال کار بر روی تقویت هوش هستند.

۳) خطرات مختلف تقویت هوش

۴) روش‌های پایه‌ای تقویت هوش

93- The author's use of the phrase "somewhat more problematic in social terms" refers to …….. .

1) the difficulty of making pharmacological enhancement socially acceptable
2) the relationship between external and internal intelligence augmentation
3) the difticulty of making cognitive enhancement widely available
4) equalizing cognitive competitive advantages among social groups

۹۳- گزینه ۱ صحیح است.

- استفاده نویسنده از عبارت «آن چه قدری در شرایط اجتماعی دشوارتر/بغرنج‌تر است» اشاره دارد به ..... .

۱) مشکل قبولاندن تقویت دارویی هوش به طور اجتماعی

۲) رابطه بین تقویت خارجی و داخلی هوش

۳) مشکل در دسترس قرار دادن ارتقا شناختی به طور گسترده

۴) برابرسازی مزایای رقابتی شناختی در میان گروه‌های اجتماعی

94- As it is used in (line 27), the word “placated” most closely means …….. .

1) cured 2) quieted 3) deprived 4) assisted

۹۴- گزینه ۲ صحیح است.

- کلمه placated آن چنان که در خط ۲۷ استفاده شده است، به معنای ..... است.

۱) درمان‌شده؛ ۲) آرام‌شده؛ ۳) محروم‌شده؛ ۴) یاری‌شده

95- In the context of the passage, which of the following best articulates the author’s opinion?

1) Some people consider intelligence enhancement to be a form of cheating.

2) Personalized software could be misused by a bureaucracy intent on its own continued survival.

3) Intelligence amplification by external means might be more difficult to achieve than by internal means.

4) External and internal intelligence enhancement might constitute evolution in cultures that accept them.

۹۵- گزینه ۴ صحیح است.

- مطابق متن کدام یک از گزینه‌های زیر به بهترین نحو نظر نویسنده را بیان می‌کند؟

۱) در نظر برخی افراد افزایش هوش نوعی از تقلب است.

۲) نرم‌افزار شخصی‌سازی‌شده می‌تواند توسط بوروکراسی به قصد بقاء مورد سوء استفاده قرار گیرد.

۳) دستیابی به تقویت هوش توسط وسایل خارجی ممکن است سخت‌تر از تقویت هوش با استفاده از وسایل داخلی باشد.

۴) تقویت خارجی و داخلی هوش ممکن است در فرهنگ‌هایی که آن را قبول دارند باعث تکامل شود.

96- The primary purpose of the passage is to …….. .

1) dispel misgivings about humanity’s attempts at creating its own evolution

2) discuss society’s reactions to pharmacological cognitive augmentation

3) describe different kinds of intelligence enhancement

4) illustrate the limitations of external intelligence augmentation

۹۶- گزینه ۳ صحیح است.

- هدف اصلی این متن این است که ..... .

۱) بدگمانی‌ها را درباره تلاش بشریت در ایجاد تکامل خود برطرف کند.

۲) در مورد واکنش‌های جامعه به تقویت‌شناختی دارویی بحث کند.

۳) انواع مختلف تقویت هوش را توصیف کند.

۴) محدودیت‌های تقویت خارجی هوش را نشان دهد.

97- The word “prowess” in line 4 is closest in meaning to ……. .

1) skill 2) mind 3) feature 4) advantag

۹۷- گزینه ۱ صحیح است.

- کلمه جسارت در خط ۴ در معنا به ..... نزدیک‌تر است.

۱) مهارت؛ ۲) ذهن؛ ۳) ویژگی؛ ۴) مزیت

98- According to the passage, the last ice age ……..…….. .

1) was the beginning of intelligence amplification
2) led to great changes on the earth
3) made humans get smart
4) destroyed human intelligence

۹۸- گزینه ۲ صحیح است.

- مطابق پاراگراف، آخرین عصر یخبندان ..... .

۱) آغاز تقویت هوش بود.

۲) منجر به تغییرات بزرگ بر روی زمین شد.

۳) باعث شد انسان هوشمند شود.

۴) هوش انسان را نابود کرد.

99- Brave New World seems to depict …… .

1) the dangers of ADD drugs
2) the nightmares of addicted people
3) the effect of medicine on cognitive development
4) people’s control by a central government

۹۹- گزینه ۴ صحیح است.

- به نظر می‌آید که رمان Brave New World ..... را نشان دهد.

به دلیل هم معنایی central bureaucracy در متن با central government در گزینه ۴.

100- The word “it” in (line 21) refers to …… .

1) computer 2) software 3) human intelligence 4) display

۱۰۰- گزینه ۲ صحیح است.

- کلمه it در خط ۲۱ به ..... اشاره دارد. ۱) کامپیوتر؛ ۲) نرم افزار؛ ۳) هوش انسانی؛ ۴) صفحه نمایش

بخش پنجم:

سؤالات و پاسخ تشریحی آزمون

دکتری ۱۳۹۲

دانلود منابع رایگان آزمون
استعداد تحصیلی
در وب سایت
پی اچ دی تست

کتاب رایگان
استعداد تحصیلی دکتری

کتاب رایگان صد تست
برگزیده استعداد تحصیلی

و منابع دیگر

برای دانلود کلیک کنید

www.Phdtest.ir

PART A: Grammar I

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3) or (4) that completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«کلمه یا عبارت ۱، ۲، ۳ یا ۴ که هر جمله را تکمیل می‌کند انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

1- This model assumes ..... it grows generally better able to cope with its problems.

1) as society being evolved
2) that as society evolves
3) the society evolving as
4) that the society evolves as

۱- گزینه ۲ صحیح است.

فعل assume نیاز به مفعول دارد که در این جمله مفعول یک شبه جمله اسمی است و با ضمیر موصولی (that) آغاز می‌شود. as در اینجا به معنای while/when به کار رفته است.

2- Although all of the chapters in this book are shaped ..... the author's sense of paradigms, this perspective plays a greater role in this chapter.

1) at least in part by
2) at the least part by
3) in a least part by
4) in a part by at least

۲- گزینه ۱ صحیح است.

در گزینه ۱ at least به معنای «حداقل» و in part به معنای «تا حدودی» است و ترتیب قرار گرفتن قیود رعایت شده است.

3- ..... the image of patriarchy as violence practiced by men and by male-dominated organizations against women.

1) Central to this analysis is
2) Central is the analysis of
3) This analysis is central of
4) There is a central analysis that

۳- گزینه ۱ صحیح است.

Central to this analysis نهاد جمله است که بسط داده شده است و پس از آن هم فعل is آورده شده است. Central به معنای «مهم‌ترین یا اصلی‌ترین» در این جمله به کار برده شده که به لحاظ گرامری باید با حرف اضافه to همراه باشد.

4- Competition among states, especially those having different economic systems, is ..... to achieve a higher rate of economic growth than its rivals.

1) too strong for each strive
2) as strong for each as to strive
3) very strong as each strives
4) as strong as each to strive

۴- گزینه ۳ صحیح است.

گزینه ۲ و ۴ غلط هستند، چون در جمله نیاز به ساختار مقایسه‌ای نداریم.

مرجع each، states است و فعل هم باید به صورت سوم شخص مفرد مورد استفاده قرار گیرد.

5- …… the Empire may freely opt to join or reject membership, and members are free to leave the commonwealth at any time.

1) Granting independence, states from
2) Granting independence, states of
3) States that grant independence of
4) States granted independence from

۵- گزینه ۴ صحیح است.

جمله نیاز به فاعل اصلی دارد. state فاعل اصلی است و independence from the Empire granted یک شبه جمله توصیفی کوتاه شده می‌باشد. همچنین پس از independence از حرف اضافه from استفاده می‌شود.

6- As science gets closer to the intersection of biology and creativity, …….. we consider to be the essential qualities that make art unique.

1) it’s worth to ponder what
2) it’s worth is to ponder that
3) it’s worth pondering what
4) it’s worthy pondering that

۶- گزینه ۳ صحیح است.

گزینه ۳ طبق نیاز جمله دارای فاعل و فعل است. it’s worth به معنای «ارزش آن را دارد» یک ترکیب ثابت است و همواره بعد از worth/worthy/worthy of لازم است اسم مصدر قرار بگیرد.

7- Trying to measure, for example, if the brain has a different electrical reaction to music it likes …… quite difficult.

1) that it doesn’t is
2) as it doesn’t like music is
3) than to music it doesn’t is
4) the music than it doesn’t

۷- گزینه ۳ صحیح است.

جمله مقایسه‌ای بین زمانی که مغز یک موسیقی را دوست دارد نسبت به زمانی که موسیقی را دوست ندارد، انجام داده است. به دلیل وجود مقایسه باید از than استفاده کرد و ساختار قبل و بعد از than باید یکسان باشد.

8- The natural law that Hume accepted as the ground of political sciences …… the attacks of sceptics.

1) was, in its contemporary modes, open to
2) was, open to its contemporary models, in
3) to its contemporary modes was open in
4) to its contemporary modes opened to

۸- گزینه ۱ صحیح است.

جمله نیاز به فعل دارد و was فعل اصلی جمله است و اطلاعات اضافی بین دو ویرگول به عنوان قیدی برای open است.

9- This double vision of competition ……. classical and neo-classical schools of economic theory.

l) have been remaining for the so-called typically
2) have remained typically of all the so-called
3) has been remaining for the so-called typical
4) has remained typical for all so-called

۹- گزینه ۴ صحیح است.

بر اساس لزوم تطابق فعل و فاعل در جمله، چون فاعل مفرد است باید از فعل مفرد استفاده شود و remain هم از افعالی است که بعد از آن نیاز به صفت (typical) می‌باشد.

10- Although …….. the founder of serious philosophical study in the US, Peirce thought of himself as a man of science.

1) he considers by many as
2) considered by many as
3) considering as many as
4) he is considered as many as

۱۰- گزینه ۲ صحیح است.

در شبه جمله قیدی کوتاه (ابتدای جمله تا ویرگول)، فاعل و فعل مورد کاهش قرار گرفته است (حذف شده است) چرا که فاعل شبه جمله و جمله اصلی یکی است (Pierce).

PART B: Grammar II

In questions 11 to 20, each sentence has three underlined words or phrases, marked (1), (2), and (3). Choose the word or phrase that must change for the sentence to be correct. If the sentence is correct and needs no change, choose "NO ERROR" (choice 4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

«در سؤالات ۱۱ تا ۲۰، هر جمله ۳ کلمه یا عبارت دارد که زیر آن خط کشیده شده و با ۱، ۲ و ۳ مشخص شده است. کلمه یا عبارتی که باید برای صحیح ساختن جمله تغییر کند را انتخاب کنید. اگر جمله صحیح ا ست و نیازی به تغییر ندارد، «بدون غلط» (گزینه ۴) را انتخاب نمایید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

11- This school is <u>a loose structured</u> (1) group of artists, <u>flourishing particularly from</u> (2) the late 1940s to the early 1960s, who <u>concentrated their activities in</u> (3) the Cornish fishing port of St Ives. <u>NO ERROR</u> (4)

۱۱- گزینه ۱ صحیح است.

قبل از صفت از قید استفاده می‌شود و شکل صحیح گزینه ۱ loosely structured است.

12- Vigarny, a Burgundian-born sculptor who spent all his known career in Spain, is first documented in 1498, when he contracted to carve three large stone reliefs of christ's passion. NO ERROR

1 2 3 4

۱۲- گزینه ۴ صحیح است.

13- Einstein's general theory of relativity is rooted in the idea that the laws of motion in an accelerating frame is equivalent to those in a gravitational field. NO ERROR

1 2 3 4

۱۳- گزینه ۲ صحیح است.

تطابق فعل و فاعل (laws) رعایت نشده است. شکل صحیح آن are equivalent می‌باشد.

14- Although a statement is theory-laden if its terms only make sense in the light of a set of theoretical principles, but it is widely believed that all statements are theory-laden. NO ERROR

1 2 3 4

۱۴- گزینه ۳ صحیح است.

برای ارتباط بین دو شبه جمله نباید از دوحرف ربط (conjunction) استفاده کرد. وقتی در شبه جمله اول از although که تضاد را نشان می‌دهد استفاده شده نباید در شبه جمله بعدی از but استفاده کرد.

15- Paradigm is a term used and popularized by Thomas Kuhn to refer to a common set of philosophies shared by a scientific community within its basic assumptions are uncriticized. NO ERROR

1 2 3 4

۱۵- گزینه ۳ صحیح است.

در ابتدای شبه جمله و صفی که با یک حرف ا ضافه آغاز می شود، نمی‌توان ضمیر مو صولی را حذف نمود. شکل صحیح آن within which می‌باشد.

16- Sanskrit, a language still used in India as the literary language, was recognized by Jones based on similarities between Sanskrit and Greek, thereby allowing the possibility of language families. NO ERROR

1 2 3 4

۱۶- گزینه ۴ صحیح است.

17- Field working is a powerful archeological technique to systematic sample the upper surface of cultivated or disturbed ground in an effort to map the extent of archeological sites. NO ERROR
(1) (2) (3) (4)

۱۷- گزینه ۱ صحیح است.

قبل از فعل (sample) لازم است از قید استفاده شود و شکل صحیح آن systematically sample می‌باشد.

18- "Equal opportunity" is an elastic notion because of the problem of deciding at what point in a process is appropriate to measure it. No ERROR
(1) (2) (3) (4)

۱۸- گزینه ۳ صحیح است.

به دلیل لزوم وجود فعل و فاعل در جمله، شکل صحیح process it is می‌باشد.

19- In Parliament, after a committee has examined legislation, the report stage "reports" the bill back in the house, when further amendments can be proposed. NO ERROR
(1) (2) (3) (4)

۱۹- گزینه ۲ صحیح است.

توجه به حرف اضافه نکته سؤال است و شکل صحیح آن back to می‌باشد.

20- Perfect competition is an economic ideal in which many perfectly informed buyers purchase identified goods in a market freely able to expand or shrink. NO ERROR
(1) (2) (3) (4)

۲۰- گزینه ۴ صحیح است.

PART C: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3) or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: عبارت ۱، ۲، ۳ یا ۴ را که جمله را به بهترین شـــکل تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. ســـپس گزینه صـــحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

21- The ugliness of the resort is ..... by the excellence of the skiing.

1) obtruded 2) underpinned 3) countenanced 4) counterbalanced

۲۱- گزینه ۴ صحیح است.

«زشتی اقامتگاه با مزیت اسکی کردن متعادل می‌شود.»

۱) مزاحم شد؛ ۲) پشتیبانی کرد؛ ۳) تشویق کرد، پشتیبانی کرد؛ ۴) موازنه برقرار کرد، تعادل ایجاد کرد

22- The regulations ..... that everything has to comply with the relevant safety standards.

1) incline 2) emanate 3) stipulate 4) interrogate

۲۲- گزینه ۳ صحیح است.

«قانون تصریح می‌کند که همه چیز باید مطابق با استانداردهای ایمنی مربوطه باشد.»

۱) تمایل داشت؛ ۲) جاری شد، تجلی کرد؛ ۳) تصریح کرد، قید کرد؛ ۴) تحقیق کرد

23- The chancellor ..... the criticism leveled against his educational policy and held firm.

1) withstood 2) withheld 3) withdrew 4) witnessed

۲۳- گزینه ۱ صحیح است.

«وزیر در برابر انتقادهای واردشده علیه سیاست‌های آموزشی خود مقاومت کرد و مستحکم ماند.»

۱) مقاومت کرد؛ ۲) خودداری کرد؛ ۳) عقب‌نشینی کرد؛ ۴) شاهد بود

24- He ..... in stocks and hoped that we would make a large profit when we sell our product.

1) specified 2) speculated 3) underestimated 4) undermined

۲۴- گزینه ۲ صحیح است.

«او در سهام سرمایه‌گذاری کرد و امیدوار بود که سود بزرگی هنگام فروش محصولات داشته باشیم.»

۱) تعیین کرد؛ ۲) سرمایه‌گذاری کرد؛ ۳) دست پایین گرفت، کمتر تخمین زد؛ ۴) تضعیف کرد

25- We have decided to ..... the committee's recommendations in full despite objections made by a few members.

1) implement 2) implicate 3) capitulate 4) captivate

۲۵- گزینه ۱ صحیح است.

«ما تصمیم گرفته‌ایم بر خلاف مخالفت‌های تعداد معدودی از اعضا، توصیه‌های مجلس را به طور کامل اجرا کنیم.»

۱) اجرا کردن، پیاده کردن؛ ۲) گرفتار کردن، دلالت کردن بر؛ ۳) تسلیم شدن؛ ۴) اسیر کردن، فریفتن

26- The studio planned to make a movie of the book but the deal ..... due to budget problems.

1) fell out 2) fell over 3) fell apart 4) fell through

۲۶- گزینه ۴ صحیح است.

«استودیو برای ساخت فیلمی از این کتاب برنامه‌ریزی کرد اما این معامله به دلیل مشکلات بودجه شکست خورد.»

۱) اتفاق افتاد؛ ۲) به زمین افتاد؛ ۳) از هم پاشید؛ ۴) به نتیجه نرسید، شکست خورد

27- A boundary dispute is making it impossible for the neighbors to live in ..... .

1) tranquility 2) stringency 3) folly 4) agenda

۲۷- گزینه ۱ صحیح است.

«اختلاف مرزی، زندگی همسایگان در آرامش را غیرممکن می‌کند.»

۱) آرامش؛ ۲) سختی، کسادی؛ ۳) حماقت؛ ۴) دستور جلسه

28- The teacher commended me on my improvement in writing, but ..... me for my lateness to class.

1) lapsed 2) confined 3) abhorred 4) admonished

۲۸- گزینه ۴ صحیح است.

«معلم به خاطر پیشرفت در نوشتن مرا تشویق کرد، اما به خاطر تأخیر من را سرزنش کرد.»

۱) سپری شد؛ ۲) محبوس کرد؛ ۳) تنفر داشت؛ ۴) سرزنش کرد، تذکر داد

29- The company has shown a ..... disregard for the Customers' complaint concerning the product.

1) contagious 2) contemplative 3) contemptuous 4) contaminated

۲۹- گزینه ۳ صحیح است.

«این شرکت نسبت به شکایت مشتریان در مورد محصول بی‌توجهی تحقیرآمیزی نشان داده است.»

۱) واگیردار؛ ۲) اندیشمند؛ ۳) تحقیرآمیز؛ ۴) آلوده

30- What happens in the film bears little ..... to what actually happened.

1) contour 2) affliction 3) symmetry 4) resemblance

۳۰- گزینه ۴ صحیح است.

«آن‌چه در فیلم اتفاق می‌افتد، کمی با آن‌چه در واقعیت رخ داده است، شباهت دارد.»

۱) طرح، نما؛ ۲) درد و رنج، مصیبت؛ ۳) تقارن، تناسب؛ ۴) شباهت

31- This little book represented the ..... of 15 years of successful work and effort by the research team.

1) culmination 2) cultivations 3) dilemmas 4) inceptions

۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

«این کتاب کوچک، حاصل پانزده سال کار و تلاش تیم تحقیق را نشان می‌دهد.»

۱) حاصل، نتیجه نهایی؛ ۲) کاشت، ایجاد، توسعه؛ ۳) تنگنا، دو راهی؛ ۴) آغاز

32- Graduation arid marriage are important ..... in people's lives.

1) milestone 2) cultivations 3) dilemmas 4) inceptions

۳۲- گزینه ۱ صحیح است.

«فراغت از تحصیل و ازدواج نقطه عطف مهمی در زندگی افراد هستند.»

۱) نقطه عطف؛ ۲) کاشت، ایجاد، توسعه؛ ۳) تنگنا، دو راهی؛ ۴) آغاز

33- Few musicians arc as ……. as he is since he plays, composes, arranges, and teaches.

1) multitudinous 2) collaborative 3) vertiginous 4) versatile

۳۳- گزینه ۴ صحیح است.

«موسیقیدانانِ کمی به اندازه او همه‌فن‌حریف هستند، چون او می‌نوازد، می‌سراید، تنظیم می‌کند و آموزش می‌دهد.»

۱) بسیار زیاد، انبوه؛ ۲) گروهی، مشارکتی؛ ۳) دوران کننده؛ ۴) همه‌فن‌حریف، همه‌کاره

34- The scandal put the president in an ..... position and finally caused the overthrow of the government.

1) untidy 2) inclusive 3) untenable 4) incompatible

۳۴- گزینه ۳ صحیح است.

«رسوایی رئیس جمهور او را در موقعیت غیرقابل دفاعی قرار داد و سرانجام باعث سرنگونی دولت شد.»

۱) نامنظم؛ ۲) فراگیر؛ ۳) غیرقابل دفاع؛ ۴) ناسازگار، مغایر

35- John didn't do well at school; he was intelligent, but very ..... and didn't study enough.

1) persevere 2) indolent 3) undaunted 4) detrimental

۳۵- گزینه ۲ صحیح است.

«جان در مدرسه خوب نبود، او باهوش بود اما خیلی تنبل بود و به اندازه کافی مطالعه نمی‌کرد.»

۱) پشتکار داشتن؛ ۲) تنبل؛ ۳) شجاع؛ ۴) مضر

36- It was so sad that his face was ..... any warmth or humor in his birthday.

1) de facto 2) devoid of 3) laden with 4) crammed full of

۳۶- گزینه ۲ صحیح است.

«خیلی غمناک بود که چهره‌اش عاری از هر گرما و شوخ طبعی در روز تولدش بود.»

۱) بالفعل، موجود؛ ۲) عاری از؛ ۳) انباشته از؛ ۴) کاملاً پر از

37- It seems ..... wearing a red shirt at the funeral in any part of the world.

1) obscure 2) bona fide 3) incidental 4) incongruous

۳۷- گزینه ۴ صحیح است.

«پوشیدن لباس قرمز در مراسم سوگواری در همه جای دنیا نامتناسب به نظر می‌رسد.»

۱) تاریک، مبهم؛ ۲) جدی؛ ۳) اتفاقی، همراه؛ ۴) نامتناسب، بی‌ربط

38- The seminar on inflation was attended by a/an ..... collection of students, businessmen, and houswives.

1) miscellaneous 2) mischievous 3) permanent 4) spacious

۳۸- گزینه ۱ صحیح است.

«سمینار در مورد تورم توسط مجموعه‌ای گوناگون از دانشجویان، پیشه‌وران و زنان خانه‌دار برگزار شد.»

۱) گوناگون، متنوع؛ ۲) بدجنس، موذی؛ ۳) دائم، پایدار؛ ۴) وسیع، جادار

39- We ..... invite you to visit our country, enjoy our community, and spend a few days touring our sights.

1) roughly 2) cordially 3) exhaustively 4) habitually

۳۹- گزینه ۲ صحیح است.

«ما صمیمانه از شما دعوت می‌کنیم که از کشور ما دیدن کنید، از جامعه ما لذت برده و چند روزی را صرف بازدید از مناظر دیدنی ما نمایید.»

۱) تقریباً، با خشونت؛ ۲) صمیمانه، از صمیم قلب؛ ۳) به طور جامع؛ ۴) از روی عادت

40- Although travelling can he exhausting, I always feel ..... when I arrive in a new country.

1) dreary 2) arduous 3) grueling 4) exhilarating

۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«اگرچه سفر می‌تواند خسته‌کننده باشد، اما من همیشه احساس هیجان می‌کنم وقتی که به یک کشور جدید می‌رسم.»

۱) ملال‌آور؛ ۲) سخت، طاقت‌فرسا؛ ۳) بسیار دشوار، کشنده؛ ۴) هیجان‌انگیز، نشاط‌آور

PART D: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: متنی که در ادامه می‌آید را بخوانید و تصمیم بگیرید کدام گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ به بهترین شکل جای خالی را پر می‌کند. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Infancy is variously defined from time to time and in different cultures. However, technically it is the period from birth to the onset of walking or, (41) ……, the time of life prior to the emergence of independent behavior. In humans, the (42) …… of walking without support and the beginning of definable ‘speech’ appear almost (43) ……. Among the significant issues surrounding the nature of development (44) …… have been: (a) The question of the relative influence of organic or biogenic factors, on the one hand, and environmental, psychogenic, or learned factors, (45) …… . (b) The role of early experience in the determination or control of later behavior and development, (46) …… includes questions about the durability of early influences, the reversibility of effects of infantile trauma, (47) …… the effects of educational interventions on the behavioral (48) …… of the young. (c) The ever-present reality of individual differences in psychological characteristics (49) …… like height, eye-colour, and hair texture in the biological realm. (d) The mechanisms and processes (50) …… behavior change and emotional development occur in the early months of life.

دوران نوزادی در زمان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، به گونه‌ای متفاوت تعریف شده است. با این حال، به لحاظ فنی این دوره از تولد تا شروع راه رفتن و یا به بیان شاعرانه‌تر (به عبارت بهتر)، دوره‌ای از زندگی قبل از ظهور رفتار مستقل است. به نظر می‌رسد راه رفتن بدون کمک و صحبت کردن به صورت معنادار در انسان تقریباً آغازی همزمان دارند. از جمله مسائل مهم پیرامون ماهیت رشد دوران بعد از نوزادی عبارت بوده‌اند از: (الف) مسأله تأثیر نسبی عوامل ارگانیک یا بیوژنیک از یک سو، و مسائل زیست‌محیطی، محرکات ذهنی ژنتیک، یا عوامل آموخته‌شده از سوی دیگر (ب) نقش تجربه اولیه در تعیین یا کنترل رفتار آینده و رشد، یعنی شامل سؤالاتی در مورد دوام تأثیرات اولیه، برگشت اثرات ترومای کودکانه، و اثرات مداخلات آموزشی در بلوغ رفتاری جوانان

می‌باشد. (ج) واقعیت تغییرناپذیر تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های روان‌شناختی مشابه آن‌ها مانند قد، رنگ چشم و بافت مو در حوزه بیولوژیکی (د) مکانیزم‌ها و فرآیندهایی که توسط آن رفتار تغییر می‌کند و رشد عاطفی در ماه‌های اولیه زندگی رخ می‌دهد.

41- 1) putting poetic 2) put more poetically 3) putting it poetic 4) to put it poetic

۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

42- 1) onset 2) talent 3) merger 4) morale

۴۲- گزینه ۱ صحیح است.

43- 1) succinctly 2) presumably 3) simultaneously 4) predominantly

۴۳- گزینه ۳ صحیح است.

44- 1) of infancy onward 2) from infancy onward
3) in onward infancy 4) from infancy till onward

۴۴- گزینه ۲ صحیح است.

45- 1) on the other 2) on the others 3) on other hand 4) on another hand

۴۵- گزینه ۱ صحیح است.

46- 1) a concern which 2) concerning it 3) to concern it 4) which its concern

۴۶- گزینه ۱ صحیح است.

47- 1) but 2) and 3) whereas 4) besides

۴۷- گزینه ۲ صحیح است.

48- 1) quotient 2) organism 3) maturation 4) consequence

۴۸- گزینه ۳ صحیح است.

49- 1) paralleling those 2) to parallel ones
3) which parallel one 4) which parallels those

۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

50- 1) that are 2) by which 3) which their 4) that they are

۵۰- گزینه ۲ صحیح است.

PART E: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the answer (1), (2), (3) or (4). Then mark the correct choice on your answersheet.

«متن‌هایی که در ادامه می‌آید را بخوانید و سؤالات را با انتخاب جواب‌های ۱، ۲، ۳ یا ۴ پاسخ دهید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

In the Contexts of Renaissance art, liberal arts is a term applied to pursuits that were considered primarily as exercises of the mind rather than of practical skill and craftsmanship. The concept of a distinction between 'liberal' (worthy of a free man: Latin homo liber) and 'vulgar' arts goes back to classical antiquity, and survived in one form or another up to the Renaissance, forming the basis of secular learning in the Middle Ages. The name quadrivium was given to the subjects concerned with physical reality (arithmetic, astronomy, geometry, and music that is the mathematical theory of music) and trivium to the arts of grammar, rhetoric, and logic. Collectively these were known as the seven liberal arts, and were subservient to philosophy, the supreme art. In these, as in all classifications that preceded the concept of the fine arts, the word 'art' carries a very different signification from that which it hears in normal language today-closer to the meaning that survives in academic terminology such as 'arts degree'.

In the early Renaissance the lowly position accorded to the visual arts was increasingly contested, providing a theoretical basis for the social struggle that took place to raise them from the status of manual skill to the dignity of a liberal exercise of the spirit. The most formidable champion of the visual arts was Leonardo, who more than anyone else was responsible for creating the idea of the painter as a creative thinker. His revolutionary approach is illustrated in the following anecdote told by Vasari. When Leonardo was painting his last Supper the prior of the monastery was puzzled by the way in which 'he sometimes spent half a day at a time contemplating what he had done so far: if he had had his way. Leonardo would have toiled like one of the labourers hoeing in the garden and never put down his brush for a moment'. When the prior complained to the Duke of Milan, Leonardo explained 'that men of genius sometimes accomplish most when they work the least, for they are thinking out inventions and forming in their minds the perfect ideas that they subsequently express and reproduce with their hands'.By about 1500 painting and sculpture were generally accepted as liberal arts by Italian humanists (significantly so in Baldassare Castiglione's influential Book of the Courtier of 1528, which was translated into English in 1561). However, as Anthony Blunt points out (Artiste Theory in italy: 1450—1600, 1940), 'As soon as the visual arts became generally accepted as liberal, the protagonists began to quarrel among themselves about which of them was the noblest and most liberal'. The acceptance came later in other parts of Europe than in Italy. Hilliard was one of the first English artists to make a claim for the nobility of his profession. In his treatise The Arte of Limning (written c. 1600) he suggests that miniature painting is especially suited to gentlemen as it is such a private art: the miniaturist can work in secret and his portraits are intended for intimate enjoyment.

The original seven liberal arts (sometimes paired with the seven principal virtues-faith,hope, charity, ete.) are often represented in painting and sculpture, personified as women holding various attributes and being followed by famous masters of the arts concerned (e.g. Cicero with Rhetoric). The system was formulated by the 5th-century scholar Martianus Ca-Pella in his elaborate allegorical treatise The Marriage of Philologia and Mercury, which was much studied in the Middle Ages (more than 200 manuscripts of it survive). For the Baroque age the types of the liberal arts were codified by Cesare Ripa in his handbook of iconography.

در زمینه هنر رنسانس، هنرهای لیبرال اصطلاحی است که برای حرفه‌هایی که در درجه اول به عنوان تمرینی برای ذهن به جای صنعتگری و مهارت‌های عملی در نظر گرفته شده، به کار می‌رود. مفهوم تمایز بین هنرهای «لیبرال» (ارزش انسان آزاد: لاتین کلمه homo liber) و «عامیانه» به دوران کلاسیک باستان برمی‌گردد، که در یک قالب و یا قالب‌های دیگر تا رنسانس باقی مانده، اساس یادگیری سکولار را در قرون وسطی شکل می‌دهد. نام علوم چهارگانه به موضوعات مرتبط با واقعیت فیزیکی (حساب، نجوم، هندسه و موسیقی- که نظریه ریاضی موسیقی است) و علوم سه‌گانه به هنرهای قواعد، بلاغت و منطق اطلاق می‌شود. در مجموع آن‌ها به عنوان هفت هنر لیبرال شناخته شدند که تابعی از فلسفه، هنر متعال، بودند. در اینها و در تمام طبقه‌بندی‌هایی که قبل از مفهوم هنرهای زیبا، آمده، واژه «هنر» دارای مفهوم بسیار متفاوتی از آن‌چه که در زبان امروزه به کار می‌رود است که در اصطلاح علمی به معنایی نظیر «رشته هنرها» نزدیک‌تر است.

در اوایل رنسانس موقعیت پست هنرهای تجسمی به طور فزاینده‌ای مورد بحث قرار گرفت، که مبنایی نظری برای مبارزه اجتماعی فراهم نمود و منجر به ارتقاء آن‌ها از وضعیت مهارت دستی به شأن و منزلت تمرین آزادی روح شد. قوی‌ترین قهرمان هنرهای تجسمی لئوناردو بود که بیش از هر فرد دیگری مسئول ایجاد ایده نقاش به عنوان یک متفکر خلاق بود. رویکرد انقلابی وی در حکایتی توسط Vasari به وضوح به تصویر کشیده شده است. هنگامی که لئوناردو تابلو شام آخرش را قبل از صومعه به تصویر می‌کشید گیج شده بود، به طوری که او گاهی نیمی از روز را با تأمل درباره آن‌چه تاکنون انجام داده بود: اگر دست خودش بود، سپری می‌نمود. لئوناردو به مانند کارگرانی که در باغ بیل می‌زدند، تلاش می‌کرد و هیچگاه قلمویش را برای لحظه‌ای زمین نمی‌گذاشت. قبل از گله و شکایت به دوک میلان، لئوناردو توضیح داد که انسان نابغه گاهی بیشترین کار را هنگامی انجام می‌دهد که حداقل تلاش را می‌کند، چرا که آن‌ها بر روی اختراعات و شکل‌گیری عقاید کامل در مغزشان تفکر نموده تا متعاقباً آن‌ها را بیان و توسط دست‌ها ارائه نمایند. حدود ۱۵۰۰ نقاشی و مجسمه عموماً به عنوان هنرهای لیبرال توسط ایتالیایی‌ها مورد پذیرش قرار گرفت. با این حال، چنان که که آنتونی بلانتز اشاره می‌کند، به محض اینکه هنرهای تجسمی به عنوان هنر لیبرال پذیرفته شدند، قهرمانان در بین خود در مورد این که کدامین اصیل‌ترین و لیبرال‌ترین هستند شروع به نزاع نمودند. پذیرش به خارج از ایتالیا و سایر قسمت‌های اروپا نیز تسری نمود. هیلارد یکی از اولین هنرمندان انگلیسی بود که ادعای اصالت حرفه‌اش را نمود. او در رساله‌اش The Art of Limning نشان می‌دهد که نقاشی مینیاتور برای نجیب‌زادگان مناسب است. از آن جا که این هنر نظیر یک هنر شخصی می‌ماند، مینیاتوریست می‌تواند در خفا کار کند و تصاویرش برای بیان لذت شخصی در نظر گرفته می‌شود. هفت هنر لیبرال اصلی (گاهی اوقات با عنوان هفت اصل فضیلت، ایمان، امید، صدقه و غیره از آن‌ها یاد می‌شد) اغلب در نقاشی‌ها و مجسمه‌ها به عنوان یک زن با صفات مختلف ارائه می‌گشت و به دنبالش معروف‌ترین اساتید مرتبط با آن صفت به چشم می‌خوردند (مثلاً سیسرو در کنار رتوریک)، این سیستم توسط دانشمند مارتیانوس کاپلا در رساله کنایه‌ای وی تحت عنوان The

Marriage of Philologia and Mercury قانونمند شد که بیشتر در قرون وسطی مطالعه گردید (بیش از ۲۰۰ نسخه از آن به جای مانده). در عصر باروک انواع هنرهای لیبرال توسط سزار ریپا در کتابچه راهنمایی تحت عنوان نمایه‌شناسی مدون شد.

51- The first paragraph is mainly aimed at describing ……. .

1) exercise of the mind
2) the context of Renaissance
3) liberal arts as a terminology
4) the contrast between vulgar and liberal arts

۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

- پاراگراف اول عمدتاً سعی دارد شرح دهد ..... .

۱) تمرین ذهن؛ ۲) زمینه رنسانس؛ ۳) هنرهای لیبرال به عنوان یک اصطلاح علمی؛ ۴) تقابل بین هنرهای عامیانه و لیبرال

52- According to the passage, Leonardo …… .

1) never put down his brush
2) considered painting to be too manual
3) contributed to the status of a liberal art
4) worked the least compared with other painters

۵۲- گزینه ۳ صحیح است.

- طبق متن، لئوناردو ..... . (پاراگراف ۲)

۱) هیچگاه قلم مویش را زمین نگذاشت.

۲) نقاشی را مهارت دستی در نظر گرفت.

۳) به وضعیت هنر لیبرال کمک کرد.

۴) کارهایش کمترین شباهت را با دیگر نقاشان دارد.

53- The author mentions Hilliard to …… .

1) show the nobility of limning
2) document the acceptance of visual arts outside Italy
3) introduce the second most famous painter in Europe
4) compare an Italian painter with an English painter

۵۳- گزینه ۲ صحیح است.

- نویسنده ذکر می‌کند که هیلارد ..... . (پاراگراف ۲).

۱) اصالت تصویرگری را نشان می‌دهد.

۲) پذیرش هنرهای تجسمی خارج از ایتالیا را مستند می‌کند.

۳) دومین نقاش معروف اروپا را معرفی می‌کند.

۴) نقاش ایتالیایی را با نقاش انگلیسی مقایسه می‌کند.

به دلیل این خطوط:

The acceptance came later in other parts of Europe than in Italy. Hilliard was one of the first English artists to make a claim for the nobility of his profession.

54- It can be understood from the passage that Rhetoric was …… .

1) among attributes
2) a book written by Cicero
3) as famous as Cicero
4) followed by famous masters

۵۴- گزینه ۴ صحیح است.

- از متن می‌توان فهمید که رتوریک ..... بود. (پاراگراف ۳)

۱) در بین ویژگی‌ها؛ ۲) کتابی نوشته‌شده توسط سیسرو؛ ۳) به مشهوری سیسرو؛ ۴) اساتید مشهوری دنباله‌روی آن هستند.

55- The word ‘it’ (line 10) refers to …… .

1) art 2) concept 3) signification 4) classification

۵۵- گزینه ۱ صحیح است.

- کلمه "it" (خط ۱۰) اشاره دارد به ..... .

۱) هنر؛ ۲) مفهوم؛ ۳) معنا؛ ۴) طبقه‌بندی

56- The visual arts …… .

1) remained a manual skill
2) were unknown in Europe in 1600
3) finally acquired the status of a liberal art
4) were given a low status throughout Renaissance

۵۶- گزینه ۳ صحیح است.

- هنرهای تجسمی ..... . (پاراگراف ۲)

۱) یک مهارت دستی باقی ماند.

۲) در ۱۶۰۰ در اروپا مشهور نبود.

۳) سرانجام موقعیت هنر لیبرال را به دست آورد.

۴) در طول رنسانس موقعیت پستی به آن تعلق گرفت.

57- As a branch of philosophy, …… .

1) logic was named a collective art
2) only music had a theoretical foundation
3) music represented the most real type of art
4) trivium along with quadrivium made up seven arts

۵۷- گزینه ۴ صحیح است.

- به عنوان شاخه ای از فلسفه ..... . (پاراگراف ۱)

۱) منطق یک هنر جامع نامگذاری شد.

۲) فقط موسیقی پایه نظری داشت.

۳) موسیقی واقعی ترین نوع هنر را ارائه کرد.

۴) علوم سه‌گانه به همراه علوم چهارگانه هفت هنر را تشکیل دادند.

Passage 2:

Fundamental interactions are the four different types of interaction that can occur between bodies. These interactions can take place even when the bodies are not in physical contact and together they account for all the observed forces that occur in the universe. While the unification of these four types of interaction into one model, theory, or set of equations has long been the aim of physicists, this has not yet been achieved, although progress has been made in the unification of the electromagnetic and weak intractions.

The gravitational interaction, some 10^4 times weaker than the electromagnetic interaction, is the weakest of all. The force that it generates acts between all bodies that have mass and the force is always attractive. The interaction can be visualized in terms of a classical field of force in which the strength of the force falls off with the square of the distance between the interaction bodies. The hypothetical gravitational quantum, the graviton, is also a useful concept in some contexts. On the atomic scale the gravitational force is negligibly weak, but on the cosmological scale, where masses are enormous, it is immensely important in holding the components of the universe together. Because gravitational interactions are long-ranged, there is a well-defined macroscopic theory in general relativity. At present, there is no satisfactory quantum theory of gravitational interaction. Superstring theory may give a consistent quantum theory of gravity as well as unifying gravity with the other fundamental interactions.

The weak interaction, some 10^1 times weaker than the electromagnetic interaction, occurs between leptons and in the decay of hadrons. It is responsible for the beta decay of particles and nuclei. In the current model, the weak interaction is visualized as a force mediated by the exchange of virtual particles, called intermediate vector bosons. The weak interactions are described by electroweak theory, which unifies them with the electromagnetic interactions.

The electromagnetic interaction is responsible for the forces that control atomic structure, chemical reactions, and all electromagnetic phenomena. It accounts for the forces between charged particles, but unlike the gravitational interaction, can be either attractive or repulsive. Some neutral particles decay by electromagnetic interaction. The interaction is either visualized as a classical field of force or as an exchange of virtual photons. As with gravitational interactions, the fact that electromagnetic interactions are longranged means that they have a well-defined classical theory given by Maxwell's equations. The quantum theory of

electromagnetic interactions is described by quantum electrodynamics, which is a simple form of gauge theory.

The strong interaction, some 10^2 times stronger than the electromagnetic interaction, function only between hadrons and is responsible for the force between nucleons that gives the atomic nucleus its great stability. It operates at very short range inside the nucleus (as little as 10^{-1} metre) and is visualized as an exchange of virtual mesons. The strong interactions are described by quantum chromodynamics.

نیروهای پایستار چهار نوع مختلف از نیرو است که می‌تواند در میان اجسام رخ دهد. این نیروها می‌تواند حتی زمانی که اجسام در تماس فیزیکی نیستند نیز رخ دهد و اینها همه با هم دلیلی برای تمام نیروهای مشاهده شده‌ای است که در جهان اتفاق می‌افتد. با وجودی که اتحاد این چهار نوع نیرو در یک مدل، تئوری، یا مجموعه‌ای از معادلات، مدت‌ها هدف فیزیکدان‌ها بوده، هنوز میسر نگردیده است، اگرچه در اتحاد الکترومغناطیس و نیروهای ضعیف پیشرفت‌هایی حاصل گردیده است.

نیروی گرانشی که حدود 10^4 برابر ضعیف‌تر از نیروی الکترومغناطیسی است، ضعیف‌ترین آن‌ها می‌باشد. نیرویی که تولید می‌کند بین تمام اجسامی که دارای جرم و نیرو هستند اعمال می‌شود و همیشه جذب‌کننده است. این نیرو می‌تواند در زمینه کلاسیک نیرو به تصویر درآید، آن‌جا که شدت نیرو با مربع فاصله بین اجسام متعامل افت می‌کند. گرانش کوانتومی فرضی، مفهوم مفیدی در برخی زمینه‌هاست. در مقیاس اتمیک نیروی گرانشی به طور ناچیزی ضعیف است، اما در مقیاس کیهانی، آن‌جا که توده‌ها عظیم هستند نگهداری اجزای جهان در کنار یکدیگر بسیار مهم است. از آن‌جا که نیروهای گرانشی طیف وسیعی دارد، یک نظریه ماکروسکوپی در نسبیت عام به خوبی تعریف شده است. در حال حاضر، تئوری کوانتوم رضایت‌بخشی از نیروی گرانشی موجود نیست. نظریه ابر ریسمان ممکن است یک نظریه کوانتومی گرانش سازگار را به خوبی اتحاد گرانشی با فعل و انفعالات اساسی دیگر ارائه دهد.

نیروی ضعیف، حدود 10^1 بار ضعیف‌تر از نیروی الکترومغناطیسی است که بین لپتون‌ها و در فروپاشی هاردون‌ها رخ می‌دهد. این نیرو مسئول فروپاشی بتا از ذرات و هسته است. در مدل جاری، نیروهای ضعیف به عنوان نیروی واسطه به منظور تبادل ذرات مجازی که بردار واسط بوزون نامیده می‌شود، تجسم می‌یابد. نیروهای ضعیف توسط نظریه الکتروضعیف که آن‌ها را با فعل و انفعالات الکترومغناطیسی متحد می‌کند، تعریف می‌شود.

نیروهای الکترومغناطیس عهده‌دار نیروهایی است که ساختار اتمیک، فعل و انفعالات شیمیایی و همه پدیده‌های مغناطیسی را کنترل می‌نماید. آن نیروهای بین ذرات باردار را به خود اختصاص داده اما برخلاف نیروهای گرانشی می‌تواند جاذبه و یا دافعه باشد. برخی از فروپاشی‌های ذرات خنثی از طریق فعل و انفعالات مغناطیسی است. فعل و انفعالات یا به عنوان یک زمینه کلاسیک نیرو و یا به عنوان تبادل فوتون‌های مجازی قابل مشاهده است. با نیروهای گرانشی، این امر که فعل و انفعالات الکترومغناطیسی طول دوره‌ای طولانی دارند بدان معناست که یک نظریه کلاسیک به خوبی تعریف شده توسط معادلات ماکسول ارائه شده است. تئوری کوانتوم تعاملات الکترومغناطیسی توسط الکترودینامیک‌های کوانتوم که شکل ساده‌ای از نظریه پیمانه‌ای است، تعریف شده است.

نیروهای قوی حدود 10^2 برابر قوی‌تر از نیروهای الکترومغناطیسی است، فقط بین هاردون‌ها عمل نموده و عهده‌دار نیروی بین پروتون یا نوترون‌هایی است که به هسته اتم ثبات می‌دهند. آن‌ها در طیف کوتاهی درون هسته عمل می‌کند (کمتر از 10^{-1} متر) و به عنوان تبادل مزون‌های مجازی قابل مشاهده است. نیروهای قوی توسط کوانتوم کرومودینامیک تعریف می‌شوند.

58- The weak interaction …… .
1) is weaker than the other types
2) has no theoretical foundation
3) happens between a lepton and a hadron
4) is facilitated by intermediate vector bosons

۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

- نیروی ضعیف ..... . (پاراگراف ۳)

۱) از انواع دیگر ضعیف‌تر است.

۲) پایه تئوری ندارد.

۳) بین یک لپتون و یک هاردون رخ می‌دهد.

۴) توسط بردار واسط بوزون‌ها تسهیل می‌شود.

59- According to the passage, it is <u>NOT</u> true that …… .
1) the gravitational interaction is long-ranged
2) the gravitational interaction is only attractive
3) two types of interaction have been unified
4) atomic nucleus is visualized as an exchange of virtual mesons

۵۹- گزینه ۳ صحیح است.

- بر اساس متن صحیح نیست که .....

۱) نیروی گرانشی طیف طولانی دارد.

۲) نیروی گرانشی فقط جاذبه است.

۳) دو نوع نیرو متحد شده‌اند.

۴) هسته اتمی به عنوان تبادل مزون‌های مجازی مشاهده می‌شود.

60- The word "negligibly" in the second paragraph is closest in meaning to …… .
1) certainly 2) generally 3) insignificantly 4) understandably

۶۰- گزینه ۳ صحیح است.

کلمه "negligibly" در پاراگراف دوم نزدیک‌ترین معنی را با ..... دارد.

۱) یقیناً؛ ۲) عموماً؛ ۳) به طور ناچیزی، به طور کم اهمیتی؛ ۴) به نحو قابل فهمی

61- The passage implies that physics has shed light on all of the following Except …… .
1) the interaction in no-contact contexts
2) the integrity of the four interactions
3) the strength of each interaction
4) the existence of separate interaction types

۶۱- گزینه ۲ صحیح است.

- متن نشان می‌دهد که فیزیک به تمام موارد زیر توجه داشته است، به جز ..... . (پاراگراف اول)

۱) نیرو در زمینه‌های بی ارتباط؛ ۲) یکپارچگی چهار نیرو؛ ۳) شدت هر نیرو؛ ۴) وجود انواع نیروهای مجزا

62- The main purpose of the passage is to …… .

1) describe the theory explaining
2) show the achievements of physics
3) explain physical contacts between bodies
4) describe four types of between-bodics interaction

۶۲- گزینه ۴ صحیح است.

- هدف اصلی متن ..... . (خط اول)

۱) تشریح معنای تئوری

۲) نشان دادن دستاوردهای فیزیک

۳) توضیح تماس‌های فیزیکی بین اجسام

۴) تشریح چهار نوع از نیروهای بین اجسام

Passage3:

Ageism, discrimination against a person on the grounds of age, has arisen in Western societies as life expectancy has increased and the actual retirement age has lowered, leaving an increasing number of people who are over the retirement age and may be perceived by some as a burden on society. Rapidly changing technologies, major social changes, and new trends in fashion, music, and many other areas of life in the l960s made it fashionable to be young. This in itself was an unprecedented social change. Public awareness of ageism has emerged since the 1970s as part of the liberal movement that drew attention to other, major forms of prejudice and discrimination, such as racism and sexism. Ageism has developed more slowly in the Far East, however, as in these societies elders tend to be respected for their skills and knowledge. However, this respect is waning in Eastern countries such as Japan, where industrialization has become the driving force in society, and therefore new technologies are valued more highly than inherited wisdom.

Ageism in Western societies has intensified with the emergence of youth culture and a more comprehensive economic system; youth tends to be associated with health, vigor, flexibility, a nimble mind, and beauty. Old people are, on the other hand, associated in many people’s minds with death and illness, and the ageing process is often depicted as a stage in life to be feared rather than accepted. Prevalent images in the mass media, particularly magazines and advertising, have emphasized these qualities in women more than in men; television and the cinema rarely present old people as attractive or as living full lives, while presenting stereotypes of <u>them</u>. Ageism, like other forms of prejudice, is also reflected in, and affected by, usages and colloquialisms in language. Such usages imply that older people are redundant and

out of touch with modern thinking. This has, in recent decades, accompanied a tendency to abandon older people as natural authority figures.

Older people may suffer discrimination in health care. For example, the very old are likely to be given low priority for major operations or expensive state-funded treatment, because it is assumed that the potential length or quality of their lives after the treatment would not justify the cost.

There have been sporadic attempts to counter ageism, with varying degrees of success. In the United States and Canada, there is legislation that prohibits employers from refusing to take on older workers unless tests prove that they are incapable of doing the job. However, this legislation has had little effect. in practice. In France, it is illegal to state an upper age limit on job advertisements, but there is evidence that this law is largely ignored. The United Kingdom government has so far not legislated against ageism, but in November 1998 published a voluntary code of practice for employers giving advice on cradicating ageist employment practices. Other positive initiatives include retraining schemes for older people that have been set up by governments in the United States, Japan, and Canada, by the European Community Horizon Fund in Europe, and by cooperatives and charities in a number of countries. Also, changing attitudes by businesses mean they are increasingly accepting that the growing number of older, more affluent people constitute an important market.

تبعیض سنی، تبعیض علیه فرد بر اساس سن، در جوامع غربی به وجود آمده است و از آن‌جایی که امید به زندگی افزایش یافته و سن واقعی بازنشستگی کاهش یافته است باعث می‌شود که تعداد رو به افزایشی از افراد که بالای سن بازنشستگی هستند به عنوان باری برای جامعه محسوب شوند. فناوری‌هایی به سرعت در حال تغییر هستند، تغییرات عمده اجتماعی و گرایش‌های جدید در مد، موسیقی و بسیاری از حوزه‌های دیگر زندگی در دهه ۱۹۶۰، جوان بودن را مد نمود. این به خودی خود یک تغییر اجتماعی بی‌سابقه بود. آگاهی عمومی از تبعیض سنی از دهه ۱۹۷۰ به عنوان بخشی از جنبش لیبرال که توجه را به دیگران سوق می‌داد، و اَشکال عمده‌ای از تعصب و تبعیض، مانند نژادپرستی و تبعیض جنسی پدید آمده است. تبعیض سنی در شرق دور به آرامی توسعه یافت، به طوری که در این جوامع سالمندان به جهت دانش و مهارت‌های خود محترم شمرده می‌شوند. با این حال این احترام در کشورهای شرقی مانند ژاپن، که در آن صنعتی شدن نیروی محرک جامعه است و در نتیجه فناوری‌های جدید بیش از خرد ذاتی ارزش‌گذاری می‌شوند، کمرنگ می‌شود.

تبعیض سنی در جوامع غربی با ظهور فرهنگ جوان و سیستم اقتصادی جامع‌تری شدت گرفته است، جوانی به ارتباط با سلامتی، قدرت، انعطاف‌پذیری، ذهن زیرک و زیبایی تمایل دارد. از سوی دیگر افراد سالمند در ذهن بسیاری از مردم با مرگ و بیماری مرتبط می‌شوند، و فرایند پیری اغلب به عنوان یک مرحله از زندگی به تصویر کشیده می‌شود که اغلب ترس‌آور است تا قابل پذیرش. تصاویر رایج در رسانه‌های جمعی، به خصوص مجلات و تبلیغات، این ویژگی‌ها را در زنان بیش از مردان مورد تأکید قرار داده‌اند. تلویزیون و سینما هنگام نمایش کلیشه‌ای افراد سالمند به ندرت آن‌ها را جذاب یا دارای زندگی کامل نشان می‌دهند. تبعیض سنی مانند تعصبات دیگر در کاربرها و کلمات محاوره‌ای در زبان منعکس شده و تأثیر می‌گذارد. چنین کاربرهایی نشان می‌دهد که افراد سالمند زائد هستند و با تفکرات مدرن ارتباط ندارند. این امر در دهه‌های اخیر، به تمایل به ترک افراد مسن‌تر به عنوان چهره‌های طبیعی اقتدار انجامیده است.

افراد سالمند ممکن است از تبعیض در مراقبت‌های بهداشتی رنج ببرند. به عنوان مثال به افراد خیلی پیر احتمالاً اولویت پایین برای انجام جراحی‌های بزرگ و درمان‌های گران دولتی داده می‌شود، زیرا فرض بر این است طول یا کیفیت زندگی آن‌ها پس از درمان، هزینه را توجیه نمی‌کند.

تلاش‌های پراکنده‌ای برای مقابله با تبعیض سنی با درجات مختلفی از موفقیت وجود دارد. در ایالات متحده آمریکا و کانادا، قوانینی وجود دارد که کارفرمایان را از رد کردن کارکنان مسن منع می‌کند مگر اینکه آزمون‌ها ثابت کنند که آن‌ها ناتوان از انجام شغل هستند. گرچه این قانون عملاً تأثیر اندکی داشته است. در فرانسه اعلام حد بالای سنی برای آگهی‌های کاریابی ممنوع است اما شواهد نشان می‌دهد که این قوانین به طور وسیعی نادیده گرفته می‌شوند. دولت انگلستان تاکنون قانونی در مقابل تبعیض سنی تدوین نکرده است اما در نوامبر ۱۹۹۸ قانون داوطلبانه‌ای برای کارفرمایان منتشر نمود که برای از بین بردن شیوه‌های استخدام با تبعیض سنی مشاوره داده شوند. سایر اقدامات مثبت عبارتند از طرح بازآموزی برای افراد مسن که توسط دولت‌ها در آمریکا، ژاپن و کانادا، و European Community Horizon Fund در اروپا، و توسط تعاونی‌ها و مؤسسات خیریه در تعدادی از کشورها به کار گماشته شده‌اند. همچنین تغییر نگرش کسب و کار به این معناست که آن‌ها به طور فزاینده‌ای می‌پذیرند که تعداد رو به رشدی از مسن‌ترها، افراد مرفهی هستند که بخش مهمی از بازار را شامل می‌شوند.

63- Language increases ageism because it …… .

1) encourages young people to disregard old people
2) reinforces the idea that women have a young identity
3) suggests that elders cannot adopt the modern life-style
4) directs young people toward the acceptance of new trends

۶۳- گزینه ۳ صحیح است.

- زبان تبعیض سنی را افزایش می‌دهد چرا که آن ..... . (پاراگراف ۲)

۱) جوانان را تشویق به بی‌احترامی به سالمندان می‌کند.

۲) این نظر را که زنان هویت جوانی دارند را تقویت می‌کند.

۳) بیان می‌کند که افراد مسن نمی‌توانند با سبک زندگی جدید سازگار باشند.

۴) جوانان را به سمت روند جدید هدایت می‌کند.

64- The word “them” (as underlined in paragraph 2) refers to …… .

1) men and women 2) old people 3) full lives 4) qualities

۶۴- گزینه ۲ صحیح است.

- کلمه “them” (پاراگراف ۲) اشاره دارد به ..... .

۱) مردان و زنان؛ ۲) افراد سالمند؛ ۳) زندگی‌های کامل؛ ۴) ویژگی‌ها

65- Discrimination against elders in health care causes them to …… .

1) be more likely to get only no-price treatment
2) be always able to complain against this injustice
3) be less likely to receive the expensive treatments they need
4) get no medical treatment at all

۶۵- گزینه ۳ صحیح است.

- تبعیض علیه مسن‌ترها در مورد مراقبت‌های بهداشتی سبب می‌شود که ..... . (پاراگراف ۳)

۱) به احتمال بیشتری درمان رایگان دریافت کنند.

۲) همیشه بتوانند در مقابل این بی عدالتی شکایت کنند.

۳) به احتمال کمتری درمان‌های گران‌قیمتی را که نیاز دارند دریافت کنند.

۴) هیچ درمان دارویی دریافت نکنند.

66- Ageism happens due to the fact that …… .

1) money is not spent on old people
2) society considers old people as a burden
3) elders are not professionally as effective as young people
4) old people are not allowed to retire, based on retirement policies

۶۶- گزینه ۲ صحیح است.

- تبعیض سنی بر اساس این واقعیت رخ می‌دهد که ..... . (پاراگراف اول)

۱) پول برای سالمندان هزینه نمی‌شود.

۲) جامعه افراد سالمند را به عنوان باری در نظر می‌گیرد.

۳) مسن‌ترها به لحاظ حرفه‌ای به اندازه جوانان کارامد نیستند.

۴) براساس سیاست‌های بازنشستگی افراد سالمند اجازه بازنشسته شدن را ندارند.

67- According to the passage, the liberal movement predominant in the 1970s …… .

1) worsened discrimination against elders
2) brought about a new trend in music and fashion
3) resulted in new fashions and legislations
4) focused on ageism and other discriminations

۶۷- گزینه ۴ صحیح است.

- طبق متن، جنبش لیبرال غالب در دهه ۱۹۷۰ ..... . (پاراگراف اول)

۱) تبعیض علیه مسن‌ترها را وخیم‌تر شدیدتر می‌کند.

۲) روند جدیدی را در موسیقی و مد حاصل کرد.

۳) به مدها و قوانین جدیدی انجامید.

۴) بر تبعیض سنی و سایر تبعیض‌ها تمرکز داشت.

68- The word ‘they’ (as underlined in paragraph 4) refers to …… .

1) attempts 2) tests 3) employers 4) old workers

۶۸- گزینه ۴ صحیح است.

- کلمه “they” (پاراگراف ۴) اشاره دارد به ..... .

۱) تلاش‌ها؛ ۲) آزمون‌ها؛ ۳) کارفرمایان؛ ۴) کارکنان سالمند

69- Ageism has less impact on Far East because …… .

1) they pay more respect to old people
2) their culture does not include any discrimination
3) the have been strongly affected by recent trends
4) Far East policies do not allow any kind of discrimination

۶۹- گزینه ۱ صحیح است.

- تبعیض سنی بر شرق دور تأثیر کمتری دارد چرا که ..... . (پاراگراف اول)

۱) آن‌ها احترام بیشتری به افراد مسن می‌گذارند.

۲) فرهنگ آن‌ها تبعیضی را نمی‌پذیرد.

۳) آن‌ها شدیداً تحت تأثیر فرهنگ‌های اخیر بوده‌اند.

۴) سیاست‌های شرق دور اجازه هیچ تبعیضی را نمی‌دهد.

70- The word “counter” in paragraph 4 is closest in meaning to …… .

1) resist 2) show 3) remove 4) decrease

۷۰- گزینه ۱ صحیح است.

- کلمه “counter” در پاراگراف ۴ نزدیک‌ترین معنا را دارد با ..... .

۱) مقابله کردن؛ ۲) نشان دادن؛ ۳) از بین بردن؛ ۴) کاهش دادن

بخش ششم:

سؤالات و پاسخ تشریحی

آزمون دکتری ۱۳۹۳

۱– سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

121- A gifted child might excel in questions that probe verbal intelligence, say, ……..... miserably on spatial reasoning skills in the labyrinth part of the test.

1) then performed 2) perform however 3) but perform 4) although performed

۱۲۱- گزینه ۳ صحیح است.

جمله در مورد یک واقعیت بوده و زمان فعل آن حال ساده است، بنابراین فعلی که در ادامه می‌آید نیز نمی‌تواند گذشته باشد و گزینه ۱ و ۴ حذف می‌شود.

زمان فعل در گزینه ۲ و ۳ حال ساده است، اما در گزینه ۲، however که قیدی است که باید بعد از ویرگول یا نقطه بیاید، بعد از فعل آمده و نادرست است.

گزینه ۳ به معنای «اما انجام می‌دهد» درست است، چون مطابق با زمان جمله است. but نیز در این گزینه در جای درستی قرار گرفته است.

122- Neuroscientists have long held that glial cells in the brain, ... astrocytes are one type, support neurons by protecting them from invaders.

1) for them 2) in that 3) in which 4) of which

۱۲۲- گزینه ۴ صحیح است.

این جمله که بین دو ویرگول قرار گرفته است یک جمله توصیفی است و کلمه ربط آن دارای یک حرف اضافه است. حرف اضافه مربوط به one است (که استروسیت‌ها یک نوع از آن‌ها (یک نوع از سلول‌ها) است).

123- Along with several colleagues, I have recently conducted research that offers insight into why many people end up unhappy …… their options expand.

1) rather than pleased when 2) rather than when to please
3) to pleased rather than when 4) when please rather than

۱۲۳- گزینه ۱ صحیح است.

چون قبل و بعد از than و rather than از ساختار یکسان استفاده شود. در اینجا unhappy در صورت سؤال و pleased در گزینه ۱ هر دو صفت هستند، بنابراین قبل از rather than یکی از صفات و بعد از آن، صفت دیگر به کار برده می‌شود.

124- ……. widely recognize that plants reproduce sexually.

1) Not until the 17th century European naturalists did
2) Not until the 17th century did European naturalists
3) European naturalists did not until the 17th century
4) Until the 17th century European naturalists not

۱۲۴- گزینه ۲ صحیح است.

پس از قیدهای منفی مانند not only باید ترتیب فاعل و فعل معکوس شـــود. فعل و فاعل پس از برخی عبارات منفی نظیر no, not, never جابجا می‌شوند. به عنوان مثال:

Not once did I miss a question.
Never has Mr. Jones taken a vacation.
At *no* time can the woman talk on the telephone.

125- Only an elite few cells in a tumor seem to acquire this ability to detach from the initial mass, float through the circulatory system and start a new colony in a different organ from the one …… .

1) their being given birth to
2) to give birth to
3) giving birth to
4) that gave birth to them

۱۲۵- گزینه ۴ صحیح است.

چون یک عبارت توصیفی است که برای توصیف ضمیر one آورده شده است. در این عبارت توصیفی، خودِ ضمیر موصولی که علاوه بر نقش ارتباط دهندگی‌اش نقش فاعل را نیز دارد (that)، فعل (gave) و بعد مفعول برای فعل (them) به درســـتی آورده شده است.

126- A discussion of …… the sound barrier must begin with the physical description of sound as a wave with a finite propagation speed.

1) when does an object break what happens to
2) what happens when an object breaks
3) when does an object happen to break
4) what it happens to an object when it breaks

۱۲۶- گزینه ۲ صحیح است.

در جای خالی جمله باید از یک جمله اسمی استفاده کرد. در جملات اسمی، عبارت اسمی (کلماتی نظیر who – whom – what – where – when – whose – why و ...) به جای یک اســم در جمله به کار می‌رود که در این ســؤال به جای فاعل به کار رفته است.

جمله اسمی ترتیب سؤالی ندارد، بنابراین گزینه‌های ۱ و ۳ حذف می‌شود.

گزینه ۴ هم دو فاعل دارد که اشتباه است.

127- …….. a laser to about 700 degrees Celsius, the alloy switches from the original crystalline phase to the amorphous state, which then appears as a dark spot when the disc is played back.

1) When heated with 2) To heat by 3) Heating with 4) Heat it by

۱۲۷- گزینه ۱ صحیح است.

این جمله با یک جمله قیدی شـــروع می‌شـــود که باید در ابتدای آن از کلمه ربطی اســـتفاده کرد. جملات قیدی می‌توانند به صورت خلا صه ظاهر شوند، بدین صورت که قید ربط باقی مانده و فعل be و فاعل حذف می شود. در حقیقت صورت کامل گزینه صحیح به شکل زیر بوده است:

When it is heated with …

128- Although eight hours a night is a figure …….. it has almost become an article of faith, the reality is that sleep need is highly individual.

1) is repeated so often 2) so repeated often
3) repeated so often that 4) repeals so often as

۱۲۸- گزینه ۳ صحیح است.

این گزینه یک جمله تو صیفی کوتاه شده ا ست. این جمله در ابتدا ..... a figure which is repeated ..... بوده که ضمیر موصولی و فعل be که بلافاصله پس از آن آمده حذف شده است.

مورد دیگر ساختار (that) + صفت + so است که در اینجا so به معنای «آنچنان که» می‌باشد.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

129- Branson later admitted that what he had said was false and that he had …….. the whole story.

1) fabricated 2) implemented 3) simulated 4) wondered

۱۲۹- گزینه ۱ صحیح است.

«برانسون بعدها پذیرفت آن‌چه که مرد گفته بود، کذب بوده و او کل داستان را سرهم کرده بود.»

۱) سر هم کرد، ساخت؛ ۲) به کار گرفت؛ ۳) شبیه‌سازی کرد؛ ۴) شگفت زده شد

130- Since he failed his first exam, he has …….. himself in his studies so that such a thing would not happen again.

1) scattered 2) immersed 3) endeavored 4) disseminated

۱۳۰- گزینه ۲ صحیح است.

«از آن‌جایی که اولین امتحانش را پاس نکرد، خودش را در مطالعاتش غرق کرد تا دوباره چنین چیزی تکرار نشود.»

۱) پخش نمود؛ ۲) غرق نمود؛ ۳) تلاش کرد؛ ۴) منتشر ساخت

131- you may make the decisions you think appropriate, but we hold you …….. all the consequences.

1) rife with 2) indifferent to 3) affable to 4) accountable for

۱۳۱- گزینه ۴ صحیح است.

«ممکن ا ست ت صمیماتی بگیرید که فکر می‌کنید بجا و منا سب ه ستند، ولی باور داریم که شما باید پا سخگوی همه نتایج و پیامدها باشید.»

۱) مملو بودن؛ ۲) بی‌تفاوت بودن؛ ۳) خوش‌برخورد بودن؛ ۴) پاسخگو و مسئول بودن

132- Nobody who regularly uses the motorway can say they haven't been warned about the dangers of driver …… .

1) thrill 2) fatigue 3) evasion 4) acceleration

۱۳۲- گزینه ۲ صحیح است.

«هیچ کدام از افرادی که به‌طور مرتب از بزرگراه استفاه می‌کنند نمی‌توانند بگویند که در مورد خطرات خستگی راننده به آن‌ها هشدار داده نشده است.»

۱) هیجان، شادی، ترس؛ ۲) خستگی؛ ۳) فرار، گریز؛ ۴) سرعت، شتاب

133- The prime minister cannot go ahead with the plan unless he first manages to obtain the …… of the parliament.

1) feasibility 2) extravagance 3) endorsement 4) eminence

۱۳۳- گزینه ۳ صحیح است.

«نخست وزیر نمی‌تواند به برنامه خود ادامه دهد، مگر این‌که حمایت پارلمان را به دست آورد.»

۱) عملی بودن؛ ۲) زیاده‌روی، ولخرجی؛ ۳) تأیید، حمایت؛ ۴) بزرگی، شهرت

134- Knowledge of medical cures advanced slowly, but deadly plagues no longer …….. huge segments of the population.

1) thwarted 2) galvanized 3) exemplified 4) decimated

۱۳۴- گزینه ۴ صحیح است.

«دانش مربوط به درمان پزشکی به کندی در حال پیشرفت است، اما بیماری‌های کشنده و مرگبار دیگر بخش زیادی از جامعه را از بین بردند.»

۱) خنثی کردن؛ ۲) گالوانیزه کردن؛ ۳) نمونه بودن برای؛ ۴) از بین بردن، نابود کردن

135- Because pasteurization kills bacteria, it is most ……. to offer only pasteurized juices.

1) potent 2) prudent 3) prevailing 4) pacific

۱۳۵- گزینه ۲ صحیح است.

«به خاطر این که پا ستوریزا سیون (پا ستوریزه کردن) موجب از بین بردن باکتری می شود، عاقلانه ا ست که تنها آب‌میوه‌های پاستوریزه عرضه شوند.»

۱) قوی؛ ۲) عاقلانه، معقول؛ ۳) غالب؛ ۴) آرام، صلح‌جو

136- The chemical industry makes a crucial contribution to our health and ……. and to protection of the environment.

1) legitimacy 2) magnitude 3) prosperity 4) recollection

۱۳۶- گزینه ۳ صحیح است.

«صنایع شیمیایی سهم زیادی در حفظ سلامتی و موفقیت ما داشته و به حفاظت از محیط‌زیست کمک زیادی می‌کند.»

۱) مشروعیت؛ ۲) بزرگی، اندازه؛ ۳) موفقیت، سعادت؛ ۴) به خاطر آوردن

137- The youngster …… without a trace one day and has never been found.

1) vanished 2) uttered 3) receded 4) overlooked

۱۳۷- گزینه ۱ صحیح است.

«یک روز، آن پسر بچه بدون گذاشتن هیچ رد پایی از خود ناپدید شد و هرگز پیدا نشد.»

۱) ناپدید شد؛ ۲) بیان کرد؛ ۳) پس رفت؛ ۴) نادیده گرفت

138- Reginald bought Sharona a new dress to ..... her for the one he'd spilled his ice cream on.

1) conceal 2) compensate 3) pursue 4) salvage

۱۳۸- گزینه ۲ صحیح است.

«رینالد برای جبران این که روی لباس شارونا بستنی ریخته بود، برای او یک پیراهن جدید خرید.»

۱) پنهان کردن؛ ۲) تلافی/ جبران کردن؛ ۳) دنبال/ تعقیب کردن؛ ۴) نجات دادن

139- Eating more animal foods is one way of boosting the caloric and …….. density of the diet, a shift that appears to have been conducive to human development.

1) nutrient 2) adroit 3) rigid 4) scarce

۱۳۹- گزینه ۱ صحیح است.

«خوردن غذاهای حیوانی بیشتر، راه افزایش کالری و حجم مواد مغذی در رژیم غذایی است، راه حلی که به نظر می‌رسد موجب رشد و نمو انسان شده است.»

۱) مواد مغذی؛ ۲) چیره‌دست؛ ۳) سخت، جدی؛ ۴) نایاب

140- Knowing the potential .....within a child prodigy's world, and how to counter them, can significantly improve each girl and boy's chances for success with their double-edged gifts.

1) knacks 2) merits 3) notions 4) pitfalls

۱۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«آگاهی از اســتعدادهای بالقوه در دنیای یک کودک نابغه، و چگونگی مقابله با آنها، می‌تواند تا حد قابل توجهی موجب افزایش شانس موفقیت هر دختر و پسر نابغه در مهار استعدادهای دو وجهی آن‌ها شوند.»

۱) استعدادها؛ ۲) شایستگی‌ها، لیاقت‌ها؛ ۳) مفاهیم؛ ۴) مشکلات

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

From bacteria to baleen whales, our planet is home to tens of millions of different life forms at least; biologists can only guess at the true number of species. The richness and variety of life is referred to as biological diversity, or just biodiversity. In recent years, the subject of biodiversity has been the focus of discussion not only in scientific circles but in the news media and the highest levels of government and international affairs. The reason for this attention, unfortunately, is that the earth's biodiversity is disappearing. Extinction is a natural event that has gone on since life first appeared on earth, but pollution, habitat destruction, overexploitation, and other human folly are now driving, species extinct at a rate unprecedented in the history of life. At the rate things are going, most kinds of living things will disappear forever from the face of the earth, many before we even know they are there.

when it comes to conservation, the emphasis of decision makers, conservation organizations, and the general public has traditionally been on organisms that we find beautiful or emotionally compelling. Bald eagles, whales, and redwood trees evoke strong positive reactions in most people; microscopic worms and bottom—dwelling fungi do not. Worms, fungi, and millions of other seemingly insignificant species are at least as vital to earth's survival—and therefore to our own—as are the larger organisms that we happen to find attractive. There is a growing recognition of the need to protect the earth's biodiverrsity, to reverse or at least slow the process of mass extinction. What is new about this recent attention is the focus on maintaining the total number of species, rather than on saving particular ones.

سیاره ما زمین، از باکتری گرفته تا نهنگ‌های بی‌دندان (نوعی وال)، محل سکونت حداقل ده‌ها میلیون از اشکال زندگی مختلف می‌باشد. زیست‌شناسان تنها می‌توانند تعداد حقیقی گونه‌ها را برآورد کنند. تنوع و گوناگونی حیات به تنوع بیولوژیکی یا تنوع زیستی اشاره دارد. در سال‌های اخیر، موضوع تنوع زیستی نه تنها کانون بحث محافل علمی بوده است، بلکه رسانه‌های خبری و مقامات عالی رتبه دولتی و امور بین‌الملل نیز به بحث در مورد آن پرداخته‌اند. متأسفانه دلیل این توجه، این است که تنوع زیستی زمین رو به زوال است. انقراض، رخدادی طبیعی بوده که از زمان پیدایش حیات بر روی زمین، جریان داشته است، اما آلودگی، تخریب زیستگاه، بهره‌برداری و سوء استفاده بیش از حد، و دیگر حماقت‌های انسان در حال حاضر موجب انقراض گونه‌ها با سرعت بی‌سابقه‌ای در تاریخ زندگی شده است. از بین رفتن موجودات زنده با چنان سرعتی اتفاق می‌افتد که بیشتر گونه‌ها برای همیشه از روی زمین محو می‌شوند، حتی قبل از اینکه بدانیم اصلاً وجود داشته‌اند.

هنگامی که بحث به حفاظت می‌رسد، تأکید تصمیم‌گیران، سازمان‌های حفاظتی و عموم مردم بر روی موجوداتی است که زیبا یا از لحاظ احساسی پرجاذبه هستند. عقاب‌های بی‌پر، نهنگ‌ها و درختان سرخ چوب موجب واکنش‌های مثبت و شدیدی در بیشتر افراد می‌شوند. حال آن که کرم‌های میکروسکوپی و قارچ‌های ساکن قعر دریا چنین نیستند. کرم‌ها، قارچ‌ها و میلیون‌ها گونه ظاهراً کم‌اهمیت دیگر همانند موجودات زنده بزرگ که برای ما جذاب به نظر می‌رسند، حداقل برای بقاء و ادامه حیات زمین و -خود ما- حیاتی و بسیار مهم هستند. درک و شناخت روزافزونی در خصوص حفاظت از تنوع زیستی زمین لازم و ضروری است تا فرایند انقراض انبوه را دگرگون کرده یا حداقل این پروسه را کند نماید. تمرکز بر حفظ تعداد کل گونه‌ها به جای حفظ گونه‌های خاص موضوع جدیدی است که اخیراً بر روی آن تأکید می‌شود.

141- According to the passage, the variety of life on Earth …… .

1) has attracted people's attention because it is in jeopardy
2) has long been the concern of different people
3) is discussed in scientific circles only
4) is a recent discovery

۱۴۱- گزینه ۱ صحیح است.

- بر طبق متن، تنوع زندگی بر روی زمین ..... .

۱) توجه افراد را جلب کرده است چون در معرض خطر است.

۲) مدت‌هاست که مورد علاقه افراد مختلف بوده است.

۳) تنها در محافل علمی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد.

۴) کشف جدیدی است.

با توجه به پاراگراف اول و سطر ۷-۳، گزینه ۱ صحیح است.

142- Which one of the following statements about extinction is <u>TRUE</u>, according to the passage?

1) It is unlikely to affect mankind if it continues at the present rate.
2) It began a long time after life flourished on the planet Earth.
3) It used to occur more slowly than it does now.
4) It is argued to be a recent phenomenon.

۱۴۲- گزینه ۳ صحیح است.

- بر طبق متن، کدام یک از عبارات زیر در مورد انقراض، درست است؟

۱) اگر با سرعت فعلی ادامه یابد، بعید است که بر روی انسان تأثیر بگذارد.

۲) مدت مدیدی بعد از پیدایش حیات بر روی زمین، آغاز شد.

۳) خیلی کندتر از حالا اتفاق می‌افتاد.

۴) استدلال بر این است که پدیده‌ای جدید باشد.

طبق سطر ۹-۷ گزینه ۳ صحیح است.

143- It can be inferred from the passage that there are most probably living things ……. .

1) not contributing to Earth’s biodiversity
2) not yet known to us
3) as conspicuous as trees whose problems of survival go unnoticed
4) not sensitive to such factors as pollution, habitat destruction, overexploitation

۱۴۳- گزینه ۲ صحیح است.

- از متن نتیجه‌گیری می‌شود که احتمالاً موجودات زنده‌ای وجود دارند ..... .

۱) که در تنوع زیستی زمین دخیل نیستند.

۲) هنوز برای ما ناشناخته‌اند.

۳) همانند درختان آشکارند و مشکلات بقاء آن‌ها توجه کسی را جلب نمی‌کند.

۴) که به فاکتورهایی همچون آلودگی، تخریب زیستگاه، سوءاستفاده بیش از حد حساس نیستند.

طبق جمله آخر پاراگراف اول گزینه ۲ صحیح است.

144- The author states that microscopic worms and bottom-dwelling fungi …….. .

1) are needed for the health and survival of the Earth
2) are viewed as attractive by most people hut ignored because of being invisible
3) are often ignored due to their insignificance
4) occupy more space than other organisms

۱۴۴- گزینه ۱ صحیح است.

- نویسنده اظهار می‌دارد که کرم‌های میکروسکوپی و قارچ‌های ساکن در قعر دریا ..... .

۱) برای سلامت و بقاء زمین لازم هستند.

۲) بیشتر افراد آن‌ها را جذاب می‌دانند، اما به خاطر نامرئی بودن نادیده گرفته می‌شوند.

۳) اغلب به سبب کم‌اهمیتی، نادیده گرفته می‌شوند.

۴) نسبت به ارگانیسم‌ها و موجودات زنده دیگر فضای بیشتری، اشغال می‌کنند.

طبق سطر ۶-۴ پاراگراف ۲، گزینه ۱ درست است.

145- The tone of the passage could best be described as ..... .

1) laudatory 2) flippant 3) apologetic 4) alarmed

۱۴۵- گزینه ۴ صحیح است.

- لحن نویسنده در این متن ..... به نظر می‌رسد.

۱) تعریف آمیز؛ ۲) گستاخ؛ ۳) پوزش‌آمیز؛ ۴) مضطرب و نگران

Passage 2:

One of the most basic assumptions about management is that systematic and careful analysis yields superior choices than those coming from intuitive processes. However, this assumption has recently come under fire (Mintzberg, 1994). Mintzberg (1994), in his book *The Rise and Fall of Strategic Planning*, concludes that the term ‘strategic planning” is an oxymoron. He argues that strategy cannot be planned because planning is about analysis and strategy is about synthesis. That is why, he asserts, such a planning approach has failed so often and so dramatically. In a similar vein, Peters and Waterman (1982) viewed “the rational model” as a major reason for the problems United States firms encountered in competing with foreign companies in the 1970s and 1980s.

This is not to say that rational analysis is a futile exercise. Rational analysis is a useful and indispensable tool in strategy-making which even Mintzberg (1994), a strong critic of strategic rationality, concedes. Our stand is that a theory of strategic decision making has to take into account both rational and intuitive processes (Pondy, 1983; Simon, 1987). As Jonas Salk, the discoverer of polio vaccine, noted: “... if we combine our intuition and our reason, we can respond in an evolutionary sound way to our problems...” (cited in Ray & Myers, 1990:249).

To date, scholars have emphasized rational decision making over intuitive decision making. One major reason for such a tendency is that, to many scholars, intuitive processes, perhaps,

fall into the realm of irrational or paranormal. As a result, they believe that intuitive processes are beyond the scope of a scientific study. Recent advances in cognitive science and artificial intelligence, however, suggest that there is nothing mystical or magical **about** intuitive processes and that they are not paranormal or irrational.

یکی از اساسی‌ترین فرضیه‌ها در مورد مدیریت این است که تجزیه و تحلیل دقیق و مبتنی بر اصول نسبت به آنهایی که ناشی از فرآیندهای شهودی هستند، منجر به انتخاب‌های برتر می شود. هرچند که، این فرضیه اخیراً مورد انتقاد قرار گرفته است (مینتزبرگ، ۱۹۹۴). مینتزبرگ (۱۹۹۴) در کتاب خود به نام صعود و سقوط برنامه‌ریزی استراتژیک، استنتاج می‌کند که اصطلاح «برنامه ریزی استراتژیک» استعمال کلمات مرکب ضد و نقیض است. استدلال وی این است که استراتژی نمی‌تواند برنامه‌ریزی شود، چون برنامه‌ریزی در مورد تجزیه و تحلیل بوده و استراتژی در خصوص ترکیب است. وی مدعی است که این موضوع دلیل این که چنین روش برنامه‌ریزی تاکنون اینقدر به کرات و به نحو چشمگیری نافرجام مانده است، می‌باشد. در حالتی مشابه، پیترز و واترمن (۱۹۸۲) در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ «الگوی عقلایی» را به عنوان استدلالی مهم برای مسائل و مشکلات شرکت‌های ایالات متحده در رقابت با شرکت‌های خارجی قلمداد کردند.

نمی توان‌گفت که تجزیه و تحلیل عقلایی تمرینی پوچ و بیهوده است. تجزیه و تحلیل عقلایی ابزاری مفید و ضروری در استراتژی‌سازی است که حتی مینتزبرگ (۱۹۹۴)، به آن اعتراف می‌کند. موضع ما این است که نظریه تصمیم‌گیری استراتژیک می‌بایست هم فرآیند شهودی و هم فرآیند عقلایی را مد نظر قرار دهد (پوندی، ۱۹۸۳؛ سیمون، ۱۹۸۷). همان طوری که یوناس سالک، کاشف واکسن فلج اطفال، ذکر کرد: «... اگر شهود و استدلال‌مان را ترکیب کنیم، می‌توانیم به طرز کاملاً تکاملی نسبت به مشکلات‌مان عکس‌العمل نشان دهیم ...» (نقل‌شده در ری و مایرز، ۱۹۹۰:۲۴۹).

تاکنون، محققان و پژوهشگران بر تصمیم‌گیری عقلایی بیش از تصمیم‌گیری شهودی تأکید داشته‌اند. دلیل عمده برای چنین تمایلی این است که فرآیندهای شهودی برای تعدادی از محققان و پژوهشگران، ممکن است، در حوزه غیرعقلانی یا ماوراء طبیعی قرار گیرد. در نتیجه آنان بر این عقیده‌اند که فرآیندهای شهودی ورای محدوده و حیطه مطالعه علمی است. اگرچه، پیشرفت‌های اخیر در علوم شناختی و هوش مصنوعی، نشان می‌دهد که هیچ چیز سحرآمیز و عرفانی در مورد فرآیندهای شهودی وجود نداشته و آن‌ها ماوراء طبیعی یا غیرعقلانی نیستند.

146- The word “those” in line 2 refers to ……. .

1) systematic and careful analysis
2) processes
3) choices
4) assumptions

۱۴۶- گزینه ۳ صحیح است.

- کلمه «آنها» در سطر دوم اشاره دارد به ..... .

۱) تجزیه و تحلیل دقیق و مبتنی بر اصول

۲) فرآیندها

۳) انتخاب و گزینش‌ها

۴) فرضیه‌ها

ضمیر اشاره جمع those جایگزین the choices می‌باشد و از تکرار آن جلوگیری کرده است.

147- The scholars referred to in paragraph 1 argue that …… .

1) the fact that the rational model did not turn out to be useful in the United States does not mean that it is futile altogether

2) managers who use systematic and careful analysis to make decisions have been unduly criticized

3) a managerial approach to decision-making based on the rational model is unlikely to be fruitful

4) there is something contradictory about management that makes it elude a definite definition

۱۴۷- گزینه ۳ صحیح است.

- محققان و پژوهشگرانی که در پاراگراف ۱ به آن‌ها اشاره شد استدلال‌شان این است ..... .

۱) این که الگوی عقلایی برای سودمندی در ایالات متحده به وجود نیامده است به معنای آن نیست که کاملاً پوچ و بیهوده است.

۲) مدیرانی که برای تصمیم‌گیری، از تجربه و تحلیل دقیق و مبتنی بر اصول استفاده می‌کنند، بی‌خود و بی‌جهت مورد انتقاد قرار می‌گیرند.

۳) رویکرد مدیریتی برای تصمیم‌گیری بر اساس الگوی عقلایی بعید است مفید و مثمر ثمر باشد.

۴) در مورد مدیریت چیزی ضد و نقیض وجود دارد که موجب طفره رفتن آن از تعریف روشن و دقیق می‌شود.

طبق سطر ۳ تا آخر پاراگراف ۱، گزینه ۳ درست است.

148- Why does the author quote Jonas Salk in paragraph 2?

l) To support the point that rational analysis is not to be discarded altogether.

2) To demonstrate that the scientific approach is the same regardless of the discipline involved.

3) To stress the point that advances made in one field of study should be disregarded by those in other branches of science.

4) To substantiate the fact that those who utilize the rational model in their management style are not to be censured as severely as they have been.

۱۴۸- گزینه ۱ صحیح است.

- چرا نویسنده در پاراگراف دوم از یوناس سالک نقل قول می‌کند؟

۱) برای تأیید این نکته که تجزیه و تحلیل عقلایی بطور کلی رد نمی‌شود.

۲) برای اثبات این که رویکرد علمی صرف‌نظر از دیسیپلین درگیر، یکسان است.

۳) برای تأکید بر این نکته که پیشرفت‌های یک حوزه مطالعاتی می‌بایست به وسیله پیشرفت‌های دیگر در شاخه‌های دیگر علوم نادیده گرفته شود.

۴) برای اثبات این حقیقت که کسانی که از الگوی عقلایی در سبک مدیریتی‌شان استفاده می‌کنند، به اندازه‌ای که مورد انتقاد قرار گرفته‌اند سزاوار سرزنش و انتقاد نیستند.

جمله اول پاراگراف ۲ ایده اصلی این پاراگراف را مطرح می‌کند که در جمله بعدی این مطلب توضیح داده می‌شود. همچنین استفاده از as قبل از اسم یوناس سالک، جملات قبلی را تأیید می‌کند.

149- According to the passage, those who object to the intuitivc model of decision making believe that it is flawed in that ..... .

1) intuition varies from person to person
2) intuitive processes cannot be subjected to scientific analysis
3) inuition-based decisions have most often turned out to be wrong
4) the very existence of intuition has ye not been verified by cognitive science

۱۴۹- گزینه ۲ صحیح است.

- برطبق متن، کسانی که مخالف الگوی شهودی تصمیم‌گیری هستند، بر این باورند که الگوی شهودی ناقص است از این حیث که ..... .

۱) شهود از فردی به فرد دیگر متفاوت است.

۲) فرآیندهای شهودی نمی‌تواند تابع تجزیه و تحلیل علمی باشد.

۳) تصمیم‌گیری‌های بر مبنای شهود اغلب اوقات اشتباه از کار درآمده‌اند.

۴) وجود شهود هنوز توسط علم شناختی به طور دقیق تأیید نشده است.

طبق سطر ۴-۳ گزینه ۲ درست است.

150- Which of the following rhetorical techniques has NOT been used in the development of the topic in the passage?

1) Appeal to authority
2) Cause and effect
3) Factual information
4) Process time order

۱۵۰- گزینه ۴ صحیح است.

- کدام یک از تکنیک‌های معانی بیانی زیر در شرح و بسط موضوع در متن مورد استفاده قرار نگرفته است؟

۱) توسل به مرجع و منبع موثق

۲) علت و معلول

۳) اطلاعات واقعی

۴) ترتیب زمانی فرآیند

۲– سؤالات زبان عمومی گروه فنی–مهندسی و علوم پایه

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

76- In countless shacks and shanties across the country, she had tied the shoes of children, wiped their noses, hugged them …….. , scrambled to find food for them, and fought for their rights.

1) to be crying 2) when they cried 3) cried 4) had cried

۷۶- گزینه ۲ صحیح است.

ساختار جمله قبل از جای خالی شامل فاعل she، فعل hugged و مفعول them است. بنابراین در جای خالی نیاز به قید و یا یک جمله قیدی است. این جمله قیدی با توجه به گزینه‌ها می‌تواند از کلمه ربط when، فاعل they، و فعل cried تشکیل شده باشد.

77- Superstitions were not the only Japanese things in my life. A lot more of me was Japanese …… , whether I liked it or not.

l) to realize 2) realized 3) than I realized 4) to be realized

۷۷- گزینه ۳ صحیح است.

ساختار مقایسه‌ای than ... more تنها در این گزینه رعایت شده است.

78- Perhaps the most unusual office is the one …….. who, in 2007, decided to move closer to nature by creating an office in a tree.

1) used by David Smith 2) which used David Smith
3) David Smith used 4) is used by David Smith

۷۸- گزینه ۱ صحیح است.

در این جمله از ساختار the one which + verb استفاده شده است. جمله به صورت the one which is used by David Smith بوده که به صورت خلاصه آمده و ضمیر موصولی و فعل be حذف شده است.

79- …… are rich in a wide variety of species is well known, something no one ever disputes.

1) The Earth's some regions
2) There are some regions of the Earth
3) What are the regions of the Earth
4) That some regions of the Earth

۷۹- گزینه ۴ صحیح است.

جمله دارای دو فعل است. فاعل فعل اول که are است، حذف شده است و همان جای خالی است. در مورد فعل دوم، فاعل یک جمله اسمی است که متشکل از فاعل حذف شده و فعل are است. بنابراین نیاز به یک ضمیر موصولی در جای خالی داریم.

در نتیجه گزینه ۱ و ۲ حذف می‌شود.

در مورد گزینه ۳، چون فعل آمده، در حالی که جمله اسمی خودش فعل are را دارد.

80- A team led by Mark Tuszynski injected brain-derived neurotrophic factor (BDNF) into the entorhinal cortex and the hippocampus, …… , and where Alzheimer's strikes first.

1) in which the parts of the brain where memories are formed and consolidated
2) they being the pans of the brain where memories arc formed and consolidated
3) to form and consolidate the parts of the brain where memories
4) the parts of the brain where memories are formed and consolidated

۸۰- گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به این که جای خالی بین دو ویرگول آمده ا ست، یک عبارت تو صیفی برای دو کلمه the entorinal cortex and the hippocampus اســـت، که با جمله بعد از جای خالی یعنی and where Alzheimer's strikes first ســـاختار موازی دارد.

81- I heard the car is the deadliest weapon created by humans and ……. exceeds the death toll from atomic weapons, guns or bombing. Is this true?

1) the number of lives claimed
2) claims that the number of lives
3) that the number of lives it has claimed
4) it has claimed the number of lives

۸۱- گزینه ۳ صحیح است.

با در نظر گرفتن ساختار موازی بعد از کلمه and و این که بعد از آن جای خالی فعل آمده نیاز به جمله‌ای اسمی است تا برای فعل exceeds نقش فاعلی دا شته با شد. زیرا همان طور که می‌دانیم عبارت ا سمی می‌تواند به جای فاعل جمله، مفعول برای فعل و یا مفعول برای حرف اضافه به کار رود. این عبارت اسمی باید شامل قید ربط (that) باشد.

82- Many top athletes now find mental training indispensable—and …….. for performing on race or game day but for getting the most out of daily workouts.

1) only
2) not just
3) both
4) either

۸۲- گزینه ۲ صحیح است.

در این جمله ساختار not just ... but ... مطرح بوده است. این ساختار به معنای «نه تنها فلان ... بلکه ...» است.

83- Leonardo's unique labelling of the ventricles reflects the tremendous importance he accorded to the sense of vision, which he described as the window to the soul and the most important basis ……. .

1) of all experience
2) on which experience
3) ever to experience
4) on that is experiencing

۸۳- گزینه ۱ صحیح است.

حرف اضافه کلمه basis، of است.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

84- If we analyze food consumption based on body size, we find that ants eat their full body weight everyday while a whale eats the …… of only one-thousandth of its body weight each day.

1) absorption
2) equivalent
3) synonymy
4) shortage

۸۴- گزینه ۲ صحیح است.

«اگر مصرف غذا را بر اساس اندازه بدن تجزیه و تحلیل کنیم، درمی‌یابیم مورچه‌ها هر روز به اندازه کل وزن بدنشان غذا می‌خورند و این در حالی است که نهنگ‌ها روزانه معادل تنها یک هزارم وزن بدن خود، غذا می‌خورند.»

۱) جذب؛ ۲) معادل؛ ۳) مترادف؛ ۴) کمبود

85- A clown is a similar comic character of pantomime and circus, known by his distinctive makeup and costume, ……. antics, and buffoonery, whose purpose is to induce hearty laughter.

1) mercenary
2) unconscious
3) audacious
4) ludicrous

۸۵- گزینه ۴ صحیح است.

«دلقک یک شخصیت خنده‌آور و بامزه مشابه شخصیت پانتومیم و سیرک است که با نوع آرایش و لباس متمایز خود، به رفتار مضحک دلقک‌بازی، لوده‌گری و مسخره‌بازی شناخته می‌شود که کارش ایجاد خنده از ته دل (قلب) است.»

۱) پولکی؛ ۲) ناخودآگاه؛ ۳) بی‌پروا؛ ۴) مضحک

86- Besides …… about 40,000 homes, the worst natural disaster in memory destroyed countless businesses and jobs.

1) coinciding 2) annihilating 3) refurbishing 4) precluding

۸۶- گزینه ۲ صحیح است.

«بدترین بلای طبیعی که به یاد مانده، علاوه بر نابودی حدود ۴۰/۰۰۰ خانه، مشاغل و کسب‌وکارهای بی شماری را نیز ویران کرد.»

۱) همزمان شدن؛ ۲) نابود کردن، از بین بردن؛ ۳) تازه کردن؛ ۴) پیشگیری کردن

87- Jeff was so ……. in his views that it was impossible to have a rational debate with him.

1) boisterous 2) substantial 3) intransigent 4) indulgent

۸۷- گزینه ۳ صحیح است.

«جف آن‌قدر در نقطه‌نظرات خود سرسخت بود که بحثی منطقی با او محال بود.»

۱) بلند و ناهنجار؛ ۲) قابل توجه؛ ۳) سرسخت، سخت‌گیر؛ ۴) بخشنده، زیاده‌رو

88- Since Kelly was so ……, we asked her to proofread our group's report.

1) meticulous 2) frugal 3) impulsive 4) impetuous

۸۸- گزینه ۱ صحیح است.

«از آن‌جا که کِلی بسیار دقیق بود، از او خواستیم که گزارش گروه ما را تصحیح و غلط‌گیری کند.»

۱) ریزبین، خیلی دقیق بودن؛ ۲) صرفه‌جو؛ ۳) بی‌فکر، عجول؛ ۴) بی‌پروا

89- I was so happy when I got the acceptance letter from the University of Tehran that I sprinted home with great …… to share the good news.

1) dexterity 2) improvisation 3) alacrity 4) avarice

۸۹- گزینه ۳ صحیح است.

«وقتی نامه پذیرش از دانشگاه تهران را دریافت کردم آنقدر خوشحال شدم که با اشتیاق بسیار به سمت خانه دویدم تا این خبر خوب را با دیگران تقسیم کنم.»

۱) زبردستی؛ ۲) بداهه‌گویی؛ ۳) چابکی و اشتیاق؛ ۴) حرص، طمع

90- Ted …… any allegations of his involvement in the bank robbery that had just happened.

1) refuted 2) suspended 3) confessed 4) deduced

۹۰- گزینه ۱ صحیح است.

«تد هر گونه ادعایی مبنی بر دخالت در سرقت بانک که اخیراً اتفاق افتاده بود را تکذیب کرد.»

۱) تکذیب کرد، رد کرد؛ ۲) به تعویق انداخت؛ ۳) اعتراف کرد؛ ۴) منبسط کرد

91- The fact that some fish …… their offspring illustrates that these fish lack a nurturing instinct.

1) mitigate 2) devour 3) withdraw 4) pursue

۹۱- گزینه ۲ صحیح است.

«این حقیقت که برخی از ماهیان فرزندان خود را می‌بلعند، نشان می‌دهد که آن‌ها فاقد غریزه تغذیه فرزندانشان هستند.»

۱) تسکین دادن؛ ۲) بلعیدن؛ ۳) عقب‌نشینی کردن؛ ۴) دنبال کردن

92- Because the company was forced to recall the faulty product and stop distribution, it soon had …….. of useless inventory.

1) a recession 2) a denial 3) an abundance 4) an aptitude

۹۲- گزینه ۳ صحیح است.

«چون شرکت مجبور شد که کالاهای نقص‌دار را بازگرداند و توزیع را متوقف کند، طولی نکشید که به سرعت مقدار زیادی موجودی‌های بی‌استفاده برایش باقی ماند.»

۱) رکود اقتصادی؛ ۲) انکار؛ ۳) وفور، نسبت فراوانی؛ ۴) استعداد

93- Walters cannot be sent to jail now; we still have no …… proof that he was at the scene of the crime.

1) demonstrative 2) conclusive 3) redundant 4) immaterial

۹۳- گزینه ۲ صحیح است.

«هم‌اکنون والترز را نمی‌توان به زندان فرستاد؛ هنوز هیچ مدرک قطعی نداریم که نشان دهد وی در صحنه جنایت حضور داشته است.»

۱) شرح‌دهنده؛ ۲) قطعی؛ ۳) زائد، اضافی؛ ۴) غیرمادی، معنوی

94- Lord Astor's racing horses possess speed but not …….. ; they consistently lead at the start of a race and fall behind at the end.

1) elation 2) boldness 3) proximity 4) stamina

۹۴- گزینه ۴ صحیح است.

«اسب‌های مسابقه لرد آستر با سرعت حرکت می‌کنند، اما قوای جسمی ندارند؛ همیشه در شروع مسابقه از همه سبقت می‌گیرند اما در آخر عقب می‌مانند.»

۱) شور، شعف؛ ۲) تهور، جسارت؛ ۳) نزدیکی، مجاورت؛ ۴) بنیه، قوای جسمی

95- The regulations …… that everything has to comply with the relevant safety standards.

1) evoke 2) contribute 3) vow 4) stipulate

۹۵- گزینه ۴ صحیح است.

«قوانین تصریح می‌کند که همه چیز می‌بایست مطابق با استانداردهای ایمنی مربوطه باشند.»

۱) فراخواند؛ ۲) مشارکت کرد؛ ۳) عهد کرد؛ ۴) تصریح کرد، قید کرد

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

You can drop cigarettes. Avoid pollution. But there's one toxin you just can't dodge: oxygen. With every gulp of air, oxygen gives you life. Some of it, however, gets converted inside your cells into a radical molecule that can wreak havoc, degrading those same cells and others. A growing number of scientists say this damage is what causes aging. They also think they may one day be able to fend off oxygen's ill effects and help us live a lot longer.

Scientists have long known that oxygen is capricious. As molecules go, it gets around, reacting with all kinds of things. Mostly, that's good. Oxygen combines with fats and carbohydrates, in a part of cells known as the mitochondrion, to churn out the energy that gets you through the day. But the conversion isn't perfect. A small amount of oxygen is regenerated in a nasty form called a free radical, or oxidant— the very critter that causes metal to rust. The oxidants careen about, binding to and disrupting the membranes, proteins, DNA and other cell structures that make your body work. Over time, this damage adds up and the result just might be an older, frailer you.

According to one estimate, oxidant bombard the DNA inside every one of our cells roughly 10,000 times a day. Thankfully, most of the assailants are intercepted by a small army of antioxidant chemicals. Proteins also patch up the damage caused by the radicals that do get through. The house always getting dirty, and we're always trying to clean it up," remarks John Carney, chief technical officer at Centaur Pharmaceuticals in Sunnyvale, Calif, which is developing drugs to fight various diseases of aging. But eventually, the theory goes, our tired cells get less efficient at repelling free radicals and mopping up oxidative messes, and the damage accumulates. We begin to rust from the inside out.

می‌توانید سیگار را ترک کنید. از آلودگی جلوگیری کنید. اما سمی وجود دارد که قادر به گریز از آن نیستید: اکسیژن. با هر جرعه از هوا، اکسیژن به شما زندگی می‌بخشد. اگر چه مقداری از آن، در داخل سلول‌هایتان به رادیکال آزاد تبدیل می‌شود که می‌تواند ضایعه ایجاد کرده و خرابی به بار آورد، و آن سلول‌ها و سلول‌های دیگر را متلاشی نماید. تعداد روزافزونی از دانشمندان اظهار می‌دارند که این آسیب می‌تواند موجب پیری شود. آن‌ها همچنین بر این باورند ممکن است روزی بتوانند اثرات سوء و زیان‌بار اکسیژن را از بین برده و به ما کمک کنند تا مدت بیشتری زندگی کنیم.

دانشمندان مدت‌ها پیش دانسته‌اند که مولکول اکسیژن، ناپایدار است. همان طوری که مولکول‌ها نابود می‌شوند، حرکت کرده و با انواع چیزها که اساساً چیزهای خوبی هستند واکنش برقرار کنند. اکسیژن در بخشی از سلول به نام میتوکندری با چربی‌ها و کربوهیدرات‌ها ترکیب شده تا انرژی ایجاد کند که شما در طول روز دریافت می‌کنید. اما این تبدیل کامل نیست. مقدار کمی از اکسیژن مجدداً به شکل نامطبوع ایجاد می شود که رادیکال آزاد یا اکسیدان نامیده می شود – شکل غیراستانداردی که موجب زنگ زدن فلز می شود. اکسیدان‌ها در اطراف غشاءها، پروتئین‌ها، DNA و دیگر ساختارهای سلول کج شده، به هم می‌پیوندند و سبب مختل کردن کار آن‌ها می شوند. در طول زمان، این آسیب انباشته شده و در نتیجه شما پیرتر و نحیف‌تر می‌شوید.

بر طبق ارزیابی صورت گرفته، اکسیدان‌ها، DNA داخل هر یک از سلول‌های ما را تقریباً ۱۰۰۰۰ بار در روز بمباران می‌کند. خوشبختانه، بیشتر حمله‌کننده‌ها به وسیله سپاه کوچکی از مواد شیمیایی آنتی‌اکسیدان متوقف می‌شوند. پروتئین‌ها همچنین آسیب‌های به وجود آمده توسط رادیکال‌ها را ترمیم می‌کنند و اینقدر این کار را انجام می‌دهند تا کار خود را تمام کنند. جان کارنی، مدیر فنی داروسازی سنتائور در سانی ویل، کالیف، که در حال توسعه داروهایی برای مبارزه با بیماری‌های ویروسی پیری است، اظهار می‌دارد، «خانه همیشه کثیف می‌شود و ما همواره می‌کوشیم تا آن را تمیز و پاکیزه نگاه داریم.» اما سرانجام این نظریه منسوخ می‌شود، کارآیی سلول‌های خسته ما در مقابله با رادیکال‌های آزاد و پاکسازی خرابی‌های اکسیداتیو، کاهش یافته، ضایعات و خسارات روی هم انباشته شده و ما شروع به پوسیدن از درون می‌کنیم.

96- What is the subject of the passage?

1) The role of one aging variable
2) Ways to stop aging
3) A misconception about aging
4) The process of aging

۹۶- گزینه ۱ صحیح است.

- موضوع متن چیست؟

۱) نقش یک فاکتور پیری

۲) روش‌های متوقف ساختن پیری

۳) تصوری غلط درباره پیری

۴) فرایند پیری

چون در پاراگراف اول، یکی از فاکتورهای مؤثر در پیری بررسی می‌شود.

97- All of the following are FALSE about the scientists mentioned in paragraph 1 EXCEPT that they …….. .

1) think there would come a day that a radical molecule would he discovered to offset oxygen's ill effects

2) believe what is accelerating aging is the havoc wreaked on human cells by the impact of oxygen deficiency caused by smoking and pollution

3) are optimistic about the chances of humans' being able to live a longer life in the future

4) are losing hope about preventing oxygen from doing damage to human cells as it does now

۹۷- گزینه ۳ صحیح است.

- همه گزینه‌های زیر غلط هستند به جز گزینه‌ای که می‌گوید آن‌ها .....

۱) می‌اندیشند روزی خواهد آمد که یک مولکول رادیکال آزاد کشف شود که اثرات سوء اکسیژن را جبران نماید.

۲) بر این باورند آن‌چه که روند پیری را سرعت می‌بخشد خرابی است که در سلول‌های انسان به خاطر کمبود اکسیژن ناشی از استعمال دخانیات و آلودگی ایجاد می‌شود.

۳) در مورد توانایی انسان برای زندگی طولانی‌تر در آینده، خوش‌بین هستند.

۴) آن‌ها امید خود را در پیشگیری از آسیب زدن اکسیژن به سلول‌های انسانی از دست می‌دهند، همان گونه که اکنون امیدشان را از دست داده‌اند.

با توجه به برداشت از خط آخر پاراگراف اول، گزینه ۳ درست است.

98- The author states that oxygen is capricious in that it …….. .

1) generates free radicals inside cells that inflict damage

2) gets around, reacting with all kinds of things

3) results in the production of more energy than we need for our daily needs

4) combines with fats and carbohydrates to produce energy

۹۸- گزینه ۲ صحیح است.

- نویسنده اظهار می‌دارد که اکسیژن مولکولی ناپایدار است از این حیث که .....

۱) رادیکال‌های آزاد را در داخل سلول‌هایی ایجاد می‌کند که موجب وارد آوردن آسیب می‌شود.

۲) حرکت کرده و با انواع چیزها واکنش برقرار می‌کند.

۳) منجر به تولید انرژی بیشتر از نیاز روزانه ما می‌شود.

۴) با چربی‌ها و کربوهیدرات‌ها ترکیب می‌شود تا انرژی تولید کند.

با توجه به دو جمله اول پاراگراف دوم، گزینه ۲ درست است.

99- The word 'assailants" in paragraph 3 refers to ..... .

1) estimates 2) cells 3) 10,000 times a day 4) oxidants

۹۹- گزینه ۴ صحیح است.

- کلمه «مهاجم، حمله کننده» در پاراگراف ۳ به ..... اشاره می‌کند.

۱) برآورد؛ ۲) سلول‌ها؛ ۳) ۱۰/۰۰۰ بار در روز؛ ۴) اکسیدان‌ها

با توجه به جمله اول و دوم پاراگراف سوم، assailants همان oxidants است که توسط antioxidants chemicals بدن با آن‌ها مقابله می‌کند.

100- The author has brought in a quotation from John Carney to bolster the fact that we …….. .

I) are to do everything possible to ascertain that our environment is clean enough to prolong our life

2) have some natural defense mechanisms that work to lessen the havoc that oxidants wreak on our cells

3) spend more energy than we should to counter the effects of free radicals

4) have bodies that are similar to houses and thus are to be clinically examined and replaced

۱۰۰- گزینه ۲ صحیح است.

- نویسنده از جان کارنی یک نقل قول می‌آورد تا این حقیقت را تأیید کند که ما ..... .

۱) هر کار ممکنی را انجام می‌دهیم تا ثابت کنیم که محیط‌مان آنقدر تمیز است که عمرمان را طولانی کند.

۲) دارای مکانیسم‌های دفاعی هستیم که این مکانیسم‌ها خرابی به بار آمده در سلول‌های ما را کاهش می‌دهد.

۳) انرژی بیش از آن‌چه که برای مقابله با اثرات رادیکال‌های آزاد صرف می‌کنیم، مصرف می‌شود.

۴) بدن‌هایی داریم که مشابه خانه بوده و بنابراین به لحاظ بالینی بررسی و تعویض می‌شوند.

با توجه به برداشت از سه جمله اول پاراگراف سوم گزینه ۲ درست است.

Passage 2:

So why should we care about how many different kinds of organisms there are, as long as the ones we care about are still around? For one thing, no organism lives in isolation from its environment and the other living things in it. Creatures like whales, pandas, sea turtles, and tigers that capture our imagination cannot survive without countless other species. Organisms are bound together in complex food webs, nutrient cycles, symbioses, and other ecological interactions. The loss of even the ‘lowliest” of species could have profound effects on many others. Biologists simply do not understand ecosystems well enough to predict what these effects might be.

Another reason to conserve biodiversity is that it represents a hidden treasure trove. Most pharmaceuticals are derived from natural chemicals in organisms, but only a tiny fraction of species have been tested. The wild plants from which our farm plants were derived contain genes for pest resistance, faster growth, and higher quality that could be used to improve our food crops or develop new ones. New materials—a substitute for petroleum, perhaps, or industrial chemicals or better fibers for clothing—also remain undiscovered. There are so many different kinds of organisms, however, that scientists have not had time to even identify most of them, much less evaluate their usefulness. The next species that goes extinct might hold the

cure for cancer, a solution to hunger, or maybe just the makings of an elegant new perfume—a secret that will be lost forever.

چرا از زمان وجود انواع موجودات زنده در اطرافمان، تعدادشـــان برایمان مهم بوده اســـت؟ به یک دلیل، هیچ موجود زنده‌ای جدای از محیط و موجودات زنده دیگر، قادر به ادامه زندگی نیســـت. جانورانی همچون نهنگ، پاندا، لاک‌پشـــت دریایی، و ببرها که توجه ما را جلب می‌کنند نمی‌توانند بدون گونه‌های بی‌شـمار دیگر به حیات خود ادامه دهند. موجودات زنده در شـبکه‌های غذایی پیچیده، چرخه‌های غذایی، همزیستی و دیگر تعاملات اکولوژیکی به یکدیگر پیوسته‌اند. فقدان حتی پست‌ترین گونه‌ها نیز می‌تواند اثرات عمیقی بر دیگر گونه‌ها داشته باشد. بیولوژیست‌ها به سادگی نمی‌توانند به قدر کافی اکوسیستم‌ها را درک کنند تا پیش‌بینی کنند که این اثرات چیست.

دلیل دیگر برای حفظ تنوع زیستی این است که یک گنج پنهان را نشان می‌دهد. بیشترین داروها از مواد شیمیایی طبیعی در موجودات به دست می‌آید، اما تنها بخش کوچکی از گونه‌ها مورد آزمایش قرار گرفته‌اند.گیاهان وحشی که از آن گیاهان مزرعه حاصل می شوند، حاوی ژن‌هایی برای مقاومت در برابر آفت‌ها، رشد سریع‌تر، و کیفیت بالاتر هستند که می‌تواند برای بهبود محصولات غذایی ما و یا توسعه محصولات جدید مورد استفاده قرار گیرد. مواد جدید – جایگزین نفت خام، یا مواد شیمیایی صـــنعتی یا الیاف‌های بهتر برای لباس- نیز کشـــف نشـــده باقی می‌ماند. آنقدر گونه‌های متفاوتی از موجودات وجود دارند، که دانشمندان حتی وقت شناسایی بیشتر آن‌ها را ندارند، و کمتر به ارزیابی فواید آن‌ها می‌پردازند. گونه‌های دیگر که نایاب هستند برای مداوای سرطان نگاه داشته می‌شوند، راه حلی برای اشتیاق کاری، یا شاید ساخت یک عطر جدید – رازی که برای همیشه از دست خواهد رفت.

101- The question with which the passage opens is …… .

1) actually what the passage mainly deals with
2) intended to display our insufficiency of knowledge
3) one that is disputed
4) a rhetorical question

۱۰۱- گزینه ۱ صحیح است.

- سؤالی که متن با آن شروع می‌شود این است که ..... .

۱) در حقیقت این که متن اساساً به چه چیز می‌پردازد.

۲) برای نمایش عدم کفایت اطلاعات و معلومات ما

۳) آن چیزی که بحث می‌شود.

۴) یک سؤال مربوط به معانی بیان است، سؤالی که برای تسجیل موضوعی بشود (مثل این که بگوئیم کیست که وطنش را دوست نداشته باشد).

102- The profound effects cited in paragraph 1 are the effects ……..... .

1) come up only when the lowliest of species arc neglected
2) that are around now but not fully understood by scientists
3) the environment has on living creatures
4) Scientists are not yet able to pinpoint in advance

۱۰۲- گزینه ۴ صحیح است.

- اثرات عمیق ذکرشده در پاراگراف ۱ اثراتی هستند که .....

۱) در هنگام نادیده گرفتن پست‌ترین گونه‌ها، مطرح می‌شوند.

۲) هم‌اکنون اطراف ما هستند، اما دانشمندان آن‌ها را کاملاً درک نمی‌کنند.

۳) محیط بر روی موجودات دارد.

۴) دانشمندان هنوز پیشاپیش قادر به تعیین آن اثرات نیستند.

جمله آخر پاراگراف اول و گزینه ۴، هر دو دارای مفهوم پیش‌بینی می‌باشند. واژه‌های کلیدی predict در خط آخر پاراگراف ۱ و in advance در گزینه ۴ می‌باشند.

103- What is the function of paragraph 2 in relation to what paragraph 1 is mainly concerned with?

1) It yet introduces another reason in support of the main theme of paragraph 1.
2) It uses paragraph 1 as a basis to make a prediction about what human nutrition would be like without biodiversity.
3) It qualifies the chief claim presented in paragraph 1.
4) It casts doubt on the validity of the main point of paragraph 1.

۱۰۳- گزینه ۱ صحیح است.

- نقش پاراگراف ۲ نسبت به آن‌چه که پاراگراف ۱ اساساً به آن می‌پردازد چیست؟

۱) دلیل دیگری را در تأیید موضوع اصلی پاراگراف ۱ عنوان می‌کند.

۲) از پاراگراف ۱ به عنوان مبنایی برای پیش‌بینی تغذیه انسان بدون تنوع زیستی، استفاده می‌کند.

۳) ادعای اصلی معرفی‌شده در پاراگراف ۱ را توصیف می‌کند.

۴) در مورد اعتبار و درستی نکته اصلی پاراگراف ۱ تردید می‌کند.

پاراگراف دوم دلیل دیگری را برای تأیید ایده اصلی پاراگراف اول می‌آورد.

104- The passage provides information that answers which of the following questions?

1) Why has a tiny fraction of species been tested for their pharmaceutical value?
2) Why did humans first use the wild plants to derive the ones we now grow?
3) Why is it that the author contends that biodiversity is actually a hidden treasure trove?
4) Why have biologists not yet been able to understand ecosystems well enough?

۱۰۴- گزینه ۳ صحیح است.

- متن، اطلاعاتی را برای پاسخ به کدام یک از سؤالات زیر ارائه می‌کند؟

۱) چرا بخش کوچکی از گونه‌ها برای ارزش دارویی‌شان تست شده‌اند؟

۲) چرا انسان‌ها در ابتدا از گیاهان وحشی برای به وجود آوردن گیاهانی استفاده کردند که ما در حال حاضر مبادرت به رویاندن آن می‌کنیم؟

۳) چرا نویسنده ادعا می‌کند که تنوع زیستی واقعاً یک گنج پنهان است؟

۴) چرا بیولوژیست‌ها هنوز قادر به درک اکوسیستم‌ها به قدر کافی نیستند؟

چون تشخیص پاسخ درست منوط به درک هدف اصلی کل متن است. جمله اول هر دو پاراگراف این گزینه را تأیید می‌کنند.

105- The tone of the passage could best be described as …….. .

1) informative and cautionary
2) enthusiastic and partial
3) scholarly and noncommittal
4) skeptical and questioning

۱۰۵- گزینه ۱ صحیح است.

- لحن متن بهتر به صورت ..... توصیف می‌شود.

۱) آموزنده و اخطارآمیز؛ ۲) مشتاق و طرفدارانه؛ ۳) پژوهشگرانه و غیرصریح؛ ۴) شکاک و پرسشگرانه

جمله پایانی متن حاوی یک هشدار آشکار است.

PhDTest.ir

پاسخ تشریحی سؤالات زبان عمومی
آزمون نیمه‌متمرکز دکتری ۹۴

پی‌اچ‌دی تست؛ نخستین وب‌سایت تخصصی آزمون دکتری

۱– سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- An impressive set of studies demonstrates that cognitive development during the school years …… by complex and demanding work without close supervision and by high teacher expectations.

1) is enhanced
2) which is enhanced
3) which has been enhanced
4) and has enhanced

۱۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

demonstrate یک reporting verb است که در صورت سؤال با الگوی that clause بدین شکل مورد استفاده قرار گرفته است: reporting verb + that + subject + verb

در صورت سؤال نهاد جمله‌واره development است، اما فعلی در جمله‌واره وجود ندارد. بنابراین در جای خالی باید فعلی برای نهاد قرار گیرد. همچنین با توجه به عبارت by complex and demanding work که بعد از جای خالی آمده است، می‌توان دریافت که فعل مجهول است.

132- With its radiant color and plantlike shape, the sea anemone …… a flower than an animal.

1) is looking more like
2) looks more like
3) is looking the same
4) looks the same

۱۳۲- گزینه ۲ صحیح است.

با توجه به این که صورت سؤال در مورد حقیقتی است که همیشه درست است، زمان فعل باید حال ساده باشد.

همچنین با توجه به حضور than باید صفت تفضیلی داشته باشیم.

133- In about 387 BC Plato …… the Academy as an institute for the systematic pursuit of philosophical and scientific teaching and research.

1) was founded
2) who founded
3) who had founded
4) founded

۱۳۳- گزینه ۴ صحیح است.

Plato فاعل جمله و Academy مفعول جمله اســت، اما فعل نداریم. بنابراین در جای خالی باید فعل قرار گیرد و چون فاعل موجود است، فعل معلوم خواهد بود.

134- Oil spills can occur on land or in rivers and lakes, but the most serious spills tend to involve tankers …… the open seas.

1) that travel
2) in which travel
3) that they travel
4) when travel

۱۳۴- گزینه ۱ صحیح است.

spills فاعل جمله اصــلی و tend to involve فعل جمله اصــلی و tankers مفعول اســت. بنابراین در جای خالی می‌تواند جمله‌واره وصفی برای tankers قرار گیرد.

135- Despite intensive research into causes and treatments, …… a constant threat and topic for discussion for many researchers.

1) the cancer remains of
2) but cancer remains of
3) but the cancer remains
4) cancer remains

۱۳۵- گزینه ۴ صحیح است.

بعد از despite اسم و یا مصدر با فرم ing به کار می‌رود.

به عنوان مثال:

all his money, he refused to buy a new car. *Despite*

Despite having enough money, he refused to buy a new car.

بنابراین برای جای خالی نیاز به فاعل و فعل داریم.

136- Neither sympathy nor empathy is identical to the "I know how you feel" type of response that some people offer when ……. another's expression of emotion.

1) are facing to
2) faced with
3) they faced with
4) facing to

۱۳۶- گزینه ۲ صحیح است.

در این سؤال در جای خالی یک جمله‌واره قیدی بدین شکل وجود داشته است:

Neither sympathy nor empathy is identical to the "I know how you feel" type of response that some people offer *when they are faced with another's expression of emotion.*

عبارت قیدی می‌تواند به صورت خلاصه ظاهر شود، بدین صورت که قید ربط باقی مانده و فعل be و فاعل حذف می‌شود.

بنابراین جمله‌واره قیدی جمله فوق به شکل زیر کوتاه می‌شود:

Neither sympathy nor empathy is identical to the "I know how you feel" type of response that some people offer *when faced with another's expression of emotion.*

137- Critics often claim that ……. Don Quixote, he would undoubtedly be an obscure writer in world literature today.

1) Cervantes had not written
2) if Cervantes would not write
3) had Cervantes not written
4) if Cervantes did not write

۱۳۷- گزینه ۳ صحیح است.

پس از that باید یک جمله‌واره بیاید، بنابراین در جای خالی بخشـــی از جمله‌واره قرار می‌گیرد. با توجه به ویرگولی که در انتهای جمله‌واره قرار گرفته است، این جمله‌واره باید با یک حرف ربط (ربط‌دهنده) همراه باشد.

در ساختارهای مشخصی که فعل کمکی had با شد و ربط‌دهنده شرطی if با شد، می‌توان if را حذف کرده و در این صورت فعل و فاعل را جابجا کرد.

در صورت سؤال، ربط‌دهنده شرطی if و فعل had not written بوده است:

Critics often claim that *if Cervantes had not written* Don Quixote, he would undoubtedly be an obscure writer in world literature today.

که فعل و فاعل پس از حذف if جابجا شده است:

Critics often claim that *had Cervantes not written* Don Quixote, he would undoubtedly be an obscure writer in world literature today.

138- Although Freud himself was primarily concerned with research and psychoanalytic theory rather than with therapy, many people would like to know ……. today, and whether it is considered an effective treatment for neurotic disorders.

1) how psychoanalysis stands
2) that how psychoanalysis stands
3) that how does psychoanalysis stand
4) how does psychoanalysis stand

۱۳۸- گزینه ۱ صحیح است.

در جای خالی عبارتی اســمی قرار می‌گیرد که نقش مفعولی برای فعل know دارد. برای ســاختن یک عبارت اســمی از یک جمله سؤالی با کلمه پرسشی، باید این جمله را به صورت خبری بعد از فعل جمله اصلی نوشت.

در صورت سؤال، جمله دو قسمت داشته است:

… <u>many people would like to know</u> <u>how does psychoanalysis stand</u> …

قسمت اول، قسمت اصلی است و قسمت دوم، قسمت وابسته یا فرعی است که باید ار حالت سؤالی به حالت خبری تبدیل شود تا جمله صحیح باشد:

… <u>many people would like to know</u> <u>how psychoanalysis stands</u> …

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- Although aluminum is not a heavy metal, ……. evidence suggests that this substance may be harmful to our health.

1) simulated 2) duplicated 3) accumulated 4) inundated

۱۳۹- گزینه ۳ صحیح است.

«اگر چه آلومینیوم فلزی سنگین است، شواهد زیادی حاکی از آن است که این ماده ممکن است برای سلامتی ما مضر باشد.»

۱) ساختگی، مصنوعی؛ ۲) تکراری؛ ۳) انباشته، جمع‌شده، انبوه؛ ۴) اشباع‌شده، سیل‌زده

140- Anorexia nervosa, self-induced starvation out of an intense fear of becoming ……., was first described 100 years ago.

1) gullible 2) maniac 3) skeptical 4) obese

۱۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«کم‌اشتهایی عصبی، گرسنگی خودالقایی که ناشی از ترس شدید از چاق شدن است، اولین بار ۱۰۰ سال پیش مطرح شد.»

۱) زودباور، ساده‌دل؛ ۲) دیوانه، شیدا؛ ۳) شکاک؛ ۴) چاق

141- Located between Germany and France and in …… of other European nations, the region known as Alsace has attracted travelers as well as invaders through history.

1) diversity 2) proximity 3) superiority 4) immunity

۱۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

«منطقه‌ای که با نام ایالت آلزاس شناخته می‌شود، بین آلمان و فرانسه و در مجاورت سایر ملل اروپایی واقع شده است، مسافران و مهاجمانی را در طول تاریخ به سمت خود کشانده است.»

۱) تنوع، گوناگونی؛ ۲) مجاورت، نزدیکی؛ ۳) برتری، ارجحیت؛ ۴) ایمنی، مصونیت

142- The defense attorney was not able to find a witness whose version of the incident …… with that of the accused.

1) contended 2) congregated 3) contemplated 4) concurred

۱۴۲- گزینه ۴ صحیح است.

«وکیل مدافع نتوانست شاهدی پیدا کند که روایتش از واقعه با [روایت] متهم موافق (یکسان) باشد.»

۱) مبارزه کرد، جنگید؛ ۲) گرد آمد، جمع شد ۳) تفکر و عبادت کرد، ژرف‌اندیشی کرد؛ ۴) موافق باشد، هم‌صدا باشد

143- The airplane crash was tragic, killing many people immediately and inflicting injuries on others that would eventually prove ……. .

1) stealthy 2) cynical 3) fatal 4) hostile

۱۴۳- گزینه ۳ صحیح است.

« سانحه هوایی دلخراش بود، در همان لحظه باعث مرگِ مردم بسیار و ایجاد آسیب به دیگران شد که در نهایت ثابت می‌کند مرگبار بوده است.»

۱) پنهان، مخفی؛ ۲) بدبین، بدگمان؛ ۳) مهلک، مرگبار؛ ۴) متخاصم، پرکینه، غیردوستانه

144- The pioneers who lived through the first hitter winters in the rugged wilderness must have had remarkable ……. .

1) magnificence 2) stamina 3) seclusion 4) precision

۱۴۴- گزینه ۲ صحیح است.

«مهاجران اولیه که در زمستان‌های سرد اولیه در طبیعت بکر ناملایم زیسته‌اند، قطعاً تحمل فوق‌العاده‌ای داشته‌اند.»

۱) جلال، شکوه؛ ۲) طاقت، تحمل، استقامت؛ ۳) انزوا، گوشه‌گیری؛ ۴) دقت، موشکافی

145- With ……. it is easy to say that they should not have released the man. I wonder how they could ever trust such a person.

1) hindrance 2) hindsight 3) homogeneity 4) humility

۱۴۵- گزینه ۲ صحیح است.

«با توجه به گذشته به سادگی می‌توان گفت که آن‌ها نباید مرد را آزاد می‌کردند. در تعجبم که آن‌ها چگونه توانسته‌اند به چنین فردی اعتماد کنند.»

۱) ممانعت، جلوگیری؛ ۲) واپس‌نگری، توجه به گذشته؛ ۳) همگنی؛ ۴) فروتنی

146- While there are numerous talks and courses that focus on presentation techniques, the best way to …… presentation skills is through practice and experience.

1) hone 2) divulge 3) curtail 4) exploit

۱۴۶- گزینه ۱ صحیح است.

«در حالی که سخنرانی‌ها و دوره‌های بسیاری وجود دارد که بر تکنیک‌های ارائه تأکید می‌کند، بهترین روش برای پرورش مهارت‌های اولیه ارائه، تمرین و ممارست است.»

۱) پرورش دادن، زبردست کردن؛ ۲) آشکار کردن، آگاهی دادن؛ ۳) خلاصه کردن، کاستن؛ ۴) سوءاستفاده کردن، بهره‌کشی کردن

147- Although no one was interested in buying Vincent Van Gogh's paintings during his lifetime, they now sell for …….. prices.

1) equivocal 2) exuberant 3) exorbitant 4) eccentric

۱۴۷- گزینه ۳ صحیح است.

«در حالی که هیچ‌کس تمایلی به خرید نقاشی‌های ون‌سان ونگوک در زمان حیاتش نداشت، در حال حاضر آن‌ها با قیمت‌های گزاف فروخته می‌شوند.»

۱) گنگ، دوپهلو؛ ۲) انبوه، پرپشت؛ ۳) گزاف، نامعقول، سرسام‌آور؛ ۴) عجیب و غریب، غیرعادی

148- The ability of the Wright brothers to analyze a mechanical problem and move toward a solution was apparent from the ……. of their work in aeronautics.

1) vigilance 2) foresight 3) charisma 4) outset

۱۴۸- گزینه ۴ صحیح است.

«توانایی برادران رایت برای تحلیل مشکل مکانیکی و گام برداشتن به سوی راه‌حل، از آغاز کار آن‌ها در هوانوردی پیدا بود.»

۱) هشیاری، مراقبت، مواظبت؛ ۲) آینده‌نگری، احتیاط؛ ۳) جاذبه؛ ۴) آغاز، ابتدا، شروع

149- Mr. Collins was fast becoming an ……. member of the office, so they had no choice but to offer him a higher salary to stay on.

1) indispensable 2) indomitable 3) incompatible 4) inadvertent

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«آقای کولینز به سرعت تبدیل به یک عضو لازم اداره گردید، بنابراین آن‌ها انتخابی به جز پیشنهاد حقوقی بالاتر به او جهت ادامه نداشتند.»

۱) ضروری، لازم، کنارنگذاشتنی؛ ۲) سلطه‌ناپذیر، شکست‌ناپذیر؛ ۳) ناسازگار، مغایر؛ ۴) غیرعمدی، ندانسته، ناخواسته

150- The open-minded minister who disagreed with the monarch's views was inevitably ousted and replaced by someone more …… .

1) superfluous 2) sumptuous 3) superficial 4) subservient

۱۵۰- گزینه ۴ صحیح است.

«وزیر بی‌طرف که با عقاید پادشاه مخالفت می‌کرد، اجباراً برکنار شد و با فردِ فرمانبردارتری جایگزین شد.»

۱) غیرضروری، زائد؛ ۲) پرهزینه، مجلل؛ ۳) سطحی، سرسری، کم‌عمق؛ ۴) فرمانبردار، نوکرصفت، خادم‌مسلک

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

The human ABO blood groups were discovered by Austrian-born American biologist Karl Landsteiner in 1901. Landsteiner found that there are substances in the blood, antigens and antibodies, that induce clumping of red cells when red cells of one type are added to those of a second type. He recognized three groups….A, B, and O….based on their reactions to each other. A fourth group, AB, was identified a year later by another research team. Red cells of the A group clump with donor blood of the B group; those of the B group clump with blood of the A group; those of the AB group clump with those of the A or the B group because AB cells contain both A and B antigens; and those of the O group do not generally clump with any group, because they do not contain either A or B antigens. The application of knowledge of the ABO system in blood transfusion practice is of enormous importance, since mistakes can have horrible consequences. In 1914 sodium citrate was added to freshly drawn blood to prevent clotting. Blood was occasionally transfused during World War I, but three-quarters of a pint was considered a large amount. These transfusions were given by directly linking the vein of a donor with that of the recipient. The continuous drip method, in which blood flows from a flask, was introduced by Hugh Marriott and Alan Kekwick at the Middlesex Hospital, London, in 1935.

The discovery of the Rh system by Landsteiner and Alexander Wiener in 1940 was made because they tested human red cells with antisera (animal or human serum containing antibodies specific for one or more antigens) developed in rabbits and guinea pigs by immunization of the animals with the red cells of rhesus monkey Macaca mulatta. Other blood groups were identified later, such as Kell, Diego, Lutheran, Duffy, and Kidd. The remaining blood group systems were first described after antibodies were identified in patients. Frequently, such discoveries results from the search for the explanation of an unexpected unfavorable reaction in a recipient after a transfusion with formerly compatible blood.

گروه‌های خونی ABO انسان، توسط زیست‌شناس آمریکاییِ متولد اتریش، کارل لندشتاینر در سال ۱۹۰۱ کشف شد. لندشتاینر دریافت که در خون موادی به عنوان آنتی‌ژن و آنتی‌بادی وجود دارند که گلبول‌های قرمز را زمانی که گلبول‌های قرمزِ یک نوع به [گلبول‌های قرمز] نوع دیگری اضافه می شوند، وادار می‌کند با هم گروه تشکیل دهند. او این سه گروه خونی شامل A، B و O را بر اساس عکس‌العمل آن‌ها نسبت به هم شناسایی کرد. یک سال بعد، گروه چهارمی به نام AB توسط گروه تحقیقاتی دیگری شناسایی شد. گلبول‌های قرمز گروه A با خونِ دهنده گروه B، یک گروه تشکیل می‌دهند. همچنین گلبول‌های قرمز گروه B با خون گروه A، گروه تشکیل می‌دهند. گلبول‌های قرمز گروه AB نیز با گروه A و B، گروه تشکیل

می‌دهند چرا که گلبول‌های AB شامل آنتی‌ژن‌های هر دو گروه A و B هستند. گلبول‌های قرمز گروه O نیز با هیچ گروهی تجمیع نمی‌شوند، چرا که آنتی‌ژن‌های گروه A و B را ندارند. کاربرد دانش سیستم‌های ABO در عمل تزریق خون بسیار مهم است، چرا که اشتباهات، عواقب سنگینی در پی خواهند داشت. در سال ۱۹۱۴ سیترات سدیم به خون تازه اضافه شد، تا از لخته شدن آن جلوگیری کند. در طی جنگ جهانی اول، در پاره‌ای موارد تزریق خون صورت می‌گرفت، اما سه چهارم یک پینت، مقدار زیادی تلقی می‌شد. این تزریقات از طریق ارتباط مستقیم رگِ دهنده با رگِ دریافت‌کننده صورت می‌گرفت. روش چکاندن مستمر که در آن جریان خون از یک فلسک جریان پیدا می‌کرد، توسط هاگ ماریوت و آلن کک‌ویک در بیمارستان میدلزاکس لندن در سال ۱۹۳۵ کشف شد.

سیستم Rh توسط لندشتاینر و الکساندر وینر در سال ۱۹۴۰ کشف شد. چون آن‌ها گلبول‌های قرمز انسان را با آنتی‌سرم (خونابه انسان یا حیوان شامل آنتی‌بادی‌های مخصوص یک یا تعداد بیشتری آنتی‌ژن) مربوط به خرگوش و خوک‌های گینه از طریق ایمن سازی حیوانات با گلبول‌های قرمز میمون رزوس، ماکاکا مالاتا تست کردند. بعدها سایر گروه‌های خونی، نظیر کِل، دیه‌گو، لا سران، دافی و کید شناسایی شدند. سیستم‌های سایر گروه‌های خونی اولین بار پس از شناسایی آنتی‌بادی‌ها در بیماران، توصیف شدند. غالباً چنین کشف‌هایی، نتیجه جست‌وجو جهت توضیح در مورد عکس‌العمل ناخوشایند و پیش‌بینی نشده در یک گیرنده پس از تزریق خونی که قبلاً سازگار بوده است، بودند.

151- What is the passage mainly about?

1) Early attempts at blood transfusion
2) Great medical achievements in the 20th century
3) Discovery of human blood groups and the Rh system
4) Blood transfusion in World War I

۱۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

- متن عمدتاً درباره چیست؟

۱) تلاش‌های اولیه جهت انتقال خون

۲) دستاوردهای پزشکی بزرگ در قرن ۲۰

۳) کشف گروه‌های خونی انسان و سیستم Rh

۴) انتقال خون در جنگ جهانی اول

از کنار هم قرار دادن دو جمله ابتدایی پاراگراف اول و دوم، گزینه ۳ حاصل می‌شود.

152- Which of the following is NOT true about the AB blood group?

1) It was discovered by Karl Landsteiner
2) It was discovered in the early 20th
3) The red cells of the AB group clump with those of the A or the B group.
4) AB cells carry both A and B antigens.

۱۵۲- گزینه ۱ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر در مورد گروه خونی AB صحیح نیست؟

۱) توسط کارل لندشتاینر کشف شد.

۲) در اوایل قرن بیستم کشف شد.

۳) سلول‌های قرمز گروه AB با آنهایی که از گروه A یا B بوده‌اند، تجمیع نمی‌شوند.

۴) سلول‌های AB هر دو آنتی‌ژن A و B را حمل می‌کنند.

در متن ا شاره شده که گروه‌های خونی A، B و O تو سط کارل لند شتاینر ک شف شدند و گروه AB تو سط گروه تحقیقاتی دیگری شناسایی شده است.

153- What does “that” in paragraph 1 refer to?

1) Linking 2) Donor 3) Recipient 4) Vein

۱۵۳- گزینه ۴ صحیح است.

- واژه «that» در پاراگراف اول به چه چیزی اشاره دارد؟

۱) ارتباط؛ ۲) دهنده؛ ۳) گیرنده؛ ۴) رگ

154- Which of the following animals does the author NOT mention in the passage?

1) Monkeys 2) Rats 3) Rabbits 4) Guinea pigs

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است.

- کدام یک از حیوانات ذیل، توسط نویسنده ذکر نشده است؟

۱) میمون‌ها؛ ۲) موش‌ها؛ ۳) خرگوش‌ها؛ ۴) خوک‌های گینه

در ابتدای پاراگراف دوم همه موارد بجز گزینه ۲ ذکر شده است.

155- Which of the following can be inferred from the passage?

1) The continuous dip method was first practiced during World War I to transfuse three-quarters of a pint of blood.

2) The Rh system was discovered by Karl Landsteiner and his colleague at the Middlesex Hospital, London.

3) Other blood groups were later identified because the outcome of a number of blood transfusions was not successful.

4) Adding sodium citrate to fresh blood to prevent clotting resulted in discovery of the Rh system.

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر را می‌توان از متن استنباط کرد؟

۱) روش چکاندن مستمر برای اولین بار در طول جنگ جهانی اول برای انتقال سه چهارم یک پینت خون استفاده شد.

۲) سیستم Rh توسط کارل لندشتاینر و همکارش در بیمارستان میدلزاکس لندن کشف شد.

۳) گروه‌های خونی دیگری بعدها شناسایی شد، به این دلیل که نتیجه تعدادی از تزریق‌های خون موفقیت‌آمیز نبود.

۴) اضافه کردن سیترات سدیم به خون تازه برای جلوگیری از لخته شدن منجر به کشف سیستم Rh گردید.

جمله آخر متن به گزینه ۳ موضوع اشاره کرده است.

Passage 2:

At the start of his career, Albert Bandura focused on learning. Most of the research at that time was concerned with learning from direct experience. At that time it was widely assumed that learning could only occur by responding to stimuli and experiencing their effects. Bandura felt that this line of theorizing was at odds with informal evidence that virtually all learning resulting from direct experience occurs on a vicarious basis -by observing other people's behavior and its consequences for them. Whereas behaviorism tended to emphasize the influence of the environment on behavior, Bandura was interested in the influence of behavior on the environment. In this respect his position is closer to that of Jacob Kantor, whose "interbehaviorism" argues that the organism and stimulus objects surrounding it should be treated as equally important, a position that presaged the emergence of ecological psychology. Bandura referred to his concept of environment -behavior interaction as "reciprocal determinism"- the notion that the environment and a person's behavior cause one other. He developed this idea to a point where he began to consider the interaction between environment, behavior and the person s psychological processes. Once he started to consider a role for mental imagery, he ceased to be a strict behaviorist and became a cognitive psychologist. Indeed, he is often regarded as a "founding father" of cognitive behaviorism. His theoretically ambitious Social Learning Theory (1977) set out to "provide a unified theoretical framework for analyzing human thought and behavior" (p.vi). While his introduction of cognitive concepts into behaviorism marked a clear departure from traditional behaviorism, it also marked a point where Bandura began to consider observational learning (modeling) and self-regulation. This interest led to a program of research on the determinants and mechanisms of observational learning and modeling of rule – governed behavior. He distinguished between three kinds of models: live (e.g. the behavior of a friend): symbolic (e.g. the behavior of an actor on TV); and verbal (e.g. the behavior of someone described in a short story or novel). The enormous advances in communication technology through the last century (from radio to television and the internet) mean that the symbolic environment plays an increasingly powerful role in shaping values, ideas, attitudes and lifestyles, so Bandura's work is particularly relevant to contemporary developments in the growth of information and communication technology.

آلبرت باندورا در آغاز حرفه‌اش بر یادگیری متمرکز شـــد. در آن زمان بیشـــتر تحقیقات در رابطه با یادگیری از طریق تجربه مستقیم بود. در آن زمان به شدت تصور می شد که یادگیری تنها می‌تواند از طریق پاسخ به محرک‌ها و تجربه کردن اثرات آن‌ها صـــورت بگیرد. باندورا - از طریق مشـــاهده رفتار ســـایر افراد و عواقبش برای آن‌ها - احســـاس کرد که این بخش از نظریه‌پردازی که تقریباً همه یادگیری‌های به دست آمده از تجارب مستقیم بر مبنای جانشینی اتفاق میافتد، در تضاد با مدارک غیررســـمی اســـت. در حالی که رفتارگرایی بر تأثیر محیط بر رفتار تأکید دارد، باندورا به تأثیر رفتار بر محیط علاقه‌مند بود. در این رابطه، موقعیتش به موقعیت ژاکوب کانتور نزدیک‌تر است، کسی که نظریه رفتارگرایی درونی‌اش به این مسأله اشاره دارد که موجود زنده و اشـــیای محرک اطراف آن باید به یک اندازه مهم در نظر گرفته شـــوند، موقعیتی که ظهور روانشـــناســـی

زیســـت‌محیطی را پیش‌گویی کرده اســـت. باندورا به مفهوم ارائه شـــده‌اش از محیط رجوع کرد - تعامل رفتار به عنوان «جبر متقابل» - نظریه‌ای که اشاره به تأثیر محیط و رفتار یک فرد بر دیگری دارد. او این ایده را به مرحله‌ای توسعه داد که شروع به در نظر گرفتن تعامل بین محیط، رفتار و فرایندهای روانشـــناختی فرد کرد. زمانی که او شـــروع به در نظر گرفتن نقشـــی برای تصـویرسـازی ذهنی کرد، از یک رفتارگرای سـخت‌گیر به یک روانشـناس شـناختی تبدیل شـد. در واقع او اغلب به عنوان پدر روانشناسی شناختی، شناخته می‌شود. نظریه بلندپروازانه «یادگیری اجتماعی» او در سال ۱۹۷۷ یک چارچوب نظری یکپارچه برای تحلیل تفکر و رفتار انسان فراهم کرد. در حالی که معرفی او از مفاهیم شناختی در رفتارگرایی، انحرافی مشخص نسبت به رفتارگرایی سنتی به وجود آورد، نقطه عطفی را ایجاد کرد که باندورا از آن به بعد یادگیری مشاهده‌ای (مدل‌سازی) و قاعده‌های شخصی را شروع کرد. این علاقه، به برنامه‌ای تحقیقاتی در مورد عوامل و مکانیزم‌های یادگیری مشاهده‌ای و مدل سازی رفتار مبتنی بر قاعده منجر شـــد. او ســـه مدل متفاوت را بیان کرد: زنده (مثلاً رفتار یک دوســـت)، نمادین (مثلاً رفتار یک بازیگر در تلویزیون) و شفاهی (مثلاً رفتار کسی که در یک داستان کوتاه یا رمان، توصیف شده است.). پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری ارتباطات طی قرن اخیر، (از رادیو تا تلویزیون و اینترنت) به این معناســـت که محیط نمادین نقشـــی قدرتمند در شـــکل‌دهی ارزش‌ها، ایده‌ها، دیدگاه‌ها و شـیوه‌های زندگی بازی می‌کند. بنابراین کار باندورا دقیقاً مرتبط با پیشـرفت‌های معاصـر در رشـد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است.

156- Which of the following is TRUE about Bandura' s early research?

1) He was interested in collecting informal evidence to prove his learning theories.

2) He argued that the organism is much more important than the stimulus objects surrounding it.

3) He was interested in studying the mutual relationship between the behavior and the environment.

4) He believed that learning occurs by responding to external stimuli.

۱۵۶- گزینه ۳ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر در مورد تحقیقات اولیه باندورا درست است؟

۱) او علاقه‌مند به جمع‌آوری شواهد غیررسمی برای اثبات نظریه‌های یادگیری خود بود.

۲) او استدلال کرد که موجود زنده بسیار مهم‌تر از اشیای محرک اطراف آن است.

۳) او علاقه‌مند به مطالعه روابط متقابل بین رفتار و محیط بود.

۴) او معتقد بود که یادگیری با پاسخ به محرک‌های خارجی رخ می‌دهد.

این جمله در متن آورده شده ا ست که «او این ایده را به مرحله‌ای تو سعه داد که شروع به در نظر گرفتن تعامل بین محیط، رفتار و فرایندهای روان‌شناختی فرد کرد.».

157- Why is Bandura known as a founding father of cognitive behaviorism?

1) He was under the influence of Jacob Kantor's interbehaviorism.
2) He shifted his attention to the role of human thought and mental imagery.
3) He was an ambitious theoretician who had grown tired of classical behaviorism.
4) He was inspired by research findings in ecological psychology.

۱۵۷- گزینه ۲ صحیح است.

- چرا باندورا به عنوان پدر روانشناسی شناختی، شناخته می‌شود؟

۱) او تحت تأثیر رفتارگرایی درونی ژاکوب کانتور بود.

۲) او توجه خود را به نقش تفکرات انسانی و تصویرسازی ذهنی تغییر داد.

۳) او یک نظریه‌پرداز بلندپرواز بود که از رفتارگرایی کلاسیک خسته شده بود.

۴) او از یافته‌های پژوهش در روانشناسی زیست‌محیطی الهام گرفته بود.

در متن گفته شده است که «زمانی که او شروع به در نظر گرفتن نقشی برای تصویرسازی ذهنی کرد، از یک رفتارگرای سخت‌گیر به یک روانشناس شناختی تبدیل شد. در واقع او اغلب به عنوان پدر روانشناسی شناختی، شناخته می‌شود.».

158- What does “he ceased to be a strict behaviorist” in line 15 mean?

1) He continued to be a faithful advocate of behaviorism.
2) He tried to be a conservative follower of behaviorism.
3) He strongly updated his behavioristic views.
4) He was no more a strong supporter of behaviorism.

۱۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

- معنای «او رفتارگرای سخت‌گیر بودن را متوقف کرد» در خط ۱۵ چیست؟

۱) او مدافع وفادار رفتارگرایی باقی ماند.

۲) او تلاش کرد که دنباله‌روی محافظه‌کار رفتارگرایی باشد.

۳) او به دشواری دیدگاه‌های رفتارگرایانه خود را به‌روز کرد.

۴) اون دیگر یک مدافع محکم رفتارگرایی نبود.

پیش از این جمله اشاره شده است که «او شروع به در نظر گرفتن نقشی برای تصویرسازی ذهنی کرد» و بنابراین نشان می‌دهد که اون دیگر فقط به رفتارگرایی معتقد نبوده است.

159- Which of the following can be inferred from the passage?

1) Though a psychologist, Bandura contributed significantly to information technology.
2) Bandura directed a research program that led to the discovery of rule-governed values.
3) The importance of Bandura's findings are highlighted by advances in communication technology.
4) Bandura worked on the concepts of modeling and self-regulated learning.

۱۵۹- گزینه ۳ صحیح است.

- کدام یک از گزینه‌های ذیل را می‌توان از متن استنتاج نمود؟

۱) اگر چه یک روانشناس، باندورا به طور قابل توجهی به فناوری اطلاعات کمک کرده است.

۲) باندورا یک برنامه تحقیقاتی که به کشف ارزش‌های قانونی منجر شد را هدایت کرد.

۳) اهمیت یافته‌های باندورا با پیشرفت‌هایی در فناوری ارتباطات برجسته شده است.

۴) باندورا بر مفاهیم مدل‌سازی و قاعده‌های شخصی کار کرده است.

خط ۲۱ متن به این امر اشاره کرده است.

160- Which of the following would the paragraph following the passage most probably discuss?

1) The relevance of symbolic behavior to an aspect of communication technology

2) The variables that attracted Bandura to directly work in information and communication technology

3) The difference between the symbolic environment and the one created by the growth of information and communication technology

4) The values that communication technology cannot aptly address

۱۶۰- گزینه ۱ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر، پاراگراف بعدی متن را به احتمال زیاد مورد بحث قرار می‌دهد؟

۱) ارتباط رفتار نمادین به جنبه‌ای از فناوری ارتباطات

۲) متغیرهایی که باندورا را به کار کردن مستقیم بر فناوری اطلاعات و ارتباطات جذب کرد.

۳) تفاوت بین محیط نمادین و (محیط) ایجادشده توسط رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات

۴) ارزش‌هایی که فناوری ارتباطات نمی‌تواند ماهرانه نشان دهد.

دو جمله آخر متن، نشان می‌دهد که موضوع پاراگراف بعدی گزینه ۱ است.

۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- Women are thought to …….. no official role in Roman army activities.

1) having had
2) have
3) have had
4) be having

۱۳۱- گزینه ۳ صحیح است.

بعد از be thought to، فعل به شکل مصدر ساده می‌آید. هر دو گزینه ۲ و ۳ به لحاظ گرامری صحیح هستند، اما در این سؤال تشخیص زمان فعل مهم است.

به ترجمه فارسی دقت کنید:

Women are thought to have had no official role in Roman army activities.

«چنین تصور می‌شود که زنان هیچ‌گونه نقش رسمی در فعالیت‌های ارتش روم نداشته‌اند.»

در مورد گزینه ۲ باید گفت که در صورتی این گزینه صحیح بود که ارتش امپراطوری روم همچنان وجود داشت تا فعل با زمان حال صحیح باشد:

Women are thought to have no official role in Roman army activities.

«چنین تصور می‌شود که زنان هیچ‌گونه نقش رسمی در فعالیت‌های ارتش روم ندارند.»

132- We have to make sure …….. that we think is right.

1) a way that will machines behave
2) that machines will behave in a way
3) for the machines a way to behave
4) to behave in a way that machines are

۱۳۲- گزینه ۲ صحیح است.

در این سؤال، ساختار make sure (that) + subject + verb مورد سؤال است که make sure به معنای «مطمئن ساختن» است.

133- Defaunation has caused numerous geographic range constrictions in marine animal species, …… them locally extinct in many habitants.

1) and has driven
2) that are driven by
3) which it drives
4) driving

۱۳۳- گزینه ۴ صحیح است.

Defaunation فاعل، has caused فعل و constrictions مفعول جمله اصلی است. بنابراین جمله کامل است.

گزینه ۱ نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا وقتی در یک جمله مستقل می‌خواهیم دو فعلی که توسط یک فاعل انجام گرفته را بیان کنیم، بین فعل‌ها از ویرگول استفاده نمی‌کنیم.

با قرار گرفتن گزینه ۴ در جای خالی، عبارت بعد از ویرگول یک Participial Phrases خواهد بود.

Participle Phrases در حقیقت نوعی modifier برای اسامی و ضمایر هستند، اما مانند صفت یک واژه نبوده، بلکه عبارتی هستند که شامل شکل گذشته ساده فعل و یا مصدر با ing هستند و به توصیف ضمایر و اسامی می‌پردازند.

134- Vaccinated mice were then challenged with LCMV Clone-13 (CI-13), which causes a systemic infection …… .

1) that lasts for 60 to 90 days
2) of 60 to 90 days to last
3) lasts between 60 and 90 days
4) between 60 to 90 days of lasting

۱۳۴- گزینه ۱ صحیح است.

mice فاعل، were challenged فعل جمله اصلی و LCMV Clone-13 مفعولِ with است.

which causes a systematic infection عبارت وصفی برای LCMV Clone-13 است که which ضمیر موصولی در نقش فاعل، causes فعل و infection مفعول است.

در جای خالی عبارت وصفی برای infection می‌تواند باشد که گزینه ۱ صحیح است.

135- For the first time, it is possible to distinguish between brain activity associated with pain from a physical cause, such as an injury, and …….with pain linked to your state of mind.

1) the association
2) is associated
3) that associated
4) that of association is

۱۳۵- گزینه ۳ صحیح است.

جمله صورت سؤال قصد دارد تمایز بین دو نوع فعالیت مغزی مرتبط با درد را نشان دهد:

… brain activity (which is) associated with pain form a physical cause, such as injury, and brain activity (which is) associated with pain linked to your state of mind.

وقتی این دو قسمت در ساختار موازی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، برای پرهیز از حشو به جای brain activity در قسمت دوم، that جایگزین می‌شود. بنابراین خواهیم داشت:

… brain activity associated with pain form a physical cause, such as injury, and *that associated* with pain linked to your state of mind.

136- The visual treatment was as much influenced by stylistic ideas of what was visually appropriate for a modern architecture ……. technical factors connected with the structure.

1) as it was by 2) to be in 3) being 4) was

۱۳۶- گزینه ۱ صحیح است.

در این سؤال با ساختار صفت برابری as + adj/adv + as مواجه هستیم.

در صورت سؤال as much influenced آورده شده است، بنابراین باید در ادامه به دنبال as دیگری باشیم.

137- …….. that can take the place of monatomic anions.

1) That many polyatomic anions
2) Polyatomic anions are so many
3) As many as polyatomic anions
4) There are many polyatomic anions

۱۳۷- گزینه ۴ صحیح است.

that can take the place of monatomic anions یک جمله‌واره وصفی برای اسم قبل از خود است، بنابراین پیش از این عبارت در جای خالی یک اسم داریم.

همچنین طبق قاعده جمله باید فعل و فاعل داشته باشد. بنابراین گزینه ۴ صحیح است.

138- …… in our first meeting that I never ever again went for a second visit.

1) I found him contentious
2) So contentious I found him
3) Contentious as I found him
4) More contentious I found him

۱۳۸- هیچ یک از گزینه‌ها صحیح نیست.

در این سؤال با ساختار so + adj + that مواجه هستیم.

جمله به صورت زیر باشد:

I found him so contentious in our first meeting that I never ever again went for a second visit.

با توجه به جمله فوق، گزینه ۱ به دلیل نبود so صحیح نیست.

اما اگر بخواهیم تأکید بیشتری بر contentious داشته باشیم، so + adj بدین صورت در ابتدای جمله می‌آید:

So contentious did I find him in our first meeting that I never ever again went for a second visit.

بنابراین گزینه ۲ نیز صحیح نیست.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- Since there is a huge ……. between the results of the first and second experiment, the laboratory team will conduct a third test.

1) moderation
2) controversy
3) discrepancy
4) corruption

۱۳۹- گزینه ۳ صحیح است.

«از آن جا که اختلاف بزرگی بین نتایج آزمایش اول و دوم وجود دارد، تیم آزمایشگاهی تست سومی را اجرا خواهند کرد.»

۱) اعتدال، میانه‌روی؛ ۲) بحث، گفت‌وگو؛ ۳) اختلاف، مغایرت؛ ۴) فساد، تباهی، پوسیدگی

140- The …….. atmosphere in the room was negatively affected by an unexplained outburst of anger by one of those present, and presumably directed against the vice president of the company.

1) cordial
2) susceptible
3) quaint
4) tedious

۱۴۰- گزینه ۱ صحیح است.

«فضای دوستانه داخل اتاق با طغیان خشم بی‌دلیل یکی از میهمانان به طرز منفی تحت تأثیر قرار گرفت و احتمالاً علیه نایب رییس شرکت هدایت شد.»

۱) دوستانه، صمیمی؛ ۲) حساس، مستعد؛ ۳) ماهر، زبردست؛ ۴) خسته‌کننده، ملال‌انگیز

141- If you damage your refrigerator while trying to fix it, you could possibly …….. your warranty and find yourself responsible for all the repair costs.

1) elude
2) nullify
3) manipulate
4) postpone

۱۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

«اگر در هنگام تلاش برای ایستا کردن یخچالتان، به آن آسیب بزنید، احتمالاً گارانتی خود را باطل می‌کنید و کلیه هزینه‌های تعمیر به عهده خودتان است.»

۱) فرار کردن، گریختن، طفره رفتن؛ ۲) باطل کردن، خنثی کردن؛ ۳) با مهارت انجام دادن؛ ۴) به تعویق انداختن

142- A true scientist is not expected to let his …….. compromise his scientific work.

1) recognitions
2) argumentations
3) initiation
4) preconceptions

۱۴۲- گزینه ۴ صحیح است.

«از یک دانشمند واقعی انتظار نمی‌رود که اجازه دهد تعصباتش کارهای علمی او را به خطر اندازد.»

۱) بازشناسی‌ها، تشخیص‌ها؛ ۲) مناظرات، روش‌های استدلال؛ ۳) آغاز؛ ۴) تمایلات، گرایش‌ها، تعصبات

143- The attorney lost his license to practice when it was discovered he often took steps to …….. evidence to keep his clients out of jail.

1) fabricate
2) substantiate
3) purify
4) intimidate

۱۴۳- گزینه ۱ صحیح است.

«هنگامی که مشخص شد وکیل غالباً اقدام به جعل شواهدی برای به زندان نیفتادن موکلین خود می‌کند، مجوز کار خود را از دست داد.»

۱) سر هم کردن، جعل کردن؛ ۲) با دلیل و مدرک اثبات کردن؛ ۳) تصفیه کردن، پالودن؛ ۴) مرعوب کردن، ترساندن

144- If there was an award for being ……., my aunt would win because she is always complaining about something.

1) benevolent
2) reticent
3) fanatical
4) querulous

۱۴۴- گزینه ۴ صحیح است.

«اگر برای عیب‌جویی جایزه‌ای وجود داشت، خاله من جایزه را می‌برد چون همیشه در حال شکایت کردن از چیزی است.»

۱) خیرخواه، سخاوتمند؛ ۲) کم‌حرف، ساکت؛ ۳) متعصب، تندرو؛ ۴) ایرادگیر، عیب‌جو

145- Because education is not ……. in all countries, there are many children who do not attend school.

1) autonomous
2) flexible
3) compulsory
4) authentic

۱۴۵- گزینه ۳ صحیح است.

«از آن‌جا که آموزش در همه کشورها اجباری نیست، کودکان زیادی وجود دارند که به مدرسه نمی‌روند.»

۱) خودمختار، مستقل؛ ۲) منعطف؛ ۳) اجباری، الزامی؛ ۴) قابل اعتماد، معتبر، موثق

146- Given such animals' rapid ……. in numbers, she did not actually think she would ever get a chance to see one in the wild.

1) execution 2) domination
3) depletion 4) alienation

۱۴۶- گزینه ۳ صحیح است.

«با توجه به کاهش سریع تعداد چنین حیواناتی، او حقیقتاً فکر نمی‌کند که هرگز شانسی برای دیدن یکی از آن‌ها در طبیعت داشته باشد.»

۱) اجرا، انجام؛ ۲) تسلط، چیرگی؛ ۳) کاهش، تقلیل؛ ۴) بیگانگی، بیزاری جدایی

147- He …….... her blank stare as boredom and stopped telling her about his new job.

1) construed 2) detested
3) scrutinized 4) regretted

۱۴۷- گزینه ۱ صحیح است.

«او نگاه بی‌حوصله‌اش را ملالت نفسیر کرد و صحبت با او در مورد شغل جدیدش را متوقف کرد.»

۱) تفسیر کردن، تعبیر کردن؛ ۲) متنفر بودن، بیزار بودن؛ ۳) با دقت نگریستن، وارسی کردن؛ ۴) تأسف خوردن، متأسف بودن

148- The ..... value of a college degree is worth more than the financial cost of obtaining a higher education.

1) arbitrary 2) intrinsic
3) complementary 4) innovative

۱۴۸- گزینه ۲ صحیح است.

«ارزش ذاتی یک مدرک کالج بیش از هزینه اقتصادی اخذ آموزش عالی است.»

۱) اختیاری؛ ۲) ذاتی، درونی؛ ۳) مکمل، متمم؛ ۴) نوآورانه، مبتکرانه

149- Interrogators were reportedly frustrated by their inability to ..... useful information from him.

1) elicit 2) augment
3) extend 4) speculate

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«ظاهراً بازجوها به خاطر ناتوانی خود برای بیرون کشیدن اطلاعات مفید از او خسته بودند.»

۱) بیرون کشیدن، در کشیدن (از کسی)؛ ۲) افزودن، افزایش دادن؛ ۳) گستردن، توسعه دادن؛ ۴) اندیشیدن، گمان کردن

150- He has got such a ..... memory that even now, at the age of seventy, he can recall the formulate he had studied in his school days.

1) vigilant 2) deft
3) prodigious 4) feasible

۱۵۰- گزینه ۳ صحیح است.

«او حافظه‌ای شگفت‌انگیز دارد به طوری که حتی حالا، در سن ۷۰ سالگی، می‌تواند فرمول‌هایی که در مدر سه مطالعه کرده است را به یاد آورد.»

۱) هشیار، مراقب؛ ۲) زبردست، ماهر؛ ۳) شگفت‌انگیز، اعجاب‌آور؛ ۴) ممکن، عملی

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

These days the popular mantras for stimulating creativity frequently extol the virtues of thinking outside the box: "There are no wrong answers." "Consider all options." "Break the boundaries that prevent you from innovation." But not all boundaries should be broken. Some are real and need to be respected. Sometimes it is best to know how to think creatively inside the box.

If you identify constraints that any solution to a specific problem must obey, you can channel your search into more productive directions. Eventually you must always figure out which of your possible solutions are workable and which are not. By imposing constraints on your solution search – in effect, understanding what box they will ultimately have to fit into – you can filter out unworkable ideas before they shape and see the real solutions more easily.

Becoming aware of the relevant constraints can be powerfully liberating. Filtering out your thoughts this way may at first seem as though it would censor potentially good ideas. But, on the contrary, identifying the underlying attributes of real solutions can actually help generate ideas.

When you are faced with a difficult problem, it's all too easy to get caught up in what you don't know. So instead begin by figuring out what you do know about the solution, even if it is incomplete. Identify all the attributes that will be a necessity part of any workable solution. These <u>necessary attributes</u> are the principles (mathematicians call them axioms) that will serve as problem – solving catalysts. A great advantage of this

principle- centered approach is that it helps to focus your search by preventing you from having to start from scratch every time you run into a roadblock.

این روزها گفته‌های مشهور، اغلب مزایای تفکر متفاوت و خارج از کلیشه را در راستای تحریک خلاقیت ستایش می‌کنند: «هیچ جواب اشتباهی وجود ندارد.» «همه گزینه‌ها را در نظر بگیرید.» «مرزهایی که مانع از خلاقیت شما می شوند را بشکنید.» اما همه مرزها نباید شکسته شوند. بعضی مرزها واقعی هستند و باید مورد احترام واقع شوند. بعضی وقت‌ها بهترین کار این است که بدانید چگونه داخل مرزها به شیوه‌ای خلاق فکر کنید.

اگر محدودیت‌هایی را شناسایی کنید که هر راه‌حلی برای مشکلی خاص باید از آن‌ها اطاعت کنند، می‌توانید تحقیقات خود را به سمت‌وسوهای کارامدتری سوق دهید. در نهایت همواره باید بسنجید که کدام یک از راه‌حل‌های شما عملی و کدام یک غیرعملی هستند. با اعمال محدویت به تحقیقاتتان برای پیدا کردن راه‌حل و با فهمیدن این که در نهایت راه‌حل درون کدام مرزها و محدودیت‌ها قرار خواهد گرفت، می‌توانید راه‌حل‌های غیرعملی را قبل از این که شکل بگیرند، حذف کنید و راه‌حل‌های واقعی را بهتر ببینید.

آگاهی از محدودیت‌های مرتبط می‌تواند به شدت رهایی‌بخش باشد. محدود کردن تفکرات خود به این روش، ممکن است در ابتدا طوری به نظر برسد که می‌تواند فکرهای بالقوه را حذف کند. اما برعکس، شناسایی دیدگاه‌های موجود در مورد راه‌حل‌های واقعی می‌تواند به تولید ایده کمک کند.

زمانی که با مشکلی پیچیده مواجه می شوید، گرفتار شدن در چیزی که نمی‌دانید بسیار ساده است. بنابراین به جای آن، شروع به سنجش آن چه در مورد راه‌حل می‌دانید کنید، حتی اگر کامل نشده باشد. همه دیدگاه‌هایی که قسمت مهمی از یک راه‌حل عملی هستند را شناسایی کنید. این دیدگاه‌های ضروری مبناهایی (ریاضی‌دان‌ها آن‌ها را قضیه می‌نامند.) هستند که به عنوان کاتالیزورهای حل مسأله عمل خواهند کرد. یک مزیت اصلی این رویکرد مبنا-محور این است که به تمرکز جست‌وجوی شما، با ممانعت از شروع کردن از صفر هنگامی که با مانعی مواجه می‌شوید، کمک می‌کند.

151- What is the best title for the passage?

1) How to Be Creative
2) Principled Problem Solving
3) Virtues of Brainstorming
4) Thinking Outside the Box: Pros and Cons

۱۵۱- گزینه ۲ صحیح است.

- بهترین عنوان برای متن چیست؟

۱) چگونه خلاق باشید

۲) اصول حل مشکل

۳) مزایای طوفان ذهنی

۴) تفکر متفاوت: مزایا و معایب

با توجه به جملات اول همه پاراگراف‌های متن، موضوع اصلی متن برشمردن مزایای طوفان ذهنی است.

152- Which of the following best describes the author's attitude towards the quoted statements in paragraph 1?

1) Pointed opposition
2) Reproachful and disturbed
3) Skeptical but resigned
4) Partial endorsement

۱۵۲- گزینه ۴ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل طرز تلقی نویسنده در مورد عبارات نقل‌قول‌شده در پاراگراف اول را توصیف می‌کند؟

۱) مخالفت کنایه‌دار

۲) طعنه‌آمیز و آشفته

۳) شکاک و پریشان

۴) تأیید جزئی

متن به مزایای تفکر متفاوت اشاره کرده است و عبارات موجود در پاراگراف اول نیز در همین رابطه است.

153- The author implies that if you try to solve problems on the basis of the axiom according to which all boundaries that prevent you from innovating are to be broken, you would then ……. .

1) come up with a number of workable and unworkable plans between which you cannot make a distinction
2) never be able to extricate yourself from popular, non-academic approaches to problem solving
3) beat more about the bush due to not having channeled your search already
4) find yourself imprisoned within a hypothetical box of limited viable options

۱۵۳- گزینه ۳ صحیح است.

نویسنده به طور ضمنی اشاره می‌کند که اگر سعی کنید مسائل را بر اساس این اصل حل کنید که همه حد و مرزهای مانع نوآوری باید شکسته شوند، آن گاه شما ..... .

۱) به تعدادی از برنامه‌های علمی و غیرعملی که نمی‌توانید آن‌ها را تمیز دهید، دست می‌یابید.

۲) هرگز قادر به رها کردن خودتان از روش‌های غیر علمی پرطرفدار برای حل مسئله نیستید.

۳) به جای پرداختن به اصل موضوع به علت عدم هدایت جست‌وجوی خود در حال حاضر به حاشیه می‌روید.

۴) خود را در جعبه‌ای فرضی از گزینه‌های مداوم محدود، زندانی می‌کنید.

این سؤال ناظر به پاراگراف دوم متن هست. مفهوم کلی این پاراگراف این است که شما از هر مسیری که به مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها دست یابید، باید در نهایت راه‌حل‌های عملی و غیرعملی را جدا کرده و راه‌حل‌های غیرعملی را کنار بگذارید و تنها راه‌حل‌های عملی را نگه دارید.

154- Which of the following statements is the author more likely to agree with?

1) Letting constraints filter and guide your thinking can often be the best way to reach truly creative solutions.

2) Becoming aware of the relevant constraints may adversely affect the generation of creation pragmatic solutions.

3) When faced with a difficult problem, getting caught up in a web of relevant and irrelevant constraints is inevitable.

4) When solving problems, make no use of that part of your background knowledge that is part of folk culture.

۱۵۴- گزینه ۳ صحیح است.

- نویسنده متن با کدام یک از عبارات ذیل به احتمال زیاد موافق است؟

۱) اجازه دادن به محدودیت‌ها جهت فیلتر و راهنمایی تفکرات شما غالباً می‌تواند بهترین راه برای دست یافتن به راه‌حل‌های واقعاً خلاقانه باشد.

۲) آگاه شدن از محدویت‌های مرتبط ممکن است به صورت منفی آفرینش راه‌حل‌های عملی را تحت تأثیر قرار دهد.

۳) هنگامی که با مشکلی مواجه هستید، گیر افتادن در دام محدودیت‌های مربوط و نامربوط اجتناب‌ناپذیر است.

۴) در هنگام حل مشکلات، آن قسمت از دانش زمینه‌ای خود را که بخشی از فرهنگ عامیانه است را به کار نگیرید.

155- According to the passage, the “necessary attributes” mentioned in paragraph 4 …….. .

1) can be the end result of work in mathematics

2) may at times prove to be too difficult to identify in the first place

3) can help accelerate the search for the right solution to a problem

4) are organic to the integrity of not only mathematics but also chemistry

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است.

- بنا بر متن، «دیدگاه‌های ضروری» ذکرشده در پاراگراف ۴ ..... .

۱) می‌تواند نتیجه نهایی کار در ریاضیات باشد.

۲) ممکن است گاهی مشخص شود که برای شناسایی در وهله اول بیش از حد دشوار است.

۳) می‌تواند به سرعت بخشیدن به جست‌وجوی راه‌حل مناسب برای یک مشکل کمک کند.

۴) برای یکپارچگی در ریاضیات و نیز شیمی اساسی هستند.

مفهوم جمله انتهایی متن با گزینه ۳ مطابقت دارد، جلوگیری از شروع کردن از صفر در هنگام مواجه شدن با موانع برابر با سرعت بخشیدن به جست‌وجوی راه حل مناسب است.

Passage 2:

The world's honeybees appear to be dying off in horrifying numbers, and now consensus is starting to emerge on the reason why; it seems there is no one cause. Infections, lack of food, pesticides and breeding - none catastrophic on their own - are having a synergistic effect, pushing bee survival to a lethal tipping point. A somewhat anti-climactic conclusion it may be, but appreciating this complexity - and realizing there will be no magic bullet - may be the key to saving the insects.

A third of our food relies on bees for pollination. Both the US and UK report losing a third of their bees last year. Other European countries have seen major die-offs too: Italy, for example, said it lost nearly half its bees last year. The deaths are now spreading to Asia, with reports in India and suspected cases in China.

But while individual "sub-lethal stresses" such as infections are implicated, we know little about how they add together. The situation should become clearer in the few years as the US government, the EU and others are pouring money into bee research. The UK, for example, has doubled its annual research budget, allocating £400,000 a year for the next five years.

On top of that, the UK National Bee Unit will get £2.3 million to map the problem. This money is urgently needed, says Peter Neumann of the Swiss Bee Research Centre in Berne, who runs COLLOSS, a network of researchers studying colony loss in 36 countries. "We don't have the data to assess the situation in Europe, never mind the world," he says.

The main stress facing bees is the varroa mite, a parasite from Siberia that has now spread everywhere but Australia. Mite infestation steeply reduce bees' resistance to viral infection. Worryingly, the mites are developing resistance to the pesticides used to control them, forcing beekeepers to use methods that are often less effective.

French and German beekeepers blame their losses on insecticides called neonicotinoids - but France banned them 10 years ago and its bees are still dying. Neumann suspects a wider problem, citing experiments showing that agricultural chemicals that are safe for bees when used alone are lethal in combination. "Farmers increasingly combine sprays," he says. They also leave few flowering weeds, depriving bees of essential nutrients from different kinds of pollen, he adds.

ظاهراً تعداد زیادی از زنبورهای عسل در حال تلف شدن هستند و عموم مردم به دنبال علت آن هستند: به نظر می‌رسد دلیلی وجود ندارد. عفونت، کمبود غذا، حشره‌کش‌ها و تولید مثل، که به تنهایی فاجعه‌بار نیستند، دارای یک اثر مشترک هستند، تغییر روال زنده بودن زنبورها به یک نقطه اوج مهلک. [این امر] ممکن است نتیجه‌گیری تقریبی قهقرایی باشد، اما درک این پیچیدگی - و فهمیدن این که راهی مؤثر وجود نخواهد داشت - ممکن است بتواند حشرات را نجات دهد.

یک سوم غذاهای ما به گرده‌افشانی زنبورها وابسته است. هم امریکا و هم انگلستان گزارش کرده‌اند که یک سوم زنبورهایشان را سال گذشته از دست داده‌اند. سایر کشورهای اروپایی هم زنبورهای زیادی از دست داده‌اند. به عنوان مثال ایتالیا اعلام کرده است که سال گذشته حدود نیمی از زنبورهایش را از دست داده است. این مسأله در حال حاضر، با توجه به گزارش‌هایی که از هند آمده و موردهای مشکوکی که در چین اعلام شده است، در حال پیشروی در آسیا است.

اما در حالی که فشـــارهای نیمه‌مهلک نظیر عفونت [در این زمینه] مؤثر هســـتند، در مورد این که آن‌ها چگونه در کنار هم قرار می‌گیرند، اطلاعات کمی داریم. هم‌زمان با دولت آمریکا، اروپا و سایر کشورها نیز پول بیشتری صرف تحقیقات در زمینه زنبور عســل می‌کنند، تا وضـعیت در ســال‌های آتی واضـح‌تر گردد. به عنوان مثال انگلســتان بودجه تحقیقات ســالیانه‌اش را با اختصاص سالیانه ۴۰۰۰۰۰ پوند برای ۵ سال آینده، دو برابر کرده است.

فراتر از این مبلغ، واحد ملی زنبور عســل در انگلســتان، ۲٫۳ میلیون پوند برای حل این مشــکل دریافت خواهد کرد. طبق گفته پیتر نومن از مرکز تحقیقات زنبور عسل سوئیس در برن، که مدیریت کولوس، شبکه‌ای از محققان که به مطالعه خسارت مهاجرنشینی در ۳۶ کشور می‌پردازند، را بر عهده دارد، این پول سریعاً مورد نیاز است. او می‌گوید «حتی در صورت چشم‌پوشی از کل جهان، ما حتی داده کافی برای ارزیابی موقعیت در اروپا را نداریم.»

تنش اصــلی که زنبورها با آن مواجه هســتند، کنه واروآ، انگلی از ســیبریه اســت که در حال حاضــر در همه جا به غیر از استرالیا پخش شده است. هجوم کنه‌ها به شدت مقاومت زنبورها را نسبت به بیماری‌های ویروسی کاهش می‌دهد. کنه‌ها به طرز نگران‌کننده‌ای مقاومت را در برابر حشره‌کش‌هایی که برای کنترل آن‌ها استفاده می‌شود، افزایش می‌دهند و زنبورداران را وادار به استفاده از روش‌هایی می‌کنند که اغلب اثربخشی کمتری دارند.

زنبورداران فرانسوی و آلمانی از ضررهای وارده به آن‌ها در اثر حشره‌کش‌هایی که نئونیکوتینوئید نامیده می شود گله‌مند هستند. اما دولت فرانسه آن‌ها را ۱۰ سال پیش ممنوع کرد و زنبورهایش همچنان دارند می‌میرند. نومن به مشکلات بزرگ‌تری مظنون است، استناد به تجربیات نشان می‌دهد که مواد شیمیایی کشاورزی زمانی که به تنهایی استفاده می‌شوند، برای زنبورها بی خطر هستند. اما در حالت ترکیبی مهلک می‌شوند. او می‌گوید «کشاورزان در بسیاری مواقع اسپری‌ها را ترکیب می‌کنند.» او اضافه می‌کند، همچنین آن‌ها مقدار کمی علف هرزه باقی می‌گذارند، که منجر به محروم کردن زنبورهای عسل از مواد مغذی ضروری از انواع مختلف گرده می‌شوند.

156- Which of the following best describes “this complexity” as it is used in paragraph 1?

1) Honeybee’s survival being uncertain
2) Honeybee’s being attacked on many fronts
3) The unpromising prospect for saving honeybees
4) The intricate relationship between saving all insects and saving honeybees

۱۵۶- گزینه ۲ صحیح است.

- کدام یک از گزینه‌های زیر به بهترین شکل «این پیچیدگی» را که در پاراگراف ۱ آورده شده را توصیف می‌کند؟

۱) بقای متزلزل زنبورهای عسل

۲) حمله شدن به زنبورهای عسل در بسیاری جبهه‌ها

۳) چشم‌انداز نومیدکننده برای نجات زنبورهای عسل

۴) رابطه پیچیده بین نجات همه حشرات و نجات زنبورهای عسل

«این پیچیدگی» به جمله قبل اشاره دارد که گفته شده «عفونت، کمبود غذا، حشره‌کش‌ها و تولید مثل، که به تنهایی فاجعه‌بار نیستند، دارای یک اثر مشترک هستند، تغییر روال زنده بودن زنبورها به یک نقطه اوج مهلک.».

بنابراین مراد از آن دلایل مختلفی است که همزمان با هم اثر منفی بزرگی بر حیات زنبورها به جا می‌گذارند.

157- What is the function of paragraph 2 in relation to paragraph 1?

1) It qualifies the conclusion made in paragraph 1.
2) It provides specific information lending support to the problem portrayed in paragraph 1.
3) It questions the possibility of finding a solution to the problem described in paragraph 1.
4) It brings in facts and figures disproving the claim made in paragraph 1 to the effect that honeybees are actually being pushed to a lethal tipping point.

۱۵۷- گزینه ۲ صحیح است.

- نقش پاراگراف ۲ در ارتباط با پاراگراف ۱ چیست؟

۱) نتیجه‌گیریِ پاراگراف ۱ را توصیف می‌کند.

۲) اطلاعاتی خاص فراهم می‌کند که پشتیبانی از مشکل توصیف شده در پاراگراف ۱ را به دنبال دارد.

۳) احتمال یافتن راه‌حل برای مشکل توصیف‌شده در پاراگراف ۱ را زیر سؤال می‌برد.

۴) واقعیات و طرح‌هایی را ارائه می‌کند که ادعای مطرح شده در پاراگراف ۱ مبنی بر این که زنبورهای عسل واقعاً به نقطه اوج مهلک نزدیک شده‌اند را رد می‌کند.

پاراگراف ۱ با بیان گستردگی فاجعه، دلایل آن را به طور خلاصه بیان می‌کند و پاراگراف ۲ با بیان وسعت فاجعه به تأیید مطالب پاراگراف اول و تأکید اهمیت آن می‌پردازد.

158- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

1) Why did Italy lose fewer honeybees than the US and the UK?
2) Why does the author state that each single cause of honeybee die-offs is not catastrophic on its own?
3) Why is Siberia a good place for the growth of a parasite that is said to be the main culprit for honeybees' dying off across the world?
4) Why is it that the author claims that the synergistic effect of various causes of honey bee losses would be clearer in the near future?

۱۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

- متن اطلاعات کافی جهت پاسخ دادن به کدام یک از سؤالات ذیل را فراهم می‌کند؟

۱) چرا ایتالیا زنبورهای عسل کمتری نسبت به انگلستان و امریکا از دست می‌دهد؟

۲) چرا نویسنده بیان می‌کند که هیچ یک از دلایل مرگ زنبورهای عسل به تنهایی فاجعه‌بار نیستند؟

۳) چرا سیبریه مکانی مناسب برای رشد انگلی است که گفته می‌شود مقصر اصلی مرگ زنبورهای عسل در سطح جهان است؟

۴) چرا نویسنده ادعا می‌کند که اثر مشترک دلایل گوناگون از دست رفتن زنبورهای عسل در آینده‌ای نزدیک واضح‌تر خواهد بود؟

در پاراگراف سوم، پاسخ سؤال موجود در گزینه ۴ وجود دارد که «اختصاص پول بیشتری جهت تحقیقات در زمینه زنبور عسل است».

159- The word “them” in paragraph 5 refers to ……. .

1) mites
2) pesticides
3) infestations
4) bees

۱۵۹- گزینه ۱ صحیح است.

- واژه «them» در پاراگراف ۵ به ..... اشاره می‌کند.

۱) کنه‌ها؛ ۲) حشره‌کش‌ها؛ ۳) هجوم‌ها؛ ۴) زنبورهای عسل

Worryingly, the mites are developing resistance to the pesticides used to control them, forcing beekeepers to use methods that are often less effective.

اولین اســـم قبل از ضـــمیر مفعولی «them»، pesticides اســـت که به لحاظ تعداد همخوانی دارند اما به لحاظ معنا با هم تناسب ندارند.

mites که در ابتدای جمله آمده، به لحاظ تعداد با them همخوانی دارد و با توجه به مفهوم جمله نیز مرجع این ضمیر است.

160- Why does the author mention “France” in the last paragraph of the passage?

1) to emphasize the inefficacy of current anti-parasite strategies
2) to refer to the length of the existence of a persistent problem
3) to introduce a country with a novel solution
4) to refute an earlier assertion

۱۶۰- گزینه ۴ صحیح است.

- چرا نویسنده در آخرین پاراگراف متن از «فرانسه» یاد می‌کند؟

۱) برای تأکید بر عدم تأثیر راهبردهای ضد کنه رایج

۲) اشاره به طول زمان وجود مشکلی دائمی

۳) معرفی کشوری با راه‌حلی جدید

۴) رد ادعایی پیشین

طبق پاراگراف آخر، در گذ شته ادعا می شده که نئونیکوتینوئید عامل مرگ زنبورها بوده ا ست، اما با وجود ممنوعیت ۱۰ ساله استفاده از این ماده در فرانسه، همچنان زنبورها در این کشور در حال مرگ هستند.

وجود کلمه but در این جملات نشان‌دهنده نوعی تضاد است.

PhDTest.ir

پاسخ تشریحی سؤالات زبان عمومی
آزمون نیمه‌متمرکز دکتری ۹۵

پی‌اچ‌دی تست؛ نخستین وب‌سایت تخصصی آزمون دکتری

۱– سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- …… all rock flour would be suitable for use as fertilizer. Certain chemical elements, such as lead and cadmium, are poisonous to humans.

1) Not 2) No 3) None 4) Neither

۱۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

Not all ترکیب صحیحی است.

گزینه ۳ غلط است، چرا که none به تنهایی با all به کار نمی‌رود و none all ترکیب غلطی است.

گزینه ۴ اشتباه است، چرا که neither به عنوان یک determiner (معرف) پیش از یک اسم مفرد به کار می‌رود.

Neither journalist could finish their articles; there wasn't enough time.

قابل توجه است که در این جمله علت اشتباه بودن neither، همراه نشدن آن با nor نیست، چرا که neither به عنوان حرف ربط به کار نرفته است. در ساختاری همانند جملات زیر، وجود nor لازم است:

Neither girls nor William is to blame.

I will neither call you nor send you a message before midnight.

132- Diverse mammals, …… humans, have been found to carry distinct genomes in their cells.

1) that includes 2) include 3) including 4) by including

۱۳۲- گزینه ۳ صحیح است.

ساختار جمله به صورت زیر بوده است:

Diverse mammals, which include humans, have been found to carry distinct genomes in their cells.

اگر جمله فعل be نداشته باشد، برای خلاصه کردن عبارت توصیفی کافی است ضمیر موصولی را حذف کرده و فعل را به فرم ing تغییر دهید. بنابراین جمله فوق به صورت زیر خواهد بود:

Diverse mammals, including humans, have been found to carry distinct genomes in their cells.

133- From universal to specific assays biochemical to cell-based, no one gives you …… to research enzymatic targets in epigenetics than Cisbio.

1) tools as broad in range as
2) a broader range of tools
3) tools with a broad range
4) a broad range of tools

۱۳۳- گزینه ۲ صحیح است.

به دلیل وجود than باید وجود مقایسه بین دو چیز برر سی شود و ساختار قبل و بعد از than باید یک سان با شد. همچنین صفت باید به صورت تفضیلی (اضافه شدن er به صفت یک سیلابی و more به صفتی با بیش از یک سیلاب) به کار گرفته شود.

134- …… one experiment or one hundred, at Mirus Bio we know your passion for science will take you one step closer to the answer.

1) Performing from
2) When you perform
3) By performing
4) Whether you perform

۱۳۴- گزینه ۴ صحیح است.

در این‌جا با ساختار حروف ربط جفتی whether … or مواجه هستیم. این ساختار برای بیان دو وضعیت به کار می‌رود که در صورت رخ دادن هر کدام نتیجه یکسان است.

135- Over the centuries the company moved its business base considerably through entries and exits …… away from its business roots in copper mining.

1) that eventually moved
2) and to move eventually
3) and eventually moved
4) then moved eventually

۱۳۵- گزینه ۳ صحیح است.

حروف ربط and, but, or جهت مرتبط کردن عبارات همسان به کار می‌روند. بنابراین لازم است کلماتی که توسط این حروف به هم مرتبط می شوند دارای ساختار گرامری یک‌سانی با شند. بنابراین با توجه به فعل moved قبل از جای خالی، فعل جای خالی هم باید گذشته ساده باشد.

گزینه ۱ غلط اســـت، چرا که فاعل moved در جای خالی، company اســـت، اما اگر گزینه ۱ را در جای خالی قرار دهیم، عبارت قبل از جای خالی یعنی entries and exits فاعل خواهد بود.

گزینه ۲ به دلیل ناهمسان بودن فعل غلط است.

گزینه ۴ هم به لحاظ معنایی صحیح نیست، چون then به معنای «بعد» است و بین دو عبارتی به کار می‌رود که دارای توالی زمانی باشند.

136- Since around 50 percent of all stars …… their lives with masses greater than 1.4M, we might expect that one out of every two stars would die as a supernova.

1) are believed to begin
2) which are believed to begin
3) we believe they began
4) are believed in beginning

۱۳۶- گزینه ۱ صحیح است.

Since در این‌جا به معنای «از آن‌جا که، برای این که، چون که» است و ساختار به کار بردن آن در این معنا به دو شکل زیر می‌تواند باشد:

Clause (Result) + since + Clause (reason)
Since + Clause (reason) + Clause (Result)

به مثال زیر توجه کنید:

[Result] [Reason]
They're rather expensive, since they're quite hard to find.
[Reason] [Result]
Since they're quite hard to find, they're rather expensive.

در این سؤال، عبارت بعد از since لازم است که دارای فعل و فاعل باشد که چون در صورت سؤال تنها فاعل هست و فعل نیست، در جای خالی باید فعل وجود داشته باشد. بنابراین گزینه ۲ و ۳ رد می‌شود.

someone/something is believed to be برای بیان عقیده‌ای به کار می‌رود که اکثر مردم آن را باور دارند، اگر چه هنوز به اثبات نرسیده است. بنابراین believed to به معنای «پنداشته می‌شود، تصور می‌شود» است. به مثال زیر توجه کنید:

A third man is missing and is believed to have been taken into police custody.

در حالی که believe in به معنای اعتقاد داشتن است.

بنابراین گزینه ۴ به لحاظ مفهومی غلط است و رد می‌شود.

137- A new sensibility, which viewed animals and wild nature …… and preserved, replaced the old adversarial relationship.

1) being respected
2) respected
3) to be respected things
4) as things to be respected

۱۳۷- گزینه ۴ صحیح است.

which viewed animals and wild nature …… and preserved یک clause است که فعل آن viewed است، بنابراین این عبارت برای کامل شدن به فعل نیاز ندارد و گزینه ۲ رد می‌شود. گزینه ۱ هم به این دلیل که and حرف ربط است و عبارات دارای ساختار گرامری یکسانی را به هم مرتبط می‌کند (ساختار موازی) غلط است. گزینه ۳ نیز غلط است، چرا که to be respected مجهول است و نباید بعد از آن مفعول بیاید.

138- As temperatures rise, …… suggesting climate change will lead to millions of extra offences in the coming decades.

1) and crimes rate do too
2) so do crime rates
3) crime rates do rise as well
4) as well as crime rates

۱۳۸- گزینه ۲ صحیح است.

برای اجتناب از تکرار در زبان انگلیسی (هنگامی که جمله مثبت است) می‌توان از یکی از دو ساختار زیر استفاده کرد:

So + Auxiliary + Subject (pronoun)

فعل کمکی (Auxiliary) باید با زمان جمله اصلی مطابقت کند.

Subject (pronoun) + Auxiliary+ Too

too در انتهای جمله به کار می‌رود.

Person A	Person B
I am happy.	so am I. (= I am happy too)
I'm going to Brazil in the summer.	so am I. (= I am going to Brazil too)
You look nice today.	so do you. (= you look nice too.)
Stephanie has a new boyfriend.	so does Mary. (= Mary has a new one too.)
We went to the concert last night.	so did I. (= I went to the concert too.)
I would love a coffee right now.	so would I. (= I would love a coffee too.)
He will win a prize.	so will I. (= I will win one too.)
They have finished their homework.	so have I. (= I have finished too.)
I can speak two languages.	so can I. (= I can speak two too.)
He should study more.	so should I. (= I should study more too.)
We could see the mountains.	so could we. (= We could see them too.)
My brother had eaten too much.	So had I. (= I had eaten too much too.)

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- Mr. Shwarz has turned hundred today, and the secret of his …….. is regular exercise and well balanced diet.

1) longevity 2) revival 3) persistence 4) permanence

۱۳۹- گزینه ۱ صحیح است.

«آقای شوارتز امروز صد ساله شده است، و راز طول عمر او ورزش منظم و رژیم غذایی مناسب است.»

۱) طول عمر؛ ۲) احیا؛ ۳) ماندگاری؛ ۴) دوام، بقا

140- He did not consider the journalist's question was …….. to the main issue of the press conference, and chose to ignore it.

1) attentive 2) sensitive 3) peripheral 4) pertinent

۱۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«او سؤال روزنامه‌نگار را با موضوع اصلی کنفرانس مطبوعاتی مرتبط ندانست و ترجیح داد به آن پاسخی ندهد.»

۱) مواظب، متوجه؛ ۲) حساس؛ ۳) پیرامونی؛ ۴) مربوط

141- The balcony of his new home …….. his neighbor's land and thus had to be demolished.

1) imposed on 2) infiltrated into 3) deprived of 4) encroached on

۱۴۱- گزینه ۴ صحیح است.

«بالکن خانه جدید او به زمین همسایه‌اش تجاوز می‌کرد و در نتیجه باید خراب می‌شد.»

۱) تحمیل کردن بر؛ ۲) نفوذ کردن به؛ ۳) محروم شدن از؛ ۴) تجاوز کردن به

142- Our neighbor's house has merely …….. beauty and is rather dirty from within.

1) tender 2) extrinsic 3) aesthetic 4) decorous

۱۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

«خانه همسایه ما صرفاً دارای زیبایی بیرونی است و از داخل بسیار کثیف است.»

۱) نازک، حساس؛ ۲) خارجی، بیرونی؛ ۳) زیبایی‌شناختی؛ ۴) آراسته

143- We were impressed by the …….. with which the sculptor carved out of the ice statue.

1) dexterity 2) aggression 3) implementation 4) abruptness

۱۴۳- گزینه ۱ صحیح است.

«ما تحت تأثیرِ مهارت مجسمه‌سازی که مجسمه یخی را تراشید، قرار گرفتیم.»

۱) زبردستی، مهارت؛ ۲) پرخاشگری؛ ۳) اجرا؛ ۴) تندی، شدت لحن

144- The public soon became aware of his Machiavellian tactics to win the election, and …….. his deceitful methods.

1) threatened 2) dissatisfied 3) condemned 4) overlooked

۱۴۴- گزینه ۳ صحیح است.

«مردم به سرعت از تاکتیک‌های ماکیاولیستی او برای پیروزی در انتخابات مطلع شدند و روش‌های فریبکارانه او را محکوم کردند.»

۱) تهدید کردند؛ ۲) ناراضی کردند؛ ۳) محکوم کردند؛ ۴) چشم‌پوشی کردند.

145- Kim is a …….. eater who manages to find faults in food cooked even by the finest of chefs.

1) crucial 2) daunting 3) superfluous 4) fastidious

۱۴۵- گزینه ۴ صحیح است.

«کیم آن‌قدر بدغذا است که حتی از غذای بهترین آشپزها هم ایراد می‌گیرد.»

۱) بحرانی؛ ۲) بی‌جرأت؛ ۳) غیرضروری، زائد؛ ۴) سخت‌گیر، مشکل‌پسند

146- The little girl very cleverly …….. my question about the occupation of her father, asking me instead about the gadget in my hand.

1) deflected 2) exposed 3) accused 4) retaliated

۱۴۶- گزینه ۱ صحیح است.

«دختر بچه به طرز بسیار هوشمندانه‌ای سؤال من درباره شغل پدرش را با سؤال کردن در خصوص ابزاری که در دستم بود، منحرف کرد.»

۱) منحرف کردن؛ ۲) در معرض نمایش گذاشتن؛ ۳) غیرضروری، زائد؛ ۴) سخت‌گیر، مشکل‌پسند

147- I made a/an …….. between plant and animal-life, and told her that seeds are eggs as truly as hens' eggs and birds' eggs – that the mother hen keeps her eggs warm and dry until the little chicks come out.

1) generalization 2) distinction 3) equilibrium 4) analogy

۱۴۷- گزینه ۴ صحیح است.

«من زندگی گیاهی و جانوری را مقایسه کردم و به او گفتم که دانه‌ها مثل تخم‌ها هستند، درست مثل تخم‌مرغ‌ها و تخم پرندگان که مرغ مادر آن‌ها را تا زمانی که جوجه‌های کوچک بیرون بیایند، گرم و خشک نگه می‌دارد.»

۱) عمومیت دادن؛ ۲) تمایز؛ ۳) موازنه، تعادل؛ ۴) قیاس

148- The omnipresence of the mosquitoes …….. us from sleeping; we had to spend the whole night looking for something that could drive away the mosquitoes.

1) avoided 2) prevented 3) withdrew 4) withheld

۱۴۸- گزینه ۲ صحیح است.

«حضور پشه‌ها در همه جا مانع خوابیدن ما شد؛ به طوری که تمام طول شب را به دنبال و سیله‌ای برای فراری دادن پشه‌ها می‌گشتیم.»

۱) اجتناب کرد، دوری کرد؛ ۲) مانع شد؛ ۳) پس گرفت؛ ۴) دریغ داشت.

149- The way he dresses up and spends money lavishly clearly indicates his …….. family background.

1) opulent 2) influential 3) benevolent 4) frugal

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«سبکی که او لباس می‌پوشد و ولخرجی می‌کند به روشنی نشان‌دهنده عقبه خانوادگی مرفه اوست.»

۱) ثروتمندی؛ ۲) دارای نفوذ و قدرت؛ ۳) خیراندیش، نیکخواه؛ ۴) صرفه‌جو، مقتصد

150- I'm desperately looking for a late evening, part-time job to …….. my meager earnings from the job I have now.

1) prolong 2) amalgamate 3) augment 4) release

۱۵۰- گزینه ۳ صحیح است.

«من ناامیدانه به دنبال شغلی پاره‌وقت برای عصرها می‌گشتم تا به درآمد ناچیز شغلی که هم‌اکنون دارم، بیافزایم.»

۱) به تأخیر انداختن؛ ۲) آمیختن، توأم کردن؛ ۳) افزودن؛ ۴) رها کردن، آزاد کردن

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

Terman was a proponent of the view that gifted children are globally gifted—evenly talented in all academic areas. Indeed, some special children have exceptional verbal skills as well as strong spatial, numerical and logical skills that enable them to excel in mathematics. The occasional child who completes college as an early teen—or even as a preteen—is likely to be globally gifted. Such children are easy to spot: they are all-around high achievers. But many children exhibit gifts in one area of study and are unremarkable or even learning disabled in others. These may be creative children who are difficult in school and who are not immediately recognized as gifted.

Unevenness in gifted children is quite common. A recent survey of more than 1,000 highly academically gifted adolescents revealed that more than 95 percent show a strong disparity between mathematical and verbal interests. Extraordinarily strong mathematical and spatial abilities often accompany average or even deficient verbal abilities. Julian Stanley of Johns Hopkins University has found that many gifted children selected for special summer programs in advanced math have enormous discrepancies between their math and verbal skills. One such eight-year-old scored 760 out of a perfect score of 800 on the math part of the Scholastic Assessment Test (SAT) but only 290 out of 800 on the verbal part.

In a retrospective analysis of 20 world-class mathematicians, psychologist Benjamin S. Bloom, then at the University of Chicago, reported that none of his subjects had learned to read before attending school (yet most academically gifted children do read before school) and that six had had trouble learning to read. And a retrospective study of inventors (who presumably exhibit high mechanical and spatial aptitude) showed that as children these individuals struggled with reading and writing.

ترمن یکی از طرفداران این دیدگاه بود که کودکان مستعد از همه نظر مستعد هستند- به طور یکنواخت در تمام زمینه‌های علمی مستعد هستند. در واقع، برخی از کودکان خاص دارای مهارت‌های کلامی استثنایی و نیز مهارت‌های فضایی، عددی و منطقی قوی هستند که آنها را قادر به برتری در ریاضیات می‌نماید. کودک خاصی که کالج را در سنین نوجوانی و یا حتی قبل از آن به اتمام می‌رساند، به احتمال زیاد از همه نظر مستعد است. این کودکان به راحتی شناسایی می شوند: آنها افراد کاملاً موفقی هستند. اما بسیاری از کودکان در یک زمینه از تحصیل از خود استعداد نشان می‌دهند و عادی هستند و یا حتی در یادگیری سایر [حوزه‌های تحصیل] ناتوان هستند. این‌ها ممکن است کودکان خلاقی باشند که در مدرسه به خوبی عمل نمی‌کنند و به راحتی به عنوان کودکان مستعد شناخته نمی‌شوند.

غیریکنواختی در کودکان مستعد کاملاً رایج است. بررسی‌های اخیر از بیش از ۱۰۰۰ نوجوان مستعد دارای تحصیلات آکادمیک نشان داد که بیش از ۹۵ درصد اختلاف زیادی بین بهره‌های ریاضی و کلامی دارند. توانایی‌های فوق‌العاده قوی ریاضی و فضایی اغلب با توانایی متوسط یا حتی کمبود توانایی کلامی همراه است. جولین استنلی از دانشگاه جان هاپکینز کشف کرده است که بسیاری از کودکان مستعد که برای برنامه‌های تابستانی ویژه ریاضی پیشرفته انتخاب شدند، دارای اختلاف زیادی بین مهارت‌های ریاضی و کلامی هستند. یکی از این [نوجوانان] هشت‌ساله از نمره کامل ۸۰۰ در بخش ریاضی تست ارزیابی تحصیلی (SAT) نمره ۷۶۰ را کسب کرد، اما از ۸۰۰ نمره بخش کلامی تنها ۲۹۰ نمره به‌دست آورد.

در تجزیه‌وتحلیلی گذشته‌نگر از ۲۰ تن از ریاضی‌دانان در سطح جهان، روانشناسی به نام بنیامین بلوم، و سپس در دانشگاه شیکاگو، گزارش داد که هیچ یک از این افراد، قبل از رفتن به مدرسه، خواندن یاد نگرفته بوده‌اند (هنوز بسیاری از کودکان مستعد آکادمیک قبل از مدرسه خواندن بلد هستند.) شش نفر در یادگیری خواندن دچار مشکل بوده‌اند. و یک مطالعه گذشته‌نگر از مخترعان (که احتمالاً استعداد ذاتی قوی مکانیکی و فضایی را به نمایش می‌گذارند) نشان داد که این افراد در زمان کودکی با خواندن و نوشتن در جدال بوده‌اند.

151- What is the best title for the passage?

1) Gifted Children: A Fallacy
2) Verbal Skills in Gifted Kids
3) The Unevenly Gifted
4) Giftedness in Teens

۱۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

- بهترین عنوان برای متن چیست؟

۱) کودکان مستعد: یک استدلال غلط

۲) مهارت‌های کلامی در کودکان بااستعداد

۳) افراد مستعد غیریکنواخت

۴) استعداد در نوجوانان

جملات آغازین هر پاراگراف و آخرین جمله متن به شرح زیر است:

ترمن یکی از طرفداران این دیدگاه بود که کودکان مستعد به طور همه‌جانبه مستعد هستند.

نابرابری در کودکان مستعد کاملاً رایج است.

در تجزیه‌وتحلیلی گذشته‌نگر از ۲۰ ریاضی‌دانان در سطح جهان، روانشناسی با نام بنیامین بلوم، و سپس در دانشگاه شیکاگو، گزارش داد که هیچ یک از این افراد، قبل از رفتن به مدرسه خواندن یاد نگرفته بوده‌اند.

مطالعه گذشته‌نگر از مخترعان نشان داد که این افراد در زمان کودکی با خواندن و نوشتن در جدال بوده‌اند.

152- The word “others” in paragraph 1 refers to …….. .

1) gifts 2) learning 3) high achievers 4) areas of study

۱۵۲- گزینه ۴ صحیح است.

- کلمه «others» در پاراگراف ۱ اشاره دارد به ..... .

۱) استعدادها؛ ۲) یادگیری؛ ۳) موفق‌های خارق‌العاده؛ ۴) زمینه‌های تحصیل

اما بسیاری از کودکان در یک زمینه از تحصیل از خود استعداد نشان می‌دهند و عادی هستند و یا حتی در یادگیری سایر [حوزه‌های تحصیل] ناتوان هستند.

153- The author refers to the survey of more than 1,000 highly academically gifted adolescents (paragraph 2) most probably in order to …….. .

1) support an earlier assertion about unevenness in gifted children
2) reveal that mathematical and verbal interests do not exist together
3) prove that giftedness is not a trait characterizing a special period of childhood
4) make a clear distinction between globally gifted and unevenly gifted children

۱۵۳- گزینه ۱ صحیح است.

- احتمالاً منظور نویسنده از اشاره به پژوهش انجام‌شده درمورد ۱۰۰۰ بزرگسال مستعد دارای تحصیلات دانشگاهی (پاراگراف ۲) این امر است که ..... .

۱) پشتیبانی از ادعایی که پیش از این در رابطه با نابرابری در کودکان مستعد بیان کرده.

۲) نشان دادن این امر که بهره‌های کلامی و ریاضی با هم ظاهر نمی‌شوند.

۳) اثبات این که استعداد یک صفت مشخص یک دوره خاص از دوران کودکی نیست.

۴) ایجاد یک تمایز روشن بین کودکان مستعد در همه جنبه‌ها و کودکان دارای استعداد غیریکنواخت

در پاراگراف اول بیان شده که «اما بسیاری از کودکان در یک زمینه از تحصیل از خود استعداد نشان می‌دهند و عادی هستند و یا حتی در یادگیری سایر [حوزه‌های تحصیل] ناتوان هستند.» و در پاراگراف دوم گفته شده «نشان داد که بیش از ۹۵ درصد اختلاف زیادی بین بهره‌های ریاضی و کلامی دارند. توانایی‌های فوق‌العاده قوی ریاضی و فضایی اغلب با توانایی متوسط یا حتی کمبود توانایی کلامی همراه است.» که پشتیبان ادعای مطرح شده در پاراگراف اول است.

154- What is the function of the study by Julian Stanley in relation to the survey reported in the same paragraph?

1) It casts doubt on the validity of the survey findings.
2) It addresses the possible objections to the results of the survey.
3) It provides further evidence in support of what the survey seems to indicate.
4) It qualifies the claim made in the survey by referring to some exceptions.

۱۵۴- گزینه ۳ صحیح است.

- نقش مطالعه جولین استنلی در رابطه با پژوهش گزارش‌شده در همان پاراگراف چیست؟

۱) طرح کردن تردید در خصوص اعتبار یافته‌های بررسی.

۲) نمایش ایرادات احتمالی به نتایج بررسی.

۳) فراهم کردن شواهد بیشتر در حمایت از آن‌چه این بررسی نشان می‌دهد.

۴) محدود کردن ادعای منتج از بررسی با اشاره به چند استثنا.

پیش از این به غیریکنواختی در کودکان م ستعد ا شاره شده ا ست و پژوهش جولین ا ستنلی هم شواهدی ارائه کرده که این موضوع را تأیید می‌کند.

155- What do the studies reported in paragraph 2 and 3 have in common?

1) They were carried out via the use of a standard test.
2) The variables in the studies were not manipulated.
3) The people who designed them were all psychologists.
4) They focused on children failing to become high achievers.

۱۵۵- گزینه ۲ صحیح است.

- مطالعات پاراگراف‌های ۲ و ۳ دارای چه وجوه اشتراکی هستند؟

۱) آن‌ها با استفاده از یک آزمون استاندارد انجام شده‌اند.

۲) متغیرهای مطالعات دستکاری نشده‌اند.

۳) افرادی که آن‌ها را طراحی کرده‌اند همه روانشناس بوده‌اند.

۴) آن‌ها بر کودکانی که نتوانسته‌اند موفق شوند، متمرکز بوده‌اند.

Passage 2:

But researchers have been unable to show unambiguously that naturally occurring variations in EPOR or any other genes confer athletic advantages that might be predicted in advance through genetic testing. This is trickier than it might seem, as illustrated by the results so far of the two largest studies in the field. One, the Heritage Family Study, is a collaboration of four universities and Bouchard’s Pennington center. The Heritage researchers recruited 200 families, encompassing some 750 sedentary subjects. They put them through a rigorous training program and then looked for genes that might relate to trainability, in this case the ability to increase maximal oxygen uptake with exercise. The second study, known as

GENATHLETE, was begun 15 years ago by Bouchard and an international collaboration. The GENATHLETE researchers banked the DNA from more than 350 male Olympic-caliber endurance athletes and 350 sedentary controls, assuming that if any particular gene variants or mutations were critical to elite endurance performance, they would show up more frequently in the Olympic DNA than in that of the sedentary controls.
The Heritage researchers have been able to isolate four chromosomal regions - comprising millions and millions of base pairs of the double helix of DNA - that appear to be linked to maximal oxygen uptake while at rest among these sedentary individuals and another five different regions that are linked to trainability. When they tested specific genes, however, the results were discouraging. “We’ve probably looked at about 40 different genes” Bouchard says, “and we have a few we can clearly exclude.” The GENATHLETE researchers have tested 30 candidate genes and come up effectively empty. “Nothing so far is striking,” Bouchard says. As for EPOR, it seemed to show some small relation to trainability in the Heritage study but no relation to elite athletic performance in GENATHLETE.

156- Which of the following best describes the findings of the studies reported in the passage?

1) Limited generalizability
2) Inconclusive
3) Promising
4) Lack of replicability potential

۱۵۶- گزینه ۲ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر بهترین توصیف برای یافته‌های مطالعات گزارش‌شده در این متن را شرح می‌دهد؟

۱) محدودیت تعمیم‌پذیری؛ ۲) بی‌نتیجه/ناتمام؛ ۳) امیدوارکننده؛ ۴) عدم امکان تکرارپذیری

جمله ابتدایی متن مبنی بر تأثیر EPOR بر ورزش است که جمله انتهایی متن نشان می‌دهد پژوهش‌های انجام‌شده هنوز چنین موضوعی را تأیید نکرده‌اند.

157- None of the following are true about the Heritage Family Study EXCEPT that it ……. .

1) made the subjects go through a treatment intended to detect genes related to trainability
2) included subjects that had a sedentary lifestyle
3) was anything but a collaborative endeavor
4) was a university-sponsored study

۱۵۷- گزینه ۱ صحیح است.

- در پژوهش Heritage از سوژه‌ها خوا ستند که در یک برنامه آموز شی شرکت کنند که ژن‌های مرتبط با آموزش‌پذیری را بررسی نمایند. در متن اشاره شده است که:

The Heritage researchers recruited 200 families, encompassing some 750 sedentary subjects. They put them through a rigorous training program and then looked for genes that might relate to trainability.

محققان Heritage ۲۰۰ خانواده را جمع کردند که شـــامل حدود ۷۵۰ نفر از افراد غیرمهاجر بودند. ســـپس آن‌ها را در یک برنامه آموزشی دقیق قرار داده و سپس به دنبال ژن‌هایی گشتند که ممکن است مربوط به آموزش‌پذیری باشد.

158- The word "that" in paragraph 1 refers to …… .

1) athlete 2) performance 3) gene variant 4) DNA

۱۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

- اولین اسمی که قبل از ضمیر به کار رفته و از نظر تعداد با آن مطابقت دارد، DNA است.

159- The passage supplies sufficient information to answer which of the following questions?

I. Why had the 750 people referred to in paragraph 1 chosen a sedentary lifestyle?

II. Was the assumption underlying the GENATHLETE researchers' study confirmed?

III. Why did the GENATHLETE researchers state that their research results were discouraging?

1) Only III 2) Only II and III 3) Only I and III 4) I, II, and III

۱۵۹- گزینه ۲ صحیح است.

- بخش آخر پاراگراف دوم متن به سؤالات دوم و سوم پاسخ داده است.

درمورد سؤال اول فقط بیان شده که از ۷۵۰ نفر غیرمهاجر استفاده شده، اما دلیل آن تشریح نشده است.

160- Which of the following best describes the author's attitude towards the studies referred to in the passage?

1) Disapproval 2) Indifference 3) Neutrality 4) Skepticism

۱۶۰- گزینه ۳ صحیح است.

- نویسنده بدون قضاوت تنها به شرح فرضیه و نتایج کسب‌شده در خلال پژوهش پرداخته است.

۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- One of the skills you acquire as a speed reader is knowing when to slow down and when ..... .

1) speed up 2) they speed up 3) to speed up 4) speeding up

۱۳۱- گزینه ۳ صحیح است.

در این سؤال با یک ساختار موازی مواجه هستیم. حروف ربط and, but, or جهت مرتبط کردن عبارات همسان به کار می‌روند. بنابراین لازم است کلماتی که توسط این حروف به هم مرتبط می‌شوند دارای ساختار گرامری یکسانی باشند.

با توجه به این که to slow down قبل از and آمده است، عبارت بعد از آن هم باید به شکل مصدر با to باشد.

132- I learned years ago that one of the most powerful things ..... influence over others is to smile at them.

1) to do that has 2) you can do to have 3) you have to do 4) to do you have

۱۳۲- گزینه ۲ صحیح است.

کل عبارت موصولی یعنی that one of the most powerful things ..... influence over others is to smile at them مفعولی برای فعلِ learned است.

در عبارت مو صولی فوق، one of the most powerful things مفعول ا ست و بنابراین گزینه منا سب باید دارای فعل و فاعل باشد. در نتیجه گزینه ۱ و ۴ رد می‌شود.

بین دو گزینه باقی‌مانده، have influence ترکیب صحیحی است و بنابراین گزینه ۲ صحیح است.

133- The study of parent-child interaction may involve videotaping the parent and child in their home either as they go about their daily routine or ..... .

1) the researcher gives to them as an activity which is to perform
2) the activity they perform given to them by the researcher
3) as they perform an activity given to them by the researcher
4) which the researcher gives them to perform as an activity

۱۳۳- گزینه ۳ صحیح است.

وقتی دو جمله به و سیله ساختار either … or به هم ربط داده یا ترکیب می شوند، قسمت‌های مشترک در هر دو جمله را ابتدا نوشته و سپس کلمه either و سپس ادامه جمله اول را نوشته و قسمت مشترک در جمله دوم را حذف کرده و کلمه or را آورده و بعد جمله دوم را باید نوشت. قابل توجه است که عبارات پس از either و or لازم است دارای ساختار یکسانی باشند.

134- …… the most advanced supercomputer, the human brain makes it possible for a person to live, speak, solve problems, and create through thoughts and ideas.

1) More powerful than
2) It is more powerful than
3) More powerful than it is of
4) More than powerful of all

۱۳۴- گزینه ۱ صحیح است.

the human brain makes it possible for a person to live, speak, solve problems, and create through thoughts and ideas.

جمله‌ای کامل است که فعل و فاعل دارد و نیازی به فعل و فاعل دیگری نیست.

ساختار استفاده از صفت تفضیلی نیز به صورت than + صفت تفضیلی (صفت دو سیلابی به صورتِ صفت + more) است.

بنابراین گزینه ۱ صحیح است.

135- Transportation, …… from one place to another, has made great gains since early civilization.

1) that is the act of carrying people and goods
2) is the act of people and goods to be carried
3) the act of people and goods carried
4) the act of carrying people and goods

۱۳۵- گزینه ۴ صحیح است.

قبل و بعد از جمله‌واره‌های وابسته که با that همراه می‌شوند، ویرگول قرار نمی‌گیرد. به مثال زیر توجه کنید:

Cars that don’t have seat belts aren’t allowed to carry children. (correct)
Cars, that don’t have seat belts, aren’t allowed to carry children. (wrong)

بنابراین گزینه ۱ غلط است.

گزینه ۲ فعل اضافی دارد و غلط است.

درمورد گزینه ۳ و ۴، حمل‌ونقل مردم و کالا را حمل می‌کند، بنابراین ساختار گزینه ۳ غلط بوده و گزینه ۴ صحیح است.

136- Most historians trace the beginning of the Internet to Sputnik, the first satellite …… .

1) orbited the earth successfully
2) to successfully orbit the earth
3) which it successfully orbited the earth
4) the earth’s being successfully orbited by it

۱۳۶- گزینه ۲ صحیح است.

گزینه ۱ در حقیقت حاصل یک جمله‌واره خلاصه‌شده است، یعنی ضمیر موصولی و فعل be در یک جمله مجهول حذف شده است، which is orbited the earth successfully. اما کاربرد فعل مجهول در این جمله غلط است.

which در گزینه ۳ جای فاعل جمله‌واره نشسته است و it حشو است.

درمورد گزینه ۴ هم وجود 's ضرورتی ندارد، هم فعل مجهول و by it نادرست است.

137- Much excitement has been created by Prof. Pickering's proposal to build a system of mirrors, …… light can be rhythmically flashed to Mars.

1) by means of which
2) which by means of it
3) by means of it
4) that by means of

۱۳۷- گزینه ۱ صحیح است.

جمله‌واره و صفی نیاز به مو صول دارد. پس گزینه ۳ حذف می شود. در گزینه ۲، it حـ شو ا ست و این گزینه نیز غلط ا ست. با توجه به وجود ویرگول، that هم کاربردی در این جمله ندارد و گزینه ۴ حذف می‌شود.

138- …… simply because conventional plant-breeding techniques have already tapped most of the potential for raising crop yields.

1) To increase crop yields genetically modified crops seldom
2) Genetically modified crops to seldom increase crop yields
3) Seldom do genetically modified crops increase crop yields
4) Crop yields that genetically modified crops seldom increase

۱۳۸- گزینه ۳ صحیح است.

برخی کلمات نظیر hardly, barely, scarcely, only, rarely, seldom در جملات به صـــورت منفی‌کننده عمل می‌کنند. در صـورتی که یکی از این کلمات در ابتدای جمله بیاید، فاعل و فعل جابه‌جا می‌شـوند. یعنی قید سـر جای خودش می‌ماند و تنها فعل و فاعل جای خود را با هم عوض می‌کنند.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شـــکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. ســـپس گزینه صـــحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- I preferred a definite answer, but my boss kept …….. between the distinct options available to us.

1) fluctuating
2) assessing
3) vacillating
4) diverging

۱۳۹- گزینه ۳ صحیح است.

«من جواب واضح و صریح را ترجیح دادم، اما رئیسم بین گزینه‌های متمایز در دسترسمان مردد بود.»

۱) نوسان داشتن، ثابت نبودن؛ ۲) ارزیابی کردن؛ ۳) دودل بودن، تردید داشتن؛ ۴) از هم دور شدن، اختلاف پیدا کردن

140- The students were …….. and weary after the history examination, which was tough as well as lengthy.

1) resilient 2) outgoing 3) exhaustive 4) enervated

۱۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«دانش‌آموزان پس از امتحان تاریخ که سخت و طولانی بود، دچار ضعف جسمانی و خسته بودند.»

۱) تاب‌آور؛ ۲) برونگرا؛ ۳) جامع؛ ۴) جسماً ضعیف، ناتوان

141- The judge's ruling was on the simple commonsense …….. that no man is above the law.

1) tenet 2) privilege 3) acclaim 4) endeavor

۱۴۱- گزینه ۱ صحیح است.

«حکم قاضی بر اصل ساده عقل سلیم استوار بود که هیچ کس فراتر از قانون نیست.»

۱) عقیده، اصول؛ ۲) برتری، مزیت؛ ۳) تحسین کردن، ادعا کردن؛ ۴) تلاش کردن

142- The spokesperson made such a/an …….. statement that no one, including the members of his own party, could understand it.

1) somber 2) opaque 3) credulous 4) emphatic

۱۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

«سخنگو چنان بیانات مبهمی ایراد کرد که هیچ‌کس، ازجمله اعضای حزب خودش، نتوانست آن را درک کند.»

۱) تاریک، غم‌انگیز؛ ۲) مبهم؛ ۳) زودباور، ساده‌لوح؛ ۴) مؤکد، تأکیدشده

143- He is a real sycophant today; you will often see him flattering his boss; and the …….. behind all this is to get a promotion.

1) motive 2) lucidity 3) causality 4) domination

۱۴۳- گزینه ۱ صحیح است.

«او امروز یک چاپلوس به‌تمام‌معنا است؛ اغلب می‌بینید که در حال تملق‌گویی رئیسش است و انگیزه همه این‌ها گرفتن ارتقا است.»

۱) انگیزه، محرک، سبب، علت؛ ۲) روشنی، وضوح؛ ۳) علیت؛ ۴) تسلط، غلبه

144- The scheme's investors, fearful of bankruptcy, decided to …… the project and start a new venture.

1) discomfit 2) exacerbate 3) disappoint 4) abandon

۱۴۴- گزینه ۴ صحیح است.

«سرمایه‌گذاران طرح که ترس از ورشکستگی داشتند، تصمیم به رها کردن این پروژه و شروع یک سرمایه‌گذاری جدید گرفتند.»

۱) خنثی کردن، ایجاد مانع کردن، ناراحت کردن؛ ۲) برانگیختن؛ ۳) ناامید کردن؛ ۴) ترک کردن، رها کردن

145- Some company managers are asking for reforms but others have been …… defenders of the status quo.

1) regrettable 2) obdurate 3) indifferent 4) haphazard

۱۴۵- گزینه ۲ صحیح است.

«برخی از مدیران شرکت خواهان اصلاحات هستند، اما دیگران موافقان سرسخت حفظ وضع موجود هستند.»

۱) قابل تأسف؛ ۲) لجوج، سرسخت؛ ۳) بی‌تفاوت، بی‌اهمیت؛ ۴) اتفاقی

146- Some of the best linguists were strict schoolmasters accustomed to give top marks only to those boys who presented …… accurate translations.

1) willingly 2) adroitly 3) meticulously 4) anxiously

۱۴۶- گزینه ۳ صحیح است.

«برخی از بهترین زبان‌شناسان، مدیران مدارس سختگیری بودند که عادت داشتند نمرات بالا را تنها به پسرانی که ترجمه صحیح از روی دقت ارائه می‌دادند، بدهند.»

۱) از روی میل؛ ۲) به زرنگی، به مهارت؛ ۳) با دقت زیاد؛ ۴) مشتاقانه

147- A violent temper, which he made no attempt to control or ……, led him into trouble with his superiors.

1) abolish 2) conceal 3) encourage 4) elevate

۱۴۷- گزینه ۲ صحیح است.

«رفتار خشن، که او هیچ تلاشی برای کنترل و یا پنهان کردنش نمی‌کرد، باعث شد او با مافوقش دچار مشکل شود.»

۱) از بین بردن، منسوخ کردن؛ ۲) پنهان کردن؛ ۳) تشویق کردن؛ ۴) بالا بردن

148- Any time he comes across evidence that is not in harmony with his claim, he tends to …… it to make it match his claim.

1) verify 2) preserve 3) entail 4) tailor

۱۴۸- گزینه ۴ صحیح است.

«هر زمان که او به شواهدی ناهماهنگ با ادعای خود برمی‌خورد، تمایل دارد آن را به مطابقت ادعای خود متناسب‌سازی کند.»

۱) تأیید کردن؛ ۲) حفظ کردن؛ ۳) شامل بودن، موجب شدن؛ ۴) مناسب کردن، درخور کردن

149- Under Pericles, Athens also attained her greatest measure of commercial ……, and the activity of her traders all over the Levant, the Black Sea and the West, is attested not only by literary authority, but also by numerous Attic coins and vases.

1) beneficiary 2) originality 3) heredity 4) prosperity

۱۴۹- گزینه ۴ صحیح است.

«در دوران حکومت پریکلس، آتن به بزرگ‌ترین شکوفایی اقتصادی دوران خود دست یافت و فعالیت تاجرانش در سراسر لوانت، دریای سیاه و غرب، نه فقط با روایت راویان، بلکه با گواهی تعداد زیاد سکه‌ها و گلدان‌های آتیک، تأیید شده است.»

۱) استفاده، ذینفع؛ ۲) اصلیت، اصالت؛ ۳) اجدادی، موروثی؛ ۴) موفقیت، رونق، شکوفایی

150- I am now losing my trust in you because what you said yesterday is not …… what you are suggesting now.

1) consistent with 2) peripheral to 3) heedless of 4) extraneous to

۱۵۰- گزینه ۱ صحیح است.

«من در حال حاضر اعتمادم را به تو از دست دادم، چون چیزی که دیروز گفتی مطابق با آن‌چه در حال حاضر پیشنهاد می‌کنی، نیست»

۱) مطابق با؛ ۲) پیرامونِ؛ ۳) بدون توجه به؛ ۴) نامربوط به

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

A corporate brand, like a human reputation, is something of great value. But there is always a temptation to do something for short-term profit that can damage a brand in the long term. Many companies have given in to this temptation and reduced the quality of their products or stretched their brands unwisely. They then spend years trying to repair the damage. This gives those companies that manage to resist the temptation the chance to develop brands that have huge value both to customers and shareholders.

Google is an example of an outstanding brand. The Internet domain name *google.com* was only registered in September 1997. But, less than 10 years later, Google's determination to become the top search-and-information service allowed it to outstrip Yahoo. And it did this at the cost of not putting display advertisements on its home page. There have been many examples of brands that have been damaged by strategic errors, for example Levi's, with its unsuccessful move into suits. The good news is that well-established brands can recover when things go wrong. One example is Apple. It lost its direction after the departure of Steve Jobs, its co-founder, but regained its position with his return. Apple's expansion out of computers into audio and visual products was extremely important in its revival.

Without question, brands are more important than ever before. More companies now consist essentially of intangible assets such as patents plus the value of their brands. "In today's world, the advantages of innovation do not last as long, and there are fewer things that protect companies from competition. As other things become equal, they are left with brands," says the Executive Vice-President Millward Brown Optimor.

151- The author has used "human reputation" in paragraph 1 (line 1) as ……

1) an example 2) a contrast 3) an analogy 4) a step in a process

۱۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

در متن گفته شده:

A corporate brand, like a human reputation, …

در حقیقت از «شهرت انسان» به عنوان نوعی قیاس با شهرت و برند شرکت استفاده شده است.

152- All of the following are mentioned as a likely variable adversely affecting the image of a brand EXCEPT …… .

1) a temptation to include more shareholders
2) improvident spread of a service
3) a reduction in product quality
4) short-term profit

۱۵۲- گزینه ۱ صحیح است.

اقداماتی برای کسب سود بیشتر در کوتاه‌مدت، کاهش کیفیت، توسعه برند به صورت غیرمعقولانه در پاراگراف اول به عنوان متغیرهایی که به تصویر برند آسیب می‌زنند، معرفی شده‌اند.

153- The author refers to Google as a brand …… .

1) that spent many years to restore its lost brand value
2) that did not yield to the urge to make short-term profit
3) which many companies now turn to for advertising their products
4) that proves the inefficacy of the notion of combining search-and-information service with advertisements

۱۵۳- گزینه ۲ صحیح است.

در متن گفته شده که گوگل به قیمت تبلیغ نگذا شتن در صفحه ا صلی، ۱۰ سال بعد از یاهو پیشی گرفته ا ست. در حقیقت سود بلندمدت را فدای سود کوتاه‌مدت نکرده است.

154- The word "this" in paragraph 2 refers to …… .

1) Yahoo's mistake of underestimating the competing power of a rival
2) Google's refusal to display advertisements on its home page
3) Google's great success in ten years' time
4) Yahoo's being left behind by Google

۱۵۴- گزینه ۴ صحیح است.

قبل از this به پشت سر گذاشته شدن یاهو توسط گوگل اشاره شده است.

155- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

1) What provides the companies resisting the temptation to do something for short-term profit with the chance to develop brands?
2) Why does it take a company a long time to recover its brand value once it is damaged?
3) How did Levi's suffer when it initiated a business enterprise in the domain of suits?
4) What role do intangible assets play in establishing a company's brand?

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است.

در متن اشاره شده که Levi's با حرکت به سمت کت‌وشلوار یک اشتباه استراتژیک انجام داده و آسیب دیده است.

Passage 2:

CAN'T sleep? You are not alone. Insomnia affects one in five men and one in three women at some point in their adult lives, making it the world's most common sleep disorder.

All that missed shut-eye has serious consequences. Insomnia has been linked to accidents and poor mental and physical health. It also causes economic damage because of reduced productivity and absenteeism. According to the America Insomnia Survey, published in 2011, the US loses 253 million days of productivity a year to insomnia at a cost to the economy of $63 billion.

Insomnia can be remedied if it is the result of a treatable condition such as restless legs syndrome or sleep apnoea. But for the majority of cases no underlying cause is found, and relief is hard to come by. People are told to buy blackout shades, reduce screen time or sort out whatever problem might be keeping them awake. Drugs are another option, but they don't offer a long-term solution.

The key problem is that we still don't really understand insomnia. Is it psychological? Is it physical? Is it both? No one can agree.

That may be changing, thanks to one unfortunate group of insomniacs who think they cannot drop off even though laboratory tests suggest they are logging hours of solid sleep. For years they were dismissed as “sleep hypochondriacs”. Now better techniques for measuring sleep states have shown that their sleep is fundamentally different from normal, which probably explains their subjective reports of being unable to switch off.

The same tricks hold promise for researchers hoping to pin down less exotic forms of insomnia. Advances can’t come too soon: a 2012 survey found that cases in the UK have risen steadily over the past 15 years.

A better understanding of insomnia won’t necessarily lead to a cure. But knowing that scientists are finally making inroads means there is one less thing to keep us awake at night.

156- What is the best title for the passage?

1) Wake up to Insomnia’s Impact
2) Ways to Combat Insomnia
3) Insomnia About to Vanish
4) Insomnia: A Reality or an Illusion

۱۵۶- گزینه ۱ صحیح است.

در متن پس از ارائه توضیحات کلی درمورد بی‌خوابی، به تبعات بی‌خوابی و برخی راهکارهای درمانی اشاره شده و سپس بیان شده که هنوز بی‌خوابی ناشناخته است اما آینده درمان امیدوارکننده است.

رد گزینه ۱: جزئی است.

رد گزینه ۲: طبق متن هنوز فاصله زیادی تا دست یافتن به این امر وجود دارد و موضوع متن این نیست.

رد گزینه ۳: در متن درمورد توهم بودن آن چیزی گفته نشده و به عنوان یک واقعیت موجود از آن یاد شده است. تنها در متن اشاره شده که در مورد بیماری روانی یا جسمانی بودن آن توافق وجود ندارد.

157- The facts and figures supplied in paragraph 2 serve to …… .

1) qualify the main point of the same paragraph
2) furnish evidence that gives credence to an earlier assertion
3) indicate that insomnia has affected technologically advanced economies the most
4) rectify the misconception that insomnia only has physical and mental repercussions

۱۵۷- گزینه ۲ صحیح است.

اطلاعات و آمارهای ارائه‌شده در این پاراگراف درخصوص رقم خسارات اقتصادی ناشی از بی‌خوابی، شاهدی است بر ادعای قبلی مبنی بر این که بی‌خوابی خسارات اقتصادی زیادی به بار می‌آورد.

158- Which of the following statements is TRUE about the problem of insomnia?
I. There is no panacea to the problem of insomnia.
II. Insomnia is a treatable condition under any circumstances.
III. We are still far from a flawless understanding of what constitutes insomnia.
IV. People suffering from sleep apnoea can find a way to end their predicament.

1) Only IV 2) Only I & IV 3) Only I & II 4) Only I, III & IV

۱۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

۱. هیچ درمانی برای بی‌خوابی وجود ندارد. (محتوای کلی متن)

۳. ما هنوز درک درستی از آن‌چه بی‌خوابی را ایجاد می‌کند، نداریم.

The key problem is that we still don't really understand insomnia.

۴. افراد مبتلا به آپنه خواب می‌توانند راهی برای پایان دادن به مشکل خود پیدا کنند.

Insomnia can be remedied if it is the result of a treatable condition such as restless legs syndrome or sleep apnoea.

159- The word "their" in paragraph 5 refers to …… .

1) laboratory tests 2) logging hours
3) techniques 4) a group of insomniacs

۱۵۹- گزینه ۴ صحیح است.

For years they were dismissed as "sleep hypochondriacs". Now better techniques for measuring sleep states have shown that their sleep is fundamentally different from normal, which probably explains <u>their</u> subjective reports of being unable to switch off.

اولین اســـمی که ضـــمیر ملکی their می‌تواند به آن برگردد sleep hypochondriacs اســـت که گروهی از مبتلایان به بی‌خوابی هستند.

160- Which of the following best reveals the tone of the passage?

1) Critical and demanding 2) Calculated pessimism
3) Neutral and impartial 4) Alarmed and disparaging

۱۶۰- گزینه ۳ صحیح است.

در متن پس از ارائه توضیحات کلی درمورد بی‌خوابی، به تبعات بی‌خوابی و برخی راهکارهای درمانی اشاره شده و سپس بیان شده که هنوز بی‌خوابی ناشناخته است، اما آینده درمان امیدوارکننده است. بنابراین نویسنده تنها به تشریح واقعیت‌های موجود پرداخته و موضع‌گیری نداشته است و لحن متن بی‌طرفانه است.

PhDTest.ir

پاسخ تشریحی سؤالات زبان عمومی

آزمون نیمه‌متمرکز دکتری ۹۶

پی‌اچ‌دی تست؛ نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

۱– سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- School social workers play an important role in gathering data about the students with whom they work and the circumstances …… .

1) in which they live
2) where do they live in
3) where they live in them
4) in which do they live in them

۱۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

دلیلی برای استفاده از حالت سؤالی پس از ضمیر موصولی در این جمله نیست. بنابراین گزینه ۲ و ۴ حذف می‌شوند.

در گزینه ۳، them حشو است.

درمورد گزینه ۱، حرف اضافه فعل می‌تواند قبل از ضمیر موصول بنشیند، در حقیقت in مربوط به live in بوده است.

132- The classifications for the revenue and expense items, as with the classifications of various assets and claims in the statement of financial position, …… by those who design the accounting system.

1) that are often a matter of judgement which
2) which are often a matter of judgement
3) are often a matter of judgement that
4) are often a matter of judgement

۱۳۲- گزینه ۴ صحیح است.

عبارت داخل دو ویرگول بدل است که توضیحی اضافی است و با حذف عبارت داخل ویرگول‌ها، مشکلی در جمله ایجاد نمی‌شود. در این سؤال بدون بدل جمله دارای فاعل است، اما فعل ندارد. بنابراین گزینه‌های ۱ و ۲ حذف می‌شوند. ترکیب that by هم که در این‌جا معنی ندارد و نیازی به موصول نداریم.

133- Grosseteste and Roger Bacon, …… Aristotle's inductive-deductive pattern of scientific inquiry, also made original contributions to the problem of evaluating competing explanations.

1) additionally restated
2) in addition to restating
3) who additionally restating
4) that restated in addition to

۱۳۳- گزینه ۲ صحیح است.

عبارت داخل دو ویرگول بدل است (همانند سؤال قبل). بدون بدل جمله کامل است و فعل و فاعل دیده می‌شود.

با توجه به جمله، دو نفر می‌توانند موضـــوعی را بازگو کنند (restating) نه اینکه بازگو شـــوند (restated)، بنابراین به فعل معلوم برای بدل نیازمندیم که گزینه ۱ و ۴ حذف می‌شود.

در صورتی که از who استفاده شود، لازم است فعل به صورت صحیح به کار رود و فرم ing صحیح نیست. بنابراین گزینه ۳ نیز رد می‌شود.

134- Jung und Myers were not the first to observe personality types, …… about a typology of awareness.

1) neither Jung was the first to write
2) nor was Jung the first to write
3) neither did Jung first write
4) nor Jung did first write

۱۳۴- گزینه ۲ صحیح است.

آوردن قید منفی باعث شده که وارونگی رخ دهد و فعل و فاعل جابه‌جا شود. بنابراین گزینه ۱ و ۴ حذف می شوند. با توجه به ساختار بخش قبلی (were not the first to observe)، در جای خالی هم ساختار م شابهی باید دا شته با شیم. بنابراین گزینه ۳ نیز غلط است.

135- …… to move from a project manager position to a senior project manager, it may be necessary for them to complete some form of project management certification.

1) Did a person want
2) Had a person wanted
3) Should a person want
4) A person who wants

۱۳۵- گزینه ۳ صحیح است.

در ساختارهای مشخصی که فعل کمکی had, should, were باشد و ربط‌دهنده شرطی if باشد، می‌توان if را حذف کرده و در این صورت فعل و فاعل را جابجا کرد. به مثال زیر توجه کنید:

~~If~~ <u>you</u> <u>should</u> arrive before 6:00, just give me a call.
<u>Should</u> <u>you</u> arrive before 6:00, just give me a call.

136- Early marketing economists examined agricultural and industrial markets and described them ..... the classical economists.

1) in greater detail than
2) in far greater detail from
3) in the greatest detail than
4) in the greatest detail from

۱۳۶- گزینه ۱ صحیح است.

ساختار صحیح صفات عالی و تفضیلی به شکل زیر است:

than + صفت تفضیلی (اضافه شدن er به صفت یک‌سیلابی و more به صفت دارای بیش از یک سیلاب)

the + (صفت طولانی به most و صفت کوتاه به est اضافه شدن) + صفت عالی + in/ of/ that

گزینه ۲ صفت تفضیلی است و باید به جای from، از than استفاده شود.

گزینه ۳ و ۴ صفت عالی هستند که حرف اضافه مجاز آن from و than نیست.

137- From the viewpoint of the insured person, an insurable risk is one for which the probability of bus is not ..... excessive premiums.

1) such high that requires
2) as high as to require
3) so high as to require
4) so high that requires

۱۳۷- گزینه ۳ صحیح است.

گزینه ۱ غلط است، چون باید ساختار آن به شکل زیر باشد، اما در این گزینه فقط صفت دیده می‌شود:

such + (adjective) + NOUN + that

گزینه ۲ غلط است، چرا که وقتی مقایسه صورت می‌گیرد، باید ساختار موازی داشته باشیم که در این‌جا ساختار موازی دیده نمی‌شود.

گزینه ۴ غلط است، چرا که پس از ساختار زیر، نیاز به جمله کامل شامل فعل و فاعل داریم، اما در این گزینه فقط فعل دیده می‌شود.

so + adjective/adverb + that

ساختار گزینه ۳ به شکل زیر صحیح است:

so + adj + as to + verb

138- ..... readily acknowledged that workers are not motivated by money alone, their abstractions were based only on the economic aspects of reality.

1) Despite classical economists
2) Classical economists, while
3) Classical economists, however,
4) Although classical economists

۱۳۸- گزینه ۴ صحیح است.

despite حرف اضافه به معنای «علی‌رغم» است که پس از آن اسم یا فرم ing می‌آید.

اما although با همین معنا، حرف ربط است و باید بعد از آن یک جمله (clause) بیاید.

به مثال زیر توجه کنید:

Although he is very kind at work, he doesn't treat his wife well.
Despite being very kind at work, he doesn't treat his wife well.

بنابراین استفاده از despite در این جا صحیح نیست.

while می‌تواند در ابتدای جمله و یا در وسط به عنوان حرف ربط به صورت‌های زیر به کار رود:

While the price of milk has stayed the same, the price of eggs is rising.
The price of eggs is rising, **while** the price of milk has stayed the same.

توجه: هنگامی که while به معنای «همزمان با» به کار می‌رود، قبل از آن نباید، ویرگول به کار رود، اما وقتی به معنای «علی‌رغم» است، باید قبل از آن ویرگول به کار رود.

However در و سط جمله و بین دو جمله (clause) می‌تواند ا ستفاده شود و معمولاً به و سیله نقطه‌ویرگول از جمله قبلی جدا می‌شود (*;however,…* ...).

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- Research Institute for Social Development is a(n) …… body which is responsible for doing research into issues of social and economic development worldwide.

1) autonomous 2) incredulous 3) sedentary 4) spontaneous

۱۳۹- گزینه ۱ صحیح است.

«مؤسسه تحقیقاتی توسعه اجتماعی نهادی مستقل است که مسئول انجام تحقیقات در مورد مسائل توسعه اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان است.»

۱) خودمختار، مستقل؛ ۲) باورنکردنی ؛ ۳) ساکن، راکد؛ ۴) خودجوش

140- When Mary reached for the receiver, he released it …… and then lounged against the wall where he could hear her conversation.

1) exclusively 2) reluctantly 3) functionally 4) profoundly

۱۴۰- گزینه ۲ صحیح است.

«وقتی ماری به سراغ ریسیور رفت، وی آن را با بی‌میلی رها کرد و سپس به دیوار تکیه زد تا بتواند گفت‌وگوی او (ماری) را بشنود.»

۱) منحصراً؛ ۲) بی‌میلی؛ ۳) عملکردی؛ ۴) عمیقاً

141- My son appears to be behaving well now, yet my husband and I are still preparing for his …… prison sentence.

1) tangible 2) invincible 3) ostensible 4) inevitable

۱۴۱- گزینه ۴ صحیح است.

«به نظر می‌رســـد که پســـرم اکنون خوب رفتار می‌کند، با این وجود هنوز من و شـــوهرم خود را برای محکومیت زندان اجتناب‌ناپذیر او آماده می‌کنیم.»

۱) ملموس؛ ۲) شکست‌ناپذیر؛ ۳) ظاهری؛ ۴) اجتناب‌ناپذیر

142- When the volcano erupts, lava will …… the town and force people out of their homes.

1) humiliate 2) inundate 3) alienate 4) accelerate

۱۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

«هنگامی که آتشفشان فوران می‌کند، گدازه شهر را غرق می‌کند و مردم را مجبور به ترک خانه‌های خود می‌کند.»

۱) تحقیر کردن؛ ۲) غرق کردن؛ ۳) منحرف کردن، انتقال دادن؛ ۴) سرعت بخشیدن به، شتاب دادن

143- The new minister demands more …… especially between employers and employees through new forms of cooperation and communication.

1) solidarity 2) verbosity 3) obscurity 4) frigidity

۱۴۳- گزینه ۱ صحیح است.

«وزیر جدید خواستار اتحاد به‌ویژه بین کارفرمایان و کارکنان از طریق اشکال جدید همکاری و ارتباطات شد.»

۱) همبستگی، اتحاد؛ ۲) گزافه‌گویی؛ ۳) ابهام؛ ۴) سرما، یخ‌زدگی

144- Many people believe that the informal atmosphere of the student Lounge was …… to making new friends.

1) inquisitive 2) submissive 3) addictive 4) conducive

۱۴۴- گزینه ۴ صحیح است.

«بسیاری از مردم معتقدند که فضای غیررسمی اتاق استراحت دانشجویی باعث پیدا کردن دوستان جدید شد.»

۱) کنجکاو؛ ۲) مطیع؛ ۳) اعتیادآور؛ ۴) منجر به

145- The girl’s features, which were originally noble and not irregular, were …… by her malady.

1) depleted 2) distorted 3) despised 4) discarded

۱۴۵- گزینه ۲ صحیح است.

«ویژگی‌های آن دختر، که در اصل نجیب و غیرواقعی بود، به‌واسطه بیماری‌اش تغییر شکل داده بود.»

۱) مصرف شد؛ ۲) تغییر شکل داد، تحریف شد؛ ۳) تحقیر شد؛ ۴) دور انداخته شد

146- In 1969, a leading American surgeon claimed that for the majority of people, the use of tobacco has a …… effect.

1) nocturnal 2) vocational 3) beneficial 4) conventional

۱۴۶- گزینه ۳ صحیح است.

«در سال ۱۹۶۹ یک جراح برجسته آمریکایی ادعا کرد که استفاده از توتون و تنباکو برای اکثر مردم اثر مثبتی دارد.»

۱) شبانه؛ ۲) حرفه‌ای؛ ۳) سودمند؛ ۴) متعارف

147- My cousin is a famous writer who enjoys his privacy se he uses a …… to hide his true identity.

1) synopsis 2) paradigm 3) pseudonym 4) hierarchy

۱۴۷- گزینه ۳ صحیح است.

«پسرعموی من یک نویسنده مشهور است که ازخلوت خود لذت می‌برد، بنابراین از یک اسم مستعار استفاده می‌کند تا هویت واقعی خود را پنهان کند.»

۱) خلاصه؛ ۲) الگو، مدل؛ ۳) اسم مستعار؛ ۴) سلسله‌مراتب

148- Martin's gaze fell on the stone in front of him, and he read aloud to himself the …… there.

1) corruption 2) aspiration 3) disposition 4) inscription

۱۴۸- گزینه ۴ صحیح است.

«نگاه مارتین روی سنگ مقابلش افتاد، و نوشته روی آن را با صدای بلند برای خود خواند.»

۱) فساد؛ ۲) اشتیاق؛ ۳) گرایش، خلق‌وخو؛ ۴) نوشته

149- These oil paintings show a respect for the Pre-Raphaelites, Picasso, Munch and Van Gogh, yet are highly ……, urban and modern.

1) contemporary 2) vulnerable 3) impulsive 4) arbitrary

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«این نقاشی‌های رنگ روغنی، با وجودی که بسیار معاصر، شهری و مدرن هستند، نوعی احترام به نقاشان قبل از رافائل، پیکاسو، مونک و ون گوک نشان می‌دهند.»

۱) معاصر؛ ۲) آسیب‌پذیر؛ ۳) ناگهانی، بدون انگیزه قبلی؛ ۴) خودسرانه، دلبخواهی

150- The doctor's …… about using herbs as medicine disappeared when the patient was cured of malaria.

1) plagiarism 2) skepticism 3) syllogism 4) fatalism

۱۵۰- گزینه ۲ صحیح است.

«بدبینی پزشک در مورد استفاده از گیاهان به عنوان دارو، هنگامی که بیمار از مالاریا درمان شد، از بین رفت.»

۱) سرقت ادبی؛ ۲) بدبینی؛ ۳) قیاس منطقی؛ ۴) اعتقاد به سرنوشت

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

Most countries in the world now have a similar professional organization for psychiatrists. The American Psychiatric Association, for example, like the UK Royal College of Psychiatrists, dates from the early part of the nineteenth century and the period of the asylum doctor, However, it was not until 1961 that the World Psychiatric Association (WPA) was formally founded, signifying a move toward an international professional identity. The 1950s, as we have seen, were a time of great change and development in psychiatry. Jean Delay, who with Pierre Deniker had discovered chlorpromazine, pioneered the establishment of the WPA with Henry Ey, another distinguished French psychiatrist who served as its first secretary-general. This was an important period for international collaboration because the World Health Organization had just published the sixth revision of the *International Classification of Diseases*, which for the first time included section devoted to “mental, psychoneurotic and personality disorders.” A few years later the American Psychiatric Association would publish the first edition of its *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*. Every three years the WPA organizes the World Congress of Psychiatry, in addition to a large number of regional meetings. It has representatives across fire world regions and attempts to provide representation for all member national organizations. It also has many different scientific sections which aim to increase international scientific collaboration in the profession. Today, it is also increasingly developing an educational role, particularly in developing countries, in collaboration with the World Health Organization. However, the role for which the WPA has become best known is the part in has played in responding to complaints about the political abuse of psychiatry.

151- Which of the following statements is TRUE?

1) Both the American Psychiatric Association and the UK Royal College of Psychiatrists were established in the early 1800s.
2) Both the American Psychiatric Association and the UK Royal College of Psychiatrists were established in the early 1900s.
3) The American Psychiatric Association was established a century after the UK Royal College of Psychiatrists.
4) The American Psychiatric Association was established prior to the UK Royal College of Psychiatrists.

۱۵۱- گزینه ۱ صحیح است.

در متن اشاره شده که هر دو در اوایل قرن ۱۹ میلادی به‌وجود آمدند.

The American Psychiatric Association, for example, like the UK Royal College of Psychiatrists, dates from the early part of the nineteenth century and the period of the asylum doctor, … .

152- Which of the following phrases in the passage is the word "asylum" in line 4 associated with?

1) Political abuse
2) Professional identity
3) Personality disorders
4) Scientific collaboration

۱۵۲- گزینه ۳ صحیح است.

Psychiatrists, dates from the early part of the nineteenth century and the period of the asylum doctor, … .

با توجه به واژه psychiatrists به نظر می‌رسد asylum doctor معنای مشابهی داشته باشد، بنابراین asylum نیز مرتبط با اختلالات روانی است که تنها گزینه ۳ مرتبط با آن است.

153- Which of the following is implied in the passage?

1) The World Health Organization urged the American Psychiatric Association to publish the first edition of its *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*.
2) The establishment of the American Psychiatric Association was the result of a huge international collaboration.
3) The sixth revision of the *International Classification of Diseases* played an important role in the discovery of chlorpromazine.
4) The sixth revision of the *International Classification of Diseases* played an important role in the establishment of the WPA.

۱۵۳- گزینه ۴ صحیح است.

از متن به طور غیرمستقیم می‌توان فهمید که ششمین ویرایش International Classification of Diseases که برای اولین بار شامل بخشی درخصوص بیماری‌های روانی بوده، در تأسیس سازمان روانپزشکی بین‌المللی نقش داشته است.

154- The passage supplies sufficient information to answer which of the following questions?
I. How often does the World Psychiatric Association organize the World Congress of Psychiatry?
II. Why was chlorpromazine discovered and what is good for?
III. Who was the first secretary-general of the World Psychiatric Association?

1) Only III 2) I and III 3) I and II 4) I, II, and III

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است.

پاسخ سؤال ۱:

Every three years the WPA organizes the World Congress of Psychiatry.

پاسخ سؤال ۳:

Jean Delay, who with Pierre Deniker had discovered chlorpromazine, pioneered the establishment of the WPA with Henry Ey, another distinguished French psychiatrist who served as its first secretary-general.

155- Which of the following psychiatrists is NOT referred to in the passage?

1) Jean Delay 2) Henry Ey 3) Adolf Meyer 4) Pierre Deniker

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است.

در متن آمده است:

Jean Delay, who with Pierre Deniker had discovered chlorpromazine, pioneered the establishment of the WPA with Henry Ey, another distinguished French psychiatrist who served as its first secretary-general.

Passage 2:

Like most people, you probably believe advertising is relative modern phenomenon - perhaps a century or two old - and that it was invented in America. Both are twaddle. Advertising shop signs existed some 6,000 years ago, and were common in Rome and throughout the ancient world. But it was the classical Athenians who can probably lay claim to the invention of commercial advertising as we know it today. In Athens, town criers, chosen for their mellifluous voices and clear elocution, strolled through the streets making public proclamations, and interrupted their proclamations with paid-for advertisements (just as advertisements interrupt television newscasts today). Aesclyptoe, an early Athenian cosmetician, used town criers to promote his lotions and potions with consummate professionalism.

During the “dark ages” after the fall of the Roman Empire, advertising appears to have disappeared. Then it reappeared in Britain and France during the 13th century, again being sung by town criers. Printed advertising followed hard upon Gutenberg’s invention of the printing press in Germany in about 1450. The first known printed advertisement in English was

published in 1477, printed by William Caxton, who had brought printing to Britain a few years earlier. By the start of the 17th century, advertising was already so common that in 1712 the British government introduced a tax of one shilling (a sizable sum) on every advertisement published in a newspaper. But this tax did little to restrain advertising's growth. In 1759, the great lexicographer Dr. Samuel Johnson wrote: "Advertisements are now so numerous they are very negligently perused," an opinion many people express to this day, without realizing is centuries-old ancestry.

156- What does the first paragraph mainly discuss?

1) How advertising was done in the ancient world
2) Why town criers with mellow voices were employed
3) Why advertisements interrupt television newscasts today
4) How Aesclyptoe used town criers to promote his lotions and potions

۱۵۶- گزینه ۱ صحیح است.

پاراگراف اول در مورد نحوه تبلیغات در دوران باستان (رم) است.

157- What does the word "twaddle" in paragraph 1 mean?

1) Mischievous 2) Nonsense 3) Optimistic 4) Tentative

۱۵۷- گزینه ۲ صحیح است.

با توجه به این که در ابتدای متن دو موضوع مطرح شده و در ادامه هر دو نقض شده است، احتمالاً مفهوم این واژه مبنی بر غلط بودن موضوعات مطرح‌شده در ابتدای متن است، که گزینه ۲ به معنی «نادرست، چرند» نزدیک‌ترین گزینه به آن است.

158- Who should be given credit for the invention of commercial advertising?

1) The English 2) The French 3) The Romans 4) The Greeks

۱۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به متن، یونانی‌ها مخترع آگهی‌های بازرگانی محسوب می‌شوند.

159- Which of the following can be understood from the passage?

1) The tax imposed on newspapers by the British government for published advisements did not restrict their further growth.
2) Gutenberg's invention of the printing press in Germany was introduced to the public through the town-criers' attempts.
3) The printing press was brought to England by William Caxton 27 years after it was invented in Germany.
4) The majority of town criers lost their job during the "dark ages" after the fall of the Roman Empire.

۱۵۹- گزینه ۱ صحیح است.

بنا بر آن‌چه که در متن گفته شده:

در ســـال ۱۷۱۲ دولت بریتانیا مالیات قابل‌توجهی برای هر آگهی بازرگانی چاپ‌شـــده در روزنامه‌ها تعیین کرد. اما این مالیات توسعه تبلیغات را محدود نکرد.

160- What does Samuel Johnson's comment about advertisements mean?

1) People are so busy that they rarely peruse what advertisements say.
2) People are often neglectful of advertisements although the cost a lot.
3) Advertisements are so widespread that people often pay little attention to them.
4) There are various types of advertisements in newspapers and people often fail to read them.

۱۶۰- گزینه ۳ صحیح است.

بر اساس متن، وی گفته است «آگهی‌های بازرگانی امروزه آن‌قدر بی‌شمار هستند که خیلی سهل‌انگارانه دنبال می‌شوند.».

so numerous هم‌معنی با so widespread و pay little attention هم‌معنی با negligently perused است.

۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- In his Physics, …… concerned with the philosophical question of the nature of motion as one variety of change.

1) Aristotle who was primary
2) Aristotle was primarily
3) as Aristotle whose primary
4) that Aristotle was primarily

۱۳۱- گزینه ۲ صحیح است.

گزینه ۱، ۳ و ۴ صحیح نیستند، چرا که در این صورت جمله اصلی فاقد فعل می‌شود و فقط جمله‌واره دارای فعل خواهد شد.

گزینه ۲ شامل فاعل و بخشی از فعل است که صورت سؤال را کامل می‌کند.

132- …… earlier discussions of the possibility of Earth's motion, the Polish astronomer Nicolaus Copernicus was the first to propound a comprehensive heliocentric theory.

1) Although there had been
2) Despite there were
3) Nevertheless, it had been
4) Even though they were

۱۳۲- گزینه ۱ صحیح است.

despite حرف اضافه به معنای «علی‌رغم» است که پس از آن اسم یا فرم ing می‌آید.

اما although با همین معنا، حرف ربط است و باید بعد از آن یک جمله (clause) بیاید.

به مثال زیر توجه کنید:

Although he is very kind at work, he doesn't treat his wife well.
Despite being very kind at work, he doesn't treat his wife well.

بنابراین استفاده از despite در این جا صحیح نیست و گزینه ۲ رد می‌شود.

درمورد گزینه ۳ و ۴، در این‌جا منظور وجود داشتن بوده که باید به جای they یا it از there استفاده می‌شده است.

*کاربردهای nevertheless به صورت‌های زیر است:

Competition was tough last year, but nevertheless our sales increased.(but بعد از)

Competition was tough last year. **Nevertheless**, our sales increased. (شروع‌کننده جمله)

Competition was tough last year; **nevertheless**, our sales increased. (بعد از نقطه‌ویرگول)

Suarez has a bad disciplinary record and has missed a lot of games, but he's a great player **nevertheless**. (انتهای جمله در گفتار)

133- Not until optical instruments were sufficiently developed to reveal cells, ... possible to formulate a general hypothesis that satisfactorily explained how plants and animals are organized.

1) it was 2) that was it 3) was it 4) that it was

۱۳۳- گزینه ۳ صحیح است.

با توجه به وجود قید not until، وارونگی در جمله رخ می‌دهد و فعل و فاعل با هم جابه‌جا می‌شوند.

134- Toward the end of the 18th century …… on physiology became pronounced through Antoine Lavoisier's brilliant analysis of respiration as a form of combustion.

1) the influence of chemistry
2) it was the influence of chemistry
3) that it was the influence of chemistry
4) the influence of chemistry which

۱۳۴- گزینه ۱ صحیح است.

became فعل جمله است، بنابراین در جای خالی نیازی به فعل نیست، بلکه باید فاعل آورده شود. that و it در گزینه‌های ۲ و ۳ حشو هستند.

135- Many rocks have a more complex mineralogy, and in some the mineral particles …… they can be identified only through specialized techniques.

1) which are those so minute
2) are too minute that
3) which are too minute
4) are so minute that

۱۳۵- گزینه ۴ صحیح است.

the mineral particles فاعل است، اما فعلی برای آن دیده نمی‌شود. بنابراین لازم است پس از آن در جای خالی فعل بیاید.

از طرفی با توجه به وجود فعل و فاعل they can be identified نیاز به یک ربط‌دهنده هست. بنابراین گزینه ۱ و ۳ حذف می‌شود.

با توجه به ساختارهای زیر، گزینه ۴ صحیح است:

too + adjective + infinitive
so + adjective/adverb + that

136- The major plasma protein is serum albumin, a relatively small molecule, …… is to retain water in the bloodstream by its osmotic effect.

1) its principal function which
2) the principal function of which
3) that it principal function
4) whose its principal function

۱۳۶- گزینه ۲ صحیح است.

با توجه به وجود فعل در جمله‌واره دوم، به موصول نیاز است که همه گزینه‌ها دارای ضمیر موصولی هستند. موصولی باید رابطه بین serum albumin و principal function را برقرار کند.

گزینه ۳ غلط است چرا که that حالت ملکی ندارد و it هم ضمیر ملکی نیست.

گزینه ۴ حشو دارد (ضمیر موصولی whose و ضمیر ملکی its).

با توجه به مفهوم جمله، گزینه ۲ مورد قبول است.

137- In all vertebrates, the respiratory protein hemoglobin acts as oxygen carrier in the blood, …… oxygen from the lung to body organs and tissues.

1) it transports
2) which it transports
3) transporting
4) whose transporting

۱۳۷- گزینه ۳ صحیح است.

گزینه ۳ خلاصه‌شده جمله‌واره با حذف ضمیر موصولی و فعل be است:

which is transporting

گزینه ۱ فاقد ضمیر موصولی است و حذف آن نیز به درستی انجام نشده است.

گزینه ۲ دارای حشو است (which و it).

گزینه ۴ فعل ندارد.

138- Once a substance …… as hazardous to the existing ecological balance, it is the responsibility of chemists to locate that substance and neutralize it.

1) had it been identified
2) which had been identified
3) has been identified
4) that it has been identified

۱۳۸- گزینه ۳ صحیح است.

فاعلِ substance، فعل نیاز دارد. بنابراین ضرورتی برای موصول نیست.

گزینه ۱ هم دارای حشو است (it)، چون جمله فاعل دارد و هم زمان فعل صحیح نیست و ماضی بعید (گذشته کامل) است. اما زمان فعل قسمت دوم صورت سؤال حال است.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- The alchemists' most familiar …… was to find the philosopher's stone, a magical substance that would transmute ordinary metals into gold.

1) apex 2) relic 3) omen 4) quest

۱۳۹- گزینه ۴ صحیح است.

«تلاش مشهورترین کیمیاگران برای آن بود که سنگ فیلسوف را پیدا کنند، یک ماده جادویی که فلزات معمولی را به طلا تبدیل می‌کند.»

۱) قله، اوج؛ ۲) باستانی، قدیمی؛ ۳) شوم، نحس؛ ۴) تلاش

140- When the library was destroyed by fire not long after, the enemies of Avicenna accused him of burning it, in order for ever to …… the sources of his knowledge.

1) conceal 2) convert 3) concoct 4) consecrate

۱۴۰- گزینه ۱ صحیح است.

«هنگامی که کتابخانه بلافاصله بعد از آتش نابود شد، دشمنان ابوعلی‌سینا او را متهم به سوزاندن آن کردند تا منابع دانش او را برای همیشه پنهان کنند.»

۱) پنهان کردن؛ ۲) تبدیل کردن؛ ۳) ترکیب کردن، آمیختن؛ ۴) وقف کردن

141- This afternoon's solar eclipse will be a(n) …… phenomenon, so make sure you are ready to observe it as soon as it begins.

1) intrinsic 2) transient 3) arbitrary 4) precarious

۱۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

«خورشـــیدگرفتگی امروز بعدازظهر پدیده‌ای زودگذر خواهد بود، بنابراین مطمئن شـــوید که به محض شـــروع آن را مشـــاهده می‌کنید.»

۱) ذاتی؛ ۲) زودگذر، موقت؛ ۳) دلبخواهی، اختیاری؛ ۴) نامطمئن

142- The prince was silent, but the princess noticed the ironical and …… look that showed itself on his face.

1) unanimous 2) voluminous 3) homogeneous 4) contemptuous

۱۴۲- گزینه ۴ صحیح است.

«شاهزاده ساکت بود، اما شاهزاده خانم متوجه نگاه طنزآمیز و تحقیرآمیزی شد که در چهره‌اش نمایان شد.»

۱) متفق‌القول؛ ۲) پرحجم؛ ۳) همگن، یکدست؛ ۴) تحقیرآمیز

143- If you have children, then you know how important it is to keep them from …… doing things that may harm them.

1) subsequently 2) substantially 3) inadvertently 4) chronologically

۱۴۳- گزینه ۳ صحیح است.

«اگر فرزند دارید، پس می‌دانید چه‌قدر مهم ا ست که آن‌ها را از انجام سهوی کارهایی که ممکن ا ست به آنها آ سیب بر ساند، حفظ کنید.»

۱) متعاقباً، در نتیجه؛ ۲) اساساً؛ ۳) تصادفی، سهوی؛ ۴) به ترتیب زمانی

144- A large number of manuscripts were saved from deterioration under the program of Library …… .

1) conservation 2) compilation 3) congregation 4) commemoration

۱۴۴- گزینه ۱ صحیح است.

«تعداد زیادی از نسخه‌های خطی تحت برنامه حفاظت از کتابخانه‌ها از بین رفت.»

۱) حفاظت؛ ۲) گردآوری؛ ۳) گردهمایی؛ ۴) یادبود

145- Jim does not wish to …… his mother's worries, so he is not going to tell her about his problems at work.

1) humiliate 2) captivate 3) exacerbate 4) eradicate

۱۴۵- گزینه ۳ صحیح است.

«جیم نمی‌خواهد نگرانی‌های مادرش را تشدید کند، بنابراین در مورد مشکلاتش در کار به او نخواهد گفت.»

۱) تحقیر کردن؛ ۲) اسیر کردن؛ ۳) تشدید کردن؛ ۴) ریشه‌کن کردن

146- The chairman of a major airline once remarked that coffee stains on the flip-down trays mean to the passengers that we do our engine …… wrong.

1) resemblance 2) maintenance 3) exuberance 4) forbearance

۱۴۶- گزینه ۲ صحیح است.

«رئیس یک شرکت هواپیمایی بزرگ یک بار اظهار داشت که لکه‌های قهوه که روی سینی چکیده باشند، برای مسافران بدین معناست که تعمیر و نگهداری موتورهایمان را اشتباه انجام می‌دهیم.»

۱) شباهت؛ ۲) تعمیر و نگهداری؛ ۳) فراوانی وفور؛ ۴) تحمل

147- For the first time Aunt Rachel thought about the fact that she had no …… toward her nephews at all, yet she had risked her life for them.

1) compliment 2) commitment 3) amendment 4) testament

۱۴۷- گزینه ۲ صحیح است.

«برای اولین بار عمه راشل در مورد این واقعیت فکر کرد که او به هیچ‌وجه نسبت به برادرزاده‌هایش تعهدی نداشته، با این حال او زندگی‌اش را برای آن‌ها به خطر انداخته بود.»

۱) تعریف، تحسین؛ ۲) تعهد؛ ۳) اصلاح؛ ۴) گواهی، شهادت

148- It is important for a person in a leadership role to have …… and the knack for interacting with a large variety of people.

1) vivacity 2) diversity 3) immunity 4) prosperity

۱۴۸- گزینه ۱ صحیح است.

«مهم است که یک شخص در نقش رهبر، سرزندگی و نشاط و استعداد تعامل با مردم مختلف را داشته باشد.»

۱) سرزندگی و نشاط؛ ۲) تنوع؛ ۳) ایمنی؛ ۴) شکوه، تجمل، رفاه

149- Adults love fairy tales as much as kids because it gives them the hope that even their own …… lives will be touched by magic one day.

1) legitimate 2) prevalent 3) dominant 4) mundane

۱۴۹- گزینه ۴ صحیح است.

«بزرگسالان مانند بچه‌ها عاشق داستان‌های جن و پری هستند، زیرا به آن‌ها امید می‌دهد که روزی در زندگی دنیوی آن‌ها معجزه رخ خواهد داد.»

۱) مشروع؛ ۲) شایع؛ ۳) غالب، حاکم؛ ۴) دنیوی

150- I had to return the software back to the store because it was not …… with my computer.

1) compatible 2) plausible 3) eligible 4) ostensible

۱۵۰- گزینه ۱ صحیح است.

«من مجبور شدم نرم‌افزار را به فروشگاه بازگردانم چون با کامپیوتر من سازگار نبود.»

۱) سازگار؛ ۲) قابل قبول؛ ۳) واجد شرایط؛ ۴) ظاهری

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

Any device that maintains blood circulation and oxygenation in the human body for varying periods of time is called an artificial heart. There are two main types: the heart-lung machine and the mechanical heart.

The heart-lung machine is a mechanical pump that maintains a patient's blood circulation and oxygenation during heart surgery by diverting blood from the venous system, directing it through tubing into an artificial lung (oxygenator), and returning it to the body. The first successful clinical use of a heart-lung machine was reported by American surgeon John H. Gibbon Jr. in 1953. During this operation for the surgical closure of an atrial septal defect, cardiopulmonary bypass was achieved by a machine equipped with an oxygenator developed by Gibbon and a roller pump developed in 1932 by American surgeon Michael E. DeBakey. Since then, heart-lung machines have been greatly improved with smaller and more efficient oxygenators, allowing them to be used not only in adults but also in children and even newborn infants.

Mechanical hearts, which include total artificial hearts and ventricular assist devices (VADs), are machines that are capable of replacing or assisting the pumping action of the heart for prolonged periods without causing excessive damage to the blood components. Implantation of a total artificial heart requires removal of both of the patient's ventricles (lower chambers). However, with the use of a VAD to support either the right or the left ventricle, the entire heart remains in the body. The first successful use of a mechanical heart in a human was performed by Michael E. DeBakey in 1966. After surgery to replace the patient's aorta and mitral valve, a left VAD was installed, making it possible to wean the patient from the heart-lung machine. After 10 days of pump flow from the VAD, the heart recovered, and the VAD was removed. During the 1970s synthetic materials were developed that greatly aided the development of permanent artificial hearts. One such device, designed by American physician Robert K. Jarvik, was surgically implanted into a patient by American surgeon William C. DeVries in 1982. The aluminum and plastic device, called the Jarvik-7 for its inventor, replaced the patient's two

ventricles. Two rubber diaphragms, designed to mimic the pumping action of the natural heart, were kept beating by an external compressor that was connected to the implant by hoses. This first recipient survived 112 days and died as a result of various physical complications caused by the implant.

151- What does the second paragraph mainly discuss?

1) Why the first heart-lung machine turned out to be a success
2) What an oxygenator does during cardiopulmonary bypass
3) What a heart-lung machine is and how it works
4) When the first heart-lung machine was made

۱۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

جمله اول این پاراگراف نشان می‌دهد که در این پاراگراف درخصوص دستگاه قلب-ریه صحبت شده است. بنابراین گزینه ۲ رد می‌شود.

در این پاراگراف پس از معرفی این دستگاه، به تشریح عملکرد آن پرداخته شده است.

رد گزینه ۱: جزئی است و موضوع اصلی پاراگراف این نیست.

رد گزینه ۴: در این خصوص صحبتی در این پاراگراف نشده است.

152- What dos the word “it” in paragraph 2 refer to?

1) Venous system 2) Heart surgery 3) Pump 4) Blood

۱۵۲- گزینه ۴ صحیح است.

در این بخش از متن ساختار موازی برقرار است. بنابراین it در هر دو بخش به blood بازمی‌گردد.

… diverting blood from the venous system, directing it through tubing into an artificial lung (oxygenator), and returning it to the body.

153- Which of the following statements is TRUE?

1) The first roller pump was made by John H. Gibbon Jr. in the 1930s.
2) The first successful use of a heart-lung machine occurred in the 1950s.
3) The first successful use of a mechanical heart was tested prior to the use of a heart-lung machine.
4) The first synthetic materials to develop permanent artificial hearts were designed by William C. DeVries.

۱۵۳- گزینه ۲ صحیح است.

در متن گفته شده:

The first successful clinical use of a heart-lung machine was reported by American surgeon John H. Gibbon Jr. in 1953.

بنابراین اولین استفاده موفق از این دستگاه در دهه ۱۹۵۰ رخ داده است.

154- The passage supplies sufficient information to answer which of the following questions?
I. How long did Michael E. DeBakey's patient continue to live after the surgery?
II. What did the first patient who received the Jarvik-7 die of?
III. Why is it necessary to wean the patients who receive a VAD from the heart-lung machine?

1) I and II 2) Only II 3) II and III 4) I, II, and III

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است.

خطر آخر متن علت مرگ کسی که اولین دستگاه جرویک-۷ را دریافت کرده، توضیح داده است.

155- What does the word "mimic" in paragraph 4 mean?

1) Renew 2) Monitor 3) Imitate 4) Reinforce

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است.

Two rubber diaphragms, designed to mimic the pumping action of the natural heart, …

دو دیافراگم طراحی شـده تا همانند عمل پمپاژ طبیعی قلب را انجام دهد. بنابراین می‌توان حدس زد که مفهوم mimic نوعی تقلید و همانندسازی است.

Passage 2:

As he began to teach inorganic chemistry, Mendeleyev could not find a textbook that met his needs. Since he had already published a textbook on organic chemistry in 1861 that had been awarded the prestigious Demidov Prize, he set out to write another one. The result was Osnovy Knimii ("The Principles of Chemistry", 1868-7), which became a classic, running through many editions and many translations. When Mendeleyev began to compose the chapter on the halogen elements (chlorine and its analogues) at the end of the first volume, he compared the properties of this group of elements to those of the group of alkali metals such as sodium. Within these two groups of dissimilar elements, he discovered similarities in the progression of atomic weights, and he wondered if other groups of elements exhibited similar properties. After studying the alkaline earths, Mendeleyev established that the order of atomic weights could be used not only to arrange the elements within each group but also to arrange the groups themselves. Thus, in his effort to make sense of the extensive knowledge that already existed of the chemical and physical properties of the chemical elements and their compounds, Mendeleyev discovered the periodic law.

His newly formulated law was announced before the Russian Chemical Society in March 1869 with the statement "elements arranged according to the value of their atomic weights present a clear periodicity of properties." Mendeleyev's law allowed him to build up a systematic table of all the 70 elements then known. He had such faith in the validity of the periodic law that he proposed changes to the generally accepted values for the atomic weight of a few elements and predicted the locations within the table of unknown elements together with their properties. At

first the periodic system did not raise interest among chemists. However, with the discovery of the predicted elements, notably gallium in 1875, Scandium in 1879, and germanium in 1886, it began to win wide acceptance. Gradually the periodic law and periodic table became the framework for a great part of chemical theory. By the time Mendeleyev died in 1907, he enjoyed international recognition and had received distinctions and awards for his dedicated attempts from many countries.

156- Which of the following statements is TRUE?

1) Mendeleyev used the order of atomic weights to arrange the elements both within and across the available groups.
2) Mendeleyev became interested in organic chemistry when he started to write the chapter on the halogen elements.
3) Mendeleyev completely rejected the extensive knowledge available on the chemical and physical properties discovered till then.
4) Mendeleyev was awarded the Demidov Prize for the book he wrote on inorganic chemistry.

۱۵۶- گزینه ۱ صحیح است.

در متن گفته شده:

مندلیف دریافت که وزن اتمی نه تنها برای مرتب کردن عنا صر در هر گروه، بلکه برای مرتب کردن خود گروه‌ها نیز می‌تواند به کار رود.

157- What does the word “exhibited" in paragraph 1 mean?

1) Observed 2) Stimulated 3) Possessed 4) Displayed

۱۵۷- گزینه ۴ صحیح است.

در متن گفته شده:

مندلیف در دو گروه از عناصر بی‌شباهت، شباهت‌هایی به لحاظ وزن اتمی یافت و کنجکاو شد که آیا سایر گروه‌های عناصر هم ویژگی‌های مشابه دارند یا خیر.

با توجه به مفهوم کلی می‌توان حدس زد که معنای exhibited نشان دادن و موارد مشابه است.

158- What do we understand from paragraph 2?

1) The periodic law and periodic table became a widely recognized framework in the late 1860s.
2) Mendeleyev’s prediction about discovery of future elements and their locations in the periodic table came true.
3) The discovery of three more elements in the 1880s prompted Mendeleyev to propose a new version of the periodic law.
4) The Russian Chemical Society had already arranged elements according to their atomic weights before Mendeleyev’s formulated law.

۱۵۸- گزینه ۲ صحیح است.

در پاراگراف دوم گفته شده:

به تدریج قانون تناوب و جدول تناوبی تبدیل به چارچوبی برای بخش اعظمی از نظریه شیمی شد.

159- What does the word “it” in paragraph 2 refer to?

1) Interest
2) Discovery
3) Germanium
4) The periodic system

۱۵۹- گزینه ۴ صحیح است.

At first the periodic system did not raise interest among chemists. However, with the discovery of the predicted elements, notably gallium in 1875, Scandium in 1879, and germanium in 1886, it began to win wide acceptance.

However نوعی تناقض را مطرح کرده است. بنابراین موضوعی که در جمله قبلی مطرح شده، در جمله بعدی نقض شده است. در جمله اول به عدم مقبولیت periodic system در آغاز اشاره شده و بعد به پذیرش آن در جمله دوم پرداخته شده است. بنابراین it به periodic system برمی‌گردد.

160- Which of the following best describes the tone of the passage?

1) Appreciative
2) Disapproving
3) Incredulous
4) Hypercritical

۱۶۰- گزینه ۱ صحیح است.

متن درمورد کارهای مندلیف صحبت کرده و بعد درمورد عدم توجه به کارهایش در ابتدا و در نهایت پذیرش آن‌ها و اعتبار بین‌المللی کارهای او و جوایز دریافت‌شده‌اش اشاره کرده است. بنابراین لحن متن تحسین‌کننده و تأییدکننده است.

PhDTest.ir

پاسخ تشریحی سؤالات زبان عمومی

آزمون نیمه‌متمرکز دکتری ۹۷

پی‌اچ‌دی تست، نخستین وب‌سایت تخصصی آزمون دکتری

۱– سؤالات زبان عمومی گروه علوم انسانی، هنر، کشاورزی و دامپزشکی

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- One of the director's biggest jobs, …… beyond acting, is that of creating a world for the characters to live in.

1) that also go
2) which also goes
3) who also goes
4) also by going

۱۳۱- گزینه ۲ صحیح است.

رد گزینه ۱: فعل با فاعل (One of the director's biggest jobs) که مفرد است، تطابق ندارد.

رد گزینه ۳: با توجه به این که مرجع ضمیر موصولی انسان نیست، who نمی‌تواند به کار رود.

رد گزینه ۴: ساختار صحیح جمله‌واره وصفی را ندارد. در صورت خلاصه کردن جمله‌واره، ضمیر موصولی حذف شده و فعل به فرم ing تغییر پیدا می‌کند، بنابراین by در این گزینه اضافه است.

132- Each passage appears on its own page, beginning with the title, the genre or form of the passage, and the main comprehension skill …… .

1) and the passage addresses
2) for which the passage addressed
3) addresses the passage
4) the passage addresses

۱۳۲- گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به این که بخش آخر بعد از ویرگول با and شروع شده، لازم است در این بخش جمله کامل بیاید.

اگر ضمیر مفعولی (who, which, that, …)، مفعول جمله‌واره موصولی باشد، می‌توانیم آن را حذف کنیم، (به عبارتی دیگر اگر ضمیر مفعولی برای مفعول جمله به‌کار برود، می‌توانیم آن را حذف کنیم). ولی اگر ضمیر مفعولی، فاعل جمله‌واره موصولی باشد، نمی‌توانیم آن را حذف کنیم. مثلاً در جمله زیر that قابل حذف است.

I know the person that we saw yesterday.

در صورت سؤال نیز ادامه جمله به صورت which the passage addresses بوده است که which حذف شده.

133- Because of chronic financial problems, the Penniworths were finally forced to sell their spacious brownstone overlooking the park …… into a small apartment on the outskirts of the city.

1) they moved
2) and move
3) then moving
4) and moved

۱۳۳- گزینه ۲ صحیح است.

حروف ربط and جهت مرتبط کردن عبارات همسان به کار می‌رود. بنابراین لازم است کلماتی که توسط این حرف به هم مرتبط می‌شوند دارای ساختار گرامری یکسانی باشند.

رد گزینه ۱: حرف ربط ندارد.

رد گزینه ۳ و ۴: حرف ربط دارد، اما ساختار فعل عوض شده است.

134- Modern-day psychologists have written about the childhood of eighteenth-century writer Jonathan Swift: …… a posthumous child, but his mother was geographically distant from him in his early years.

1) although he not only was
2) he was not only
3) not only was he
4) not only being

۱۳۴- گزینه ۳ صحیح است.

هنگامی که ساختار not only … but (also) در ابتدای یک جمله آورده شود، باعث می‌شود که وارونگی در جمله رخ بدهد، یعنی باید ترتیب فاعل و فعل معکوس شود.

135- …… in her sitting room, Charlotte looked as if she were posing for Manet.

1) Lying in repose on the seat
2) To lie in repose on the seat
3) In repose on the seat by lying
4) While was lain in repose on the seat

۱۳۵- گزینه ۱ صحیح است.

در برخی جملات یک جمله‌واره ابتدایی وجود دارد که باید فاعل جمله اصلی با فاعل آن جمله‌واره ابتدایی یکسان باشد. به عبارت دیگر جمله‌واره ابتدایی فاعل جمله اصلی را مورد تعریف قرار می‌دهد (که در این‌جا فاعل جمله اصلی Charlotte است).

ساختار بدون فاعل که بیان دو عمل که در یک لحظه و همزمان رخ داده باشند، به شکل فعل + ing است.

136- The western scientific view of the body is reductionist in that it sees the body as a machine that is made up of different components, …… .

1) with each is played the function identifies
2) of which the identified function played
3) each identified by the function it plays
4) which identifies each function plays

۱۳۶- گزینه ۳ صحیح است.

اگر ضمیر مفعولی (who, which, that, …)، مفعول جمله‌واره موصولی باشد، می‌توانیم آن را حذف کنیم. در این‌جا جمله‌واره به صورت that each identified by the function it plays بوده که that حذف شده است.

137- Since the deregulation of airlines, delays at the nation's increasingly busy airports ..... .

1) would have increased with 25 of percentage
2) were increasing as much as by 25 percent
3) increased by the percentage of 25
4) have increased by 25 percent

۱۳۷- گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به این که since در جمله آمده است، لازم است فعل به صورت حال کامل ساده مورد استفاده قرار گیرد. مورد قابل توجه دیگر در این تست، کاربرد percentage است. percent که علامت آن ٪ است با عدد به کار می‌رود، اما percentage واژه عام‌تری است که همراه با عدد به‌کار نمی‌رود.

138- This close connection between Polish Romanticism and Polish history became one of the defining qualities of the literature of Polish Romanticism period, differentiating it from ..... other countries.

1) those from
2) that of
3) that in the one from
4) those there are in

۱۳۸- گزینه ۲ صحیح است.

بخش دوم جمله صورت سؤال می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

from literature of other countries
from other countries' literature
from that of other countries

رد گزینه ۱ و ۳: برای بیان مالکیت از of استفاده می‌شود و نه from.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- Though little is yet agreed in Paris as the UN climate talks enter their final days, nobody seems to doubt a deal will be ..... .

1) blown
2) shaken
3) sworn
4) struck

۱۳۹- گزینه ۴ صحیح است.

«اگر چه با نزدیک شدن مذاکرات آب‌وهوایی سازمان ملل به روزهای پایانی خود، هنوز توافقات اندکی در پاریس حاصل شده است، به نظر نمی‌رسد هیچ‌کس تردیدی داشته باشد که توافق حاصل خواهد شد.»

۱) قسمت سوم فعل blow به معنای وزیدن (باد)؛ ۲) قسمت سوم فعل shake به معنای لرزیدن؛ ۳) قسمت سوم فعل swear به معنای قسم خوردن؛ ۴) قسمت سوم فعل strike به معنای ضربه زدن (strike a deal به معنای «دست‌یافتن به یک توافق» است.

140- The coming of the machine age, which placed less of …… on physical strength, might well have been expected to ease the subjection of women.

1) an endeavor 2) a distinction 3) a premium 4) an aggression

۱۴۰- گزینه ۳ صحیح است.

«با ظهور عصر ماشین، که ارزش کم‌تری برای نیروی فیزیکی قائل شد، انتظار می‌رفته است که سوءاستفاده از زنان کاهش پیدا کند.»

۱) تلاش؛ ۲) تمایز؛ ۳) ارزش؛ ۴) تهاجم

141- When dinosaurs lived, this region was hot and humid, so there would have been no need for them to …… .

1) emerge 2) sprout 3) hibernate 4) evaporate

۱۴۱- گزینه ۳ صحیح است.

«زمانی که دایناسورها زندگی می‌کردند، این منطقه گرم و مرطوب بود، بنابراین نیازی نبود که به خواب زمستانی بروند.»

۱) پدیدار گشتن؛ ۲) جوانه زدن؛ ۳) به خواب زمستانی رفتن؛ ۴) تبخیر شدن

142- The manager considered the support of his staff …… for the success of his project; he knew that without their cooperation he alone could not even think of it.

1) indispensable 2) concurrent 3) redundant 4) spontaneous

۱۴۲- گزینه ۱ صحیح است.

«مدیر حمایت از کارکنان خود را برای موفقیت پروژه‌اش ضروری دانست؛ او می‌دانست که بدون همکاری آن‌ها، به تنهایی نمی‌توانست حتی به آن فکر کند.»

۱) ضروری؛ ۲) همزمان؛ ۳) بیش از حد؛ ۴) خودبه‌خود

143- The actor was known for giving very …… answers to interviewers, so everyone was surprised when he spoke to the journalist at length about his early life and his influences.

1) reliable 2) compatible 3) covert 4) laconic

۱۴۳- گزینه ۲ صحیح است.

«این بازیگر به پاسخ‌های بسیار موجزش به مصاحبه‌کنندگان معروف بود، بنابراین وقتی در مورد دوران کودکی‌اش و تأثیرش با خبرنگار به تفصیل صحبت کرد، همه شگفت‌زده شدند.»

۱) قابل اعتماد؛ ۲) سازگار، منطبق؛ ۳) پنهان؛ ۴) مختصرگو، موجز

144- Sophie did quite poorly on her first two math tests, but on …… exams she averaged between 90 and 100%.

1) subsequent 2) pragmatic 3) hypothetical 4) minimal

۱۴۴- گزینه ۱ صحیح است.

«سوفی در دو امتحان ریاضی اول خود بسیار ضعیف بود، اما در آزمون‌های بعدی میانگینش بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد بود.»

۱) بعدی؛ ۲) عملگرا؛ ۳) فرضیه؛ ۴) حداقل

145- After a comprehensive investigation, the fact-finding committee announced that the accident was caused by a …… .

1) propulsion 2) density 3) defect 4) headway

۱۴۵- گزینه ۳ صحیح است.

«پس از یک بررسی جامع، کمیته حقیقت‌یاب اعلام کرد که این حادثه به علت یک نقص رخ داده است.»

۱) نیروی محرکه؛ ۲) تراکم؛ ۳) نقص؛ ۴) پیشرفت

146- The newly designed national plan sounded perfect in theory, but the authorities did not proceed to implement it because it was not economically …… .

1) frugal 2) inflationary 3) eternal 4) viable

۱۴۶- گزینه ۴ صحیح است.

«طرح ملی که جدیداً طراحی شـــده، در تئوری کامل به نظر می‌رســـید، اما مســـئولین اقدام به اجرای آن نکردند، زیرا از نظر اقتصادی عملی نبود.»

۱) صرفه‌جو، مقتصد؛ ۲) تورمی؛ ۳) ابدی؛ ۴) قابل اجرا، ماندنی، دارای امکان موفقیت، عملی

147- While the members of the president's cabinet wanted him to take a belligerent stance against a neighboring country, the president sought a peaceful …… .

1) continuum 2) compromise 3) impression 4) stimulation

۱۴۷- گزینه ۲ صحیح است.

«در حالی که اعضای کابینه رئیس جمهور خواستار موضع خصمانه علیه یک کشور همسایه شدند، رئیس جمهور به دنبال سازش صلح‌آمیز بود.»

۱) پیوستگی؛ ۲) سازش؛ ۳) تصور؛ ۴) تحریک

148- During a violent revolt in 1989, the Romanian people did whatever they could to …… the government that was no longer sensitive to their needs.

1) inflict 2) impose 3) overthrow 4) diminish

۱۴۸- گزینه ۳ صحیح است.

«در طول شورش‌های خشونت‌آمیز در سال ۱۹۸۹، مردم رومانی برای سرنگونی حکومتی که دیگر به نیازهای آن‌ها توجهی نداشت، هر کاری که می‌توانستند می‌کردند.»

۱) تحمیل کردن؛ ۲) تحمیل کردن؛ ۳) سرنگون کردن؛ ۴) کاهش دادن

149- Tom Bradley once observed that the only thing that will stop you from …… your dreams is you.

1) fulfilling 2) foretelling 3) persevering 4) speculating

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«تام بردلی اظهار داشت تنها چیزی که شما را از برآوردن رؤیاهایتان بازمی‌دارد، خود شما هستید.»

۱) برآوردن؛ ۲) پیش‌بینی کردن؛ ۳) حفظ کردن؛ ۴) حدس زدن

150- …… and greed are said to always attract bad karma. You may benefit in the short term, but you will end up paying later.

1) Autonomy 2) Longevity 3) Reaction 4) Malice

۱۵۰- گزینه ۴ صحیح است.

«گفته شده که سوءنیت و حرص همیشه کارمای بد را جذب می‌کند. ممکن است در کوتاه‌مدت سود ببرید، اما بعداً نتیجه‌اش را خواهید دید.»

۱) خودمختاری؛ ۲) طول عمر؛ ۳) واکنش؛ ۴) سوءنیت

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

Since antiquity, human beings have imagined life spread far and wide in the universe. Only recently has science caught up, as we have come to understand the nature of life on Earth and the possibility that life exists elsewhere. Recent discoveries of planets orbiting other stars and of possible fossil evidence in Martian meteorites have gained considerable public acclaim. And

the scientific case for life elsewhere has grown stronger during the past decade. There is now a sense that we are verging on the discovery of life on other planets.

To search for life in our solar system, we need to start at home. Because Earth is our only sample of a planet endowed with life, we can use it to understand the conditions needed to spawn life elsewhere. As we define these conditions, though, we need to consider whether they are specific to life on Earth or general enough to apply anywhere.

Our geologic record tells us that life on Earth started shortly after life's existence became possible_only after protoplanets (small, planet-like objects) stopped bombarding our planet near the end of its formation. The last "Earth-sterilizing" giant impact probably occurred between 4.4 and 4.0 billion years ago. Fossil microscopic cells and carbon isotopic evidence suggest that life had grown widespread some 3.5 billion years ago and may have existed before 3.8 billion years ago.

Once it became safe for life to exist, no more than half a billion years_and perhaps as little as 100 million to 200 million years_passed before life rooted itself firmly on Earth. This short time span indicates that life's origin followed a relatively straightforward process, the natural consequence of chemical reactions in geologically active environment. Equally important, this observation tells us that life may originate along similar lines in any place with chemical and environmental conditions akin to those of Earth.

151- What is the main purpose of the passage?

1) To highlight that human imagination preceded scientific inquiry into life forms on other planets
2) To form a base for our search for life forms elsewhere in the solar system
3) To chronicle the evolution of organisms on the planet Earth
4) To describe life forms that appeared on Earth

۱۵۱- گزینه ۲ صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌های متن و جمله آخر متن همگی در خصوص حیات در منظومه شمسی هستند.

152- Which of the followings best describes the general reception of the discoveries mentioned in Paragraph 1?

1) Disbelieving 2) Cautious 3) Enthusiastic 4) Skeptical

۱۵۲- گزینه ۳ صحیح است.

public acclaim در جمله زیر

Recent discoveries of planets orbiting other stars and of possible fossil evidence in Martian meteorites have gained considerable public acclaim.

به معنای تحسین عمومی است که نشان‌دهنده اشتیاق است.

153- Which of the following statements is supported by the passage?

1) Conditions on Earth conducive to life formation may not necessarily be similar to those we may find elsewhere in the solar system where life is likely to the present.

2) The fact that more than half a billion years had to elapse before life appeared on Earth indicates that the first life forms must have been much more complicated than we once imagined.

3) The evidence obtained from the analysis of fossil evidence in Martian meteorites categorically proves that life on Earth has a Martian origin.

4) We are about to discover locations in parts of outer space where conditions are similar to the conditions on Earth.

۱۵۳- گزینه ۱ صحیح است.

در پاراگراف دوم متن اشاره شده که زمین تنها نمونه حیات در دست برای بررسی است، اما باید بررسی شود که شرایطی که منجر به شکل‌گیری حیات در زمین شده، لزوماً همه‌گیر است یا خیر.

154- It can be concluded from the passage that it was impossible for life to originate on Earth …… .

1) when planet_like objects stopped impacting it

2) some time before 4.4 and 4.0 billion years ago

3) about half a billion years after the last giant impact

4) when chemical reactions began to become abundant

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است.

در پاراگراف سوم متن گفته شده: «حیات در کره زمین پس از اندک‌زمانی از امکان زیست در آن آغاز شده است، زمانی که پروتوپلانت‌ها بمباران زمین را متوقف کردند. آخرین آثار «استریل کردن» عظیم زمین، احتمالاً بین ۴.۴ تا ۴.۰ بیلیون سال پیش رخ داده است.»

155- The word “those” in Paragraph 4 refers to …… .

1) life forms 2) lines 3) chemical reactions 4) conditions

۱۵۵- گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به این که akin to به معنای «مشابهِ/مانندِ» است، لازم است اسم قبل و بعد به یک موضوع اشاره داشته باشند. بنابراین these به conditions بازمی‌گردد.

Passage 2:

Ants number approximately ten thousand trillion worldwide. Each individual ant scarcely weighs anything, but put together they weigh roughly the same as all of mankind. They are also ubiquitous, thriving everywhere except on icy mountain peaks and around the Poles. No one knows precisely how many species there are, but it is estimated at over 20,000. For an animal of its size, ants have been incredibly successful and his success owes much to the highly sophisticated social behavior they exhibit.

In colonies that range in size from a few hundred to tens of millions, they organize their roles with a clear division of labor: a queen or queens whose job it is to reproduce; some fertile males who die shortly after mating with the queen; and the rest are sterile females who make up the main population of workers and soldiers, toiling away in a determined fashion. In some species, the bodies of these sterile females are adapted to the different jobs they have within the nest: building and expanding the nest, foraging for food, defending against predators and so on.

How they achieve this level of organization and synchronization is even more amazing. Where we use sound and sight to communicate, ants depend primarily on pheromones, chemicals emitted by individuals and smelled or tasted by nestmates. A given species produces just ten to twenty signals, which unlike human language are entirely instinctive messages. A pheromone trail left by a foraging and will lead others straight to where the food is. When an individual ant comes under attack or is dying, it sends out an alarm pheromone to alert the colony to mobilize as a defense unit.

In fact, when it comes to the art of war, ants are unsurpassed. They are completely fearless and will readily take on prey much larger than themselves, attacking in deadly swarms and overwhelming their target. Such is their dedication to the common good of the colony that workers will also sacrifice their own los to help others defeat the enemy.

Behaving in this altruistic and dedicated manner, these little creatures have flourished on Earth for more than 140 million years, long outlasting dinosaurs. Because they think as one, they have a collective intelligence greater than the sum of its individual parts something you could hardly say of must species.

156- Which of the following is the best title for the passage?

1) Ants: Civilized Insects

2) Why Ants are Omnipresent

3) Ants’ Evolution over Time

4) Great Thinkers in the Animal Kingdom

۱۵۶- گزینه ۱ صحیح است.

جملات اول پاراگراف‌های متن و جمله آخر متن همگی در خصوص سازماندهی منظم و کار گروهی مورچه‌ها هستند.

157- It can be inferred from the passage that ants …… .

1) cannot manage to survive in regions with cold climates
2) acquire their system of communication gradually based on their needs
3) show sort of linguistic behavior that is as complicated as that of humans
4) never lose a fight to other animal species that may dare to attack their colonies

۱۵۷- گزینه ۱ صحیح است.

در پاراگراف اول متن گفته شده:

They are also ubiquitous, thriving everywhere except on icy mountain peaks and around the Poles.

آن‌ها همچنین همه جا هستند، در همه جا رشد می‌کنند، به‌جز در قله‌های کوه یخی و اطراف قطب‌ها.

158- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

1) What evidence is available to prove that human language is acquired?
2) Why do we not exactly know how many ant species exist?
3) How do ants organize and synchronize their activities?
4) When did dinosaurs go extinct?

۱۵۸- گزینه ۳ صحیح است.

پاراگراف سوم متن به این موضوع پرداخته است.

159- Based on the passage, NONE of the following statements is true about pheromones EXCEPT that they …… .

1) may be produced when there is no obvious stimulus to trigger their production
2) are instinctive messages and limited in number
3) each works like a sound in human language
4) are universal among different ant species

۱۵۹- گزینه ۲ صحیح است.

در پاراگراف سوم متن گفته شده:

A given species produces just ten to twenty signals, which unlike human language are entirely instinctive messages.

یک نوع تنها می‌تواند ۱۰ تا ۲۰ علامت تولید کند که برخلاف زبان انسان، پیام‌ها کاملاً غریزی هستند.

160- Which of the followings best describes the tone of the passage?

1) Critical and demanding
2) Scholarly and concerned
3) Euphoric but contused
4) Neutral and objective

۱۶۰- گزینه ۴ صحیح است.

متن به صورت منطقی در مورد سازماندهی و نظم مورچه‌ها، علت و نحوه این نظم و نیز اتحاد آن‌ها توضیحاتی ارائه کرده است.

۲- سؤالات زبان عمومی گروه فنی-مهندسی و علوم پایه

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- The interweaving of so many different parts of physics …… the tight logical structure of the laws of nature.

1) illustrates 2) illustrating 3) they illustrate 4) are illustrated by

۱۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

صورت سؤال دارای فاعل (interweaving) است، اما جمله فعل ندارد. بنابراین در جای خالی باید فعل قرار بگیرد که گزینه ۲ و ۳ رد می‌شود. همچنین با توجه به مفرد بودن فاعل، گزینه ۴ رد می‌شود.

132- According to noted neurologist Antonio R. Damasio, joy or sorrow can emerge …… physical changes in the body.

1) only after does the brain register 2) to register the brain after only
3) only after the brain registers 4) to register only after the brain

۱۳۲- گزینه ۳ صحیح است.

گزینه ۱ ساختار سؤالی دارد که دلیلی بر استفاده از آن در وسط این جمله نیست، پس این گزینه رد می‌شود. همچنین only تنها هنگامی موجب وارونگی در جمله می شود (جابه‌جایی فعل و فاعل) که ابتدای جمله با شد و در و سط جمله چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. بنابراین گزینه ۴ نیز صحیح نیست. در گزینه ۲، only after به صورت after only آمده است که ساختار غلطی است.

133- The traffic light turns red, you stop, and an old lady steps into the crosswalk from the left. All of a sudden you are overcome with a feeling that you have been here before_ in the same car, at the same crosswalk, …… .

1) the same woman to step off the curb in the same way
2) in the same way the same woman for stepping off the curb
3) with the same way and the same woman to step off the curb
4) with the same woman stepping off the curb in the same way

۱۳۳- گزینه ۴ صحیح است.

گزینه ۲ رد می‌شود، چون قبل از the same woman در گزینه ۲، برای ارتباط با کلمه قبلی یا حرف اضافه باید آورده شود و یا با ویرگول فاصله‌گذاری شود که هیچ‌یک رعایت نشده است.

در رد گزینه ۱ و ۳ نیز می‌توان گفت که در این‌جا بیان هدف، قصد جمله نبوده و ضرورتی ندارد از مصدر با to استفاده شود، چون حالت توصیفی دارد، استفاده از جمله‌واره وصفی مناسب به نظر می‌رسد.

در این گزینه ۴ حذف ضمیر موصولی داریم. در حقیقت جمله بدین صورت بوده است:

with the same woman which steps off the curb in the same way

که جمله‌واره خلاصه شده و با حذف ضمیر موصولی، فعل به فرم ing تغییر پیدا کرده است.

with the same woman stepping off the curb in the same way

134- Humans like to categorize, Hyde explains, and once we devise categories we immediately start judging …… .

1) one better than as another is
2) one as better than another
3) them of being better than others
4) one better than the other as that is

۱۳۴- گزینه ۲ صحیح است.

هنگام استفاده از ساختار than …… more لازم است قانون ساختار موازی را رعایت کنیم، بدین صورت که عبارت قبل و بعد از than باید همسان باشند. تنها در گزینه ۲ این موضوع رعایت شده است.

135- Pity Dorothy, *The Wizard of Oz* heroine, ran into her home in the face of an approaching "cyclone" after …… out of the storm cellar.

1) her locking 2) being locked 3) having locked 4) locking

۱۳۵- گزینه ۲ صحیح است.

بعد از حرف اضـــافه باید فعل در فرمت ing ظاهر شـــود، بنابراین در جای خالی به یک فرم ing نیاز داریم. با توجه به این که فاعل فعلِ جای خالی در جمله نیست، لازم است فعل به فرم مجهول به کار رود. تنها گزینه ۲ مجهول است.

136- Catarrhine primates, the group that includes the Old World monkeys are all able to tactically dupe members of their own species. The deceptiveness is not built into their appearance, as with the mirror orchid, …… in rigid behavioral routines like those of the hog-nosed snake.

1) it is neither encapsulated 2) it is not encapsulated either
3) nor is it encapsulated 4) and so is not encapsulated

۱۳۶- گزینه ۳ صحیح است.

هنگامی که ساختار nor در ابتدای یک جمله آورده شود، باعث می‌شود که وارونگی در جمله رخ بدهد، یعنی باید ترتیب فاعل و فعل عوض شود.

137- Insurance companies have reporting an increase …… the instructions of their sat-navs.

1) in accidents caused by drivers obediently following
2) drivers cause in the accidents after following obediently
3) of accidents do drivers cause when they obediently follow
4) which drivers are caused in accidents by obediently following

۱۳۷- گزینه ۱ صحیح است.

حرف اضافه فعل increase، in است. به روش‌های استفاده از فعل increase توجه کنید:

- increase (from A) (to B): The population has increased from 1.2 million to 1.8 million.
- increase in something: Oil increased in price.
- increase by something: The rate of inflation increased by 2%.
- increase with something: Disability increases with age (= the older somebody is, the more likely they are to be disabled).
- increase something (from A) (to B): We need to increase productivity.
- increase something (by something): They've increased the price by 50%.

138- When the next earthquake strikes the impressive but crowded city of Istanbul ……., the consequences are likely to be incredibly terrible.

1) whose population is over ten millions
2) with its population of over ten million
3) of an over ten millions population
4) in its population over ten million

۱۳۸- گزینه ۲ صحیح است.

million هنگامی که به همراه عدد بیاید، به صورت مفرد مورد ا ستفاده قرار می‌گیرد. بنابراین گزینه ۱ و ۳ غلط ا ست. برای این که میزان جمعیت بعد از کلمه population بیاید، باید بعد از آن یک of قرار گیرد، همانند مثال زیر:

Japan has a population of nearly 130 million.

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (l), (2), (3), or (4) that best completes the. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- The link between ivory and violence adds even more …… to the need to quash this deadly trade.

1) dispute 2) speculation 3) ingenuity 4) urgency

۱۳۹- گزینه ۴ صحیح است.

«ارتباط بین عاج و خشونت، نیاز فوری به لغو این تجارت مرگبار را تشدید کرده است.»

۱) اختلاف، نزاع؛ ۲) حدس و گمان؛ ۳) نبوغ؛ ۴) ضرورت

140- Astronomers have been able to examine much of the universe's history by training their telescopes on distant galaxies and quasars that …… their light billions of years ago.

1) emitted 2) disguised 3) replicated 4) impeded

۱۴۰- گزینه ۱ صحیح است.

«ستاره‌شناسان توانسته‌اند بخش زیادی از تاریخ جهان را با متمرکز کردن تلسکوپ‌های خود بر کهکشان‌های دور و کوازارها که نور خود را میلیون‌ها سال پیش منتشر کرده‌اند، بررسی کنند.»

۱) ساتع کرد، منتشر کرد؛ ۲) تغییر قیافه داد، مبدل پوشید؛ ۳) تکرار کرد؛ ۴) ممانعت کرد

141- When J. Langdon Down first described savant syndrome in 1887, coining its name and noting its association with …… powers of memory, he cited a patient who could recite Edward Gibbon's The Decline and Fall of the Roman Empire verbatim.

1) implicit 2) hasty 3) astounding 4) innovative

۱۴۱- گزینه ۳ صحیح است.

«هنگامی که جی. لنگدون داون برای اولین بار سندرم ساوانت را در سال ۱۸۸۷ توضیح داد و آن را نام‌گذاری کرد و ارتباط آن با قدرت‌های شگفت‌آور حافظه را بیان کرد، به یک بیمار ا شاره کرد که می‌توانست «انحطاط و سقوط امپراطوری روم» ادوارد گیبون را کلمه‌به‌کلمه از حفظ بخواند.»

۱) ضمنی؛ ۲) شتابزده؛ ۳) عجیب و غریب؛ ۴) نوآورانه

142- Because anemia can be treated with blood transfusions, some historians state that in the dark ages people with porphyria might have tried drinking blood as a folk …… .

1) misnomer 2) remedy 3) persistence 4) prejudice

۱۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

«از آن‌جایی که کم‌خونی می‌تواند با تزریق خون درمان شود، برخی مورخان می‌گویند که افراد مسن مبتلا به پورفیریا ممکن است نوشیدن خون را به عنوان یک درمان محلی امتحان کنند.»

۱) نام غلط؛ ۲) درمان؛ ۳) پایداری؛ ۴) تعصب

143- The toxins will cause the white blood cells to …… to the point they are no longer able to fight germs.

1) demote 2) degenerate 3) evolve 4) soar

۱۴۳- گزینه ۲ صحیح است.

«سموم باعث می‌شوند که گلبول‌های سفید خون رو به زوال روند و دیگر توانایی مبارزه با میکروب‌ها را نداشته نباشند.»

۱) تنزل رتبه دادن؛ ۲) از بین فتن؛ ۳) استنتاج کردن؛ ۴) اوج گرفتن

144- The history of the kingdom of Naples is …… interwoven with that of Sicily, with which for long periods it was united as the kingdom of the two Sicilies.

1) loyally 2) zealously 3) inflexibly 4) inextricably

۱۴۴- گزینه ۴ صحیح است.

«تاریخ پادشاهی ناپل به‌صورت جدایی‌ناپذیری با سیسیل درهم آمیخته است، که برای مدتی طولانی با آن به عنوان پادشاهی دو سیسیل متحد شده بود.»

۱) وفادارانه؛ ۲) مشتاقانه؛ ۳) به‌طرز انعطاف‌پذیر؛ ۴) به‌طور جدایی‌ناپذیر

145- When a big company takes over a little company, the smaller company loses its separate identity and is …… the bigger one.

1) attributed to 2) challenged by 3) assimilated into 4) detracted from

۱۴۵- گزینه ۳ صحیح است.

«هنگامی که یک شرکت بزرگ یک شرکت کوچک را جذب می‌کند، شرکت کوچک‌تر هویت جداگانه خود را از دست می‌دهد و در [شرکت] بزرگ‌تر تلفیق می‌شود.»

۱) نسبت داده‌شده به؛ ۲) به چالش کشیده‌شده توسط؛ ۳) جذب کردن در، تلفیق کردن در؛ ۴) تخریب‌شده به علت

146- To be better able to do his call presentation, the history student …… the information he found in the encyclopedia with interviews of people who had fought in the war.

1) augmented 2) gathered 3) exploited 4) concurred

۱۴۶- گزینه ۱ صحیح است.

«دانشـــجوی تاریخ، اطلاعاتی را که در دایره‌المعارف با مصـــاحبه با افرادی که در جنگ جنگیده بودند، پیدا کرد، برای بهبود ارائه‌اش، اضافه کرد.»

۱) افزود؛ ۲) جمع‌آوری کرد؛ ۳) بهره‌برداری کرد؛ ۴) موافقت کرد

147- For most of us, there is an obvious discrepancy between the current self and the ideal future self. Self-discrepancy theory states that people will be motivated to reduce this discrepancy so that their current self begins to …… their vision of their ideal self.

1) contradict 2) overcome 3) disillusion 4) approach

۱۴۷- گزینه ۴ صحیح است.

«برای اکثر ما اختلاف آشـــکاری بین خود کنونی و آینده ایده‌آل وجود دارد. نظریه خودمحور بیان می‌کند که به مردم انگیزه داده می‌شود تا این اختلاف را کاهش دهند، به طوری که خود کنونی‌شان را به دیدگاه خود ایده‌آلشان نزدیک کنند.»

۱) تناقض داشتن؛ ۲) غلبه کردن؛ ۳) بیداری از خواب و خیال؛ ۴) نزدیک شدن

148- Wayan Suta Negara was born on the slope of the sacred volcano but was forced to leave his home recently when fears of an eruption led to a mass …… .

1) genocide 2) evacuation 3) expediency 4) anomaly

۱۴۸- گزینه ۲ صحیح است.

«وایان سوتا ناگارا در شیب آتشفشان مقدس متولد شد، اما اخیراً، که ترس از فوران منجر به تخلیه جمعی شد، مجبور شد خانه خود را ترک کند.»

۱) نسل‌کشی؛ ۲) تخلیه؛ ۳) مصلحت؛ ۴) ناهنجاری

149- Pterosaurs terrorized the skies for more than 160 million years until they went extinct alongside the dinosaurs some 66 million years ago. They are the largest animals to have ever flown, with some like the …… Quetzalcoatlus having wingspans as large as fighter jets.

1) colossal 2) primary 3) influential 4) coincidental

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«پتروزوئرها بیش از ۱۶۰ میلیون سـال اسـت که بر آسـمان‌ها تسـلط دارند تا ۶۶ میلیون سـال پیش که به‌همراه دایناسـورها منقرض شدند. آن‌ها بزرگترین حیواناتی هستند که تا به حال پرواز کرده‌اند، مانند برخی از کوئتزالکواتلوس‌های عظیم‌الجثه که دارای بال‌هایی پهن به اندازه جت‌های جنگنده هستند.»

۱) عظیم‌الجثه؛ ۲) اولیه؛ ۳) بانفوذ؛ ۴) تصادفی

150- While the brain, a physical entity, is …… scientific investigation, the mind—an abstract, elusive quarry—is far less so, and questions about its architecture have occupied philosophers at intervals since classical antiquity.

1) resistant to 2) hazardous for 3) amenable to 4) consistent with

۱۵۰- گزینه ۳ صحیح است.

«در حالی که مغز، یک موجودیت فیزیکی، برای یک تحقیق علمی قابل پا سخ‌دهی ا ست، ذهن، به عنوان یک معدن گریزناپذیر انتزاعی، به‌مراتب کمتر این‌گونه است، و سؤالاتی در مورد معماری آن، [ذهن] فلاسفه را در زمان‌های مختلف از عصر کلاسیک به خود مشغول کرده است.»

۱) مقاوم در برابر؛ ۲) خطرناک برای؛ ۳) قابل جوابگویی؛ ۴) سازگار با

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark the correct choice on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

The new study, published on Tuesday in the journal PLOs Computational Biology, looked at city dwellers all living in the same time zone in southern Europe. In previous work with the same data, the researchers estimated how often users called one another. Eventually, the scientists began to wonder whether there were patterns in the timing of calls. As it turned out, there were clear peaks and dips in phone calls throughout the day. One peak in outgoing calls was always at midday, while another was in the evening. In one city the group studied, for example, the early peak was centered around noon, while another occurred at 9 p.m. The lowest likelihood of calls going out was at around 4 p.m. and 4 a.m.

Over the course of the year, however, there was a noticeable shift. The last call times crept later during a stretch of three or four months, even as the earliest call times grew earlier. The peak calling periods moved as well, with the morning peak moving earlier and the evening peak moving later. Then, the process reversed direction. By the end of the year, the pattern somehow comes back to the same point where it was one year ago. The timing of this shift wasn't random: It moved in tandem with the lengthening of days during summer and shorter days of winter.

Other factors might affect the times that people make phone calls, including school and work schedules. To factor out these social influences, the researchers ordered cities according to how far west they were in the time zone. They then looked to see whether city with a slightly earlier sunrise and sunset saw a corresponding shift in its calling pattern, compared to a city with a later diurnal cycle. Indeed, the timing of the last calls and the first calls closely tracked the movement of the sun. In one group of five cities, there was about a 40-minute difference between the easternmost city and the westernmost one, even though schools got out at the same time and other factors were the same.

151- What is the main point made by the passage about the timing of calls?

1) It does not follow a similar pattern worldwide.

2) It tends to be longer when people are not working.

3) It follows a pattern dependent on the length of daytime during the year.

4) It seems to be random in all seasons during the year with more stability in summer time.

۱۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

در پاراگراف دوم گفته شده:

The timing of this shift wasn't random: It moved in tandem with the lengthening of days during summer and shorter days of winter.

این تغییر زمان‌بندی تصادفی نبود: همراه با طول روزهای تابستان و روزهای کوتاه زمستان تغییر می‌کرد.

همچنین در پاراگراف آخر گفته شده:

Indeed, the timing of the last calls and the first calls closely tracked the movement of the sun.

در حقیقت، زمان آخرین تماس و اولین تماس از زمان تغییر مکان خورشید تبعیت می‌کرد.

152- The word "another" in Paragraph 1 refers to …… .

1) city 2) call 3) group 4) peak

۱۵۲- گزینه ۴ صحیح است.

اولین اسمی که قبل از another است و ساختار مشابه آن را در جمله دارد، peak است.

153- The findings of the research endeavor described in the passage support which of the following statements?

1) The timing pattern of calls made by people in the same time zone follows a predictable trend.

2) Phone call peaks and dips do constantly undergo changes in cities in the same season based on how busy the callers are.

3) Reasons for change in people's phone call habits are different in different time zones.

4) The duration of phone calls made by individual people is not fixed all through a year.

۱۵۳- گزینه ۱ صحیح است.

در متن گفته شده:

To factor out these social influences, the researchers ordered cities according to how far west they were in the time zone. …….. . Indeed, the timing of the last calls and the first calls closely tracked the movement of the sun.

که نشان‌دهنده وجود الگویی در مکالمات تلفنی در یک منطقه زمانی است.

154- Which of the following best describes the function of Paragraph 3 in relation to the first two paragraphs?

1) It refers to some other research studies already done in cities with different time zones to see if the findings of the study reported in the first two paragraphs are valid enough.
2) It reports the attempt made by some new scholars to duplicate the study described in the first two paragraphs to see if the findings thereof are confirmed.
3) It describes a follow-up study to investigate the role of some possible intervening variables in determining the timing of the calls.
4) It provides evidence which is intended to qualify the claim made in the first two paragraphs.

۱۵۴- گزینه ۳ صحیح است.

در پاراگراف سوم، گفته شده که برای بررسی متغیرهای مداخله‌گری مثل زمان‌بندی مدارس و مشاغل، پژوهشی انجام شده است، که نشان‌دهنده عدم تأثیر این متغیرها بوده است.

155- Which of the following best describes the author's attitude towards the subject of the passage?

1) Indifference 2) Impartiality 3) Amusement 4) Skepticism

۱۵۵- گزینه ۲ صحیح است.

نویسنده به بیان نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بدون قضاوت و با بی‌طرفی پرداخته است.

Passage 2:

Get ready to nuke your packed lunch anywhere: a second microwave cooking revolution is around the corner. As well as portable ovens you can stick in a backpack, advances in electronics will enable appliances that detect when their contents are thawed or about to boil ever, and smart ovens which cook multiple items at different rates simultaneously.

Conventional microwave ovens use a cavity magnetron, a vacuum tube developed for radar during the Second World War. Magnetrons are heavy and not efficient at generating microwaves. They may also create hotspots during cooking a problem that rotating the even's contents on a turntable does not totally solve.

Laterally diffused metal oxide semiconductor (LDMOS) microwave sources promise to change that. Similar to those used in cellphone towers and microwave communication systems, they are now being worked on by firms such as NXP, based in Eindhoven, the Netherlands. "The underlying technology has been here a long time. We're making changes to make it more specific and suited for consumer cooking appliances," says NXP's Paul Hart.

The compactness and high efficiency of the source makes portable microwave cookery possible, such as the 1.5-kilogram Adventurer from Wayv, a company based in Hertford, UK. The size of a large thermos flask, it uses an NXP source that can heat up to half a liter of food or drink, in cycles of up to 5 minutes. The rechargeable lithium-ion battery is good for six cycles on a charge.

The Adventurer raised £150,000 in less than 19 hours on the crowd funding site CrowdCube in 2014. It will be launched first in the US early next year, and will cost about $200. Wayv envisages it being used by campers and hikers, as well as the military and first responders. Unlike with camp stoves, it produces no telltale smoke and carries no risk of carbon monoxide poisoning.

156- What does paragraph 1 mainly discuss?

1) New places that campers can hope to travel to thanks to a second microwave cooking revolution
2) Features of some new appliances that are intended to be included in new microwave ovens
3) The advantages of microwave cooking on camping trips
4) Properties of a novelty that is down the line

۱۵۶- گزینه ۴ صحیح است.

در این پاراگراف در ابتدا صحبت از یک انقلاب در مایکروفر است و بعد به بیان ویژگی‌های آن پرداخته شده است.

157- What does the word “that” in Paragraph 3 refer to?

1) Hotspot created during cooking
2) Conventional microwave oven size
3) Rotating the oven’s contents on a turntable
4) Use of a cavity magnetron in microwave ovens

۱۵۷- گزینه ۴ صحیح است.

در پاراگراف اول در مورد یک نوآوری صحبت شده و در پاراگراف دوم به مشکلات حفره مگنترون در مایکروفرهای مرسوم پرداخته شده است و در نهایت به وعده مایکروفرهای جدید مبنی بر رفع آن در پاراگراف سوم اشاره شده است.

158- The statement quoted from Paul Hart in Paragraph 3 is intended to …… .

1) contrast a new technology with an old one
2) supplement an earlier assertion
3) publicize a new concept
4) define a term

۱۵۸- گزینه ۲ صحیح است.

در بخش اول پاراگراف به رفع یک مشکل در مایکروفرهای مرسوم اشاره شده و سپس نقل قولی از پاول هارت آورده شده مبنی بر این‌که فناوری زیرساختی خیلی وقت است که وجود دارد و تنها کافی است برای نیازهای وسایل آشپزی مشتریان مناسب‌سازی شوند. بنابراین به نوعی تکمیل‌کننده ادعای قبلی است.

159- None of the following can be inferred about the appliance made by Wayv EXCEPT that it …… .

1) was made in collaboration with NXP

2) heats food contents faster than conventional ovens

3) is more suitable for campers to carry around with them

4) works on a battery that can be recharged as many as six times

۱۵۹- گزینه ۳ صحیح است.

در پاراگراف چهارم درمورد فشردگی و کارایی این مایکروفر قابل حمل صحبت شده و سپس در پاراگراف پنجم گفته شده که پیش‌بینی می‌شود که توسط کوهنوردان یا کسانی که به کمپ می‌روند مورد استفاده قرار گیرد.

160- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

I. Why does the Adventurer produce no telltale smoke?

II. Are magnetrons still used in the construction of radar?

III. Are conventional microwave ovens likely to cause carbon monoxide poisoning?

IV. What makes portable microwave cookers portable compared with conventional microwave ovens?

1) IV 2) I 3) II and III 4) I and IV

۱۶۰- گزینه ۱ صحیح است.

به سؤال ۱ پاسخی داده نشده و فقط در پاراگراف آخر گفته شده که ادونچرر دود تولید نمی‌کند، اما به دلیل آن اشاره نشده است.

به سؤال ۲ نیز پاسخی داده نشده، فقط گفته شده در جنگ جهانی دوم، مگنترون در ساخت رادار مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

همچنین به سؤال ۳ پاسخی داده نشده و فقط گفته شده در مایکروفرهای مرسوم از حفره مگنترون استفاده می‌شود.

سؤال ۴: در پاراگراف سوم به این سؤال پاسخ داده شده است.

منابع

- Admissions Consultants (2010). *GMAT Reading Comprehension*
- English Yogi (2010). *Reading Comprehension*
- Beare, Kenneth (2010). *How to Take a Reading Comprehension Multiple Choice Test*
- Murphy, Raymond (2012). *English Grammar in Use (1, 2 & 3)*
- Phillips, Beborah (2001). *Longman Complete Course for the Toefl Test*
- جزوه زبان تخصصی مهندسی عمران، مهندس بابک رستمی
- زبان انگلیسی عمومی، انتشارات پردازش
- زبان عمومی آزمون دکتری، انتشارات فرهنگ
- راهنمای کامل دستور زبان انگلیسی، انتشارات فرهنگ

www.Phdtest.ir

وب سایت پی اچ دی تست

نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

- دانلود دفترچه های آزمون دکتری سراسری و آزاد

- اطلاع از رشته های مورد پذیرش

- رشته های مرتبط با رشته دکتری

- ظرفیت پذیرش دکتری
در هر رشته